

اولین کنفرانس بین‌المللی  
**مدیریت شهرها**  
 با رویکرد توسعه پایدار  
 ۱۷ و ۱۸ خرداد ماه ۱۳۸۹  
 تهران-مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما

The First International Conference on  
**Urban Management**  
 Focused on Sustainable Development

7 & 8 June 2010 - Tehran



دانشگاه تهران



مرکز مطالعات مدیریت شهری



انجمن مدیریت شهری و عمران



مرکز تحقیقات مدیریت شهری و عمران  
 شهر تهران



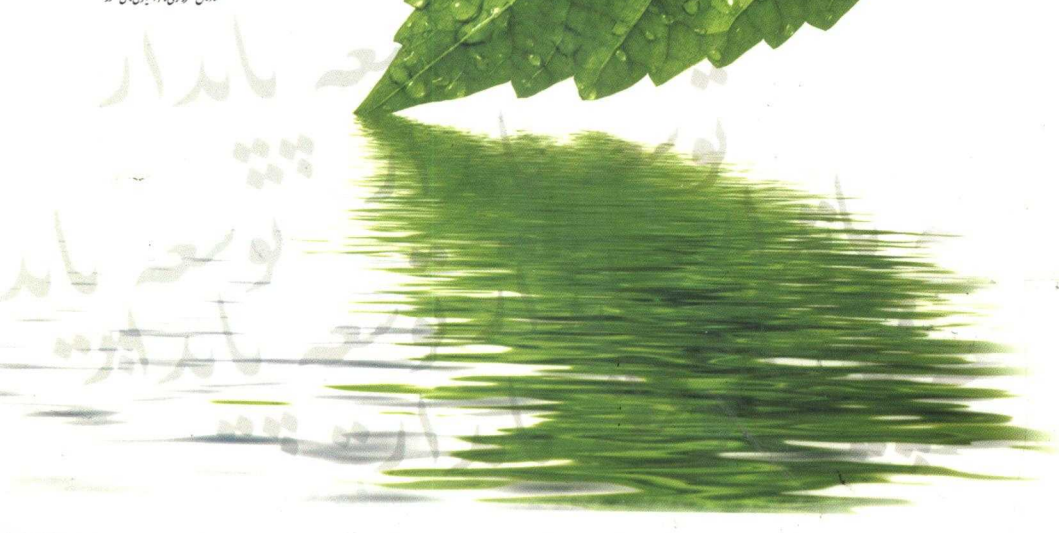
مرکز تحقیقات مدیریت شهری و عمران  
 شهر تهران



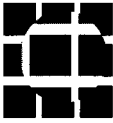
مؤسسه تحقیقات مدیریت شهری و عمران



www.sharifurban.ir



توسعه پایدار



مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی  
شهرسازی و معماری



مرکز  
مطالعات  
تکنولوژی  
دانشگاه صنعتی شریف

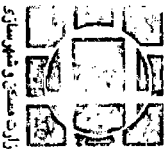
# برگزیده مقالات اولین کنفرانس بین المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار

گردآوری:

مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف

مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

۱۳۸۹



کتابخانه

اسناد و

مدارک علمی

مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری - وزارت مسکن و شهرسازی

سرشناسه

کنفرانس بین المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار (۱۳۸۹: تهران)

International Conference of urban Management Sustainable Development (2010: Tehran)

عنوان و نام پدیدآور : برگزیده مقالات اولین کنفرانس بین المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار / گردآوری

مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف

مشخصات نشر

تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری

۲۵۶ص. : صورت، جدول

فروست

مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری؛ ۱۳۴

شابک

۵- ۱۳- ۵۳۹۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی

فیبا

یادداشت

کتابنامه

موضوع

شهرداری-ایران-کنگره ها

شناسه افزوده

توسعه پایدار-ایران-کنگره ها

شناسه افزوده

ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

شناسه افزوده

دانشگاه صنعتی شریف، مرکز مطالعات تکنولوژی

رده‌بندی کنگره

۱۳۸۹ JS ۴۶۳/۱۲۰۹

رده‌بندی دیویی

۳۵۲/۱۶۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی

۲۰۵۶۸۰۵



مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری



دانشگاه صنعتی شریف

## اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار

نام کتاب: برگزیده مقالات اولین کنفرانس بین المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار

گردآوری: دفتر مطالعات شهری مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف

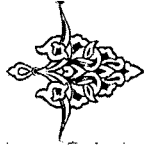
ناشر: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

طراح و گرافیکست: هاشمی - الهی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۵- ۱۳- ۵۳۹۲-۶۰۰-۹۷۸



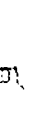
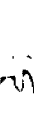
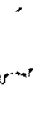
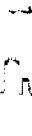
نشانی:

تهران - خیابان ولی عصر - بالاتر از میدان ونک - خیابان شهید خدای - شماره ۵۶ - طبقه نهم

تلفکس: ۸۸۷۹۹۸۱ - ۸۸۷۹۶۵۹

Email: info@causar.gov.ir

website: www.causar.gov.ir



## سخن آغاز

توسعه، فرایندی کمی و کیفی است که در یک جامعه در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن اثر می‌گذارد و سطوح مختلف زندگی را در بر می‌گیرد. توسعه، حاصل فعالیت‌های انسانی است و هر نوع توسعه با هر درجه از کمیت یا کیفیت، محیط‌زیست را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. در این راستا توسعه پایدار به عنوان یک فرایند که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی، فرهنگی جوامع پیشرفته‌است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و بویژه کشورهای در حال توسعه باشد. در سال ۱۹۹۲ در «کنفرانس زمین» توسعه پایدار چنین تعریف شد: رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالحه با نسل‌های آینده در باره نیازهای آن‌ها. توسعه پایدار چشم اندازی مهم و جدید در مدیریت شهری و سیاستگذاری عمومی است. هرچند این روزها بسیاری از دولتمردان و فعالان زیست محیطی به دنبال رسیدن به توسعه پایدار هستند، اما برخی فعالان زیست محیطی این گزینه را برای حفظ محیط زیست کافی نمی‌دانند. در حقیقت توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست محیطی اتفاقی تمرکز ندارد بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه می‌کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است.

موضوع دستیابی به پایداری در ابعاد جهانی است. به نظر می‌رسد با وجود تغییرات انقلاب گونه در نحوه نگرش بشر به تمامی مسائل، می‌بایستی جایگزینی مناسب در اختیار وی قرار گیرد. ایجاد فرهنگ پایداری که یکی از مفاهیم نوپا و مورد توجه در قرن بیست و یکم است، همراه با نگاهی نو به مسائل پیرامون جهان هستی می‌باشد. شاید بتوان پایداری را معادل جامع نگری دانست. نگاه به حال همزمان با نگاه به آینده، به آینده فرزندانمان و فرزندان فرزندانمان، نگاهی که همه ابعاد زندگی بشر را بطور همزمان و همه جانبه دربر گیرد. چنین نحوه تفکری مانع از تقابل بشر و طبیعت برای دستیابی به خواسته‌های انسانی است. برعکس موجب ارزشگذاری والا به مسئولیت‌پذیری در مقابل معضلات پیش آمده از طریق آموختن و خلاقیت در نحوه انجام امور بجای انتقاد و رفتارهای انفعالی است.

در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار بویژه در شهرها، آموزش، کلید دستیابی به جامعه، اقتصاد و سیستم اجتماعی پایدار می‌شود. برای مثال به منظور حمایت از محیط زیست پایدار، هر فرد در جامعه انسانی باید مسئول اقداماتش بوده و نسبت به تاثیرات فعالیت‌هایش بر روی محیط زیست آگاه باشد. اگر مردم از موضوعات محیط زیستی مطلع نباشند آنگاه نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بطور جدی نسبت به تاثیرات



رفتارهای خویش حساس باشند. آموزش، ابزار ضروری برای توسعه مهارتها، دانش و ارزشها در راستای تغییر رفتار برای حمایت از محیط زیست و مفاهیم توسعه پایدار است. ضمن اینکه تصمیم سازی مبتنی بر نظرات مردم بستگی تام به وجود شهروندان آگاه دارد. بحث آموزش برای توسعه پایدار برای اولین بار در فصل ۳۶ دستور کار ۲۱ مطرح گردید. این فصل، تحت عنوان « توسعه آموزش و بالابردن سطح آگاهی » به اهمیت و نقش آموزش در توسعه پایدار پرداخته است.

بدین منظور اولین کنفرانس بین المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار با هدف پاسخگویی به نیاز آموزشی و آکادمیک جامعه علمی کشور و با حمایت مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، توسط مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه شریف برگزار می گردد. امید است با ارتقاء آگاهی و دانش متخصصان و مردم نسبت به شاخصه های مطلوب توسعه پایدار و بکارگیری مفاهیم اساسی توسعه پایدار شهری در ایران، نارسایی های موجود برطرف گردیده و آینده روشنی برای فرزندانمان ترسیم گردد.

علی یقطين  
رئيس مركز مطالعات تکنولوژی  
دانشگاه صنعتی شریف

محمد علی طبرسا  
رئيس مركز مطالعاتی و تحقیقاتی  
شهرسازی و معماری

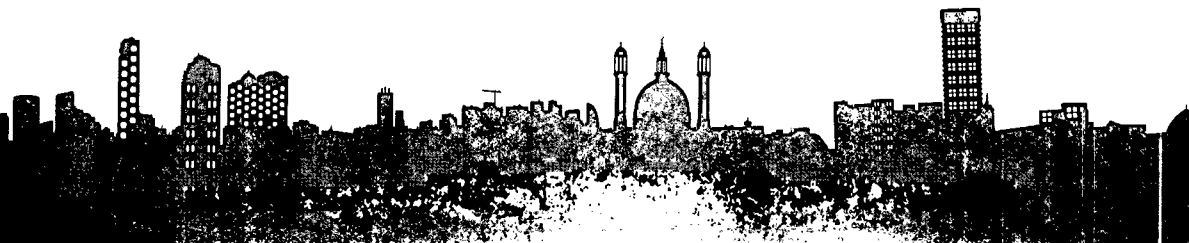


## فهرست مقالات

اولین کنفرانس بین المللی «مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار»

□ بخش اول چکیده مقالات ارائه شده در کنفرانس

- ۸ دولت الکترونیک و حاکمیت شهروندی
- ۹ شاخص های سنجش توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی شهر تهران
- ۱۰ بررسی روش آموزش الکترونیک (دفتر سازمان ملل متحد در امور اسکان بشری) UN - HABITAT بر حکمروایی شایسته شهری
- ۱۱ استخراج مدل های عمومی مدیریت توسعه پایدار شهری در ایران
- ۱۲ تحلیلی بر اصول طراحی محله های پایدار و تبیین معیارهای مدیریتی آن
- ۱۳ چالش های مدیریت شهری پایدار در نگاه به میراث فرهنگی به مثابه سرمایه های تجدید ناپذیر شهر
- ۱۴ تکنیک ها و شیوه های مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت شهری
- ۱۵ مدیریت یکپارچه شهری؛ الزامات و تنگناها- نمونه موردی شهر تهران
- ۱۶ مدیریت ارتباط با مشتری / شهروند در بستر مدیریت شهری عامل موثر بر توسعه پایدار شهری  
مدل: مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷
- ۱۷ اثرسنجی تشکیل شورایارها در بهبود شاخص های توسعه پایدار محلی و چگونگی بهبود آن  
(مطالعه موردی شورایاری محله شهر زیبا)
- ۱۸ تبیین رابطه میان حمل و نقل پایدار شهری و رویکردهای توسعه مبتنی بر آن
- ۱۹ سنجش بعد اجتماعی توسعه پایدار- مطالعه منطقه ۲۲ شهرداری تهران
- ۲۰ زیرساخت سبز شهری، راهکار توسعه پایدار در کلان شهر تهران
- ۲۱ رویکردی جدید برای بازطراحی ساختار فضایی مبتنی بر معیارهای پایداری شهری  
(نمونه موردی: شهر جدید پلادشهر اصفهان)
- ۲۲ مصرف انرژی و چشم انداز آن در ایران و جهان و پتانسیل های صرفه جویی انرژی در بخش حمل و نقل

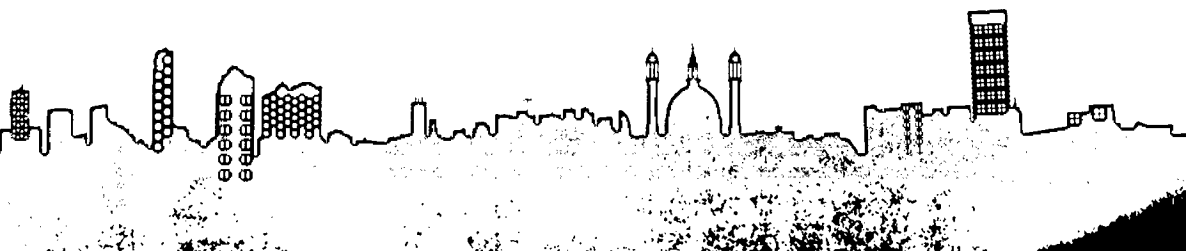


## فهرست مقالات

اولین کنفرانس بین المللی «مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار»

### بخش دوم مقالات برگزیده

توسعه محله ای گامی در راستای پایداری شهر تهران	۲۴
عدالت اجتماعی و نقش آن در توسعه پایدار شهری	۴۳
الزامات مدیریت مناطق کلانشهری در فرآیند جهانی شدن با تأکید بر منطقه کلانشهری تهران	۵۲
شهر فشرده بوم گرا؛ پیشنهادی برای فرم ایده آل شهر پایدار	۷۸
برنامه ریزی شبکه حمل و نقل برای کاهش خسارات در برابر بلایای طبیعی در نواحی شهری؛ (مطالعه موردی محله یافت آباد)	۹۰
بررسی نقش سرمایه های اجتماعی در توسعه پایدار محله ای در رویکرد دارایی محور	۱۰۱
بررسی روش آموزش الکترونیک (دفتر سازمان ملل متحد در امور اسکان بشری) UN - HABITAT بر حکمروایی شایسته شهری	۱۲۲
نقش مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر بابل)	۱۳۸
امکان سنجی کاربرد الگوهای اقلیمی بافت های کهن در توسعه های پایدار شهری؛ (مطالعه موردی بوشهر - عالی شهر)	۱۴۷
ارائه الگویی جهت مکانیابی اثربخش مراکز مدیریت بحران شهری با رویکرد توسعه پایدار؛ (مطالعه موردی شهر اصفهان)	۱۷۱
بررسی راهکارهای ایجاد مدیریت یکپارچه شهری در کشور	۱۹۳
نقش محدوده های پیاده در توسعه پایدار شهرها	۲۰۸
نقش داده ای سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در کاهش آلودگی های زیست محیطی و حفظ اکولوژی شهری؛ مطالعه موردی کلانشهر تبریز	۲۲۴
مدیریت ارتباط با مشتری/ شهروند در بستر مدیریت شهری عامل موثر بر توسعه پایدار شهری	۲۳۶
مدل: مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷	
Sustainable green infrastructure	۲۵۶



# بخش اول

## چکیده مقالات

اولین کنفرانس بین المللی

«مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار»

- دولت الکترونیک و حاکمیت شهروندی
- شاخص های سنجش توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی شهر تهران
- بررسی روش آموزش الکترونیک (دفتر سازمان ملل متحد در امور اسکان بشری) UN-HABITAT بر حکمروایی شایسته شهری
- استخراج مدل های عمومی مدیریت توسعه پایدار شهری در ایران
- تحلیلی بر اصول طراحی محله های پایدار و تبیین معیارهای مدیریتی آن
- چالش های مدیریت شهری پایدار در نگاه به میراث فرهنگی به مثابه سرمایه های تجدید ناپذیر شهر
- تکنیک ها و شیوه های مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت شهری
- مدیریت یکپارچه شهری؛ الزامات و تنگناها- نمونه موردی شهر تهران
- مدیریت ارتباط با مشتری / شهروند در بستر مدیریت شهری عامل موثر بر توسعه پایدار شهری (مدل: مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷)
- اثرسنجی تشکیل شوراییارها در بهبود شاخص های توسعه پایدار محلی و چگونگی بهبود آن (مطالعه موردی شوراییاری محله شهر زیبا)
- تبیین رابطه میان حمل و نقل پایدار شهری و رویکردهای توسعه مبتنی بر آن
- سنجش بعد اجتماعی توسعه پایدار- مطالعه منطقه ۲۲ شهرداری تهران
- زیرساخت سبز شهری، راهکار توسعه پایدار در کلان شهر تهران
- رویکردی جدید برای بازطراحی ساختار فضایی مبتنی بر معیارهای پایداری شهری (نمونه موردی: شهر جدید پودشهر اصفهان)
- مصرف انرژی و چشم انداز آن در ایران و جهان و پتانسیل های صرفه جویی انرژی در بخش حمل و نقل





## دولت الکترونیک و حاکمیت شهروندی

دکتر محمد باقر قالیباف

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

سلمان انصاری

دانشجویان کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

علی حسینی

دانشجویان کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

### چکیده

یکی از مهم ترین مقولات در جامعه اطلاعاتی، مسئله دولت الکترونیک است. دولت الکترونیک به معنای فراهم کردن شرایطی است که دولت ها بتوانند خدمات خود را به صورت شبانه روزی و در تمام ایام هفته به شهروندان ارائه کنند. این امر در سال های اخیر به طور جدی در دستور کار دولت ها قرار گرفته است و دولتمردان هوشمند نیروهای خود را در راه تحقق چنین شرایطی بسیج کرده اند و درصدد برآمده اند که فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را با کمک فناوری نوین ارتباطات و اطلاعات اصلاح کرده و از این طریق به شیوه کارآمدتری به ارائه خدمات به شهروندان بپردازند. در حقیقت، بکارگیری و گسترش دولت الکترونیک غالباً در جهت انجام تغییرات در فرآیندهای دولتی نظیر تمرکز زدایی، بهبود کارایی و اثربخشی است.

هدف این مقاله مطالعه رابطه دولت الکترونیک و نقش شهروندان در این گونه دولت ها می باشد. از این رو سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: شهروندان چه نقشی در عصر دولت الکترونیک دارند؟ روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اطلاعات اسنادی است. از این رو استدلال اصلی مقاله این است که، نمادهای دولت الکترونیک نشان دهنده این است که یک دولت الکترونیک می تواند نهادها و افراد را با یک دیگر مرتبط سازد.

### واژگان کلیدی

جامعه اطلاعاتی، دولت الکترونیک، دموکراسی الکترونیک، حاکمیت، شهروندان

## شاخص های سنجش توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی شهر تهران

دکتر رحمت الله فرهودی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، گروه جغرافیا

ایرج تیموری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

مریم جعفری مهرآبادی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

فاطمه سالاروندیان

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

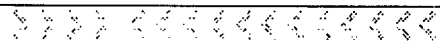
### چکیده

تهران یکی از ۱۰ کلانشهر توسعه نیافته در بین ۱۲۴ کلانشهر موجود در جهان می باشد که با مشکلات متعددی؛ زیست محیطی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی مواجه می باشد. بطوریکه وضعیت توسعه پایدار شهری در بین مناطق شهر نیز از تفاوت فاحشی برخوردار می باشد. بنا نمودن جامعه شهری شهروند مدار، سالم و کارآ، که در بر گیرنده مسکن قابل زیست و امنیت منطقه ای و اکولوژیک، سطح بالای کیفیت زندگی، حفاظت از منابع طبیعی و تاریخی - فرهنگی باشد جزو اولویت های اساسی برای استراتژی های توسعه کلانشهرها بوده و ضرورت رسیدن به توسعه پایدار را تاکید می نماید.

ایجاد شاخص های ارزیابی و بکارگیری روشی کارا به منظور دستیابی به آرمان توسعه پایدار جزو نیازهای اساسی و ضروری شهرهای امروزی ایران می باشد. با انتخاب شهر تهران به عنوان مطالعه موردی، ۱۶ شاخص در ابعاد اقتصادی، محیطی، اجتماعی و کالبدی برای ارزیابی توسعه پایدار شهری مناطق ۲۲ گانه تهران انتخاب شد. پس از جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز، اطلاعات موجود برای هر شاخص بی مقیاس گردید سپس با استفاده از مدل موریس به بررسی وضعیت و سنجش پایداری شهری در بین مناطق شهر تهران پرداخته شد. نتیجه مطالعه نشان می دهند که مناطق ۱ و ۲۲ شهرداری تهران از وضعیت بهتری نسبت به سایر مناطق شهر تهران برخوردار می باشند. از ۲۲ منطقه شهرداری تهران جمعا ۸ منطقه شهرداری در شرایط کاملا بحرانی قرار دارند. این امر نشانگر عدم توزیع عادلانه منابع مختلف ثروت، قدرت، خدمات، امکانات و زیرساخت ها در شهر تهران می باشد.

### واژگان کلیدی

توسعه پایدار شهری، شاخص های توسعه پایدار، سنجش پایداری، مدل موریس، تهران



بررسی روش آموزش الکترونیک (دفتر سازمان ملل متحد در امور اسکان بشری)  
UN-HABITAT بر حکمروایی شایسته شهری

سید محمد هادی ایازی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد شهر ری و دانشگاه علوم انتظامی

بهداد میرافشار

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری و اطلاعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی

### چکیده

جهان طی دهه های گذشته بطور چشمگیری تغییر کرده و تاثیرات بیشماری بر مقوله حکومت های محلی و نقش و وظایف رهبران منتخب آن برمسائلی همچون تنگناهای توسعه شامل انسان و محیط پیرامون شهر، سبک زندگی، مهاجرت، تکنولوژی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذاشته است.

درحالیکه عموماً نیازهای عمده مدیریت شهری معطوف به خدمات عمومی، نظافت و بازیافت، بهبود آب و فاضلاب، کاهش فقر و حاشیه نشینی، سلامت و شهرهای ایمن بوده ولی امروزه دیگر، انتظارات و استانداردهای نوین مدیریتی مد نظر است. آزادی و برابری، صداقت و اطمینان خاطر، مشارکت و تعهد شهروندی، این مفاهیم به همراه اصول و راهبردهای مدیریتی از جمله مواردی هستند که از حکمروایان منتخب محلی هم در درون تشکیلات تحت نفوذشان و هم در بین جوامع و کسانی که در امر انتخاب آنان مشارکت نموده اند مورد انتظار است.

امروزه هنوز در خیلی از جوامع، تبعیض جنسیتی، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست در زمره توجهات و نیازهای بشری قرار دارد به عبارت دیگر مسائل و خواسته های کنونی جوامع بیش از پیش گسترده و پیچیده شده که تنها با تدریس یک یا چند دوره آموزشی بتوان آنرا پوشش داد. اگرچه دانش مدیریتی بسته به اطلاعات روز بوده لازم است تا برگزاری دوره های فراگیری بصورت الکترونیکی، اجتماع محور و سازماندهی شده باشد تا نظریه ها و اصول برنامه ریزی به همراه تجربیات موفق مدیریتی به طور کیفی و کاربردی پیاده گردند. UN\_HABITAT اولین مجموعه ای است که از سال ۱۹۹۸ در زمینه ((آموزش الکترونیکی حکمروایی شایسته شهری)) فعالیت داشته و در سری مجموعه های کوتاه مدت و میان مدت آموزشی/کارگاهی توانسته برنامه های موفق را در نقاط مختلف جهان برای نیم میلیون فراگیر و متخصص امور شهری به ۲۵ زبان زنده دنیا به اجرا بگذارد.

این مقاله نگاهی به رویکرد آموزش الکترونیک UN-HABITAT، معرفی دوره ها و بررسی ۱۲ شایستگی برتر مدیریتی و محتوای آن دارد که قرار است در حکمروایی شایسته شهری نقش بسزایی ایفاء نمایند.

### واژگان کلیدی

حکومت های محلی<sup>۱</sup>، آموزش الکترونیکی<sup>۲</sup>، ارزش افزوده برای سیستم LMS<sup>۳</sup>، نقشه راه و عناصر آموزشی<sup>۴</sup>

۱. Local governance

۲. E-Learning

۳. Added valuation for LMS

۴. Road map and learning elements

## استخراج مدل های عمومی مدیریت توسعه پایدار شهری در ایران

ابیذر امامی غفاری

مدیر دپارتمان توسعه پایدار دفتر مطالعات شهری مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف

سیده زهره میرعابدینی

کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبایی

حسام خضرائی حاذق فکر

کارشناس مدیریت دانشگاه تهران

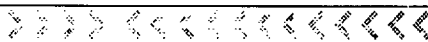
### چکیده:

مفهوم توسعه پایدار<sup>۱</sup> که امروزه به عنوان یک پارادایم از آن یاد می شود از جمله مفاهیمی است که مورد توجه بسیاری از کارشناسان حوزه های مختلف اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و محیط زیست قرار گرفته است. اگرچه این مفهوم در ابتدا به منظور جلوگیری از اتلاف منابع زیست محیطی و حفظ اکولوژی عنوان شد، اما رفته رفته شکل وسیع تری به خود گرفت به گونه ای که دامنه آن حوزه های اقتصاد، اجتماع و فرهنگ را نیز در بر گرفته است. دستور کار ۲۱ به عنوان مهمترین سند جهانی در پیاده سازی اهداف توسعه پایدار در ابعاد جهانی، منطقه ای و محلی مورد توجه بسیاری از کشورها در تنظیم اسناد توسعه شان قرار گرفته است. نگاهی به فصل های این دستور کار این نکته را یادآور می شود که توجه به رویکرد محلی و برخورداری شهرها از مدیریت مناسب و به اصطلاح پایدار یکی از الزامات نیل به اهداف توسعه پایدار به شمار می رود.

در این پژوهش ضمن ارائه مجموعه مؤلفه های مدیریت توسعه پایدار شهری در کشور، به استخراج مدل های عمومی و عملیاتی مدیریت توسعه پایدار شهری و راهکارهای پیاده سازی آن در شهرها پرداخته می شود.

### واژگان کلیدی

توسعه پایدار - مدیریت توسعه پایدار شهری - دستور کار ۲۱



## تحلیلی بر اصول طراحی محله های پایدار و تبیین معیارهای مدیریتی آن

مریم سینگری

دانشجوی دکترای شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

سید مجید مفیدی شمیرانی

استادیار، دکترای شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

### چکیده

شهرها که مرکز تجمع انسانها به شمار می روند، حدود ۶۰ درصد از سوخته‌های فسیلی جهانی را در سیطره خود قرار می دهند. همینطور حدود ۷۵ درصد از سطوح آنها به شبکه های ارتباطی اتومبیل ها و پارکینگ ها اختصاص یافته که به عنوان آلوده کننده ترین مراکز سامانه های زیستی جهان به حساب می آیند. به دنبال تغییر در شرایط و عوامل موثر در گسترش و توسعه شهری در دوران اخیر، تجسم یک بحران شهری حاصل از سناریوی جمعیت در افق نزدیک، تصویری دور از واقعیت نمی باشد. بی تردید رشته های مرتبط با مقابله با تغییرات اقلیمی و کاهش بحران های زیست محیطی از جمله بحث های مورد توجه در ادبیات شهری معاصر است و در این راستا محله ها، به عنوان خرد فضاهای زیستی شهر، نقشی عمده بر عهده دارند.

در این مقاله با هدف دستیابی به ترکیبی از حالت بنیانی و راهبردی در ارتباط با زبان پایداری در محله های شهری، که به نظر می رسد محله های شهری می توانند، به گونه ای برنامه ریزی و هدایت شوند تا کلیه منابع انرژی موجود در طبیعت از تعرض مصون بمانند. بدینسان تبدیل نمودن مفاهیم و تئوری های پایداری به الگوهای خاص طراحی کالبدی - فضایی در محلات شهری می تواند در جهت پایداری محیطی موثر باشد. پژوهش فوق در پی تبیین روند دستیابی به این الگو و تعاریف مربوطه، نتایج حاصل از بررسی و تحلیل بازده نمونه از محله های پایدار موفق در جهان را بیان نموده و معیارهای مدیریتی آن را ارائه خواهد نمود.

### واژگان کلیدی

محله پایدار، الگوهای طراحی کالبدی - فضایی، تحلیل ۱۱ نمونه موفق، معیارهای مدیریتی

## چالش های مدیریت شهری پایدار در نگاه به میراث فرهنگی به مثابه سرمایه های تجدید ناپذیر شهر

دکتر فرشاد نوریان

عضو هیأت علمی دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران

فرونوش سادات جمالی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تهران

امیراصلان فیلا

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تهران

### چکیده

حفظ و حراست از آنچه که به عنوان میراث فرهنگی یک کشور انتخاب شده است، علاوه بر جنبه تاریخی و فرهنگی، از ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز حائز اهمیت است و نیازمند یک مدیریت کارآمد می باشد. هدف اصلی مقاله حاضر تعیین رابطه بین میراث فرهنگی، مدیریت شهری و توسعه پایدار است. در این زمینه بطور عمده دو دیدگاه متفاوت وجود دارد:

دیدگاه اول بر اساس تعریف اولیه توسعه پایدار به عنوان حفظ منابع تجدیدناپذیر برای نسل های آتی شکل می گیرد. به عقیده نگارندگان، منابع تجدیدناپذیر تنها به منابع اکولوژیکی و زیست محیطی ختم نمی شود. و همان اندازه که نفت برای نسل های آینده یک منبع زیستی مهم بوده و امکان بازتولید آن تا سالیان امکان پذیر نیست، در صورت نابودی آثار تاریخی و میراث فرهنگی این سرزمین نیز امکان بخشیدن حیاتی دوباره به آنها غیر ممکن است؛ و این در حالیست که حق مسلم نسلهای آتی است که برای شناخت هویت خود از این سرمایه های فرهنگی بهره مند باشند.

دیدگاه دوم نگاه به مسأله از منظر اقتصاد پایدار است. امروزه در ایران به علت وجود منابع غنی نفتی، توجه جدی - در عمل - به امر توریسم نمی شود. ولی واقعیت این است که اماکنی که قابلیت جذب گردشگر و بالتبع رونق اقتصادی و ارزآوری دارند نیز جزء منابعی هستند که در صورت از دست رفتنشان یک منبع مهم درآمدی از بین خواهد رفت.

اضمحلال آثار تاریخی فقط نابودی چند تکه آجر و چند قوس نیست، بلکه رنگ باختن هویت مردم است و ادامه این روند چیزی جز از بین رفتن منابع و سرمایه های تجدید ناپذیر اجتماعی- اقتصادی نیست. در این پژوهش شهر اصفهان به عنوان نمونه موردی انتخاب شده و پس از انجام مطالعات کتابخانه ای، تکمیل پرسشنامه از مردم و مسئولین و انجام مصاحبه با تنی چند از مسئولین حاضر در زمینه مدیریت شهری در شهر اصفهان، این نتیجه حاصل گشت که مستقل از اینکه از کدام منظر به موضوع بنگریم نقش مدیریت شهری در حفظ میراث-فرهنگی به عنوان عامل اصلی پایداری مطرح خواهد بود.

### واژگان کلیدی

میراث فرهنگی، تجدید ناپذیر، هویت، مدیریت، پایداری

## تکنیک‌ها و شیوه‌های مشارکت شهروندان در برنامه ریزی و مدیریت شهری

دکتر ناصر برک پور

عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، دانشگاه هنر تهران

مرجان شرفی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه هنر تهران

### چکیده

مشارکت شهروندان امروزه به فرایندی ضروری در برنامه ریزی و مدیریت شهری تبدیل شده است. این فرایند در سطوح و درجات مختلف، امکان پذیر است. در پایین ترین سطح، دخالت شهروندان در فرایند برنامه ریزی می تواند به اتخاذ تصمیمات پایدارتر با اعتبار بیشتر و مبتنی بر نیازهای طیف وسیع تری از مردم منجر گردد. در بالاترین سطح، مشارکت مردمی می تواند سبب گسترش و تقویت مردم سالاری از طریق شیوه های مشورتی، مستقیم و صریح گردد. طبقه بندی های گوناگونی از تکنیک های مشارکت شهروندان وجود دارد. در یکی از طبقه بندی ها، شیوه های مشارکت در پنج سطح شامل آگاه کردن مردم، مشورت با مردم، درگیر نمودن مردم، همکاری با مردم و دادن اختیار به مردم، تعریف می گردد. در پایین ترین سطح شیوه ها، صرفاً اطلاع رسانی انجام می شود و مردم در جریان برنامه قرار می گیرند. در سطوح بالاتر رفته رفته میزان تأثیرگذاری شهروندان در فرایند برنامه افزایش می یابد و در بالاترین سطح، برنامه ریزان اجرا کننده تصمیمات مردم خواهند بود. هدف این مقاله، معرفی دسته بندی های گوناگون تکنیک های مشارکت و معرفی آنها با بهره گیری از تجارب جهانی و ارائه طبقه بندی ترکیبی از انواع دسته بندی های موجود است.

### واژگان کلیدی

مشارکت مردم، تکنیک های مشارکت، سطوح مشارکت، طبقه بندی تکنیک ها

## مدیریت یکپارچه شهری؛ الزامات و تنگناها نمونه موردی شهر تهران

غلامرضا کاظمیان

استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

سیده زهره میرعابدینی

کارشناس ارشد مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبائی

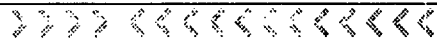
### چکیده

مدیریت یکپارچه شهری به معنای اتخاذ یک رویکرد کل نگرانه و طراحی سازوکارهایی جهت پیگیری رویکرد مذکور در مدیریت امور شهر است. به منظور تحقق یکپارچگی، شناسایی عوامل موثر بر یکپارچگی و تفرق در مدیریت شهری ضروری است. در پژوهش حاضر، تاثیر عامل نظام و روابط قدرت بازیگران عرصه شهری به عنوان یکی از عوامل موثر بر یکپارچگی مدیریت شهری در نمونه موردی کلانشهر تهران از طریق روش کمی و نتایج مطالعات پیشین مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های روش کمی که محصول جمع آوری نظرات مدیران و کارشناسان نهاد مدیریت شهری تهران (شامل شهرداری و شورای شهر تهران) و برخی نهادهای دولتی/حکومتی است، تاثیر این عامل را بر عدم یکپارچگی ساختار مدیریتی موجود تأیید می کند.

نتایج مطالعات مرتبط پیشین نیز نشان می دهد بیشتر پیشنهادات ارائه شده در مطالعات پیشین تحت غلبه نظام قدرت بر مدیریت شهری، حول سایر عوامل موثر بر عدم یکپارچگی مدیریت شهری نظیر اصلاح بسترها و امکانات مورد نیاز مدیریت یکپارچه شهری است.

### واژگان کلیدی

مدیریت یکپارچه شهری، حکمروایی شایسته شهری، سیاستگذاری شهری





مدیریت ارتباط با مشتری / شهروند در بستر مدیریت شهری عامل موثر بر توسعه پایدار شهری  
مدل مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷

شکراله عنایتی

رئیس مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ شهرداری تهران

محمد باقر فرهنگ

پژوهشگر باشگاه پژوهشگران جوان

چکیده

امروزه با افزایش رقابت در میان تولید کنندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات، مشتریان هر سازمان مهمترین سرمایه آن بوده و بقای سازمان منوط به وفاداری آنان می باشد. در واقع اولین دلیل برای تعیین رضایت مشتریان، حفظ بقای آنها است.

پژوهش حاضر در صدد بود میزان رضایت مشتریان منطقه ۲ شهرداری تهران را از کیفیت، عملکرد و بطور کلی از کارکرد مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ بسنجد تا بتواند با نمونه برداری از یکی از بزرگترین مناطق تهران قدم در راه اثبات میان ارتباط موثر میان شهروندان و مدیریت شهری بگذارد. به همین منظور جامعه آماری شامل کلیه ساکنین و شاغلین یکسال گذشته منطقه ۲ بود که در طی این یکسال حداقل یکبار با مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ تماس گرفته و داوطلب شرکت در این تحقیق بوده اند. بدین منظور پژوهشگر از طریق فرمول تعداد حجم نمونه که باید ۲۰ الی ۲۵ برابر سوالات پیش بین باشد، تعداد ۱۶۰ نفر را به عنوان تعداد حجم نمونه انتخاب نمود.

به منظور جمع آوری نظرات مشتریان در این خصوص، پرسشنامه محقق ساخته ای با ۱۶ سوال که در آن گویه های مختلفی با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه ای مطرح شده بود در بهار ۱۳۸۸ بین افراد نمونه توزیع شد.

این پرسش ها از نظر محتوایی روا و از روش ضریب آلفای گرونباخ ۰/۸۹۹ معتبر بود. نتایج پرسش نامه ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و محاسبه جداول فراوانی، درصد و ... مورد تجزیه و تحلیل و بحث و تفسیر قرار گرفت و مهمترین پارامترهای رضایت یا ناراضایتی مشتریان از این مرکز استخراج شد.

نتایج پژوهش تا حدودی هم راستا با پژوهش های پیشین انجام شده در مورد شهرها و مناطق دیگر بود. بطور کلی با توجه به نتایج بدست آمده از گویه های پرسشنامه بیشترین توفیق مرکز ۱۳۷ در برقراری ارتباط موفق و مناسب شهرداری با مشتریان و همچنین نحوه برخورد مناسب کارشناسان ۱۳۷ بوده است. از طرفی کمترین میزان رضایت به میزان سرعت ارائه خدمات شهرداری از طریق مرکز سامانه ۱۳۷ و وجود فرآیند مناسب برای ردیابی علایق و سلايق مشتریان اختصاص داشته است.

پژوهشگر پس از انجام این پژوهش و با توجه به نتایج برآمده از دل تحقیق، به ارائه برخی پیشنهادها و توصیه های کاربردی پرداخته است.

واژگان کلیدی

رضایت؛ شهرداری، مرکز سامانه مدیریت شهری (۱۳۷)، شهروند مداری، توسعه پایدار

## اثرسنجی تشکیل شورایارها در بهبود شاخص های توسعه پایدار محلی و چگونگی بهبود آن مطالعه موردی شورایاری محله شهر زیبا

همایون نورائی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تهران

### چکیده

شهرداری های نوین در شهرهای امروزی دیگر قادر نخواهند بود با روش های یک سویه در ارائه خدمات به شهروندان موفقیتی را حاصل نمایند؛ آنچه امروزه توسعه خدمات شهری در شهرداری ها را تضمین می کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت های شهری است تا آن جا که بتواند مانیفیست توسعه پایدار سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، تحت عنوان «جهانی بیندیشیم و محلی عمل کنیم» را تحقق بخشد. شورایاری های محلی به عنوان یکی از مراجع مشارکت مردمی در تصمیم گیری ها و مجد تعامل بین سلسله مراتب مدیریتی برای رسیدن خواست مردم به پله های بالاتر، ضمن ایجاد پارلمانی محلی و در عین حال قدرتمند برای استفاده بهینه شهرداری ها از توانایی ها و ظرفیت های شهروندان، می تواند نقش تعیین کننده ای در این رابطه داشته باشد. در این راستا شهرداری تهران برای نخستین بار در ایران اقدام به تشکیل این شوراها از سال ۱۳۸۵ نموده است. با توجه به اهمیت شورایاران در تغییرات مدیریت محلی، این پژوهش با نگاهی احتمال گرایانه به رابطه شورایارها و بهبود شاخص های توسعه پایدار محیط، به بررسی شاخص های پایداری قبل و بعد از تشکیل شورایارها در محله شهر زیبا پرداخته و تاثیر تشکیل این شوراها در عوامل شکل دهنده توسعه پایدار محلی را مورد بررسی قرار می دهد و در نهایت با ارائه راهبردهایی در جهت ارتقای وضعیت شورایارها در روند توسعه پایدار، همراه خواهد شد؛ به گونه ای که علاوه بر برطرف نمودن مشکلات موجود در شورایارهای تهران، این مهم بتواند به عنوان تجربه ای ارزشمند برای سایر شهرها مطرح گردد. در این مقاله که از نوع تحقیقات کیفی و کاربردی می باشد، از روش تحقیق مورد پژوهی از نوع تک موردی استفاده شده است و برای انجام آن، روش تحلیل اکتشافی شامل مراحل تحلیل اسنادی و تحلیل تجربی با بهره گیری از تکنیک پرس و جو و SWOT، مورد استفاده قرار گرفته است.

### واژگان کلیدی

شورایارهای محلی، توسعه پایدار، مشارکت، ارزیابی، شاخص، تحلیل اکتشافی

## تبیین رابطه میان حمل و نقل پایدار شهری و رویکردهای توسعه مبتنی بر آن

مریم محمدی

دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

الهام دهقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

### چکیده

حمل و نقل کارآمد و پایدار، ضامن توسعه پایدار شهری است. در دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی، ارتقا کیفیت زندگی شهری از طریق حمل و نقل هماهنگ با اقتصاد و اجتماع و همساز با محیط زیست محقق می‌شود.

بررسی رویکردهای نوین شهرسازی مانند نوشهرسازی، شهر هوشمند، توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی که بر ابعاد توسعه شهری تاثیرگذارند نشان می‌دهد، رویکرد توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی، در ارتباط تنگاتنگ با موضوع حمل و نقل پایدار شهری است. این الگوی توسعه، پیرامون مراکز و ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی شکل می‌گیرد. در عین حال بررسی مولفه‌ها و خصوصیات این رویکرد نشان دهنده ویژگی‌های مشترک آن با اصول حمل و نقل پایدار شهری است. بنابر این هدف نوشتار حاضر، بررسی مفاهیم و ویژگی‌های حمل و نقل پایدار و الگوی توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی است. بدین ترتیب با تبیین رابطه میان آنها، امکان بهره‌مندی از ویژگی‌های موثر هر رویکرد بر دیگری به منظور تحقق توسعه پایدار شهری فراهم می‌شود.

### واژگان کلیدی

حمل و نقل پایدار، توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی، الگوی توسعه

## سنجش بعد اجتماعی توسعه پایدار مطالعه‌ی منطقه ۲۲ شهرداری تهران

حمید رضا باحجب ایمانی

کارشناس ارشد شهرسازی

محمد مسعود

دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

غلامرضا لطیفی

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

در این مقاله، ضمن اشاره به ابعاد توسعه پایدار شامل زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی در راستای عملیاتی کردن و سنجش میزان پایداری، عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر پایداری شهرها چون امنیت، سلامت، آموزش، برابری، هویت، امکانات فرهنگی - تفریحی و تجهیزات شهری مشخص گشته است و برای هر یک، شاخص‌ها و سنجه‌هایی در نظر گرفته و مدلی برای ارزیابی میزان پایداری اجتماعی ارائه شده است. سپس منطقه ۲۲ شهرداری تهران با مدل فوق شبیه سازی و مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج آن با استفاده از روش های ضرایب فولر و تحلیل سلسله مراتبی محاسبه و مقایسه گردیده است. نتایج نشان می دهد این منطقه از نظر ابعاد اجتماعی وضعیت نسبتا نامناسبی داشته، که اثرات مخربی برای ساکنان آن در پی دارد.

### واژگان کلیدی

توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، ضرایب فولر، تحلیل سلسله مراتبی، منطقه ۲۲ شهرداری تهران

## زیرساخت سبز شهری، راهکار توسعه پایدار در کلان شهر تهران

بهناز امین زاده

دانشیار گروه شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

مهدی خان سفید

دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی طراحی محیط زیست دانشگاه تهران

### چکیده

این مقاله به بیان چگونگی بهره‌گیری از مفهوم زیرساخت سبز شهری به عنوان مجموعه‌ای در هم تنیده از فضاهای باز و سبز شهری طبیعی یا انسان ساخت در محیط شهر و حومه شهر با بررسی، شناخت و بکارگیری روشمند توان‌های طبیعی و مصنوع شکل‌دهنده ساختار کالبدی شهر می‌پردازد. زیرساخت سبز شهری به صورت شبکه‌ای منسجم از عناصر ساختاری واجد ارزش‌های اکولوژیکی و با دارا بودن عملکردهای چندگانه می‌تواند به عنوان راهکار موثری در توسعه پایدار شهری مطرح گردد. برنامه‌ریزی، طراحی و ایجاد زیرساخت سبز شهری باعث بهبود و اصلاح ساختار و عملکرد اکولوژیکی شهر خواهد شد. به منظور بررسی ساختار، توزیع فضایی، عملکرد و ارتباطات راهبردی بین اجزای این شبکه از رویکرد اکولوژی منظر شهری و مدل لکه-دالان-بستر بهره‌گرفته شده است. توان‌ها و محدودیت‌های طبیعی و مصنوع منطقه کلان شهری تهران به عنوان مورد مطالعه این مقاله، برای بهبود شرایط زیستی و ارتقای توسعه پایدار آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند و راهکارهای مدیریتی و اصلاحی پیرامون آن در قالب زیرساخت سبز شهری ارائه شده‌اند.

### واژگان کلیدی

توسعه پایدار، زیرساخت سبز، اکولوژی منظر، تهران

## رویکردی جدید برای بازطراحی ساختار فضایی مبتنی بر معیارهای پایداری شهری مطالعه موردی شهر جدید پولادشهر اصفهان

امین مسعودی

کارشناس ارشد شهرسازی مهندسی مشاور نقش جهان پارس

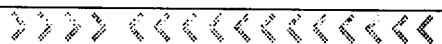
### چکیده

ساختار فضایی از کلیدی ترین مفاهیم رایج در برنامه ریزی و طراحی شهرهاست، چراکه با تمام عناصر ساختاری شهر درگیر بوده و مبین چگونگی استقرار و عملکرد این عناصر در سطح شهر است. برای تشخیص و سنجش کارایی و کیفیت عملکردی عناصر ساختار فضایی شهر و خصوصیات هر یک، معیارهای گوناگونی می توان اختیار کرد که با توجه به اهمیت روزافزون مفهوم توسعه پایدار و متعاقب آن توسعه پایدار شهری، که از اهداف اصلی هزاره سوم به شمار می رود، معیارهای پایداری از مهم ترین آن ها در تبیین مفهوم و بازطراحی ساختار فضایی شهر هستند، که در صورت رعایت آن ها، دست یابی به محیط شهری مطلوب زندگی با کیفیت های زیستی بالا، امکان پذیر به نظر می رسد.

نوشتار حاضر با عنوان «رویکردی جدید برای بازطراحی ساختار فضایی مبتنی بر معیارهای پایداری شهری»، به دنبال درک ضرورت ایجاد یک الگوی مناسب برای بازطراحی ساختار فضایی شهر بر اساس معیارهای پایداری شهری است. با توجه به این معیارهاست که می توان مطلوبیت زندگی را به محیط شهری بازگرداند و باعث توزیع بهینه جمعیت، خدمات، فعالیت و ... در گستره شهر به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی شد. در چنین محیطی است که شهروندان احساس رضایت بیشتری داشته و در نتیجه آن مشارکت بیشتری در جهت اداره امور شهر و حفظ شرایط مطلوب از خود نشان خواهند داد.

### واژگان کلیدی

توسعه پایدار، معیارهای پایداری شهری و ساختار فضایی



## مصرف انرژی و چشم انداز آن در ایران و جهان و پتانسیل های صرفه جویی انرژی در بخش حمل و نقل

سید محمدرضا فیض آبادی ثانی

مدیر بهینه سازی انرژی در بخش حمل و نقل شرکت بهینه سازی مصرف سوخت

در سال ۱۳۸۶، متوسط شدت مصرف نهایی انرژی در جهان برابر ۱۹۴٫۵ تن معادل نفت خام بر میلیون دلار GDP بوده است که این رقم برای ایران ۹۰۷٫۶ تن معادل نفت خام بر میلیون دلار GDP می باشد به عبارتی شدت انرژی ایران بیش از ۴ برابر متوسط جهانی است.

در صورت ادامه روند کنونی تقاضای انرژی دنیا تا سال ۲۰۳۰ حدود ۴۵٪ افزایش می یابد و از حدود ۱۲۰۰۰ میلیون تن معادل نفت خام در سال ۲۰۰۹ به ۱۶۵۰۰ میلیون تن معادل نفت خام در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. آژانس بین المللی انرژی IEA بر اساس سناریو ۴۵۰ (پایداری تجمع گازهای گل خانه ای معادل گاز CO<sub>2</sub> تا پایان سال ۲۰۳۰ به ۴۵۰ ppm به طوری که فقط زمین دو درجه گرمتر گردد) پیش بینی کرده است که تقاضای انرژی اولیه و انتشار گازهای گلخانه ای تغییر خواهد کرد.

از منظر مصرف سوخت خودروها و سبد سوخت ناوگان، سهم فرآورده های نفتی ۸۰/۲ درصد، سهم زیست سوخت ها ۱۲/۰ درصد، سهم برق ۶/۲ درصد و همچنین سهم گاز طبیعی ۱/۶ درصد خواهد بود.

بخش حمل و نقل یکی از بزرگترین بخش های مصرف کننده انرژی بوده و نیز عمده ترین مصرف کننده فرآورده های نفتی به شمار می رود که دارای رشد مصرف فزاینده ای نیز نسبت به سال های قبل می باشد. به طوری که رشد مصرف سالیانه انرژی در این بخش از ۱۲/۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۴۶، به ۲۷۳/۷۹ میلیون بشکه در سال ۸۷ (۲۱/۹ برابر) رسیده است. حدود ۲۳،۰۶ درصد از مجموع مصرف نهایی انرژی کشور در این بخش مصرف می گردد که بخش عمده آن فرآورده های نفتی می باشد. به طوری که در حدود ۴۷/۲۴٪ از مصرف فرآورده های نفتی (معادل ۲۶۲،۴۴ میلیون بشکه نفت خام) کشور در سال ۱۳۸۷ مربوط به این بخش می باشد. (بنزین موتور ۴۸/۷ درصد، نفت گاز ۴۱،۶ درصد، نفت کوره ۲/۵ درصد، گاز مایع ۰/۴ درصد و سوخت های هوایی ۰/۲٪).

بیشترین انتشار آلاینده ها نیز مربوط به بخش حمل و نقل می باشد. به طوری که در سال ۸۷، در حدود ۹۳٪ از انتشار HC، ۹۳،۷٪ از انتشار CO، ۶۹٪ از انتشار NOx و ۸۳،۳٪ از انتشار SPM مربوط به بخش حمل و نقل می باشد.

به استناد ماده ۲۰ مصوبه شماره ۹۲۳۰۸/ت/۴۰۵۸۷/ک هیئت وزیران، وزارت نفت مکلف گردید که طرح جامع سبد سوخت در بخش حمل و نقل را تا تاریخ ۸۷/۸/۱ جهت تصویب به ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت ارائه نماید. در تدوین سبد سوخت از مدل لیپ بهره گرفته شده است. این مدل (LEAP) از جمله مدل های سیستم انرژی با روش شبیه سازی می باشد که با توجه به قابلیت ها و انعطاف پذیری هایی که دارد، امکان شبیه سازی کل سیستم عرضه و تقاضای انرژی را فراهم می کند.

### واژگان کلیدی

شدت مصرف نهایی انرژی، GDP، گاز های گل خانه ای، LEAP

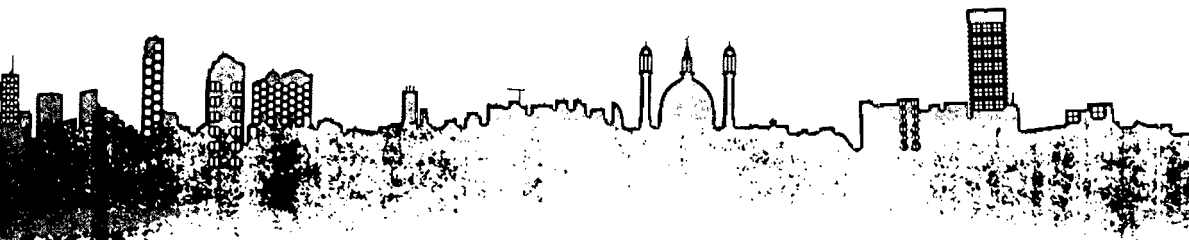
## بخش دوم

# برگزیده مقالات

### اولین کنفرانس بین المللی

### «مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار»

- توسعه محله ای گامی در راستای پایداری شهر تهران
- عدالت اجتماعی و نقش آن در توسعه پایدار شهری
- الزامات مدیریت مناطق کلان شهری در فرآیند جهانی شدن با تأکید بر منطقه کلان شهری تهران
- شهر فشرده بوم گر؛ پیشنهادی برای فرم ایده آل شهر پایدار
- برنامه ریزی شبکه حمل و نقل برای کاهش خسارات در برابر بلایای طبیعی در نواحی شهری؛ مطالعه موردی (محله یافت آباد)
- بررسی نقش سرمایه های اجتماعی در توسعه پایدار محله ای در رویکرد دارایی محور
- بررسی روش آموزش الکترونیک (دفتر سازمان ملل متحد در امور اسکان بشری) UN-HABITAT بر حکمروایی شایسته شهری
- نقش مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر بابل)
- امکان سنجی کاربرد الگوهای اقلیمی بافت های کهن در توسعه های پایدار شهری؛ نمونه موردی بوشهر - عالیشهر
- ارائه الگویی جهت مکانیابی اثربخش مراکز مدیریت بحران شهری با رویکرد توسعه پایدار؛ مطالعه موردی شهر اصفهان
- بررسی راهکارهای ایجاد مدیریت یکپارچه شهری در کشور
- نقش محدوده های پیاده در توسعه پایدار شهرها
- نقش دادهای سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در کاهش آلودگی های زیست محیطی و حفظ اکولوژی شهری (مطالعه موردی کلان شهر تبریز)
- مدیریت ارتباط با مشتری / شهروند در بستر مدیریت شهری عامل موثر بر توسعه پایدار شهری (مدل: مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷)
- Sustainable green infrastructure





## توسعه محله ای گامی در راستای پایداری شهر تهران

سلمان معصومی

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری شهرداری تهران

سید موسی پورموسوی

استادیار دانشگاه و مشاور شهردار تهران

### چکیده

به دنبال تغییر در شرایط و عوامل گسترش و توسعه شهری در دوران اخیر، محله های مسکونی جایگاه ویژه ای در شکل گیری شهرها داشته اند. دیدگاه "توسعه پایدار" حل مشکلات شهری را استفاده از نیروهای توانمند درون زا در محلات شهری یعنی گروه ها و اجتماعات محلی به عنوان سرمایه های اجتماعی که از جایگاه و کارکرد ویژه ای از لحاظ حفظ و توسعه تنظیمات اجتماعی در کلانشهر برخوردار هستند، می داند. تلفیق دو نظریه توسعه پایدار و مکتب محیط گرایان فرهنگی منجر به تبیین دیدگاهی با عنوان توسعه محله ای پایدار گردید. این دیدگاه مبین این اصل است که محلات شهری دارای درونمایه عظیم اجتماعی و فرهنگی می باشند که تنها بازآفرینی فرهنگ شهروندی و توجه به محلات به عنوان بستر زندگی اجتماعی ساکنین، به توسعه پایدار محلی می انجامد. بطور کلی هدف اصلی این پژوهش؛ بهبود ساختار فضایی و تقویت هویت مکانی از طریق نمادهای اجتماعی و در راستای استفاده از سرمایه های اجتماعی می باشد.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است، با توجه به عنوان تحقیق و ماهیت این پژوهش، اطلاعات جمع آوری شده از اسناد و منابع مکتوب به صورت توصیفی سازماندهی شده، و آن دست از اطلاعات که جنبه آماری و کمی داشته، به روش تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. به طور کلی تعامل اجتماعی در کشور ما دارای جایگاه ضعیفی است و فضاهای عمومی ما بیشتر جنبه تشریفاتی، حکومتی و اکثراً مذهبی دارند. ریشه این امر وجود ساختار سیاسی و غیر دموکراتیک در نظام مدیریت و برنامه ریزی کشور است. با فقدان نظام مدیریت و برنامه ریزی دموکراتیک مردم محور و وجود نظام سیاسی متمرکز و یک طرفه، طبعاً نظام برنامه ریزی هم تحت تاثیر این نظام سیاسی قرار می گیرد. با ارتزاق فکری نظام برنامه ریزی از سطح کلان حکومت به سطح مدیریت شهری با وظایف اجرایی، سیاست گذار و عملیاتی، امکان جهت گیری مشخص مبتنی بر مشارکت شهروندان، اعمال نظر سکنه و حرکت به رهیافت مدیریت محله ای با مشکل اساسی مواجه می شود. در این ساختار نه تنها امکان مدیریت واحد محلی و مشارکتی و تحقق برنامه ها و توسعه شهری میسر نیست، بلکه در آن برنامه های خرد و کلان متعددی در سلسله مراتب بالا به پایین فرآیند مدیریت و برنامه ریزی شهر وجود دارند که به جای انتظام در مدیریت و توسعه شهری کشور، ابزار کنترل و اعمال منویات دولتی هستند. مدیریت شهری قدرتمند زمانی شکل می گیرد که مشروعیت مبتنی بر مشارکت مردم داشته باشد و زمانی قدرت چانه زنی به نمایندگی از شهروندان را دارد که خاستگاه و مقبولیت مردمی داشته باشد.

### واژگان کلیدی

محله، توسعه محله ای، پایداری شهری، حکمروایی شهری، مشارکت شهروندی

## مقدمه

در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی، در ساختار محلات نیز تغییرات اساسی ایجاد شده است. در این میان با مطرح شدن دیدگاه توسعه محله ای پایدار به عنوان دیدگاهی که حل مشکلات کنونی شهرها و زندگی شهری را درگرو بازگشت به مفهوم محله می داند، می توان با استفاده از نیروهای توانمند درونزا و سرمایه های اجتماعی<sup>۱</sup> موجود در آن به حل مشکلات موجود پرداخت. ساختار فضای محلات مجموعه ای مرکب از فعالیت ها و تعاملات اجتماعی، کارکردها و عناصر کالبدی شاخص و همچنین شریانهای ارتباطی و فضاها یا عرصه های عمومی می باشد. این ساختار، شبکه فضایی به هم پیوسته ای را تشکیل می دهد. شریان های ارتباطی به عنوان رشته ارتباط دهنده محلات به رده بالاتر کالبدی، یعنی منطقه و در نهایت شهر، حیات و سرزندگی را به آنها منتقل می کند. فضاهای عمومی محله تبلور فعالیتهای اجتماعی می باشند. این مجموعه شالوده سازمان فضایی، کالبدی در سطح شهر و اجزای آن را تشکیل داده و بیانگر ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و به عبارتی بیانگر هویت آن جامعه می باشند

محلات شهری به رغم اهمیت تاریخی خود، امروزه در نظام دهی به الگوی سکونت شهری نقش کم اهمیتی را دارا هستند. این درحالی است که در چند دهه اخیر در چارچوب نظریه توسعه پایدار، تأکید مجددی بر احیاء آنها صورت گرفته است. برای مدیریت توسعه پایدار شهری، نیاز به مدیریت و برنامه ریزی (به دلایل اجتماعی و زیست محیطی) در سطح محلی هماهنگ با مدیریت کل شهری و بلکه منطقه ای است. این پژوهش به دنبال آن است تا نشان دهد: تمام فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی در سطح محله را می توان به عنوان ابتکار توسعه ای پایدار و در خور محله قلمداد کرد و این امر تحقق نمی یابد مگر با ظرفیت سازی و زمینه سازی برای حضور هر چه فعال تر شهروندان در قالب اجتماعات و نهادهای محلی.

## بیان مسأله

محلات، واحد های اجتماعی هویت مند در درون یک سیستم شهری سنتی اند. آنها کالبدهای چشمگیر شهری مشخصی هستند که ویژگی خانواده های ساکن آنها، اشتراکات قومی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با سرمایه اجتماعی بسیار منسجم است که همین عامل هویتی محله، سبب ایجاد فضاهایی با کارکرد و عملکرد خاص می شد، که آن را از محدوده های اطراف متمایز می گردانید. از جمله پیامدهای از هم پاشیدگی محلات را می توان در کمرنگ شدن سرمایه اجتماعی، یعنی عدم احساس تعلق و وابستگی به محل و محله زندگی، عدم اعتماد متقابل و عدم احساس مسئولیت در قبال شرایط و مسئولیت های اجتماعی مشترک مشاهده نمود. اینک در کوی ها و مناطق مسکونی جدید، بیشتر ویژگی های موجود در محلات پیشین از میان رفته و همزیستی اجتماعی - اقتصادی مردم، جایگزین هم نشینی های قومی - مذهبی و همگونگی های کلیه شئون زندگی اجتماعی گردیده است. این همزیستی در عین حال که از تبعات شیوه زندگی جدید بوده، از فرو بستگی های درون محله ای فرهنگی پیشگیری می کند.

با توجه به بازنگری مفهوم نوین محلات در سازمان یابی الگوهای اجتماعی شهری توسط مدیریت نوین توسعه پایدار، فرایند احیاء و مفهوم کارکرد محله در چارچوب رویکرد مدیریت توسعه محله ای پایدار در پرتو تشریح مساعی، شورایاری ها، سازمانهای عمومی (شوراها و شهرداریها) و سازمانهای غیر دولتی بررسی شده تا با استفاده از اصول و شاخص های مطرح در دیدگاه توسعه محله ای پایدار به بهره گیری از الگوی

1. Social capital

مشارکت به منظور بهبود ساختار فضایی و ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی تمهیدات لازم اندیشیده شود. مسئله اصلی این است که با توجه به گستردگی نیازها و حجم بالای وظایف تعریف شده برای مدیریت شهری، شهرداری تهران در رابطه با خدمات رسانی دچار کمبود منابع، نظارت و کارایی می‌باشد. ناتوانی سازمانهای مربوطه در بهره‌گیری مطلوب و بهینه از سرمایه اجتماعی بویژه جامعه مدنی در برنامه‌های عمران شهری، کاهش همکاری و تعاون، ناتوانی عناصر سرمایه اجتماعی و اشتراکات شهروندی جدید، سلطه برنامه ریزی مرکز - محور کنونی، فقدان برنامه‌های شهری جهت مشارکت شهروند که موجب اعتلای محیط زندگی محله‌ای است و تضعیف امنیت اجتماعی و کالبدی از مشکلات اساسی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر علاوه بر بیان ویژگی‌های محله‌های پیشین و خصلت‌های مناطق مسکونی جدید، امکان مطالعه جهت برقراری مدیریت شهری اجتماع محلی را مورد تحقیق قرار داده تا به این ترتیب امکان نظری مشارکت بیشتر شهروندان، نهادها و اجتماعات محلی در اداره محله به منظور تحقق پایداری شهری در جنبه‌های نظارت و کارائی فراهم گردد.

### سؤال اصلی پژوهش

۱- چگونه می‌توان به تحقق توسعه محله‌ای به منظور پایداری کلانشهر تهران از منظر حکمروایی شهری کمک کرد؟

### فرضیه پژوهش

با ایجاد و توسعه گروهها و نهادهای اجتماعی - فرهنگی در نواحی شهری می‌توان توسعه محله‌ای را از ابعاد اجتماعی و مشارکتی تحقق بخشید.

### هدف پژوهش

\* بهره‌گیری از نظرات و مشارکت مردم، نهادها، اجتماعات محلی و سازمانهای غیر دولتی موجود در محله به منظور زمینه‌سازی برای برانگیختن حس دخیل بودن در سرنوشت محله به منظور بهبود ساختار فضایی و عملکرد محله.

### چارچوب نظری

امروزه ما در زندگی روزمره اصطلاح محله را بدون اطلاع (یا بی توجهی) از مفهوم واقعی و پیشینه بلند تاریخی آن به کار می‌بریم. یکی از ویژگیهای کهن شهرهای ایرانی، وجود محلات شهری دارای وحدت از نظر کالبدی، فضایی و برخوردار از استقلال نسبی از نظر عملکردی بوده که گروهی متجانس از مردم، خانه‌های آنها و مراکز تأمین خدمات اولیه زندگی آنها را در خود جای می‌داده است. تشابهات فرهنگی موجود در این محلات که مبتنی بر عواملی چون دین، مذهب، قومیت، زبان، شغل و... بوده است و به حیات روزمره، اندیشه‌ها و فعالیت‌های ساکنین آن نظم بخشیده و سبب شکل‌گیری روابط اجتماعی چهره به چهره و سازمان‌مدیریتی برخاسته از میان اهالی محله بوده است. در یک قرن اخیر، محلات شهرهای تاریخی به آسیب‌های متعدد کالبدی - عملکردی و در نهایت زوال تدریجی مبتلا شده‌اند. علت این امر را می‌توان در بی توجهی به مفهوم واقعی محله، کارکردها و نقش‌های محله در حیات شهری دانست (۱۹۹۸، p: ۱۸ موسوی)

بر اساس فرایند توسعه برنامه ریزی شهری، ایجاد شهر بر طبق تنظیم جغرافیایی جدید و یا دخالت در تقسیم بندی فضایی منجر به تجدید ساختار کالبدی شهرهای مدرن در شکل نواحی منفصل و بی ارتباط شهری گردیده است. در صورتی که محله های سنتی محصول انتخاب طبیعی ساکنین و خانوارها و برخوردار از رشد طبیعی بوده است (مرلن ۱۹۸۳). بطور کلی محله های شهری پدیده های بنیادی در نظام تنظیم شهری در گذشته و نیز در حال حاضر در بسیاری از کلانشهرهای جهان از جمله کشور ما تلقی می گردند. با مطالعه سیر پیدایش و توسعه محله های شهری می توان دریافت که محله گزینی در بسیاری از شهرهای بزرگ در سطح کشورهای جهان در ارتباط مستقیم با کارکردهای اقتصادی و اجتماعی موجود در این شهرها دارد. بسیاری از نویسندگان گذشته از تأکید بر ویژگی های فضایی بر روی عواملی همچون نوع باورهای مذهبی، فرقه ای و نژادی را نیز در شکل گیری انواع محله های شهری بسیار مهم می دانند. به عبارت دیگر در چنین حالتی ممکن است ویژگی های متفاوت مذهبی، نژادی، فرقه ای و یا عوامل اقتصادی سبب جداگزینی مکانی ساکنین در نواحی مختلف شهر گردد (موسوی، ۱۳۸۶).

یکی از ویژگیهای کهن شهرهای ایرانی وجود محلات شهری دارای وحدت از نظر کالبدی، فضایی و برخوردار از استقلال نسبی از نظر عملکردی بوده که گروهی متجانس از مردم، خانه های آنها و مراکز تأمین خدمات اولیه زندگی آنها را در خود جای می داده است تشابهات فرهنگی موجود در این محلات که مبتنی بر عواملی چون دین، مذهب، قومیت، زبان، شغل و... بوده است و به حیات روزمره، اندیشه ها و فعالیت های ساکنین آن نظم بخشیده و سبب شکل گیری روابط اجتماعی چهره به چهره و سازمان مدیریتی برخاسته از میان اهالی محله بوده است.

در چند دهه اخیر به دلیل تغییر در مناسبات اقتصادی و توسعه شبه صنعتی نوین و نیز ورود الگوی حیات مدنی، نظام فضایی و اجتماعی شهرهای کشور ما نیز دستخوش تغییر و در پی آن تناقضات و ناهمخوانی های عملکردی به صورت یکی از ویژگی های بارز ساختار شهری در آمده است. که پی آمد آن تولید نابسامانی در حیات شهری بوده است. در جوامع ماقبل مدرن از آنجا که هر محله برای خود شهرکی جداگانه بود و چنانکه اشاره شد تخاصم، کشمکش و درگیری میان محله ها به عنوان هنجار روابط بین گروهی غلبه داشت، و در عین حال اصناف نیز قدرت چندانی نداشتند، دین و یا دولت مهم ترین عامل همبستگی اجتماع شهری قلمداد می شدند. محله های شهرهای مدرن نیز همانند محله های شهرهای سنتی بنابر گروه بندی اجتماعی از یکدیگر متمایز می شدند؛ لیکن این بار گروه بندی اجتماعی نه براساس گروه های از پیش موجود و متصلب، بادوام و کمتر تغییر پذیر دینی، قومی و حرفه ای که براساس وضعیت اقتصادی- اجتماعی و در قالب گروههای اجتماعی با درآمد بالا، متوسط و کم، به قسمی که شاید بتوان با کاستلز و هاروی در اینکه امروزه مناطق شهری را با تضادهای طبقاتی است که می توان شناخت (هودسنی، ۱۳۸۴).

از جمله ویژگی های مهم ساختار گذشته شهری در ایران، شبکه روابط محله ای و برخورداری شهر از نوعی هویت محله ای است. روابط اجتماعی با دوام بین اهالی یک محل، حضور خرده فرهنگ تعامل و همیاری، حفظ حریم و حرمت ها، احساس مسئولیت در قبال سلامت و بهداشت فرهنگی و اجتماعی افراد در محیط زندگی بر حسب سنن و ارزش های موجود و بسیاری از خصوصیات کارکردی مشابه دیگر، علائم زنده و پویای شبکه ای شهر در گذشته بوده است.

خصوصیاتی که سیما و پیکره محله، را مشخص می کند، عوامل خاص آن محله هستند که ممکن است اجزاء بی شمار و متنوع داشته باشند. مانند بافت محله، فضای آن، فرم و اجزای آن، سمبل ها، نوع ساختمان ها، نوع استفاده از ساختمان ها، فعالیت ها، ساکنین محله، درجه دو یا کهنگی محله، توپوگرافی زمین و ... (Blummer, ۱۹۸۴, p. ۱).

در باب برنامه ریزی فضایی برای واحد محله شش اصل را در پرتو مشارکت شهروندان به منظور دستیابی به یک محله پایدار می توان ذکر کرد که عبارتند از: مداخله عوامل ذی نفع، افزایش استقلال محلی، هم پیوندی، تنوع، پاسخ به مکان، تطبیق پذیری (منطبق با زمان) (هودسنی ۱۳۸۴).

بی تردید مؤثرترین و پایدارترین برنامه های توسعه ای، آنهایی هستند که مبتنی بر ویژگی ها و نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی خانواده ها و جمعیت های محله ای با نیاز اقتصادی و اجتماعی مشابه طراحی، تدوین و ارائه گردند و احیای روابط محلی و محله ای راهی برای فائق آمدن بر چنین مشکلاتی است. احیای شوراهای محلی و نهاد شورایی و نیز تقویت رسانه های محلی چون ضمام همشهری محله، از اقدامات اساسی جهت تقویت هویت محله ای است. محله همچون یک واحد فیزیکی با هویت کاملاً مشخص اجتماعی و الگوهای مشترک زندگی برای استفاده برابر از امکانات و مؤسسات عمومی به عنوان ابزار کار برنامه ریزان شهری شناخته می شود (صرافی، ۱۳۸۶).

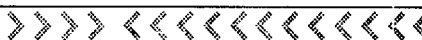
یکی از مسائل مهم در برنامه ریزی شهری کشور، بحث مشارکت پایدار مردم در همه بخش های مختلف برنامه ریزی شهری است. چون راهکارها و ابزارهای مؤثر برای رسیدن به مشارکت هنوز در نظام تصمیم گیر و اجرایی برنامه ریز وارد نشده است. تحلیل روشن از چگونگی به کارگیری ابزار قدرتمند مشارکت بین مردم و نظام برنامه ریزی نیازمند یک پل بود که با انتخابات شوراها عملاً قدم اول زده شد. در شرایط فعلی ما شاخصی برای اندازه گیری سطح مشارکت شهروندان در امر برنامه ریزی شهری نداریم. مفهوم مشارکت ارتباط تنگاتنگ و مرتبط با مفهوم شهروندی دارد که در آن حقوق، وظیفه، نقش و مسوولیت شهروندان مشخص و نهادینه شده است. از این رو مشارکت مینا و معرف اصلی و جزئی از حقوق و وظایف شهروندی است که می تواند به گونه های مختلف تحقق یابد. یکی از نکات اساسی در ضرورت و اهمیت مشارکت این واقعیت است که ماندگاری قدرت به توزیع و مشارکتی بودن آن و دشمن قدرت، انحصار آن است. همچنین، مهم ترین الزامات توسعه، مشارکت شهروندی و مدنی است مفهوم شهروندی با حق و سهم بری در قدرت سیاسی، دموکراسی و مشارکت درآمیخته است. مشارکت از جمله به معنای درگیر شدن، سهیم شدن و همکاری آمده است. مشارکت متأثر از یک نوع خاص از فلسفه اجتماعی و سیاسی نسبت به جوامع انسانی و نظام های سیاسی است. از دیدگاه مدیریتی، مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی و فعالیت های گروهی برای دستیابی به اهداف مشترک است. در واقع تقویت احساس تعلق به محله و شهر منجر به مشارکت داوطلبانه بیشتر شهروندان خواهد شد. اگر آموزش به یک هدف و مسوولیت تبدیل و امکانات توسعه و پیشرفت برای همه ساکنین شهر از همان آغاز کودکی و نوجوانی فراهم شود در آن صورت است که شهر تبدیل به یک شهر آموزش دهنده خواهد شد. در جامعه کنونی برای تحقق تمرکززدایی از دولت و انتقال وظایف شوراها و پارلمان های محلی و هموارسازی بستر تحقق گذار (از دولت گرایی در حاکمیت شهری به شهروندمداری در حکمروایی شهری) نیازمند به آموزش های نوینی برای ایجاد و تثبیت حاکمیت قانون و حقوق شهروندی آموزش های شهری، وفایی گرایی، مشارکت، تعلق اجتماعی، پاسخگویی،

کارایی و اثربخشی هستیم. مشارکت شهروندان می تواند به صورت خودجوش، فعال، منفعل، شکلی و بدون حق رأی و مشورتی باشد. مشارکت در امور شهری را می توان برحسب نوع مشارکت، زمینه مشارکت و سازماندهی مشارکت طبقه بندی های مختلفی نمود. اما مهم ترین آن مربوط به مدیریت و تصمیم گیری و نقش مردم در طراحی، تدوین و اجرای طرح های توسعه شهری است. مهم ترین و مقدس ترین تجلی مشارکت مردم در شهرهای ایران، شوراها هستند (پیران، ۱۳۸۰).

با تحقق نظریه حکمروایی یا حاکمیت شهری خوب به جای حکومت یا مدیریت شهری، پیشبرد امور محله ای بر محور شورای محله و مشارکت شهروندان محلات در یک «خانه محله» با حضور و نظارت مستمر یک نماینده تام الاختیار شهرداری و نمایندگان سایر عناصر محلی دولت مرکزی می تواند تبلور یابد.

مدیریت شهری ایران اگر چه به خاطر ساختار سیاسی خاص کشور، متفاوت است اما در تقسیم بندی قبلی می توان آن را در گروه مدیریت شبه مدرن قرار داد. در ایران به رغم شکل گیری شوراهای اسلامی شهر، مدیریت مستقل محلی شکل نگرفت و کلیه اجزای دولت مرکز در سرتاسر فرآیند برنامه ریزی و مدیریت توسعه شهری دارای حضور و نقش تعیین کننده و منافع متداخل هستند. در این ساختار، طرح ها و برنامه های توسعه شهری تحت تأثیر مستقیم اراده مدیریت شهری قرار دارد و مشارکت شهروندان در آن دیده نمی شود. در این ساختار، عناصر و برنامه های خرد و کلان متعددی در یک سلسله مراتب بالا به پایین از فرآیند مدیریت و برنامه ریزی شهری وجود دارد که بیش از مشارکت، ابزار کنترل و اعمال منویات مدیریت شهری است. علاوه بر نقش دولت در حوزه مدیریت عمومی (شهرداری)، مدیریت شهری ایران به جهت ماهیت و ساختار شبه مدرنیستی، قادر به استفاده بهینه از روش ها و ابزار برنامه ریزی مدرن در توسعه شهری نیست. در این ساختار، برنامه ریزی هم از حیث رویه و هم از حیث محتوای ابزاری در راستای دخالت مدیریت شهری در حوزه عمومی است. در حالی که برنامه ریزی، فرآیند مشارکت عمومی و برنامه سند وفاق جمعی است که یکی از موضوعات و اهداف آن توسعه مدیریت توسعه شهری، یعنی مدیریت شهری است (موسوی، ۱۳۸۱).

مدیریت شهری در واقع فرآیندی مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربناها و ارائه خدمات شهری می پردازد اما حکمروایی شهری یک فرآیند کاملاً سیاسی است. این رویکرد مختص آن دسته از حکومت های محلی است که امورشان را با مشارکت شهروندان و نهادهای عمومی و خصوصی برنامه ریزی و به انجام می رسانند. در این ساختار، کلیه بازیگران عرصه امور عمومی شهر، در سرتاسر فرآیند برنامه ریزی و مدیریت شهری اعم از تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرا مشارکت دارند. بنابراین تحقق رویکرد شهروند مداری در مدیریت شهری ایران و از جمله تهران مستلزم «اصلاح ساختار مدیریت شهری» و عینیت بخشی به مشارکت شهروندان علاوه بر انتخاب اعضای شورای شهر، حداقل در تعیین و اولویت بندی نیازهای شهروندان، تهیه طرح ها و برنامه های توسعه شهری، اطلاع رسانی طرح ها و برنامه های توسعه شهری، نظارت در اجرای طرح ها، برنامه ها و پروژه ها و پاسخگویی مدیران شهری است. در این خصوص، محلات، نقش و اهمیت ویژه ای دارند. محلات شهری کانون و کارگاه مدیریت و برنامه ریزی مشارکتی هستند. چرا که کوچکترین واحد سازمان فضایی در تقسیمات سازمان فضایی شهر تهران محسوب می گردند و بیشترین انسجام اجتماعی و مکانی در بین سایر رده های سازمان فضایی شهر را دارا هستند (علوی تبار، ۱۳۸۰).



در یک گذر تاریخی مدیریت شهری در ایران در سالهای قبل از دهه ۵۰ نشان می‌دهد که فقدان نظام دموکراتیک سیاسی و وجود نظام سیاسی متمرکز و یک طرفه، نظام برنامه ریزی در امور شهری را نیز تحت تاثیر قرار داده بود. در طی سال‌های بعد از انقلاب هم این مدیریت متمرکز ادامه یافت و در مواردی نمود عینی تری یافت.

با فقدان نظام مدیریت و برنامه ریزی دموکراتیک مردم محور و وجود نظام سیاسی متمرکز و یک طرفه، طبعاً نظام برنامه ریزی هم تحت تاثیر این نظام سیاسی قرار می‌گیرد.

با ارتزاق فکری نظام برنامه ریزی از سطح کلان حکومت به سطح مدیریت شهری با وظایف اجرایی، سیاست گذار و عملیاتی، امکان جهت‌گیری مشخص مبتنی بر مشارکت شهروندان، اعمال نظر سکنه و حرکت به رهیافت مدیریت محله‌ای با مشکل اساسی مواجه می‌شود (معصومی ۱۳۸۶).

تحقق رویکرد محله محوری در ساختار مدیریت شهری ایران به واسطه عدم وجود هماهنگی مابین ارگانهای اجرایی از سویی و تنگناهای مالی، مدیریتی، نیروی انسانی، حقوقی و قانونی از سوی دیگر با موانع جدی روبرو می‌باشد.

- فقدان آموزش کافی در مباحث شهری و شهرنشینی.

- کم‌رنجی انتقال اخلاق حرفه‌ای و حس مسئولیت، تعلق و مشارکت در سیستم آموزش.

- جامعه شهری ما نیازمند آموزش‌های نوینی برای ایجاد و تثبیت حاکمیت قانون و حقوق شهروندی آموزش‌های شهری، وفایی‌گرایی، مشارکت، تعلق اجتماعی، پاسخگویی، کارآیی و اثربخشی می‌باشد.

- فقدان ایجاد باور عمومی در شهروندان، مبنی بر مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های شهری.

- متأثر بودن نظام برنامه ریزی شهری و مدیریت طرح‌های توسعه شهری از نظام کلان برنامه ریزی متمرکز دولتی - دیوان سالارانه و به نوعی نظام رانتهی.

- نقش بارز عوامل نهادی و غیر نهادی (رسمی و غیر رسمی) دولتی و بخش خصوصی ذی نفوذ در حاکمیت، به طور مستقیم و غیر مستقیم در سرتاسر فرآیند برنامه ریزی و مدیریت شهری.

- عدم وجود مکانیسم‌های کارآمد برای جلب مشارکت مردم در مدیریت امور شهری، علی‌رغم وجود محمل قانونی و سیاست‌های پیش‌بینی شده (تشکیل شوراهای اسلامی شهر).

- وجود ساختار مدیریت شهری کشور با ویژگی‌های تمرکز دولتی، گستردگی و بروکراتیک ناشی از ماهیت شبه‌مدرنیستی.

در این ساختار نه تنها امکان مدیریت واحد محلی و مشارکتی و تحقق برنامه‌ها و توسعه شهری میسر نیست، بلکه در آن برنامه‌های خرد و کلان متعددی در سلسله مراتب بالا به پایین فرآیند مدیریت و برنامه ریزی شهر وجود دارند که به جای انتظام در مدیریت و توسعه شهری کشور، ابزار کنترل و اعمال منویات دولتی هستند.

- گم شدن حلقه شورایی در محلات شهری و تبدیل شدن آن به هیئت امنای مساجد.

- عدم شفافیت و پاسخگویی در سلسله مراتب مدیریت کلان شهری.

- مقاومت در قبال رهیافت جامعه شهری به سمت حکمروایی خوب.

تمامی موارد مطرح شده وجود مدیریتی غیر دموکراتیک و مرکز-محور را در سیستم مدیریت شهری ایران توجیه می‌کند.

\* مدیریت شهری قدرتمند زمانی شکل می‌گیرد که مشروعیت مبتنی بر مشارکت مردم داشته باشد

و زمانی قدرت چانه زنی به نمایندگی از شهروندان را دارد که خاستگاه و مقبولیت مردمی داشته باشد (معصومی، ۱۳۸۶).

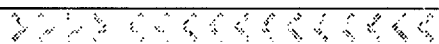
✳️ براین اساس مسأله محوری زمانه جامعه ما مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش است. البته این امر فقط برای جامعه ای ممکن است که ارزش انسانی شهروندان را برتر از قدرت و آزادی را برتر از مهار انسان بشمارد.

با مطرح شدن محله به عنوان «سلول زندگی شهری» تحقق توسعه پایدار نیز تنها در قالب توسعه محله ای و در مقیاس محلی و در ادامه تفکر «جهانی بیندیش، محلی عمل کن» دنبال شد. با توجه به اینکه در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد از مردم جهان در شهرها زندگی می کنند، نحوه توسعه محله ها در مقیاس کلان در پرتو مشارکت، دخیل دادن مردم و بها دادن به سرمایه اجتماعی، مدیریت مردم و برانگیختن حس مسئولیت در قبال شرایط حاکم، می تواند موفقیت یا شکست جامعه را در برابر حل مشکلات اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و غیره تعیین نماید.

توسعه پایدار در مقیاس محله به معنای «ارتقاء کیفیت زندگی در شهر» شامل همه ویژگی ها و اجزاء زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی بدون ایجاد مانعی برای نسل آینده می باشد. مانعی که کاهش منابع طبیعی و افزایش کمبودهای محلی است. توسعه محله ای پایدار را می توان به عنوان تغییری در شیوه های مدیریت محلی که به پایداری زیست محیطی در سطح جهان و در عین حال محیط زیست طبیعی و مصنوع محلی نیز کمک می نماید، تبیین نمود. توسعه پایدار افزایش کنترل محلی را بر تصمیم گیری ها مورد توجه قرار داده و تشویق می نماید. چنین استراتژی توسعه ای نیازمند تفویض اختیار در تصمیم گیری تا سطح محلی می باشد (صرافی، ۱۳۸۳).

نکته قابل توجه این است که بطور کلی در تمامی تعاریف، توسعه محله ای پایدار تأکید بر تعادل بین ضرورت های زیست محیطی و اهداف توسعه بخصوص در بعد اقتصادی از طریق مشارکت مردمی است. در حالیکه خود روابط اجتماعی محلی را نیز ارتقاء می بخشد و برای دوران آینده نیز نهادینه سازی می نماید. تجربه بیش از سه دهه تهیه، تصویب و اجرای طرح های توسعه شهری نشانگر آن است که نبود هماهنگی در کلیه مراحل باعث شده که معمولاً اجرای چنین طرح هایی در فضاهای شهری با تأخیر فراوان نسبت به تغییر ارگانیک شهر، اعمال نفوذ مقامات محلی، مشارکت نکردن و حتی مقاومت جدی و اعتراضات مردم روبرو شود. از یک سو همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، طرح هایی که جزئیات ساماندهی شهری را دربردارند (چون طرح های ایجاد فضاهای سبز شهری، خیابان کشی ها، مبلمان و زیباسازی شهری و...) که در سطح محله ها و برای مردم تهیه می شوند تاکنون و طبق روال مرسوم در طرح ها به صورت متمرکز، بدون اطلاع شهرداری مناطق و مردم و نیز بدون بررسی دقیق متخصصان و تنها بر روی کاغذ اجرا شده است!

در صورتی که این گونه مقولات، که رابطه مستقیم با توسعه محلی دارند، در زمره تصدی امور محلی قرار می گیرند و نه اداره و حاکمیت ملی، مردم و نمایندگان آنان هستند که در شوراهای و نهادهای محلی، مانند شهرداری ها، باید در این گونه موارد تصمیم گیری کنند. از سوی دیگر مهم ترین عامل در اجرای طرح های توسعه شهری مالکیت زمین شهری است که اغلب در دست نهادهای فرامحلی است و عایدات آن مستقیماً به خزانه دولت واریز می شود. در مجموع، شهرداری ها در این زمینه هیچ گونه دخالتی نداشته اند در حالی که انتخاب زمین برای آماده





سازی، نحوه آماده سازی را دولت مرکزی در اختیار دارد ولی تعهدات به وجود آمده برگردن شهرداری هاست.

در حالی که زمین بهترین وسیله‌ای است که ممکن است برای مهار توسعه شهری و همچنین تأمین منابع مالی لازم برای توسعه شهری، در اختیار شهرداریها قرار گیرد و آنان را در زمینه اجرای طرح‌های شهری مقتدر سازد. با توجه به این توضیحات، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که اگر تمام مراحل طرح‌های توسعه شهری، اعم از تهیه، تصویب و اجرا از سوی شهرداری‌ها به عنوان نهاد حاکمیت محلی انجام گیرد، محصول می‌تواند مفید و مؤثر باشد. امر بالا به عنوان مقدمه در بیشتر کشورهایی که به دنبال تضمین توسعه پایدار شهری هستند تجربه‌ای موفق بوده است، چرا که در این شرایط بستری فراهم می‌آید تا نهاد شهرداری بتواند با اقتدار لازم به همراه اقداماتی چون آموزش شهروندان و ایجاد مشارکت مؤثر آنان و نیز با حضور دایمی و گام به گام تهیه‌کنندگان و برنامه‌ریزان، در کلیه مراحل اجرایی، ضمن به کارگیری سیاست‌ها و راهبردهای کلان طرح‌های بالادست، توسعه شهری را در روند پویایی خود هدایت و ساماندهی نماید.

لازم به یادآوری است که تأکید برنامه سوم و چهارم توسعه نیز مبنی بر واگذاری بخش عمده‌ای از نظام تصمیم‌گیری مخصوصاً در مورد مسائل محلی به مردم و نهادهای محلی است. به بیانی دیگر، باید در مسائل توسعه و عمران اصل تمرکززدایی در نظر گرفته شود و اختیارات بیشتری به شوراهای محلی نظیر شهرداری‌ها تفویض شود. در این زمینه نقش مؤثر مشارکت‌های مردمی و آموزش شهروندان نیز نباید از نظر دور بماند (شهرداریها: ۸؛ ۱۳۸۳).

### یافته‌های پژوهش

محله‌های تهران، علی‌رغم مشکلات مرتبط با خود، بنابر پیشینه‌های فرهنگی و علی‌رغم عدم اعتدال در وجوه نیازمندی‌های عمومی و عناصر کاربری زمین، روابط خود را به رگم عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آنها برقرار می‌سازند. رفع مشکلات مبتلا به محله‌های تهران که نمونه‌های آن در این مقاله بیان شد، ضمن آنکه می‌تواند به انسجام بیشتر روابط محله‌ای بیانجامد به نوبه خود قادر به ارائه الگوهای هویت بخش برای محله‌های جدید در حال ساخت نیز خواهد بود.

یکی از شرایطی که می‌تواند در حل مشکلات موجود محله‌ای در تهران کمک‌ارزنده‌ای نماید، مشارکت دادن مردم محله‌ها در حل مشکلات مرتبط با توسعه محله‌ای است. نهادهای شهرسازی و شوراهای اجتماعی و مدیریتی شهر باید تلاش نمایند که مسایل محله‌ها را با کمک ساکنان آنها حل کنند. زیرا حل کردن این مسایل به اندازه خود این مسایل اهمیت دارد. سازمانهای اداری شهر، برنامه‌ریزان و شهرداریها باید قادر به حل این مشکلات باشند. ایجاد محله‌های سالم و مرتبط با یکدیگر سرلوحه چنین برنامه‌ای قرار دارد. شهر به عنوان یک اندام واره حیات انسانی مطرح است که ساختار و عملکرد زندگی در آن باید بر مبنای ارزش‌های اجتماعی قرار داشته باشد. این فرهنگ عمومی شهر است که فرهنگ زندگی یکایک اقشار شهر را ترسیم می‌کند.

یکی از وجوه مناسب محله خوب آن است که هر خانوار دارای مسکن مناسبی باشد. در درون محله بین فضاهای عمومی بزرگسالان، جوانان و کودکان فرق گذاشته شود. مدرسه‌ها به اندازه کافی دارای مساحت و امکانات باشند. جایی برای جرم و تخلف اجتماعی وجود نداشته باشد، رفت و آمد و سرعت

وسایل نقلیه موتوری در محله محدود باشد، ساختمان های مسکونی در میان باغات و فضاهای سبز شکل گیرد، و بالاخره کمبودهای محله، زیباسازیهای محله و مدیریت محله با همراهی ساکنان یا نمایندگان آنان انجام پذیرد. برنامه های اجتماعی محله باید در چارچوب اهداف اجتماعی آن تنظیم شود. یکی از مهم ترین این هدفها، حیات اجتماعی سرزنده و سالم است (موسوی، ۱۳۸۶).

شهر تهران از گذشته های دور به چندین منطقه شهری که در حوزه های خدماتی شهرداری این شهر قرار می گیرد، تقسیم شده است. هر اندازه نیز که بر رشد پیرامونی آن افزوده شده، منطقه ای دیگر بر جمع دیگر منطقه های شهر اضافه گردیده و با تعیین شماره ای برای آن به تشکیل شهرداری و حوزه های خدماتی مرتبط با آن اقدام شده است. مرز و محدوده منطقه ها با استفاده از راه های اصلی و بزرگراهی تعیین شده است. این مناطق در محدوده مرکزی و قدیمی شهر، محله های موجود در هنگام منطقه بندی را در بر گرفته، ولی هر اندازه که بر رشد شهر افزوده شده، بر خلاف آن، محله ها تابعی از تقسیم بندیهای منطقه ای و نحوه تفکیک زمین گردیده است. بسیاری از محله های شهری مانند تهران پارس، نارمک، شهرآرا، شهرزیا، صادقیه، یوسف آباد، نازی آباد، خزانه و بخارایی که در روزگار ایجاد خود در حکم یک محله کوچک و منسجم شهری محسوب می شدند، به مرور زمان و در اثر گسترش شهر به یکدیگر پیوسته و خصوصیات محله ای آنها تغییر یافته است. به دیگر بیان، محله های تهران هر اندازه که گسترش یافته اند، بدون توجه به مشخصه های محله ای و در سطحی گسترده به همان نام قبلی موسوم می باشند. حوزه های جدید شهری نیز مانند سعادت آباد، شهران، تهران سر، شهرک غرب که در قالب گسترش بافت های جدید شهری شکل گرفته اند، به طور عمده بدون توجه به مفاهیم و تعاریف محله ای، سطحی گسترده را با جمعیتی انبوه در خود پذیرا شده اند، که از آنها نیز به نام محله نام برده می شود. بنابراین به استثنای محله های قدیمی تهران که آنها نیز با گذشت زمان، تغییرات ساختمانی و افزایش تراکم و فعالیت و تغییرات مکانی جمعیتی تحت تأثیر قرار گرفته اند، در بافت های جدید در مفهوم «محله» آنگونه که با مبانی تاریخی محله نشینی در ایران و مفاهیم علمی محله پیوند داشته باشد، نارسا می باشد.

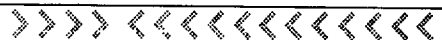
محله های معدودی از تهران شرایط ویژه محله ای، آنگونه که بر مبنای مفاهیم شهرسازی و شرایط سنتی سکونت در محله های شهری کشور قرار داشته باشد، به چشم می خورد. اغلب محله هایی که انسجام اجتماعی در آنها وجود دارد، عبارت از آنهایی است که یا سابقه تاریخی داشته یا یک مرکز فرهنگی اجتماعی آنها را به هم پیوند می دهد و یا آنکه گروه های اجتماعی و قومی ویژه ای در آنها نقش غالب یافته است.

مشکلات اغلب محله های موجود تهران را می توان به قرار زیر بر شمرد:

- تداخل راه های محله ای با شبکه های سواره عبوری و رفت و آمد افراد غریبه با محله و فقدان درجه بندی راه ها در اغلب آنها.

- نارسایی تأسیسات فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از محله ها که این عامل، بسیاری از آنها را به کوی ها و واحدهای مسکونی ساخته شده فاقد ارتباط کافی با یکدیگر تبدیل کرده است.

- کیفیت قیمت مسکن که گروه های هم درآمد را با هر نوع علائق فرهنگی به گرد هم آورده و گروه های اجتماعی منسجم را تبدیل به طبقات اقتصادی هم درآمد کرده و تضاد بین محله های فقیر نشین، متوسط نشین و پردرآمد نشین را مطرح ساخته است.



- فقدان تأسیسات عمومی کافی مانند مدرسه، کتابخانه، پارک و فضای سبز، خدمات درمانی و بهداشتی و تجاری مورد نیاز در این محله‌ها.
- اشراف بناهای مرتفع مسکونی و غیر مسکونی بر محیط‌های خصوصی مسکونی که این مورد به طور عمده در کنار واحدهای مسکونی جدید ساز دیده می‌شود.
- کمبود نور در واحدهای مسکونی به طور عمده جدید که فضاهایی تنگ و تاریک را به وجود آورده و استفاده از نور مصنوعی در اوقات روز را شدت بخشیده است.
- کاهش سطح پیاده‌رو در محله‌های مسکونی جدید و محدود شدن آن در بافت‌های قدیمی‌تر که به خاطر گسترش سطح سواره‌رو صورت گرفته و امکان تردد ساکنان در پیاده‌روها را محدود ساخته است.
- هم‌شکل بودن واحدهای مسکونی در اغلب برنامه‌های اجرایی تعاونی مسکن، فاصله کم فضای آزاد در بین بلوک‌های ساختمانی و کمبود نیازمندیهای عمومی در آنها به نسبت دیگر سطوح محله‌ای
- عمومیت در کمبود تأسیسات فرهنگی و اجتماعی مانند مسجد، سالن اجتماعات، کتابخانه، فرهنگ‌سرا و نظایر آنها در محله‌های جدید که بر خلاف محله‌های مسکونی قدیمی، این محله‌ها را از مرکزیت اجتماعی محله‌ای محروم ساخته است. همین مورد رفتار اجتماعی مردم را به صورت غریبه‌وارتری، با یکدیگر مطرح ساخته است.
- غیر بهداشتی بودن اغلب مسیرهای عبوری از نظر تأسیسات بهداشتی مانند محل دفع مناسب زباله، مسیرهای فاضلاب روباز، وجود گربه و انواع حشرات در این مکانها و در عین حال آلودگی بصری بناهای مجاور با هم همراه با انواع تابلوها و نوشته‌های بزرگ و خارج از اندازه تبلیغاتی و موقعیت نامناسب سیم‌ها و شبکه‌های نامنظم برق و تلفن، آنتن‌های تلویزیون و علمک‌های گاز، غبار آلود بودن نمای ساختمان‌ها در اثر آلودگی هوا و وجود آلودگی صدا در اثر تردد وسائط حمل و نقل و یا وسایل ساختمان‌سازی.
- خرید بعضی از بناهای مسکونی توسط گروه‌های مختلف و اجاره دادن آنها به اقشار مختلف که به طور مقطعی و سالیانه که بعضی از ساکنان اجاره‌نشین را به تغییر دائم در محل سکونت خود وادار می‌سازد.
- وجود تأسیسات نامرتب با مسکن و ویژگی‌های محله‌ای مانند انواع تأسیسات اداری، کارگاهی، صنفی، آموزشی غیر مرتبط با نیازمندیهای محله‌ای - مانند دانشگاه یا هنرستان - در بعضی از محله‌ها.
- کمبود فضاهای باز یا کمبود ظرفیت آنها برای نشستن و صحبت کردن بزرگسالان، بازی کودکان و نوجوانان و ملاقات اهالی محله با یکدیگر. این مورد در کنار فقدان بعضی دیگر از تأسیسات اجتماعی محله‌ای بسیاری از جوانان و نوجوانان را به توقف و تردد بی‌مورد در کوچه‌ها و معابر وادار می‌دارد.
- دوری از طبیعت برای بسیاری از محله‌ها، ندیدن افق طبیعی شهر، فضای سبز و باز، آب روان و جویبار، محوطه‌سازی و باغچه‌کاری که این مورد بیشتر در محله‌های پرتراکم از نظر ساختمانی و جمعیتی گسترده‌تری دارد.
- امکان وجود خطر در اثر عبور و مرور وسائط نقلیه بویژه برای خردسالان و سالمندان، وجود بعضی از افراد غریبه که ممکن است از نظر ایمنی ساکنان و بویژه زنان و کودکان مخاطراتی را در پی داشته باشد.
- در این مورد کمبود نور یا کیفیت نور پردازی در اوقات شب در اغلب محله‌ها، مشکلات ترددی را به وجود آورده و نامسطح بودن معابر این مشکلات را در اوقات شب افزون‌تر می‌سازد.
- عدم استحکام بعضی از ساختمان‌ها و یا حداقل عدم اطمینان کافی ساکنان از استحکام آنها که بر اضطراب و نگرانی آنها در سکونت در واحد مسکونی خود تاثیر می‌گذارد.

- کمبود سازمانهای اجتماعی محله ای مانند شورای محله و شورای جوانان که این مورد بیشتر برای محله های جدید ساز وجود دارد. در حالیکه در محله های قدیمی تر نقش ریش سفیدان و معتمدین محل در رتق و فتق امور اجتماعی محله و تشویق به مشارکت ساکنان در خصوص حل مسایل محله ای دارای اهمیت فراوانی می باشد.

- کیفیت شکل گیری بسیاری از محله های جدید که با سبک و سیاق ویژه خود، امکان انجام بعضی از مراسم مانند برگزاری جشن ها و اعیاد یا سوگواری را آنگونه که در سبک سنتی آن مرسوم بود، با محدودیت روبرو ساخته است.

- ناآشنایی ساکنان محله با یکدیگر در محله های جدید و عدم دیدار صمیمی همسایه مآبانه در اثر مشغولیت های کاری، تردد کامل با اتومبیل از پارکینگ واحد مسکونی تا نقاط دیگر و بالعکس که زمینه ساز جدایی اجتماعی ساکنان از یکدیگر می شود.

### تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

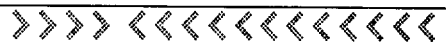
با توجه به دیدگاه توسعه محله ای پایدار می توان محله های شهر تهران را از جنبه های ساختار فضایی، هویت کالبدی و سرمایه اجتماعی به صورت زیر بررسی نمود. لازم به ذکر است که ارتباط تنگاتنگی بین بخش های یاد شده وجود دارد و ارائه راهبردهای پیشنهادی در جهت بهبود وضعیت محله هدف اصلی این بخش محسوب می گردد.

عدم انسجام در ساختار فضایی و کالبدی خود منجر به بی هویتی کالبدی و به تناسب آن زایل شدن سرمایه اجتماعی می شود پس لازم است به منظور حفظ هویت و جلوگیری از بی هویت شدن محله، اقدام به تقویت یکپارچگی و پیوستگی ساختار فضایی محله شود. این هویت بخشی و ایجاد انسجام در عناصر و اجزاء ساختار محلی سبب بهبود رفتارهای ناشی از آنها در سطح محله و در نتیجه ایجاد زمینه های مناسب برای کسب سلسله ای از تجارب پیوسته و مشترک در میان ساکنین و استفاده کنندگان از فضا و در نهایت رسیدن به حس و هدف مشترک در میان آنها با ایجاد و تقویت هویت کالبدی می گردد.

همان طور که بیان شد، توجه ویژه به توسعه محله ای از این نقطه شروع شد که توجه به نیازهای مردم به صورت جدی در یک محله یک امر ضروری است زیرا باید این مردم در کلیه اموری که به محله و آینده شان مربوط می شود از تصمیم سازی تا تصمیم گیری و از نظارت تا اجراء دخالت مستقیم داشته باشند و از مشورت آنها برای فرهنگ سازی مشارکتی نهایت استفاده را نمود. البته مفهوم مشارکت محله ای این بود که سکنه فعال محله هم به عنوان موتور تغییر و تحول و هم به عنوان نتایج تغییر تلقی شوند. این هدف با این سوال مورد توجه قرار گرفت که موثرترین راهکار برای بهبود وضعیت دموکراسی محله چه می تواند باشد؟ با این تأکید که مشارکت فی نفسه هدف نیست، بلکه هدف رسیدن به دموکراسی محلی<sup>۲</sup> است. بنابراین حکمرانی یا مدیریت محله است که می تواند چنین دموکراسی مشارکتی با حضور همه اقشار مردم برای شرکت فعالانه در سرنوشت خویش را تعریف کند.

این در حالی است که مباحث عمده نظری و اجرایی توسعه اجتماعات محله ای<sup>۳</sup> در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه با چالش و موانع عمده روبروست. در مقابل تجربه بسیاری از کشورهای توسعه یافته مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کانادا نشان می دهد که در طی دهه های اخیر موج

۱. Local Democracy  
۲. Community Development



نظریه پردازی و اقدامات اجرایی پیرامون دموکراسی مشارکتی محلات روبه افزایش نهاده است. به طوری که هیچ یک از این کشورها خود را بی نیاز از تغییرات ساختاری در سطح محلات ندیده اند زیرا عمده چالش های شهری در آن کشورها، وجود طبقات فرودست و فرادست شهری است که شبکه های متعددی از فقر و بیکاری را به وجود آورده اند و مشکلات و مسائل فراوان دیگری که رفع آنها نیازمند تصمیم گیری در مقیاس کوچک شهری یعنی سطح محله می باشد.

تجربه اروپا و بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان می دهند که مفاهیم مدیریت محله ای بیش از هر چیز درگیر با سه عامل کلیدی بوده است. (۱) تمرکز زدایی (۲) همگرایی افقی (۳) مشارکت محله ای. در این کشورها منجمله نمونه های مورد تطبیقی نظام های مدیریتی محله محور، به واسطه بهره گیری از هشت عنصر بنیادی و کلان در ساختار و فرآیند توسعه محلات کلانشهرهای خود، به جایگاه ممتازی در مدیریت شهری مشارکتی دست یافته اند.

از طریق اتخاذ روش های مناسب برای تفکر درباره ساختارها، تغییرات خرد اجتماعی، شبکه ها و نیز اینکه مردم چگونه تحت شرایط محرومیت اجتماعی زندگی را تحمل می کنند. شبکه ها مبتنی بر اعتماد هستند و ممکن است طرد و محرومیت و یا ساختار زدایی اجتماعی نیز صورت گیرد. لذا در قدم اول باید شبکه ها مابین ساکنین محلی، محلات و در عوامل خارج از محله شناسایی شده و سپس شبکه های رسمی در میان صاحبان تخصص در اجتماع مورد توجه قرار گیرند، به علاوه تارهای ارتباطی شبکه ها ممکن است موانعی را برای ایجاد تغییر فراهم سازند و یا برعکس منابعی را ایجاد کنند. سه ویژگی حائز اهمیت برای تفکر درباره روش های حکمرانی دموکراتیک محلی وجود دارد:

۱- مدیریت محله باید تابع دموکراسی باشد.  
 ۲- ماهیت رسمی روش های دموکراتیک محلی نمی تواند قابل پیش بینی باشد چون موارد باید در میان ساکنین مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

۳- مسائل عمده و نتایج مربوطه که از این فرآیند به دست می آیند قابل پیش بینی نیستند. بنابراین شرط لازم برای توسعه مدیریت محله ای این است که برنامه های محله ای باید نقش بسزائی در افزایش پیوند اجتماعی داشته باشند. اما به طور خاص تر در مورد ایران و کلانشهر تهران سوال این است که کدام رویکرد مناسب است؟ برای پاسخ دادن به این سوال باید زمینه ها، بافت اجتماعی، ترکیب کالبدی شهر تهران و اثرزهای درونی اجتماعات شهری از یکسو و سیاست های کلان کشور و ساختار حکومتی ایران از سوی دیگر ظرفیت سنجی شود. زیرا توجه به هنجارها، مناسبات اجتماعی، شبکه های گوناگون اجتماعی مثبت و منفی و سایر اثرزهای اجتماعی درون شهری ایجاب می نماید تا از این منبع در جهت مدیریت بهینه و کارآمد کشور استفاده شود. اگرچه به نظر می رسد تهران از بافت متنوع و گوناگونی برخوردار شده و به تبع تغییرات کالبدی، مناسبات اجتماعی مردم نیز تغییر کرده است ولی هنوز محلات قدیمی ولو متحول شده و نیز اجتماعات همبسته زیادی وجود دارند که اعتماد بین شخصی در میان آنها زیاد است. جوامع و دولت های کارآمد از این سرمایه نه تنها در جهت همبستگی ملی بلکه در جهت اداره و مدیریت بهینه شهر توسط خود مردم مبتنی بر ارزش ها و نگرش ها استفاده می کنند.

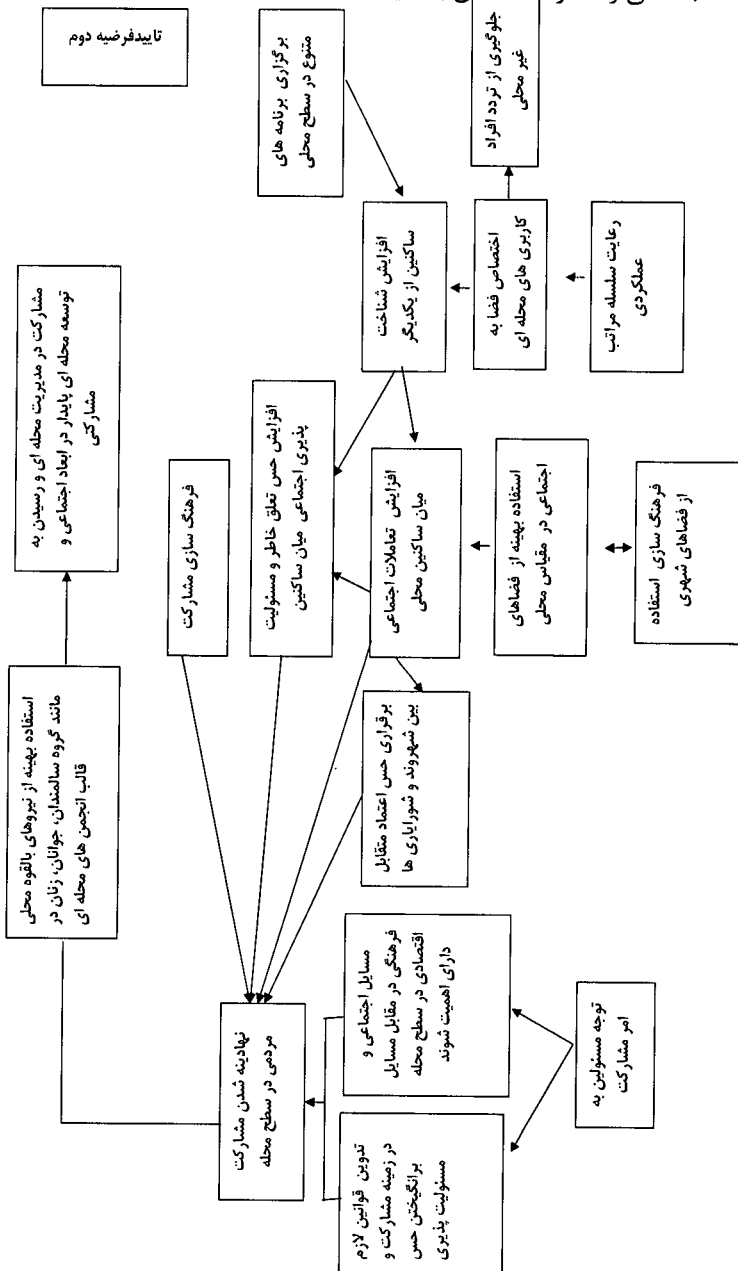
\* فرضیه

- سوالی با این عنوان طرح شد که:

چگونه می توان به تحقق مدیریت توسعه محله ای به منظور پایداری کلانشهر تهران کمک کرد ؟

فرضیه در راستای سوال

"با ایجاد و توسعه گروهها و نهادهای اجتماعی - فرهنگی در ناحیه های شهری می توان مدیریت توسعه محله ای را از ابعاد اجتماعی و مشارکتی تحقق بخشید.



ارائه اهداف عملیاتی، راهبردها و سیاست‌های اجرایی پیشنهادی

اهداف کلان	راهبردها	اهداف عملیاتی
افزایش تعاملات اجتماعی	- افزایش نقش مسجد جامع در ایجاد فضاهای جمعی محلی	- برگزاری جشن‌ها و مراسم و اعیاد مذهبی به مناسبت‌های مختلف - برگزاری مسابقات ورزشی، هنری و ... به منظور ایجاد زمینه برای آشنایی ساکنین
	- استفاده از فضای عمومی در مرکز محله	- تشکیل نهادهای گروهی و انجمن‌های محلی برای برانگیختن حس مسئولیت‌پذیری
افزایش حس مسئولیت‌پذیری ساکنین	- اولویت‌دهی به حرکت پیاده و دوچرخه	- ایجاد مسیرهای مخصوص دوچرخه - افزایش امنیت عابر پیاده - زمینه‌سازی برای ارتباط رودرو و بیشتر مردم با هم
	- استفاده از نظرات و پیشنهادات مردمی ساکنین محله	- زمینه‌سازی برای نهادینه‌سازی مشارکت در میان ساکنین محلی - تقویت فرهنگ مشارکت
تقویت هویت کابردی توسط هویت اجتماعی	- افزایش حس تعلق خاطر ساکنین به محدوده	- ایجاد زمینه برای همکاری و نظارت اجتماعی ساکنین - ایجاد زمینه آموزش به عنوان مهمترین گام در این راستا
	- ایجاد زمینه‌های ارتباطی و تعاملات میان ساکنین محدوده	- برگزاری مراسم و جشن‌های ملی، سنتی، مذهبی و محلی - تقویت فضاهای جمعی و دعوت از افراد موفق برای ایجاد انگیزه در میان مردم
افزایش کارکردهای محله‌ای در راستای افزایش تناسب و تعاملات محلی	- رعایت سلسله مراتب دسترسی محلی	- محدود نمودن حرکت خودروهای عبوری در داخل محله - جلوگیری از ایجاد گسست بیشتر میان مردم - تقویت مسیرهای پیاده در این خیابان و تبدیل آن به شبکه منسجم
	- ایجاد خیابان‌های محلی	- ایجاد جذابیت برای تمامی گروه‌های سنی و فرهنگی در پارک‌ها - ایجاد کاربری‌های مختلف به منظور ایجاد جذابیت برای همه گروه‌های سنی
تقویت فضاهای عمومی و محلی نمودن آنها	- رعایت سلسله مراتب عملکردی محلی	- ایجاد و تقویت کارکردهای محلی پارک‌ها
	- حذف و تضعیف کارکردهای فرامحله‌ای	- حذف ورود ترافیک عبوری خیابان‌های آیت و سنگان به داخل بافت محله

**پیشنهادات خرد در سطح محله**

- ۱- افزایش امنیت اجتماعی در دل محلات علاوه بر ایجاد کلانتریها با استفاده از نگهبان محله و برانگیختن حس مسئولیت‌پذیری مردم و انجمن‌های محلی بخصوص برای زنان و کودکان.
- ۲- تغییر کاربری و تراکم ساختمانی جهت تأمین خدمات و امکانات گذران اوقات فراغت
- ۳- تفکیک کامل آمد و شد پیاده و سواره و تأمین ملزومات هر یک از آنها ضمن برقراری حداکثر ارتباط جهت تبدیل وسیله سفر.
- ۴- تأمین روشنایی مناسب برای معابر و پیاده‌روها
- ۵- توسعه فضاهای سبز ورزشی و فراغتی
- ۶- بهسازی و نگهداری از بافت تاریخی محله
- ۷- تکمیل و نگهداری شبکه فاضلاب محله که یکی از تهدیدات اصلی را شامل می‌شود.
- ۸- روان‌سازی ترافیک سواره و توسعه و تکمیل وسایل همگانی

- ۹- ایجاد شرایطی به منظور تحقق تشکیل CBOs در محله برای سهولت در امر مشارکت پذیری ساکنین
- ۱۰- فرهنگ سازی برای مشارکت خودجوش سکنه محله
- ۱۱- فعال کردن شورایی در بعد مدیریت محله ای، مشارکت در حفظ بافت های تاریخی محله، برنامه ریزی برای محله و اینکه از این حالت سکون خارج شوند.
- ۱۲- توسعه و تجهیز بافت نارمک به عنوان بافت نمونه
- ۱۳- احداث مکانهای بازی برای کودکان با در نظر گرفتن بعد مسافت از نظر دسترسی
- ۱۴- کسب درآمد از جمع آوری و تفکیک مناسب زباله ها توسط انجمن های محله ای و آموزش مردم برای تحقق این هدف
- ۱۵- ایجاد شرایطی برای پر کردن اوقات فراغت جوانان ساکن محله در راستای کسب درآمد برای آنان همچون تفکیک انواع زباله و فروش آن، آبیاری فضای سبز محله، مشارکت در انجام امور محله، آموزش و ...
- ۱۶- پالایش، تجهیز و توسعه مرکز خدماتی محله نارمک واقع در میدان نبوت (هفت حوض).
- ۱۷- کسب درآمد از خودروهای شخصی وابسته به آموزشگاههای رانندگی که به دلیل سکوت و معابر خلوت به کرات در این محلات دیده شده.
- ۱۸- افزایش مبلمان شهری همچون سطل آشغال های مکانیزه که مکان قرار گیری آن درست شده ولی هنوز نصب نشده است.
- ۱۹- ایجاد مکانهایی برای پر کردن اوقات فراغت اقشار سنی مختلف اعم از محل های بازی، کتابخانه، خانه مشق و ...

### پیشنهاد و راهکار اجرایی نهایی

فقدان سازوکارهای ارتباطی (از جمله نشریه محلی) ساکنان تهران را به سوی گم شدن در توده شهر سوق داده، اما وجود رسانه های محلی به رواج خرده فرهنگ جماعتی کمک و هویت یابی را در متن این توده عظیم آسان می کند.

به کمک رسانه محلی، هم محله ای ها می توانند حول زمینه ها و علایق همانند، در جهت ایجاد ارتباطات محلی همکاری کنند و با هویتی باز یابی شده با خرده فرهنگ های دیگر تعامل و ارتباط معنادار و پیوند سازنده داشته باشند. تنوع خرده فرهنگ ها، خاص شهرها و جوامع بزرگ و گسترده است و گرنه شهرهای کوچک و روستاها ماهیتا طوری هستند که اجازه پیدایش خرده فرهنگ های متنوع را نمی دهند.

کسانی که ممکن است در شهر خود چندان متوجه اشتراکات فرهنگی با همشهری های خود نباشند، پس از مهاجرت به تهران، بسیار مشتاق اند در محله هایی ساکن شوند که حجم بیشتری از همشهری های خود را در آنجا می توانند پیدا کنند و در حین ارتباط گیری با آنها، مدام یادآور مایه های مشترک فرهنگی و بومی خود می شوند تا بدین ترتیب خودیت خود را در گستره وسیع و رنگارنگ تهران حفظ کنند و البته از حمایت جمعی همشهری ها و هم محلی ها برخوردار باشند. بسیار شنیده ایم که می گویند: «شهر بزرگ، دنیای بیگانه هاست» با وجود این در این دنیای بیگانه ها، پیوندهای عاطفی و انسانی از راه توسعه روابط شخصی و حمایت از آن، ایجاد می شود. این مهم به ابزارها و سازوکارهایی نیاز دارد که نشریه محلی یکی از آنهاست.





نشریه محلی، تجربه زندگی در کلانشهر را با نگاه محله محور در راستای توسعه پیوندهای شخصی، ایجاد و گسترش روابط انسانی و عاطفی، کمک به هویت یابی، مساعدت در جهت توسعه مشارکت و همکاری ها، اشاعه دوستی های بی شائبه و تحکیم سنت های فرهنگی، دنبال می کند. در عین حال نشریه محلی، کمک می کند تا خود را به گونه ای مؤثر با مقتضیات زندگی در یک کلانشهر سازگار کنیم بدون آن که آسیب جدی از مشکلات آن ببینیم.

گرچه روابط اجتماعی غیرشخصی و گمنام، بخشی گریزناپذیر از وجوه متعدد زندگی شهری است اما ما مجبور نیستیم مرگ عاطفه و صمیمیت و غرق شدن در شلوغی و هیاهو را منفعلانه نظاره گر باشیم، چون همشهری محله می تواند ما را با طعم شیرین سیب شمیران، بوی خوش خاطره امامزاده های شهر، طنین زیبای خاطرات قدیمی کوچه پس کوچه های گلوندک و نواحی دل انگیز قصه های مادر بزرگ محله زرگنده آشتی دهد!

همشهری محله می تواند با زبان هم محله ای ها با ما سخن بگوید، از اشتراکات حرف بزند و از نیازهای مشترکمان. از صفای با هم بودن و از ضرورت کنار هم ماندن!

در خاتمه پیشنهاد می شود که در برنامه های توسعه محله ای، علاوه بر مواردی که شرح آنها آمد در ابتدا به فاصله بندی اجتماعی محله ها پرداخته شود و سپس برنامه ریزی اجتماعی لازم در خصوص آنها صورت گرفته و مترادف با آن به سطوح دیگر برنامه ریزی مانند: برنامه ریزی کالبدی و ساختار محله ای، اقدام شده و در نهایت به طراحی فضاهای عمومی اقدام گردد.

مبنای کار در توسعه محله ای تهران و در هر شهر دیگری از کشور باید براساس، جداسازی مجموعه های اجتماعی محله ای در مقابل سایر فعالیت های شهری استوار باشد. اگر واحدهای اجتماعی محله های مسکونی در عرصه های تداخل با فعالیت های غیر مسکونی قرار گیرد، مفهوم درستی از یک محله ایستا و زمینه ساز برای رشد و تعالی اجتماعی ساکنان تجلی نخواهد یافت. محله ها باید از هرج و مرج و زشتی رهایی یابند و ساختار تعریف شده ای داشته باشند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

به دنبال تغییر در شرایط و عوامل بر گسترش و توسعه شهری در دوران اخیر، محله های مسکونی انسان ساخت، جایگاه ویژه ای در شکل گیری شهرها داشته اند. در حالی که توسعه شهری پایدار بخش عمده ای از ادبیات شهرسازی سال های اخیر را به خود اختصاص داده است، پرداختن به اصول و معیارهای توسعه محله ای هنوز نیازمند تحقیق و پژوهش فراوان است.

دیدگاه "توسعه پایدار" حل مشکلات شهری را استفاده از نیروهای توانمند درونزا در محلات شهری یعنی گروهها و اجتماعات محلی به عنوان سرمایه های اجتماعی که از جایگاه و کارکرد ویژه ای از لحاظ حفظ و توسعه تنظیمات اجتماعی در کلانشهر برخوردار هستند، می دانست. این دو نظریه در کنار یکدیگر (توسعه پایدار- مکتب محیط گرایان فرهنگی) منجر به تبیین دیدگاهی با عنوان "توسعه محله ای پایدار" گردید. این دیدگاه مبین این اصل است که محلات شهری دارای درونمایه عظیم اجتماعی و فرهنگی می باشند که تنها بازآفرینی فرهنگ شهروندی و توجه به محلات به عنوان بستر زندگی اجتماعی ساکنین، به توسعه پایدار محلی می انجامد.

هویت در کنار مشارکت می توانند این حلقه مفقوده جامعه ما را سامان بخشند، زیرا تا زمانی که فرد

احساس تعلق خاطر نکند، مسئولیت پذیر نخواهد شد و این عدم مسئولیت پذیری هم مانعی بزرگ برای امر مشارکت فعال در زمینه های مختلف و متنوع جامعه کنونی شهری ما می باشد. آنچه در این پژوهش هدف ما را تبیین می نماید ارائه نوعی از سیاست گذاری شهری است که موارد و اصول آن از متن نظریه های شهری استخراج شده است. در اینجا نمی توان مدعی آن شد که تمام لوازم و نیازهای مورد نظر در سیاست گذاری شهری توسعه محله ای تهران تدوین شده است و هیچ داعیه ای هم مبنی بر تحقق روند توسعه محله ای در تهران نداریم. همانطور که قبلاً بیان شد موانع و مشکلات بر سر راه تحقق اهداف مطروحه زیاد است. در مورد تطبیق شرایط موجود بر سر روند توسعه محله ای و جهش به سمت حکمروایی خوب به دلیل اینکه در هیچ یک از شاخص های تحقیق (سرمایه اجتماعی و وضعیت کالبدی بافت) همخوانی زیادی بین محلات شهر تهران وجود ندارد. ادعایی مطرح نمی کنیم. بلکه هدف تنها بازگشایی دریچه ای جدید نسبت به موضوع و بررسی مواردی است که می تواند در اولویت فعالیت ها و اقدام های شهری قرار گیرد.

برای این منظور و اینکه شهروند در قبال شرایط کنونی و حال حاضر محل زندگی خود احساس مسئولیت کند و خود را در قبال کوچکترین رخداد مسئول ببیند نیازمند برنامه ریزی مداوم و ممتد در فرهنگ شهرنشینی ما است تا در آینده ای نه چندان دور، مرحله گذاری باشد برای عبور از شهرنشینی کنونی به یک شهروند قدرتمند تصمیم گیر و مسئول پذیر.

شرط لازم برای توسعه مدیریت محله ای این است که برنامه های محله ای باید نقش بسزایی در افزایش پیوند اجتماعی داشته باشند. اما به طور خاص تر در مورد ایران و کلانشهر تهران سوال این است که کدام رویکرد مناسب است؟

برای پاسخ دادن به این سوال باید زمینه ها، بافت اجتماعی، ترکیب کالبدی شهر تهران و انرژی های درونی اجتماعات شهری از یکسو و سیاست های کلان کشور و ساختار حکومتی ایران از سوی دیگر ظرفیت سنجی شود زیرا توجه به هنجارها، مناسبات اجتماعی، شبکه های گوناگون اجتماعی مثبت و منفی و سایر انرژیهای اجتماعی درون شهری ایجاب می نماید تا از این منبع در جهت مدیریت بهینه و کارآمد کشور استفاده شود.

می توان گفت کلانشهرهای جوامعی همچون ایران:

\* به دلیل آنکه قدرت و نگاه معطوف به حکومت است.

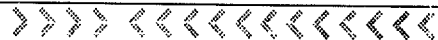
\* به دلیل آن که تعامل اجتماعی در کشور ما دارای جایگاه ضعیفی است، محافظه کاری دو طرفه می باشد.

\* به دلیل آن که فضاهای عمومی ما بیشتر جنبه تشریفاتی، حکومتی و اکثراً مذهبی دارند.

\* به دلیل عدم شفافیت و پاسخگویی که ریشه این امر وجود مدیریتی مرکز-محور، تصمیم گیری اوزالیدی، عدم فرصت دادن به تشکیل و پویایی حکومت های محلی و درونی شدن فرهنگ مشارکت می باشد.

**پرداختن به مفاهیم اصیل توسعه محله ای با منازعات فراوانی مواجه است.**

این در حالی است که نیاز جامعه ما ایجاد عرصه هایی است که شهروندان (کلمه ای که در جامعه ما مفهوم ندارد) بتوانند با خیال راحت و آرامش کامل به بحث و گفتگو با همشهریان خود مشغول شوند و فارغ از جنجال و هیاهو، تسلط خودرو و درگیری احزاب و گروهها در زندگی امروز به آرامش از دست رفته دوران گذشته بازگردند.



## منابع و ماخذ

- ۱- سبحانی، آنا (۱۳۸۵)، "باز تولید مفهوم محله از گذشته تا امروز، نمونه موردی محله ۱۶، منطقه ۱۱ شهر تهران"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- ۲- شکویی، حسین (۱۳۷۳)، "دیدگاههای نو در جغرافیای شهری"، انتشارات سمت، تهران.
- ۳- صرافی، مظفر (اسفندماه ۱۳۸۳)، "توسعه اجتماعات محلی؛ شالوده پایداری کلان شهرهای جنوب"، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران اسفندماه ۱۳۸۳، تهران.
- ۴- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، "بنیادهای توسعه پایدار کلانشهر تهران"، نشریه شهروندمداری، شماره ۱۱، ص ۹-۳.
- ۵- صرافی، مظفر، "کلانشهر پیشتاز توسعه ملی" نشریه شهروندمداری، شماره ۶، آذرماه ۱۳۸۱، معاونت توسعه مدیریت شهری، تهران.
- ۶- صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، "شهر پایدار چیست"، مدیریت شهری شماره ۴، صص ۶-۱۱.
- ۷- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، "محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک"، نشریه هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۲۷، ص ۳۸؛ پاییز ۱۳۸۵- تهران.
- ۸- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰)، "الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها" جلد اول، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداری ها، تهران.
- ۹- فلامکی، منصور (اسفندماه ۱۳۸۳)، "فرهنگ زیست محله ای شهرهای ایران؛ ریشه ها و گرایش ها"، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران.
- ۱۰- معصومی، سلمان (۱۳۸۷)، "پروژه حکمروایی شهری قدمی برای توانمند سازی شهروندان با تاکید بر شاخص امنیت محله، همایش سراسری جامعه ایمن- تهران.
- ۱۱- معصومی، سلمان (۱۳۸۷)، "بررسی پروژه توسعه شهری در ایران از دیدگاه مدیریت و برنامه ریزی شهری" همایش سراسری دانشگاه تهران- تهران.
- ۱۲- موسوی، سید علی (۱۳۸۱)، "گامهای نوین مدیریت شهری برای توسعه"، [www.Hamshahrionlin.ir](http://www.Hamshahrionlin.ir)
- ۱۳- موسوی، یعقوب (۱۳۸۶)، "بررسی سیاست های شهری توسعه اجتماعی نوع محله ای شهر تهران" (مقاله)، استادیار جامعه شناسی دانشگاه الزهراء، تهران.
- ۱۴- موسوی، یعقوب (۱۳۸۲)، "باسازی شهری با تکیه بر توسعه نظام محله ای"، دفتر مطالعات و پژوهشهای راهبردی سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران.
- ۱۵- هودسنی، هانیه (۱۳۸۴)، "پیش دفاع پروژه بهبود ساختاری- فضایی محلات شهری در چارچوب توسعه محله ای پایدار"، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، تهران.

1- Mousavi, S. Y., Urban Neighbourhoods of Tehran: The Social Relations of Residents and Their Living Place, Unpublished Thesis, Newcastle University, 1998

2- Madanipor, A., 2001 How relevant is planning by neighborhoods today? In Town Planning Review, vol.72, no.2, pp.171-191

## عدالت اجتماعی و نقش آن در توسعه پایدار شهری

### مرتضی طلایی

رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی وزیرت شهری شورای اسلامی شهر تهران

### محمدباقر فرهنگد

پژوهشگر باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج و محقق حوزه مدیریت شهری

### چکیده

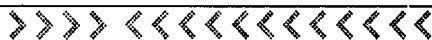
امروزه عدالت در حوزه اجتماع انسانی به عنوان بارزترین و با ارزش ترین و در عین حال پیچیده ترین مفاهیم شناخته می شود و بسیاری از متفکرین در طول تاریخ به دنبال رسیدن به معنی و مفهوم حقیقی عدالت و تحقق آن در جامعه بوده اند.

در عین حال احیای مجدد گفتمان عدالت خواهی در سال های اخیر موجب شده است که مطالبات به حقی از تمامی ارکان و بخش های نظام به ویژه دستگاه های اجرایی برای برداشتن گام های بزرگتر و جدی شکل گیرد. بر این اساس ضرورت تعریف شاخص های عدالت در بستر مدیریت شهری برای تحقق توسعه پایدار، از موارد قابل توجه و مهم ارزیابی می گردد.

طرح این سوال که جایگاه عدالت در توسعه پایدار شهری، کجاست و این فرض که تحقق شاخص های عدالت در حوزه مدیریت شهری منجر به تسریع برنامه های توسعه پایدار می گردد. محور اصلی این مقاله را شکل می دهد. در پایان نیز با اثبات فرضیه فوق، با تکیه بر اطلاعات استخراج شده، به ارائه راهبردهای پیشنهادی می پردازیم.

### واژگان کلیدی

مدیریت شهری، توسعه پایدار، عدالت اجتماعی، شهروندان



## مقدمه

از پدیده‌های مهم امروز که سخن بسیار گفته شده، شهرنشینی و روند تحول آن است و آن طی سه دهه اخیر، به سطحی رسیده که در طول سالیان دورتر از آن تجربه نشده است. به عبارت دیگر در خلال سی سال گذشته، جمعیت شهری در سطح جهانی، به بیش از دو برابر بالغ شده است. بر اساس پیش بینی‌های سازمان ملل متحد طی سی سال آینده این پدیده در مناطق شهری و در کشورهای در حال توسعه تکرار خواهد شد، به گونه‌ای که جمعیت شهری در این مناطق جهان، از رقم ۱/۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به آستانه ۴ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. در حالیکه در بقیه جهان، یعنی کشورهای پیشرفته صنعتی، در همان فاصله زمانی رقم ۹۰۰ میلیون به یک میلیارد نفر خواهد رسید. (Chasetland & Chesnais ۱۹۹۷)

آمار فوق نشان دهنده رشد فزاینده شهرنشینی در جهان است و به تبع آن نیز افزایش نیازهای ساکنین این شهرها و برنامه ریزی و مدیریت دقیق شهر برای تحقق عدالت اجتماعی حداکثری از موارد بسیار مهم در این حوزه است. از طرفی تقریباً تمامی کشورهای جهان به دنبال توسعه می باشند و هر یک به طریقی برای رسیدن به این هدف برنامه ریزی و اقدام می نمایند. بنابراین توسعه را می توان پدیده‌ای انسانی قلمداد کرد که در سایه تلاش و بهره‌وری‌های بهینه انسانی در یک فضای جغرافیایی شکل می‌گیرد.

در تئوری‌های مربوط به توسعه یافتگی سرزمین‌ها، توجه بیشتر به ابعاد فرهنگی است، زیرا هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین پردازش به فرهنگ و ارزش انسانی، عامل گرایش هرچه بیشتر جامعه به سوی عدالت اجتماعی گردیده و مساوات بزرگ انسانی را در جامعه حاکم می‌نماید.

پیش شرط‌های لازم برای رسیدن به توسعه، از طریق ایجاد بستری مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌گردد. این پیش شرط‌ها در جامعه به هنگامی پدیدار می‌گردد که عزم ملی در جهت کار مضاعف و تلاش مضاعف، ایجاد درآمد و ارزش‌های افزوده بیشتر، پس انداز و انباشت ثروت و سرمایه‌گذاری‌های بنیادی و تولیدی در جامعه سازماندهی شود.

این مقاله در نظر دارد به بررسی شاخص‌های عدالت اجتماعی در تحقق توسعه پایدار شهری بپردازد و مدلی راهبردی را با رویکرد مهندسی محور ارائه نماید.

## عدالت اجتماعی

مفهوم عدالت که به صورت ویژگی پنجم توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است، مفهومی خاص تحت عنوان عدالت توزیعی و یا عدالت اجتماعی است. (۹ : ۸) پیوند عدالت اجتماعی با زندگی شهروندی امروزه امری کاملاً ملموس و در تمامی ابعاد دارای ارتباطات گسترده و قابل بررسی است.

عدالت اجتماعی در شهر یعنی حفظ منافع گروه‌های مختلف اجتماعی به طور عام و گروه‌های هدف به طور خاص به وسیله توزیع منابع شهری، درآمدها و هزینه‌ها، تعریف می‌گردد، اکنون مباحث عدالت محیطی با تاکید بر مترادف بودن مفاهیم عدالت اجتماعی، لزوم حسابرسی اجتماعی از نهادها و سازمان‌های دولتی و نظایر آنها، را به عنوان پایه و اساس حسابرسی محیطی، ضروری می‌شمارند. (Rob, Gary : ۲۰۰۲ : ۲۷)

در راستای پیوند عدالت اجتماعی و توسعه پایدار شهری باید هدف اصلی برنامه ریزی، دستیابی به توزیع عادلانه منابع عمومی در سطح شهر باشد. (Emily, Talen: ۱۹۹۸) مدیریت شهری برنامه ریزی کنترل شده برای دستیابی به کارآمدی و برابری توسعه شهری مفهوم می یابد. مدیریت شهری تنها مدیریت تأسیسات و سازمان های بشری است، تا مدیریت فرآیند شهر نشینی، توسعه شهری و انجام امور شهری در راستای تحقق عدالت اجتماعی و توزیعی به گونه ای که تأسیسات شهری با هم هماهنگ کار کنند و کارآمدی واحدهای فضایی شهر (پویایی شهر) در سطوح مختلف نظام و بخش های شهری به روش دلخواه و در جهت توسعه پایدار حفظ شود. (Chakrabarty, BK: ۱۹۹۸)

در مجموع با توجه به نبود تعریف واحد از عدالت اجتماعی براساس مطالعات انجام شده می توان چنین بیان کرد که: عدالت اجتماعی گویای توزیع «عادلانه» امکانات و ثروت میان افرادی است که طبق تعریف دارای حقوق برابرند و البته در همین تعریف نیز بحث های فراوانی است چرا که معیار تشخیص و سنجش این حقوق برابر افراد دقیقاً مشخص نمی باشد. اما به منظور کاستن از اطاله بحث فرض را بر دقیق تر بودن این تعریف می گذاریم و سه معیار اصلی را در این تعریف در نظر می گیریم:

- به هر کس به یک اندازه و برابر
- به هر کس به اندازه کار و توانایی او
- به هر کس به اندازه نیاز او

یکی از اصولی که در اغلب ایدئولوژی ها از جمله دین اسلام مبنای برنامه ریزی محسوب می شود، اصل عدالت اجتماعی است که تفکر نهادها و برنامه ریزان بر مبنای آن شکل می گیرد و از اصولی است که به دلگرمی، انسجام روابط و توزیع عادلانه (و نه مساوی) دستاوردها و عواید بین شهر و روستا و شهروندان منجر خواهد شد (پاپلی یزدی، ۱۹، ۱۳۸۲).

<ul style="list-style-type: none"> <li>• امید به زندگی</li> <li>• میزان جرم و جنایت</li> <li>• میزان بیکاری</li> <li>• تولید ناخالص داخلی</li> <li>• میزان فقر</li> <li>• تعداد دانش آموزان مدارس</li> <li>• میزان ساعت کار در هفته</li> <li>• میزان مرگ و میر حین تولد</li> <li>• میزان خودکشی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حس اجتماع محلی</li> <li>• دارایی های مادی</li> <li>• حس ایمنی و آرامش</li> <li>• خوشنودی</li> <li>• رضایتمندی از زندگی به طور کلی</li> <li>• روابط خانوادگی</li> <li>• رضایتمندی از مشاغل</li> <li>• زندگی جنسی</li> <li>• نوع ادراک از عدالت توزیعی</li> <li>• شناسایی و تعریف خطیقت</li> <li>• عضویت باشگاهی و سرگرمی های تفریحی</li> </ul>
--	--

### شاخص های عدالت اجتماعی

در بیان شاخص های عدالت اجتماعی به صورت کلی ۵ شاخص و یا اصطلاحاً ۵ حوزه راهبردی تعریف می گردد: (قالیباف، ۱۳۸۸، ۶۰)

- ۱- توزیع درآمد و رفاه اجتماعی
- ۲- تامین اجتماعی
- ۳- بیمه سلامت
- ۴- حمایت و مساعدت های اجتماعی
- ۵- پارانه ها

اما در تبیین دقیق تر موارد فوق شاخص های عدالت اجتماعی در شهر با هدف تحقق توسعه پایدار چنین ترسیم می شود

البته ارزیابی شاخص‌های عدالت اجتماعی برای زندگی شهروندان صرفاً موارد فوق نمی‌باشد و موضوعات زیر را نیز شامل می‌شود که در مقام مقایسه تطبیقی نزدیکی فراوانی با شاخص‌های توسعه پایدار شهری دارد:

- ۱- شاخص‌های محیطی:
  - الف- محیط کالبدی و فیزیکی
  - ب- محیط زیست طبیعی
- ۲- شاخص‌های فرهنگ شهروندی
- ۳- شاخص‌های اقتصادی
- ۴- شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی
- ۵- شاخص‌های آموزش، تحصیلات و مهارت‌ها
- ۶- شاخص‌های زیرساخت‌ها و تاسیسات
- ۷- شاخص‌های سلامتی و بهداشت
- ۸- شاخص‌های حقوق شهروندی
- ۹- شاخص‌های تفریحات و استراحت
- ۱۰- شاخص‌های مسکن و سرپناه:
  - الف- کیفیت کالبدی مسکن
  - ب- کیفیت سکونت مسکن
- ۱۱- شاخص‌های امنیت

#### مفهوم توسعه پایدار در عدالت اجتماعی

توسعه پایدار یا Sustainable Development در حقیقت ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست است. در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی (IUCN) آمد. این سازمان در گزارش خود با نام استراتژی حفظ منابع طبیعی این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست، بلکه به یاری آن هم می‌آید. پایداری می‌تواند چهار جنبه داشته باشد: پایداری در منابع طبیعی، پایداری سیاسی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی. در حقیقت توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست محیطی اتفاقی تمرکز ندارد بلکه به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه می‌کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است. یکی از مهمترین رویدادهای بین‌المللی که در زمینه توسعه پایدار وجود دارد، نشست جهانی توسعه پایدار (WSSD) است. در این نشست توافق‌هایی در زمینه توسعه پایدار میان شرکت‌کنندگان انجام شد. کاهش تعداد افرادی که دسترسی به آب ندارد به نصف تا سال ۲۰۱۵ میلادی، به حداقل رساندن مواد شیمیایی که بر سلامتی انسان و طبیعت اثرات مخرب می‌گذارند تا سال ۲۰۲۰ میلادی، نصف کردن سرعت کاهش ذخیره‌های دریایی و رساندن منابع دریایی به سطحی پایدار تا سال ۲۰۱۵ میلادی، کاهش روند از بین رفتن تنوع طبیعی تا سال ۲۰۱۰ میلادی، افزایش پایداری در استفاده از انرژی‌های تجدیدشونده و برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه‌های ۱۰ ساله در مورد توسعه پایدار از اصلی‌ترین توافقات این نشست بود. (روزنامه همشهری، ۱۸ شهریور ۱۳۸۶)

هرچند این روزها بسیاری از دولتمردان و فعالان زیست محیطی به دنبال رسیدن به توسعه پایدار هستند، اما برخی فعالان زیست محیطی این گزینه را برای حفظ محیط زیست کافی نمی‌دانند. آنها معتقدند در با توجه به روند استفاده از منابع تمام شونده و از بین بردن منابع در جهان، واژه «توسعه پایدار» مناسب نیست و باید از لفظ جایگزینی چون «پایداری توسعه» استفاده کرد تا این مفهوم در ذهن تداعی نشود که قرار است منابع جدیدی تولید شود.

توسعه پایدار از منظر اجتماعی به یک نظام اجتماعی گفته می‌شود که به توزیع برابر منابع و تساوی تسهیلات و خدمات اجتماعی شامل: بهداشت، آموزش و پرورش، برابری جنسی، پاسخگویی سیاسی و مشارکت دست یابد. در این تعریف توسعه پایدار با تلفیق در عدالت اجتماعی تقریباً دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌های یکسانی می‌باشند. در این مفهوم جامعه انسانی به عنوان یکی از زیرنظام‌های محیط زیست مورد توجه است، پس بدون توجه به آن توسعه پایدار شهری محقق نمی‌گردد.

نهضت‌های محیطی، نواحی شهری را به دلیل آلودگی بسیار و نارسائی‌های زیر ساخت‌های حمل و نقل و سیستم آب و فاضلاب به عنوان مهمترین معضلات توسعه پایدار بررسی می‌کنند و هشدار می‌دهند که اگر به آسیب‌های محیطی نواحی شهری رسیدگی جدی نشود ممکن است مسیرهای توسعه از بنیاد نابود شده و حتی به ویرانی زیست کره جهانی منجر شود. (۴: ۵)

کیفیت زندگی مردم شهرها و مشکلات اجتماعی آنها در طرح جامعه سالم به دلیل توجه به مفاهیم توسعه پایدار و حفظ محیط زیست به شدت مورد توجه است. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که چگونه بی‌کاری، بی‌خانمانی، سکونت در مسکن‌های غیر استاندارد و افزایش قیمت‌ها موجب کاهش سطح بهداشت فیزیکی و سلامت روانی مردم می‌شود. به همین دلیل امروزه به مفهوم بهداشت رفتاری به عنوان یکی از موضوعاتی اساسی توسعه پایدار انسانی اشاره می‌شود. (Mari, C.Kjorstad, ۲۰۰۴: ۳۵-۴۰) زیرا توسعه پایدار بدون توجه به زندگی انسان‌ها و توسعه انسانی قابل اجرا نخواهد بود.

از طرف دیگر، مساله بی‌کاری در شهرها که به افزایش نابرابری بین گروه‌های اجتماعی و مناطق شهری منجر می‌شود با مسایل توسعه نابرابر در سطح ملی در ارتباط است؛ زیرا افزایش فقر و نابرابری در مناطق روستایی و شهرهای کوچک، عامل مهاجرت به خصوص شهرهای مادر است. بدیهی است این نیروی مهاجر یا ناتوان از یافتن شغل است و یا اینکه گرسنه و غیر ماهر می‌باشد. این امر به طور کامل، مخالف اهداف توسعه انسانی است و به همین دلیل از مهمترین موانع توسعه پایدار به شمار می‌رود. (رفیعی، مینو، ۱۳۸۰: ۱۱۷)

بنابراین تخریب محیطی و بی‌ثباتی اجتماعی از نتایج فقر است، زیرا فقر بیان‌کننده روابط بسیار پیچیده اجتماعی و اقتصادی و سیاسی می‌باشد که نابرابری در دسترسی به منابع را به وجود می‌آورد و پیامد آن عملکرد نامناسب در استفاده از منابع است که تخریب محیطی را به دنبال دارد. ادامه روند نابرابری و بی‌ثباتی اجتماعی و به دنبال آن تخریب محیطی ممکن است به مراحل غیر قابل بازگشت برسد. (Urban Growth Inequity: ۲۰۰۲) از دلایل عمده نابرابری در دسترسی به منابع طبیعی، تسهیلات خدمات شهری و روستایی می‌توان به مواردی مانند عملکرد صاحبان صنایع، شهرداری‌ها، سازمان‌های غیر دولتی و تجاری و همچنین سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های دولتی و نحوه اجرای آنها اشاره کرد. (Rosemarie Russo: ۲۰۰۳)



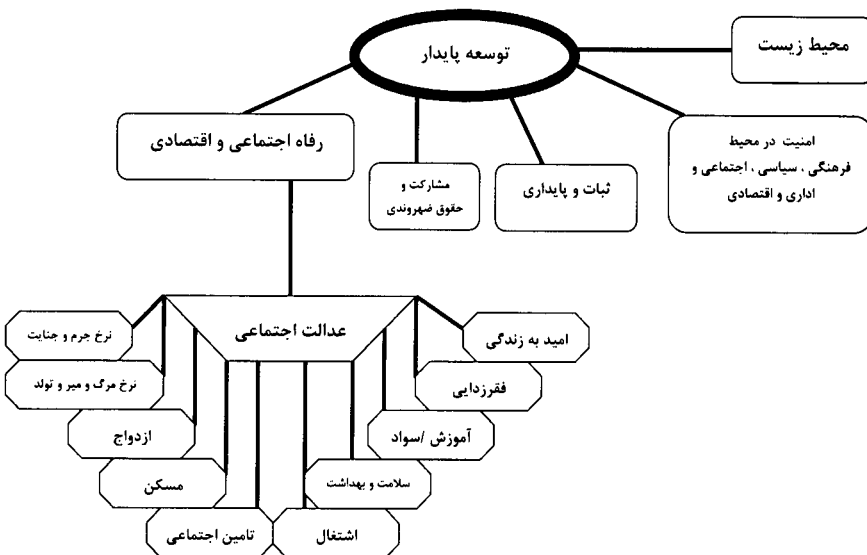
### مدل های مفهومی شاخص های توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار، مفهومی وسیع است و صرفاً به تعریف مصطلح زیست محیطی خلاصه نمی‌شود. به هر حال محیط زیست، دارای مفهوم بسیط و شامل جوانب: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز می‌باشد و می‌بایست جملگی در پی هم در نظر گرفته شوند و انسان محور بودن آن همیشه مورد توجه قرار گیرد.

پس در یک راهبردی، عدالت اجتماعی در شهر یعنی حفظ منافع گروه های مختلف اجتماعی به طور عام و گروه های هدف به طور خاص به وسیله توزیع بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه ها.



### مدل مفهومی مهندسی عدالت اجتماعی در توسعه پایدار شهری



## نتیجه گیری

« توسعه پایدار»، انسان محور است و با توجه به گستردگی مباحث و قابلیت‌های بسیار آن به سرعت به مهمترین مناظره کنونی و نیز یکی از مهمترین چالش‌های قرن بیست و یکم تبدیل شده است. در پایان هزاره سوم میلادی روند رشد و توسعه در چارچوب پایداری احیاء شد. در توسعه پایدار، انسان، محور توسعه و مستحق بهداشت، امنیت، فرهنگ، آموزش، دانش و توسعه ارتباطات و اطلاعات می باشد. در جمع بندی مطالب ارایه شده در مقاله، ضمن پاسخگویی به سوال اصلی «جایگاه عدالت در توسعه پایدار شهری چیست؟» این فرض که تحقق شاخص های عدالت منجر به تسریع در تحقق برنامه های توسعه پایدار با رویکرد اقدامات توسعه ای می شود نیز بر اساس مدل فوق اثبات گردید. در این مدل به وضوح دیده می شود که مؤلفه های عدالت اجتماعی در شهر دارای ارتباط نزدیک و هم پوشانی با مؤلفه های توسعه پایدار می باشند و این نشان از اهمیت توجه به شاخص های توسعه پایدار شهری برای تحقق رویکرد عدالت محوری و گفتمان آن در سطح جامعه و ارتقاء اعتماد عمومی و مشارکت شهروندی در اداره امور شهر بر اساس عدالت توزیعی است.

به بیانی دیگر می توان به درستی، رابطه مهندسی شده و عقلانی را از جایگاه عدالت اجتماعی در توسعه پایدار شهری دریافت. همانطور که دیده می شود، مفهوم توسعه پایدار از ۴ شاخص کلان: امنیت، ثبات، آزادی و رفاه تشکیل می شود و طبیعتاً موضوع عدالت اجتماعی در زیر مجموعه رفاه قرار می گیرد که به صورت مبسوط در صفحات گذشته به آن پرداخته شد، لذا رابطه ای معنی دار تنظیم گردیده که در اثبات فرضیه ما دارای اهمیت است.

## راهبرد

- براساس استانداردهای بین المللی:

پیشنهادات زیر براساس استانداردهای مؤسسه «مرسر» و «مجله اکونومیست» ارایه می گردد:

- ۱- تدوین نظام جامع کیفیت زندگی شهری؛
- ۲- مشخص کردن شفاف قوانین و سرانه هایی جهت توزیع جمعیت شهرها؛
- ۳- تدوین مقررات ملی کیفیت محیط زندگی؛
- ۴- توجه ویژه به استانداردهای مصالح ساختمانی؛
- ۵- ارتقاء سیستم های جمع آوری زباله و ضایعات و پسماندهای شهری؛
- ۶- ارتقاء کیفی ستاد های مدیریت بحران؛
- ۷- ارتقاء کیفی توجه به فرهنگ و اصول و حقوق شهروندی؛
- ۸- ایجاد بسترهای عملیاتی اشتغالزایی؛
- ۹- ایجاد زمینه های مؤثر سرمایه گذاری در شهر؛
- ۱۰- تشویق و حمایت عملی از بخش خصوصی؛
- ۱۱- پیگیری پوشش بیمه ای واقعی برای تمامی شهروندان؛
- ۱۲- توجه ویژه به برنامه های کنترل مولید و رشد جمعیت؛
- ۱۳- حمایت ویژه از اقشار کم درآمد شهر؛
- ۱۴- توجه به معلولین، ناتوانان جسمی و ذهنی، سالمندان، زنان و کودکان به عنوان سرمایه های اجتماعی؛

- ۱۵- ارتقاء سطح آموزش های دانش محور فرهنگی و اجتماعی به شهروندان؛
- ۱۶- ارتقاء سطح امکانات بهداشت محیطی و شهری؛
- ۱۷- افزایش امکانات متنوع ورزشی و تفریحی و سرگرمی؛
- ۱۸- توسعه بخش مسکن با اعطای وام های بلند مدت ، انبوه سازی ، اجاره به شرط تملیک با شرایط آسان؛
- ۱۹- تلاش برای ایجاد محیط امن شهروندی با تعریف شاخص های امنیت فرهنگی در محیط شهری؛
- ۲۰- توجه ویژه به بهداشت روانی خانواده ها؛

- براساس اقدامات مدیریت شهری در تهران

- ۱- موضوعات عدالت در توزیع نواحی به محلات کوچک تر ( طرح های محله محوری )؛
- ۲- استفاده از پتانسیل های شهروندی در اداره امور شهر مانند طرح های شورایاری ها و یا ۱۳۷ یار و یا ناظرین افتخاری ۱۸۸۸؛
- ۳- انجام طرح هایی نظیر توانمندسازی زنان خودسرپرست و یا سرپرست خانوار؛
- ۴- ارایه آموزش های شهروندی به شهروندان بر اساس توزیع جغرافیایی محلات؛
- ۵- انجام طرح های هیئات امناء محلات و مدیر محله که به زودی بر اساس مصوبات شورای شهر توسط شهرداری تهران به اجراء در خواهد آمد و مدیریت خرد محلات نیز با هماهنگی نواحی به خود شهروندان واگذار می گردد.
- ۶- و ...

## منابع و ماخذ

- 1-Chasteland,J.C,J.C.Chesnais (eds).1997.la population du monde: enjeux et problemes . Paris:Presses Universitaivives de France.
- ۲- گزارش آماری سال ۱۳۸۰ - کمیته امداد امام خمینی (ره) - افراد تحت پوشش - ۱۳۸۱
- 3- Gray , Rob, Social Accounting project and Society Privileging engagement, Imaging new a ccounting Organization and Society,27-2002
- 4- Talen,Emily, Visualizing Fairness Equity maps for Planner,APA,winter,1998
- 5- K.Chakrabarty ,Urban Development Models, New Delhi,India Habitate, INTL,VO.22.NO.4 , 1998
- ۶- محمد باقر قالیباف ، برنامه ای برای پیشرفت و عدالت ، شهرداری تهران، ۱۳۸۸ ، صفحه ۶۰
- ۷- روزنامه همشهری ، ۱۸ شهریورماه ۱۳۸۶
- ۸- فصلنامه اقتصاد و مسکن ، دفتر برنامه ریزی و اقتصاد و مسکن ، شماره ۳۳ ، وزارت مسکن و شهرسازی ، سازمان ملی زمین ، بهار ۱۳۸۱ ، صفحه ۴
- 9- C.Kjorstad,Mari,The Current and future state of Mental Health in surance Rarity leg Islation , Psychiatrie Rehabilitation journal,2004- p32-40
- ۱۰- مینو رفیعی ، مسکن و توسعه در تهران - مجموعه مقالات همایش مالی توسعه و ضد توسعه ، ۱۳۸۰، صفحه ۱۱۷
- 11- Urban Growth inequity , The Society Environment Nexus,  
<http://www.unchina.org>  
[//undp/documents/HDR/documents/Chapter3.pdf](http://undp/documents/HDR/documents/Chapter3.pdf).CHDR2002.front cover,p8
- 12-Russo,Rosemarie , Unhead voices:Environmental Equity,Issue 18, Issn:1076-7675,2003, file:///L:/Done/ russ01@earth link net,Diablo Valley College,Pleasant Hills.USA

بهره گیری از مجلات داخلی زیر:

- ۱- اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛
- ۲- فصلنامه پژوهش های اقتصادی؛
- ۳- اقتصاد اسلامی؛
- ۴- گلستان قرآن؛
- ۵- کتاب ماه تاریخ و جغرافیا؛
- ۶- پژوهشنامه علوم انسانی؛
- ۷- مجله تخصصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

## الزامات مدیریت مناطق کلانشهری در فرآیند جهانی شدن با تأکید بر منطقه کلانشهری تهران

دکتر مظفر صرّافی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران

علیرضا محمدی

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری

رسالت نهایی شهر اینست که مشارکت آگاهانه انسان را در فرآیندهای جهانی و تاریخی بیشتر کند.

لوییز مامفورد

(مامفورد، ۱۳۸۱: ترجمه دکتر حسین عظیمی بلوریان، ص ۷۶۰)

### چکیده:

رشد شهرنشینی در ایران همچون بسیاری از کشورهای در حال توسعه با شتاب بیشتری همراه بوده است. این روند ضمن تمرکز جمعیت در مناطق کلانشهری کشور با محدودیت‌های ناشی از عقب ماندگی توسعه از رشد شتابان شهرنشینی، همراه شده است. تمرکز و حاد شدن مسائل اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی در کنار ساختار اداره سنتی، مانع از اعمال کارکردهای مناسب جهت ایفای نقش جهانی آنها شده است. منطقه کلانشهری تهران، با وجود تمرکز بیشترین عملکردهای صنعتی، تجاری و خدماتی در سطح کشور، فاقد کارکردهای رایج در شهر و منطقه‌های جهانی برای حضور موثر در شبکه جهانی اقتصاد است. فرصت‌های اقتصادی ناشی از جریان سرمایه‌های سیال جهانی و گسترش بازارهای بین‌المللی مبتنی بر صنعت و خدمات در کشور و قابلیت‌های نقش آفرینی در این عرصه در مقابل تهدیدات برآمده از سیاست‌های اقتصاد بین‌الملل و خروج سرمایه‌های ملی قرار گرفته است. این مهم، برقراری نظام مدیریت منطقه کلانشهری متفاوت از الگوهای سنتی گذشته را الزامی ساخته است تا تهدیدات جهانی شدن را به فرصت‌هایی برای توسعه خود و کشور مبدل سازد. در این راستا باید قلمرو جغرافیایی و عرصه‌های عملکردی شهرداری تهران با ملاحظات حکمروایی شایسته گسترش یابد.

### واژگان کلیدی

جهانی شدن، شبکه جهانی شهرها، کارکردهای شهر جهانی، کلانشهرهای در حال توسعه، مدیریت منطقه کلانشهری تهران

## ۱- مقدمه

طی دهه های اخیر جهانی شدن و تأثیر آن بر ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهرها از یک سو و از سوی دیگر مسائل ناشی از شهرنشینی شتابان و رشد بدون برنامه کلانشهرها در کشورهای «جنوب» چالش های جدی را در اداره آنها به وجود آورده است. تداوم تغییرات ساختاری در شهرها به موازات گسترش روابط اقتصادی و یکپارچگی جهانی، لزوم توجه به مدیریت و برنامه ریزی شهری و تجدید نظر در سنت های مرسوم اداره کلانشهرها را برای ایفای نقش در عرصه جهانی الزامی نموده است. در این نوشتار تلاش داریم تا با مطرح نمودن چند سؤال موضوع را به بحث گذاریم. نقش کلانشهر در الگوی جدید روابط جهانی چیست؟ شیوه مدیریت کلانشهر تهران چگونه است و در پیوند با روابط جهانی چگونه باید باشد؟ برای احراز کارکردهای جهانی چه اقداماتی را باید انجام داد؟

## ۲- جهانی شدن و توسعه شهری جهانی (جغرافیاهای نوین جهانی)

جهانی شدن نه تنها پایان جغرافیا نیست بلکه آفریننده روابط فضایی و الگوهایی از روابط جغرافیایی نوین است. به واقع مقیاس جدیدی از روابط فضایی در جهان در حال شکل گیری است. رابطه ای که در آن جهانی شدن با تفرق و تنوع در کنش های جهانی همراه بوده و در این رابطه شهرها در شبکه ای به هم پیوسته آرایش یافته و جغرافیاهای نوینی را به وجود می آورند (Taylor, 2007: p1). به گفته جان رنای شورت، پیوند عمیقی میان جهانی شدن و توسعه شهری وجود دارد. این پیوند از دهه ۱۹۴۲ که اولین پالس های جهانی شدن شروع به انتشار نمود آغاز می شود. ترسیم رابطه اقتصادی بین شهرهای مستعمره اروپایی در سطح جهان به عنوان نقاط مرتبط تجاری با انتشار اولین اطلس شهری توسط جرج براون<sup>۱</sup> و فرانس هوگنبرگ<sup>۲</sup> در سال ۱۵۷۲ نشان از شکل گیری شبکه ای از روابط جهانی میان شهرها در آن دوره است. موج دوم این رابطه در پیوند با تثبیت قدرت امپراطوری استعماری اروپایی و شکل گیری شهرهای دوگانه در مستعمره ها، در طی سال های ۱۹۸۸-۱۹۱۴ است. دوگانگی فضایی و فرهنگی و اقتصادی و سپس تأثیرات و تفاوت های هر کدام از فرهنگ ها بر یکدیگر در نقاط مختلف شهری جهان، شروعی برای رابطه ای جهانی در مقیاس جغرافیایی متفاوت بود. موج اخیر جهانی شدن و رابطه آن با شهرها در ارتباط با پیشرفت در اطلاع رسانی و فن - آوری های اطلاعاتی و جابه جایی کالاها و خدمات در سطح جهانی است که از دهه ۱۹۸۹ به این طرف سرعت گرفته است و می توان آن را جهانی شدن مجدد<sup>۳</sup> نامید (Rennie Short, 2006: pp ۶۱-۶۲). الگوی نوین روابط جهانی به ویژه در ابعاد اقتصادی همراه با تهدیدها و فرصت هایی است. صرفه های در مقیاس، برداشته شدن موانع از سر راه شرکت های تجاری برای کسب منافع بیشتر از طریق استفاده از نیروی کار ارزان، مواد خام، و فناوری سطح بالا (Hi-Tech)، از جمله فرصت هایی است که برای برخی از فعالان در عرصه اقتصاد جهانی به وجود می آید و به شرکت های مختلف تجاری فرصت حضور در بازار مصرف جهانی را جهت تولید و فروش کالاها و خدمات فراهم می آورد. برای مثال بسیاری از ناشران آمریکای شمالی تولیدات و فروش خدمات خود را در کشور هند انجام می دهند. عده ای از پژوهشگران بر این اعتقادند که جهانی شدن به ارتقای صلح و همکاری جهانی کمک می کند (Haag, 2000: pp ۱-۳).

۱. George Braun  
۲. Hogenberg  
۳. Re-globalization

۲-۱- جهانی شدن و کلانشهری شدن «جنوب»: فرصت یا تهدید؟

نقش آفرینی برای توسعه انسانی یا چالش برای بقاء در تحول جهانی مهم‌ترین چالش فراروی کشورهای «جنوب» است. طی چند دهه‌های اخیر به موازات جهانی شدن، شهرنشینی در کشورهای «جنوب» با شتاب بیشتری در مقایسه با کشورهای شمال در جریان بوده است. و در این گذار، مسئله اساسی شهری شدن «جنوب»، چشم انداز توسعه‌ای ناپایدار به ویژه در کلانشهرهایش با روال کنونی است (صرافی، ۱۳۷۹: ص ۱۶۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد، جمعیت شهری جهان از ۳ میلیارد نفر؛ معادل ۵۰ درصد کل جمعیت در سال ۲۰۰۳، به ۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت که برابر با ۶۰ درصد (سه پنجم) از کل جمعیت جهان خواهد بود (United Nations Population Division, ۲۰۰۲: p۱).

جدول ۱- شهرهای میلیونی دنیا در سال ۲۰۰۷ میلادی

رتبه	منطقه کلانشهری	کشور	جمعیت	مساحت به کیلومتر مربع	تراکم جمعیت در کیلومتر مربع
1	Tokyo/Yokohama	Japan	33,200,000	6,993	4,750
2	New York Metro	USA	17,800,000	8,683	2,050
3	Sao Paulo	Brazil	17,700,000	1,968	9,000
4	Seoul/Incheon	South Korea	17,500,000	1,049	16,700
5	Mexico City	Mexico	17,400,000	2,072	8,400
6	Osaka/Kobe/Kyoto	Japan	16,425,000	2,564	6,400
7	Manila	Philippines	14,750,000	1,399	10,550
8	Mumbai	India	14,350,000	484	29,650
9	Delhi	India	14,300,000	1,295	11,050
10	Jakarta	Indonesia	14,250,000	1,360	10,500
11	Lagos	Nigeria	13,400,000	738	18,150
12	Kolkata	India	12,700,000	531	23,900
13	Cairo	Egypt	12,200,000	1,295	9,400
14	Los Angeles	USA	11,789,000	4,320	2,750
15	Buenos Aires	Argentina	11,200,000	2,266	4,950
16	Rio de Janeiro	Brazil	10,800,000	1,580	6,850
17	Moscow	Russia	10,500,000	2,150	4,900
18	Shanghai	China	10,000,000	746	13,400
19	Karachi	Pakistan	9,800,000	518	18,900
20	Paris	France	9,645,000	2,723	3,550
21	Istanbul	Turkey	9,000,000	1,166	7,700
22	Nagoya	Japan	9,000,000	2,875	3,150
23	Beijing	China	8,614,000	748	11,500
24	Chicago	USA	8,308,000	5,498	1,500
25	London	UK	8,278,000	1,623	5,100
26	Shenzhen	China	8,000,000	466	17,150
27	Essen/Düsseldorf	Germany	7,350,000	2,642	2,800
28	Tehran	Iran	7,250,000	686	10,550

Source: www.citymayors.com.28 September 2007

رشد شهرنشینی در کشورهای «جنوب» در طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۳۰ با شتاب بیشتری افزایش یافته و از رشدی معادل ۲/۲۹ درصد، در مقابل ۰/۴۷ درصد در کشورهای شمال، برخوردار خواهد بود (United Nations Population Division, ۲۰۰۴:p۱). افزایش تعداد شهرهای بزرگ در کشورهای «جنوب» سریعتر از کشورهای شمال خواهد بود. و در این میان بیش از نیمی از جمعیت اضافه شده در شهرهای بزرگ و کلانشهرهای آسیا سکونت خواهند داشت (United Nations Population Division, ۲۰۰۶:p۱). تعداد کلانشهرهای ۵ میلیونی جهان از ۴۶ عدد در سال ۲۰۰۳ به ۶۱ عدد در سال ۲۰۱۵ رسیده و تعداد ابر شهرها (با ۱۰ میلیون جمعیت یا بیشتر) از ۲۰ مورد به ۲۲ مورد افزایش خواهد یافت و بیشترین تعداد کلانشهرها در کشورهای «جنوب» خواهند بود. بیشترین تعداد کلانشهرهای بزرگ دنیا تا سال ۲۰۱۰ در کشورهای «جنوب» قرار گرفته اند. مطابق پیش بینی‌های بخش مطالعات جمعیت سازمان ملل، این رشد تا سال ۲۰۲۵ با افزایش تعداد کلانشهرها در «جنوب» همراه خواهد بود. و در این افزایش جمعیت کلانشهرهای آسیا از ۱۲۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ به ۳۸۲ میلیون نفر خواهد رسید (Ibid, p۲).

نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که جهانی شدن برخورد یکسانی با مکان‌ها و گروه‌های مختلف در کلانشهرها نداشته و نخواهد داشت. جهانی شدن فرصت‌های جدیدی را در بسیاری از کلانشهرها به وجود می‌آورد. به ویژه آنکه، آنها را به مکان‌های تولید، توزیع و خدمات در اقتصاد جهانی تبدیل می‌سازد و منجر به رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زیستی، افزایش درآمد در آنها می‌گردد (DFID, ۲۰۰۲:P۱). برخی از پژوهشگران جهانی شدن اقتصادی را بستری برای توسعه اقتصادی شهرها بویژه در کشورهای «جنوب» می‌دانند. بنابر نظرات پائول کالیر و دیوید دالر<sup>۴</sup> جهانی شدن موجب رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای «جنوب» می‌گردد (کالیر و دالر، ۱۳۸۳: ص ۴). سرعت در پیشرفت فناوری اطلاعات و علوم فرمانشی و استفاده گسترده از اطلاعات از راه دور در شبکه‌ای از روابط جدید جهانی، به گسترش عملکردهای سطح بالا انجامیده و نقش جدید راهبردی را برای کلانشهرها تعریف نموده است. تجارت بدون اتکاء به مکان جغرافیایی؛ بدون تماس چهره به چهره، شهرها را آماده پذیرش و ایفای کارکردهای غیرمتمرکز فضایی نموده است (Madon & Sahay ۲۰۰۱: p ۲۷۵). در مقابل بنا بر نظر عده‌ای از پژوهشگران، علی‌رغم این تحول، در اقتصادهای توسعه نیافته؛ جهانی شدن اقتصادی منحصر به مکان بوده و الزاما در فضای آزاد جریان نمی‌یابد (M. Shoroff, ۲۰۰۳: p۱). این موضوع را می‌توان ناشی از یکسان نبودن تأثیرات جهانی شدن و تأثیرات متفاوت فضایی آن در کشورهای مختلف دانست. «سانجوی چاکروورتی»<sup>۵</sup> با استناد به پژوهش‌های اقتصاددان‌هایی همچون لانت پریچت و جفری ویلیامسون<sup>۶</sup> و دیگران بر این موضوع تأکید می‌نماید که جهانی شدن همراه با افزایش پیرامونی شدن<sup>۷</sup> و تشدید حاشیه‌ای شدن بسیاری از کشورهای و مناطق از جریان سرمایه و فن‌آوری می‌گردد. به نحوی که میزان رشد درآمدهای کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال ترقی از دهه ۱۹۷۰ به بعد، نشان از واگرایی و فاصله میان سطوح برخورداری از استانداردهای زندگی و تولید ناخالص ملی در آنها است. در نتیجه در اقتصاد جدید جهانی کشورها به دو گروه قابل تقسیم‌اند. گروهی با درآمد بالا و گروهی دیگر با درآمد پایین (Chakravorty, ۲۰۰۳:P۳۵۸). به عقیده «ساسن»<sup>۸</sup> در شهرهای متأثر از

۴. Paul Collier & David Dollar.

۵. Sanjoy Chakravorty

۶. Lanet Pritchett and Jeffrey Williamson

۷. Pheripheralization

۸. Saskia Sassen



جهانی شدن، دسترسی به فعالیت های اقتصادی برای گروه های مختلف اجتماعی با موقعیت متفاوت جغرافیایی، یکسان نخواهد بود. به نحوی که در کنار نفوذ گروه های محدود برخوردار از دسترسی به فرصت ها، بخش کثیری از نواحی جغرافیایی شهرها و اجتماعات شهری به دلیل فقدان آموزش، مهارت، پشتوانه های اقتصادی و زیرساختی و دیگر عوامل محلی، خارج از پوشش شبکه اطلاعاتی قرار گرفته و از مزایای جهانی شدن به دور خواهند بود (Madon & Sahay, Ibid: p ۲۷۶). به باور برخی پژوهشگران، جهانی شدن؛ شروع عصر فرا استعمارگری<sup>۹</sup> است که در طی آن در سطح جهانی، عده کمی ثروت زیاد به دست آورده و تعداد زیادی با فقر فزاینده دست به گریبان می شوند. این روند منجر به افزایش ثروت و فرصت های درآمدی بیشتر، قدرت و بهبود اقتصادی برای برخی ملل در اثر سودهای حاصل از تجارت بین المللی تحت لوای جهانی شدن اقتصاد می گردد. این روند، منجر به افت کیفیت زیستی و فقر فزاینده نیز در آنها می شود (DFID, Ibid, p۱). روندهای موجود حاکی از شتاب تأثیر پذیری شهرهای کشورهای «جنوب» و تشدید حاشیه ای شدن آنها تحت تأثیرات جهانی شدن است (chen Lo ۲۰۰۰: p ۷۷ J. Marcotullio, ۲۰۰۰). در واقع فرآیند جهانی شدن بر مشکل آفرینی های آن در کنار ایجاد فرصت های توسعه دلالت دارد. جهانی شدن موجب دگرگونی های ساختاری در شهرنشینی و شهرسازی «جنوب» شده و بیش از این نیز خواهد شد (صراف، پیشین، ص ۱۶۵).

بررسی رابطه بین تحول فرآیندهای جهانی شدن و تأثیرات آن بر تغییر ساختار فضایی شهرها را می توان از سخنرانی های به عمل آمده در اجلاس جهانی سازمان ملل متحد با موضوع توسعه اجتماعی<sup>۱۰</sup> در مارس سال ۱۹۹۵ شهر کپنهاگ، ریشه یابی نمود. شرکت کنندگان در این نشست سعی در تبیین علل قطبی شدن فضایی شهرهای کشورهای متأثر از روند جهانی شدن اقتصاد و تأثیرات آن بر شکل گیری الگوهای فضایی واگرا و همگرا، در شهرها برآمدند (Beall, ۲۰۰۲: pp۲-۳). بر اساس دستاوردهای این نشست این موضوع مطرح گردید که، گروه ها و مکان های فاقد تشکلات نهادینه شده در اقتصادهای ضعیف، ضمن اشتغال در مشاغل با دستمزدهای پایین و ساعات کار طولانی به سوی افت شرایط اشتغال، امنیت اجتماعی و غیر رسمی شدن با هزینه های بالای اجتماعی پا می گذارند و آنچنانکه مانوئل کاستلز<sup>۱۱</sup> عقیده دارد، جهانی شدن با رویکردی انتخابی (رجحان مکان ها و گروه ها)، با وارد نمودن و یا خارج نمودن اقتصادها و جوامع در درون و یا خارج از شبکه های اطلاعات، قدرت و ثروت؛ که مشخصه نظام مسلط نوین جهانی است پیش می رود (Ibid, p۳).

## ۲-۲- چشم انداز کلانشهری شدن ایران

در ایران به فراخور تحولات جهانی و گسترش روابط بین المللی به ویژه با کشورهای غربی، سیاست های نوسازی در حوزه های مختلف در دوران پهلوی اول شروع شد. در طی برنامه های عمرانی کشور در سال های قبل از انقلاب گسترش فعالیت های صنعتی و خدماتی برای رسیدن به آرمان های توسعه به روالی که در غرب به دست آمده بود، همچون بسیاری از کشورهای «جنوب» در ایران آغاز و شهرنشینی را مورد تشویق و در رأس سیاست های کلان برنامه ریزی کشور قرار داد. انتقال از یک نظام اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر فعالیت های بخش اول و با محوریت روستا - منطقه به اقتصاد بخش صنعت و

۹. Post-Colonial Age

۱۰. (United Nations World Summit for Social Development)

۱۱. M.Castells

بیشتر خدمات شهری بر محور شهر - منطقه منجر به تغییرات ساختاری کلان در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور گردید. با جا به جایی جمعیت و جذب آن در شهرهای با قابلیت استقرار جمعیت، برخی شهرها بزرگتر شدند. در سال ۱۳۳۵ تنها شهر تهران کلانشهر محسوب می شد و در سال ۱۳۶۵ مشهد، در سال ۱۳۷۵ اصفهان، تبریز، شیراز، و در سال ۱۳۸۵ شهر کرج در جرگه شهرهای بیش از یک میلیون نفر ایران و به عنوان شهرهای مهم منطقه ای قرار گرفتند (آمار سرشماری جمعیت در طی سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۳۵). شهر اهواز با ۹۶۹۸۴۳ نفر، قم با ۹۵۷۴۹۶ و کرمانشاه با ۷۸۴۶۰۲ نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵، در آستانه ورود به جمع کلانشهرهای کشور می باشند. جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵، ۷۰۴۷۲۸۴۶ نفر و جمعیت کلانشهرهای کشور در همان سال در حدود ۱۵۷۲۴۳۷۲ نفر و معادل ۲۲/۳ درصد از کل جمعیت کشور بوده است. جمعیت شهرنشین کشور در همین سال ۴۸۲۴۵۰۷۵ نفر یعنی ۶۸/۵ درصد از جمعیت کل کشور و جمعیت کلانشهری کشور معادل ۳۳ درصد از جمعیت شهرنشین کشور بوده است. با احتساب جمعیت شهرهای اهواز، قم و کرمانشاه این رقم به ۳۸/۲ درصد از جمعیت شهرنشین کشور می رسد که در مقایسه با تعداد کم کلانشهرها و شهرهای در آستانه کلانشهری شدن رقم قابل توجهی است.

جدول ۲ - تغییرات جمعیتی در کلانشهرهای کشور در طی سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۵۵

ردیف	کلانشهر	جمعیت			
		۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
۱	تهران	۴۵۳۰۲۲۳	۶۰۴۲۵۸۴	۶۷۵۸۸۴۵	۷۷۱۱۲۳۰
۲	مشهد	۶۶۷۷۷۰	۱۴۶۳۵۰۷	۱۸۸۷۴۰۵	۲۴۲۳۳۱۶
۳	اصفهان	۶۶۱۵۱۰	۹۸۶۷۵۳	۱۲۶۶۰۷۲	۱۶۰۲۱۱۰
۴	تبریز	۵۹۷۹۷۶	۹۷۱۴۸۲	۱۱۹۱۰۴۳	۱۳۷۸۹۳۵
۵	شیراز	۴۲۵۸۱۳	۸۴۹۸۷۶	۱۰۵۳۰۲۵	۱۲۲۷۳۳۱
۶	کرج	۱۳۷۹۲۶	۲۷۵۱۰۰	۹۴۰۹۶۸	۱۳۷۷۴۵۰
	جمع	۷۰۲۱۳۱۸	۱۰۵۸۹۳۰۲	۱۳۰۹۷۳۵۸	۱۵۷۲۴۳۷۲

جدول ۳ - شهرهای در آستانه کلانشهر شدن مطابق آمار سال ۱۳۸۵

ردیف	شهر	جمعیت			
		۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
۱	اهواز	۳۳۴۳۹۹	۵۷۹۸۲۶	۸۰۴۹۸۰	۹۶۹۸۴۳
۲	قم	۲۴۷۲۱۹	۵۴۲۱۳۹	۷۷۷۶۷۷	۹۵۷۴۹۶
۳	کرمانشاه	۲۹۰۶۰۰	۵۶۰۵۱۴	۶۹۲۹۸۶	۷۸۴۶۰۲
	جمع	۸۷۲۲۱۸	۱۶۸۳۴۷۹	۲۲۷۵۶۴۳	۲۷۱۱۹۴۱

منابع: ۱- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲، راهنمای جمعیت شهرهای ایران - ۲- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶، سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵.

به یقین تعداد و اندازه جمعیتی و سطح کالبدی شهر نمی تواند موید موفقیت کلانشهر در توسعه ملی باشد. بلکه، نقش و وظیفه کلانشهر در اقتصاد جهانی تعیین کننده خواهد بود. نقش آفرینی در این رقابت، برای کلانشهرهای کشور با وجود مشکلات و موانع نهادی و ساختاری و مسائل اقتصادی و اجتماعی متمرکز و حاد شده در آنها؛ اگر نه ناممکن بلکه به سختی و کندی دست یافتنی است. در رقابت جهانی اقتصاد، پایداری اقتصادی کلانشهرهای کشور، نیازمند توجه و برنامه ریزی برای استفاده از بنیان های اقتصاد محلی و منطقه ای و قابلیت های درونی آنها است. از این رو نقش و کارکرد کلانشهر در شبکه اقتصاد جهانی با محوریت روابط کارکردی- فضایی شهر منطقه ها و به ویژه شهرهای جهانی در یک شبکه شهری به هم پیوسته تعریف می شود.

با آگاهی از تأثیرات فرآیند جهانی شدن بر کلانشهرها، لازم است تا به نقش و کارکرد شهرهای جهانی بپردازیم. با این توضیح که پیوند عمیقی میان شهرهای وارد شده در اقتصاد و فرهنگ جهانی با یکدیگر وجود دارد. چه بسا با سرعت جهانی شدن، به زودی بسیاری از کلانشهرهای «جنوب» به ویژه پایتخت های آن وارد شبکه شهرهای جهانی خواهند شد.

### ۲-۳- شهرهای جهانی: سلسله مراتب، نقش و کارکرد آنها در اقتصاد جهانی

توسعه شهری در طی ۳۰ سال گذشته پدیده ای جهانی تلقی می گردد و این تحول به موازات تغییر روابط اقتصاد و سیاست های اقتصادی بین المللی، با پیشسازی کلانشهرها در نقش «شهرهای جهانی» همراه گشته است. به اعتقاد والر اشتاین<sup>۱۲</sup> اقتصادهای محلی محصور در گذشته، در یک اقتصاد جهانی به هم پیوسته ادغام شده و کمتر منطقه ای از جهان یافت می شود که از حوزه نفوذ شرکت ها و سازمان های اقتصادی در سطح جهانی به دور باشند. الگوی اقتصادی نوین جهانی، بر پایه سرمایه داری چند بُعدی<sup>۱۳</sup> و با اتکای بیشتر بر بخش خصوصی در بازار های تولید و مصرف جهانی شکل گرفته است. تقسیم کار، تولید، عرضه و مصرف جملگی از الگوی جهانی تبعیت کرده و نیازهای بازار جهانی را نشانه می رود (Clark, ۱۹۹۶: pp۸-۱۱). در این روند شکل گیری الگوهای شهری از حجم و نحوه توزیع و انباشت تولیدات صنعتی، تبادلات و مصرف در شهرها تبعیت می کند و شیوه شهرنشینی و نظام سلسله مراتب شهری بیش از آنکه از عوامل درونی تأثیر پذیرد، از عملکرد سرمایه داری جهانی تبعیت می کند و ساختار فضایی و کارکردهای شهری از روندهای جهانی تأثیر می پذیرد (Ibid, p۱۲). برخی از شهرها (مثال: ژوهانسبورگ) به عنوان گره های هرچند با اهمیت کمتر و یا بیشتر؛ در شبکه اقتصاد جهانی باقی می مانند و نقش «تولید در مکان»<sup>۱۴</sup> را در سلسله مراتب شهری جهانی به عهده می گیرند. برخی دیگر از شهرها در انطباق با تغییرات مستمر حاصل از رقابت بین شهری جهت ایفای نقش تولیدی، ضعیف عمل می نمایند (مثال: فیصل آباد پاکستان). و در هر صورت دوام و یا تضعیف جدایی گزینی فضایی در سطح محلی و ملی مستلزم تقویت عملکرد شهرها در سطح جهانی خواهد بود (Friedmann, ۲۰۰۶: p۱۰). در عمده کشورهای «جنوب»، کنش و واکنش های جهانی شدن از طریق تغییر ساختار فضایی ناشی از ارائه و یا عدم ارائه فرصت های اشتغال و درآمد، به تشدید جدایی گزینی فضایی در شهرها و به ویژه کلانشهرها دامن می زند. پیدایش نواحی جدید تجاری و مسکونی متفاوت از ساختارهای قبلی، برج ها و آسمان خراش های

۱۲. Wallerstein

۱۳. Monopoly

۱۴. Product in Place

تجاری و اداری، گسترش مراکز خدمات رایانه ای و خدمات مالی، برگزاری نمایشگاه هایی از دستاوردهای جدید ساخت و ساز و تبلیغات گسترده در سطح کلانشهرها، گسترش ارتباطات و حمل و نقل سریع و ارتباط زمانی بیشتر در ارتباط کلانشهرها با نواحی پیرامون و شهرهای پیرامون از جمله ویژگی هایی است که شکل و ماهیت شهرها را با الگوهای جهانی شدن اقتصادی پیوند می دهد.

در حالی که بخش های معینی از شهرها از طریق تمرکز تسهیلات خدمات دهی به تشکیلات اقتصادی بازار جهانی (سران شرکت ها و استفاده کنندگان از خدمات آنها و تورسم بین المللی) و به سکونتگاه گروه های پر درآمد شهری، مراکز خرید، مراکز تفریحی گروه های ثروتمند شهری می پردازند و در مقابل، بخش هایی دیگر از شهرها (عمدتاً) سکونتگاه های کم درآمد نشین) با کاهش فرصت های اشتغال و افت کیفی زیرساخت های خود مواجه می گردند. افزایش قیمت زمین شهری جهت جذب سرمایه گذاری های خارجی و گرایش به سرمایه گذاری برای تأمین زیرساخت های مورد نیاز سکونتگاه های ثروتمند نشین منجر به تشدید ناهمگونی فضایی در شهرها می گردد (DFID, Ibid, p2).

در اقتصاد نوین جهانی، پیشرفت در روش های جابه جایی و شیوه های ارتباطی منجر به پیوند مستقیم شهرها با بازارهای بین المللی شده است. استفاده فزاینده از خدمات اطلاعاتی، مالی و دیگر خدمات توسط تولید کنندگان و صنایع مختلف، به معنای اینست که شهرها به مثابه مکان هایی برای تمرکز خدمات با سطح بالا جهت سرمایه گذاری های خارجی و داخلی تلقی می شوند. نواحی شهری بازارهای منطقه ای بزرگ (مشابه بخش های حاشیه ای و شهرهای بندری در پیرامون دریای چین جنوبی) و به هم پیوسته ای را به وجود می آورند که گاهی مستقل از قوانین مرزهای ملی عمل نموده و تحت یک شبکه به هم پیوسته بیشترین ارتباط را با حوزه نفوذ خود برقرار می سازند (World Bank, 2000: preface).

تعیین رابطه عملکردی میان شهرهای جهانی و تعیین وزن نسبی اقتصادی هر کدام از آنها در بخش های اصلی فعالیت از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. شکل گیری چنین شبکه ای منحصر به روابط اقتصادی و تجاری صرف نبوده و در حوزه روابط فرهنگی، اجتماعی نیز قابل بررسی است. در این شبکه برخی از شهرها نقش نقاط اصلی و فرماندهی را به عهده دارند. این شهرها را کسانی چون گی. وولف<sup>۱۵</sup>، فریدمن از دهه ۱۹۸۲ شهر جهانی<sup>۱۶</sup> نامیده اند (Pretecelle, Edmond. 2006: p1). جان فریدمن از جمله پیشگامان در مطالعه شهرهای جهانی است. فریدمن در سال ۱۹۸۶ در اثر خود تحت عنوان «فرضیه جهان شهرها»<sup>۱۷</sup> در چارچوب سازمان فضایی جدید در تقسیم کار بین المللی نیروی کار<sup>۱۸</sup>؛ شهرها را بر مبنای توزیع عملکردهای مدیریتی، مالی و تولید (نیروی کار) در اقتصاد سرمایه داری جهانی، که در نقاط متفاوت پراکنده شده اند، دسته بندی نمود. فریدمن دو گونه شهر جهانی را معرفی نمود:

۱- شهرهای واقع در مراکز جهانی سرمایه داری (شهرهای جهانی واقع در ایالات متحده، کانادا، اروپای غربی، ژاپن، استرالیا و نیوزیلند)

۲- شهرهای واقع در اقتصادهای نیمه پیرامونی (در کشورهای همچون مکزیک و برزیل) (Kaplan, 2004: p 84).

فریدمن در کنار دو دسته اصلی، شهرهای جهانی را به زیر بخش های تحت عنوان شهرهای جهانی اصلی و درجه دو (فرعی) تقسیم نمود. این شهرها به ترتیب جدول شماره ۲ است:

۱۵. G.Wolff

۱۶. Global City

۱۷. World Cities Hypothesis

۱۸. International Division of Labor

جدول ۴- سلسله مراتب شهرهای جهانی، از جان فریدمن: ۱۹۸۶

کشورهای مرکز		کشورهای نیمه پیرامونی	
اصلی	درجه دو	اصلی	درجه دو
شیکاگو	بروسلز	سانوئانو	بانکوک
فرانکفورت	هوستون	سنگاپور	بوینوس آیرس
لندن	مادرید		کاراکاس
لس آنجلس	میامی		هنگ کنگ
نیویورک	سان		ژوهانسبورگ
پاریس	سیدنی		مانیل
رتردام	تورنتو		مکزیکوسیتی
توکیو	وین		ریو دوژانیرو
زوریخ			سئول
			تایپه

منبع: Kaplan, David. H & at all, ۲۰۰۴: p۸۵

بعد از فریدمن، بی.جی. گادفری و وای. ژائو<sup>۱۹</sup> در سال ۱۹۹۹ بر اساس تعداد و موقعیت ۱۰۰ شرکت جهانی بزرگ و شعبات اصلی آنها، ۵۰ شهر را به عنوان شهرهای جهانی دسته بندی نمودند. در این دسته بندی شهرهایی از آسیا و آمریکای جنوبی نیز مشاهده می گردد (جدول شماره ۲). ساسن با استفاده از نظریات کسانی چون جان فریدمن، پیتر هال، وولف و دیگران مطالعه خود را بر روی شهرهای لندن، توکیو و نیویورک متمرکز نموده و در سلسله مراتب شهرهای جهانی شهرهای نامبرده را در بالاترین ردیف سلسله مراتب جهانی شهرها و دارای عملکرد شهر جهانی قرار داد. به اعتقاد ساسن، شهری جهانی است که دارای ویژگی هایی به شرح موارد زیر باشد:

۱. داشتن شبکه هایی که سبب خلق یا شکل گیری یک نظام شهری در نظام جهانی و نه فقط در نظام شهری یک کشور شود.
  ۲. عنصر فضایی سازنده ای در مقیاس جهانی باشد و با ساختار چند سطحی پیرامونش یکپارچه شده باشد. جایگاه آن در این سطوح فقط وابسته به مقیاس اقتصاد آن نیست بلکه به قدرت سلطه جهانی آن نیز بستگی دارد. این قدرت در سایر حوزه های کارکردی یک شهر مانند کارکردهای فرهنگی آن متمرکز شده است.
  ۳. رابطی بین شهر و بخش های ملی که مناطق مرکزی، نیمه پیرامونی<sup>۲۰</sup> و پیرامونی آن را شکل می دهند محسوب شود.
- هم فضاهای شهری بزرگ مقیاس به منظور تحقق جریان های سطح بالای اجتماعی- اقتصادی دو جانبه که قدرت مکان ها<sup>۲۱</sup> نامیده می شود و هم با فضای کامپیوتری کاملاً توسعه یافته در شهر که قدرت جریان ها<sup>۲۲</sup> نامیده می شود، مرتبط باشد (تاکنوشی، ۱۳۸۵: صص ۱۲۶-۱۲۵).

۱۹. b.j. Godfrey and Y.Zhou  
 ۲۰. Semi-Peripheral  
 ۲۱. Power of places  
 ۲۲. Power of Flows

جدول ۵- تعداد و موقعیت ۱۰۰ شرکت جهانی بزرگ و شعبات اصلی آنها

تعداد شرکت	شهر جهانی	رتبه	تعداد شرکت	شهر جهانی	رتبه	تعداد شرکت	شهر جهانی	رتبه	تعداد شرکت	شهر جهانی	رتبه
۱۰	بوداپست	۴۵	۱۵	بوگوتا	۳۱	۲۲	بروسلز	۱۵	۶۹	نیویورک	۱
۱۰	گوآنگ ژو	۴۵	۱۵	جاکارتا	۳۱	۲۲	شیکاگو	۱۵	۶۹	توکیو	۲
۱۰	هامبورگ	۴۵	۱۵	مانیل	۳۱	۲۲	فرانکفورت	۱۵	۵۰	لندن	۳
۱۰	کوالالمپور	۴۵	۱۴	برلین	۳۴	۲۲	سیدنی	۱۵	۴۰	هنگ کنگ	۴
۱۰	ریودزانیرو	۴۵	۱۴	هوستون	۳۴	۲۱	سانفرانسیسکو	۲۰	۳۵	سنگاپور	۵
			۱۴	ملبورن	۳۴	۲۰	لس آنجلس	۲۱	۳۰	میلان	۶
			۱۴	مونخ	۳۴	۲۰	تایبه	۲۱	۲۹	پاریس	۷
			۱۳	پاناما	۳۸	۱۹	بونیوس آیرس	۲۳	۲۸	مکزیکو	۸
			۱۳	سانتیاگو	۳۸	۱۸	آمستردام	۲۴	۲۸	مادرید	۸
			۱۲	دوبلین	۴۰	۱۸	کاراکاس	۲۴	۲۶	سنول	۱۰
			۱۲	لیسبون	۴۰	۱۸	استانبول	۲۴	۲۵	سانوئائولو	۱۱
			۱۱	آن	۴۲	۱۸	تورنتو	۲۴	۲۵	زوریخ	۱۱
			۱۱	دالاس	۴۲	۱۷	دوسلدورف	۲۸	۲۴	اوزاکا	۱۳
			۱۱	رم	۴۲	۱۷	شانگهای	۲۸	۲۳	بجینگ	۱۴
			۱۰	بارسلونا	۴۵	۱۶	وین	۳۰	۲۲	بانکوک	۱۵

منبع: Kaplan, David. H & at all, ۲۰۰۴: p ۸۶

ساسن، شهرهای جهانی را دارای سه نوع عملکرد جدید به شرح زیر می داند:

- ۱- نقاط کنترل و فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی
- ۲- مکان های کلیدی و بازارهایی برای صنایع پیشرو در دوره معاصر که خدمات تخصصی و مالی را برای کارخانجات فراهم می آورد.

۳- مکان های اصلی برای پشتیبانی از این صنایع از طریق ارائه نوآوری ها و ابداعات

(Olds, Wai-Chung Yeung, ۲۰۰۴: p۴۹۵).

در مفهوم شهر به مثابه مرکز فرماندهی اقتصاد جهانی، سه عنصر در قدرت اقتصادی موجود در شهر مطرح می گردد: بازار مبادله بورس، نمایندگی شرکت های بزرگ تجاری و بانک های بزرگ. بدینگونه عناصر یاد شده در برخی از شهرها در شبکه شهری جهان (لندن، نیویورک و توکیو) تمرکز می یابد و لیکن به شهرهای پایین تر از خود در سلسله مراتب شهری اثر می گذارد (Rennie Short, Ibid, p ۶۸). نتایج پژوهش ها نشان می دهد که شهرهای جهانی ساختارهای ویژه ای را برای بازارهای تجاری و تسهیل در روند عرضه و تقاضا، محیطی مناسب

برای نوآوری، خدمات پشتیبان تجارت، جذب نیروی کار ماهر و حرفه‌ای به وجود آورده و سازمان‌هایی را برای جمع‌آوری، پایش و تحلیل اطلاعات مرتبط با تجارت و هماهنگی با قوانین داخلی کشورها به وجود آورده‌اند. در دسته بندی دیگری، جاناتان بیورستاک و پیتر تیلور<sup>۲۳</sup> شهرهای جهانی را به ۴ دسته اصلی به شرح زیر تقسیم بندی نمودند:

- ۱- شهرهای آلفا: مثل لندن، نیویورک، توکیو و پاریس و ...
- ۲- شهرهای بتا: سیدنی، تورنتو، زوریخ و ...
- ۳- شهرهای گاما: آمستردام، بانگکوک، پکن و ...
- ۴- شهرهایی با شواهد قوی، متوسط و کم از لحاظ جهانی شدن (در حال ظهور): لیون، بمبئی، دهلی نو و برخی دیگر از شهرها (Olds, Kris. Yeung, Chung. Wai, Henry. Ibid: p۵۰۳).

شکل ۱- گونه شناسی شهرهای جهانی از کریس آلدس: ۲۰۰۴

۱- شهرهای فوق جهانی سده: در پیوند کامل با اقتصاد جهانی از طریق جریان های درونی و بیرونی

سهر - منطقه های جهانی  
• سهرها



۲- شهرهای در حال جهانی شدن: اتکای بیشتر بر جریان های از داخل

سهر - منطقه های جهانی  
• سهرها



۳- کشور-شهرهای جهانی: در پیوند کامل با اقتصاد جهانی و دارای تجربه اثرات مستقیم در اقتصاد جهانی

سهر - منطقه های جهانی  
• سهرها



○ کشور شهرهای جهانی

کریس آلدس<sup>۲۴</sup> (از دانشگاه ویسکانسین مدیسون) با استفاده از پژوهش های ساسکیا ساسن، جان فریدمن، پیتر تیلور، آلن جان اسکات<sup>۲۵</sup> و دیگران، ۳ دسته شهر جهانی را تعریف می نماید:

- ۱- شهرهای فوق جهانی شده<sup>۲۶</sup>: در پیوند کامل با اقتصاد جهانی از طریق جریان های درونی و بیرونی
- ۲- شهرهای در حال جهانی شدن<sup>۲۷</sup>: اتکای بیشتر بر جریان های از داخل تا جریان های از بیرون (از اقتصاد جهانی)
- ۳- کشور-شهرهای جهانی<sup>۲۸</sup>: در پیوند کامل با اقتصاد جهانی و با تجربه اثرات مستقیم در اقتصاد جهانی (Ibid: pp۵۰۱-۵۰۴)

۲۳. Jonathon Beaverstock and Peter Taylor

۲۴. Kris Olds

۲۵. A.J.Scott

۲۶. Hyper Global Cities

۲۷. Global Cities Emerging

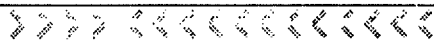
۲۸. Global City-State

- مطابق این پژوهش ها، شهرهای جهانی دارای کارکردهای چندگانه به شرح موارد زیر می باشند:
۱. مراکزی برای سیاحت (توریسم) ملی و بین المللی، تجارت کالا و سرمایه گذاری خارجی.
  ۲. مراکزی برای بانکداری تجاری، بانکداری سرمایه، بیمه و سایر خدمات مالی.
  ۳. مراکزی با قدرت سیاسی در سطوح مختلف ملی و بین المللی و مکانی با تجمع بسیاری از موسسات غیرانتفاعی، اتحادیه ها و سازمان های مرتبط با دولت.
  ۴. مراکز مصرف کالاهای لوکس توسط گروه های ممتاز و پردرآمد و مصرف کالاهایی با تولید انبوه توسط گروه های متوسط درآمد و طبقات کم درآمد.
  ۵. مراکز خدمات حرفه ای پیشرفته در حوزه هایی از قبیل پزشکی، حقوق، آموزش عالی، و به کارگیری فنون و دانش علمی و پیشرفته.
  ۶. مرکز تولید و پخش و بکارگیری دانش و اطلاعات سطح بالا از طرف اشخاص، موسسات، دولت و شرکت های بزرگ و عمده.
  ۷. مراکز تمرکز شرکت های بزرگ و اتحادیه ها و اصناف تجاری و ارائه کننده خدمات پیشرفته با منافع دو جانبه
  ۸. مراکز فرهنگی، هنری، سیاحتی و پوشاک و دیگر زمینه ها
- کارکردهای فوق شهرهای جهانی را از دیگر گونه های شهری متفاوت ساخته و از دهه ۱۹۷۰ به این طرف آنها را از رکود تاریخی خود خارج نموده است (Kaplan, David. H & at all, ibid: p ۸۸).

### ۳- مدیریت کلانشهری در فرآیند جهانی شدن: الزامات، رویکردها و وظایف

جهانی شدن، ضمن تأثیر بنیادی در ساختار فضایی کلانشهرها، در پی برآورده ساختن اهداف بازیگران اصلی در رقابت جهانی تجارت، از طریق تبلیغات و اطلاع رسانی عمومی، دامنه مصرف گرایی را در سطح جهانی افزایش می دهد. در این روند سهم فزاینده ای از خدمات و کالاها در مراکز نیمه پیرامونی (از قبیل کشورهای آسیای جنوب شرقی، چین و ...) تولید شده و بدین طریق سهم هزینه های ناشی از حمل و نقل کالا و مقیاس جغرافیایی تولید کاهش می یابد. در این روند، کلانشهرهای «جنوب» بیش از آنکه نقش آفرین باشند، خود تحت تأثیر تغییرات اقتصاد سیاسی جهانی و به تعبیری روشن تر «سیاست اقتصاد جهانی» قرار گرفته و به لحاظ ساختاری دگرگون می شوند.

فرآیند جهانی جغرافیای ویژه ای دارد که بر پایه آن مناطق کلانشهری را به عنوان کانون گسترش جهانی شدن گلچین و در شبکه ای جهانی یکپارچه می شوند و به موجب آن امکان القاء یا احراز کارکردهای ویژه ای برای کلانشهرها فراهم آمده است. از سوی دیگر جهانی شدن به تقویت وابستگی مکان ها، کارکردها و اقشار محدود و منتخبی در «جنوب» می انجامد که در پیوندی عمدتاً یکسویه و فرامرزی با مراکز «شمال» قرار می گیرند (صرافی، پیشین: صص ۱۶۷-۱۶۵). در این آرایش جهانی جدید و تشکیل شبکه شهرهای جهانی، کلانشهرهای «جنوب» خواسته یا ناخواسته وارد شده و بایستی به ایفای نقش بپردازند. با این تفاوت که برخی از کلانشهرها دارای نقش پیرامونی و حاشیه ای بوده و کارکرد آنها غالباً در سطح ملی بوده و مصرف کننده کالاهای جهانی هستند و برخی دیگر نقش مرکزی پیدا کرده و تولیدکننده خدمات و کالاها برای بازارهای جهانی پذیرفته و به توسعه ملی خود یاری می رسانند. نکته مهم اینست که کارکرد کلانشهرها در کنار مسائل سیاسی و اقتصادی کشورها تا حد زیادی با مدیریت





کلانشهری و برداشتن موانع حاکمیت سنتی شهری پیوند می‌خورد. مدیریتی که قادر به بهره‌گیری و بسیج امکانات جهت به راه انداختن فرآیندی است که توسعه خود را فراتر از مرزهای شهری و منطقه‌ای و ملی می‌جوید. مهمترین مسئله فرآروی این مناطق در تحولات در حال وقوع، نحوه اداره آنها می‌باشد. اگر بپذیریم که مناطق کلانشهری با چالش‌های ساختاری متعددی روبرو هستند و شهرداریها و واحدهای حکومت محلی مجزا و منفرد فاقد توانایی و ظرفیت لازم در اداره این مناطق هستند، وجود چشم‌انداز و رویکرد یکپارچه منطقه‌ای در حیطه مسائل مهم و مشترک آنها اهمیتی دوچندان می‌یابد. این موضوع که می‌توان آن را منطقه‌گرایی<sup>۲۹</sup> نامید، مفهومی است که براساس آن بسیاری از تصمیمات اساسی درباره مناطق کلانشهری که اغلب در سطح حکومت‌ها یا قلمروهای محلی گرفته می‌شود به سطح اداره فرادست واگذار شود (بصیرت، ۱۳۸۵: ص ۳۵). مهمترین موضوعاتی که در دهه‌های اخیر ضرورت توجه بیشتر به مدیریت کلانشهری در ایران و بسیاری از کشورهای «جنوب» را الزامی نموده است شامل مواردی به شرح ذیل است:

#### الف - جایگاه اقتصادی کلانشهر در کشور

جدیدترین جمع‌بندی‌های جهانی نمایانگر همبستگی مثبت بین شهرنشینی و سرانه تولید ناخالص داخلی و نیز بیانگر بهره‌وری سرانه بالاتر از میانگین ملی و سهم بیشتر از نسبت جمعیتی کلانشهرها در تولید کشورهاست. از اینرو، رشد اقتصادی کشور با رشد اقتصادی کلانشهر همبسته است و نمی‌توان به سادگی خواهان توقف و کندشدن ناگهانی آن بود. از سوی دیگر این واقعیتی آشکار شده است که رشد اقتصادی لزوماً به رشد مشابه در اشتغال و در نتیجه رشد جمعیت و گسترش کالبدی منتهی نخواهد شد (صرافی، ۱۳۷۷: ص ۳۷).

#### ب - تغییرات ساختاری در اقتصاد کلان جهان

در اهمیت نسبی بخش‌های اقتصادی تغییرات عمده‌ای رخ داده است که تعریف جدیدی از جایگاه و نقش کلانشهرها را می‌طلبد؛

الف) کاهش سریع ارزش منابع طبیعی نسبت به ارزش تولیدات ساخته شده و خدمات مرتبط.  
ب) رشد شتابان بازرگانی بین‌المللی و سلطه «خدمات تخصصی مالی» به جای سلطه «کالا» در تجارت.  
پ) اهمیت روزافزون گردشگری (توریسم) برای اقتصاد کشورها (که در مورد توریسم خارجی باید گفت که در طی دو دهه اخیر بیش از ۱۵ برابر شده و سرپل ورودی آنها در کشورهای «جنوب»، کلانشهرها می‌باشند). این تغییرات عملاً در جهت رونق فضای کلانشهرها نسبت به دیگر شهرها تجلی می‌یابند (پیشین، ص ۳۸).

#### پ - تحولات سیاسی - اقتصادی جهانی

در دو دهه گذشته کشورهای «جنوب» شاهد اوچگیری بی‌سابقه جهانی شدن اقتصاد و تمکین دولت‌ها به سیاست‌های آزادسازی و تعدیل ساختاری بوده‌اند. تحرک سرمایه‌های ملی و جهانی افزایش یافته است و دولت‌ها با برنامه‌ریزی‌های راهبردی، کلانشهرها را پیشگام توسعه ملی قرار داده‌اند و آنها سرآمد جذب سرمایه‌های سیال بین‌المللی، پیشتاز گسترش بازارهای صادراتی و برانگیزاننده تولیدات سطح بالای فن‌آوری شده‌اند. با وجود مزایای اقتصادی فوق‌پایداری توسعه کلانشهرها در «جنوب» به ویژه از دیدگاه‌های اجتماعی و بوم‌شناسانه شدیداً در مخاطره است. از رشد اقتصادی بدون توجه کافی به ابعاد توسعه از جمله عدالت اجتماعی، مردمسالاری، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، اعتلای هویت فرهنگی و ارتقای اقتصادی، نارضایتی جهانی وجود دارد (پیشین، ص ۳۸).

به موارد ذکر شده در بالا که بیشتر برونزا هستند، باید عوامل درونزا و موجود در محدوده منطقه کلانشهری را اضافه نمود. مشکلات مناطق کلانشهری از جمله مسئله گروه‌های کم درآمد در کلانشهر و منطقه کلانشهری، حمل و نقل، محیط‌زیست، خدمات رسانی برای منطقه کلانشهری، مسائل ناشی از رشد اقتصادی و رشد کالبدی، بازنگری در اداره مناطق کلانشهری را به عنوان چالش مهمی در مدیریت شهری کشور مطرح نموده است. از طرف دیگر کلانشهر با مجموعه‌ای از مراکز جمعیتی و فعالیتی در منطقه گرداگرد خود همبسته است و پایداری، کارایی، زیبایی و زیست‌پذیری و تعادل منطقه کلانشهری مستلزم مدیریتی یکپارچه است. چنین رویکردی چاره‌جویی مشکلات موجود در شهر اصلی را کافی ندانسته و در پی فضا سازی برای تحقق نقش توسعه آفرینی در سطح منطقه کلانشهری است (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۱: صص ۱۶ و ۵۸).

این واقعیت کاملاً آشکار شده است که دیگر کلانشهرها مرکز تجمع جمعیت و رشد اقتصادی در سطح منطقه شهری نیستند بلکه به عنوان پیش‌تاز در توسعه ملی محسوب می‌گردند. چنین رویکردی هرچند محدودیت رشد و لزوم کنترل روندهای مشکل‌زا را می‌پذیرد، اما هدایت روندها و بهره‌برداری از ظرفیت‌های توسعه را برخلاف گذشته کلیدی می‌داند. به سخن دیگر تنها به جنگ رشد کلانشهر با سلاح طرح کالبدی نمی‌رود بلکه به محتوای توسعه بخشیدن به صلاح برنامه راهبردی توسعه در سطح ملی می‌پردازد (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۸: ص ۲۳). امروزه تحول مهمی در این ذهنیت پدیدار شده است که مشکل را بیشتر در رویه مدیریت و اداره کلانشهر می‌بیند تا آنکه بیشتر بر مسائل ناشی از ابعاد و رشد آن تکیه نماید. از اینرو در رهیافت نوین اداره و مدیریت کلانشهری، راهبردها حول مدیریت تغییر و هدایت و توسعه شهر است و نه مدیریت تثبیت وضعیت موجود و کنترل رشد شهر. اینک تلاش خلاق اداره‌کنندگان شهری در موفقیت‌آمیز کردن روندهای مطلوبی است که درون تغییر و تحولات کلانشهرها وجود دارد و پروایی از پذیرش رشد آن ندارد (صرافی، ۱۳۷۸: ص ۴۴). در واقع چنین نگرشی کلانشهر را به عنوان بخشی از سیستم به هم پیوسته جغرافیایی و کارکردی می‌بیند که حیات آنها پیوند عمیقی در برقراری ارتباط با یکدیگر و با مرزهای فراتر از منطقه کلانشهری دارد. از مهمترین اشاره‌های رهیافت نوین اداره کلانشهر، توجه به روابط همکنش و متقابل نظام سکونتگاهی گرداگرد کلانشهر در منطقه‌اش می‌باشد که ضرورت ایجاد نظام اداره و مدیریت منطقه کلانشهری علاوه بر سطح محلی کلانشهر را نشان می‌دهد. به واقع نگرش‌های تازه کلانشهر را به سان شمشیری دولبه می‌بیند: لبه‌ای برای فرو بردن کشور به رشدی ناپایدار، وابسته و غیرانسانی و لبه‌ای دارای توان بالندگی تولید کشور و پیش‌تازی توسعه ملی در برابر چالش‌های جهانی. امروزه رقابت اقتصادی بین کشورهای جهان به ویژه از طریق شهرهای بزرگشان در جریان است. از اینرو رویکرد جدیدی برای اداره کلانشهرها و بروز توانایی‌هایشان مورد نیاز است. گزارش مرکز اسکان بشر سازمان ملل به کنفرانس استانبول هابیتات ۲ چنین جمع‌بندی می‌کند که:

«چالش تنها این نیست که چگونه رشد شهری هدایت و مهار شود. بلکه این است که چگونه منابع انسانی، مالی و فنی بسیج گردند تا نیازهای اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی به کفایت برآورده شوند» (صرافی، ۱۳۷۷: ص ۳۶).

نظام اداره و مدیریت منطقه کلانشهری پنج هدف کلان به شرح زیر را دنبال می‌کند:

- (۱) کارایی
- (۲) عدالت اجتماعی
- (۳) توسعه ملی
- (۴) پایداری زیست محیطی
- (۵) مشارکت همگانی (پیشین، ص ۴۵).

در رویکردهای نوین برای رویارویی با مشکلات کلانشهرها، تنها به ابراز ناکارآمد طرح‌های سنتی کالبدی اکتفا نمی‌گردد و اعتقاد دارد که مشکلات کلانشهرها نیز صرفاً کالبدی نمی‌باشند که به راه‌حل‌های کالبدی پرداخت. حتی مشکلات کالبدی کلانشهر هم عمدتاً بازتاب کالبدی مشکلات غیرکالبدی هستند. بسیاری از مشکلات زاییده خود کلانشهر نبوده بلکه در تجمع مکانی‌شان در کلانشهر نمود پیدا کرده‌اند. (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۸: ص ۲۳).

با وجود تمامی مشکلات و تهدیدهای فرآیند جهانی شدن، رشد کلانشهرها در کشورهای «جنوب» به سبب امکانات و فرصت‌هایی که به وجود می‌آورد ادامه خواهد داشت. این فرصت‌ها عبارتند از:

- کلانشهرها گرانگه پویای اقتصادی - اجتماعی و فناوری‌های جدید می‌باشند.
- آنها محرک‌های اصلی توسعه ملی‌اند.
- آنها کانون‌های پیش‌تاز در پیوند با شبکه اقتصاد جهانی هستند که برای حضور موثر در اقتصاد جهانی و سیاست بین‌المللی باید به آنها متکی بود (صرافی و تورانیان، ۱۳۸۳: ص ۱۶).
- تحقق رویکردها و اهداف متصور برای استفاده از فرصت‌های نامبرده برای توسعه کلانشهری، در گرو اعمال قدرتی مشروع برآمده از اراده شهروندان برای نظم دادن به عملکردهای مشترک و تأمین خواسته‌های عموم و منافع مشترک است. چنین سیستمی از مدیریت شهری از طریق هماهنگی و یکپارچگی فضایی و بخشی در یک نگرش کلی منطقه کلانشهری را برای هدایت رشد و تحقق اهداف توسعه تحت چارچوب «نظام مدیریت کلانشهری» دنبال می‌کند. باید اضافه نمود که وظایف مدیریت کلانشهری منحصر به خدمات رسانی نبوده و حوزه برنامه‌ریزی و آینده‌نگری مدیریت منطقه کلانشهری در بر می‌گیرد (کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید، ۱۳۸۰: صص ۵۱-۵۱). در واقع در کلانشهرها محدوده ارائه خدمات شهرداری، فراتر از مرزهای شهر است و به منطقه کلانشهری پیرامونی هم تسری می‌یابد. به عبارت دیگر مدیریت شهری (شهرداریها) در کلانشهرها فقط مسئول انجام وظایف درمرزهای رسمی شهر نمی‌باشند، بلکه مدیریت توسعه و سازمان‌دهی ارائه خدمات در منطقه کلانشهری را نیز برعهده دارند. از سوی دیگر در کلانشهر به برنامه‌ریزی به عنوان وظیفه‌ای همسنگ سایر وظایف نگریسته نمی‌شود، بلکه به دلیل ماهیت متحول و در عین حال آسیب‌پذیر کالبد، اقتصاد و فرهنگ کلانشهر، برنامه‌ریزی درمقیاس منطقه کلانشهری از اولویت برخوردار است (پیشین، ص ۱۳۵). در مدیریت و برنامه‌ریزی کلانشهر فقط شهرداریها نیستند که نقش دارند. بلکه شهرداریها بخشی از وظایف مدیریت شهر را برعهده دارند. در مدیریت شهر سایر کنشگران و نقش آفرینان اعم از بخش رسمی و غیررسمی، دولتی و خصوصی و نهادهای متشکل یا غیرمتشکل مردمی نقش دارند که نمی‌توان به تأثیرات آنها در منطقه کلانشهری بی‌توجه بود.

#### ۴- کلانشهر تهران و مسائل آن در فرآیند جهانی شدن

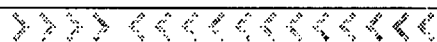
مطابق آمار جمعیتی، در سال ۱۳۷۵، ۶۷۵۸۸۴۵ نفر جمعیت معادل ۱۱/۲۵ درصد از جمعیت کل کشور و در سال ۱۳۸۵ با ۷۷۱۱۲۳۰ نفر جمعیت، معادل ۱۰/۹۴ درصد از کل جمعیت کشور در تهران سکونت داشته اند. در سال ۱۳۷۵، مستغلات و فعالیت های کسب و کار، صنعت، خرده فروشی، خدمات عمومی و ساختمان، به ترتیب با داشتن ۲۷، ۱۶، ۱۴/۵، ۷/۵ و ۷ درصد از تولید ناخالص شهر مهمترین رشته های فعالیت در شهر بوده اند. این نسبت در سال ۱۳۷۹ به ترتیب به ۲۹، ۱۵، ۲۱، ۶/۸ درصد تغییر یافته است. سهم تهران از تولید ناخالص کشور به ترتیب در سال های ۱۳۷۵، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹ معادل ۲۷/۱، ۲۴/۲ و ۲۶/۷ درصد بوده است. تولید سرانه کلانشهر تهران در سال های مذکور به ترتیب ۲/۴، ۲/۲ و ۲/۵ درصد بوده است (معاونت معماری و شهرسازی شهرداری تهران، ۱۳۸۲: ص ۱۵). فقدان مشاغل و فعالیت های مرتبط با عملکردهای فراملی در سهم اشتغال و فعالیت در کلانشهر تهران کاملاً برجسته است. هر چند پژوهشی در این خصوص انجام نشده است و لیکن با دقت در ویژگی های عملکردی، تعداد شرکت های خارجی، الگوی تبلیغات در فضای شهری و تولیدات در سطح جهانی پی می بریم که کلانشهر تهران فاقد عملکردهای جهانی است. در مهمترین رتبه بندی های انجام شده تهران جایی در شبکه شهرهای جهانی ندارد. به جرأت می توان گفت که هر چند بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی در کلانشهر تهران تولید می شود و لیکن این نقش در قالب مشاغل خدماتی و تجاری در سطح ملی و در شرایط ناشی از تحولات سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است تا در عرصه ای رقابتی و ناشی از عملکردهای درونزای کلانشهر. تهران در وضعیت موجود فاقد توان های رقابتی با تولیدات جهانی در روابط اقتصادی است. لیکن بازارهای مصرف شهر تهران به روی کالاهای خارجی و به روی تبلیغات رسانه ای باز است. چنین الگویی کلانشهر تهران را به مرکز مصرف در بازار جهانی تبدیل و در دسته کلانشهرهای پیرامونی قرار داده است. از جمله مسائل مرتبط با مدیریت کلانشهر تهران در تشدید حاشیه ای شدن تهران در فرآیند جهانی شدن از منظر مدیریت شهری را می توان به شرح موارد زیر برشمرد:

- ۱) الگوی مصرف کالاها و خدمات فاقد جنبه های پایداری در اقتصاد شهری است.
- ۲) استقرار جمعیت کلانشهر با ظرفیت مدیریتی کلانشهر انطباق ندارد.
- ۳) برنامه و سازوکاری برای توسعه اقتصادی کلانشهر تهران اندیشیده نشده است.
- ۴) شهرداری قادر به تأمین منابع پایدار لازم برای هزینه های جاری کلانشهر تهران در ساختار مصرفی کلانشهر نیست.

۵) شهرداری تهران فقط بخش کوچکی از مدیریت شهر را برعهده دارد. فقدان مدیریت یکپارچه موجب تداخل و تراحم خدمات رسانی شهری در سطح منطقه کلانشهری گردیده است. نتیجه آنکه منابع قابل توجهی از بودجه های مدیریت شهری ائتلاف و خدمات رسانی به ساکنان شهر به طور سازمان یافته و مطلوب صورت نمی گیرد.

۶) خدمات اجتماعی بخش قابل توجهی از خدمات شهرداریها در کلانشهرها می باشد. توجه به امور بی سرپناهان، سالمندان، زنان و کودکان، امور همایش ها و مناسبت ها و آیین های به عنوان بخشی از ظرفیت های توسعه کارکردهای جهان شهری کمتر مورد توجه واقع شده اند.

۷) ترویج و ارتقای امور اقتصادی اعم از صنعتی، تجاری و خدماتی، امور بانکی و مالی در کلانشهر تهران جایگاهی در فرآیندها و ساختار سازمانی شهرداری تهران ندارند. فقدان توجه به صنعت جهانگردی که دارای منافع مهمی در اقتصاد شهری است جایی در برنامه ریزی و مدیریت کلانشهر تهران ندارد.



امور فرهنگی، محیط زیست، مدیریت پسماند و بهداشت عمومی و غذایی که از نکات مورد توجه در برنامه‌های مدیریت کلانشهرهاست، در کلانشهر تهران بدون طرح و برنامه راهبردی است (شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۲: صص ۴۷-۵۱). در طی دهه‌های اخیر در سیاست‌های برنامه‌ریزی و مدیریت کلان‌کشوری «تمرکز شهری» با کلانشهری شدن» مترادف پنداشته شده و سیاست‌های کلان‌کشوری به جای تمرکز زدایی در تصمیم‌گیری و نحوه‌ی اداره‌ی شهری و منطقه‌ای به تمرکززدایی از نقش‌ها و عملکردهای کلانشهری پرداخته است. به دنبال اقدامات دوران نوسازی و شرایط به وجود آمده ناشی از شروع شهرنشینی شتابان و تمرکز جمعیت در شهر تهران، این ذهنیت شکل گرفت که شهر تهران بخش عظیمی از سرمایه‌های کشور را در خود انباشته و موجد دهکشی منابع و تشدید فقر منطقه‌ای گشته است و عوامل فقر و بی‌عدالتی در بخش قابل توجهی از کشور ناشی از بزرگ شدن تهران بوده است. از طرف دیگر مشکلات کلانشهر تهران ناشی از «مهاجرت بی‌رویه» است که بر دوش شهروندان اصیل سنگینی می‌کند. لذا در طی سه دهه‌ی اخیر سیاست‌های تمرکز زدایی از کلانشهر شروع گردید. برای مثال از دهه‌ی ۱۳۵۰ به بعد بنا بر مسائل ناشی از رشد شتابان شهر تهران قوانین ناظر بر رشد کلانشهری تهیه گردیده‌اند که عملاً در ارتباط با رشد و گسترش شهری بوده‌اند تا توسعه و هدایت برنامه‌ریزی شده کلانشهر.

- ۱- قانون نظارت بر گسترش شهر تهران مصوب ۱۳۵۲/۵/۷ مجلس شورای ملی
  - ۲- لایحه قانونی لغو مالکیت اراضی موات واقع در محدوده ۲۵ ساله قانونی شهر تهران و حریم استحفاظی [آن مصوب ۱۳۵۹/۱/۶ شورای انقلاب.
  - ۳- قانون اصلاح تبصره ذیل ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران
  - ۴- تصویب نامه راجع به انتقال صنایع آلوده و مزاحم محیط زیست شهر تهران در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱۳ هیأت وزیران
- قانون الحاق یک بند و ۳ تبصره به عنوان بند ۳ به ماده ۹۹ قانون شهرداریها در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱ مبنی بر لزوم رعایت محدوده‌های سیاسی در تقسیمات کشوری (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۵: صص ۶۱-۵۶).
- مطالعات نشان می‌دهد که تمرکز زدایی از کلانشهر تهران در طی دهه‌های اخیر به کاهش سهم جمعیت کلانشهر و افزایش آن در منطقه کلانشهری انجامیده است.

جدول ۶- تغییرات جمعیتی در کلانشهر تهران و منطقه کلانشهری\* تهران

در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵

کلانشهر تهران	جمعیت کلانشهر			جمعیت منطقه شهری بدون احتساب جمعیت کلانشهر		
	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
	۶۰۴۲۵۸۴	۶۷۵۸۸۴۵	۷۷۱۱۲۳۰	۱۸۷۷۳۷۵	۲۵۸۴۹۴۱	۵۵۰۷۴۳۱

جدول ۷- نرخ رشد جمعیت کلانشهر تهران و منطقه کلانشهری\* تهران

در طی دوره‌های مختلف سرشماری کشور ۱۳۸۵-۱۳۶۵

کلانشهر تهران	نرخ رشد جمعیت کلانشهر			نرخ رشد جمعیت منطقه شهری بدون احتساب جمعیت کلانشهر		
	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۶۵-۱۳۸۵	۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۳۷۵-۱۳۸۵	۱۳۶۵-۱۳۸۵
		۱/۱۰	۱/۳۳	۱/۲۲	۶/۶۸	۴/۳۸

\*- لازم به توضیح است که در این نوشتار منطقه کلانشهری تهران مترادف با «مجموعه شهری تهران» به کار رفته است. منبع:

- ۱- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۸۲). گزیده مطالعات جمعیتی. تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۲- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن در طی سال های ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵.

هرچند آمار دقیق و قابل استنادی که بتوان از آن در تبیین دلایل افزایش میزان رشد جمعیت منطقه کلانشهری تهران و در مقابل کاهش آن در کلانشهر تهران استفاده نمود و لیکن می توان این مسأله را برآیندی از تغییرات زیر برشمرد:

۱. تداوم نقش مسلط اداری، سیاسی و خدماتی کلانشهر تهران در کشور و به تبع آن تداوم جذب جمعیت در حال جابه جایی
  ۲. سیاست های تمرکز زدایی از کلانشهر و انتقال سرریز جمعیت به منطقه کلانشهری
  ۳. محدودیت های خدمات رسانی شهری به ویژه در بخش های مسکن و زمین شهری و ارائه خدمات به تازه واردین و لذا استقرار مهاجرین جدید در منطقه کلانشهری
  ۴. افزایش سهم لوازم نقلیه شخصی در جابه جایی جمعیت و تسهیل در ارتباط بین فعالیت های کلانشهر با نواحی مسکونی منطقه کلانشهری
  ۵. افزایش سهم فعالیت های ساختمانی، صنعتی و کارگاهی در منطقه کلانشهری به نسبت آن در کلانشهر و جذب بخش قابل توجهی از جمعیت در منطقه کلانشهری
- در واقع به سادگی می توان نتیجه گرفت که راندن جمعیت از کلانشهر به امید کاهش مسائل کلانشهر بدون اندیشه در برنامه ریزی فضایی در سطح ملی، منتهی به توسعه شهری در آن نخواهد شد. چرا که جمعیت و سکونتگاه های شکل گرفته در منطقه شهری با کلانشهر همبستگی داشته و ممانعت از توسعه فعالیت ها و نیروهای انسانی در کلانشهر، راه کار حل مسائل کلانشهر در وضع موجود نیست (این موضوع به معنای بی توجهی به برنامه ریزی فضایی و توسعه متوازن منطقه ای نمی باشد).
- مهمترین مشکلات کلانشهر تهران در ارتباط با ساختار کالبدی و خدماتی کلانشهر جهت احراز کارکردهای جهانی را به شرح موارد زیر می توان بیان داشت:

- (۱) شبکه نامناسب حمل و نقل شهری
  - (۲) فقدان ارتباط مناسب بین مراکز کار و سکونت
  - (۳) ساختار فرسوده کالبدی کلانشهر به ویژه در بافت های مرکزی و منطبق با محور تجاری شهر
  - (۴) زیرساخت های نامناسب و امنیت پایین برای سرمایه گذاری های خارجی.
- با این اوصاف کلانشهر تهران امکان استقرار و احراز کارکردهای جهانی را به دست نیآورده است که می توان موارد زیر را برخی از عوامل این مسئله دانست:
۱. در طی چند دهه گذشته، شهر تهران رشدی فراتر از ظرفیت های مدیریتی و توسعه شهری خود داشته و به کلانشهری با تمرکز مکانی و فضایی جمعیت و فعالیت تبدیل شده است. از این رو شهرداری با حضور تعداد زیادی از دستگاه ها و سازمان های مسوول؛ ولی ناهماهنگ در برنامه ریزی برای اداره شهر، نتوانسته است در حوزه های مختلف توسعه شهری به موازات رشد شتابان شهرنشینی تصمیم گیری و برنامه ریزی نماید.

۲. وظایف شهرداری مطابق ماده ۵۵ قانون شهرداریها، به دایره تنگ خدمات رسانی در محدوده های تعریف شده کالبدی و اداری و سیاسی برای کلانشهر محدود شده است. از این رو اختیار کافی برای تصمیم گیری در حوزه های فرآتر از آن به شهرداری داده نشده است.
  ۳. مدیریت شهری، برنامه ریزی بلند مدت شهر را متمرکز تهیه طرح های جامع و تفصیلی نموده است. در حالی که بسیاری از بخش های توسعه شهری از جمله بحث های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی شهر در چارچوب محدود طرح ریزی کالبدی نمی گنجد.
  ۴. ساختار سازمانی و نهادی در برنامه ریزی توسعه کلانشهری که منتخب نهادهای مردمی باشد در کلانشهر شکل نگرفته است. در کنار تضعیف شهرداری ها و شوراهای شهر و جابه جایی های متعدد در مدیریت شهری، طرح ها و برنامه ها عوض شده و یا به کلی فراموش شده است. در واقع کلانشهر تهران فاقد نظام برنامه ریزی شهری هماهنگ با تصمیمات مدیریت شهری است.
  ۵. نبود نگرش راهبردی منعطف و بلند مدت در سیاستگذاری شهری و تناقض بین تصمیمات شهرداری (وظایف محوله از سوی وزارت کشور) و شورای شهر (خواسته های جمعی) توسعه کلانشهر را در چرخه سردرگمی قرار داده است که در یک مسیر بی هدف و بدون راهنما به پیش می رود که دوام آن به تصمیمات آزمون خطایی محدود شده است.
- اینک ضمن بررسی کلی نظام مدیریت شهری تهران موانع محدود کننده توسعه کارکردهای فرآملی و یا به عبارتی احراز کارکردهای شهر جهانی را از دیدگاه مدیریتی بیان می نمایم.

#### ۴-۱- ساختار مدیریت کلانشهر تهران

در سطح کلان، برنامه ریزی و مدیریت شهری تهران تابع نظام کلان و بخشی مدیریت و برنامه ریزی کشوری است. نهادهای متعدد زیر نظر دولت و حکومت مرکزی اداره تمامی بخش های کشور را در ساختاری بزرگ و پیچیده بر عهده دارند. از اینرو هر گونه توسعه ای در گرو تصمیمات دولتی است. به رغم تصمیم گیری در برنامه ریزی های شهری و منطقه ای (آمایش سرزمین، طرح های کالبدی - ملی) نظارت، کنترل و عملیاتی نمودن طرح ها با فقدان نهاد های اجرایی پاسخگو ضمن نگرش بخشی همراه شده و از قالب طرح به فرآیند برنامه تبدیل نمی شود. از طرف دیگر نبود مشارکت مردمی و به عبارتی روشن تر نبود «مشارکت شهروندی» در فرآیند توسعه شهری هنوز در ایران به صورت یک چالش اساسی با برجاست. از اینرو در این سطح، محور اصلی نظام اداره خوب شهری شکل گیری نظامی با ویژگی های حکمروایی خوب شهری و یا حداقل برخی از معیارهای آن در سطح کلان مدیریت و برنامه ریزی است. لازم است مدیریت کلانشهری به صورت مستقل با هماهنگی کامل قانونی و مقرراتی ابعاد توسعه کلانشهری را به وجود آورد و نهاد اداره مستقل با قوانین توسعه منطقه کلانشهری و کلانشهر شکل گیرد. در این سطح سیاست های کلی نظام مدیریت کشوری به اقتصاد جهانی و فرصت های توسعه اقتصاد ملی با پیشسازی کلانشهر و منطقه کلانشهری متمرکز می گردد.

در سطح منطقه ای، نظام مدیریت منطقه ای در کلانشهر تهران به فراخور نظام کلان و بخشی کشوری، غیریکپارچه و با تشتت عملکردی و فضایی و تداخل وظایف (بنیاد مسکن، استانداری، فرمانداری، وزارت مسکن و شهرسازی و ...) مواجه است. در این سطح مدیریت منطقه ای با مدیریت منطقه کلانشهری و کلانشهر تداخل دارد (فرمانداری، بخشدار، جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، مسکن

و شهرسازی و ...) از اینرو منطقه کلانشهری و کلانشهر از عملکردهای این سطح متأثر است. در این سطح منطقه کلانشهری (در ایران تحت عنوان مجموعه شهری شناخته شده) با مسائل مختلف از جمله ساخت و سازهای پراکنده و بدون برنامه، از بین رفتن توان های طبیعی و آلودگی های مختلف، شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی با مدیریت پراکنده و خزش شهری ... مواجه است. در این سطح لازم است سطح مدیریت منطقه کلانشهری تهران با نهاد مستقل و متخصص شکل گرفته و هدایت توسعه کلانشهر را با الگو های کلان کشوری و سیاست های خرد محلی منطبق سازد. در این سطح شهرداری منطقه کلانشهری یا شورای اداره کلانشهر در پی امکان سنجی استفاده از توان های منطقه کلانشهری برای احراز کارکردهای شهرهای جهانی خواهد بود.

در سطح محلی، کلانشهر تهران در وضع موجود متشکل از شهرداری های مناطق و شورای شهر با الگوی سنتی اداره شهری و تحت نظارت کامل وزارت کشور و در همبستگی کامل با نهادهای حکومتی و دولتی اداره می شود. هیچگونه برنامه مشخصی در این سطح برای مدیریت کلانشهری و با رویکرد بر روندهای جهانی برای احراز کارکردهای کلانشهر وجود ندارد.

کلانشهر تهران مرکز مهمترین تحولات و جریانات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی کشور محسوب می شود. به رغم فعالیت شهرداری و شورای شهر به عنوان نهادهای منتخب مردمی، نهادهای مذکور هنوز در نظام اداره شهری جایگاه شایسته خود را به دست نیاورده اند. علاوه بر شهرداری و شورای شهر، دستگاه های مختلفی در مدیریت شهر تهران اثر گذار می باشند. شهرداری و شورای اسلامی کلانشهر تهران تنها بخشی از وظایف مدیریتی کلانشهر را بر عهده دارند. برخی از عناصر به فراخور گسترش شهر شکل گرفته و در اثر ضرورت خدمات رسانی به وجود آمده اند (برق رسانی، گاز رسانی، مخابرات و سایر سازمان های اداره شهر). اکثریت سازمان ها و دستگاه های دخیل در مدیریت کلانشهر تهران وابسته به دولت بوده و بنابر وظایف محوله از نظام تصمیم گیری متمرکز شهری پیروی می نمایند. به طور کلی عناصر سیستم مدیریت شهری کلانشهر تهران را می توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- نهادهای دولتی - حکومتی عبارتند از ادارات و سازمان های زیر نظر سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه؛  
۲- نهادهای حکومتی - عمومی (مردمی) که شهرداریها و شوراهای شهر در ایران را می توان در این دسته قرار داد (با توجه به نقش نظارتی شوراها و نقش اجرایی شهرداریها و فقدان اختیارات لازم در تصمیم گیری و سیاست گذاری)؛

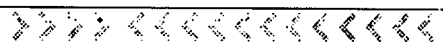
۳- نهادهای خصوصی، گروه های ذی نفوذ اقتصادی، اجتماعی، مذهبی.

مهمترین ویژگی های مدیریت کلانشهری امروز تهران عبارتند از:

تفرق سیاسی به عنوان مهمترین چالش فرآروی مدیریت کلانشهری به ویژه در ارتباط با تصمیم گیری و اجرای برنامه های توسعه شهری است (آخوندی، و دیگران، ۱۳۸۶: صص ۱۱ و ۱۴).

۱- جایگاه و هویت سیستم مدیریت کلانشهری به عنوان یک سطح مستقل در اداره امور محلی مشخص نمیباشد.

۲- به رغم وجود شورای شهر و شهرداری، نظام تصمیم گیری در شهر تابع سیاست های کلی نظام اداره متمرکز کشوری و فاقد ویژگی های شیوه اداره مشارکتی و شهروندمدار است. نظرات و تصمیمات ساکنان شهر جایی در اداره کلانشهر ندارد.





- ۳- مدیریت کلانشهری دارای ماهیت بخشی با چندپارچگی فضایی و تعدد سازمان ها و ادارات دخیل در مدیریت شهر است.
- ۴- انطباق لازم مابین حوزه عمل مدیریت شهری با تقسیمات فضایی و عملکردی کلانشهر وجود ندارد. کلانشهر تهران بخشی از منطقه کلانشهری تهران بوده و جدای از آن نیست. چنین نگرشی در مدیریت کلانشهر تهران وجود ندارد.
- ۵- روشن تر از موارد بالا سهم اندک توجه به مسائل اقتصاد جهانی در مدیریت کلانشهرهاست. مشکلات درونی در حوزه های مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی مدیریت شهری را از تأمل در مورد نقش جهانی کلانشهر تهران بازداشته است.
- افزایش کالبدی و رشد فضایی کلانشهر تهران با رشد نهادهای موثر در اداره شهر بدون تشریک مساعی و هماهنگی لازم انجامیده است. بزرگ شدن بدنه اداری و رشد تعداد سازمان های موثر در اداره کلانشهر تهران با افزایش فاصله یکپارچگی در عملکرد هماهنگ و موثر آنها همراه شده است. عدم کنترل، عدم پاسخگویی ناتوانی در دستیابی به توفیقی همگانی، در مورد مسائل منطقه کلانشهری و برنامه های ناسازگار و گاه متضاد از جمله ویژگی های ناشی از ازدیاد نهادهای اداره کلانشهر و منطقه کلانشهری است (تورانیان، ۱۳۸۳: ص ۷۳).
- نظام بوروکراتیک پیچیده بدون سیاست های راهبردی و هدفمند در توسعه شهری، از عملکرد اصلی شهرداری در پرداختن به توسعه شهری کاسته است. شهرداری کلانشهر تهران به عنوان بازوی اجرایی سیاست های شهری و در واقع زمینه ساز تعریف و توسعه کارکردهای فرا ملی برای کلانشهر؛ خود گریبانگیر مشکلات و مسائل داخلی در سیستم مدیریت کلانشهری است:
- ۷- شهرداری کلانشهر تهران با توجه به اختیارات، منابع و مسائل کلانشهری، به تنهایی قادر به مدیریت کلانشهر در وضعیت موجود نمی باشد.
- ۸- هماهنگی لازم بین شهرداری های مناطق مختلف شهرداری کلانشهر تهران با سایر سازمان ها و نهادهای اداره کلانشهر وجود ندارد.
- ۹- ارتباط لازم و دوطرفه بین مردم و شهرداری تهران وجود ندارد (شهرداری در نظر مردم متولی جمع آوری عوارض و مالیات دولتی است و در ازای آن نقش هایی را برای کنترل فعالیت مردم بر عهده دارد و از سوی دیگر مسوول نظیف شهر است).
- ۱۰- هماهنگی لازم میان شهرداری و شورای شهر برای توسعه شهری وجود ندارد.
- ۱۱- اختیارات تصمیم گیری و نیز درآمدهای شهرداری ها در قبال انتظارات ساکنان شهری محدود است.
- ۱۲- قوانین شهرداری ها متناسب با نیازهای امروزی توسعه شهری نمی باشد.
- ۱۳- تصمیمات شهرداری ها از ضمانت های کافی اجرایی برخوردار نمی باشد (معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، صص ۱۱۴-۱۱۲).
- ۱۴- شهرداری فقط بخش کوچکی از مدیریت شهر را برعهده دارد. فقدان مدیریت یکپارچه موجب تداخل و تراحم خدمات رسانی شهری می گردد و در نتیجه بخش قابل توجهی از منابع شهر تلف می شود.
- ۱۵- ذهنیت موجود به محدود کردن شهرداری به دایره تنگ خدمات رسانی مرسوم خو گرفته است. این خدمات در طی دهه های گذشته انجام گرفته و دایره آن به امور اجتماعی، اقتصادی و امثالهم گسترش نیافته است.

۱۶- بر اثر فقدان ذهنیت مساعد برای طلب و رواج مدیریت شهری واحد، بسیاری از امور مربوط به شهرداریها به بخش‌ها و نهادهای اجرایی دولتی واگذار شده است. وجود قوانین و مقررات به پشتوانه و توجیه‌گر چنین واگذاری بوده است (شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، صص ۵۱-۴۷).

تنها ابزار شهرداری‌ها در توسعه شهری طرح‌های کالبدی و ضوابط و مقرراتی شهرسازی و معماری است که در حوزه رشد و کنترل شهری کاربرد دارند. برای نمونه طرح‌های تفصیلی چه برنامه‌ای برای کاهش فقر شهری و توزیع عادلانه خدمات شهری دارند؟ چه برنامه برای فضاهای عمومی شهری دارند؟ چه برنامه‌ای برای مشارکت مردمی دارند؟ مگر نه اینست که تنها مقیاس اندازه‌گیری توسعه شهری در آنها سرانه‌های استاندارد شده برآمده از الگوی شهرسازی کارکردگرا و ماشین محور است؟ احراز کارکردهای جهانی نه از راه مدیریت متفرق و غیریکپارچه شهری، و نه از راه طرح‌های غیرمنعطف به دست می‌آید. جامع‌نگری و مدیریت راهبردی توسعه شهری در بستری با نظام ایدئولوژیک و اقتصاد سیاسی (به عبارتی صحیح‌تر سیاست اقتصادی) مبتنی بر خواست و درخواست فرصت‌های اقتصادی؛ لازمه این تحول است. نظام شهری بسته و بدون بازخورد در مقیاس جهانی، شرایط غیرعادلانه اقتصادی را بر شهروندان خود در نظم نوین اقتصادی و روابط جهانی تحمیل خواهد نمود. از سوی دیگر گام برداشتن در اقتصاد جهانی مستلزم آزادی سیاسی بیشتر و پاسخگویی دموکراتیک (مردمسالارانه) و به طور کلی تجدید ساختار رابطه دولت با شهروندان است و مدیریت شهری تنها از طریق کسب مشروعیت مردمسالارانه است که می‌تواند قدرت و اختیارات لازم و نیز حمایت سیاسی و اقتصادی شهروندان را به دست آورد (مدنی پور، ۱۳۸۱: صص ۱۲۴ و ۱۳۲).

#### ۵- نتیجه‌گیری و چند پیشنهاد

طی دهه‌های گذشته، تعداد کلانشهرهای کشور از یک کلانشهر در سال ۱۳۳۵ (تهران) به شش کلانشهر شامل شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج در سال ۱۳۸۵ رسیده است. انتظار می‌رود در سال ۱۳۹۵ این تعداد به ۹ کلانشهر افزایش یابد. شهرهای اهواز، قم و کرمانشاه در آستانه کلانشهری شدن قرار دارند. این افزایش ضمن ادغام شهرها و روستاها به افزایش محدوده‌های کالبدی و فضایی در منطقه کلانشهری آنها انجامیده است. به نحوی که رشد جمعیتی مناطق کلانشهری بیش از کلانشهر اصلی است. برای نمونه میانگین نرخ رشد کلانشهر تهران در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۵ الی ۳/۶۵ بوده است و منطقه کلانشهری تهران بدون احتساب کلانشهر تهران دارای نرخ رشدی معادل ۷/۴۸ درصد بوده است. افزایش تعداد کلانشهرها در ایران با رشد جمعیت و گسترش محدوده‌های کالبدی در منطقه کلانشهری و تعداد مجموعه‌های زیستی در آنها همراه بوده است. لیکن نحوه مدیریت چنین الگویی از رشد و توسعه کلانشهری که اشکال سنتی سکونتگاه‌ها را در هم ادغام نموده و ساختار پیچیده‌ای از ترکیب رشد کلانشهر، ادغام روستاها، شکل‌گیری کانون‌های صنعتی و مجتمع‌های زیستی پراکنده، سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامونی را به وجود آورده است. علی‌رغم این مسأله، تغییری در نحوه مدیریت این الگوی رشد و گسترش شهری به عمل نیامده است. به نحوی که شهرها با نگرش بخشی و مدیریت سنتی اداره می‌شود. غلبه ماهیت بخشی برنامه‌ریزی‌ها در کنار تعدد تصمیم‌گیرندگان در حوزه منطقه کلانشهری، ضمن افزایش میزان تنش‌های بین دستگاهی با تعریف مرزهای اداری و سیاسی؛ منجر به چندپاره‌گی اداره کلانشهر و منطقه کلانشهری (عملکردی-فضایی) شده است.

این موضوع نهاد مدیریت شهری را در روزمرگی و گم‌گشتگی اداره کلانشهری قرار داده و مانع از توجه به فرصت‌ها و قابلیت‌های توسعه‌ای آن شده است. به نحوی که اختلافات بین دستگاهی بر سر منافع در اداره کلانشهر از یکسو و عملکردهای جداگانه هر کدام از دستگاه‌های از سوی دیگر منجر به تشتت اوضاع شده است. در این جریان شوراها اسلامی شهر با تخصص و تجربه اندک در مدیریت کلانشهری و شهرداری‌ها با محدودیت اختیارات در هدایت توسعه شهری، امکان ظرفیت‌سازی برای احراز و توسعه کارکردهای مناسب برای نقش آفرینی در عرصه فراملی را برای کلانشهرها به وجود نیاورده است.

ارائه و اجرای راهبردهای عملیاتی برای احراز کارکردهای فراملی به ویژه از منظر اقتصادی و در ارتباط با توسعه شهری از مهمترین وظایف مدیریت شهری است. لیکن واقعیت اینست که برای رسیدن به لایه‌ای که در آن مدیریت شهری با نظر و خواست جمعی و منافع توسعه شهری تصمیم به اجرای برنامه‌ها می‌کند، مستلزم عبور از مهم‌ترین مسئله توسعه شهری معاصر کشور است. و آن عبارتست از نظام «متمرکز اداره شهری و فقدان حکمروایی خوب شهری». در جایی که تصمیم جمعی ارزشی ندارد و در جایی که نهاد اداره شهری توان لازم برای توسعه یکپارچه شهری را ندارد و در جایی که اداره مالی شهر از شفافیت و پاسخگویی لازم برخوردار نیست، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری خود به خود به روندی اداری در درون یک نظام اداری متمرکز و بخشی تبدیل می‌شود (منفعل) که سیاست‌هایش تابع اهداف برنامه‌ریزی بخشی و متمرکز است و راهبردهایش در پی حفظ منافع سازمانی و ابزاری برای تحقق اهداف برنامه‌های دولتی. با وجود این؛ برنامه‌ریزی شهری در پی نظم‌بخشیدن به روندی است که هدفش توسعه مطلوب شهری از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی در فرآیندی مستمر و با توجه به منافع شهروندی است. مدیریت شهری نمی‌تواند به امید حل موانع و مشکلات ساختاری کشور، از توجه به توسعه کلانشهری بازماند.

در قبال رویکردهای مرسوم اداره کلانشهری کشور، ویژگی‌های متصور برای «مدیریت کلانشهری تهران» در فرآیند جهانی شدن را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. بیش از جمع یکایک بخش‌ها و به صورت یکپارچه و جامع نگر است.
۲. فراتر از بخش دولتی به بسیج تمام کنشگران توسعه کلانشهری می‌پردازد.
۳. بیش از اداره و تصمیم‌گیری از بالا بر تصمیم‌گیری و مدیریت از پایین متکی است
۴. بیش از واحدهای منفک رقیب (شهرداری‌ها و دستگاه‌های مسوول اداره شهر) تعامل مجموعه نهادها و شراکت و همیاری اجزاء را زمینه‌سازی می‌کند (صرافی و تورانیان، پیشین، ص ۱۶).

موارد یاد شده در برقراری «نظام حکمروایی و به عبارتی اداره مطلوب شهری و گسترده از آن حکمروایی کلانشهری» خلاصه می‌گردد که ویژگی‌های آن را به طور خلاصه می‌توان شامل موارد زیر برشمرد:

### حکروایی خوب

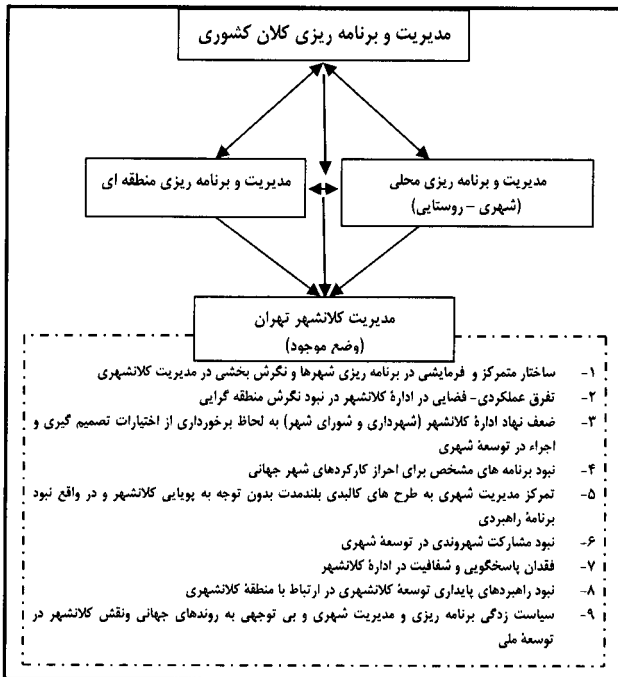
۱. مشارکت (پذیری) (Participation)
۲. قانون مداری (Rule of Law)
۳. شفافیت (Transparency)
۴. مسئولیت پذیری (Responsiveness)
۵. توافق مداری (Consensus Orientation)
۶. انصاف و فراگیری (شمولیت) (Equity and inclusiveness)
۷. اثرگذاری و کارآمدی (Effectiveness and efficiency)
۸. محاسبه پذیری (Accountability)

(UNESCAP, 2007: p1)

- در راستای تحقق نظام اداره مطلوب یا حکروایی کلانشهری انجام اقدامات زیر پیشنهاد این نوشتار است:
۱. تشکیل نهاد مدیریت کلانشهر متشکل از شهرداری (افزایش حوزه اختیارات شهرداری تهران) و شورای کلانشهر
  ۲. ایجاد کمیته تصمیم گیری منطقه کلانشهری متشکل از نمایندگان دستگاه های مسوول اداره کلانشهر
  ۳. ایجاد مرکز مطالعات تخصصی منطقه کلانشهر زیر نظر شهرداری منطقه کلانشهری برای انجام مطالعات کارشناسی در زمینه مسائل توسعه کلانشهری منجمه ظرفیت سازی برای احراز کارکردهای شهر جهانی
- با توجه به ویژگی متصور برای مدیریت کلانشهری تهران، مهمترین وظیفه آن با هدف ایفای نقش های جهانی برالی کلانشهر به ترتیب موارد زیر خواهد بود:
۱. زمینه سازی برای ایجاد مشارکت موثر شهروندی به عنوان پشتیبان اصلی توسعه منطقه کلانشهری
  ۲. برنامه ریزی راهبردی - فضایی با چارچوب بلند مدت همراه با عملیاتی نمودن طرح های کوتاه مدت برای وضعیت موجود.
  ۳. نگرش یکپارچه به توسعه کلانشهری همراه با برنامه های عملیاتی در حوزه های مختلف توسعه کلانشهری (اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و محیط زیست).
  ۴. تقویت بنیه مالی شهرداری منطقه کلانشهری از طریق ایجاد نظام درآمدی قوی و پایدار (ضمن کاهش تصدی گری دستگاه های دولتی در کسب درآمدهای مبتنی بر فعالیت در منطقه کلانشهری: از جمله مخابرات، آب و فاضلاب، آموزش و پرورش و حتی بسیاری از فعالان بخش خصوصی در بخش های مسکن و زمین شهری و بسیاری دیگر از دستگاه هایی که درآمدهایشان به طور مستقیم با منافع شهروندی و اقدامات شهرداری در ارتباط است. تحقق این مهم بدون وجود اطلاعات شهری روزآمد در بخش های اقتصادی به ویژه مشاغل بی مکان دشوار خواهد بود و لازم است در این خصوص هم شهرداری کلانشهر برنامه ریزی نماید.
  ۵. شناخت ظرفیت های پذیرش نقش های جهانی در حوزه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و برنامه ریزی راهبردی برای تحقق اهداف.

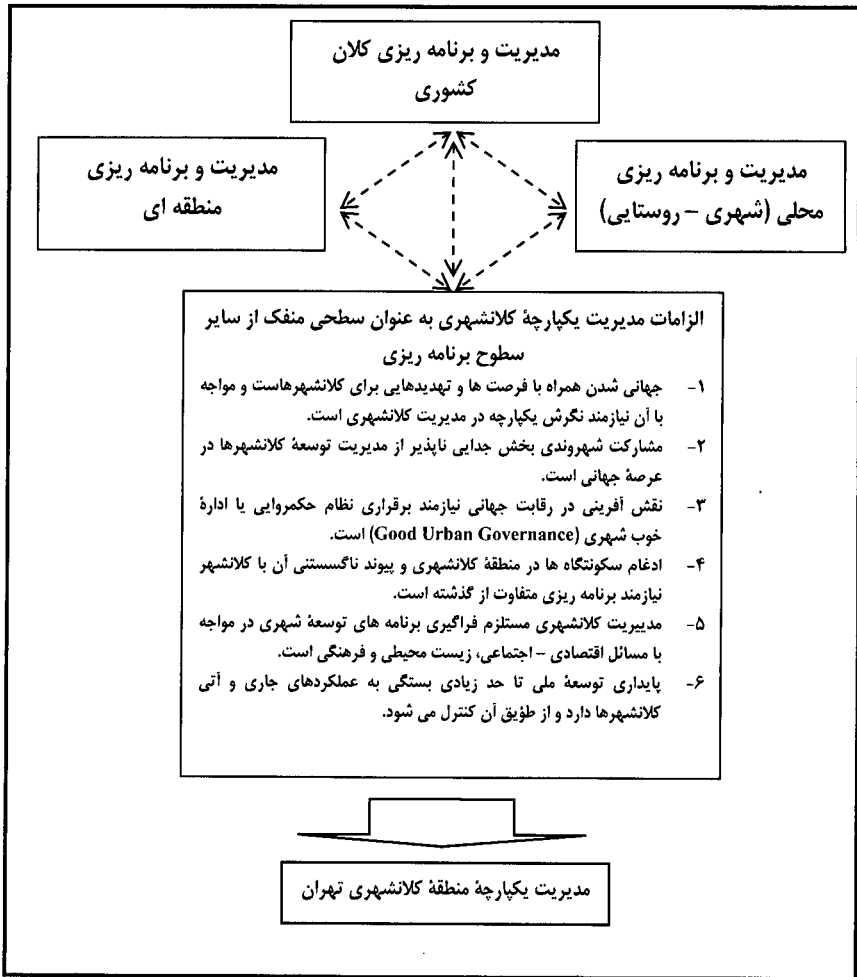
۶. بهکرد ساختار شهری در حوزه حمل و نقل و اطلاع رسانی در منطقه کلانشهری
  ۷. ایجاد نظام هماهنگ و یکپارچه تصمیم‌گیری در مدیریت منطقه کلانشهری ضمن تصمیمات کمیته سیاستگذاری و شورای کلانشهر
  ۸. رفع موانع نهادی و مدیریتی برای تقویت توان عملکردی کلانشهر از طریق شورای کلانشهری (فارغ از جناح بندی های سیاسی و اجتماعی و مذهبی)
  ۹. افزایش توان اطلاعاتی و ارتباطی در جهت ایجاد مدیریت کلانشهری دانش محور و مبتنی بر شبکه مجازی ارتباطات
  ۱۰. شناخت فضاهای مناسب در جهت استقرار فعالیت های منطبق با عملکرد های شهر جهانی.
- سخن پایانی این نوشتار، اینست که؛ فرآیند جهانی شدن ضمن تجدید ساختار (Restructuring) فضای جهانی، در کنار ایجاد زمینه های تهدید برانگیز و اثرات منفی بر فرهنگ، اقتصاد و اجتماع و به طور خاص بر شهرنشینی و شهرسازی کشورهای «جنوب» از جمله ایران، فرصتها و زمینه هایی را برای احراز کارکردهای توسعه آفرین آنها فراهم آورده است. در این روند کلانشهرها با داشتن قابلیت ها و امکانات به عنوان پیشتاز در توسعه ملی این کشورها و سرآمد جذب این فرصت ها می باشند و توان نقش پذیری بالایی در عرصه جهانی را دارند. ایفای چنین نقشی برای کلانشهرهای ایران در ارتباط مستقیم با تغییر سنت های مرسوم در اداره آزمون خطایی کلانشهرها و به طور روشن در برقراری «نظام مطلوب اداره کلانشهری» (Metropolitan Governance) است تا زمینه سازی برای مشارکت آگاهانه شهروندان در فرآیندهای در حال وقوع جهانی و بستری برای تحقق توسعه راستین کشور باشد.

شکل ۲- مدیریت کلانشهری تهران و منطقه کلانشهری



(وضع موجود)

شکل ۳- الزامات مدیریت کلانشهری با نگرش منطقه گرایی



## شهر فشرده بوم گرا<sup>۱</sup>؛ پیشنهادی برای فرم ایده آل شهر پایدار

محمد علی طبرسا

رئیس و عضو هیئت علمی مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

آرش ثقفی اصل

کارشناس ارشد معماری و طراحی شهری و دانش پژوه دکتری شهرسازی

### چکیده

شهر به عنوان مهمترین محل سکونت حال و آینده انسان، در واقع «اکوسیستم» یا محیطی ساخته و پرداخته دست خود انسان است که میزان مصرف انرژی و ماده در آن بعلت تراکم جمعیت بسیار زیاد و خارج از تحمل محیط است. از طرفی شهرها، جایگاه اصلی فعالیت های انسانی اند و بزرگترین مصرف کننده منابع طبیعی نیز به شمار می آیند. بنابراین رسیدن به بالاترین پایداری ممکن در شهرها امری حیاتی است. پایداری شهری تنها مربوط به مقولات زیست محیطی نیست. بلکه رسیدن به پویایی اقتصادی، محیط زیست قابل زندگی و برابری اجتماعی از جمله موارد مهم در این زمینه به شمار می روند. با این حال، پایداری شهری هنوز بسیار جوان است و زمینه های اولیه آن در حال شکل گیری می باشد. در راستای دستیابی به شهر پایدار مطلوب، فرم شهر بسیار تعیین کننده و مهم است. فرم شهر از تمامی عناصر و اجزای کالبدی قابل رویت شهر شکل می پذیرد و متشکل از عناصر طبیعی و مصنوع بوده، تبلور فضایی و شکلی فعالیت های جوامع است. فرم شهر ماهیتی ترکیبی و سه بعدی دارد که نه تنها در سطح، بلکه در حجم نیز تجسم می یابد. از این رو در این تحقیق ابتدا مروری اجمالی بر مفاهیم پایداری و شهر پایدار صورت می گیرد. سپس فرم شهر پایدار مورد بررسی قرار گرفته و مفاهیم و معیارهای مرتبط با طراحی فرم شهر پایدار شناسایی شده و بر اساس آن، چهار فرم برای شهر پایدار پیشنهاد می شود. در نهایت، به ارزیابی میزان سودمندی هر یک از فرم ها در دستیابی به شهر پایدار مطلوب پرداخته و فرم شهر Eco-compact city برای فرم ایده آل شهر پایدار پیشنهاد می شود.

### واژگان کلیدی:

پایداری، شهر پایدار، کیفیت زندگی انسان، فرم شهر پایدار، شهر فشرده بوم گرا

## مقدمه

با توجه به رشد روز افزون آلودگی و تخریب محیط زیست و نیز بروز بحران های پی در پی زیست محیطی، دولت های مختلف از حدود چهار دهه قبل به طور جدی به تکاپو افتاده اند، به طوری که تاکنون حدود ۲۸۰ معاهده و موافقت نامه بین المللی و منطقه ای در زمینه حفاظت محیط زیست و مسائل مرتبط با آن منعقد شده است. در پی همین مساله، توسعه پایدار مطرح گردید. ابعاد مهم توسعه پایدار، یکپارچه سازی ابعاد مختلف توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر پایه حفظ محیط زیست است. در واقع توسعه پایدار، توسعه در همه زمینه ها بر پایه حفظ منابع طبیعی و محیط زیست است. در این تحقیق ابتدا مروری اجمالی بر مفاهیم پایداری و شهر پایدار صورت می گیرد. سپس فرم شهر پایدار مورد بررسی قرار می گیرد و مفاهیم و معیارهای مرتبط با طراحی فرم شهر پایدار شناسایی شده و بر اساس آن، چهار فرم برای شهر پایدار پیشنهاد می شود. در نهایت، به ارزیابی میزان سودمندی هر یک از فرم ها در دستیابی به شهر پایدار مطلوب می پردازیم.

## مفهوم پایداری (Sustainability)

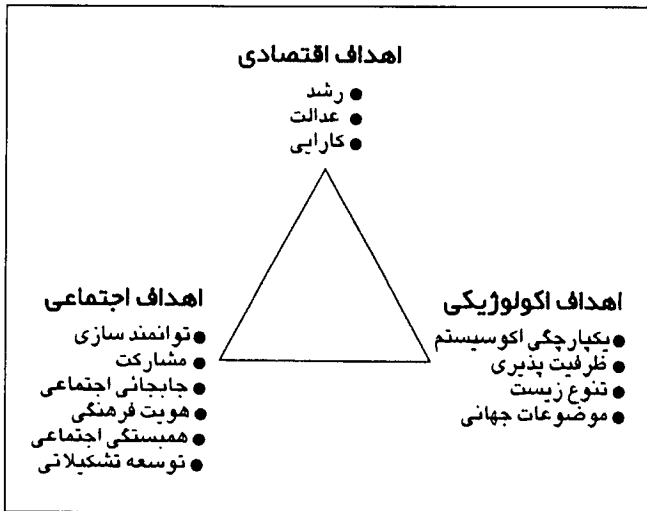
پایداری به مفهوم برآوردن نیازهای فعلی بدون از بین بردن قابلیت های نسل های آینده در تامین نیازهای خود است. واژه «پایدار» امروزه به طور گسترده ای به منظور توصیف جهانی که در آن نظام های انسانی و طبیعی توأما بتوانند تا آینده ای دور ادامه حیات دهند بکار گرفته می شود. ایده پایداری هنوز کاملاً نو بوده و درک معانی و چگونگی بکارگرفتن آن همچنان در حال شکل گیری است. تنها در این چند دهه اخیر است که واژه «پایداری» با معنی کنونی آن یعنی «آنچه که می تواند در آینده تداوم یابد» کاربرد پیدا کرده است [۳].

پایداری مفهومی پویا است و تأکید بر بهره گیری از منابع در یک حالت ماندگار دارد. هدف شهرهای پایدار امروز بر پایه تفکرات گذشته استوار است. شهرها در گذشته بهترین نمونه های پایداری را در خود متجلی ساخته اند. توجه به محدودیت های اکولوژیک محل نظیر آب، توسعه متناسب و سازگار با طبیعت، صرفه جویی در منابع، استفاده از مواد و مصالح بومی، ابداع روش های مناسب برای ادامه حیات نظیر قنات و بادگیر و استفاده هنرمندانه از آب و گیاه یا هدف تلطیف هوا و ایجاد مناظر مطبوع در فضاهای عمومی و اطراف شهرها، همگی نمونه هایی از عوامل موثر در این پایداری بوده اند [۴]. پایداری را می توان در سطوح و مقیاس های مختلف تحقق بخشید. در سطح بین المللی، برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) و اتحادیه بین المللی حفظ طبیعت (IUCN) درصدد گسترش و بسط مفهوم پایداری هستند. در سطح ملی، کمیته ها و شوراهای توسعه پایدار تشکیل یافته اند و در برخی کشورها، در سطح ایالت ها نیز مطرح می باشد.

در تعریف توسعه پایدار شاید بهتر آن باشد به تعریفی ساده و فرایندگرا که رفاه نظام گرایانه بلند مدت را مد نظر قرار دهد به ترتیب زیر بسنده گردد: «توسعه پایدار آن نوع توسعه ای است که سلامت انسان و نظام های اکولوژیکی را در بلند مدت بهبود بخشد» [۳]. هدف اصلی توسعه پایدار، تامین نیازهای اساسی، بهبود ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم ها و آینده ای امن تر و سعادت مند تر می باشد. اعتقاد عمومی بر این است که ابعاد اجتماعی توسعه پایدار باید دارای همان وزن و اهمیت باشد که اهداف زیست محیطی آن. توسعه پایدار نمی تواند بدون تفکر دقیق و محسوب داشتن امکانات



انسانی اتفاق بیافتد. سیاست‌هایی که بدون در نظر گرفتن سیستم سکونتگاه‌های انسانی که توسعه در آن اتفاق می‌افتد، نمی‌توانند با موفقیت به اجرا در آیند. انسان، اجتماع و محیط زیست به عنوان ارکان اصلی در فرآیند توسعه پایدار حضور داشته و در ارتباط با یکدیگر قرار دارند [۸]. توسعه پایدار در سه حیطه دارای مضامین عمیقی است: پایداری محیطی، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی.



تصویر ۱: اهداف توسعه پایدار زیست محیطی

ماخذ: عزیز، ۱۳۸۰

## پایداری و شهر

### ۱ توسعه شهری پایدار

بر اساس نظر لمن، شهرها را می‌توان موتور توسعه جوامع نامید [۶]. شهرها مرکز تحولات مبتنی بر فن‌آوری هستند، نقش بنیادی و اساسی دارند و فراتر از عملکردهای اقتصادی و فن‌آوری نیز هستند. از یک سو، بیشترین تخریب‌های زیست محیطی در شهرها اتفاق می‌افتد و از سوی دیگر، موثرترین راه‌های ارتقاء زیست محیطی می‌تواند در شهرها به اجرا در آید.

توسعه شهری پایدار در سال‌های اخیر بخش وسیعی از ادبیات شهرسازی و تحقیقات توسعه شهری در جهان را به خود اختصاص داده است. بخش عمده‌ای از مباحث توسعه پایدار می‌تواند در شهر اتفاق افتد. دلایل عمده این رابطه تنگاتنگ را باید در توزیع جمعیت، نقش و فعالیت دولت‌ها در تولید و مصرف کالا و خدمات دید که اثرات قابل توجهی در رابطه با مسایل اکولوژیکی دارد. توسعه شهری پایدار، یعنی شرایطی که شهرنشینان امروز و شهروندان فردا بتوانند در آن در کمال آرامش و امنیت زندگی کنند و ضمن تندرستی، از عمر دراز و در عین حال سازنده بهره‌مند گردند [۵]. از سوی دیگر، نظریه توسعه شهری پایدار مسائلی چون جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و برطرف ساختن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌سازد.

از دیگر سوی، توسعه شهری پایدار را می توان به عنوان توسعه ای تعریف نمود که سلامت اجتماعی و اکولوژیکی بلند مدت شهرها را بهبود بخشد. بر اساس این تعریف، راستاهای اصلی پایداری شهری باید زمینه های زیر را در بر داشته باشد [۳]: کاربری فشرده و با کارایی، اتومبیل کمتر و دسترسی بیشتر، کارایی در استفاده از منابع - آلودگی و مواد زائد کمتر، احیاء سیستم های طبیعی، مسکن و محیط زندگی خوب، اکولوژی اجتماعی سالم، اقتصاد پایدار، مشارکت مردم، حفظ فرهنگ و درایت محلی. نوع مداخله به منظور تحقق توسعه شهری پایدار در مقیاس های مختلف بین المللی، ملی و محلی متفاوت بوده و مسایل مختلفی را در بر می گیرد. تجربیات نشان داده اند که در مجموع، راه حل های توسعه پایدار عمدتاً در سطوح محلی قابل اعمال بوده اند. دلیل این امر حاد بودن مسائل و بحران های زیست محیطی در مقیاس محلی است. حمل و نقل و ترافیک، زیرساخت ها و تجهیزات شهری از مباحث عمده توسعه شهری پایدار در مقیاس محلی می باشد. سیاست موفق جهت حرکت به سوی توسعه پایدار شهری نیازمند درک موضوعات اکولوژیکی، اقتصادی - اجتماعی و مدیریتی است [۱۰].

## ۲ شهر پایدار (Sustainable City)

اساس بحث شهر پایدار این توافق عمومی است که شهری که امروز می شناسیم و در آن زندگی می کنیم، تنش های زیست محیطی ناپایدار ایجاد می کند. از نظر اجتماعی دارای طبقات است و از نظر عملکردی مطلوب نیست و اداره آن گران تمام می شود [۱۱]. شهر به عنوان مهمترین محل سکونت حال و آینده انسان، در واقع «اکوسیستم» یا محیطی ساخته و پرداخته دست خود انسان است که میزان مصرف انرژی و ماده در آن بعلا تراکم جمعیت بسیار زیاد و خارج از تحمل محیط است. ایجاد یک شهر برای پذیرش هزاران یا میلیون ها نفر جمعیت، قبل از هر چیز به امکانات لازم برای تهیه آب و غذا نیاز دارد که باید از منابع دور و نزدیک تأمین شود. مشکل بعدی پس از تأمین آب و غذا، مشکل دفع زباله و فاضلاب های انسانی است که به لحاظ حفظ بهداشت عمومی باید جمع آوری و به خارج شهر منتقل گردیده و با شیوه های بهداشتی نابود یا بازیافت گردد. بدین سبب «اکولوژیست ها» یا بوم شناسان از شهرها به عنوان محیط های ناپایدار یاد می کنند. زیرا مراکز شهری با مشخصاتی که دارند از یک سو برای حفظ خود به منابع حیاتی پیرامون نیازمندند و از سوی دیگر، خود باعث تخریب و آلودگی منابع و محیط زیست می شوند. شهر پایدار شهری است که در آن بهبود در عدالت اجتماعی، تنوع و امکان زندگی با کیفیت مطلوب تحقق یابد. فرم شهری پایدار نیز فرمی است که در آن منابع کمتری از جمله انرژی مصرف شود و شبکه های شهری کارا و رقابتی بوده و قابلیت بالا برای زندگی انسان را دارا باشند.

پایداری و شهر پایدار یک جانشین موجه و معقول برای شهرسازی مخرب قرن بیستم است. در یک شهر پایدار که در آن حمل و نقل سالم و فاقد آلایندگی و به ویژه پیاده روی و دوچرخه سواری غالب است، شکل شهر پایدار باید آن گونه باشد که این فعالیت ها را تسهیل نماید. در این راستا فرای، معیارهای زیر را برای ساخت و شکل پایدار شهر پیشنهاد می نماید [۱۱]:

محدودیت توسعه در بافت، تراکم جمعیتی و فعالیتی بالا، محیطی با کاربری های مختلط، افزایش استفاده از حمل و نقل عمومی، سلسله مراتبی از تسهیلات و خدمات برای افزایش حق انتخاب، محیطی عاری از آلودگی، سر و صدا و ازدحام، خودکفایی و دسترسی به فضاهای باز سبز.

شهر پایدار به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات و بازیافت آن ضایعات تا حد امکان و پذیرش سیاست‌های مفید در درازمدت، قادر به ادامه حیات خود می‌باشد [۲]. از مشخصات شهر پایدار در مقابل شهرهای نوگرا وجود حجم زیاد ورودی در مقابل حجم زیاد خروجی است. برنامه ریزان شهر پایدار باید هدفشان را بر مبنای ایجاد شهرهایی با ورودی کمتر انرژی و مصالح و خروجی کمتر ضایعات و آلودگی متمرکز کنند. به دنبال طرح مبحث توسعه پایدار، معماران و طراحان شهری همانند متخصصین رشته‌های دیگر به ارائه الگوهایی جهت انطباق فعالیتشان در چارچوب مزبور پرداخته‌اند. الگوهای ارائه شده برای شهر پایدار عبارت است از [۵]:

- ایده شهر فشرده (Compact City)
  - ایده دهکده‌های شهری (Urban Village)
  - ایده طراحی اکولوژی شهر (Urban Ecology)
  - ایده قطب‌های متعدد تصمیم‌گیری در کلان‌شهرها
  - الگوی شهر پیاده و شهر دوچرخه
- این الگوها، تحت عناوین گوناگون نظیر «طراحی شهری پایدار»، «طراحی شهری سبز»، «طراحی شهری اکولوژیک» و غیره مطرح گردیده‌اند. به طور کلی، اهداف طراحی شهری در چارچوب توسعه پایدار، بر حفاظت همزمان از محیط طبیعی و محیط انسان ساخت تأکید دارد. بر اساس آراء نظریه پردازان، اجمالا می‌توان سه اصل زیر را به عنوان «اصول سه گانه طراحی شهری پایدار» معرفی نمود [۷]:
- اولویت بخشیدن به بازیافت ساختمان‌ها، اماکن، زیرساخت‌ها و شبکه معابر موجود از طریق منطبق نمودن آن‌ها با شرایط و نیازهای جدید. در واقع، در طراحی شهری پایدار بر حفاظت و بهسازی ابنیه و بافت‌های شهری موجود تأکید ویژه می‌شود.
  - طراحی شهری پایدار، دغدغه حفاظت از منابع طبیعی، منظر طبیعی زمین و حیات وحش را دارد. از این رو، هرگونه مصالح جدید ساختمانی لازم است از منابع پایدار محلی به دست آمده باشد.
  - طراحی شهری پایدار در توسعه نواحی شهری جدید (نظیر احداث محلات و شهرهای جدید) دغدغه کاستن از میزان مصرف انرژی را دارد. این هدف از طریق کاربرد استخوان بندی شهری صحیح، گونه‌های ساختمانی مناسب، توزیع فضایی مناسب کاربری‌ها و استفاده از تراکم بهینه پیگیری می‌شود. به عبارت دیگر صرفه‌جویی در مصرف انرژی از طریق ایجاد ارتباطات نزدیک تر بین کاربری‌های مختلف شهری و همچنین از طریق کنترل طرح ساختمان‌ها از نظر بازدهی مصرف انرژی امکان پذیر می‌گردد.

### فرم شهر پایدار (Sustainable Urban Form)

#### ۱ مفهوم فرم شهر

تعریف فرم شهر به آسانی امکان پذیر نیست. عموماً فرم شهر ترکیبی است از خصوصیات و ویژگی‌های مرتبط با الگوهای کاربری زمین و سیستم حمل و نقلی و طراحی شهری. کوین لینچ فرم شهر را چنین تعریف می‌کند [۱۱]: شکل شهر بعنوان الگویی فضایی از اشیاء فیزیکی ثابت، ساکن و بزرگ شهر. فرم، حاصل تجمیع یکسری عناصر همسان است. فرم شهر نیز حاصل تجمیع عناصر متعددی مانند الگوهای

طراحی شهری می باشد. الگوهایی چون: فرم و اندازه بلوکها، طراحی خیابانها، ترتیب و آرایش قطعات زمین، طراحی پارکها و فضاهای عمومی. این ها مفاهیمی هستند که تکرار می شوند و فرمهای شهری را شکل می دهند.

## ۲ فرم شهر پایدار

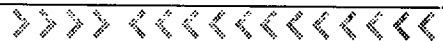
فرم شهر از تمامی عناصر و اجزای کالبدی قابل رویت شهر شکل می پذیرد و متشکل از عناصر طبیعی و مصنوع بوده، تبلور فضایی و شکلی فعالیت های جوامع است. فرم شهر ماهیتی ترکیبی و سه بعدی دارد که نه تنها در سطح، بلکه در حجم نیز تجسم می یابد. کوچکترین اجزا و عناصر این ترکیب در چارچوب عناصر مصنوع انسان، ساختمان ها، شبکه راه ها، فضاهای باز و تأسیسات شهری هستند. محیط طبیعی نیز با عناصر عمده ای مثل زمین و ناهمواری های آن، جریان های آبی و پوشش گیاهی در چگونگی و فرم ترکیب عناصر کالبدی دخالت دارند. هر کدام از عناصر شهر که به منزله یک سلول شهری هستند، به تنهایی فرم ویژه خود را دارند و ترکیب مجموعه ای از آنها نیز به پدید آمدن فرم شهری منجر می شود. از طرفی شهر معاصر با مشکلات محیطی فراوانی روبروست. در بیانیه آژانس حمایت زیستی ایالات متحده آمریکا تحت عنوان «محیط های طبیعی و انسان ساخت ما» (سال ۲۰۰۱) آمده است که شکل شهر بطور مستقیم سکونت گاهها، اکوسیستم ها و گونه های جانوری مختلف را متأثر می سازد. باید شیوه زندگی خود را تغییر دهیم و به تغییرات اساسی ای نه تنها در رفتارمان بلکه در طراحی فرم های ساخته شده نیاز داریم. در این راستا توسعه پایدار بعنوان یک مفهوم مهم و به روز، فرم شهرها را مد نظر قرار داده است و توجه اندیشمندان زیادی را به خود جلب نموده است و سلسله تلاش هایی برای یافتن فرم های سکونتگاهی که با اصول پایداری تطابق داشته باشند، انجام گرفته است. البته با نگاهی به نظریات اخیر ملاحظه می شود که توافقی برای شکل شهر پایدار صورت نگرفته است و از سوی دیگر برای ارزیابی آنها چارچوب نظری مشخصی وجود ندارد. این چالشی است که تمامی اندیشمندان، برنامه ریزان، NGO های محلی و بین المللی، جوامع مدنی و دولت ها را درگیر کرده است تا چارچوب نظری جدیدی در طراحی و سازماندهی فضاهای شهری در راستای دستیابی به شکل پایدار شهری ارائه کنند. این رویکردها در سطوح فضایی مختلفی مطرح شده اند [۱۳]:

- bio-region the regional and metropolitan levels سطح ناحیه ای و کلانشهری؛ مانند رویکرد
- the city level سطح شهری
- the community level سطح اجتماع
- the building level سطح ابنیه

## مفاهیم طراحی فرم شهر پایدار

### ۱ فشردگی (Compactness)

این مفهوم در محیط های ساخته شده یک استراتژی پذیرفته شده برای دستیابی به شکل پایدار شهری می باشد. فشردگی همچنین مفاهیم نزدیکی و مجاورت را به همراه دارد و پیشنهاد می کند که توسعه شهری آتی باید با توجه به ساختارهای شهری موجود صورت پذیرد. این مفهوم از توسعه پراکنده و ناموزون شهرها جلوگیری می کند و با تجمع کاربری های مختلف از اتلاف انرژی جلوگیری می نماید.



مفهوم دیگری که با فشردگی مطرح می‌شود، تشدید است و آن یک استراتژی بزرگ برای دستیابی به فشردگی می‌باشد که زمین‌های شهری را با افزایش تراکم توسعه و فعالیت در جهت ارتقاء کارایی آن مورد استفاده قرار می‌دهد. تشدید در توسعه زمین‌های شهری توسعه نیافته و توسعه مجدد نواحی موجود بکار می‌رود [۱۹]. چهار موضوع مهم در بحث‌های مربوط به فشردگی برای دستیابی به فرم شهر پایدار مطرح می‌باشد [۹]:

- شهر فشرده یک محصول به نام حمایت از نواحی روستایی دارد.
- ارتقاء کیفیت زندگی؛ شامل روابط اجتماعی و دستیابی آسان به خدمات و تسهیلات
- کاهش مصرف انرژی بوسیله تجمیع کاربری‌ها و کنترل آلاینده‌ها
- کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق کاهش تعداد سفرهای شهری با مدهای مختلف حمل و نقلی برای اغلب برنامه‌ریزان، فشردگی یک ابزار مهم برای دستیابی به پایداری است. شهر پایدار باید فشرده، مترکم، متنوع و با ترکیب مختلط باشد. فرم شهر پایدار پیاده روی را تسهیل می‌کند و تنوع بالای فرصت‌ها و فعالیت‌ها و خدمات شهری را برای دستیابی به کیفیت بالای زندگی ایجاد می‌کند. فشردگی در یک فرایند جامع با مشارکت و اتحاد جامعه در راستای رسیدن به قابلیت بالای زندگی و جلوگیری از جنبه‌های مضر مصرف بی‌رویه در شهرهای امروزی، مطرح می‌شود.

## ۲ حمل و نقل پایدار (Sustainable Transport)

حمل و نقل از رئوس مهم بحث‌های محیطی مرتبط با شکل شهر می‌باشد. شکل شهرهای امروزی به بهترین وجه نمایان می‌سازد که در یک مقیاس وسیع، تکنولوژی‌های حمل و نقلی در سطوح مختلف توسعه‌های شهری در اولویت قرار داشته و بر سایر عوامل ارجحیت دارند. فرم شهر پایدار باید در یک مقیاس مطلوب برای پیاده روی، دوچرخه سواری و حمل و نقل عمومی کارایی لازم را داشته باشد و یک فشردگی فعالیتی مناسب برای تشویق تعاملات اجتماعی ایجاد نموده و قادر به دستیابی به خدمات و تسهیلات شهری برای کاهش هزینه‌های اضافی باشد. حمل و نقل پایدار باید ضمن احترام به ظرفیتهای و پاسخگویی مناسب به نیازهای حمل و نقلی مختلف، باید ایمنی پیاده، کیفیت محیطی و قابلیت زندگی بالا را فراهم نماید.

از دید دانکن [۱۵]، سیستم حمل و نقل شهر پایدار، ائتلاف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش داده و بوسیله منابع انرژی تجدید پذیر و بازیافت عناصر و مواد و کاهش استفاده از زمین، دسترسی عادلانه برای جابجایی افراد و کالاهایشان فراهم می‌نماید که نتیجه آن شکوفایی و سرزندگی اقتصادی و کارایی بالای عملکردها و فعالیت‌های شهری است. سیاست‌های توسعه شهری پایدار باید شامل اقداماتی باشد که به جابجایی با مسافت طولانی نیاز نباشد و مدهای حمل و نقلی دوستدار طبیعت برای رسیدن به بالاترین کارایی انرژی انتخاب گردد. در این راستا برنامه ریزی کاربری زمین نقش کلیدی در دستیابی به این اهداف دارد. زمانی که کاربری‌های مورد نیاز مردم در فاصله کمتری از همدیگر باشند نیاز به سفرهای شهری متعدد کاهش یافته و مردم به راحتی با پیاده روی و دوچرخه سواری نیازهایشان را برطرف می‌سازند. این یعنی حمل و نقل دوستدار طبیعت. نیومن [۱۶] از وجود یک رابطه معکوس میان تراکم شهری و مصرف انرژی در حمل و نقل بحث می‌کند. بدین مفهوم که با افزایش و کاهش تراکم، مصرف انرژی نیز کاهش و افزایش می‌یابد. فواید بکارگیری سیستم حمل و نقل پایدار از دید

مدیران شهری پنهان مانده است. باید اصول آنرا شناخت و در شهرهای امروزی مورد استفاده قرار داد.

### ۳. تراکم (Density)

یک معیار قابل تامل در فرم شهر پایدار است و میزان نرخ افرادی است که در واحدهای سکونتی در نواحی مختلف شهری حضور دارند. رابطه میان تراکم و شخصیت شهر است که اساس آنرا مفهوم پایداری شکل می دهد. در محدوده های مختلف تراکم ها تعداد افرادی هستند که در یک سطح مشخص قادر به برقراری تعاملات اجتماعی باشند و از طرفی در ایجاد فشردگی موثر است. تراکم و نوع سکونت، از طریق عواملی چون مصرف انرژی، مواد و مصالح، زمین برای مسکن، حمل و نقل و امور زیربنایی شهر بر پایداری شهرها تاثیر می گذارد.

از سوی دیگر تراکم ارتباط مستقیمی با حمل و نقل دارد. زمانی که تراکم افزایش می یابد مالکیت اتومبیل کاهش می یابد و در نتیجه سفرهای شهری با اتومبیل شخصی کمتر شده و مصرف انرژی کاهش می یابد. یک تضاد آشکار میان تراکم کم و سیستم حمل و نقل مطلوب وجود دارد. تراکم پایین، خدمات شهری را در سطح شهر پراکنده ساخته و استفاده از اتومبیل شخصی را برای دسترسی به آن افزایش داده و آلودگی محیطی و مصرف بالای انرژی را به همراه خواهد داشت.

### ۴. ترکیب و اختلاط کاربری ها (Mixed Land Uses)

اختلاط کاربری ها یا منطقه بندی ناهمگن (Heterogeneous zoning)، این امکان را فراهم می سازد که کاربری های سازگار با یکدیگر در یک محدوده مشخص در کنار هم قرار گیرند. بدین گونه فواصل سفرهای درون شهری برای برآوردن نیازهای روزانه افراد کاهش می یابد [۱۷]. ترکیب و اختلاط کاربری هایی چون مسکونی، تجاری، صنعتی، اداری در یک محدوده مشخص و در ارتباط با مدهای مختلف حمل و نقلی برای ایجاد ارتباط سریع و آسان [۱۴]. کاهش تقاضای سفر در دستور کار دستیابی به فرم شهر پایدار قرار دارد و اختلاط کاربری ها نقش مهمی در آن دارد و استفاده از اتومبیل را برای سفرهای روزانه شهری، خرید و کار کاهش می دهد. تمامی نیازهای افراد در یک شعاع مشخص از محل زندگی شان برآورد می شود. علاوه بر آن پیاده روی را تشویق نموده و بر دوچرخه سواری تاکید می نماید. اختلاط کاربری ها در تجدید حیات شهری در مناطق مختلف شهری نقشی اساسی دارد و کیفیت زندگی را در محلات و فضاهای شهری برای استفاده گروه های محروم و آسیب پذیر جامعه ارتقاء می بخشد.

### ۵. تنوع (Density)

تنوع فعالیت و فضا در پایداری شهرها موثر است. جین جیکوبز اولین بار این مفهوم را وارد ادبیات شهرسازی نمود و بعدها توسط گروه های متعدد طراحان و برنامه ریزان مورد قبول قرار گرفت. از قبیل نیو اوربنیستها، طرفداران رشد هوشمند شهر و توسعه پایدار. کمبود تنوع موجب استفاده بالای مردم از اتومبیل های شخصی برای برآورد نیازهایشان می شود. در نواحی شهری متنوع مردم به راحتی پیاده روی می کنند و از فضاها و فعالیت های متنوع و به دور از یکنواختی لذت می برند. فعالیتی که در سایر نواحی مانند حومه ها غیر عملی است. زیرا تنوع فعالیت هاست دارای جذابیت خاصی برای پیاده است و افراد را به پیاده روی تشویق می نماید. جذابیتی که قابل درک با اتومبیل نیست.

از نظر جیکوبز، تنوع عاملی حیاتی است و بدون آن شهر در حد مکانی برای زندگی تنزل می‌یابد. از سوی دیگر شباهت‌هایی میان تنوع و اختلاط کاربری‌ها وجود دارد. تنوع یک پدیده چند بعدی است که ویژگی‌های مطلوب شهری را ارتقاء می‌دهد و زمینه اجتماعی و فرهنگی شهر را متأثر می‌سازد. بر خلاف اختلاط کاربری‌ها که فقط در زمینه فعالیت هاست، تنوع در فرم مسکن، تراکم ابنیه، سبک‌های معماری، سن افراد، فرهنگ و درآمدها مفهوم می‌یابد.

### ۶. طراحی سبز یا اکولوژیکی (Green Design)

شهرسازی سبز مفهوم اصلی فرم مطلوب شهر پایدار می‌باشد. فضاهای سبز قادرند تأثیر مثبتی در نواحی شهری برای رسیدن به پایداری داشته باشند. طراحی سبز می‌کوشد از طریق ایجاد تنوع در مناظر باز شهری، طبیعت و فضای سبز را به آغوش شهرها و زندگی ساکنان آن برگرداند. طراحی سبز زندگی را برای ساکنان شهر بسیار جذاب، رویایی و دلپذیر می‌نماید. سایر کارکردهای آن عبارتند از [۱۸]:

- حفظ تنوع زیستی biodiversity
  - بهبود محیط زیست شهری از طریق کاهش آلودگی هوا
  - بهبود سیما و منظر بصری شهر
  - ارتقاء کیفیت زندگی افراد و بالا بردن روحیه و انگیزه زندگی
- رویکردهای سنتی شهرسازی باید مورد بازبینی قرار گیرد و توسعه‌های شهری آتی باید بر اساس فرم‌های اکولوژیکی انجام گیرد.

### فرم‌های مختلف شهر پایدار

#### ۱. شهر نوسنت گرا (Neotraditional)

دو فرم حاصل از دید نو سنت‌گرایی وجود دارد:

- **Transit village**: یکی از مفاهیم وابسته به TOD می‌باشد که ترکیب کاربری‌های مختلف را با تراکم بالا حول یک مرکز قوی حمل و نقلی شکل می‌دهد که ساکنان و کارگران و فروشندگان را به استفاده کمتر از اتومبیل شخصی و جایگزینی آن با حمل و نقل عمومی سوق می‌دهد. بخش مرکزی آن، ایستگاه حمل و نقلی است و فضاهای عمومی شهری در اطراف آن گرد آمده‌اند [۱۹].
- **Urban village**: این ایده در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا مطرح شده است. مطابق آن، روستاشهر سکونتگاهی است که در یک مکان طبیعی سبز و خارج از سکونتگاه فعلی و در اطراف آن شکل می‌گیرد. ویژگی‌های آن عبارتند از: تراکم بالا، اختلاط کاربری‌ها، تأکید بر پیاده روی با اقتباس از روستا و حضور گروه‌های مختلف اجتماعی. این ایده تلاشی است برای پر کردن جای خالی کارآمدی، زیبایی طبیعی و رفتار انسانی و مقابله با مشکلاتی از قبیل ترافیک، آلودگی، هزینه‌های بالا و مصرف بالا.

#### ۲. شهر محدود (Urban Containment)

در دهه ۱۹۰۰ در آمریکا اغلب شهرها ساختاری فشرده داشتند و جمعیت شهری در محلات داخلی شهر متمرکز بودند. ولی از دهه ۱۹۶۰ ورق برگشت و زندگی حومه‌ای رایج گردید. به دنبال این مساله، پراکندگی توسعه‌های شهری و توسعه نامتوازن و بی‌برنامه شهری که استفاده از اتومبیل را به حداکثر

رساند و افزایش آلودگی ها و مصرف بالا و طولانی شدن مسافت بین کاربری ها را در پی داشت، بوجود آمد. مهمترین پیامد آن، جدایی اجتماعی و تضعیف تعاملات افراد بود. شهر محدود با سیاست های خاص خود سعی در کنترل توسعه و محدود نمودن آن در شهرها دارد. محافظت از زمین های طبیعی و کشاورزی و معادن اطراف شهر از سایر اهداف این ایده می باشد. این ایده توسعه بیرونی شهر را بسیار محدود نموده و سعی در توسعه درونی در سطح محلات دارد و از دو عامل PUSH و PULL در نواحی کلانشهری استفاده می کند. سیاستهای آن شامل تصویب مرزهای رشد و توسعه شهر، محدود نمودن خدمات رسانی به نواحی بیرونی و دورافتاده شهری، کنترل الگوهای متنوع توسعه و محدود نمودن توسعه مسکونی در زمین های کشاورزی می باشد. در حالت کلی این ایده از سه ابزار مختلف برای شکل دهی به شهر و رشد و توسعه آن استفاده می کند [۲۰]:

- کمربندی Greenbelts
- مرزهای رشد شهری Urban growth boundaries؛ استفاده از عامل PUSH
- محدوده خدماتی شهر Urban service areas؛ استفاده از عامل PULL
- رشد هوشمند Smart Growth؛ از نتایج مهم و قابل توجه این ایده می باشد

### ۳. شهر فشرده (Compact City)

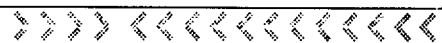
این ایده به گونه ای توسط لوکوربوزیه در بلوکهای مرتفع آپارتمانی اش در شهر درخشان مطرح گردید. متعاقباً در سال ۱۹۷۳ توسط ساعتی و دانتزینگ (Dantzing and Saaty)، رسماً پیشنهاد گردید. هدف اصلی این ایده، خلق شهرهایی با فشردگی و تراکم بالا به دور از مشکلاتی که در شهر مدرنیستی شاهد آن بودیم. فشردگی شهری در کنار ارتقاء اکولوژیکی و محیطی آن.

این ایده مورد تایید کمیسیون اروپا قرار گرفته است و در توسعه شهری آتی شهرهای اروپایی لازم الاجراست. فرم شهر فشرده در مقیاس های مختلفی اجرا می شود. از طراحی میان افزا تا خلق یک سکونتگاه جدید. تراکم در محیط ساخته شده، تشدید فعالیت ها، برنامه ریزی زمین کارا و تنوع و ترکیب کاربری ها و شبکه حمل و نقل موثر مکمل فرم فشرده شهری خواهند بود. علیرغم اینکه شهر فشرده از نظر پیتز نیومن [۱۶]، کاراترین فرم شهری است، برخی اندیشمندان آنرا غیر واقعی و نامطلوب می دانند و به جای آن تمرکز غیرمتمرکز decentralized concentration را پیرامون کلانشهرها توصیه می کنند [۱۲].

### ۴. شهر اکولوژیک (Eco-City)

این ایده به مانند یک چتر سبزی است که تمام نواحی سکونتگاهی را در بر گرفته و به اهداف پایداری کمک می نماید. این رویکرد در زمینه محیطی مطرح شده است و مدیریت فضاهای شهری را از جنبه زیست محیطی بر عهده دارد و بر لزوم تهیه یک دستور کار زیست محیطی در سکونتگاهها تأکید دارد. مفاهیم برجسته آن طراحی سبز و طراحی بر اساس انرژی های طبیعی مانند انرژی خورشیدی می باشد. بسیاری از دولت ها، مشاوران برنامه ریزی، معماران منظر جنبه های اکولوژیکی را در کنار توجه به انسان در طرحهایشان لحاظ می کنند. سایر اصطلاحاتی که در این مورد مطرح می باشد، عبارتند از:

- Eco village, Solar Village
- Environmental City, Green City, Sustainable City





- Sustainable Urban Living
- Sustainable Housing
- Sustainable Community
- Sustainable Neighborhood

### ارزیابی، جمع بندی و نتیجه گیری

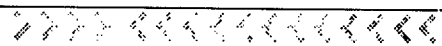
در این بخش با جمع بندی تعاریف و مفاهیم مورد بحث، فرم های مختلف ارائه شده با استفاده از مفاهیم طراحی فرم مطلوب شهر پایدار مورد ارزیابی قرار می گیرند:

مفاهیم طراحی	نوسنت گرا <i>Neotraditional</i>	شهر فشرده <i>Compact City</i>	شهر محدود <i>Urban Containment</i>	شهر اکولوژیکی <i>Eco-City</i>
تراکم <i>Density</i>	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳
تنوع <i>Diversity</i>	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳
اختلاط کاربریها <i>Mixed land use</i>	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳
فشردهگی <i>Compactness</i>	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳
حمل و نقل پایدار <i>Sustainable transportation</i>	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳
طراحی سبز <i>Green design</i>	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳	کم=۱ متوسط=۲ زیاد=۳
امتیازات <i>Total score</i>	۱۴	۱۶	۱۱	۱۵

ارزیابی مذکور نشانگر آنست که فرم ایده آل شهر پایدار، فرمی است که برگرفته از مفاهیم و اصول طراحی باشد و آن فرمی است که تراکم بالا، تنوع کافی، فشردهگی و ترکیب کاربری ها، حمل و نقل محوری، طراحی سبز و اکولوژیک را داشته باشد. با ارزیابی انجام یافته، فرم شهر فشرده به عنوان کاراترین فرم شهری برای شهر پایدار معرفی می گردد. ولی از سوی دیگر با تأملی بیشتر در نتایج این ارزیابی، ملاحظه می شود فرم شهر اکولوژیکی با تکیه بر امتیاز طراحی سبز، اختلاف اندکی با شهر فشرده دارد و این فاکتوری است که از نقاط ضعف شهر فشرده می باشد. با توجه به این موارد، در نهایت پیشنهاد می گردد با ادغام این دو فرم، فرمی کاملتر، از نظر اصول پایداری حاصل شود. این فرم، شهر فشرده بوم گرا *Eco-compact city* نام دارد که نقائص شهر فشرده را برطرف نموده و به بهترین نحو ممکن پاسخگوی نیازهای شهرهای آینده خواهد بود.

## مراجع

- ۱- فرای، هیلدر براند، طراحی شهری، به سوی یک شکل پایدار تر شهر. مترجم: دکتر حسین بحرینی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۳.
- ۲- ترنر، تام، شهر همچون چشم انداز. مترجم: فرشاد نوریان. انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۶.
- ۳- بحرینی، سید حسین و مکنون، رضا، توسعه شهری پایدار: از فکر تا عمل. مجله محیط شناسی، شماره ۲۷، ۱۳۸۰.
- ۴- بحرینی، سید حسین، شهرسازی و توسعه پایدار. رهیافت، شماره ۱۷، ۱۳۷۶.
- ۵- صالحی فرد، محمد، ارزیابی نقش و جایگاه الگوی توسعه پایدار شهری در ساختار شهرنشینی ایران. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۹-۲۰۰، ۱۳۸۰.
- ۶- عزیزی، محمدمهدی، توسعه شهری پایدار، برداشت و تحلیلی از دیدگاه های جهانی. صفه، شماره ۳۳، ۱۳۸۰.
- ۷- گلکار، کوروش، طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، ۱۳۷۹.
- ۸- مکنون، رضا، مبانی برنامه ریزی توسعه پایدار (دومین همایش کشوری). وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۷.
- 9- Jenks, Mike. 2000. The acceptability of urban intensification. In *Achieving sustainable urban form*. London: E & FN Spon.
- 10- Newman, P & Jennings, I. 2008. *Cities as sustainable Ecosystems*. ISLAND PRESS. LONDON.
- 11- Lynch, Kevin. 1981. *A theory of good city form*. Cambridge, MA: MIT Press.
- 12- Breheny, Michael. 1992. *Sustainable development and urban form*. London: Pion.
- 13- Forman, Richard. 1997. *Land mosaics: The ecology of landscapes and regions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 14- Elkin, Tim, Duncan McLaren, and Mayer Hillman. 1991. *Reviving the city: Towards sustainable urban development*. London: Friends of the Earth.
- 15- Duncan, Bruce, and John Hartman. 1996. *Sustainable urban transportation initiatives in Canada*. Paper submitted to the APEC Forum on Urban
- 16- Newman, Peter, and J. Kenworthy. 1989. Gasoline consumption and cities: A comparison of US cities with a global survey. *Journal of the American Planning Association*.
- 17- Parker, Terry. 1994. *The land use—air quality linkage: How land use and transportation affect air quality*. Sacramento: California Air Resources Board.
- 18- Swanwick, Carys, Nigel Dunnett, and Helen Woolley. 2003. Nature, role and value of green space in towns and cities: An overview. *Built Environment* 29.
- 19- Bernick, Michael, and Robert Cervero. 1997. *Transit villages for the 21st century*. New York: McGraw-Hill.
- 20- Robinson, Lin, Joshua P. Newell, and John M. Marzluff. 2005. Twenty-five years of sprawl in the Seattle region: Growth management responses and implications for conservation. *Landscape and Urban Planning* 71.



## برنامه ریزی شبکه حمل و نقل برای کاهش زیان‌های ناشی از بلایای طبیعی در نواحی شهری مطالعه موردی محله یافت آباد

محمد باقر قالیباف

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مجتبی روستائی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

مهدی رمضان زاده لسبویی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

### چکیده:

بلایای طبیعی، به خصوص زلزله، کلاتشهر تهران را همچنان تهدید می‌کند. بدین لحاظ پس از وقوع حوادث، ضرورت اقدامات سریع در جهت کاهش اثرات و تعدیل خسارات وارده و نیز اقدامات امداد و نجات به منظور جلوگیری از افزایش قربانیان حادثه، تعیین و بررسی مسیرهای ایمن و کارآمد به منظور اقدامات امدادی ضروری می‌باشد. لذا پس از وقوع حوادث غیر مترقبه (سیل، زلزله و طوفان) ستاد مدیریت بحران می‌بایست حداکثر کارایی خود را جهت عملکرد صحیح در شرایط اضطرار ایفاء نماید و شرایط را به حالت اولیه برگرداند. حال آنکه شبکه معابر مورد نظر در مواقع اضطراری خود از سانحه یا اثرات آن مصون نمانده بطوری که بخشی یا تمامی آن از بین رفته باشد. بدین منظور تعیین معیارها و ضوابطی در جهت تشخیص مسیرهای ایمن پس از سانحه و همچنین بررسی قابلیت عملکرد و آسیب پذیری مسیرها و معابر در جهت کاهش خسارات وارده به شبکه حمل و نقل و تسریع در عملیات امداد و نجات ضروری است.

در همین راستا دو محله یافت آباد شمالی و جنوبی با تراکم بسیار زیاد جمعیت (یافت آباد جنوبی ۸۲۵,۹ تراکم خالص و یافت آباد شمالی ۷۵۱,۳ تراکم خالص) از محله‌های بسیار شلوغ تهران به شمار می‌روند. از طرفی دیگر بافت فرسوده این نقطه شهری تهران، آسیب پذیر بودن آن در برابر زلزله، نامناسب بودن شبکه معابر آن می‌تواند در صورت وقوع بلایای طبیعی شرایط ناگواری را حتی برای امداد رسانی فراهم آورد. به همین دلیل این نقطه شهری برای موضوع انتخاب شده است. این مقاله برآنست تا ابتدا از طریق روش کتابخانه‌ای و بررسی مبانی اندیشه‌ای راهبردهای مختلف و شیوه‌های مدیریتی را طبقه بندی و در ادامه، ضمن بررسی مهمترین آسیبهای وارده به شبکه حمل و نقل محله یافت آباد و دسترس‌یهای ایمن در محله مذکور، عملکرد مطلوب امداد رسانی را مورد تحلیل قرار دهد.

### واژگان کلیدی

مدیریت بحران، حمل و نقل، یافت آباد

## ۱. مقدمه

در دو دهه گذشته، بلایای طبیعی موجب خسارتهای جانی (حدود ۳ میلیون نفر) و مالی (۸۳۰ میلیون دلار) سنگینی شده اند (خالدی، ۱۳۸۰، ۹). در کشورهای حادثه خیز پیامدهای ناشی از بلایا، از عوامل اصلی بازدارنده توسعه به شمار می آیند. آثار عمومی وقوع حوادث عبارتند از: مرگ و جراحت افراد، خسارات به اموال و تولیدات و خدمات و تأسیسات زیر بنایی و در نتیجه تأثیر بر شیوه زندگی و ابعاد اجتماعی و روانی آن.

حمل و نقل به عنوان یکی از اصلی ترین ویژگیهای مجموعه های شهری و نیز به عنوان یکی از کارآمدترین پارامترهای کنترل و مهار بحران، می تواند روند مدیریت بحران را بهبود بخشیده یا کمیت و کیفیت آنرا دستخوش تغییر نامطلوب سازد. بررسی شرایطی که منجر به چنین نتایجی می شود، بخش عمده علم مدیریت شبکه حمل و نقل را تشکیل می دهد. عملکرد صحیح شریانهای حیاتی در شرایط غیر معمول از مهمترین مولفه ها در افزایش یا کاهش تلفات جانی و یا خسارات اقتصادی در یک سانحه طبیعی به شمار می روند. شبکه حمل و نقل شهری در مناطق مختلف ایران به خصوص شهرهای بزرگ دارای ویژگیهایی است که بررسی این مشخصه ها از جهات مختلف به منظور آمادگی برای مواجهه و کاهش خسارات بعد از وقوع بحران مفید می باشد.

تجارب وقوع بحرانهای طبیعی از جمله زلزله ۱۹۹۴ در کوبه ژاپن بیانگر آسیب پذیری شدید شبکه تأسیسات و تجهیزات شهری ( شبکه خطوط انتقال جریان الکتریکی، آب، گاز و ...) در برابر وقوع زلزله می باشد. در این میان شبکه حمل و نقل شهری نیز به نحو قابل توجهی از زلزله و یا پیامدهای آن مصون نمانده و عملکرد آن در شرایط اضطراری کاهش می یابد. (گیوه چی، باغوند، ۱۳۸۵، ص ۲) با توجه به احتمال وقوع سوانح طبیعی بویژه زلزله در تهران، سیستم حمل و نقل با توجه به گستره وسیع آن در معرض خسارات و آسیبهای فراوانی قرار دارد. در همین راستا محله یافت آباد در جنوب غربی شهر، بعنوان یکی از قدیمی ترین محلات تهران با برخورداری از درصد بالایی از بافتهای فرسوده و معابر تنگ و کم عرض و خاصیت نفوذ ناپذیری اکثریت معابر محله، به عنوان نمونه روشنی از شبکه شهری دارای مشکلات و نیاز به برنامه ریزی عاجل جهت رویارویی با هرگونه بحران طبیعی جهت مطالعه انتخاب شده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

با توجه به اثرات تخریبی چندین زلزله شدید اخیر دنیا مانند زلزله لوماپریا (۱۹۸۹)، زلزله نورتریج (۱۹۹۴) و زلزله کوبه (۱۹۹۵) که تأثیرات تخریبی عمده ای را بر شبکه حمل و نقل گذاردند ضرورت بررسی دقیق سیستم حمل و نقل به منظور بررسی کارآمدی عملکرد و شناسایی نقاط ضعف آن در هنگام زلزله مشخص گردید. از جمله تلاشهای انجام شده در این زمینه می توان به کارهای انجام شده توسط wakabayashi و kameda در سال ۱۹۹۲ بر روی تحلیل ایمنی شبکه حمل و نقل و مدل سازی جریان ترافیک در منطقه loma pertia اشاره نمود.

در سال ۱۹۹۵ basoz و kiremidjian با ارائه شیوه ای نوین، به بررسی مساله حق تقدم در مقاوم سازی پلها و ایجاد یک محیط جدید برای آن پرداختند. nojima در سال ۱۹۹۷ با ارائه تحلیلی بیان نمود که ظرفیت جاده برای پذیرش ترافیک می تواند بعنوان پایه ای برای تعریف یک معیار بررسی عملکرد

شبکه حمل و نقل قرار گیرد. Werner و Eguchi در سال ۱۹۹۷ با استفاده از مدل‌های ارزیابی خسارات کامپیوتری که از زلزله‌های اخیر تهیه کرده بودند ضمن انجام مقایسه بین شرایط به وقوع پیوسته تحت اثر هر سناریوی زلزله که در یک محدوده مشخص به برنامه ریزی برای تخفیف اثرات سانحه محتمل پرداختند. (باغوند-گیوه چی، ۱۳۸۵، ص ۲)

باغوند و همکاران وی در سال ۱۳۸۵ به بررسی علل تنزل عملکرد شبکه حمل و نقل شهری پس از زلزله پرداختند و راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه نمودند. پوریاری و یداللهی در سال ۱۳۸۶ به بررسی نقش و کارکرد سیستم مدیریت حمل و نقل اضطراری در شهر تهران پرداختند و پیشنهاداتی جهت ارتقاء سیستم حمل و نقل و پیشگیری از افزایش خسارت ناشی از سوانح طبیعی در تهران ارائه نمودند.

## ۲-۱ جایگاه جهانی مدیریت بحران

سازمان ملل متحد، دهه پایانی قرن بیستم (۱۹۹۰-۲۰۰۰) را دهه بین‌المللی کاهش خطرات سوانح طبیعی نام گذاری کرد و کارشناسان این سازمان در جهت تبادل تجربه میان ملت‌ها و مراکز تحقیقاتی کشورها بسیار کوشیدند. محور اصلی کوشش‌های مجامع جهانی و نیز دستگاه‌های سیاستگذار ملی، آرایه چارچوب‌هایی برای توجه به الزامات راهبردی کاهش اثرات بلایای طبیعی در طرح‌های توسعه ملی و منطقه‌ای است. تاکنون در این زمینه کنفرانس‌های متعددی توسط سازمان ملل متحد برگزار گردیده است که می‌توان به کنفرانس‌های جهانی کاهش اثرات بلایای طبیعی یوکوهامای ژاپن (Yokohama, Japan, ۱۹۹۴) و هیوگوی ژاپن (Hyogo, Japan, ۲۰۰۵) و داووس سوئیس (Davos, Switzerland, ۲۰۰۶) اشاره کرد. (هجرتی، ۱۳۸۶، ص ۲)

## ۲-۲ اهمیت و جایگاه ملی مدیریت بحران در سطح راهبردی

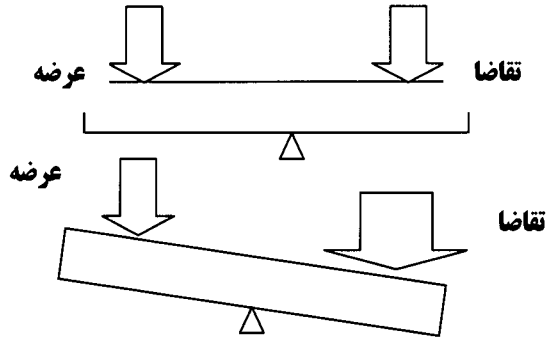
خطرپذیری لرزه‌ای اغلب مناطق شهری کشور به واسطه موقعیت زمین‌شناختی، درصد بالای آسیب‌پذیری مستحذات، عدم وجود امکانات کافی مدیریت بحران، ارزیابی شده است. بطور مثال، برآوردهای انجام شده توسط مراکز تحقیقاتی و اجرایی نشان می‌دهد که در اثر وقوع زلزله‌ای بزرگ در منطقه شهری تهران، بسیاری از ساختمانها تخریب شده و تلفات سنگینی بر جای خواهد ماند. پیش‌بینی می‌شود در اثر زلزله ناشی از جنبش گسل ری، بیش از ۳۸۰/۰۰۰ تن از شهروندان جان خود را از دست خواهند داد و بالغ بر ۴۸۰/۰۰۰ ساختمان نیز ویران می‌گردد. مجموع خسارات مستقیم و غیرمستقیم وارده به شهر تهران بدون در نظر گرفتن ارزش جان انسانها و نیروی از دست رفته که البته قابل ارزش گذاری نمی‌باشند، حدود نیمی از تولید ناخالص ملی و هزینه نوسازی و بازسازی ساختارها و ساختمان‌های آسیب دیده شهر تهران نیز حدود ۳ برابر تولید ناخالص ملی تخمین زده شده است ( پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی، ۱۳۸۴).

## ۳. ارائه تعاریف پایه

### ۳-۱- بحران

تعاریف متعددی در خصوص بحران ارائه شده است. هر رویداد واقعی یا پیش‌بینی شده که به زندگی، امنیت، رفاه و سلامت عده‌ای یا تمامی مردم آسیب برساند و با استفاده از منابع و خدمات دولتی منظم

قابل کنترل نباشد (crumb, ۲۰۰۶, ۳۲). بطور کلی، بحران عبارتست از عدم انطباق بین نیازها و منابع. بدین معنی که در شرایط عادی، توازن بین نیازهای جامعه از یک طرف و توانمندیها و منابع موجود از طرف دیگر برقرار است. در بحث حمل و نقل و ترافیک بحران عبارتست از عدم انطباق بین عرضه (منابع) و تقاضا (نیاز). (شکل ۱)



شکل ۱- تعادل و عدم تعادل عرضه و تقاضا در شرایط عادی و بحران

### ۲-۳- مدیریت بحران

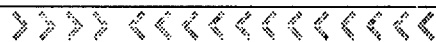
علمی، کاربردی است که به وسیله مشاهده سیستماتیک بحرانها و تجزیه و تحلیل آنها در جستجوی پیدا کردن ابزاری است که به وسیله آن بتوان از بوجود آمدن بحرانها پیشگیری نموده و یا در صورت بروز آن در راستای کاهش اثرات آن، آمادگی های لازم، امداد رسانی سریع و بهبودی اوضاع اقدام نمود. عنصر اساسی در مدیریت مخاطرات و بلایای طبیعی عبارت است از وقوف (آگاهی) از حیث اینکه چگونه اشخاص متصدی، امر مخاطرات را درک می کنند (افتخاری، ۱۳۸۶، ۴).

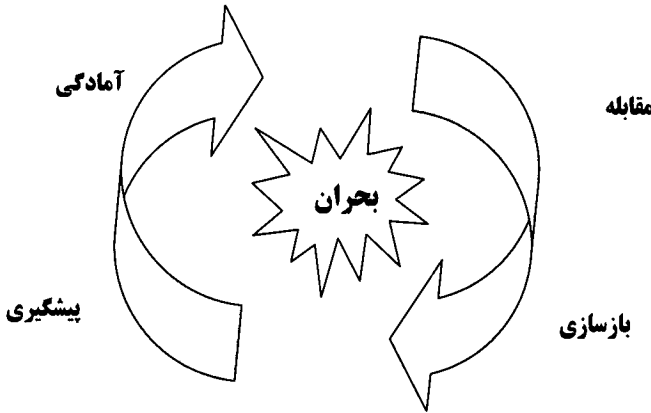
### ۳-۳- مدیریت بحران در حمل و نقل

عبارت است از برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، اجرا و کنترل فعالیتهای لازم یا مطلوب در شبکه حمل و نقل در راستای غلبه یا کاهش آسیبهای ناشی از بروز بحرانهای محتمل و یا کاهش احتمال وقوع بحرانها با در نظر گرفتن چرخه حیات بحران.

### ۴-۳- چرخه مدیریت بحران

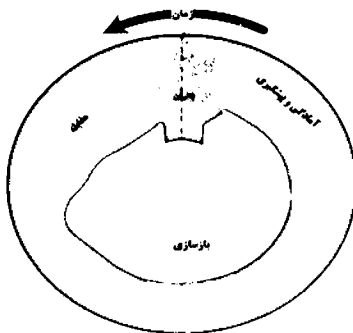
در یک رویکرد مدیریت بحران به صورتی نگرینسته می شود که میتوان مراحل آنرا به صورت فازهای مجزا و متوالی در نظر گرفت. (شکل ۲)





شکل ۲- چرخه معمول مدیریت بحران

در این مدل، تنها توالی انجام فعالیتها در مدیریت بحران مورد تاکید قرار گرفته است و به سایر ابعادی که در این فرایند دارای اهمیت هستند، توجه نگردیده است. مدلی کارآمد که در آن هم توالی انجام فعالیتها را در بر می گیرد و هم کارکرد انبساطی و انقباضی دارد مانند شکل (۳) می باشد که در این تحقیق پیشنهاد شده است. با گذشت زمان جریان بازسازی که پیش گیری و پرهیز از بحران های آینده هم در آن قرار دارد برای پاسخ به نیازهای بازسازی موجود در جامعه توسعه می یابد. بر اساس اینکه چه رابطه ای بین مخاطره و آسیب پذیری جامعه وجود دارد، وزن نسبی این جریان های مختلف می تواند متفاوت باشد. (پوریاری و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۳)



شکل ۳- مدل ترکیبی جریان متوالی و موازی در مدیریت بحران

#### ۴- معرفی منطقه مورد مطالعه

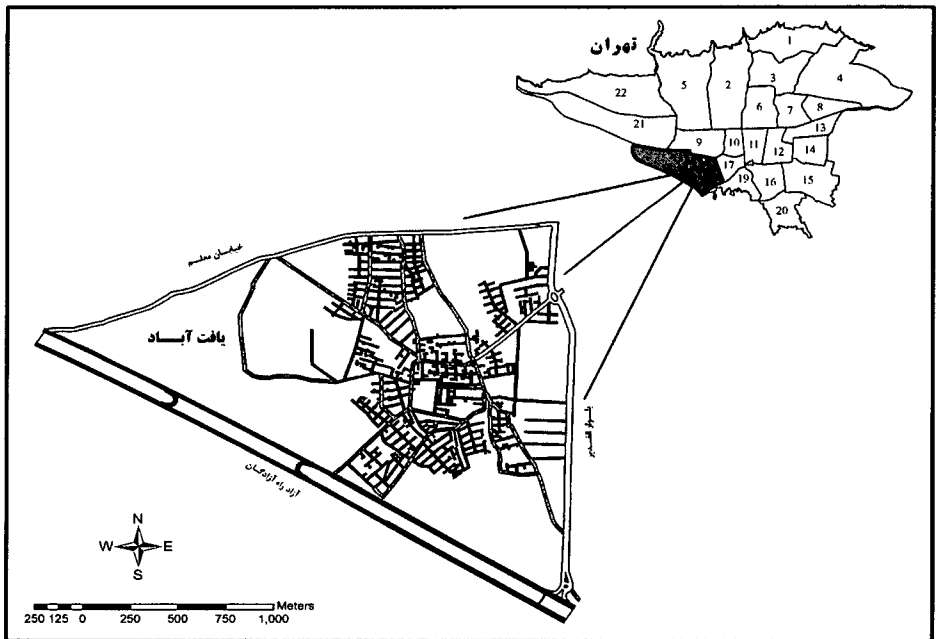
دو محله یافت آباد شمالی و جنوبی با تراکم بسیار زیاد جمعیت، یافت آباد جنوبی (۸۲۵،۹ تراکم خالص) و یافت آباد شمالی (۷۵۱،۳ تراکم خالص) از محلات بسیار شلوغ تهران بشمار می روند که در منتهی الیه جنوب غربی شهر تهران واقع شده است. (نقشه شماره ۱) مجموعاً ۷ بوستان، سه سالن تربیت بدنی، یک درمانگاه، یک بیمارستان، یک مرکز فرهنگی و یک زمین فوتبال در این محله وجود دارد. (جدول شماره ۱)

جدول ۱- وضع موجود جمعیت، فضای سبز، خدمات در محله یافت آباد

سرانه فضای سبز موجود (مترمربع)	مساحت فضای سبز (مترمربع)	مساحت h	جمعیت	محله
۳.۵	۹۱۴۰.۸	۲۰۹.۴	۲۵۸۲۳	یافت آباد شمالی
۱/۳	۳۵۹۵۷	۱۳۵.۹	۲۷۳۵۵	یافت آباد جنوبی
۲/۳۹	۱۲۷۳۶۵	۳۴۵/۳	۵۳۱۷۸	کل

ماخذ: شهرداری منطقه ۱۸

محله یافت آباد جنوبی دارای بافتی کاملاً فشرده، ریز دانه با شبکه دسترسی تنگ و باریک و فقدان نظم شهری است. ترکیب و توزیع کاربری ها از نظم خاصی پیروی نمی کند به طوری که ۲۶,۹ درصد کاربری ها زراعی، ۲۸,۳ درصد معابر، ۶ درصد بایر، ۲۴,۳ درصد مسکونی و ۱,۹ درصد نیز دامداری و مرغداری است. در مقابل محله یافت آباد شمالی هم به تبع هسته اولیه خود تنگ و باریک، دارای بافتی ریز است که ۵۱/۴ درصد آن فرسوده می باشد. توزیع کاربری غالباً کشاورزی بوده بطوری که ۱۶,۵ درصد مسکونی، ۴۲,۶ درصد زراعی، ۳ درصد بایر، ۳,۱ درصد باغ و ۲,۹ درصد هم گورستان می باشد.



نقشه شماره ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه در شهر تهران

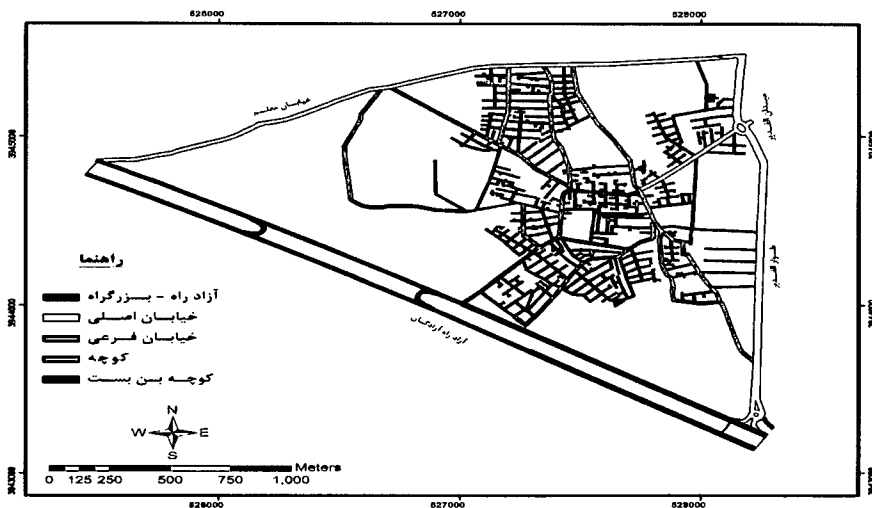


### ۵- یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه حاضر مهمترین عواملی که عملکرد شبکه محله یافت آباد پس از وقوع بحران را تحت تاثیر قرار می دهد به قرار زیر می باشند:

#### ۱-۵ کاهش کارآمدی مسیر

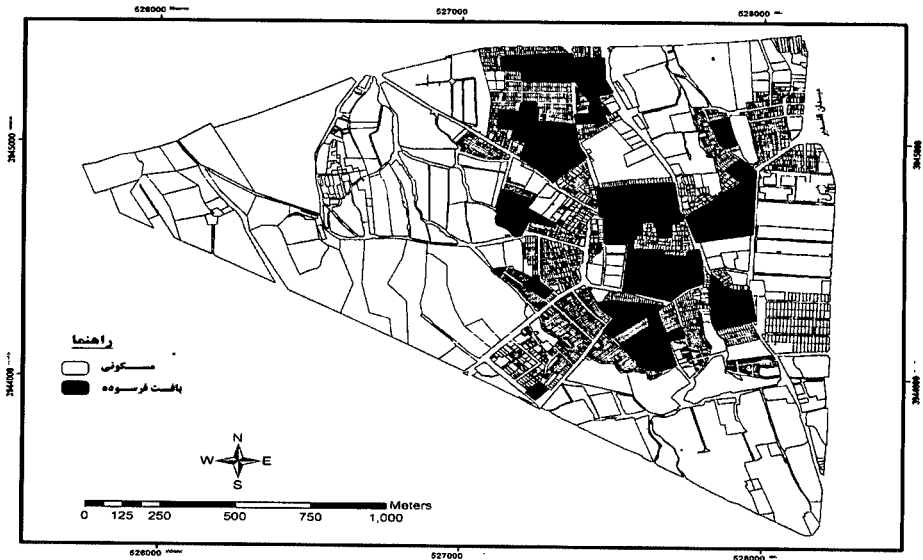
این وضعیت زمانی رخ می دهد که به علت عوامل آسیب رسان طبیعی یا غیر طبیعی، ظرفیت عادی شبکه به صورت ناگهانی کاهش یابد. چنانچه یک مسیر حتی در زمان معمول عملکرد مطلوب و قابل قبولی داشته باشد به دلایل مختلف عملکرد مطلوب آن قابل تسری به وضعیت پس از بحران نخواهد بود. این درحالی است که طراحی خیابانهای محله یافت آباد برای شرایط معمول و بدون در نظر داشتن بحرانهای محتمل صورت پذیرفته بدین صورت که عرض خیابانها برای شرایط معمول و به لحاظ بافت تاریخی آن بدون هرگونه برنامه ریزی از قبل شکل گرفته اند (نقشه شماره ۲) و این مساله بروز و ناکارآمدی شبکه حمل و نقل در شرایط بحرانی را به میزان زیادی افزایش می دهد.



نقشه شماره ۲ (شبکه معابر محله یافت آباد)

#### ۲-۵ تخریب ساختمانها و تاسیسات مجاور مسیر

با توجه به اینکه امواج زلزله در جهات مختلف ممکن است اثر نماید، ممکن است جهت تخریب سازه در منتهی الیه به خیابان باشد و حجم زیادی از مصالح ساختمانی به طور کاملایی نظم در عرض معبر پراکنده گردد. این مشکل هنگامی بیشتر بروز می کند که که عرض معبر کم باشد. در این حالت می توان انتظار داشت که با توجه به عرض کم معبر بیشترین سدشدگی در معبر به وقوع بپیوندد. این در حالیست که عمده بافت محله یافت آباد را بافت فرسوده تشکیل می دهد و به لحاظ عرض کم معابر و مصالح بی دوام بکار رفته در ساخت مساکن محله میزان تلفات در مواقع بحرانی به صورت صعودی افزایش می یابد و موانع زیادی در مسیر امداد رسانی ایجاد می شود (نقشه شماره ۳).



نقشه شماره ۳ (باغستان فرسوده محله بافت آباد)

### ۳-۵ نشست زمین

تجربه نشان داده است در خاکهای مستعد وقوع پدیده روانگرایی باعث نشست در کف جاده یا خیابان می‌گردد. این مساله علاوه بر خطر اولیه آن که باعث افتادگی آسفالت کف مسیر و ایجاد حفره‌های در مسیر خواهد شد باعث می‌گردد به علت ایجاد حفرات ناخواسته عرض معبر به طور قابل ملاحظه ای کمتر قابل استفاده گردد. (باغ وند و همکاران، ۱۳۸۵، ۴) این در حالیست که بعلت برداشت بیش از حد از منابع آبهای زیر زمینی و خاک سست منطقه نشست زمین در سطح منطقه به طور متوسط نیم متر بوده در برخی جاها تا ۲ متر ثبت شده است که بعلت عبور شبکه انتقال آب یا گاز از زیر کف معابر، شکستگی خطوط انتقال آب بصورت نشست کف مسیر یا آب گرفتگی باعث کاهش ایمنی و در نهایت ناکارآمدی مسیرها در مواقع وقوع بحران خواهد شد.

### ۴-۵ مسائل روانی و اجتماعی

در زمان وقوع بحران، عوامل مختلفی همانند: ضرورت آگاهی از وضعیت خویشاوندان و نیز شوک روانی ناشی از سانحه، باعث می‌گردد که افراد به طور غیر قابل انتظاری به محیطهای سانحه دیده هجوم آورند. این امر که بعلت حس نوع دوستی صورت می‌پذیرد موجب می‌گردد مسیرها که پس از بحران گاه بخش عمده ای از ظرفیت عملکردی خود را از دست داده اند به علت افزایش بدون ضابطه و ناهماهنگ افراد، ماشینها و ترافیک در مسیرهای عبوری دچار مشکل مضاعف گردند. البته این مسئله هنگامی تشدید می‌گردد که مسیرهای منتهی به نقطه آسیب دیده منحصر به فرد باشد و نتوان در کوتاه مدت مسیرهای دیگری را جایگزین نمود که این مسئله در محله یافت آباد به شکل بسیار بارزی به لحاظ بافت تاریخی و عرض کم معابر و تراکم بسیار زیاد جمعیتی مسئله ساز خواهد بود.

#### ۶- مهمترین اقدامات در جهت کارآمدی شبکه مسیرها و کاهش خسارات

به موازات تراکم جمعیت، آسیب پذیر تر شدن شهرها در مقابل بلایای طبیعی و بحرانهای تکنولوژیک، اهمیت و حساسیت مدیریت بحران و برنامه های رویارویی و کاهش اثرات بحران هر چه بیشتر می گردد (توماس ای درابک، ۱۳۸۳، ۱) معمولاً بعد از وقوع حوادث بزرگ، شبکه حمل و نقل در اثر تخریب پل ها و دیگر مستحدمات جاده ها، ریزش ساختمان های مجاور راه ها، گسلش زمین، زمین لغزش، روانگرایی، فرونشست زمین و... یا هجوم یا رها شدن خودروها، دچار اختلال می شود و مشکلاتی در دسترسی سریع نیروهای امداد و نجات به مناطق آسیب دیده ایجاد می شود. از دیدگاه مدیریت بحران راههای اضطراری را می توان به دو گروه: راههای اضطراری اولیه و ثانویه تقسیم کرد. راههای اضطراری اولیه مسیر بین مراکز مدیریت بحران (در سطوح ملی تا ناحیه ای) یا مبادی ورودی شهر نظیر خطوط حمل و نقل جاده ای یا فرودگاهی می باشند. راه های اضطراری ثانویه مسیرهای ارتباطی بین مراکز واکنش اضطراری، مراکز امدادی، آتش نشانی، امنیتی و درمانی می باشد.

#### ۶-۱ در انتخاب راههای تشکیل دهنده شبکه اضطراری موارد زیر را باید مورد توجه قرار داد:

- ۶-۱-۱ امکان اتصال فوری این راهها به شبکه حمل و نقل برون شهری، فرودگاه یا ایستگاه راه آهن بوده و فضاهای کافی و مناسب جهت انبار نمودن کمکهای ارسالی در کنار آنها وجود داشته باشد.
- ۶-۱-۲ این راهها نباید در اثر وقوع بحران مسدود گردند و از عرض کافی (حداقل ۱۴ تا ۱۵ متر) جهت تخلیه اضطراری پناهجویان، تردد وسایط نقلیه امداد رسانی و ... برخوردار باشند.
- ۶-۱-۳ حتی المقدور خطرات ژئوتکنیکی نظیر: گسل سطحی، زمین لغزش و سنگریزه، روانگرایی و فرونشست زمین نباید در محدوده این راهها وجود داشته باشد.
- ۶-۱-۴ راههای اضطراری نباید بیش از ۸ درصد شیب داشته باشند تا امکان تردد خودروهای سبک و سنگین امداد و پشتیبانی در آنها میسر باشد.
- ۶-۱-۵ شعاع گردش قوس ها در طول راه برای گردش وسایط نقلیه آتش نشانی و امدادی کافی باشد.
- ۶-۱-۶ هر چند موارد فوق در انتخاب مسیرهای واقع در شبکه اضطراری حمل و نقل ضروری هستند ولی در صورتی که قسمتی از مسیر، قادر به ارضای الزامات فوق نبود باید به منظور نزدیک کردن وضعیت آن به حدود مورد نیاز اقداماتی نظیر اصلاح و مقاوم سازی مسیر و یا در نظر گرفتن مسیر انحرافی جایگزین در دستور کار قرار گیرد. انجام چنین اقداماتی گاه نیاز به زمان و هزینه قابل ملاحظه ای دارد و لذا قبل از آن باید بخش های مختلف شبکه اضطراری اولویت بندی و سپس اقدامات مورد نیاز در آنها طراحی و اجرا شوند.

#### ۶-۲ همچنین در مسیرهای تشکیل دهنده شبکه اضطراری حمل و نقل رعایت موارد زیر ضروری است

۶-۲-۱ از ساخت ساختمانهای بلند مرتبه، تاسیسات خطرناک و آتش زا نظیر پمپ بنزین، انبارهای ذخیره سازی مواد سوختی یا شیمیایی، نصب تابلوهای تبلیغاتی بزرگ و موارد مشابه در مجاورت این مسیر حتی المقدور به کلی جلوگیری شود و در صورت عدم امکان جلوگیری ضوابط ایمنی لرزه ای سخت گیرانه در طرح و اجرای آنها اعمال شود. در صورتیکه موارد فوق از قبل موجود باشند باید مقاومت

لرزه ای سخت گیرانه ای در طرح و اجرای آنها اعمال شود. در صورتیکه موارد فوق از قبل موجود باشند باید مقاومت لرزه ای آنها بررسی شده و در صورت لزوم مقاوم سازی گردند.

۶-۲-۲ حتی المقدور سعی شود کابل‌های فشار قوی در این مسیرها به صورت زیر زمینی تعبیه شود تا خطر سقوط دکل بر روی راه در هنگام زلزله منتفی گردد. همچنین تیرها و چراغ‌های برق، پل های پیاده، تابلوها و دیگر تاسیسات واقع در سطح این مسیر باید مقاومت لرزه ای مناسب را داشته باشند.

۶-۲-۳ در این مسیرها باید مکان‌هایی برای نشست و برخاست بالگردهای امدادی به منظور انتقال سریع مسدومین پیش بینی گردد.

۶-۲-۴ موارد لازم جهت مدیریت ترافیک در زمان اضطراری از قبیل نصب دوربینهای شهری، انجام خط کشی، نصب تابلوها و علائم راهنمایی ویژه، ایجاد امکانات محدود یا مسدود کردن دسترسیها و خارج کردن اتومبیل‌های مزاحم و ایجاد مسیرهای انحرافی لازم حتی المقدور از قبل پیش بینی گردد.

۶-۲-۵ با انجام مانورهای دوره ای کارایی مسیرها و تدابیر به کار رفته جهت مدیریت ترافیک زمان بحران ارزیابی گردد. (حسینی، ۱۳۸۷، ۱۷۹)

۶-۲-۶ سیستم حمل و نقل به اجزای اصلی مطابق (جدول ۱) شامل شبکه، ناوگان، سیستم مدیریت، پایانه ها و نیروی انسانی طبقه بندی میگردد. در مرحله بعد هر یک از این اجزای اصلی به محورهای تشکیل دهنده آن تجزیه می گردند و برای هر محور پروژه ها و فعالیت های قابل انجام استخراج می شود. (جدول شماره ۲)

### جمع بندی و نتیجه گیری

در مجموع، نگرش نسبت به مساله کارکرد شبکه حمل و نقل و سیستم ترابری در هنگام سانحه، بایستی مبتنی بر جهات مختلف استوار گردد. بررسی عوامل مؤثر در کارآمدی شبکه می تواند به صورت مجموعه ای عوامل انسان ساخت (مدیریتی) و طبیعی خلاصه گردد استفاده از مدل‌های خاص و در دست داشتن سناریوهای کارآمد از هر بحران با توجه به تجارب قبلی از بحران در منطقه و نیز استفاده از پژوهشهای صورت گرفته در این زمینه می تواند به طور موثری در مدیریت شبکه های دسترسی در مواقع بحرانی موثر واقع شود.

برگزاری مانورهای آمادگی و مواجهه با شرایط بحرانی و نگرش ویژه به آموزش عمومی برای بروز رفتارهای هوشمندانه و به دور از شتابزدگی در کاهش حجم ترافیک عبوری پس از سانحه موثر باشد.

در زمینه اجرایی نیز مهمترین پیشنهاد تشکیل کمیته پیگیری امور حمل و نقل اضطراری در پایگاههای مدیریت بحران منطقه می باشد تا بتوان از آن به عنوان پلی ارتباطی بین فعالیتهای اجرایی، که اکثرا بدون توجه به جنبه های مدیریت بحران و در بخش حمل و نقل شهرداری در حال انجام است استفاده نمود. و بدین ترتیب کلیه فعالیتهای مطالعاتی و اجرایی را به یکدیگر مرتبط نمود تا بتوان از وضعیت موجود بهترین بهره را برد.

الف- شبکه	ب- ناوگان	ج- سیستم مدیریت	د- پایانه ها	ه- نیروی انسانی
۱- حریم راه	۱- هواپیما	۱- قوانین و مقررات	۱- فرودگاهها	۱-صدیران حمل
۲- تجهیزات و علائم	۲- هلیکوپتر	۲- مراکز کنترل ترافیک شهری	۲- هلی پدها	۲- نقل اضطراری
۳- دیوارهای حائل و نگهبان	۳- اتوبوسها	۳- کنترل مرکزی راه آهن	۳- پارک سوارها	۲- رانندگان
۴- پل سواره رو عابر	۴- آمبولانسها	۴- اتاق کنترل مترو	۴- ایستگاههای اورژانس	۳- کارشناسان و متخصصین فنی
۵- تونلها	۵- آتش نشانی	۵- برج مراقبت فرودگاه	۵- ایستگاههای آتش نشانی	۴- نیروهای نظامی و انتظامی
۶- خطوط مترو	۶- تاکسی ها و ونها	۶- ساختار سازمانی و فرماندهی	۶- ترمینالهای اتوبوس رانی	
۷- بزرگراهها و شبکه خیابانی	۷- قطار برون شهری	۷- بانکهای اطلاعاتی	۷- پایانه های باری	
۸- خطوط راه آهن شهری	۸- مترو	۸- سیستم مخابراتی و اطلاع رسانی	۸- محل های اسکان	
۹- تقاطعها و میدانی	۹- تانکرها و کامیونها		۹- انبارهای دپو غذا و آب و ..	
	۱۰- جرثقیلهای و گریدها و لودرها		۱۰- ایستگاه مترو	
	۱۱- خودروهای امدادی		۱۱- مراکز هلال احمر	
			۱۲- بیمارستانها	
			۱۳- مراکز سوخت رسانی	

(جدول شماره ۲) طبقه بندی اجزای سیستم حمل و نقل و تعیین محورهای اصلی هریک از اجزا

#### منابع:

۱. گزارشات مطالعات زلزله تهران، تهران، پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی، ۱۳۸۴.
۲. خالدي؛ شهريار. ۱۳۸۰. بلایای طبیعی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳. افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، وزین، ۱۳۸۶، جایگاه دانش بومی در برنامه ریزی های توسعه روستایی ایران: (مطالعه موردی: توجه به دانش بومی در مدیریت بلایای طبیعی)، دومین همایش ملی چالش های توسعه روستایی، موسسه توسعه روستایی ایران، تهران
۴. درابک، توماس ای و جرالده جی هواتمر، مدیریت بحران (اصول و راهنمای عملی دولت های محلی)، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۳
۵. حسینی، مازیار، مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۸۷
۶. باغ وند، اکبر و همکاران، بررسی علل تنزل عملکرد شبکه حمل و نقل شهری پس از وقوع زلزله و راه کارهای مقابله با آن، دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
۷. پوریاری، مقصود و همکاران، بررسی نقش و کارکرد سیستم مدیریت حمل و نقل اضطراری در شهر تهران، کنفرانس بین المللی مدیریت یکپارچه بلایای طبیعی، تهران، ۱۳۸۶
۸. هجرتی، عباس و مجتبی رفعیان، بررسی تطبیقی سیاست های پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه، کنفرانس بین المللی مدیریت یکپارچه بلایای طبیعی، تهران، ۱۳۸۶
۹. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵
10. Crumb , Barbara , 2006, planning for disaster: assessing the overland flood hazard in the rural municipality of de salaberry, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree master of arts in Geography, university of Manitoba, Canada

## بررسی نقش سرمایه های اجتماعی در توسعه پایدار محله ای در رویکرد دارایی محور

دکتر راضیه رضازاده

استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

علی سلسله

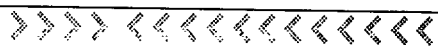
کارشناس ارشد شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

### چکیده

پیوند پایدار بین انسان و محیط مبتنی بر تعامل قابلیت های بالقوه قلمرو کالبدی و نیازهای انسان است. توسعه محله ای ساخت گونه ای از پناهگاه های انسانی است که در آن هم زیستی موثر انسان با محیط کالبدی به ارضای نیازهای جمعی انسان در قالب مفهوم محله منتهی گردد. اجتماع محلی پایدار، مفهومی است که پس از ناکامی رویکرد توسعه پایدار در دستیابی به اهداف پیش بینی شده، مطرح گردید و در آن با تاکید بر جوامع و اجتماعات محلی تلاش می شود به اهداف توسعه پایدار، در ابعاد و اندازه های ملموس تر و قابل اندازه گیری تری دست یازیده شود. در این راستا، رویکرد دارایی- مبنا، اساس توسعه اجتماع محلی را بر دارایی آن قرار می دهد و بر ظرفیت سازی، بسیج منابع محلی و انسجام عام سرمایه های محلی اعم از سرمایه های اجتماعی و سرمایه های کالبدی، تاکید دارد و فرایندگرا، جامع نگر و واجد اهمیت ابزاری است تا به هدف توسعه پایدار محله ای نایل آید. از نتایج اصلی این پژوهش، این است که، با توجه به مفهوم توسعه پایدار محله ای در رویکرد دارایی محور، انسجام سرمایه های اجتماعی و کالبدی محلی، راه حلی عملی در جهت توسعه پایدار محله ای می باشد و این گونه توسعه محله ای، در نهایت به بهبود واقعی کیفیت زندگی مردم منجر خواهد گردید. پژوهشگر در این مقاله با روش تحقیق اسنادی، ضمن بررسی مفاهیم سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار و توسعه پایدار محله ای، در پی شناخت رویکرد دارایی- مبنا در موضوع توسعه محله ای می باشد و در عین حال، چگونگی عملکرد آن را در جهت توسعه پایدار محله ای بر اساس انسجام جامع سرمایه های اجتماعی و کالبدی تبیین می نماید.

### واژگان کلیدی

محله، رویکرد دارایی- مبنا، سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار محله ای



## ۱- مقدمه

یکی از ابعادی که بر خطوط اصلی منش و طبیعت انسان اثر گذار است، محیط اجتماعی می باشد. بر این اساس ارگانسیم انسان هرچه باشد، در دست توانای جامعه قرار گرفته و هماهنگ با نیازهای اجتماعی تشخیص پیدا می کند. اصطلاح سرمایه اجتماعی [۱] نخستین بار توسط هانی فان در سال ۱۹۱۶ در دانشگاه وبرجینیای غربی مطرح شد و در سال ۱۹۶۰ که جین جیکوبز آن را در برنامه ریزی شهری به کار برد، شکل جدی تر به خود گرفت. جین جیکوبز در اثر خود با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ» می گوید: شبکه های اجتماعی فشرده در محدوده حومه های قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی است و آنها در مورد نظافت، کاهش جرم و جنایت خیابانی و دیگر ویژگیهای کیفیت زندگی، مسئولیت بیشتری در سنجش با نهادهای رسمی مانند پلیس از خود نمایش می دهند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰). پاتنام سرمایه اجتماعی را شامل: اعتماد، هنجارها و شبکه های که آسان کننده همکاری اعضای اجتماع برای رسیدن به منافع مشترک است، می داند. در مجموع سرمایه اجتماعی همراه با دیگر اشکال سرمایه یک داده (Input) در فرایند توسعه است. هر چند که خود یک ستانده این فرایند هم هست.

در صورت توجه به مفهوم «سرمایه اجتماعی» راه حل حرکت جامعه به سوی توسعه: طراحی، تقویت و یا روزآمد کردن غیر مستقیم نهادها و ساختارهای اجتماعی است، به نحوی که آنها بتوانند کنش های اقتصادی را تسهیل کرده و هزینه های معاملاتی را کم نمایند. توجه به سرمایه اجتماعی می تواند به صورت غیر مستقیم از طریق غنی تر کردن کنش های افراد، با گسترش کنش ها و ایجاد رضایت از انتخاب فردی و کنش اجتماعی، موجب حرکت جامعه به سمت توسعه باشد. در چرخش از پارادایم سنتی به جدید، مقوله ای که بسیاری از صاحب نظران بر آن تاکید داشته اند، تقویت و اهمیت نقش سطوح محلی و حضور انجمن ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم گیری با تاکید بر شهروندان و مشارکت واقعی آنها در عرصه فعالیت ها و اقدامات روزمره است (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۳۹).

با تغییر تمرکز به سطوح خرد و محلی، تغییرات حاصله ملموس تر بوده و مدیریت آن ها نیز امکان پذیر تر می گردد. با مطرح شدن مفهوم توسعه پایدار [۲] در مقیاس های خرد سکونت گاه های انسانی، مباحثی چون توسعه محله ای [۳]، توسعه اجتماعات انسانی، توسعه پایدار اجتماعات محله ای و اجتماعات پایدار مطرح شد که تقریباً در تمامی آن ها، مطالعه و اجرا، دست یابی به توسعه محلات و اجتماعات انسانی بر خوردار از انسجام و پیوند مطرح بوده است و مفهوم توسعه به عنوان ابزاری برای ایجاد تعادل و بهره برداری مناسب از قابلیت ها و توان های محلات و تقویت انسجام و ارتباطات محله ای به کار گرفته شده است.

مباحث مربوط به دارایی های اجتماعی محلی نوعاً سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی را شامل می شود (عارفی ۲۰۰۴: ۱۸). رویکرد دارایی مبنا [۴]، اساس توسعه اجتماعات محله ای را بر دارایی آنها قرار می دهد. زمانی ویژگی های این رویکرد مشخص می گردد که آن را در کنار رویکرد نیاز- مبنا [۵] قرار دهیم. بر این اساس که نیاز- مبنا آنچه را که به عنوان نیازهای اجتماعی محله ای بازشناسی مینماید، اساس توسعه قرار می دهد. رویکرد دارایی- مبنا بر ظرفیت سازی [۶] تکیه دارد، فرایند گرا [۷]، جامع نگر [۸] و واجد اهمیت ابزاری است (Sen, ۹۸۹: ۴۹۱).

دیدگاه دارایی- مبنا جامع نگر بوده و تمایل به انسجام رفاه «مردم» و رفاه «مکان» دارد. در مقابل آن، دیدگاه نیاز مبنا بین این دو گونه رفاه تمایز قائل می شود. دیدگاه دارایی- مبنا بر فرایند تأکید داشته

و با بسیج دارایی های محلی نظیر سرمایه اجتماعی و کالبدی موجب ظرفیت سازی می شود. سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی، عوامل شتاب دهنده برای ظرفیت سازی هستند و از این جهت ابزاری برای دستیابی به دیگر اهداف به شمار می روند. به این دلیل است که دارای اهمیت ابزاری هستند. در این مقاله مفاهیم: سرمایه اجتماعی، برنامه ریزی محله- مبنا [۹]، رویکرد دارایی محور، توسعه پایدار و توسعه پایدار محله ای [۱۰] به بحث و بررسی گذاشته می شود.

## ۲- روش تحقیق

کلیه وسایل و مراحل جمع آوری سیستماتیک اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آنها برای رسیدن به یک هدف معین را روش تحقیق علمی می گویند (پورا احمد، ۱۳۷۰: ۷). به این ترتیب، روش تحقیق در این مقاله، روش علمی بوده و از شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت اسنادی، مبتنی بر جمع آوری آخرین اطلاعات از کتب و مجلات و مقالات و اطلاعات روی شبکه و سایت های اینترنتی استفاده شده است.

## ۳- محله

محله در محاوره های فارسی، یک واحد اجتماعی و محل سکونت اقماری از جامعه است که به ویژه از نظر اجتماعی دارای وجوه مشترک می باشند. محل، به معنای جای حلول، فرود و آمدنگاه، جا، و مکان (معین، ۱۳۶۲: ۳۹۲۰) و محله، جایی برای نمود عینی آنهاست. در زبان انگلیسی نیز محله در مفاهیم مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. در این مورد نیز محله یک واحد اجتماعی و محل اجتماع سهمی از جمعیت به منظور سکونت و زندگی است. اصطلاح «Community» به مفهوم جماعت یا گروهی که دارای وجوه مشترک می باشند (آریان پور، ۱۳۶۳: ۱۰۷۸) و «Neighbourhood» به معنی همسایگی و مجاورت، همسایگان یک در و دیوار، اهل محل (همان: ۳۳۷۲) مطرح است. محدوده ای را که ساکنان آن در ارتباط رودررو با یکدیگر زندگی کرده و در ارزش ها و هدف های ویژه مشترک بوده و در علاقه ها و خواسته ها هماهنگی دارند، یک مرکز اجتماعی [۱۱] گویند که مرکز استقرار شماری از ساختمان ها بوده و علاوه بر خانه ها دارای تاسیسات مورد نیاز عموم مانند مدرسه، مرکز خرید، تالار اجتماعات و تاسیساتی برای بهره گیری همگانی باشد (سیف الدینی، ۱۳۷۸: ۸۳). بدیهی است که در تعریف محله، مهم ترین زمینه، وجود اشتراک اجتماعی و فرهنگی ساکنان آن می باشد (شعیه، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۶) اجتماع محلی [۱۲] به صورت خلاصه عبارت از شبکه افرادی با ارتباط متقابل است که معمولاً در یک محدوده مشخص تمرکز یافته اند (Johnston ۲۰۰۱: ۱۰۲).

جورج هیلاری پس از بررسی بیش از ۹۰ تعریف در این زمینه، بر وجود سه اصل مشترک در تعریف اجتماع محلی تاکید می کند: ۱۰ گستره جغرافیایی ۲۰ پیوندهای مشترک ۳۰ تعامل اجتماعی. بررسی وی نشان می دهد که اگرچه اجماع نظری پیرامون تعریف این اصطلاح وجود ندارد، اما روشن است که هر اجتماع محلی اصطلاحی عمومی برای یک وضعیت خاص، دارای روابط متقابل اجتماعی و جنبه های خاص سازمان اجتماعی است (Knox, ۲۰۰۰: ۲۵۷-۲۵۰).

بنا بر این، می توان چنین نتیجه گرفت که اجتماع محلی شامل گروه هایی جمعیتی است که در بخش های جغرافیایی مشخص سکونت دارند و دارای روابط درون گروهی ویژه ای هستند که



شکل آن به ویژگی های مشترک مانند فرهنگ، ارزش ها و نگرش ها باز می گردد و اعضای این اجتماعات همواره در یک تعامل اجتماعی به سر می برند.

محلّه یا همسایگی [۱۳] نیز به یک محدوده درون شهری اطلاق می شود که ویژگی های مشترک اجتماعی داشته باشد و در آن خرده فرهنگ قابل تشخیص است و بیشتر ساکنان با آن سازگارند. اگرچه ممکن است محلّه، بدون توجه به ویژگی های اجتماعی به محدوده ای اطلاق شود (همان، ۵۴۰: ناکس و پینچ معتقدند که در اجتماع محلی، انسجام اجتماعی به مثابه شالوده روابط متقابل و یکسانی رسوم، علایق الگوهای تفکر و نگرش شکل می گیرد (Knox, 2000: 257).

از نظر سلسله مراتبی، اشاره شده است که محلّه کوچک تر از اجتماع محلی است. بر این اساس، از محلّه انتظار می رود که شناخت و ارتباط رو در روی روزانه ساکنان در آن وجود داشته باشد. در هر صورت، آنچه که در اجتماع محلی یا محلّه قابل توجه است، ارزش ها و نگرش های ساکنان و پیوندها و الگوهای رفتاری آنان است که می تواند در موفقیت برنامه ها و دست یابی به اهداف جمعی و افزایش منافع عمومی موثر باشند (ایراندوست، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

نکته مهم در مفهوم شناسی محلّه، تعیین مرزها و حدود آن است که با کمک نگرش سیستم ها انجام می شود. در این راستا، محلّه به عنوان عمل کننده ی عرضه اجتماعی معطوف به جامعه محلی، در درون تنوعی از سیستم های بزرگتر تعریف می شود که جهت کنترل شکل گیری یک آینده پایدار به آن کمک می کند. بدین ترتیب، محلّه می تواند همزمان به عنوان مکان یک فرایند دیده شود که دارای مشخصات مرکزی همیشگی و هم چنین مرزهای به شدت در حال نوسانی است که به سیستم های بزرگتر مرتبط است. بنابراین، محلّه به عنوان یک سیستم اجتماعی پیچیده و پویا با سیستم های دیگر تعامل برقرار می کند. این مفهوم از محلّه، در نهایت به سطح تحلیل ناظر بستگی خواهد داشت (پیر بابایی، ۱۳۸۳: ۳۳).

#### ۴- سرمایه اجتماعی

به طور کلی از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح آن است که سرمایه اجتماعی، مجموعه هنجارهای موجود در نظام های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن اجتماع و پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد. بر اساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی هستند (شیروانی، ۱۳۸۲: ۵۱). سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه چندان نداری ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در رساله و مقالات دانشگاهی با کارهای افرادی چون: جیمز کلمن، پیربوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافت. (Simerlla, 1998: 46).

سرمایه اجتماعی، با کارکردش مطرح تعریف می شود. سرمایه اجتماعی، شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی که دو ویژگی مشترک دارند. همه آنها شامل جنبه ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش های معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می کند. سرمایه اجتماعی، مانند شکلهای دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدفهای معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان پذیر می سازد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۲). در جدول ۱، تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی و از دیدگاه های مختلف ارائه می گردد:

جدول ۱: تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی

محققین عمده	تعریف سرمایه اجتماعی	هدف	سطح تجزیه و تحلیل
بورديو	منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می دهند.	رسیدن به سرمایه اجتماعی	افراد در حال رقابت باهم (فرد با فرد)
کلمن	جنبه ای از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می کنند.	رسیدن به سرمایه انسانی	افراد در گروه های فAMILI و اجتماعی(افراد یا گروه)
پوتنام	اعتماد، هنجارها و شبکه هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است.	رسیدن به دموکراسی و توسعه اقتصادی	حکومت های سیاسی در سطح ملی

استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی، با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولتهای ملی، به منزله یک راه حل اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاستگذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (Warner, ۱۹۹۹: ۱۲۶). تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه شناس آمریکایی، به ویژه در روایت کارکرد گرایانه آن، عبارت از روابط دو جانبه، تعاملات و شبکه هایی است که در میان گروههای انسان پدیدار می گردند و نیز سطح اعتمادی است که در میان گروه و جماعت خاصی، به منزله پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می شود. در مقابل جامعه شناسی اروپایی، این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می گیرد که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه های اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می کند. با این وجود، نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در ارتقاء برخی ویژگی ها مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و نیروی زیست اجتماعی است (Wall, ۱۹۹۸: ۳۰۴).

#### ۱-۴ ابعاد سرمایه اجتماعی

می توان سرمایه اجتماعی، را متشکل از دو بعد دانست:

- پیوندهای عینی میان افراد: یعنی ساختار شبکه ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط کند. این مؤلفه نشان می دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوطند.

- پیوندهای ذهنی میان افراد: یعنی پیوندهای میان افراد باید دارای ویژگی خاص باشد، دو جانبه، مورد اعتماد، و مستلزم احساس مثبت (Paxton, ۱۹۹۹: ۹۳)

پس پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی هنگامی وجود دارد که دو بعد متشکله آن همزمان و به میزان بسنده حاضر باشند (فیروزآبادی و جاجرمی، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

مهمترین ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه های مختلف را می توان به این صورت خلاصه نمود: اعتماد، مشارکت سیاسی، مشارکت و رهبری مدنی، پیوندهای اجتماعی غیر رسمی، بخشش و روحیه داوطلبی، مبتنی بر اعتقاد و ایمان، عدالت در مشارکت مدنی، تنوع معاشرت ها و دوستی ها (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۱: ۲۶)

#### ۲-۴ سرمایه اجتماعی در مقیاس محله

ادبیات نظری سرمایه اجتماعی سه سطح تحلیل خرد، میانی و کلان را پوشش می‌دهد (غفاری، ۱۳۸۳: ۳۹۰). هر یک از این سطوح، کاربردی متناسب با ابعاد و مقیاس مورد نظر و نیز اهداف و گستردگی موضوع دارد. بدیهی است با توجه به مقیاس محله، سرمایه اجتماعی در این مقیاس می‌بایست در سطح تحلیل خرد مورد بررسی قرار گیرد. در این سطح سرمایه اجتماعی، در قالب روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی حاکم بر آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در سطح خرد از دو نوع سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود:

الف- سرمایه اجتماعی شناختی [۱۴]

ب- سرمایه اجتماعی ساختاری [۱۵]

سرمایه اجتماعی شناختی با مقوله‌هایی همچون ارزش‌ها، نگرش‌ها، تعهدات، مشارکت و اعتماد ارتباط پیدا می‌کند. سرمایه اجتماعی ساختاری، ساختارها، فرایندها مانند پاسخگویی رهبران و مدیران جامعه در قبال عملکردشان، شفافیت در تصمیم‌گیری، میزان تصمیم‌گیری و اقدام براساس کار گروهی را پوشش می‌دهد. در دیدگاه محلی گرایانه، سرمایه اجتماعی را با سازمانهای محلی مانند انجمن‌ها، باشگاه‌ها و گروههای اجتماعی برابر می‌شمارند. این دیدگاه سرمایه اجتماعی را از طریق تعداد و تراکم گروههای اجتماعی در یک محله معین مورد ارزیابی قرار می‌دهد. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که سرمایه اجتماعی به طور ذاتی خوب می‌باشد و نقش مثبت در رفاه محلی دارد. در حالی که ولکوک و نارین معتقدند هر چند که این نوع سرمایه که بیشتر دلالت بر سرمایه درون گروهی دارد، موجب انسجام و هویت بخشی در سطح محلی می‌شود ولیکن چنانچه شعاع این سرمایه فراتر از گروههای محلی نرود، نه تنها توسعه را تسهیل نخواهد نمود، بلکه مانع آن خواهد شد. (Woolcock and Naryan: ۱۹۹۹: ۸۸)

به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری در کنار یکدیگر، مفاهیم تحلیلی مناسبی برای شناسایی پتانسیل رفتارهای اجتماع گرایانه و رفاه اجتماعی در اجتماعات محلی محسوب می‌شوند.

#### ۳-۴ همکاری داوطلبانه و سرمایه اجتماعی

حجم قابل توجهی از ادبیات سرمایه اجتماعی معطوف به تاثیر داوطلبی و رفتارهای داوطلبانه [۱۶]، انجمن‌های داوطلبانه، روحیه داوطلبی و داوطلب‌گرایی مدنی می‌باشد. پینا نوریس (۲۰۰۱) معتقد است که تئوری پاتنام از طریق مرتبط ساختن تفکرات سرمایه اجتماعی با تفکر ضرورت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دستیابی به دموکراسی، مشارکت سیاسی و کارآمدی حکومت تدوین یافته است. تعدادی از جامعه‌شناسان معاصر از نتایج کارهای پاتنام ایده‌هایی را در خصوص نقش آفرینی سرمایه اجتماعی در کنش‌های اخلاقی اخذ کرده‌اند. اریک آسلانیر بیان داشته: رویکرد سرمایه اجتماعی بر الزام نسبت به سایرین فراتر از توجه به منافع شخصی مان تاکید دارد و شامل یکسری ایده‌ها و نظرات درباره ارزش‌ها و روابط اجتماعی و تعهدات مدنی است (ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۱۳)

براین اساس توجه به گروه‌های مردمی در جهت برنامه‌ریزی توسعه در محلات نقش مبرمی را بازی می‌کند و از راهکارهای هدایت و مدیریت سیستمی است.

#### ۵- برنامه ریزی محله مبنا

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل گیری مقیاس های جدیدی از رشد شهری در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل، جامع نگری و توجه به ابعاد و جنبه های مختلف این مسائل به منظور حل پایدار آنها را اجتناب ناپذیر ساخته است. در این میان توجه و تاکید برنامه ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است (Friedman, 1993). چنانکه پژوهش ها و مطالعات زیادی در یکی دو دهه اخیر صورت گرفته است که همه به نحوی سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت شهری را از خرد ترین واحد یعنی محله در شهر هدف قرار داده است (۲۰۰۳، مدنی پور)

#### ۶- توسعه و توسعه پایدار

با آغاز ورود به عصر اطلاعات، موضوع تخریب محیط زیست و از بین رفتن منابع تجدید پذیر و تجدیدناپذیر توسط انسان مطرح شد و تلاش هایی برای رفع یا کاهش آن آغاز گردید. این تلاشها، بیشتر از سوی کشورهایی صورت گرفت که اکوسیستم آن ها در این تخریب به صورت جدی مورد تهدید قرار گرفته بود. به منظور جلوگیری از این مشکلات و مسایل تبعی آن، مناسب ترین راه حل قابل دسترسی جهت حفظ منابع تجدیدناپذیر برای نسل های آینده و استفاده درست از بخشی از آن ها در عصر حاضر، استقرار و اسکان مناسب جوامع انسانی در زمان حال و آینده، کاهش فعالیت های آلاینده و تهدید کننده محیط زیست، انجام اقدامات پیشگیرانه در بین و درون کشورها، توانمندسازی منابع انسانی، کاهش فقر و توزیع عادلانه ی درآمد؛ رویکرد و نگرش توسعه پایدار مطرح گردید.

در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط و توسعه [۱۷] گزارشی را در زمینه آینده مشترک ساکنان زمین با عنوان «آینده مشترک ما» ارائه نمود که واژه توسعه پایدار در آن مطرح و پس از آن در سطح جهان عمومیت یافت. تعریف ارائه شده نیز بر این موضوع تاکید دارد که بهره مندی و بهره برداری از منابع طبیعی توسط جوامع انسانی حاضر می باید با حفظ ملاحظات مربوط به بهره برداری و حفظ استانداردهای لازم برای زندگی نسل های آینده صورت گیرد. در این گزارش، از سرمایه طبیعی و منبع انسانی به عنوان دو رکن اساسی توسعه پایدار یاد شده است.

در نشست جهانی ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲، با عنوان «حرکت به سوی توسعه پایدار» بر ضرورت و نقش مهم ساکنان مناطق شهری و روستایی و دست یابی به پایداری در سکونت گاه های انسانی مطرح گردید که جوامع پایدار، اجتماعات پایدار محلی و توسعه محلی از این نمونه می باشند که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت (Barton, 2006: ۷).

#### ۷- توسعه محله ای

مبحث اجتماع محلی و توسعه اجتماع محلی، علیرغم سابقه نسبتاً طولانی در ادبیات علمی و اجرایی، در اواخر دهه ۸۰ در قالب مبحث «توسعه پایدار محله ای» و به عنوان زیر مجموعه ای از مفهوم توسعه پایدار مورد توجه قرار می گیرد. با وقفه ای کوتاه در این دهه و با توجه به نگرش ویژه به سلولهای عملکردی شهر در قالب اجتماعات محله ای به عنوان مفهومی جدیدتر مطرح می گردد. در این راستا

می توان به «دستور کار محلی ۲۱» [۱۸] اشاره نمود که از سال ۱۹۹۳ به عنوان یک راهکار عملی برای تقویت مقیاس محلی وارد عمل شد. این دستورالعمل به دنبال تشویق مسئولان محلی در راستای ایجاد و توسعه برنامه های همکاری میان بخشهای خصوصی، محلی و دولتی، جهت ایجاد توسعه پایدار در سطح محلی بوده است. (hoodseni, ۱۳۸۴: ۵)

توسعه اجتماع محلی را می توان براساس هدفی که دنبال می کند به دو دسته تقسیم بندی نمود که عبارتند از:

- اهداف محتوایی [۱۹] که به معنای بهبود وضعیت اجتماع محلی از طریق افزایش فعالیتهای اقتصادی و یا اشتغال و ایجاد زیرساختهای اجتماع محلی می باشد.
- اهداف فرایندی [۲۰] که به معنای افزایش توان و ظرفیت اجتماع محلی برای انجام کارهاست. این اهداف ممکن است به منظور افزایش ظرفیتهای برای دستیابی به اهداف محتوایی باشد (مانند بهبود و افزایش روابط اجتماعی).

علیرغم تفاوتهای زیاد بین برداشتهای موجود از توسعه محله ای، مجموعه مفاهیم و اصولی وجود دارد که اغلب دست اندرکاران توسعه محله ای بر سر آن توافق دارند. بر این اساس می توان گفت: توسعه محله ای عبارت است از فرایندی مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودیارانه در میان ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی. بنابراین چهار بعد اصلی در توسعه محله ای قابل شناسایی است که عبارتند از: اقدام شهروندان، مشارکت داوطلبانه، همکاری و حل مشکلات به صورت همکاری (سرمایه اجتماعی)، توانمندسازی، توجه به نتایج جامع نگر و فراگیر (موسوی، ۱۳۸۵: ۲۹).

#### ۷-۱ رویکردهای اصلی توسعه محله ای

دو رویکرد اصلی در توسعه محله ای قابل بررسی است؛ رویکرد سنتی و رویکرد نو - عملکردی انسانی. مؤلفه های مورد تاکید در این دو رویکرد در شکل جهت بررسی و مقایسه آمده است. رویکرد سنتی، توسعه را مقوله ای می داند که از طریق عوامل مؤثر بیرونی صورت می پذیرد. این رویکرد به علایق مشتری و ارزش های حرفه ای معتقد بوده و در ماهیت خویش، خردگرا است. توجه خود را به محصول نهایی توسعه متمرکز ساخته و تنها بر نیازهای زیبایی شناختی طراح یا مشتری تاکید می ورزد و از این رو تنها به ابعاد کالبدی توسعه می اندیشد (رویکرد نیاز- مبنا).

رویکرد نو - عملکردی انسانی، در دیگر سوی، به تمامی نیازهای انسانی می پردازد (چرمایف و الکساندر، ۱۳۵۳: )، به توسعه از درون توجه دارد (اسلامی، ۱۳۸۰: ۴۶) و بر توسعه پایدار محیطی، به مشارکت بهره وران، کیفیت محیطی و کیفیت زندگی فردی و جمعی و خواست های مردم یا بهره وران واقعی تاکید می کند (مطلبی، ۱۳۸۸: ۹۵).

در قالب رویکرد انسانی به توسعه، دو نگرش متفاوت اما مکمل را می توان تشخیص داد. نگرش اول فرهنگ مبنا و نگرش دوم انگیزه مبناست. در اولی فرض بر این است که تمامی عناصر و جنبه های کالبدی و اجتماعی توسعه محله ای متأثر از فرهنگ استفاده کنندگان از آن مکان و قابلیت های آنان می باشد. (Rapoport, ۱۹۶۹: ۱۱۰) در این مدل انسان در قالب فرهنگ، که خود حاصل تلاش ذهن و دست اوست، تعریف گردیده و هویت می یابد. در نگرش دوم این انگیزه ها و نیازهای انسانی است که

جهت تبیین و درک محیط، برنامه ریزی یا طراحی آن مبنا قرار گرفته است ولی در هر صورت معتقد است که فرهنگ می تواند تاثیرات مهمی در فرایند شکل گیری زندگی جمعی و چگونگی شکل کالبدی مجتمع های زیستی داشته باشد.

در این نگاه، انگیزه ها و نیازهای انسانی است که مبنای تحولات و علت اصلی ایجاد تغییرات در قابلیت های محیط یا توسعه پایدار قرار می گیرد (Alexander, 1977: 76).

در این مدل، انسان بجای این که از پیش، پای بند فرهنگ و متاثر از آن گردد، انگیزه های لازم را در جهت ایجاد محیط اجتماعی احساس نموده و سپس به ساخت فرهنگ مبتنی بر آن انگیزه ها مبادرت می نماید. بنابراین، می توان گفت که رویکرد انسانی به طراحی و توسعه سکونتگاه های انسان، اگرچه با نگره ی فرهنگ مبنا در توسعه محله ای در تبیین نیست، اما تلاش خود را جهت دست یابی به محیطی بهتر بر مبنای بنیادی ترین رفتارهای درونی انسان که همانا انگیزه ها و نیازهای او است، استوار ساخته است (مطلبی، ۱۳۸۸: ۹۶).

#### ۷-۲ توسعه اجتماع محله ای در قالب نوعی مداخله اجتماعی

در این رویکرد، قوام و توانایی اجتماعی دارای اولویت ویژه ای می باشد. این رویکرد، عمدتاً متکی بر نظریه های تغییرات در اجتماعات محله ای است، بدین مفهوم که اثرات مداخلات اجتماعی بسیار بیشتر از سرمایه گذاربهای اولیه بوده و نوعی جریان فزاینده را در اجتماع محلی بوجود می آورد. این رویکرد، بیشتر ایجاد این موارد را در اجتماعات محلی مد نظر قرار می دهد: ایجاد انگیزه در مردم جهت خودیاری از طریق آموزش، گسترش روحیه همکاری و تعاون، ایجاد و توسعه رهبری محلی، تقویت مردم سالاری، ایجاد فرایند رشد پایدار، حفظ و تقویت روابط اجتماعی، ایجاد تغییرات تدریجی مبنی بر تصمیمات درونی (عسگری، ۱۳۸۳: ۱۱).

در چارچوب دیدگاه توسعه محله ای به عنوان یک مداخله اجتماعی استراتژی های گوناگونی آرایه شده است که عمدتاً در قالب سه الگوی زیر می باشند:

- الگوی توسعه محله ای بر مبنای روش خودیاری
- الگوی برنامه ریزی اجتماعی [۲۱]
- الگوی اقدام اجتماعی [۲۲]

در جدول زیر خلاصه ویژگی های اصلی هر یک از این سه الگو ارائه شده است:

موضوع	الگو	روش خودیاری	برنامه ریزی اجتماعی	اقدام اجتماعی
اهداف گروههای مختلف اقدامات اجتماع محلی	خودیاری، ظرفیت سازی اجتماع محلی (اهداف فرابندی)	حل مسائل و مشکلات با تاکید بر مشکلات اساسی (اهداف مبتنی بر اقدام)	انتقال روابط قدرت و منابع، تغییر و تحولات نهادی (اهداف فرابندی و مبتنی بر اقدام)	
فرض های مربوط به ساختار اجتماع محلی و وضعیت آن	فقدان وجود ارتباطات محله ای، ظرفیتهای حل مسایل به شیوه دموکراتیک	بهداشت جسمی و روانی، مسکن و اوقات فراغت	نابرابری و بی عدالتی، محرومیت و فقر	
استراتژی اصلی تغییر	طیف وسیعی از اقسام مختلف مردم در شناسایی حل مشکلات اجتماع محلی دخالت دارند.	جمع آوری اطلاعات در مورد مسایل و مشکلات و تصمیمات به عقلانی ترین شیوه ممکن	دسته بندی مسائل و مشکلات و سازماندهی مردم برای مقابله با آنها	

جدول ۲: ویژگیهای الگوهای مربوط به رویکرد توسعه اجتماع محله ای در قالب نوعی مداخله

### ۸- توسعه محله ای پایدار

مسایل و مشکلات در دست یابی به اهداف توسعه پایدار به ویژه مسایل سیاسی و فرهنگی و عدم توانایی در تحقق اهداف جهانی این رویکرد، منجر به شکل گیری نگرش خردتری از توسعه پایدار با تاکید بر اجرایی نمودن اندیشه ها و آرمانهای جهانی در سطح محلی و ملموس گردید. در این نگرش، اهداف سطوح کلان مانند سطح بین المللی یا ملی به اهداف کوچک و خرد تبدیل می شوند که نه تنها از مسایل و مشکلات رویکرد جهانی فارغ بودند، بلکه به دلیل واقع شدن آن در یک محدوده معین و مشخص، نتایج و آثار آن به خوبی قابل بررسی و ارزیابی بود (Bridger & Lulo, ۱۹۹۹:۳۸۰).

مهم ترین عامل برای امکان طرح مساله توسعه پایدار محله ای، علایق، منافع و وابستگی هایی است که موجبات همبستگی و اتحاد مردم آن محل را فراهم می سازد. این مسائل نوعا غیر سیاسی بوده، و بیشتر به امور رفاهی مردم محل مربوط می شود (هاشمی، ۱۳۸۰:۴۹۱).

با تغییر تمرکز به سطوح خرد و محلی، تغییرات حاصله ملموس تر بوده و مدیریت آن ها نیز امکان پذیر تر گردید. با مطرح شدن مفهوم توسعه پایدار در مقیاس های خرد سکونت گاه های انسانی، مباحثی چون توسعه محله ای، توسعه اجتماعات انسانی، توسعه پایدار اجتماعات محله ای و اجتماعات پایدار مطرح شد که تقریبا در تمامی آن ها مقیاس مطالعه و اجرا، دست یابی به توسعه محلات و اجتماعات انسانی محلی مطرح بوده و مفهوم توسعه به عنوان ابزاری برای ایجاد تعادل و بهره برداری مناسب از قابلیت ها و توان های محلات و تقویت انسجام و ارتباطات محله ای گردیده است. بر اساس مفاهیم ذکر شده، تعاریف مختلف و متعددی نیز از توسعه محله ای ارائه شده است که می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

توسعه محله ای در محیط های شهری عبارت است از تحولات اقتصادی محلی که علاوه بر حفظ پایداری و سلامت محیط زیست در مقیاس جهانی برای بهره برداری مناسب و مداوم از منابع محلی و تقویت محیط شهری تلاش می کند. توسعه پایدار، به افزایش کنترل ها و ارزیابی های محلی به سیاست های توسعه و راهبرد توسعه از پایین به بالا - که مشارکت سطوح محلی را در سیاست گذاری و در تدوین برنامه ها سبب می شود منجر می گردد.

توسعه محله ای، توانایی جوامع کوچک محلی (محلات) در بهره برداری و استفاده از منابع طبیعی و انسانی و حتی اکولوژیکی است؛ به گونه ای که همه اعضا یا اجتماعات محلی در حال حاضر و آینده از سطوح مناسبی در بهداشت و سلامتی، زندگی مطلوب، امنیت اقتصادی و یکپارچگی بین محیط زیست و فعالیت های انسانی برخوردار گردند (Kline, ۱۹۹۵:۴).

مفهوم توسعه محله ای، با محوریت مقیاس جغرافیایی محله، مفاهیمی چون نیازهای اقتصادی ساکنان، حمایت و حفاظت از محیط زیست محله ای، تقویت و پایداری اجتماعات انسانی در محلات، مشارکت ساکنان در مدیریت محله و تامین نیازهای خدماتی مانند آموزش، بهداشت و درمان و ... را بر مبنای امکانات محله ای شامل می شود.

با توجه به تعاریف فوق، پایداری محلات و توسعه محله ای درصدد است تا با دست یابی به اهداف توسعه پایدار در مقیاس اجتماعات محله ای و اجزای سازنده محیط های شهری، نتایج توسعه پایدار را به صورت ملموس و قابل ارزیابی در آورَد.

امروزه، ناکامی در دست یابی به اهداف توسعه پایدار، زمینه را برای تحقق مفاهیم مطرح در این رویکرد، در مقیاس های کوچک فراهم نموده و در برخی از کشورهای توسعه یافته، به عنوان یک راهبرد مهم حکومت و دولت در برنامه های توسعه، ارائه شده است. در چنین نگرشی، حمایت های محیطی با هدف رفاه جمعی و زندگی شرافتمندانه توأم با آزادی و تصمیم گیری برای آینده محیط زیست است. معیارهایی چون امنیت اقتصادی، امنیت ملی، کامیابی اقتصادی، دموکراسی اقتصادی و سیاسی و عدالت اجتماعی و مکانی در محلات مورد توجه قرار می گیرند و موفقیت یا عدم موفقیت رویکرد توسعه بر مبنای برخورداری یا عدم برخورداری ساکنان محلات از معیارهای فوق ارزیابی می گردد (گلی، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۷)

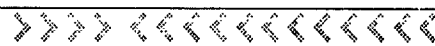
برخی از مفاهیم و معیارهای مهم در دست یابی به محلات پایدار را می توان به شرح زیر بر شمرد:

- افزایش میزان بهره وری انرژی در سیستم های حمل و نقل و تولید مسکن
  - بومی سازی و به کارگیری شیوه های پایداری در منابع تجدیدپذیر مانند جنگل، شیلات، خاک و منابع آب زیرزمینی
  - توسعه و گسترش استفاده از فن آوری اطلاعات
  - صنعت پایدار گردشگری با محوریت نواحی طبیعی، فرهنگی و تاریخی
  - بازیافت زباله های خانگی و صنعتی
  - ایجاد ارزش افزوده در تولیدات فعالیت های بخش کشاورزی پیرامون شهرها (شیلات، زراعت، باغداری و...)
  - ساخت و ارائه تولیدات، خدمات و فناوری های مبتنی بر کاهش اثرات مخرب زیست محیطی و توسعه آن ها
  - طراحی شهرها و مسکن انسانی مبتنی بر استفاده بهینه از انرژی و توسعه مردم گرا جامعه شناسان و برنامه ریزان شهری نیز با استفاده از معیارهای فوق، برای گسترش نوعی از اجتماعات انسانی تلاش می کنند که مبنای هر نوع سیاست گذاری و برنامه ریزی در آنها با تکیه بر مشارکت مردمی و انعکاس خواسته ها و نظرات آن ها و مبتنی بر حضور فعالانه و موثر آنان در اجرای این سیاست ها و برنامه ها باشد.
- در این میان، رویکرد دارایی- مینا در روند توسعه محله، با توجه به ویژگیهای آن، می تواند راهگشا در جهت توسعه پایدار محله ای باشد.

#### ۹- رویکرد دارایی مینا

ویژگی اصلی رویکرد دارایی- مینا در روند توسعه محله، این است که اساس توسعه اجتماع محلی را بر دارایی آن قرار می دهد. بر خلاف توسعه اجتماع محلی نیاز- مینا، رویکرد دارایی- مینا بر ظرفیت سازی تکیه دارد، فرایندگرا، جامع نگر و واجد اهمیت ابزاری است. (Sen, ۱۹۸۹: ۷۸۱-۷۶۹) سیاست های ضد فقر دارایی- مینا، از راه بسیج مجموع منابعی که در اختیار یک گروه است یا آنچه یک اجتماع محلی دارد، نه لزوماً آنچه که نیاز دارد، باعث ظرفیت سازی می شوند.

مباحث مربوط به دارایی های اجتماع محلی نوعاً سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی را شامل می شود. بنا به تعریفی کلی، ظرفیت اجتماع محلی، دارایی های مالی، کالبدی و اجتماعی را در بر می گیرد (Glickman and servon, ۱۹۹۸: ۴۹۷-۵۳۹).





دیدگاه دارایی- مینا، جامع نگر است و به انسجام رفاه «مردم» و «مکان» تمایل دارد. برخلاف آن، رویکرد نیاز- مینا بین این دو گونه رفاه تمایز قائل می‌شود. دیدگاه دارایی- مینا به جای پیامد بر فرایند تأکید دارد و با بسیج دارایی‌های محلی نظیر سرمایه اجتماعی و کالبدی موجب ظرفیت‌سازی می‌شود. در دیدگاه دارایی- مینا؛ سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی، عوامل شتاب دهنده برای ظرفیت‌سازی محسوب می‌شوند و از این رو، «ابزاری» برای دیگر «اهداف» به شمار می‌آیند. برعکس، دیدگاه نیاز- مینا که پیامدگرا بوده، «استحقاق» را به خودی خود یک «هدف» قلمداد می‌کند و از این رو در آن، اهمیت «درونی» (ماهوی) دارد.

در دهه گذشته، شاهد ظهور دیدگاه دارایی- مینا در تمایز با دیدگاه نیاز- مینا بوده ایم (Porter, ۱۹۹۹:۴۹-۵۰), (Kubisch, et al., ۱۹۹۵:۹۹), (Grant, ۱۹۹۱:۱۱۴-۱۳۵).

دلایل رواج این رویکرد، فرایند در حال پیشرفت تمرکز زدایی در چند دهه پیش، نارضایتی از دخالت مستقیم دولت و محدود شدن به تأمین بودجه برای اجتماعات فقیر و بالاخره اتکای روزافزون جامعه مدنی بر خودیاری است. با بررسی این رویکردها، دوگانگی نیاز/دارایی از یک سو و کشاکش رفاه «مردم» در برابر رفاه «مکان» «دز» زمینه توسعه شهری و محله‌ای در سیاست‌های دولتی رهنمون می‌گردد.. (Bolton, ۱۹۹۲:۱۸۵-۲۰۳), (Myers, ۱۹۹۹:۹۱۹-۹۵۴)

به صورت خلاصه، ویژگی‌های رویکرد دارایی- مینا در مقایسه با نیاز- مینا، عبارتند از:

۱. فرایند گرا در برابر پیامدنگر؛
۲. جامع در برابر مقوله‌ای؛
۳. ابزاری در برابر درونی (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۲)

#### ۹-۱ فرایند گرا در برابر پیامدگرا

رویکرد فرایندگرا در برابر پیامدگرا در سیاست دولتی، حاکی از وجود کشاکشی اساسی میان دیدگاههای نیاز- مینا و دارایی- مینا برای توسعه اجتماع محلی است. رویکرد پیامد گرا میان رفاه «مردم» و «مکان» تفاوت می‌گذارد.

برای مثال، این رویکرد (نیاز- مینا)، مردم را مستقیماً از طریق یارانه‌های دولتی و قطع نظر از مکان زندگی آنها هدف قرار می‌دهد. به همین ترتیب، مکان- هدفی، رویکرد سیاست گذاری رایج با پیامد خاص کالبدی است و به اثرات آن بر روی مردم بی توجه است. در حالی که، رویکرد دارایی- مینا در توسعه اجتماع محلی، فرایندگرا می‌باشد و باعث ظرفیت‌سازی می‌شود. ظرفیت‌سازی به بسیج دارایی‌های اجتماعی، مالی، یا کالبدی اجتماع محلی کمک می‌کند. (Glickman and Servon, ۱۹۹۸:۴۹۷-۵۳۹)

در اینجا با استفاده از ماتریسی که حاوی تقسیمات دوگانه نیاز- دارایی و مردم- مکان می‌باشد. به بررسی تفاوت‌های میان رویکرد دارایی- مینا در برابر نیاز- مینا پرداخته می‌شود: جدول ۲ چهار وضعیت قابل تصور برای سیاست در موضوع توسعه را ارائه می‌دهد.

۱. نیاز- مینا، مردم گرا؛
۲. دارایی- مینا، مردم گرا؛
۳. نیاز- مینا، مکان گرا؛
۴. دارایی- مینا، مکان گرا.

بعد افقی به دو نوع سیاست رفاه مردم یا مکان تقسیم شده است. بعد عمودی، رویکرد نیاز و دارایی را نشان می دهد(عارفی، ۱۳۸۰: ۲۵-۲۲).

رویکرد	مردم	مکان
نیاز - مینا	استحقاق، خدمات رفاهی، کوپن های مواد غذایی، اعانات	نوسازی شهری، خانه سازی دولتی، کمک های بلا عوض دولتی برای توسعه اجتماع محلی
دارایی - مینا	نوانمندسازی، سرمایه به هم پیوستگی، سرمایه اتصالی	بسیج منابع برای مکان، انجمن های توسعه اجتماع محلی

جدول ۳: چهار وضعیت قابل تصور برای سیاست در موضوع توسعه(عارفی، ۱۳۸۰: ۲۴)

### ۲-۹ جامع در برابر موضوعی

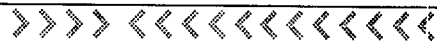
دومین ویژگی رویکرد دارایی- مینا برای توسعه اجتماعی محلی، جامعیت آن است. سیاست های نیاز- مینا نوعاً مقوله ای هستند و نشانه های فقر را هدف قرار می دهند. رویکرد مقوله ای که فقر را در حد مسائل کوچک ساده می کند، نشانه های آن را به طور جدا از هم در نظر گرفته و هم پیوندی و پویایی مسائل اجتماع محلی را نادیده گرفته است(Baker, Chaskin, and Wynn, ۱۹۹۶:۳۰-۳۴). حتی تقسیم درآمد دولتی که جایگزین بودجه های مقوله ای شده، نتوانسته نیازهای محلی را با منابع محلی کاملاً منسجم کند. در حالی که، رویکرد دارایی- مینا، نسبت به مسائل اجتماع محلی، جامع نگر است و برخلاف رویکرد مقوله ای، به دنبال ظرفیت سازی است. انسجام دارایی های مردم- مینا و مکان- مینا( سرمایه اجتماعی و کالبدی)، به طور روز افزون گرایش به آن دارد تا بخشی از فرایند ظرفیت سازی، محلی شود(Grant, ۱۹۹۱) (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۷).

### ۳-۹ ابزاری در برابر درونی

به طور کلی، دیدگاه «ابزاری»، دارایی های اجتماعی را به عنوان ابزاری برای دیگر اهداف نظیر توسعه اجتماعی محلی تلقی می کند. از این دیدگاه، سرمایه کالبدی و سرمایه اجتماعی ابزاری جدای از هم برای رفاه اجتماع محلی محسوب نمی شوند. سرمایه اجتماعی به تنهایی به عنوان نیروی محرکه سیاست های دارایی- مینای مردم گرا، آسیب پذیر است، زیرا:  
 (۱) به آسانی از میان می رود و (۲) به سختی یافت می شود و افزایش می یابد. وقتی سیاست های مکان- مینا به دفعات، ساکنان را از محل اقامتشان جابه جا کند، سرمایه اجتماعی تا حد بسیاری از بین می رود. (Berndt, ۱۹۷۷:۱۰۵)، به این ترتیب، انسجام این دو نوع سیاست، در عین حال که بر توانمندسازی مردم تأثیر می گذارد، توسعه اجتماع محلی را رواج می دهد(عارفی، ۱۳۸۰: ۳۰).

### ۱۰- سرمایه اجتماعی، سرمایه کالبدی و یکپارچگی آنها در جهت توسعه پایدار محله ای

به منظور توسعه پایدار محله ای، بهره گیری از هر دو دسته میان سرمایه های اجتماعی و سرمایه های کالبدی ضرورت می نماید. این امر در رویکرد دارایی محور مطرح گردیده است. به طور کلی «سرمایه کالبدی»، موجودی منابع مادی از قبیل مسکن، راه ها، پارک ها و فضای عمومی را شامل می شود. در حالی که سرمایه اجتماعی بنا را بر «شناخت، تفاهم، نهادها و الگوهای کنش متقابل مشترک» می گذارد (Ostrom, ۱۹۹۷: ۱۰۵).



مطالعات سال های اخیر، دریچه ای به روی گونه شناسی سرمایه اجتماعی، مکمل بودن آن با سایر انواع سرمایه و نقش آن ها در شکل و سازماندهی اجتماع محلی و توسعه پایدار آن گشوده است. (Ostrom, 1997; Gittel and Vidal, 1998) برخی از آنها امکان تولید سرمایه اجتماعی از طریق افزایش سرمایه کالبدی را بررسی کرده اند. به عقیده استرام و کلاگ (1997) سرمایه اجتماعی به شکل نهادهای محلی، برای سرمایه کالبدی و سرمایه انسانی جهت داشتن تأثیری ماندگار، مکملی ضروری به حساب می آید. با وجود این، الگوهای افزایش یا تولید آن ها به نحو چشمگیری از هم متفاوت است. در واقع، سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی در جهت های معکوس افزایش می یابند.

بنا به گفته بیتس (Bates, 1990) شکل گیری سرمایه، مستلزم «خودداری از مصرف منابع فعلی و استفاده از آن ها برای افزایش امکانات مصرف (یا تولید) در آینده» است. این امکان وجود دارد تا از مصرف فعلی سرمایه کالبدی (به جای سرمایه اجتماعی) برای افزایش آن در آینده صرف نظر کرد. افزایش سرمایه کالبدی می تواند به شیوه های دیگری انجام شود. در این خصوص می توان به تبدیل زمین های خالی به کاربری های جدید، استفاده مجدد سازگار با بناهای قدیمی، تعمیر راه های قدیمی و بهسازی پیاده روها، شامل طیفی از راه های انتخاب برای استفاده از منابعی که به منظور افزایش امکانات تولید در آینده حفظ شده، یا ایجاد سرمایه کالبدی اشاره کرد.

اما آیا این امکان برای یک اجتماع محلی وجود دارد تا از مصرف فعلی منابع اجتماعی خود به منظور تولید یا افزایش سرمایه اجتماعی در آینده، خودداری کند؟ جواب این سوال، تفاوت های اساسی میان سرمایه کالبدی و اجتماعی را آشکار کرده و دلیل پیشنهاد مکمل بودن این دو را به جای جایگزینی آن ها در فرایند ظرفیت سازی روشن می کند.

استرام (1997)، سه دسته تفاوت میان سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی قائل شده است (جدول ۴): نخست این که سرمایه کالبدی آسان تر از سرمایه اجتماعی مشخص و صورت برداری می شود. برخلاف روابط اجتماعی و شبکه های اعتماد و روابط متقابل که ممکن است ملموس نباشند، ساختمان ها، راه ها و پارک ها به وضوح به چشم می آیند. شاید این بتواند، دلیل اهمیت سیاست های مکان گرا نظیر طرح های نوسازی شهری را برای سیاستمداران و تصمیم گیران، به عنوان راه حل هایی با نتایج ملموس، به جای تلاش برای تولید یا افزایش موجودی فعلی سرمایه اجتماعی (که دشوارتر است) تبیین کند.

به عقیده استرام (Ostrom, 1997)، دومین تفاوت میان سرمایه کالبدی و سرمایه اجتماعی، ارائه الگوهای متضاد انباشت و کاهش است. سرمایه کالبدی بر اثر استفاده یا مصرف بیش از حد در طول زمان از بین می رود، در حالی که سرمایه اجتماعی «نه بر اثر استفاده بلکه به دلیل بی استفاده ماندن زایل می شود». برخلاف راه ها و ساختمان ها که بر اثر استفاده فرسوده می شوند، سرمایه اجتماعی، نظیر اعتماد و رابطه متقابل یا باورهای اجتماعی، بر اثر استفاده تقویت می شود (پاتنام و همکارانش این نکته را در کتاب عملی کردن مردم سالاری به وضوح نشان داده اند).

سوم این که، سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی الگوهای ماندگاری متفاوتی را نشان می دهند. در حالی که سرمایه اجتماعی به سهولت و به سرعت زایل می شود، جایگزینی آن نسبت به جایگزینی سرمایه کالبدی دشوارتر است. آثار مکتوب سرمایه اجتماعی، در مورد راه های ممکن برای تولید سرمایه اجتماعی جدید یا زایل کردن ناآگاهانه آن، بینش هایی به دست داده است (جدول ۴). برای مثال، جابجایی افراد فقیر به عنوان پیامد ناخواسته طرح های نوسازی دهه های گذشته، در زوال سرمایه

اجتماعی مناطق نیازمند، نقش داشت. یاری رسانی به افراد فقیر از طریق بهسازی کالبدی بر ضد پایداری یا گسترش سرمایه اجتماعی در محله های محروم عمل کرد، (Frieden and Sagalyn, 1989)، (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۷).

شکل گیری	زوال/فرسایش	سرمایه
آسان	سخت	سرمایه کالبدی
سخت	آسان	سرمایه اجتماعی

جدول ۴: تفاوت های میان سرمایه کالبدی و سرمایه اجتماعی

### ۱۰- جمع بندی و نتیجه گیری

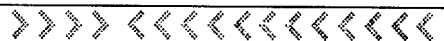
توسعه محله ای فرایندی است مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودیارانه در میان ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی. امروزه توجه روزافزون در کاربرد مفهوم توسعه محله ای، چارچوب سنتی توسعه شهری در مقیاس کلان را مورد سوال قرار داده است. از جمله نتایج عینی گرایش فوق، توجه به حوزه تغییر فرهنگ اسکان شهری، براساس پذیرش زندگی در واحدهای کوچکتر محلی در شهر است.

بررسی ها نشان می دهد، ابعاد اجتماعی در بیشتر رویکردهای توسعه ای از وزن غالب تری برخوردار می باشد. اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی جهت توسعه محله ای تا جایی است که صاحب نظران، توسعه محله ای را بدون سرمایه اجتماعی، غیر ممکن می دانند. رویکرد دارایی مینا راهبردی نوین در توسعه محله ای می باشد که مردم و کنش های بین آنها را به عنوان دارایی های موجود در اجتماع محله ای مورد تاکید قرار می دهد.

مفهوم «برنامه ریزی محله مینا» که بر همین اساس مطرح شده است، مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس های ذهنی به ابعاد مشخص فضا - زمان در مقیاس محلی و خرد می پردازد و به جای پرداختن به توده مکانیکی و غیر قابل مدیریت کلان شهری به اندازه های قابل مدیریت و واحدهای ارگانیکی مشخص (محلات شهری) می اندیشد. در واقع این الگو در پی شناخت سرشت ویژه و خاص هر محله شهری است که توسط فرضیات قراردادی کلان و شهر مقیاس متوقف، پنهان و یا به راحتی فراموش شده است. در این رویکرد، نگاه برنامه ریزی و مدیریت از پایین به بالا و مبتنی بر توانمندسازی است و رویکرد آن دارایی مینا با تاکید بر منابع انسانی، سرمایه های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محلات می باشد.

به کارگیری برنامه ریزی محله- مینا بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک اجتماع محله ای و تقویت بسترها و زمینه های هویت ساز محله ای است. نهادهای محلی، سازمان های غیر دولتی [۲۳] و تشکل های داوطلب محلی [۲۴] عناصر کلیدی این نوع نگرش است. از دیگر مشخصه های برنامه ریزی محله مینا توجه به سرمایه های اجتماعی و انسانی است و برای شکل گیری و انباشت این سرمایه ها نیازمند یک ساختار محله گرا در مدیریت و برنامه ریزی است، موضوعی که در ساختارهای تمرکزگرا، مبتنی بر دیدگاه سنتی مدیریت و بر اساس روابط عمودی و تقسیم بندی های انعطاف ناپذیر شکل نمی گیرد.

برنامه ریزی محله مینا بر این نکته تاکید دارد که ساکنان محلات (به عنوان دارایی اصلی محلات) طی تجربه مشترک و طولانی زندگی در یک محیط می توانند بسیاری از نیازها و ضرورت های روزمره زندگی



خود را تشخیص داده و در هماهنگی با مدیریت های سطوح بالاتر به ایجاد محلات شهری پایدار کمک کنند؛ این رویکرد هماهنگی بیشتری با زمان و فضا در مقیاس محلی دارد. تمرکز زدایی و واگذاری امور به سطوح محلی و خرد و حرکت به سمت یک نظام خودگردان برنامه ریزی و مدیریت محله ای از دیگر مشخصه های عمده در رویکرد برنامه ریزی محله مینا است.

رویکرد دارایی مینا، جایگزین مناسبی برای نگرش نیاز مینا در مدیریت و توسعه اجتماع محلی است. هر اجتماع محلی دارای نیازها، کمبودها و مسائلی است، در عین حالی که واجد دارایی ها و توانایی هایی نیز هست. درست همانند یک لیوان که تا نیمه آن پر از آب است، می توان نیمه خالی آن را دید یا به نیمه پر لیوان توجه کرد. یک اجتماع محلی را نیز می توان مکانی دانست متشکل از «مصرف کنندگانی» با مجموعه نیازهایشان و یا اینکه مکانی فرض کرد با «شهروندانی» که قابلیت ها و استعدادهایی برای عرضه کردن در اختیار دارند.

در رویکرد دارایی- مینا، مجموع دارایی های اجتماع محلی، اساس توسعه را تشکیل می دهد، درحالی که در رویکرد نیاز- مینا، نیازهای اجتماع محلی مبنای توسعه قرار می گیرد. رویکرد دارایی- مینا سه ویژگی دارد:

۱. بر ظرفیت سازی تاکید دارد و لذا فرایندگرا است؛
۲. به دلیل بسیج همه دارایی های اجتماعی و کالبدی، جامع نگر است؛
۳. واجد اهمیت ابزاری است، زیرا سرمایه اجتماعی و کالبدی را به عنوان ابزاری برای سایر اهداف به کار می برد.

برخلاف آن، رویکرد نیاز- مینا، پیامدگرا است؛ همچنین به دلیل آن که نشانه های فقر را به عنوان نارسایی هایی تلقی می کند که باید آنها را جدای از هم در نظر گرفت، موضوعی است، و بالاخره اهمیت درونی یا ماهوی دارد، زیرا تک تک اهداف به خودی خود یک هدف به شمار می آیند. مطالعات سال های اخیر، دریچه ای به روی گونه شناسی سرمایه اجتماعی، مکمل بودن آن با سایر انواع سرمایه و نقش آن ها در تشکل و سازماندهی اجتماع محلی گشوده است. سرمایه اجتماعی به شکل نهادهای محلی، برای سرمایه کالبدی و سرمایه انسانی جهت داشتن تأثیری ماندگار، مکملی ضروری به حساب می آید. با وجود این، الگوهای افزایش یا تولید آن ها به نحو چشمگیری از هم متفاوت است. در واقع، سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی در جهت های معکوس افزایش می یابند.

برنامه ریز توسعه پایدار محله ای درصدد است تا با دست یابی به اهداف توسعه پایدار در مقیاس اجتماعات محله ای و اجزای سازنده محیط های شهری، نتایج توسعه پایدار را به صورت ملموس و قابل ارزیابی در آورد. در این میان، رویکرد دارایی- مینا در روند توسعه محله، با توجه به ویژگیهای آن (ظرفیت سازی، فرایندگرا، جامع نگر، واجد اهمیت ابزاری) می تواند راهگشا در جهت توسعه پایدار محله ای باشد. این رویکرد که اساس توسعه اجتماع محلی را بر دارایی آن قرار می دهد، به انسجام «رفاه مردم» و «رفاه مکان» تمایل دارد و به توسعه پایدار محله ای بر اساس انسجام سرمایه های اجتماعی و کالبدی متکی است.

با توجه به مفهوم توسعه پایدار محله ای در رویکرد دارایی محور می توان نتیجه گرفت که انسجام سرمایه های اجتماعی و کالبدی محلی، راه حلی عملی در جهت توسعه پایدار محله ای می باشد و این توسعه محله ای، در نهایت به بهبود واقعی کیفیت زندگی مردمان منجر خواهد شد.

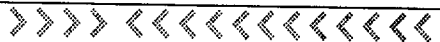
۱. social capital
۲. sustainable development
۳. community development
۴. asset based approach
۵. Need based approach
۶. capacity building
۷. process-oriented
۸. comprehensive
۹. community based planning
۱۰. local sustainable development
۱۱. Community Center
۱۲. Community
۱۳. Neighborhood
۱۴. Cognitive Social Capital
۱۵. Structural Social Capital
۱۶. Volunteering & Voluntary Behavior
۱۷. WCDE
۱۸. Local Agenda ۲۱
۱۹. Content Objectives
۲۰. Process Objectives
۲۱. Social Planning
۲۲. Social Conflict
۲۳. NGOs
۲۴. CBOs

## کتابخانه

اسناد و

مدارک علمی

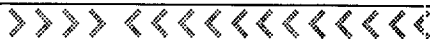
مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرداری و معماران، تهران - ۱۳۸۵



فهرست منابع

۱. آریان پور، عباس (۱۳۶۳): فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری غلامرضا (۱۳۸۶): جامعه شناسی توسعه، انتشارات کیهان
۳. اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۶): فرایند تولید و توسعه درون زا؛ مجله هنرهای زیبا، ش ۱۰
۴. الوانی، سید مهدی و سید نقوی، میر علی (۱۳۸۱): سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳
۵. ایران دوست، کیومرث (۱۳۸۸): مروری بر اهمیت بخش غیر رسمی در توانمندسازی اجتماعات محلی فقیر؛ مجموعه مقالات همایش توسعه محله ای، جلد ششم، انتشارات طرح نو
۶. پورا احمد، احمد (۱۳۷۰): اصول جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران،
۷. پیربایبی، محمد تقی (۱۳۸۸): ظرفیت سازی توسعه محله ای؛ مجموعه مقالات همایش توسعه محله ای، جلد دوم، طرح نو
۸. چرمایف، سرچ و الکساندر کریستوفر (۱۳۵۳): عرصه های زندگی خصوصی و زندگی جمعی به جانب یک معماری انسانی؛ ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۹. حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵)، برنامه ریزی محله-مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶
۱۰. ذکایی، محمد سعید و روشنفکر، پیام (۱۳۸۵): مقاله جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۳
۱۱. سیف الدینی، فرانک (۱۳۷۸): فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸
۱۲. شیروانی، علیرضا (۱۳۸۲): بررسی تاثیر عملکرد سازمان های بخش دولتی بر سرمایه اجتماعی، رساله دکتری مدیریت دولتی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
۱۳. شیعه، اسماعیل؛ مقایسه محله های تهران با معیارهای یک محله پایدار از نظرگاه شهرسازی؛ مجموعه مقالات همایش توسعه محله ای، جلد نهم، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸
۱۴. عارفی، مهیار (۱۳۸۰): به سوی رویکرد دارایی- مبنا برای توسعه اجتماع محلی؛ ترجمه نوین تولایی، هنرهای زیبا، شماره ۱۰
۱۵. عسگری (۱۳۸۳): مقاله ارائه شده در همایش توسعه محله ای، مرکز مطالعات اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران
۱۶. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳): «سنجش سرمایه اجتماعی»، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۱۷. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵): پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن؛ ترجمه غلامعباس توسلی؛ انتشارات حکایت قلم نوین
۱۸. فیروزآبادی، سید احمد و جاجرمی، حسین (۱۳۸۵): سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی- اجتماعی در کلان شهر تهران؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳
۱۹. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صوری، نشر نی، تهران

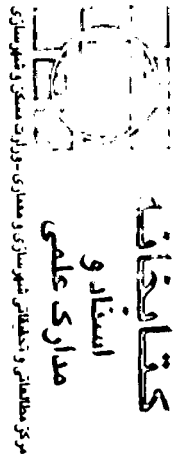
۲۰. گلی، علی (۱۳۸۸)؛ فناوری نظام های اطلاعاتی و اجتماعات محلی پایدار؛ مجموعه مقالات همایش توسعه محله ای، جلد سوم، انتشارات طرح نو
۲۱. مرنیسی، فاطمه (۱۳۸۴)؛ سرمایه اجتماعی در عمل؛ در: تاجبخش، کیان؛ سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ ترجمه افشین خاکباز، نشر شیرازه
۲۲. مطلبی، قاسم (۱۳۸۸)؛ رویکردی انسانی به توسعه پایدار محله ای؛ مجموعه مقالات همایش توسعه محله ای، جلد دوم، طرح نو
۲۳. معین، محمد (۱۳۶۲)؛ فرهنگ فارسی، جلد ۵، تهران، انتشارات امیر کبیر
۲۴. موسوی، سید احمد (۱۳۸۵)؛ برنامه ریزی توسعه محله ای با تاکید بر سرمایه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر
۲۵. وینسترا، گری (۱۳۸۴)؛ سرمایه اجتماعی، تندرستی و نابرابری؛ در: تاجبخش، کیان؛ سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه؛ ترجمه افشین خاکباز، نشر شیرازه
۲۶. هاشمی (۱۳۸۰)، سید احمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر
۲۷. هودسنی، هانیه (۱۳۸۴)؛ توسعه محله ای پایدار (مفاهیم نظری و خاستگاه تاریخی)، سمینار کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر





فهرست منابع لاتین

1. Alexander, C.; S. Ishakawa and M.Silverstein (1977); A Pattern Language – Towns , Buildings, Construction. New York: Oxford University Press.
2. Arefi , Mahyar(2004),”an asset – based approach to policy making:revisiting the history of urban planning and neighbourhood change in Cincinnati s.westend,Cities volume 21Tissue 6,decemmber,p;2
3. Baker,Stephan, Robert Chaskin,and Joan Wynn (1996); “The Role of the Sponsor.” In Core Issues in Comprehensive Community – building Initiative,ed:Chicago
4. Baker,Stephan, Robert Chaskin, and Joan Wynn (1996); “ The Role of the Sponsor.” In Core Issues in Comprehensive Community- Building Initiatives,ed.Rebeca Stone, 30- 34. Chicago: Chapin Hall Center for Children.
5. Barton.H(2000); Confecting perception of neighbourhood, sustainable community,Earthscan pub, London Ch 1
6. Bates,Robert.(1990); "Capital, Kinship, and Conflict: The Structuring of Capital in Kinship Societies." Canadian Journal of African Studies
7. Berndt, Harry E(1977); New Rules in the Ghetto: The Community Development Corporation and Urban Poverty. Westport, Conn. Greenwood Press.
8. Bolton, Roger(1992); “Place Prosperity Revisited: An Old Issue with a New Angle.” Urban Studies.29
9. Bridger.J.C & Lulo.A.E(1999); Toward an interactional approach to sustainable community development,Journal of Rural Studies 15:377-387
10. Brehm , John & Rahn Wandy(1997); Individual- Level Evidence for the Causes and Consequances of Social Capital, American Journal of Political Science, Volume 41, Issue3
11. Edel,Matthew (1980);”People versus Places in Urban Impact Analysis.” The Urban Impacts of Federal Policies. Norman J. Glickman,ed. Baltimore . Johns Hopkins University.
12. Frieden, Bernard J. and Lynne B. Sagalyn(1989); Downtown Inc. : How America Rebuilds Cities. Cambridge, MIT.
13. Fridman.John(1993);”Toward a Non-Euclidian Mode of Planning- APA Journal” , Autumn
14. Gittell, Ross and A.Vidal(1998); Community Organizing: Building Social Capital as a Development Strategy. Thousand Oaks. Sage Publications.
15. Glickman, Norman J. and Lisa J. Servon(1998); “More than Bricks and Sticks: Five Components of Community Development Corporation Capacity.”Housing and Policy Debate. Volume 9. Issue 3: Fannie Mae Fondation
16. Grant (1991); “ The Resource-based Theory if Comperitive Advantage:Implications for Strategy Formulation.” California Management Review.
17. Grootaert, C & Bastelaer, T (2002); The Role of Social Capital in Development, Cambridge Univ . Press
18. Hoover, Edgar M(1971); An Introduction to Regional Economics. New York Knopf
19. Jonston,Rj.& et al(2001); the dictionary of Human Geography, Black well, New York.
20. Kerry Ann (2003); Locating Community Social Capital, Economic Growth and Regional Development. Regional Studies 39.



21. Kline, E (1997); Sustainable community indicators. In: Roseland, M. (Ed.). *Eco-City Dimensions: Healthy Communities, Healthy Planet*, new Society Publishers, Gabriola Island, BC.
22. Knox, Paul & Stevenpich (2000); *urbansocial Geography*, Pearson edition, England, fourth edition.
23. Krishna, A & Uphoff, N (2002); *Mapping and Measuring Social Capital through Assessment of Collective Action to Conserve and Develop Watersheds in Rajasthan, India* in: Grootaert, C & Bastelaer, T. (2002), *The Role of Social Capital in Development*, Cambridge Univ Press
24. Kubisch, Anne C., J. P Connel, I. Schorr, and C. Weiss (1995); *New Approaches to Evaluating Community Initiatives: Concepts, Methods, and Contexts*. Washington D.C The Aspen Institute.
25. Loflin, Katherine Torres (2003); *Bonding and Bridging Social Capital and their Relationship to Community and Political Civic Engagement*, The University of North California at Chapel Hill.
26. Loh, Joopin (2003); *Social Capital and Economic Development: A cross-national Study of Social Capital, Thrust, Civic Engagement, and Economic Growth of 38 Countries*, The University of Alabama.
27. Madanipour, A (2003); "How relevant is planning by neighbourhoods today?" , in *Town Planning Review*, 72
28. Myers, Dowell. (1999); "Demographic Dynamism and Metropolitan Change: Comparing Los Angeles, New York, Chicago, and Washington, DC." *Housing Policy Debate*. Volume 10, Issue 4
29. Ostrom, Elinor. (1997); " Investing in Capital, Institutions, and Incentives." In *Institutions and Economic Development: Growth and Government in Less-Developed and Post-Socialist Countries*. Edited by Christopher Clague. Baltimore and London. The John Hopkins University Press
30. Porter, Michael & Anne Habiby. (1999); " A Window on the New Economy: Understanding the Economic Potential of the Inner Cities." *Inc Magazine*.
31. Paxton, Pamela (1999); *Is social capital declining in the United State? A multiple indicator assessment*. *AJs*. Vol 105. No.1
32. Rapoport, A. (1990); "The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach", the University of Arizona Press, Tucson.
33. Sen, A. 1989, *Food and Freedom*, World Development. Vol 17.
34. Simerlla, C. Felters (1998); *The Question of Participation, Toward Authentic Public Participation*, *Public Administration Review*, Vol. 58, Issue 4.
35. Wall, E. & Gabriele, F. & Frans, S. (1998) "Getting the goods on Social capital", *Rural Sociology*, Vol 63, Issue 2.
36. Warner, F (1999); "Social Capital Construction and The Role of The Local State", *Rural Sociology*, Vol. 63, Issue 3
37. Woolcock, M & Narayan, D. (1999) *Implication for Theory, Research and Policy*. World Bank. [www.mapl.com.au](http://www.mapl.com.au)



بررسی روش آموزش الکترونیک (دفتر سازمان ملل متحد در امور اسکان بشری)  
UN-HABITAT بر حکمروایی شایسته شهری

سید محمد هادی ایازی

عضو هیئات علمی دانشگاه آزاد شهر ری و دانشگاه علوم انتظامی  
بهداد میرافشار

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری و اطلاعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی

### چکیده

جهان طی دهه های گذشته بطور چشمگیری تغییر کرده و تأثیرات بیشماری بر مقوله حکومت های محلی و نقش و وظایف رهبران منتخب آن بر مسائلی همچون تنگناهای توسعه شامل انسان و محیط پیرامون شهر، سبک زندگی، مهاجرت، تکنولوژی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذاشته است. در حالیکه عموماً نیازهای عمده مدیریت شهری معطوف به خدمات عمومی، نظافت و بازیافت، بهبود آب و فاضلاب، کاهش فقر و حاشیه نشینی، سلامت و شهرهای ایمن بوده ولی امروزه دیگر، انتظارات و استانداردهای نوین مدیریتی مد نظر است. آزادی و برابری، صداقت و اطمینان خاطر، مشارکت و تعهد شهروندی، این مفاهیم به همراه اصول و راهبردهای مدیریتی از جمله مواردی هستند که از حکمروانان منتخب محلی هم در درون تشکیلات تحت نفوذشان و هم در بین جوامع و کسانی که در امر انتخاب آنان مشارکت نموده اند مورد انتظار است.

امروزه هنوز در خیلی از جوامع، تبعیض جنسیتی، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست در زمره توجهات و نیازهای بشری قرار دارد به عبارت دیگر مسائل و خواسته های کنونی جوامع بیش از پیش گسترده و پیچیده شده که تنها با تدریس یک یا چند دوره آموزشی بتوان آنرا پوشش داد. اگرچه دانش مدیریتی بسته به اطلاعات روز بوده لازم است تا برگزاری دوره های فراگیری بصورت الکترونیکی، اجتماع محور و سازماندهی شده باشد تا نظریه ها و اصول برنامه ریزی به همراه تجربیات موفق مدیریتی به طور کیفی و کاربردی پیاده گردند. UN\_HABITAT اولین مجموعه ای است که از سال ۱۹۹۸ در زمینه ((آموزش الکترونیکی حکمروایی شایسته شهری)) فعالیت داشته و در سری مجموعه های کوتاه مدت و میان مدت آموزشی/کارگاهی توانسته برنامه های موفق را در نقاط مختلف جهان برای نیم میلیون فراگیر و متخصص امور شهری به ۲۵ زبان زنده دنیا به اجرا بگذارد.

این مقاله نگاهی به رویکرد آموزش الکترونیک UN-HABITAT، معرفی دوره ها و بررسی ۱۲ شایستگی برتر مدیریتی و محتوای آن دارد که قرار است در حکمروایی شایسته شهری نقش بسزایی ایفاء نمایند.

### واژگان کلیدی

حکومت های محلی<sup>۱</sup>، آموزش الکترونیکی<sup>۲</sup>، ارزش افزوده برای سیستم LMS<sup>۳</sup>، نقشه راه و عناصر آموزشی<sup>۴</sup>

۱. Local governance  
۲. E-Learning  
۳. Added valuation for LMS  
۴. Road map and learning elements

## ۱. مقدمه

قرن بیست و یکم با مرحله جدیدی از حکومت شروع شده که اصل کفایت تصمیم گیری در سطح ملی و تبادل اطلاعات و تجربیات موفق در بین مدیران شهری، ایده اصلی این نگرش است. تمرکز زدایی، دموکراسی، مشارکت پذیری، محله محوری ابزارهای فراگیر لازم برای حکمروایی شایسته و در نتیجه دست یابی به فرایند تولید و مصرف پایدار از جانب دولت ها، نهادهای متولی مدیریت شهری، بخش های خصوصی و اجتماع محور است.

آنچه که مسلم است، حکمروایی ایده جدیدی نیست. ریشه های آن به واژه ((gubernatia)) در زبان لاتین میانه بر می گردد که به معنی هدایت و رهبری بوده است. اما در زمان پیدایش حکومتها و رجوع به تاریخ سیاسی ملتها این واژه مورد غفلت واقع شده است. حرکت از حکومت به حکمروایی به این معنی نیست که حکمروایی جایگزین حکومت شود، بلکه به تفاوت این دو ایده در نقش و ابعادی است که دولت مرکزی در مقابل حوزه خدمات عمومی ایفاء می کند.

حکومت های شهری-محلی در ادبیات و دایره المعارف سیاسی، در کنار حکومت های ملی-مرکزی-ایالتی، آمده که علاوه بر سیستم اداری-سیاسی، ذینفعان دیگری از بخشهای خصوصی و داوطلبانه، شوراهای محلی و سازمانهای مشارکت جو، منتقدین، رسانه ها، مراکز مطالعاتی و اساتید دانشگاهی وارد به همکاری درسیستم مدیریتی می شوند، که تاکید بر پاسخگویی به همراه شفافیت سیستم و نشان دادن آن به عموم شهروندان می باشد.

اصل بنیادی در این نوع از حکمروایی توزیع قدرت، شایستگی، تعهدات اجتماعی و اخلاقی، مسئولیت های عمومی در شهر و بکارگیری کلیه ذینفعان اجرایی در توسعه پایدار شهری باتوجه به حفظ محیط زیست بشری است. در این صورت است که جامعه نیز در فرایند اداره امورشهر، خود را همپای مقامات محلی مسئول خواهند دید. سابقه این نوع از حکومتهای محلی به سال های ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۴ در انگلستان و ولز بر می گردد که قانون واگذاری مسئولیتهای حکمروایی محلی اطراف شهر لندن به شوراهای منتخب واگذار گردید. امروزه نیز کشورهایی همچون نایروبی، کنیا، مالی، ایران، هند، فیلیپین، فرانسه، ایرلند، اکراین، مکزیک، استرالیا و... از مزایای چنین سیستمی برخوردارند.

## ۲. حکمروایی الکترونیکی

مفهوم حکمروایی الکترونیکی ۲ در ارتباط با شهر، محله و روستای مجازی، شبکه های اجتماعی، کسب و کار و همه تعاملات الکترونیکی میان حکومت (سرویس دهنده) و شهروندان (سرویس گیرنده) را در بر می گیرد. تعریف دیگری که یونسکو ارائه می دهد عبارت است از: استفاده بخش عمومی از فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی در راستای سهل تر شدن عرضه خدمات، تشویق شهروندان به مشارکت بیشتر در تصمیم گیری و در مقابل پاسخگویی شفاف رسمی مدیران به مردم است.

در این بخش می توان لایه های مدیریتی شهر مجازی را بطور کلی به لایه های شش گانه راهبردی تبیین نمود همچنین سامانه های مدیریت و اطلاعات شهری؛ سیستم های اطلاعات مکانی و جغرافیایی، رصد خانه شهری، سیستم های آموزش الکترونیک فراگیر، شبکه ها و وبلاگ های فرهنگی و اجتماعی، گردشگری مجازی، سامانه مدیریت پروژه، سامانه مدیریت الکترونیک زمین، ابزارهای نوین کاربردی، در اختیار حکمروایان شایسته شهری بشمار می آیند.

## ۱،۲ اهمیت توجه شبکه‌های بین‌المللی مدیریتی به حکمروایی شایسته شهری

حکومت‌های محلی ذینفعان و شرکای اصلی مدیریت شهری: در مجموعه جهانی اسکان بشری، کمیسیون توسعه پایدار، کمپین شهر جهانی، حکومت‌های محلی و شهرهای متحد، کمیته مشورتی ملل متحد، جامعه معماری و شهرسازی، شرکای تجاری برای شهرسازی پایدار می‌باشند، که در این راستا ۲۲ اجلاس مهم منطقه‌ای در خصوص سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها در راستای تقویت حکومت‌های محلی تاکنون شکل گرفته است. در سال ۱۹۹۹ کمیسیون اسکان بشری مبتکر کمیته مشورتی حکومت‌های محلی UNACLA بود که در جلسه ۲۰۰۰ و نیز شروع بکار کرد. در آن جلسه که به ریاست شهردار بارسلونا (Mr. Joan Clos) برگزار گردید، سیاستها و موضوعات راهبردی سازمان ملل و برنامه‌های مدیریت شهری در خصوص تقویت حکومت‌های محلی بتصویب رسید. در این جلسه موضوعاتی همچون محیط زیست بشری، انرژی، ساخت و ساز بهینه در فضای شهری و ترمیم بافت فرسوده، اسکان غیر رسمی و فقر شهری، نهاد توانمندسازی و آموزش مدیران در زمره مباحث مهم بود.

بتدریج که حکومت‌های محلی شکل منظم و هماهنگ تری به خود گرفتند از این رو در غالب برنامه‌های هماهنگ تری با هیئت مشارکت نمودند و یا حتی در اتحاد شهر به شهر (City to City) بایکدیگر فعالیت‌های مشترک به اجراء گذاشتند تا در این جهت از شهرهای همسایه خود حمایت‌های لازم را بعمل آورند. شهرهایی همچون ریودژانیرو، دبی، پکن، پایتخت‌های اروپایی به‌مراه شبکه شهرهای متحد، بانک جهانی (با کمک مالی ۶ میلیارد دلاری) و دیگر دفاتر سازمان ملل متحد (یونسکو، بهداشت جهانی، یونیسف) از حامیان پیشرو بشمار می‌آیند.

اگر چه قرار است دولتهای در حال توسعه در آینده حکومت‌های محلی را هر چه بیشتر در توزیع قدرت شریک نمایند و در نگاه سازمان‌های بین‌المللی همواره از آن به عنوان جامعه مدنی یاد گردد، ولی در هر صورت جزئی از حکومت مرکزی بشمار می‌آیند که از لحاظ تقسیم قدرت و در اختیار داشتن قدرت قانونی، در بعضی از جوامع با چالش‌های متعددی روبرو هستند. مدیران منتخب نیز علاوه بر پاسخگویی به اداره مرکزی می‌بایست نسبت به شهروندان حوزه انتخابیه خود با شفافیت، تعاملات مناسب داشته باشند. چنانچه دولت مرکزی انتظار دارد حوزه مدیریت شهری باید نسبت به تهدیدات و فرصت‌هایی که جامعه را دربر می‌گیرد هوشیار باشد. حکومت‌های محلی ریشه عمیقی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه خود دارند بطوریکه نقش آنها بعنوان یکی از ذینفعان و تصمیم‌گیران اصلی جامعه مدنی همیشه مطرح بوده است.

وظیفه دشوار حکمرانان منتخب و نقش آنها در ارتقاء دموکراسی و عدالت عمومی، مشارکت گسترده در کاهش فقر، حمایت و توانمندسازی زنان و کودکان، آموزش شهروندی و تقویت نهادهای مدنی بمنظور افزایش کیفیت زندگی شهروندان در شرایط کنونی بسیار حائز اهمیت است.

آوازه حکومت‌های محلی در سرتاسر جهان، پیچیده بطوری که آنها قادرند بهترین تصمیمات لازم را برای استقرار اولویت‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی بوسیله مشارکت و دیالوگ‌های شهروندی اتخاذ نمایند. چنین همکاری مستقیم و دوجانبه‌ای این امکان را به آنها می‌دهد که گروه‌های حاشیه‌ای را در نقاط مختلف جامعه با خود همسو سازند و همچنین از توانایی زنان و جوانان نیز بهره‌مند گردند که امروزه این رویه در اکثر بخش‌های مدیریت شهری بطور گسترده نهادینه و در حال اجراء می‌باشد.

تجربه دو دهه گذشته نیز نشان میدهد حکومت‌های محلی بهترین تصمیمات ممکن و بهترین برنامه‌های را در سطح شهر و محلات برای حل مشکلات شهروندان و ارتقاء کیفیت زندگی آنها با همکاری دیگر نهادهای حکومتی به مرحله اجرا گذاشته‌اند.

### ۳- ضرورت آموزش و استفاده از ابزارهای یادگیری موثر

یکی از مهمترین موفقیت‌های ابتکاری هیئات تاسیس شعبه‌های آموزشی TCBB (training and capacity building branch) می‌باشد که با کارکرد آموزشی، بمنظور افزایش توانایی و استعداد مدیریتی حکومت‌های محلی، رهبران و دیگر مسئولان آن در سرتاسر جهان راه اندازی گردید.

از آنجایی که هدف اصلی تأسیس چنین مجموعه‌ای تقویت و ارتقاء حکمرانی خوب محلی است سعی شده این تشکیلات بتواند در توسعه و انتشار دوره‌های آموزشی کاربردی با داشتن کیفیت محتوا برای همه ذینفعان تدارک گردد و تا آنجا که امکان دارد از نظر محتوا غنی و از لحاظ اثرپذیری بتواند در بخش مدیریت عمومی مؤثر باشد.

چنین کار برجسته‌ای در سال ۱۹۹۰ توسط هیئات با مشارکت جهانی آغاز گردید، تا در راستای منشور توسعه پایدار اسکان بشری در شهری شدن هرچه بهتر عصر کنونی نقش آفرین باشد و بعنوان اصل مهم حکمروایی شایسته شهری در سطح بین‌المللی در زمینه بهبود سطح فقر در میان جوامع جاری گردد. ((به تجربه اثبات شده که هرچه قدر کیفیت مدیریتی در سطوح مختلف با تصمیمات درست منتخبین افزایش یابد به همان میزان رشد فقر در شهرهای موفق کاهش می‌یابد. در این میان تلاش شده که با ابزارهای یادگیری فراگیر ظرفیتهای و استعداد‌های حاکمان و مدیران محلی را تقویت نموده تا آنها بتوانند ابتکار عمل مدیریتی را در مناطق تحت نفوذ خود بدست گیرند.))

### ۱،۳- استفاده از فناوری تحت وب برای آموزش موثر

از جمله وظایف و تعهدات هیئات توسعه بخش آموزش الکترونیکی است و نکته‌ای که بسیار با اهمیت است طراحی ابزارهای آموزشی کاربر پسند است با این امید که درهای آموزش فراگیر برای دیگر کاربران از جمله زنان و جوانان نیز مهیا گردد تا آنها بتوانند بعنوان ذینفعان و مشارکت‌کنندگان در مواجهه با پدیده‌هایی همچون فقر و ایجاد تغییرات مثبت در موسسه‌ها و تشکیلات حکومتی، نقش مهم همیاری ایفاء نمایند. وب می‌تواند شاخص‌های توسعه استعدادها و ظرفیتهای را بصورت الکترونیکی تعریف و پیاده‌سازی کند و اولویتهای توسعه پایدار را در مقیاس محلی-منطقه‌ای - ملی و جهانی بررسی نماید.

بعد از برگزاری دو اجلاس مهم منچستر ۲۰۰۵ و تانزانیا ۲۰۰۶، ارزیابی و رصد بهترین روش‌های تقویت حکومت‌های محلی در بخش آموزش (TRAINING) روش تحت وب با رویکرد فراگیر اجتماع محور برگزیده گردید.

محیط وب شرایطی را مهیا می‌کند که ارزیابی وضع موجود، نیازها، پرکردن خلاها و شکاف‌ها در یک فرایند سیستماتیک انجام پذیرد. وب وسیله‌ای است برای شناسایی فرصت‌ها و تواناییهای مدیریتی بین متخصصان و دست‌اندرکاران، زمانیکه آنها وارد سیستم مدیریت آموزش (LMS) می‌شوند به کمبودهای

آموزشی خود واقف می‌گردند و سعی می‌کنند با هم افزایش فکری در اشتراک گذاری دانش و تجربیات خود در رشد و تعالی گروهی (که از ارکان رشته مدیریت نیز می‌باشد) در محیط وب تحقیق و کاوش نمایند. در این متدولوژی شاخصها و عناصر بشکلی تعریف شده‌اند که طی فرایند آموزش الکترونیکی از طریق وب انتقال اطلاعات و تجربیات مدیریتی بین شهرها و کلانشهرهای مختلف جهان طوری انعکاس می‌یابد که هدف نهایی آن تقویت حکومت‌های محلی و مدیران شهری است.

## ۵- سوابق و تجربیات مطالعات آموزشی

امروزه شهرها در ارتباط تنگاتنگ فناوری، حمل و نقل جاده‌ای و پروازی، اقتصاد و بازرگانی، تبادلات فرهنگی و سیاسی، تحصیلی و ورزشی می‌باشند با توجه به گوناگونی فرهنگ ملل و زبان نیاز به کار و ارتباطات مشترک و رعایت استانداردها و قوانین جهانی بین مدیران احساس می‌شود که در این راستا نقش آموزش تحت وب نسبت به آموزش سنتی FACE TO FACE از اهمیت بسزایی برخوردار است. در عصر کنونی روابط بین مدیران شهری و شهروندان در فرایند توسعه بیشتر از گذشته نمایان شده که تعاملات بین آنها نه تنها در بعد خدمات شهروندی بلکه در بیشتر حالات ممکن مربوط به کالبد و اقلیم شهر است که در اینجا حفظ محیط زیست بشری و بوم‌شناسی از اولویت‌های مهم بشمار می‌آید. به تجربه ثابت شده که دولتهای ملی نتوانسته‌اند در ابعاد محلی، رفتار و چهره مدیریتی خوبی را در مقابل اجتماع از خود نشان دهند و در بخش عمومی دموکراسی را برای شهروندان به ارمغان آورند که این خود یکی از نارضایتیهای عمده شهروندان محسوب می‌گردد. اگر در ابعاد محلی، دموکراسی نتواند رشد کند نباید انتظار داشت که در بعد ملی و بارویکردی از بالا به پایین نصیب شهروندان گردد. بسیاری از مدیران شهری که منتخب مردم هستند با این موضوعات آشنایی کافی دارند و در اجتماعات محلی سوابق خوب مدیریتی داشته‌اند ولی این دلیل بر این نمی‌شود که آنها بتوانند موفق و کارا در نقش خود عمل نمایند. اگرچه هریک از مدیران دارای تجارب ارزشمندی هستند، دوره آموزش الکترونیکی هبیتات به آنها کمک می‌کند تا با دانش روز و دیگر تجربه‌ها و دانش‌های موفق مدیریتی در سراسر جهان آشنا گردند.

نکاتی که در مجموعه و محتوای جدید آموزشی مدنظر است، شامل موارد زیر می‌شود:

- هنوز بخش قابل توجه نقش‌ها و مسئولیتهای مدیریتی قابل اعتبار و مورد تایید دولت مرکزی است و اختیارات قانونی آنها بهمراه نقشهای مدیریتی تغییر نکرده است.
- درحالیکه صلاحیتهای اصلی مدیریتی تغییر نکرده و درک عمیقی از مهارتها و شایستگیهای مدیران در سالهای متمادی موجود است ولی در عصر کنونی شهرها با مشکلات پیچیده و چالشهای جدیدی روبرو شده‌اند که در طی دهه‌ها بتدریج شکل گرفته و به تبع آن مفاهیم مدیریتی، تحت شعاع قرار گرفته است.
- در عصری که فشارهای محیطی بر شهرها سایه افکننده لازم است دانش و تجربیات مدیریت شهری بصورت فراگیر به آموزش همگان گذاشته شود.
- ارتباط مستقیمی بین تشکیلات موفق حکومت محلی و شیوه رهبری منتخبان آنان وجود دارد.
- موضوعاتی همچون برابری، مدیریت شهری و مدنی، شفافیت و پاسخگویی درک مطلوب اثر بخشی و کارایی که همگی از ابزارهای سنجش عملکرد محسوب می‌شوند جزء مباحثی هستند که در بسته‌های آموزشی برای رهبران منتخب محلی در نظر گرفته شده‌اند.

- یکی از وظایف مهم رهبر منتخب محلی، نمایندگی بخش عمومی و مدیریت خدمات عمومی است بنحوی که علاوه بر اینکه نماینده منتخب مردم است گاهی اوقات تصمیماتی اتخاذ می کند که ممکن است مورد حمایت عموم نباشد پس کیفیت تصمیمات و میزان اعتبار آنها بسیار مهم جلوه می کند.
- بمنظور انجام درست نقشها و مسئولیتها، رهبران منتخب محلی می بایست در مورد موضوعات ذیل از دانش و تجربه کافی برخوردار می گردند: (ارتباطات، هماهنگی، استفاده از قدرت، تصمیم گیری، سیاست گذاری، توانمندسازی، مذاکرات موثر، اداری و مالی، سرپرستی، نهادسازی)
- اصول و شایستگی های لازم برای حکمرانی خوب محلی توسط هیئات مطابق با استانداردهای بین المللی تدوین شده که لازم است درحین درک، تمرین و تکرار شوند تا پس از پایان دوره مدیران و دست اندرکاران شهر بتوانند بصورت عملی و کیفی برای بهبود زندگی شهروندان تصمیم بگیرند.
- در این دوره که هزاران نفر از مدیران در آن شرکت نموده اند علاوه بر محتوای آموزشی، تجربیات و نظرات فی مابین آنها رد و بدل شد، که خود نشان دهنده گردش مفید دانش است. بسیاری از آنها اعلان نمودند که در شرایط سخت و لحظاتی که با شهروندان ناراضی مواجه بودند، یادگیری های بعمل آمده توانسته آنها را در وضعیت بهتر سازمانی و اجتماعی قرار دهد.
- به تخمین حدود نیم میلیون فراگیر در شش اقلیم جهان در دوره ها و برنامه های آموزش هیئات شرکت نموده اند. این یک خبر بسیار خوب برای همه مردم است که منتخبانشان در این دوره ها شرکت کرده اند.
- مزیت مهمی که دانشجویان از سراسر دنیا از آن بهره مند می شوند شرایط یکسان حضور در کلاسهاست، سخت افزار و نرم افزارو نحوه شیوه تدریس برای همه فراگیران یکسان است که اصلی ترین قسمت آن وجود شبکه ای است که جریان تبادل اطلاعات و تجربیات را پرشتاب می سازد.
- در سیستم LMS مقوله فرهنگ و تأثیر پذیری رفتاری-کارکردی، دوره آموزشی بر عملکرد دانش پژوهان بسیار مهم تلقی میشود.

## ۶- آموزش الکترونیکی تحت استاندارد هیئات

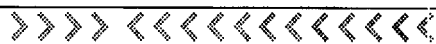
درسال ۲۰۰۷ دفتر اسکان بشری واحد آموزش الکترونیکی خود را با این هدف تاسیس انتشارات کرد: تقویت آموزش جامع و ایجاد ظرفیتهای لازم بمنظور مدیریت و توسعه مطلوب شهری می باشد که از سال ۲۰۰۵ انتشارات این سازمان پیرامون موضوعات (مشارکت در حکومتهای محلی، حقوق و قوانین زمین، برنامه ریزی شهری، ارائه خدمات شهری، سرمایه گذاری و اقتصاد شهری، خشونت در مقابل زنان و کودکان، توسعه تجارت و کسب و کار محلی بصورت کتابخانه مجازی (E\_LIBRARY)) در وب سایت آن نهاد به ۲۵ زبان به همراه دیگر پرونده ها و گزارشات معتبر منتشر گردید.

در بخش آموزش ۱۷ کشور و ۳۰ موسسه CBO, NGO<sup>۵</sup> در مدت ۵ سال با مشارکت یکدیگر با همکاری UN\_HABIATA توانستند سیستم LMS<sup>۶</sup> را (که قرار است بصورت فراگیر برای همه علاقه مندان از سراسر دنیا باشد) راه اندازی نمایند.

برنامه ها و فعالیتهای آموزشی، طوری زمانبندی و اجراء می شوند که انتظار می رود مخاطبان و علاقمندان بی شماری را در رشته های مدیریتی، فنی، علوم انسانی با تنوع موضوعی به خود جلب کند.

۵. Community base organization, none governmental organization

۶. Learning Management System





### برنامه های آموزش تکمیلی

- برگزاری کارگاه های آموزشی ۱۵ الی ۲۰ نفره در نقاط مختلف جهان با موضوعاتی مدیریتی.
- برگزاری جلسات الکترونیکی و دعوت از متخصصان مدیریتی (در نوامبر ۲۰۰۵ بمنظور مدیریت منابع و بودجه ریزی شهرهای کنیا و نایروبی برگزار گردید).
- \_ امروزه ۲۲ گروه مشارکت کننده از ۱۳ کشور جهان در بخش آموزش الکترونیکی عضو این شبکه می باشند که مرز آن تا آمریکای لاتین نیز گسترش یافته است.
- \_ در اکتبر سال ۲۰۰۵ در منچستر اجلاسی بین المللی با عنوان «تاثیر آموزش بر عملکرد مدیران شهری» با مشارکت ۱۷ کشور برگزار گردید که به نقش آموزش الکترونیکی در آماده سازی مدیران برای کسب مسئولیت بخش عمومی بطور جد تاکید شد در همین راستا توسعه مطالب آموزشی و کاربردی در پایگاه دانش و انتشارات الکترونیکی وابسته به آن اشاره گردید.

### ۷- تشریح مختصر دوره و معرفی ۱۲ شایستگی برتر حکمروایی

((دوره کسب شایستگی های کلیدی برای حاکمان منتخب محلی))

- اولین دوره از مجموعه برنامه های آموزش الکترونیکی UN-HABITAT طی دو دوره در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ از نوع TRAINING به شکل سریالی برگزار گردید.
- \* یکی از رویکردهای مهم آموزشی این دوره میتوان به زمان باز (OPEN TIME) بودن آن اشاره کرد یعنی دانش پژوه می تواند در زمانها و مکانهای دلخواه وارد سیستم شود.
  - \* اگرچه تا یکسال اجازه دسترسی به فراگیر داده می شود ولی پیشنهاد می گردد دوره طی زمان ۶ ماه (مطالعه روزانه حداقل نیم ساعت و حداکثر ۶:۳۰ ساعت) به اتمام برسد.

### رویکردهای آموزشی

- دوره الکترونیکی (E-COURSE) بصورت تعاملی و در موضوعات متنوع شامل مطالب خواندنی، اطلاعات عمومی به اصطلاح بیشتر بدانید (KNOWing MORE)، سناریوها، بازیها، مطالعه موردی، ضرب المثل و خود آزمایی طراحی شده است. لازم بذکر است ۱۵۰ ضرب المثل از ۴۰ کشور به منظور فهم بهتر درکنار تمرین ها و فرصت های تعاملی به همراه ۲۰۰ نکته مهم مدیریتی از ۱۵۰ منبع معتبر در جهت غنی سازی محتوای دوره گردآوری شده اند.

- همبستگی موضوعی، گوناگونی، یویایی مطالب آموزشی، آماده سازی برای شروع آموزش و نحوه ارائه آن در محیط کاربردی و شاخص های یادگیری مؤثر و تنظیم طرح درس برای کسانی که قرار است به عنوان مدیران آینده آماده شوند، در نظر گرفته شده و سئوالات برهم کنشی REFLECTIVE QUESTION و بازخورد یادگیری (feedback) و در آخر خلاصه نکات مهم، همگی در یک ماژول گردآوری شده اند.

- از لحاظ شکلی افزودن انیمیشن، عکسها و نمودارها به همراه مطالب متنی باعث افزایش یادگیری هرچه بهتر می شوند.

#### مخاطبان شامل:

دانشجویان رشته مدیریت و مهندسی، برنامه ریزان و مدیران شهری و شورای شهر، کارمندان و کارشناسان مدیریت بخش عمومی و دولتی، شهرسازان و معماران.

\* محتوای آموزشی، تعاریف و مفاهیم برای درک بهتر نیاز به تحقیق و تعاملات برهمکنشی دارند همچنین روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده های مدیریتی مبتنی بر محورهای (سازمانی-سیاست گذاری-شهروندی-خدمات عمومی) میباشد.

\* در ابتدای آموزش الکترونیکی نقشه راه و عناصر شرکت کننده در آن برای دانش پژوه به خوبی نمایان گردد تا بدینخواه مسیر آموزش را آغاز کند.

\* برای سیستم LMS ارزش افزوده زمانی خلق می شود که تناسب مطالب آموزشی و نحوه ارائه آن در محیط کاربردی تحت وب همگی در یک جهت مناسب تنظیم گردند.

\* سیستم آموزشی شامل راهبردها، محتوا و ابزارهای آموزشی است که در طراحی ماژول ها و آزادی انتخاب آنها توسط فراگیر منظور گردیده است همچنین بمنظور ثبت نام در این دوره ها ارسال رزومه کاری الزامی است.

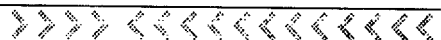
\* این دوره شامل ۱۳ ماژول است که ۳ ماژول شامل معرفی و نقش رهبری یک مدیر منتخب و ۱۰ ماژول دیگر شامل مهارت های مدیریتی است از جمله: ارتباطات تسهیل کننده، استفاده از قدرت، شیوه تصمیم گیری، سیاست گذاری، توانمندسازی، مهارت در مذاکره و گفتگو، مدیریت مالی و اداری، سرپرستی سازمانی و آشنایی با حقوق شهروندی، برنامه ریزی مشارکتی، شفافیت و پاسخگویی، توسعه فضاهای فرهنگی و هنری، مدیریت بحران که به توضیح هریک می پردازیم:

هریک از این ۱۲ شایستگی سهم واحد مستقلی از خصوصیات رهبران منتخب محلی بشمار می آیند که نیاز است تا آنها برای تقبل نقش موثر تر و مسئولیتهای اجتماعی همچون یک رهبر منتخب تلاش قابل توجهی را در جهت کسب این شایستگی ها بعمل آورند. بعضی از آنها مثل ارتباطات تسهیل کننده خصوصیات شخصی و بعضی دیگر مثل تصمیم گیری، سیاست گذاری و توانمندسازی بطور مستقیم مربوط به فعالیتهای جمعی و تشریک مساعی دیگر ذینفعان و نمایندگان اجتماع در این امور می باشند. مدیریت مالی و اداری، سرپرستی سازمانی نیز جزء صلاحیتهای رسمی و نهاد اجرایی مدیریت شهری است. از طرفی استفاده از قدرت، مهارت در مذاکره و گفتگو هردو طیف را شامل شده و تداعی گر نقش رهبری می باشند.

رهبری یک هنر است که معنی نماینده بودن از آن بسیار گسترده تر از حوزه انتخابیه و رای دهندگانی است که منتخبان اصلح خود را در شهر و محلات برمی گزینند و به آنها اختیار قانونی می دهند تا شهر را با توجه به نیازهای شهروندان اداره کنند.

#### ارتباطات:

ارتباطات فهم و ادارک دقیق ارسال و دریافت اطلاعات، ایده ها و نظریات است. ارتباطات رسمی و غیر رسمی در مجموعه حکومتیهای محلی هم از نظر درون سازمانی و هم از لحاظ اجتماعی پیچیده بوده و بنظر می رسد شفافیت، پاسخگویی و اعتماد عمومی تنها از طریق ارتباطات مؤثر مهیا می گردد. مدیران اجتماعی که این تخصص را فراگیرند بهتر می توانند با مردم ارتباط بگیرند و پیام آنها را دریافت کنند و



درجاییکه لازم است جواب((نه)) به مردم بگویند بطریقی دوستانه پیام را انتقال بدهند که در انتخابات بعدی موقعیت آنها در بین عموم به مخاطره نیانجامد.

### تسهیل‌سازی:

این شایستگی است بسیار ارزشمند شامل: کمک به دیگران، انجام فعالیت‌هایی بمنظور هم‌افزایی و تقویت اراده جمعی و حل مشکلات. تدارک جلسات و کمیته‌ها بمنظور رفع تضاد فرهنگی درون سازمانی و مدیریت چالش‌ها. همچنین یادگیری در رابطه با تیم‌سازی و فرایندهای تشکیل و اتمام آن، میانجیگری مشاجرات و درگیری‌های لفظی، تجزیه و تحلیل نقش ذینفعان زن و مرد در رفع تعارضات، و برگزاری جلسات کارا بمنظور تشکیل تیم ((حل مشکل و تعارض)).

### استفاده از قدرت:

این شایستگی به منتخب کمک می‌کند تا جنبه‌های مختلف منابع متداول قدرت را بشناسد تا بتواند از آن بشکلی موثرتر در هنگام اعمال قانون بهره‌گیرد.

### تصمیم‌گیری:

این شایستگی به مدیر کمک می‌کند تا مشکلات را تجزیه و تحلیل و جدول بندی نماید تا قبل از تصمیم‌گیری تهدیدات و فرصت‌ها شناسایی و گزینه‌های لازم و بهینه اتخاذ گردد.

### سیاست‌گذاری:

در جریان این دوره فراگیران می‌آموزند که چگونه مسئولیت‌های مهم و منتخب خود را با اولویت‌کاری و با توجه به اصول حکمروایی شایسته به انجام رسانند. همچنین با فرایندهای سیاست‌گذاری و جریان‌ات مربوط به کسب و کار عمومی آشنا می‌گردند.

### توانمندسازی:

بصورت کلی این شایستگی اشاره به تکنیک‌ها و فنونی دارد که یک نوع همگرایی و جاذبه در بین مدیران شهری و شهروندان برای تشریح مساعی و کار گروهی بوجود می‌آورد سپس حوزه گسترده‌ای از شرکاء، داوطلبان انجام برنامه‌ها و مشارکت‌های مردمی را هدایت کرده و در آنها انگیزش لازم را ایجاد می‌کند.

### مهارت در مذاکره و گفتگو:

در این مهارت همه گروه‌های درگیر در فرآیند تصمیم‌گیری با یکدیگر به مذاکره و گفتگو می‌پردازند و در این راستا یک محیط امن برای تصمیم‌گیری مؤثر پدید می‌آید، پس جریانی روبه‌جلو از علایق و انگیزه‌های مشترک بین مجریان و شهروندان شکل می‌گیرد که در نهایت به تلاشی مضاعف و همه‌گیر منجر می‌گردد.

### مدیریت مالی و اداری:

مدیران با آموزش این مهارت با فرآیندهای بودجه بندی از زوایای مختلف بمنظور اتخاذ تصمیمات عقلایی، تخصیص درآمد، هزینه ها و انباشت دارایی های عمومی آشنا می شوند.

### نظارت و سرپرستی:

این مهارت باعث می شود مدیران در مسیری امن قدم گذارند که عملکرد قانونی، کارا و مؤثر آنها با همه اهداف و برنامه ها و خدماتی که در حوزه اختیارات رسمی تعریف شده، مطابقت داشته باشد.

### سرپرستی سازمانی:

این مهارت کمک می کند تا مدیر منتخب با آگاهی بیشتر از برنامه های توسعه بلند مدت و حمایت از شرکاء با توجه به اصول و راهبردهای سازمان متبوع خود در انجام کارها مؤثرتر عمل نماید.

### نقش رهبری:

این مهارت محرک و هدایت کننده دیگر شایستگی های مدیریتی برای رهبر منتخب است که او را به اجتماع (جایی که لقب منتخب به او اهدا شده) در طول زمان مدیریت پیوند می زند.

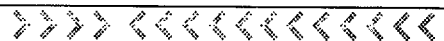
### ۱،۷- انتظارات آموزشی پس از اتمام دوره:

یادگیری ۱۲ شایستگی برتر مدیریتی منتخبان محلی را در موقعیتی قرار می دهد که ترکیبی از دانش، مهارت، درک نظریه های مدیریتی رافراگیرند که قطعاً موجب بهبود عملکرد جاری آنها، شفاف سازی نقش و مسئولیت های مدیران در قبال اجتماع خواهد گردید. این شایستگی ها اصول حکمروایی خوب در همه ابعاد توسعه پایدار محلی، پایداری در صلاحیت و اقتدار، ارائه خدمات مناسب به همراه شفافیت و پاسخگویی، برابری در دستیابی به فرآیندها و منابع تصمیم ساز، قبول تعهدات شهری و شهروندی، امنیت محیطی برای زنان و کودکان و ضرورت های لازم زندگی ارتباطاتی برسمیت شناخته می شوند. در این سری آموزشی ۲ مولفه اعتمادسازی در موضوعات مرتبط با مسائل نژادی، قومی، جنسی، سنی و دیگر عناصر تأثیرگذار در تصمیم سازی و سیاستگذاری و تنوع در کیفیت و یکپارچه سازی روابط بین آنها با بدنه دولت و اجتماع به دقت تبیین گردیده است.

### ۲،۷- برنامه های ارزیابی دوره های آموزشی Training Impact Evaluation

-بعد از اجلاس منچستر واحدی بنام DPU واحد برنامه ریزی توسعه که در آن کالج های لندن به همراه ۳۰ شبکه تخصصی به ارزیابی آموزشی و نظر سنجی عمومی تحت وب هبیتات پرداختند تا کیفیت و استاندارد دوره های آموزشی بازنگری شود.

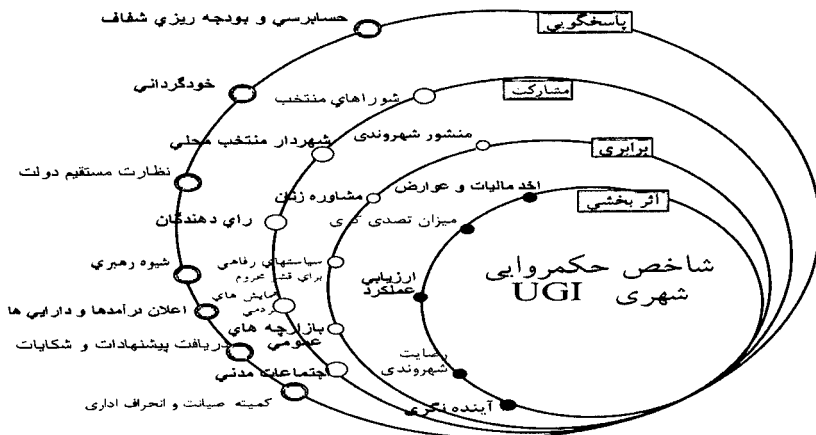
اشاره مجدد در این گردهمایی ها مطرح شد که روش LMS بهترین روشی است از نوع آموزش تعاملی که می تواند دانش و آخرین دستاوردها و تجربیات بروز علم مدیریت را در اختیار مدیران و دست اندرکاران اجرایی در سراسر دنیا بگذارد.



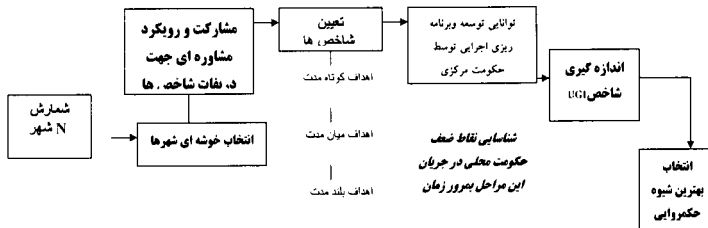
## ۸- روش ارزیابی و سنجش شاخص حکومت های شهری

اگرچه تا کنون مدل‌های متعدد شاخص گذاری هم در خصوص ارزیابی دولت مرکزی و هم در شهرها توسط متخصصان بانک جهانی و برنامه ریزی شهری (پیتر هال و پیتر نیوتن ۱۸ شهر را مطالعه و ۱۰ شاخص در ۱۳ دسته استخراج نمودند) مطرح شده که می توان به شاخص های HDI (شاخص توسعه انسانی) وابسته به دفتر سازمان ملل متحد در امور برنامه های توسعه ای، CDI (شاخص توسعه شهری)، شاخص اقتصادی GDP وابسته به بانک جهانی، ولی در خلال برنامه ریزی برگزاری دوره های آموزش الکترونیکی، شاخص حکمروایی شایسته شهری توسط هیئات با استفاده از مدل UGI مطرح شده که با دیگر مدلها از لحاظ ساختاری تا حدودی متفاوت است.

از سال ۲۰۰۲ کمپین جهانی حکمروایی شهری کار خود را توسعه داد و توانست با حمایت ۱۶ شهر و تیم متخصصین هیئات مدل UGI را برای آزمایش اولیه آماده نمایند در این مدل ۴ اصل اثربخشی-برابری-مشارکت-پاسخگویی به همراه ۲۵ شاخص مدیریتی منظور گردیده که با استفاده از آن می توان تلاشهای مجموعه مدیریت شهری در مقوله حکمروایی شایسته شهری را رصد و ارزیابی نماید. فرم اکسل online در اختیار کاربر قرار می گیرد تا پس از ثبت و ارسال اطلاعات (غالباً داده های دقیق شهرداریها) با موضوعات کلی درآمدها و مخارج شهرداریها، انتخابات محلی و شوراهای، ارائه خدمات شهری، حسابرسی رسمی، نظرسنجی اجتماعی، آمار و امتیاز مربوط به شاخص ها محاسبه گردد.



((سیستم امتیاز دهی UGI))



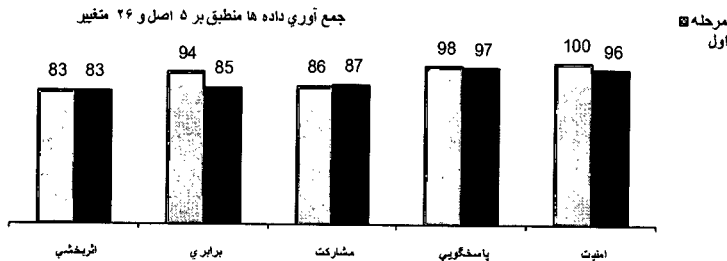
بمنظور کمیت دهی به هریک از شاخص ها بکمک نهاد GUO (رصدخانه بین المللی شهری) اطلاعات مربوط به ۲۴ شهر جمع آوری گردید که دقیقاً مطابق با پرسشنامه ها و فرم های الکترونیکی مشابه دروب سایت هیئات بود با این تفاوت که منظور بررسی صحت داده ها در دو بخش الکترونیکی و استفاده از پایگاه داده GUO و پرسشنامه های کتبی (که ارسال و از شهرداریها خواسته شده بود به آن پاسخ دهند) تنظیم گردیده بود. به همین منظور دو دسته داده برای هریک از ۲۴ شهر جمع آوری گردید تا اعتبار هریک از شاخص ها مطابق با رویه PCA، آنالیز شاخص های اصول ۴گانه مورد آزمون قرار گیرد که شایان ذکر است جدولی مطابق با مدل ترسیم شده وجود دارد که هریک از اصول به شاخص های عالی رتبه و شاخص های تعدیل یافته تقسیم بندی می شوند این تقسیم بندی ایده ای به متخصصان داده که مطالعات توسعه کمی و کیفی شاخصها را ادامه دهند.

### رویکرد داده کاوی:

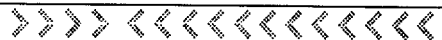
ابزار گردآوری داده ها در دو فاز طراحی گردد که در مرحله نخست طرح اولیه مورد آزمون قرار گرفت تا صحت نتایج بررسی شود تا در فاز ۲ نتایج در حجم وسیعتر جامعه آماری بدرستی حاصل آید. بعد از اجلاس شهر جهانی سال ۲۰۰۴ چندین شبکه بین المللی (بانک جهانی، UCLG, CLGF, FCM, UNDP, GUO) تاکنون در برنامه های مختلف از جمله جلسات الکترونیکی پیشرفت فرآیند جمع آوری، کمیت دهی، انبارش و پالایش داده و کسب نتایج معتبر برگزار گردیده است.

### آزمون میدانی و حجم نمونه:

هیئات و همکاران شبکه ای آن ۲۰ شهر (جدول ۳) را بعنوان جامعه آماری انتخاب کردند که انتخاب شهرها بر مشخصه های پهنه جغرافیایی، اوضاع اقتصادی-اجتماعی، نظام سیاسی و جمعیت از ۵ قاره جهان مبتنی گردیده بود. در مجموع ۲۹ متغیر کمی و امنیت بعنوان یک فرا متغیر در ۲ مرحله که قبلاً اشاره شد انتخاب و داده ها جمع آوری و بشکل دودویی (۱ و ۰) محاسبه گردید.



در مرحله اول میانگین کل داده ها برابر ۹۳ درصد و در مرحله دوم ۸۹ درصد می باشد که اختلاف اندازه گیری ناشی از جمع آوری داده ها به دوروش متفاوت است. همانطور که در نمودار بالا نمایان است اثربخشی، مشارکت و برابری با کمترین مقدار و پاسخگویی و امنیت با بیشترین مقدار نشان داده شده اند. مقادیر بین دو مرحله از اختلاف نتایج اندازه گیری حکایت می دهد که در این راستا بازخورد ارقام ۲ به



کارشناسان ارجاع و اعتبار آنها در جلسات متعدد (اکثراً الکترونیکی) با توجه به ۴ معیار سهولت جمع آوری داده، اصل فراگیری، روش ارتباط متغیرها بایکدیگر، اعتبار داده‌ها، مورد ارزیابی قرار گرفته اند و بر اساس امتیازات نزدیک به ۱۰۰، ۷۵ و کمتر از ۵۰ به بالاترین، متوسط و کمترین حالات تقسیم می شوند. به عنوان مثال در بخش اصل مشارکت اگر در شهری شهردار مستقیماً توسط مردم انتخاب شود یک امتیاز واگر انتخاب توسط شورا ۰،۷۵، انتصابی ۰،۵، امتیاز بندی میشوند. لازم به ذکر است بعد از بازنگری متخصصین و افزودن چند معیار دیگر به شاخص های فرعی اصول چهارگانه نتایج جدید حاصل گردیده که مطابق جدول ۲ تصحیح گردید.

### ۹- نتیجه گیری

شاخص حکمروایی شهری که از سال ۲۰۰۲ تا کنون بعد از ۳ آزمون کلی (آزمون اول در بین ۱۲ شهر، آزمون دوم ۲۰ شهر، آزمون سوم ۲۴ شهر) مورد ارزیابی قرار گرفت و توانست نتایج متفاوت از شاخص های عملکرد شهرها در مقایسه با حکمروایی شایسته نشان دهد. در این روش اصل بر مشارکت جمعی همه شبکه ها و حامیان طرح بود که از بازخور نتایج و آنالیز آن در جلسات متعدد بمنظور تصحیح نتایج استفاده می کردند. همچنین در هریک از آزمونها شاخص های مربوطه به اصول چهارگانه که نشانگر بهبود کیفیت حکمروایی شهری بودند تعدیل گردیده و درجایی که نیاز بود برای افزایش اعتبار از داده های معتبر کمی استفاده گردید که در نهایت ۸۰٪ شاخصها بصورت باینری ۳ و ۲۰٪ بصورت جوابهای (بله/خیر) که آنهم با محاسبات و استفاده از تکنیک وزن دهی به امتیاز عددی تبدیل گشت. شاخصها که پس از جلسات متعدد هم از لحاظ کمی و هم در تبادل نظرات و تجربیات کارشناسان از لحاظ کیفی ارتقاء یافتند چارچوبی مطمئن و پایدار را در مدیریت شهری بمنظور سنجش کیفیت حکمروایی در شهرهای مختلف جهان خلق کردند. در بخش ضامین مقاله نیز این شاخص برای چند شهر بصورت نمودار برای خوانندگان آورده شده است تا با نتایج این روش بهتر آشنا گردند.

### ۱۰- پیشنهادات

پس از یک دهه کار ارزشمند بین المللی درخصوص حکمروایی شایسته شهری و برگزاری دورههای آموزش الکترونیکی و بهبود کمی و کیفی شاخصها، بنظر می رسد در اغلب کلانشهرهای ایران دوره های درحین خدمت مدیران و کارشناسان چه بصورت حضوری و یا الکترونیکی در حال اجراء است که در تهران علاوه بر مناطق ۲۲ گانه ۲۰ سازمان و شرکت وابسته به شهرداریها در حال فراگیری ۵۰ عنوان دوره آموزشی (که از این میان ۲۵ عنوان بصورت الکترونیکی غالباً در حوزه فناوری اطلاعات) در حال برگزاری است. طراحی دوره های آموزشی مدیریتی برای نهاد مدیریت شهری نیز با وجود اهتمام لازم و برخورداری از فناوریهای ارتباطی قابل بهره برداری می باشد چراکه بابرگزاری چنین دوره های نوینی (متناسب با شرایط مدیریت شهری در ایران) علاوه بر توانمند سازی سازمانی می توان انتظار داشت که کیفیت تصمیمات و عملکرد مدیران در شهر و به تبع آن در نظر شهروندان بهبود یابد تا همه ذینفعان از طرح دانش افزایی مدیران شهری بهره لازم برده باشند.

## ۱۲- منابع

عاملی، رضا (۱۳۸۲). کتاب مطالعات شهر مجازی تهران، نشر آوای قلم  
لاله پور، منیژه، پایداری شهری در چارچوب حموایی، مجموعه مقالات همایش فرهنگ تولید و مصرف  
پایدار در زندگی شهری، موسسه نشر شهر  
رستگار، سید حامد، حکمرانی الکترونیک و تاثیر آن بر حکمرانی خوب شهری، ویژه نامه علمی پژوهش  
مدیریت شهری، نشریه همگامان

UN-HABITAT (2002); Urban Governance Indicators, A Source Book, First draft, Global Campaign on Urban Governance and the Global Urban Observatory

UN-HABITAT (2003); Urban Governance Index, Report of preliminary findings from the first stage field test, 19<sup>th</sup> Session of the UN-HABITAT Governing Council, 7 May, 2003 IULA and UN-HABITAT

UN-HABITAT (2002); Urban Governance Index, Report of Expert Group Meeting, 31 October – 1 November 2002, Global Campaign on Urban Governance and Global Urban Observatory, UN-HABITAT

Lambsdorff, J.Graf (2001); Corruption Perception Index, Framework document, Transparency International and Gottingen University, June 2001

Transparency International (2003); Transparency International Corruption Perceptions Index 2003

Sen, Amartya and Anand, S (1994); Human Development Index: Methodology and Measurement, Human Development Report Office, Occasional Papers,

Centre of Governance and Democracy (2000); Decentralisation and Democratic Local Governance Programming Handbook, Technical Publication Series, Washington

D.Kaufmann, A.Kraay, and P.Zoid-Lobaton (1999); Governance matters, Washington, DC, World Bank

Flood, Joe (1999); Urban Indicators for Thailand, Discussion paper, National Economic and Social Development Board, Asian Development Bank, Thailand

Flood Joe (1997); Epilogue: On Evidence, City Development Index, Unpublished

UNCHS (1997); "Analyses of data and global urban indicators database", Urban Indicators Programme, 1994-96, Nairobi, Kenya

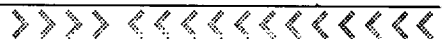
UNDP (1997); Governance for Sustainable Human Development, UNDP, New York,.

UN-HABITAT (2000); The Global Urban Observatory's Training Manual, Nairobi

Westfall and de Villa, eds. (2001); Urban Indicators for Managing Cities, Asian Development Bank, Manila, The Philippines.

Working Consensus Definition of Governance presented to the U.N. Consultative Committee on Programme and Operational Questions (ACC/2000/POQ/CRP.20 of 14 September 2000).

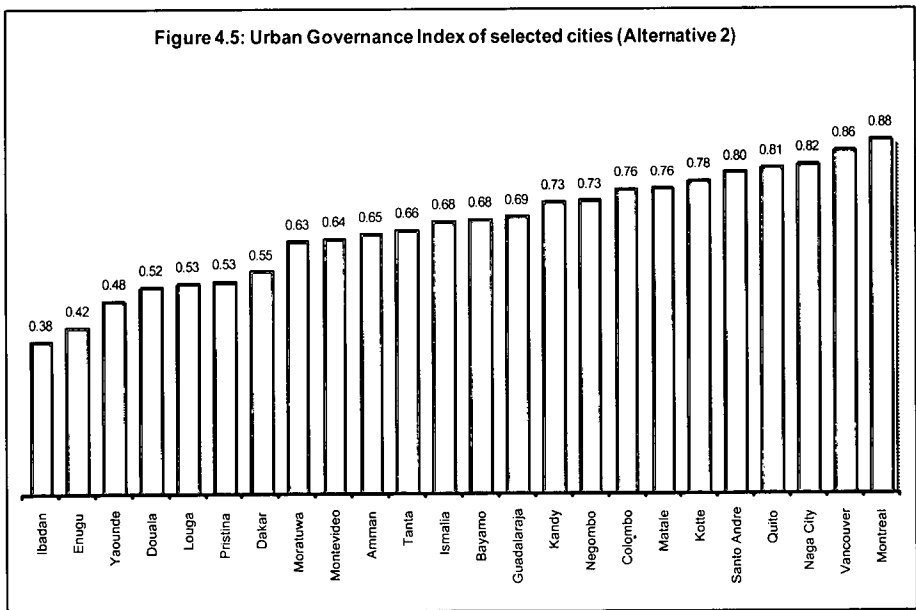
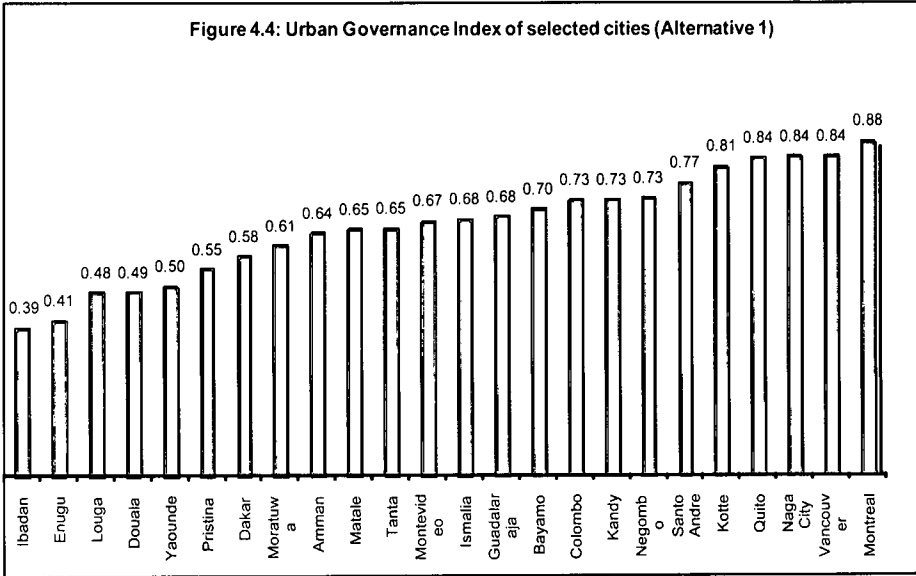
Wescott, Clay (2000); Measuring Governance in Developing Asia, Asian Development Bank, Manila.

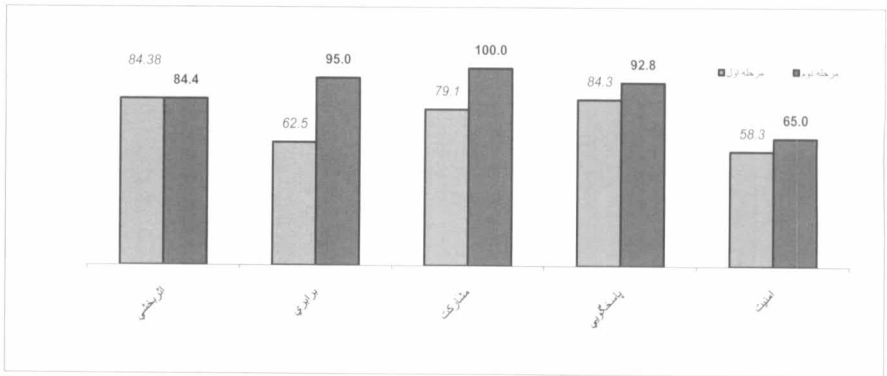




پیوست

نمودار ۱. شاخص حکمروایی شهری برای شهرهای منتخب در دومرحله





نمودار ۲- شاخص های فرعی تعدیل شده

Cities	Country	Region	Population <sup>1</sup> (millions)
Douala	Cameroon	Africa	2.50
Yaounde*			2.00
Louga	Senegal		0.10
Dakar			2.16
Ibadan	Nigeria		1.44
Enugu		0.62	
Amman	Jordan	Arab States	1.62
Tanta	Egypt		0.27
Ismalia			0.26
Naga City*	Philippines	Asia & Pacific	0.14
Colombo (6 M.C)			1.22
Moratuwa (M.C)			0.17
Negombo (M.C)			0.14
Matale (1 M.C)	Sri Lanka		0.03
Kandy (3 M.C)			0.15
Kotte (M.C)		0.11	
Pristina	Kosovo	Europe	0.20
Montreal	Canada	North America	3.42
Vancouver			1.80
Montevideo*	Uruguay	Latin America & Caribbean	1.50
Guadalajara City	Mexico		3.99
Quito	Ecuador		1.82
Santo Andre	Brazil		0.65
Bayamo	Cuba		0.15

جدول ۳

## نقش مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر بابل)

حسین نازک تبار

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور- مرکز ساری

علی احمدی فیروزجائی

کارشناس ارشد مهندسی کشاورزی و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

زهرا احمدی

کارشناس ارشد علوم اجتماعی و مدرس دانشگاه پیام نور- مرکز ساری

صفرعلی کلبادی نژاد

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و مدیر پژوهش و کارآفرینی دانشگاه پیام نور- مازندران

### چکیده

هدف اصلی این تحقیق در واقع روشن ساختن نحوه مشارکت شهروندان در یک شهر برای رسیدن به توسعه پایدار شهری است. روش تحقیق پیمایشی بوده که در بین شهروندان عادی و بالاتر از ۱۸ سال شهر بابل با حجم نمونه ۱۸۰ نفر انجام و از روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای استفاده شده است.

یافته های پژوهش، بازگوی آن است که بین متغیرهای شناخت نیازهای شهروندان، اعتماد اجتماعی و باور به کار گروهی با متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری) رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج ضریب رگرسیونی نشان می دهد که ۳ متغیر فوق به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته اند وارد معادله شده و در مجموع  $0/64$  از واریانس متغیر وابسته را تبیین نموده اند.

در اجرای هر طرح که شهروندان در مراحل از آن مشارکت فعال نداشته باشند؛ غالباً با عدم موفقیت در حصول به اهداف مواجه بوده است.

### واژگان کلیدی

مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نیازهای شهروندان، کار گروهی و توسعه پایدار شهری

## ۱. مقدمه

بدون در نظر گرفتن امر مشارکت، تضادها و اختلافاتی که امروزه در جهان وجود دارد، روز به روز بیشتر شده و بنیان جوامع انسانی را با خطرات جدی مواجه خواهد ساخت، که نهایتاً به از بین رفتن و اضمحلال نظام بشریت خواهد انجامید. با مطالعه سیر تکامل جوامع بشری مشاهده می شود که پیشرفت و توسعه پایدار هنگامی میسر شده است که انسان ها در جریان زندگی خود با همدیگر مشارکت و همکاری داشته اند. در جوامع بشری دو مفهوم مشارکت و همکاری قدمتی به اندازه پیدایش انسان دارد. البته، در ادواری از تاریخ نیز مشاهده می شود که برخی از افراد با توجه به خطرات حاصله از این همبستگی برای منافع آنان، این امر را قبیح و مذموم دانسته اند و با توسل به روش های گوناگون سعی در بر هم زدن این همبستگی و مشارکت ها داشته اند.

بنابراین برای جلوگیری از این امر و حفظ و تداوم حیات جامعه، شناخت راه های جلب و هدایت مشارکت های شهروندی همواره مد نظر مسئولین امر بوده است که در این صورت، دستیابی به اهداف مورد نظر از نظر زمانی در مدت زمان کوتاه تر و از نظر اعتباری با صرف هزینه های پایین تری عملاً ممکن گردد.

البته این نکته حایز اهمیت است که اگر شهروندی در عمران و آبادانی محل سکونت خویش و یا به دست گرفتن اداره بخشی از امور نقش مستقیمی داشته باشد و از راه های مختلف (اعم از مالی، یدی و یا فکری) به انجام این امر کمک نماید، امکانات و تسهیلات به وجود آمده را از خود دانسته و به عنوان یک پدیده بیگانه و یا تحمیلی بدان نمی نگرد و در نتیجه با اعمال خود درصدد از بین بردن و یا تغییر روش های مدیریتی بر نخواهد آمد، بلکه خود از آن چه که توسط او و سایرین به وجود آمده است حفاظت و حمایت خواهد نمود.

تجربه کشورهای مختلف جهان در طرح های توسعه شهری نشان می دهد، طرح ها در بسیاری موارد از قدرت دولت خارج است. موفقیت طرح ها در گرو مشارکت شهروندی و نهادهای محلی است و تنها با جلب اعتماد عمومی، تشویق شهروندان در مراحل مختلف طرح، باور آنان به کار گروهی و استفاده از مشاوره عمومی باعث توسعه پایدار شهری می شود. در اغلب کشورها مکانیسم های خاصی برای آگاهی و اظهار نظر شهروندان در مورد کلیت طرح توسعه شهری و یا بخش هایی از آن تعریف شده است. اما در کشور ما به دلیل به ندادن به مشارکت شهروندی در برنامه ریزی های ملی، منطقه ای، شهروندان فقط زمانی از طرح مطلع می شوند که بخواهند پروانه ساخت و ساز ملک شخصی خود را بگیرند. پیشنهاد طرح های شهرسازی از نظر شهروندان یک فال بخت آزمایی است که می تواند آن هایی را که مالک اراضی با کاربری مسکونی و تجاری به ویژه با تراکم بالا هستند، خوشبخت کند. چنین وضعیتی باعث می شود شهروندان احساس تعلق روحی و معنوی کمتری به شهر خود داشته و نه تنها مشوق اجرای طرح های توسعه نباشند، بلکه طرح را به خاطر دخل و تصرف در ملک شخصی خود مانعی قلمداد کنند (شارمند، ۱۳۷۸: ۲۱).

به طور کلی مشارکت شهروندان از دو جهت تأثیر اساسی در فرایند طرح های توسعه شهری دارد. نخست این که مشارکت یکی از ابزارهای لازم برای دستیابی به شناخت و تصمیم گیری درست محسوب می شود، که از طریق مراجعه به خرد جمعی، بهره گیری از تبادل نظر و توافق های گروه های مؤثر در طرح ها به دست می آید. دوم این که مشارکت تنها راه بهره گیری از تمامی امکانات طبیعی و انسانی

شهر و شهروندان در جهت طرح‌های توسعه شهری است. به طور خلاصه رویکرد مشارکتی هم به عنوان مبنای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی در عرصه برنامه ریزی و مدیریت یکی از لوازم توسعه پایدار، جامعه مدنی و دموکراسی محسوب می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۷۹: ۳۱).

شهر بابل به عنوان یکی از مراکز مهم جمعیتی در استان، همواره مورد توجه برنامه ریزان می‌باشد. از سوی دیگر این شهر دارای جاذبه‌های فراوان برای جذب جمعیت شهری و روستایی حوزه‌های مجاور برای سکونت و فعالیت است. در این مطالعه به علت معضلات و مشکلات بافت داخلی شهر بابل با توجه به نقش مشارکت شهروندان در پایداری طرح‌های توسعه شهری برای ارائه الگوی مناسب بررسی می‌گردد. بنابراین، سوال اصلی مقاله این است که: «عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری کدامند؟» در واقع، مسئولین شهر هنگامی می‌توانند به اهداف و مطالبات خود دست یابند که با خواست شهروندان برای فعالیت و مشارکت هرچه بیشتر عمل کنند.

## ۲. چارچوب نظری تحقیق

در مباحث مربوط به مشارکت و بررسی عوامل پیش‌برنده و یا بازدارنده آن، مفاهیمی همانند توسعه و خصوصاً توسعه پایدار جایگاه خاص و ارزنده‌ای پیدا می‌کند. زیرا، به عقیده اکثریت صاحب‌نظران و متفکرین، انجام هر نوع فعالیتی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نهایتاً به دنبال دست‌یابی به توسعه پایدار و استقرار و تداوم آن نزد جوامع بشری است. بنابراین، برای شناختن مفهوم مشارکت و کاربرد آن در جوامع بشری، باید هدف اصلی آن (یعنی دستیابی به توسعه پایدار) را از جهات و دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد.

در نظریه «سومبارت» فرد سعی می‌کند، موقعیت خودش را از راه غیر مستقیم یعنی بهبود موقعیت اجتماعی گروهی که در آن عضویت دارد، بهبود بخشد. در این صورت مشارکت فرد به صورت غیر مستقیم موجب ارتقاء اجتماعی خود او نیز خواهد شد. به تعبیر «سومبارت»، کافی است که فرد به این نتیجه برسد که امکان ارتقاء اجتماعی افراد وجود دارد و در عمل دریابد که خط مشی فردی ارتقاء اجتماعی مانند کارآیی لازم است. در این صورت به طور خودکار افراد جامعه به سوی خط مشی جمعی روی خواهند آورد (میسرا، ۱۳۶۶: ۲۸).

«میسرا» نیز مشارکت را فرآیندی می‌داند که باعث رشد توانایی‌های اساسی انسان از جمله شأن و منزلت انسانی و قدرت تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه افراد می‌شود. به عقیده وی اگر مشارکت مبنای مردمی داشته باشد، شخصیت متکی به خود و روحیه تعاون را در جامعه ایجاد می‌کند و یک گروه منسجم وقتی با مشکلاتی مواجه می‌شود، آنها را به صورت جمعی از سر راه خود بر می‌دارد و همین اعتماد به نفس و غرور نسبت به توانایی‌های گروه در حرکت جمعی تأثیر می‌گذارد. او معتقد است که اگر گروه یا افراد مشارکت‌کننده سازمان یافته باشند، آگاهی افراد بیشتر امکان ظهور و تکامل می‌یابند (همان: ۳۳).

نظریات «اسلمسر» نیز بیانگر ضرورت وجود استعداد ساختاری و فراهم ساختن و مهیا ساختن محیط و شرایط کلی برای به حرکت درآوردن نیروی مردمی برای نیل به اهداف مورد نظر می‌باشد؛ در صورت عدم پذیرش کلی از سوی مردم (که یک طرف این جریان می‌باشند)، ایجاد تحول برای رسیدن به توسعه و نیل به اهداف برنامه ریزی شده و تحرک در بازوان نیروی داوطلبانه با مشکل مواجه خواهد شد. پس باید به بافت و ساخت کلی فضای اجتماعی کاملاً توجه شود (طوسی، ۱۳۷۰: ۱۰۱-۹۹).

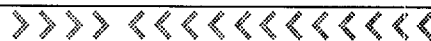
هم چنین، برای تبیین مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری می توان به نظریه سرمایه اجتماعی اشاره کرد و مشارکت شهروندان را از خلال کنش های سطح خرد توضیح داد. این نظریات را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. دیدگاه های کلان نگر: این دیدگاه سرمایه اجتماعی را به مثابه دارایی جمعی در نظر می گیرد. به نظر «پاتنام»، همکاری های داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی به ارث برده است بهتر صورت می گیرد. همکاری های داوطلبانه و انجمن ها به وجود سرمایه اجتماعی بستگی دارند. کسانی که برای مدت طولانی سرمایه اجتماعی بدست آورده اند، می توانند برای حل مشکلات، ترتیبات نهادینی ایجاد کنند (پاتنام، ۲۰۰۰). تعهد مدنی مستلزم وظایف متقابل و مسئولیت پذیری برای کنش است. شبکه های اجتماعی و هنجارها با همکاری متقابل می توانند همکاری را برای منافع متقابل تسهیل کنند. شبکه متراکمی از روابط متقابل، احساس مشارکت رادر فرد گسترش می دهد و ترجیح افراد را برای عمل جمعی بیشتر می کند (همان، ۱۹۹۵). به نظر او سرمایه اجتماعی حائز بیشترین افراد در این کنش ها است. اعتماد نیز از عناصر ضروری همکاری است و وجود نهادهای همکاری جویانه مستلزم اعتماد بین اشخاص است؛ بنابراین حس شهرت و قابل اعتماد بودن سرمایه با ارزش هر کسی است که می خواهد عضو انجمن ها شود. هنجار عمل متقابل نیز مرکز ثقل انجمن هاست؛ این هنجار از مولد ترین اجزای سرمایه اجتماعی است. جوامعی که از این هنجار پیروی کنند به گونه ای مؤثر می توانند مشکلات عمل جمعی را حل کنند. «فوکویاما» (۱۳۷۹) سرمایه اجتماعی را در رابطه با توسعه اقتصادی در نظر می گیرد و معتقد است که سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام دادن کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می سازد. از نظر «فوکویوما» سرمایه اجتماعی موجب می شود اعضای جامعه به هم اعتماد کنند و با تشکیل گروه ها و سازمان های جدید همکاری نمایند.

۲. دیدگاه های خرد نگر: نظریه شبکه، سرمایه اجتماعی را دسترسی های افراد به شبکه های روابط شخصی و اجتماعی در نظر می گیرد. از این نظر سرمایه اجتماعی متعلق به یک شخص است. نظریه شبکه، سرمایه اجتماعی را از خلال نوع شبکه ها و ماهیت و خصوصیت روابط و پیوند ها توضیح می دهد. از این نظر میزان منابع موجود در شبکه و دسترسی شخصی به آن ها میزان سرمایه اجتماعی او را تعیین می کند. عاملان با کنش های خود این منابع را به دست می آورند و یا حفظ می کنند. موفقیت یک کنش به طور مستقیم با سرمایه اجتماعی شخص در رابطه است (لین، ۲۰۰۲).

به نظر «بورديو»، سرمایه اجتماعی از دو بعد شبکه روابط و پیوند های اجتماعی و معاشرت پذیری تشکیل شده است. سرمایه اجتماعی کیفیتی است که از طریق روابط بین عاملان تولید می شود و میزان سرمایه اجتماعی هر عامل به اندازه شبکه روابطی که او به طور مؤثر می تواند به تحرک و دارد و نیز سرمایه کسانی که با او مرتبط اند بستگی دارد. (بورديو، ۱۹۸۵). بنابراین روابط فردی با دیگران و نیز طرز عمل این روابط و این که شخص چگونه می تواند این روابط را در طول زمان برقرار کند و به حداکثر برساند، سرمایه اجتماعی فرد را تشکیل می دهد (مک دانیل، ۱۹۸۹).

۳. پیوند سطح خرد و کلان: در واقع الگوی نظری کلمن موجبات حرکت از سطح خرد به سطح کلان را فراهم می کند. به نظر او، در هر نظریه ای اجزای سه گانه ای وجود دارند: رابطه متضمن حرکت از سطح کلان به خرد، رابطه متضمن حرکت از سطح خرد به کلان و رابطه مبتنی بر اصل کنشی که رفتارهای



کنش گران را توصیف می‌کند. زمانی که کنش‌های افراد مختلف به شیوه‌های متفاوت ترکیب می‌شوند، موجب رفتار سیستمی متفاوت یعنی پدیده‌های اجتماعی مختلف می‌گردند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۸). بنابراین سرمایه اجتماعی هم در سطح روابط بین کنش‌گران و هم در سطح کلان و به عنوان دارایی جمعی قابل طرح است. ایجاد این دارایی جمعی نیز از خلال روابط بین کنش‌گران می‌باشد. (کامرسگارد، ۱۹۹۹؛ فالک و کیلیاتریک، ۱۹۹۹).

چارچوب نظری مقاله با الهام از مباحث نظری مطرح شده، تلفیقی از نظریه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که طی آن سعی گردیده با نگاهی جامع هم به بررسی مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری پرداخته شود. با توجه به نظریه‌های «سومبارت، میسرا و اسملسر» می‌توان گفت که، آن چه سبب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری است جست و جوی هویت معنا و وجود نوعی ارزش‌های خاص در کنش‌گران اجتماعی است. نیاز افراد به روابط اجتماعی، احترام، حیثیت، تحقق خود که ناشی از زیر سؤال رفتن منابع پیشین هویتی می‌باشد، باعث اشکال خاصی از کنش جمعی می‌شود. در شرایطی که افراد نیاز به معنا، هویت، تحقق خود، احترام و روابط دارند، این امور برای آن‌ها ارزشمند می‌شوند. بنابراین ارزش‌های افراد به سمت ارزش‌های خود شکوفایی، عزت و احترام، حیثیت و تعلق خاطر... معطوف می‌شود و زمینه را برای مشارکت افراد در کنش‌های جمعی که می‌تواند این نیازها را ارضا نماید فراهم می‌کند. بنابراین، توسعه پایدار شهری را می‌توان ناشی از ارزش‌های فرامادی و میل شهروندان به خود شکوفایی، جست و جوی هویت و معنا دانست. شهروندان واقعیت‌های پنهانی و مغشوش را در امور سیاسی و اجتماعی درک کرده‌اند و خارج از خودشان مسئله دارند که نسبت به آن احساس وظیفه می‌کنند. آن‌ها در انجام دادن کنش خود به دنبال رفع نیازهای اولیه و مادی نیستند، بلکه به دلیل احساس همدردی نسبت به انسان، توجه به محیط و آرمان‌ها، طرح ادعاها و خواسته‌ها و پیشرفت و تجلی منش خود به این واکنش دست می‌زنند. هم‌چنین، با تاکید بر نظریه سرمایه اجتماعی مشارکت، شهروندانی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و کیفیت این رابطه نیز از نظر وجود اعتماد و هنجارها، همکاری متقابل بیشتری داشته باشند، تمایل بیشتری برای عضویت و مشارکت در توسعه پایدار شهری دارند. ارزش‌های فرامادی نیز با ایجاد انگیزه بیشتری برای روابط با دیگران برای مشارکت مؤثرند. شهروندانی که دارای ارزش‌های فرامادی‌اند، به برقراری روابط با دیگران ایجاد کیفیاتی از نوع اعتماد و همکاری در این روابط متمایل هستند و بدین طریق احساس تعلق، احترام و خودشکوفایی می‌کنند. این روابط و کیفیات آن به توسعه پایدار شهری منجر می‌گردد. به منظور تقویت مشارکت اجتماعی در توسعه پایدار شهری، با توجه به نظریات صاحب‌نظران و چارچوب نظری تحقیق می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:

#### ۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی شهروندان و مشارکت آنان در توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین باور به کار گروهی شهروندان و مشارکت آنان در توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین نیازهای شهروندان و مشارکت آنان در توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.

#### ۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر پیمایشی در زمینه عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری در بین شهروندان عادی و بالاتر از ۱۸ سال شهر بابل با حجم نمونه ۱۸۰ نفر است. روش نمونه گیری، نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای می باشد. میزان پایایی پرسش نامه ها، با توجه به ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ تعیین، که میزان قابل قبولی است.

#### ۵. یافته های تحقیق

یافته های توصیفی تحقیق نشان می دهد که، ۷۲/۸ درصد از پاسخ گویان مردان و ۲۷/۲ درصد نیز زنان بودند. در حدود ۶۲ درصد شاغل تمام وقت که هر کدام به هر نحوی با امر مشارکت و توسعه شهر در ارتباط بوده اند. ۱۲ درصد شاغل پاره وقت، ۱۵ درصد دانشجو و ۱۱ درصد سایر فعالیت ها شرکت داشته اند. هم چنین ۵۹/۳ درصد در حد تحصیلات لیسانس، ۱۷/۴ درصد فوق دیپلم و ۲۳/۳ درصد شهروندان دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم بوده اند.

هم چنین، جهت سنجش رابطه بین متغیرهای مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری و نیازهای شهروندان، اعتماد اجتماعی و باور به کار گروهی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره استفاده شده است که در ادامه به تفکیک به شرح نتایج حاصل از آزمون رابطه بین هر یک این متغیرها در جدول (۱) آمده است:

جدول (۱) آزمون ضریب همبستگی پیرسون

سطح معنی داری (P)	مقدار آزمون ضریب همبستگی	متغیرها
۰/۰۱	۰/۶۸	نیازهای شهروندان - مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری
۰/۰۱	۰/۶۳	اعتماد اجتماعی - مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری
۰/۰۱	۰/۵۴	باور به کار گروهی - مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری

با استناد به نتایج بدست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون؛ ملاحظه می گردد که رابطه معناداری بین متغیرهای نیازهای شهروندان، اعتماد اجتماعی و باور به کار گروهی با مشارکت شهروندی در توسعه پایدار شهری، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ درصد، رابطه معنادار و مثبتی وجود داشته است. این موضوع بدین معناست که هر قدر نیازهای شهروندان افزایش یابد؛ هر قدر اعتماد اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد؛ و نهایتاً این که هر قدر باور به کار گروهی افزایش یابد؛ مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری، با افزایش چشم گیری مواجه خواهد شد.

در مطالعه حاضر، جهت پیش بینی و تعیین میزان متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری)، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد که طی آن، ابتدا تأثیر هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته با استفاده از روش گام به گام (Stepwise) تعیین گردید و سپس، با استفاده از روش همزمان (Enter)، مجموعاً و به یک دفعه مورد آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره قرار گرفتند. براساس نتایج این تحلیل رگرسیون، متغیرهای نیازهای شهروندان (با ضریب تأثیر ۰/۲۰)، اعتماد اجتماعی (با



ضریب تأثیر ۰/۱۸) و باور به کار گروهی (با ضریب تأثیر ۰/۱۶) به ترتیب از ضرایب تأثیر رگرسیون استاندارد شده و معنادار بر متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری)، برخوردار بوده اند. ضمن آن که، براساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه با R (۰/۶۴)، همبستگی آماری قوی‌ای بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری)، وجود دارد. مقدار ضریب تعیین یا  $R^2$  نیز که برابر با ۰/۴۰ می‌باشد، نشانگر تبیین ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری توسط مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده می‌باشد و مقدار آزمون F (۱۳/۸۶۷) نیز نشانگر قابلیت بالا و مناسب مدل و طبیعتاً تبیین تغییرات متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری)، توسط مجموعه متغیرهای مستقل می‌باشد. جدول (۲) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر (مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری) را نمایش می‌دهند:

جدول (۲) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری

ردیف	نام متغیر	B	SEB	Beta	t	P
۱	= مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری	-	-	-	-	-
۲	Constant = عدد ثابت	۳۷/۶۱۵	۷/۵۲۶	-	۴/۴۵۷	۰/۰۱
۳	$X_1$ = اعتماد اجتماعی	۰/۵۸	۰/۱۸	-۰/۱۸	۲/۹	۰/۰۱
۴	$X_2$ = نیازهای شهروندان	۰/۶۶	۰/۲۶	-۰/۲۰	۲/۵۵	۰/۰۱
۵	$X_7$ = باور به کار گروهی	۰/۵۷	۰/۲۱	۰/۱۶	۲/۵۶	۰/۰۱
		$F=13/867$	$R^2=0/40$	$P<0/01$		

نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری)، همبستگی وجود دارد، به این معنا که این متغیرها در مجموع توانسته اند ۰/۶۴ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند ( $R^2=0/64$ ).

#### ۶. بحث و نتیجه گیری و پیشنهادها

در نهایت آن چه می‌توان از این بحث‌ها برداشت نمود، این است که مشارکت از جهتی وسیله‌ای برای دست‌یابی به اهداف توسعه انسانی و تمرکز و تجمع گروه‌های مختلف جهت تأمین سعادت آن‌ها و از طرفی به عنوان یک ارزش مستقل دارای نتایج و برآیندهای توسعه‌ای می‌باشد که در این صورت مردم احساس عزت نفس و امنیت و احساس مسئولیت نموده و با سهیم شدن در تمام امور و پذیرش یا رد آن، راه‌های دست‌یابی به سعادت خود را تعیین خواهند کرد. در اجرای هر طرح که مردم در مراحل از آن مشارکت فعال (اعم از فکری، مالی و یا فیزیکی) نداشته باشند؛ غالباً با عدم موفقیت در حصول به اهداف مواجه بوده است و به همین دلیل مشارکت مردم به عنوان مهم‌ترین عامل در موفقیت طرح‌ها به شمار می‌رود و اگر اهالی یک منطقه در شکل‌گیری طرح یا برنامه‌ای دخالت مستقیم داشته باشند و به آن طرح احساس تعلق نمایند، نهایتاً می‌تواند منجر به موفقیت گردد.

به هر حال توسعه نمی‌تواند بدون مشارکت واقعی مردم در تمامی سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی تحقق عینی یابد، با مروری بر ادبیات نظری و تجربه‌های عملی مربوط به مشارکت و مراحل اجرایی آن در یک چارچوب کلی این نکته حائز اهمیت است که با توجه به این که مشارکت به عنوان عامل زمینه‌ساز اجرای طرح‌های مورد نظر دولت‌ها در نظر گرفته شده است، اما خود مشارکت نیز به

عوامل زیادی بستگی دارد که از آن جمله می توان به شرایط خود فرد از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... اشاره نمود که هر یک از این عوامل می تواند بر مشارکت یا عدم مشارکت افراد، نحوه مشارکت و میزان مشارکت افراد در طرح های توسعه شهری تأثیر داشته باشد و این عوامل را می توان به دو دسته درون محیط زندگی فرد (میزان مشارکت وی در فعالیت های شهری، اجتماعی، اقتصادی، موفقیت در شغل خود، میزان اعتماد به سایرین و...) و خارج از محیط زندگی فرد (ارتباط با سایر ادارات، میزان اهمیت دادن به امر مشارکت و نوع مشارکت و...) تقسیم و هر یک از این متغیرها را با یکدیگر در ارتباط قرار داد.

تحلیل نظری این است که اعتماد، باور به کار گروهی و نیازهای شهروندان در قالب شبکه های روابط اجتماعی، مشارکت و همکاری را در میان شهروندان تسهیل می کند و بر توسعه پایدار شهری تأثیر می گذارد. بنابراین سازوکار اصلی که می تواند شهروندان را در فعالیت های اجتماعی به صورت منسجم هدایت کند، سرمایه اجتماعی است که از طریق آن علاوه بر این که زمینه ای فراهم می شود تا تک تک شهروندان به احساس همکاری و مشارکت برسند، بستری نیز ایجاد خواهد شد که این مشارکت جنبه بالفعل داشته باشد.

با توجه به یافته های تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

۱- با توجه به یافته های تحقیق، می بایستی برای جذب مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در توسعه پایدار شهری، در گام نخست ظرفیت ها و نیازمندی های شهروندان تشریح و بیان گردد و لازم است سیاست و تدابیر مناسب در مورد افزایش مشارکت شهروندان اتخاذ گردد و مسئولین از این طریق با توجه به ماهیت مشارکت پذیرشان، شهروندان را به انجام کار گروهی و همکاری دسته جمعی، ترغیب نمایند.

۲- به طور کلی عوامل اجتماعی نظیر اعتماد اجتماعی و باور به کار گروهی که از مولفه های سرمایه اجتماعی است، زمینه ساز حضور مشارکت شهروندان به عنوان یکی دیگر از مولفه های سرمایه اجتماعی می باشد. در واقع کنشگرانی که دارای ارزش ها و تمایلات خاص می گردند و نیز سرمایه اجتماعی بیشتری دارند، مشارکت برای توسعه پایدار شهری را به عنوان محمل کنش خود برمی گزینند. بنابراین، پیشنهاد می گردد جهت توسعه پایدار شهری، روابط اجتماعی همراه با هنجارهای اعتماد و باور به کار گروهی، به دور از منافع اقتصادی و سیاسی و در راستای نیازهای شهروندان صورت گیرد تا زمینه حضور مشارکت آنان فراهم گردد.

### منابع و ماخذ:

- آربی میسرا و جی شیوجیما عوامل موثر در مشارکت مردمی، مجله جهاد، تهران، شماره ۹۲، ۱۳۶۵.
- شارمند، شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری (بررسی تجارب تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری در ایران)، تهران: وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۸.
- طوسی، محمد علی، مشارکت به چه معنی، مجله علمی کاربردی مدیریت دولتی، تهران، شماره سیزدهم، ۱۳۷۰.
- فوکویوما، فرانسیس پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹.
- کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، ۱۳۷۷.
- نجاتی حسینی، سید محمود، جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۸۰.
- Bourdieu, Pierre, the forms of capital, translated by Richard nice, www.viet.Studies, org/biurdieu-capital, 1985.
- Falk fan, Kilpatrick, sue, what is social capital? A study of interaction in rural community, center of research, and learning in regional australia, university of Tasmania, ww.crlra. Utas.edu. au, 1999.
- Kammergard, jesper, causalities between social capital and social funds, social protection unit. Human development network. The world Bank. 1999.
- Lin, Nan, social capital: a theory of social structure and action, Cambridge university press, 2002.
- Mc Dael, Alberto, Nomads of the protest social movements and individual needs in contemporary society, Philadelphia, temple university press, 1989.
- Putnam, Robert, bowling alone: the collapse and revival of American community. Rockefeller center, 2000.
- Putnam, Robert, zd, Bowling slone, Americans declining social capitala, x roads.virginia.Edu/Detoc/assoc/bowling, 1995

## امکان سنجی کاربرد الگوهای اقلیمی بافت های کهن در توسعه پایدار شهرهای جدید مورد مطالعه عالیشهر، بوشهر

احسان رنجبر

مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد معماری و شهرسازی مهندسین مشاور سبز اندیشان پایش (سپ)

داود صفدری

مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد معماری و شهرسازی شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی)

کیوان خلیجی

کارشناس ارشد معماری و شهرسازی دفتر نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران

### چکیده

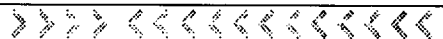
نگاهی به تجربه ایجاد شهرهای جدید<sup>۱</sup> در ایران به عنوان یک سنت جدید در شهرسازی معاصر کشور گویای این مطلب است که در این شهرها توجه چندانی به فضاهای عمومی به عنوان یک جزء لاینفک طراحی شهری نشده است. این در حالی است که بافت های شهری که ماندگاری خود را در یک دوره تاریخی تا به امروز حفظ نموده اند، به گونه ای کاملاً آشکارا جایگاه ارزشمند چنین فضاهایی را در مقیاس های مختلف پیش رو قرار می دهند. با نگاهی عمیق تر به محصولات و فرآورده های طراحی شهری در شهرهای جدید به این مهم دست خواهیم یافت که علی رغم توجه زیاد به مؤلفه ها و متغیرهای اقلیمی در طراحی فضاهای شهری بافت های تاریخی، در قریب به اتفاق شهر های جدید، این فاکتورهای اقلیمی اثر گذار، نقش ناچیزی را در فرآیند طراحی فضاهای عمومی ایفاء نموده اند.

این مقاله در پی آن است که با توجه به وجود الگوهای اقلیمی در فضاهای شهری بافت قدیمی بوشهر به بازنگری وضع موجود و طراحی فضاهای باز عالیشهر بپردازد. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می شود که بدانیم رعایت معیارهای اقلیمی و استفاده از الگوهای مناسب، می تواند تأثیرات کالبدی و هویتی خود را در شرایط اقلیمی خاص هر منطقه بر آسایش، ارتباط و پویایی ساکنین آن منطقه و پایداری توسعه های شهری نمایان سازد.

لذا نگارندگان در طول این تحقیق کوشیده اند ضمن تأکید بر فرآیند تولید فضاهای شهری در محله ۲ فاز ۴ شهر جدید عالیشهر و نقش عوامل اقلیمی در شکل گیری این فضاها و همچنین تأثیر این فضاها در ایجاد و ارتقاء هویت شهری، زمینه های لازم برای دست یابی به یک الگوی مناسب طراحی در سطح فضای شهری بر اساس معیارهای طراحی اقلیمی بافت قدیم بوشهر را فراهم نماید.

### واژگان کلیدی

الگوهای اقلیمی، تابش آفتاب، جریان باد، بوشهر، شهر جدید عالیشهر



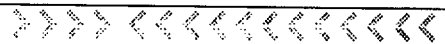
## ۱- مقدمه

بر اساس مفاد ماده ۱ ایجاد شهرهای جدید که در دی ماه ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی قانون یاد شده که در مرداد ماه سال ۱۳۸۲ به تصویب هیئت وزیران رسیده است شهر جدید به نقاط جمعیتی اطلاق می‌گردد که در خارج از محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرها برای اسکان حداقل سی هزار نفر به اضافه ساختمان‌ها و تأسیسات مورد نیاز عمومی، خدماتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن در چارچوب طرح‌های مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، پیش‌بینی و احداث می‌شوند. ضرورت ایجاد مکان احداث و سقف جمعیتی شهر جدید با رعایت سیاست‌های دولت در قالب طرح کالبدی ملی، منطقه‌ای و یا ناحیه‌ای به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد، پس از ابلاغ مصوبه شورای عالی، سازنده شهر جدید می‌تواند نسبت به تهیه طرح جامع شهر اقدام نماید. در فضای قانونی فوق، شرکت عمران شهرهای جدید به عنوان شرکت مادر تخصصی، در سال ۱۳۶۸ بر طبق اساسنامه مصوب وزارت مسکن و شهرسازی به منظور برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، هماهنگی و نظارت عالی بر طراحی و اجرای شهرهای جدید تشکیل شد. این شرکت برای انجام مأموریت مورد اشاره از سال ۱۳۶۸ تا کنون نسبت به تأسیس ۲۲ شرکت عمران شهر جدید (شرکت وابسته) به عنوان زیرمجموعه‌های شرکت مادر اقدام نموده است. (عقیقی، ۱۳۸۸: ۲۷)

گذر از دو دهه، زمان نسبتاً خوبی برای ارزیابی و قضاوت در خصوص هر سیاست و برنامه‌ای می‌تواند به شمار آید به ویژه آن که کشور در مرحله انتخاب و تجربه جدیدی در زمینه آن سیاست‌ها و برنامه‌ها باشد مخصوصاً اگر آن سیاست‌ها در دوره‌ای تجربه شوند که طیف گسترده و متنوعی از آن برنامه‌ها تجربه شده باشند (زنجانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶). تجربه شهرهای جدید در کشورمان ایران، حاکی از این مدعا می‌باشد که در حال حاضر شهر جدید با هدف اسکان سرریز جمعیت درروندی مشخص و سریع، به نقشه‌های اولیه در زمین جسم می‌بخشد و خیابان‌ها به صورت تفکیک‌کننده پلاک‌های هم‌شکل و هم‌ارتفاع ایفای نقش می‌کنند و با نادیده گرفتن مفاهیم فضای شهری در طراحی عرصه‌های عمومی شهر حضور اجتماعات در شهر جدید از دست می‌رود. (عابدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۶) عرصه عمومی که مهمترین بخش فراموش شده در شهرهای جدید است مکانی است که می‌بایست در آن گفت‌وگو میان شهروندان به صورت دیدارهای چهره‌به‌چهره صورت گیرد اما در حال حاضر عدم توجه به ابعاد کیفی طراحی شهری در این شهرها و توجه صرف به جنبه‌های فیزیکی-زیستی انسان موجب شکل‌گیری طرح‌های دوبعدی، خیابان‌های شطرنجی و بلوک‌های ساخته شده در حاشیه آنها و ... گردیده است. با اهداف ذکر شده طی دو دهه گذشته شهر جدید به عنوان ذخیره‌گاه اضافات جمعیت کلان شهرهای کشور مطرح شده است و با این نوع نگرش، آن نوع طراحی ارائه می‌شود که بدون توجه به ارزش‌ها، در قالب همان شبکه‌های شطرنجی و در بهترین نمونه‌های خود با تقاطع زاویه دار، ارتفاعات یکسان و کاربری غالب مسکونی تولید می‌شود. عدم توجه به توسعه آتی شهر و اهمیت ننگه‌داشت جمعیت به میل خود در مجموعه، بی‌توجهی به شکل‌گیری خاطرات جمعی، ایجاد فضاهای عمومی و عدم توجه به نیازهای اجتماعی و تفریحی برای ساکنین از نکاتی است که تا کنون در این شهرها مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که تأسیس شهر جدید می‌تواند مردم را به سمت زندگی در مکان‌هایی بکشاند که آهنگ زندگی و رشد دور از مرکز شهر در آنجا غالب است و شهر جدید می‌تواند نقطه شروع جدید در زندگی ساکنان آن باشد. (باقری بهشتی، ۱۳۸۵: ۶۱)

مجموعه مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه طراحی شهری و به دنبال آن مبحث پایداری، به طور عمده سه مولفه محیطی، اقتصادی و اجتماعی را پیش رو قرار می‌دهد که از این میان مولفه محیطی به نوعی بیشتر از دو مولفه دیگر بروز کالبدی در شهر می‌یابد. لذا می‌توان گفت توجه به عوامل محیطی بستر طراحی، نقشی مهم و اساسی در شکل فضای عمومی شهری دارد. با توجه به این زمینه ذهنی می‌توان چنین برداشت نمود که در مناطق دارای اقلیم خاص در نظر داشتن مؤلفه‌ها و متغیرهای اقلیمی اثرگذار نقش مهمی در فرآیند طراحی فضای عمومی ایفا می‌نماید. توجه هوشمندانه به بافت‌های شهری تاریخی که ماندگاری خود را در یک دوره تاریخی تا به امروز حفظ کرده‌اند به گونه‌ای کاملاً آشکار جایگاه بی‌بدیل فضاهای عمومی شهری در مقیاس‌های مختلف را پیش رو قرار می‌دهد. لذا می‌توان گفت سرزندگی و پویایی این فضاها می‌تواند به غنای هر چه بیشتر شهر در زمینه‌های مختلف اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و... کمک کند.

تطبيق این نگرش با سنت طراحی شهری در ایران حکایت از آن دارد که هر چند در عمده بافت‌های کهن شهری در مناطق اقلیمی و چندگانه ایران توجه به مولفه‌های طراحی اقلیمی در طراحی فضاهای شهری به صورت کاملاً ملموس مورد ملاحظه قرار گرفته است، با وجود چنین بستر گویایی نگاه به فرآیند و محصولات طراحی شهری در شهرهای جدید ایران گویای مطالبی متفاوت و تا حدود زیادی مغایر است. این مقاله در پی آن است که ضمن بازخوانی مفاهیم فضاهای عمومی شهری و به دنبال آن فضای عمومی کارا و سرزنده شهری با تکیه بر مولفه‌های اقلیمی تأثیرگذار در شکل‌گیری چنین فضاهایی از یک سو زمینه‌های دستیابی به هویت هرچه بیشتر شهری در شهرهای جدید به عنوان یک سنت جدید در شهرسازی ایران را فراهم نماید و از سوی دیگر بستر لازم جهت حضور هر چه پررنگ‌تر فضاهای عمومی سرزنده شهری بر اساس معیارهای اقلیمی در فرآیند طراحی شهرهای جدید را مهیا سازد. در این چارچوب شهر جدید عالی‌شهر در اقلیم گرم و مرطوب منطقه بوشهر، با توجه به وجود الگوهای طراحی اقلیمی در فضاهای عمومی بافت کهن شهر بوشهر و عدم بروز کالبدی این الگوها در فضاهای شهری عالی‌شهر، مورد بررسی و توجه ویژه جهت تدوین معیارهای نهایی قرار گرفته است. نگاه به برآیند فعالیت‌های انجام شده در زمینه طراحی شهری در این شهر نشان می‌دهد که به فضاهای عمومی شهری به عنوان یک جزء لاینفک طراحی شهری توجه چندانی نشده است. با توجه به نقش تأثیرگذار این فضاها در ایجاد یک فضای تعاملی و همچنین ایجاد خاطره جمعی و در پس آن ارتقاء هویت شهری، بدیهی است که باید به بازتعریف جایگاه فضاهای عمومی شهری در طراحی شهر جدید عالی‌شهر بپردازیم. این مقاله در پی آن است تا با پرداختن به نقش فاکتور اقلیمی در شکل‌گیری فضاهای شهری بافت تاریخی بوشهر، نقش این مهم را در فرآیند طراحی فضاهای شهری عالی‌شهر را بیان و به تشریح آن بپردازد. عالی‌شهر به عنوان یک شهر جدید لزوم چنین بازتعریفی در سطح بازنگری وضعیت فعلی را به وضوح احساس می‌کند. اهمیت این مسأله با توجه به وضعیت اقلیمی خاص موجود در منطقه بوشهر دوچندان می‌شود. چرا که در چنین اقلیم‌هایی توجه به معیارهای اقلیمی در طراحی فضاهای شهری، زمینه آسایش و حضور شهروندان و ایجاد فعالیت پویای شهری را فراهم می‌آورد. با وجود شکل‌گیری بافت قدیم بوشهر با الگوی شهر فشرده<sup>۲</sup> و با رعایت معیارهای اقلیمی، بروز کالبدی و محصول طراحی شهری در عالی‌شهر تصویری متفاوت را عرضه کرده است. لذا در این مقاله با تأکید بر فرآیند تولید



فضاهای عمومی شهری در عالیشهر و نقش عوامل اقلیمی در شکل‌گیری این فضاها و همچنین تأثیر این فضاها در ایجاد و ارتقاء هویت شهری، زمینه لازم برای دستیابی به یک الگوی مناسب طراحی در سطح فضاهای عمومی شهری بر اساس معیارهای طراحی اقلیمی در بافت قدیم بوشهر، فراهم می‌آید.

## ۲- اهداف تحقیق:

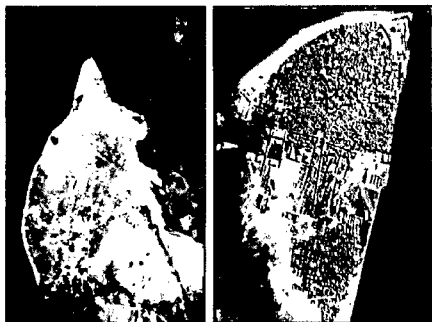
- ۱- دستیابی به الگوی مناسب فضاهای عمومی شهری بر اساس رابطه آن با اقلیم
- ۲- گونه‌شناسی فضاهای عمومی شهری در بافت کهن بوشهر جهت معرفی الگوهای طراحی این فضاها در شهرهای جدید
- ۳- تبیین معیارها خطوط راهنمای طراحی شهری در فضاهای عمومی شهری عالیشهر بر اساس عناصر معماری و شهرسازی اقلیمی بوشهر

## ۳- روش تحقیق:

روش پایه ای در این پژوهش، روش تحلیلی-تطبیقی است. البته باید خاطر نشان کرد که با توجه به ماهیت چند بخشی تحقیق، در هر قسمت از روش‌های متفاوت جهت دستیابی به اهداف استفاده شده است. از روش کتابخانه‌ای جهت بررسی نظریات گوناگون و از روش تحقیق تاریخی در تحلیل بافت قدیم بوشهر و بررسی تغییرات فضاهای عمومی در یک دوره تاریخی و از روش‌های مشاهده‌ای و تحقیق میدانی جهت برداشت اطلاعات کمک گرفته شده است.

## ۴- بوشهر و الگوهای اقلیمی معماری و شهرسازی بافت کهن:

مسئله اصلی در شهرسازی و معماری معاصر جهان امروز، قطع ارتباط میان معماری و شهرسازی بومی و نیازهای مدرن است. ضروری است تا متدهای استفاده شده در دنیای قدیم را به منزله سمبلی از راه حل‌های سبز یادآوری کرد و سپس آنها را توسط پیشرفت‌های تکنولوژیک عصر حاضر با دنیای جدید تطبیق داد. لزوم مرور راه‌حل‌های گذشته برای تطبیق با شرایط سخت آب و هوایی، این است که معماری و شهرسازی آن روزها حاصل پروسه متداوم محلی بوده است که از نسلی به نسل دیگر در طی زمانی طولانی منتقل شده است و جایگاه و پیوستگی آنها توسط آزمایش و خطا طی صدها سال آزمایش می‌شد. سپس قطع ناگهانی این پروسه در نتیجه راه‌حل‌های سریع‌تر و آسان‌تر فراهم شده توسط معمار و شهرساز مدرن، ما را وادار ساخت تا تمامی آن متدهای زیست‌محیطی را فراموش کنیم. بدین منظور در این قسمت از مقاله تلاش شده است تا با بررسی راهکارهای اندیشیده شده در معماری و شهرسازی سنتی و بومی بوشهر و با هدف انطباق با شرایط خاص اقلیمی منطقه، خصوصاً در روزگاری که بشر ناگزیر بود صرفاً از انرژی‌های پاک و طبیعی استفاده کند، برای معماری و شهرسازی امروز آن هم در شهرهای جدید به عنوان جنبشی نو در شهرسازی و معماری کشور درس‌های ارزشمند و جدیدی را بیاموزیم.



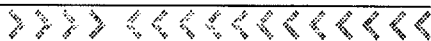
تصویر شماره ۲- عکسهای هوایی بوشهر در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۵ منبع: آرشیو سازمان جغرافیایی کشور



تصویر شماره ۱- تصویر اوژن فلاندن از بوشهر منبع: [www.bushherema.ir](http://www.bushherema.ir)

در معماری و شهرسازی سنتی ایران، تبعیت نمودن از عوامل تاثیرگذار اقلیمی را به وضوح می توان در ساختار کالبدی بافت های شهری و چگونگی طراحی بناهای معماری مشاهده کرد. بستر بررسی این مطلب در مناطقی که دارای اقلیم خاص هستند، بیشتر فراهم است. این موضوع را در معماری و شهرسازی سنتی ایران بطور مثال در یزد، کرمان، تبریز، اصفهان و عمده بافت های تاریخی شهرهای ایران می توان مشاهده نمود. توجه به و لحاظ نمودن فاکتورهای اقلیمی در شکل گیری بافت شهرهایی که هنوز بخشی از بافت های تاریخی آنها موجود است را به وضوح می توان مشاهده و مورد بررسی قرار داد. با این مقدمه و با تکیه بر مطالب مطرح شده در این بخش از مقاله با نگاه به اقلیم گرم و مرطوب در ایران به طور ویژه بر منطقه بوشهر تاکید می گردد و به بررسی فاکتورهای اقلیمی مورد توجه در معماری و شهرسازی بافت قدیم بوشهر به عنوان یک مرجع راهنمای طراحی شهری پرداخته خواهد شد. ضرورت این نگاه به بافت قدیم بوشهر به عنوان مرجع طراحی اقلیمی، با توجه به این مطلب که بستر طراحی، یعنی شهر جدید عالیشهر، زیرمجموعه ای از حوزه فرادست خود یعنی شهر بوشهر می باشد، کاملاً واضح و روشن است. با توجه به شرایط و ویژگی های اقلیمی و همچنین موقعیت جغرافیایی شهر بوشهر می توان چنین استنباط کرد که مجموعه این شرایط بعضاً محدودیت های عمده ای را برای محیط زیست انسانی به وجود می آورند این محدودیت ها که غالباً نشأت گرفته از تأثیر تابش آفتاب و جریان باد و در نتیجه گرم شدن بیش از حد ساختمان ها در مواقع گرم سال می باشد، موجب بر هم خوردن شرایط آسایش در فضاهای داخلی می گردد. در حال حاضر استفاده از وسایل مکانیکی و برودت زا نظیر کولرهای گازی و سیستم های تهویه متبوع، کفای ایجاد شرایط قابل تحمل را در داخل ابنیه شهری می دهد. ولی منظور کردن طراحی های اقلیمی مرتبط با معماری و شهرسازی سازگار و تجربه شده، از شرایط اساسی در بهره وری بهینه از مجموعه عوامل و عناصر اقلیمی در این مورد به شمار می رود. لذا طراحی های اقلیمی در این محدوده غالباً شامل اهدافی نظیر بهره گیری از نوسان روزانه دمای هوا، محافظت ساختمان در برابر تابش آفتاب، ایجاد تهویه دائمی و موثر و محافظت ساختمان در برابر هوای گرم خارج می باشند، بدیهی است که دستیابی به هر یک از اهداف یاد شده با استفاده از روشهای متنوع و متفاوت امکان پذیر است. (Givoni, 1994:56)

این زمینه از وضعیت اقلیمی در بوشهر بستر مناسبی را برای شناخت راهکارهای طراحی اقلیمی





در شرایط نامساعد تابستان را فراهم می‌آورد. اصولاً می‌توان چنین بیان داشت که در بافت‌های کهن مناطق اقلیمی خاص همه چیز تحت تاثیر وضعیت اقلیمی قرار گرفته و آنچه به عنوان سیمای بافت نمود کالبدی می‌یابد به میزان زیادی متأثر از فراهم آوردن زمینه‌های آسایش اقلیمی است و سیمای کالبدی بافت هماهنگ با موضوع است. این امر را به طور بارز در بافت قدیم بوشهر همچون شهرهای دیگر اقلیم گرم و مرطوب نظیر بندر لنگه، بندر کنگ، سیراف و... نیز می‌توان به طور بارز مشاهده کرد. همانند دیگر مناطق اقلیم گرم و مرطوب تهویه مناسب و ایجاد سایه از مهمترین مسائل اقلیمی در بافت قدیم بوشهر است. در بافت قدیم بوشهر پیش بینی راهکارهای طراحی اقلیمی را در یک سلسله مراتب، از فضای شهری به فضای معماری می‌توان مشاهده کرد و ساختار فضایی بافت به طور ویژه متأثر از شرایط اقلیمی است، هر چند که نقش عوامل امنیتی و اجتماعی را در این زمینه نمی‌توان نادیده گرفت. به گونه‌ای می‌توان گفت دو عنصر سایه (تابش خورشید) و وزش باد عناصر تعیین کننده در چگونگی شکل‌گیری کالبد بافت قدیم بوشهر هستند. (رنجبر، ۱۳۸۶: ۵)

#### ۵-۱- مکان یابی اقلیمی بافت قدیم

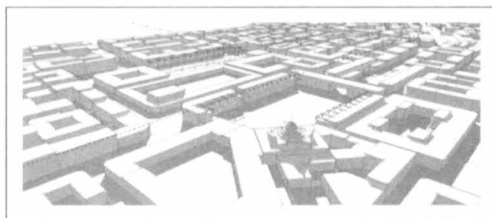
در زمینه مکان یابی بافت قدیم بوشهر در مقایسه با بافت شهرهای دیگر اقلیم گرم و مرطوب باید به موقعیت ویژه بافت قدیم بوشهر به صورت یک شبه جزیره اشاره کرد. این موقعیت ویژه امکان وزش باد در چندین جهت را فراهم می‌آورد و سرعت وزش باد نیز در اینجا بالاتر است. این مسأله یکی از عواملی است که سبب می‌شود در بافت قدیم بوشهر، بادگیر به ندرت دیده شود. بر خلاف بوشهر شکل‌گیری بافت قدیم شهرهایی همچون بندر لنگه، قشم، بندرعباس و سیراف به صورت خطی<sup>۳</sup> در حاشیه ساحل است و به همین دلیل است که در این مناطق بادگیرهای بزرگ رو به دریا جهت استفاده هر چه بیشتر از نسیم دریا ایجاد شده‌اند. این فرم ویژه بافت قدیم بوشهر نسبت به دریا سبب شکل‌گیری و جهت‌گیری معابر اصلی رو به دریا جهت فراهم آوردن نفوذ جریان باد به درون بافت شده است. هر چند که جهت‌گیری بلوک‌های ساختمانی در مقابل تابش آفتاب جهت جذب کمترین میزان تابش از عوامل اساسی بوده و عمده ساختمان‌ها کشیدگی شرقی-غربی دارند، این موقعیت مکان یابی و جهت‌های چندگانه باد سبب شکل‌گیری بلوک‌ها در جهات مختلف شده است. گذشته از این مسأله، چگونگی قرارگیری بافت در ارتباط با شکل زمین و مسأله توپوگرافی<sup>۴</sup> نیز در ارتباط با اقلیم است. (رجائی و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۴) حالت طبیعی زمین در محلی که بافت قدیم بر روی آن قرار گرفته به صورتی است که قسمت شرقی بلندتر از قسمت غربی است. این امر باعث شده که در قسمت شرقی ارتفاع ساختمان‌ها کوتاهتر باشد. در صورت مطابقت ارتفاع با توپوگرافی، از یک شکل‌گیری بافت به سمت غرب سبب دریافت گرمای بیشتری استفاده می‌شد و از سوی دیگر حالت پله‌ای ایجاد شده میزان سایه اندازی ساختمان‌ها بر همدیگر را کمتر می‌کرد. مسأله دیگری که در این زمینه می‌توان به آن توجه کرد، پایین‌تر بودن سطح آبهای زیر زمینی در قسمت شرقی به دلیل بلندتر بودن زمین است. این موضوع باعث می‌شود که در قسمت شرقی نیاز به ایجاد طبقه پایین با ارتفاع زیاد جهت فرار از رطوبت برطرف شود.

۳. Linear

۴. Topography

### ۶-۴-۳- ایجاد کوران در فضاهای داخلی:

- به حداکثر رساندن جریان هوا در اطراف ساختمانها با ایجاد فاصله مناسب در بین آنها.
- استقرار ساختمان در جهت وزش بادهای مطلوب و مناسب و استفاده از سقفهای بلند.
- طراحی عناصر محوطه به نحوی که گیاهان و بناهای مجاور جهت هدایت بادهای مطلوب به ساختمان.
- طرح و سازماندهی پلان ساختمان به نحوی باشد که امکان گردش هوا در اطراف ساختمان فراهم آید.
- طرح ریزی ساختمان به صورتی که حداکثر تهویه در بالا، پایین و داخل ساختمان ایجاد شود.
- استفاده از پلانهای کشیده با مقاطع باریک.
- استفاده از تاثیر دودکش (افزایش ارتفاع بخشی از فضاهای مرکزی).
- تعبیه درهای ارتباطی در بین اتاقها با استفاده از دیوارهای قابل کنترل به منظور هدایت جریان هوا.
- استفاده از درها و پنجره های کاملاً باز شو و بزرگ.
- بکارگیری پنجره های فوقانی و پائینی به منظور بهبود بخشیدن به شرایط تهویه در شب.
- پیش بینی حداقل دو پنجره یکی رو به باد و دیگری پشت به باد برای هر یک از اتاقها.
- پیش بینی فضاهای خارجی با توجه به جهت نسیم های مطلوب.



تصویر شماره ۲۳: طرح جامع سه بعدی محله ۲ فاز ۴ شهر جدید عالیشهر (ترکیب توده و فضا) آنلاین شماره ۱ مأخذ: نگارندگان

#### ۶-۴-۱- محافظت ساختمان در برابر هوای گرم خارج:

- احداث ساختمان در برابر هوای گرم خارج.
- محصور نمودن فضاهای مورد استفاده در مواقع گرم با مصالح سنگین و عایق شده و فضاهای مورد استفاده با مصالح سبک
- پیش بینی ساختمانهای فشرده و متراکم.
- جداکردن فضاهای حرارت زا ، مثل آشپزخانه از سایر فضاها.
- استفاده از عایق حرارتی با هر نوع مصالح ترجیحاً مصالح بومی منطقه.
- پیش بینی پنجره های با عرض کم و ارتفاع زیاد.
- استفاده از شیشه های دو جداره.
- پیش بینی دریچه های چوبی یا شبکه های متحرک عایق حرارتی در پشت پنجره ها.
- استفاده از بام های دو پوسته.
- استفاده از رنگ های روشن در نماها و جداره ها.

#### ۶-۴-۲- محافظت ساختمان در برابر تابش آفتاب:

- اجتناب از انتخاب شیب های رو به شرق یا غرب برای احداث ساختمان.
- استقرار ساختمان در جهت تابش حداقل انرژی خورشیدی در مواقع گرم.
- انتخاب مصالح مناسب برای محوطه اطراف ساختمان به منظور به حداقل رساندن کسب حرارت.
- استفاده از درختان خزان دار به منظور ایجاد سایه بر روی ساختمان و خنک سازی درمواقع گرم.
- استفاده از شکل های کالبدی مناسب برای کاهش سطوح خارجی مشرف به شرق و غرب ( گسترش پلان ساختمان در جهت محور شرقی - غربی ).
- استفاده هرچه بیشتر از دیوارهای مشترک در مجموعه های ساختمانی و ایجاد بافتی فشرده.
- پیش بینی پارکینگ سرپوشیده به جای گاراژ و قراردادن آن در قسمت غربی ساختمان.
- گشودن فضاهای اصلی به حیاط های داخلی یا فضاهای باز واقع در سایه.
- پیش بینی فضای قابل تهویه در زیر بام ، سقف های دوپوسته با استفاده از عایق حرارتی در بام.
- استفاده از رنگهای روشن و سطوح نه چندان خشن در سطح بام و دیوارهای خارجی مشرف به آفتاب.
- اجتناب از ایجاد پنجره در بام ، مگر آنکه در تابستان کاملاً در سایه واقع شود.
- اجتناب از ایجاد پنجره در نماهای شرقی و بخصوص غربی ، در غیر اینصورت محدود نمودن تعداد و مساحت چنین پنجره هایی و پیش بینی سایه بان عمودی برای آنها.
- استفاده از جلو آمدگی بام، ایوان سرپوشیده یا بالکن برای ایجاد سایه کامل بر سطح خارجی پنجره های شیشه ای، بازشوها و دیوارهای رو به آفتاب.
- استفاده از سایه بانهای مناسب ( حتی المقدور سایه بان خارجی ) برای سطوح شیشه ای و بازشوها
- استفاده از دریچه چوبی یا شبکه های متحرک عایق در پشت پنجره ها.
- پیش بینی فضای خارجی ، به منظور استفاده در مواقعی که هوا مناسب است.
- استفاده از کنسولی در ارتفاع مناسب خصوصاً در بدنه های مجاور با معابر جهت ایجاد سایه اندازی.

افزایه ارائه شده است که با توجه به استخراج این اصول از بطن بافت قدیم بوشهر، می تواند برای توسعه های جدید در سایر بخش های بوشهر و عالیشهر نیز مفید فایده باشد. در طراحی گزینه ها تلاش شده است تا با یک ساختار منسجم و جامع به ایده های بعضاً متضاد دست یافت. طراحی بر اساس یک پروژه ذهنی آغاز گردید و هدف خود را تحقق و دستیابی به یک فضای آشنا اما با تصویری جدید ضمن لحاظ نمودن فاکتورهای اقلیمی، برگزید. به معنایی دیگر طراحی در جهت تمایز فرم خود بر بیانی جدید می باشد اما همزمان می خواهد فضای نوستالژیکی از گذشته در آن جریان داشته باشد، پای بر زمین نهد و چنان با بستر خویش مهربانانه به گفتگو پردازد که در عین غرابت، آشنایی دیرین با بستر خود باشد. شاید این توصیفی هر چند ناقص از لحظه شکل گیری ایده در ذهن نگارندگان نتواند همه جوانب آن را بیان نماید.



تصویر شماره ۲۲: فضاهای نیمه عمومی (معابر درون محلی) و نیمه خصوصی (حیاط مرکزی های مشترک) -  
محل ۲ فاز ۴ الترناتیو شماره ۲ ماخذ: نگارندگان

#### ۴-۶- اصول و ابزارهای کنترل طراحی اقلیمی در شهر جدید عالیشهر

همانطور که بیان شد شرایط آب و هوایی به موازات سایر عوامل محیطی از مهمترین عوامل موثر در شکل گیری شهرهاست. شهرها و عناصر شهری و عملکرد آنها همواره از عناصر و عوامل آب و هوایی متاثر بوده و این تاثیر پذیری تا قبل از پیدایش شهرهای بزرگ یکسویه بوده اما بعد از آن شهرها نیز در اوضاع اقلیمی پیرامونی خود تاثیرگذار بوده اند و تغییرات اقلیمی در محیط پیرامون خود را ایجاد نموده است.

با بررسی تاثیر اقلیم بوشهر در طراحی شهری بافت قدیمی این شهر، اثرات اقلیمی و چگونگی استفاده از آنها در طرح و شکل توسعه محل ۲ فاز ۴ شهر جدید عالیشهر تعیین شد. با توجه به این عوامل اقلیمی می توان به مناسب ترین جهات و اشکال فضاهای زیستی و معماری مانند جهت استقرار بنا، فواصل بناها، جهت شبکه دسترسی و افزایش میزان سایه اندازی در شهر جدید عالیشهر دست یافت.

موقعیت استقرار بستر طراحی در حوزه نفوذ بلافضل



تصویر شماره ۲۱: موقعیت استقرار بستر طراحی در حوزه نفوذ بلافضل: نگارندگان

### ۳-۶- تدوین راه حل های مفهومی

طراحی مستلزم فرآیند ذهنی پیچیده ای از توانایی دقت یازیدن به انواع زیادی از اطلاعات، در آمیختن آنها در مجموعه ای منسجم از ایده ها و نهایتاً بوجود آوردن شکلی تحقق یافته از ایده ها است. همانطور که بارها در طول این مقاله اشاره شد تاثیرپذیری سکونتگاه های انسانی از ویژگیهای اقلیمی از جمله عواملی است که خصوصیات کمی و کیفی سکونتگاه ها را تا حدود بسیار زیادی تحت اشعاع قرار می دهد. این عوامل توانسته است زندگی در بافت قدیم بوشهر و فضاهای عمومی آن را در شرایط سخت اقلیمی به آسانی قابل تحمل ساخته و هویتی خاص به معماری و شهرسازی این شهر اعطا نماید.

نگاه به معماری و شهرسازی جدید در بوشهر و عالیشهر حاکی از فاصله گرفتن و تا حدودی نادیده گرفتن این اصول و معیارها در شکل گیری بافت های این شهر می باشد. این انقطاع، متأثر از نگاه مدرنیستی به شهرسازی است که تقریباً تمام بافت های جدید را به شکلی تحت تاثیر خود قرار داده است. لذا همانطور که موکداً اشاره شد راه حل های طراحی در شهرهای جدید بدون در نظر گرفتن مسائل اقلیمی، شهر و محلات آن را به بافت هایی ناکارآمد و غیر قابل زیست و بی هویت بدل خواهد ساخت.

نظر به اهمیت این موضوع، این پژوهش اصول و معیارهای شهرسازی و معماری بوشهر را که بیشتر تحت تاثیر مولفه های اقلیمی شکل گرفته اند را در دو سطح و در ارتباط با اقلیم مورد انکشاف و تحلیل قرار داده است. در عرصه شهرسازی عواملی چون، تبعیت ساختار و فرم شهر از اقلیم، سازمان فضایی و نظام ارتفاعی، فشردگی بافت، پوشش گیاهی، برونگرایی یا درونگرایی بافت، معابر و کریدورها، مراکز محلات و فضاهای باز و..... و در عرصه معماری فاکتورهایی چون، نحوه استقرار بنا در قطعات، ارتباط بنا با عرصه عمومی، گون شناسی مسکن، جنس مصالح و رنگ آنها، بازشوها و ورودی ها، تناسبات معماری، سایه اندازی و آسایش اقلیمی، تهویه بنا و.... مورد بررسی قرار گرفته است.

حاصل تحقیق با توجه به زمینه و موقعیت عالیشهر و نیازهای امروزی ساکنین و همچنین تغییر در نحوه استفاده از فضا، مفهوم فضای عمومی و فضا در گذر زمان به صورت ایده ها و راه حل های مفهومی و کلی طراحی دسته بندی شده و تحت عنوان دو گزینه (آلترناتیو) متفاوت با رویکرد طراحی شهری میان

## ۶-۲- ارزیابی وضع موجود حوزه نفوذ مستقیم

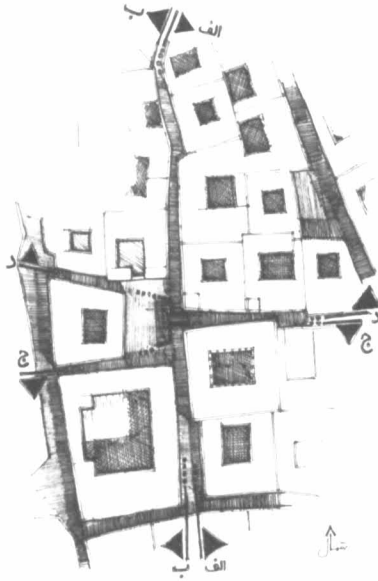
### ۶-۲-۱- دلایل انتخاب سایت پروژه

شرکت عمران شهر جدید عالیشهر با سیاست توسعه شهری منفصل جهت رسیدن به چشم انداز جمعیتی تعیین شده در پایان برنامه چهارم توسعه (۲۵ هزار نفر) و ایجاد محرک های توسعه یا به اصطلاح توسعه شهری میان افزا تهیه طرح آماده سازی محله ۲ فاز ۴ عالیشهر را در اولویت های برنامه خود قرار داده است تا زمینه های لازم برای رشد و توسعه شهر به سمت اراضی شمال را در آینده ای نزدیک فراهم نماید. لازم به ذکر است که سایت پروژه در محدوده طرح تفصیلی تهیه شده توسط مهندسين مشاور آسمان نقشینه قرار دارد.

### ۶-۲-۲- خصوصیات کلی محله ۲ فاز ۴ عالیشهر

بنا بر تقسیمات شهری صورت گرفته در طرح تفصیلی تهیه شده توسط مهندسين مشاور آسمان نقشینه که در سال ۱۳۸۳ به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی ایران رسیده است، بستر طرح (حوزه نفوذ مستقیم) در فاز ۴ شهر جدید عالیشهر واقع شده است. این ناحیه در منتهی الیه شمالی محدوده طرح تفصیلی واقع گردیده و از طرف شمال و شمال غربی با دسترسی شریانی درجه ۲ اصلی (خیابان ۳۲ متری) و از طرف شرق، جنوب و جنوب غربی با شریان درجه دو فرعی (جمع و پخش کننده) محدود می گردد. مساحت ناحیه ۱۲۵ هکتار در نظر گرفته شده است که جمعیتی برابر با ۱۶۶۲۵ نفر را در خود جای خواهد داد. این ناحیه به چهار محله تقسیم شده است که بستر طرح در محله ۲ به مساحت ۳۶ هکتار و جمعیت پذیری ۴۷۸۸ نفر در نظر گرفته شده است. محله دو از شمال و شمال غربی به محدوده طرح تفصیلی از جنوب و شرق به شریان درجه ۲ فرعی و گذر محلی محدود می گردد. بر اساس اسناد فرادست فضاهای آموزشی از قبیل مهدکودک، دبستان (دخترانه و پسرانه) می بایست در این محل پیش بینی شود. خدمات تجاری مربوط به خرید روزانه می توانند در مرکز محله پیش بینی شوند. خدمات فرهنگی- مذهبی از قبیل مسجد و حسینیه نیز در محله باید در نظر گرفته شود. ایجاد پارک در حد محله و ایجاد بوستان کودک نیز از ضروریات این محله می باشد. (مهندسين مشاور آسمان نقشینه، ۱۳۸۱: ۹۵)

چگونگی تقسیمات کالبدی حوزه نفوذ بلافصل			
محل	مساحت	جمعیت	تراکم ناخالص (نفر بر هکتار)
۱	۲۸ هکتار	۳۷۲۴	۱۳۳
۲	۳۶ هکتار	۴۷۸۸ نفر	۱۳۳
۳	۳۰ هکتار	۳۹۹۰ نفر	۱۳۳
۴	۳۳ هکتار	۴۴۸۹ نفر	۱۳۳
کل ناحیه	۱۲۵ هکتار	۱۶۶۲۵ نفر	۱۳۳



تصویر شماره ۱۹: ترکیب توده و فضا در بافت  
 قدیم شهر بوشهر، ماخذ: نگارندگان

تجدید نظر و طراحی دوباره فضاهای رها شده و بدون تعریف در سطح محلات شهر با استفاده از الگوهای اقلیمی حاکم در بافت قدیم بوشهر از جمله موارد مورد توجه این پژوهش می باشد

مطالعات برای استفاده در سطوح مختلف پروژه می بایست مد نظر قرار گیرد. بافت شهری عالی شهر در وضع موجود نمایانگر نوعی پراکندگی و عدم تشکل یافتگی سازمان کالبدی- فضایی است که فقدان حس شهریت را که از عمده ترین مشخصه های یک شهر می باشد را در پی دارد. این مسئله با توجه به اینکه هسته قدیمی و نواحی تاریخی بوشهر نیز دارای بافتی فشرده و متمرکز می باشند، قابل تعمق است. همانطور که اشاره شد فشردگی موجود در بافت بومی علاوه بر ایجاد یک سازمان کالبدی- فضایی ویژه نقش قابل توجهی در مقابله با شرایط نامطلوب اقلیمی ایفا می نماید. بدین جهت تجدید نظر و باز نگری در نحوه استقرار بلوک ها و نیز شبکه های ارتباطی خصوصا در مقیاس های پایین فضایی در سطوح جز محله ای و به عبارت دیگر تغییر مفهوم واحد همسایگی می تواند نقش موثری در اصلاح ساختار کالبدی- فضایی شهر، خوانایی و غنای منظر شهری و به تبع آن ارتقا کیفیت محیط شهری ایفا نماید. تعیین و مکانیابی مناسب فضاهای باز عمومی و

موقعیت استقرار بستر طراحی (موزه نفوذ مستقیم) در حوزه نفوذ فراگیر



تصویر شماره ۲۰

موقعیت استقرار بستر طراحی در حوزه نفوذ فراگیر، ماخذ: نگارندگان

#### ۶- طراحی شهری در شهر جدید عالیشهر

طرح تجدید نظر در طرح جامع بوشهر در شورایی عالی شهرسازی و معماری ایران در اسفند ۱۳۶۴ به تصویب رسید. طبق مفاد آن تصویب نامه مقرر گردید: به علت وجود محدودیت های طبیعی زمین برای توسعه شهری و اشغال قسمت عمده شهر بوشهر توسط تاسیسات نظامی، مطالعاتی در جهت انتقال سرریز جمعیت به محلی دورتر و مخصوصاً اراضی حوزه چغادک واقع در شرق بوشهر و یا انتقال نیروی هوایی به محل مناسب دیگر و آزاد کردن اراضی تحت اشغال آن برای توسعه شهر صورت پذیرد. در اینجا ذکر این نکته لازم است که نه تنها توسعه بخش شمالی، یعنی هسته اصلی شهر از زمان استقرار نیروهای دریائی و هوائی در اراضی مربوط محدود شده بود بلکه توسعه بخش جنوبی شهر نیز پس از استقرار مرکز انرژی اتمی در جنوبی ترین نقطه جزیره بسیار محدود شده است. بدین ترتیب و بخاطر رعایت ضوابط ایمنی، همجواری مناطق مسکونی شهری با مرکز انرژی اتمی تا شعاع ۱۰ کیلومتری نیروگاه اصولاً منع می شد و بخش جنوبی شهر نیز که درست در خارج از شعاع ۱۰ کیلومتری نیروگاه قرار گرفته است، اگر چه مشمول توسعه ای مجاز، لیکن تحت محدودیت های تراکمی قرار می گرفت. با در نظر گرفتن اینکه اراضی همجوار جزیره بوشهر در فصولی از سال از آب پوشیده می شود و ساختمان سازی بر روی آن اگر غیرممکن نباشد، حداقل مسائلی را بهمراه خواهد داشت که تنها دو راه را برای توسعه پیوسته شهر بوشهر را پیش رو قرار می داد که عبارتند از: (مهندسین مشاور شهر و برنامه، ۱۳۸۲: ۱۴۱)

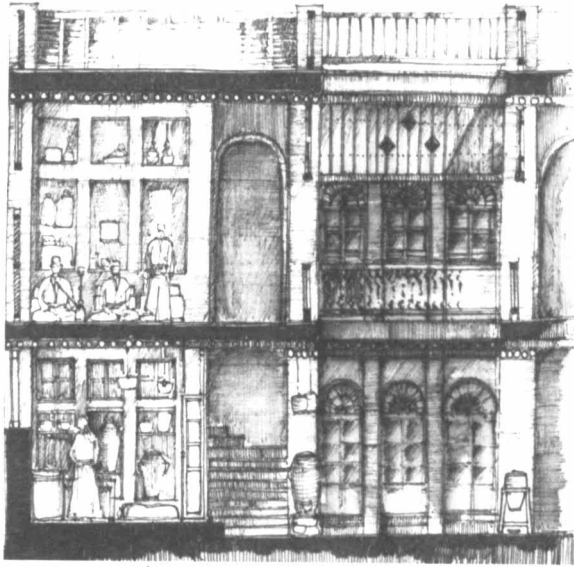
۱- انتقال نیروی هوائی به محل مناسب دیگر.

۲- توسعه شهر در ارتفاع، یعنی بالا بردن تراکم جمعیتی و ساختمانی، آنهم تنها در بخش شمالی شهر. هر دو این راه حل ها بخاطر وجود محدودیتهای مالی و فنی غیر ممکن به نظر می رسید زیرا اولاً وجود تاسیسات دفاعی و نظامی واقع در حوزه میانی امکان پیوستن دو بخش شهر موجود را به یکدیگر از بین برده است و انتقال آنها به نقطه ای دیگر نیز گذشته از مسائل استراتژیکی، مستلزم سرمایه گذاری های کلانی می باشد و ثانیاً افزایش تراکم و توسعه شهر در ارتفاع (ضمن مغایرت با محدودیت متصور ناشی از ضوابط انرژی اتمی) نیز مستلزم درگیر شدن با مسائل پیچیده در حوزه های مالکیت مسائل اجتماعی مربوط به شیوه زندگی آپارتمان نشینی، تخصیص مقدار زیادی از ارضی شهری به کاربریهای عمومی، تجدید نظر در تاسیسات و تجهیزات شهری موجود و... بود. بدین منظور در سال ۱۳۶۵ ایده های اولیه مکان یابی شهر جدیدی به عنوان یک شهر اقماری در شرق بوشهر با نام عالیشهر شکل گرفت.

#### ۶-۱- چالش های موجود در سازمان فضایی حوزه فراگیر

نگرشی بر چگونگی طراحی شهری و معماری بناها و به طور کلی عناصر تشکل سازمان کالبدی-فضایی شهر جدید عالیشهر، ضرورت بازنگری و تحلیل مقوله بافت شهری و معماری نقاط پیرامون را الزامی می دارد و در این میان شهر بوشهر به عنوان کانون و مرجع اصلی شکل دهنده شهر جدید عالیشهر جایگاهی ویژه دارد بدین لحاظ همانطور که بارها در طول مقاله به این مطلب اشاره شده است بررسی و تعمیق مباحث مرتبط با زمینه شهرسازی و معماری بافت قدیم بوشهر مسئله ای حائز اهمیت است. اگرچه قالب، مقیاس و محتوای طرح های بالا دست شهر جدید عالیشهر از مقوله هویت های بصری و سیمای شهری به میزان قابل توجهی دور است، لیکن نگرش تازه در این راستا و ارائه دستاوردهای مراحل پیشین





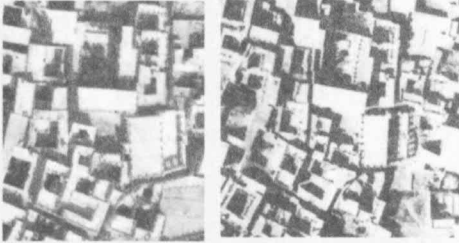
تصویر شماره ۱۸: الگوی معماری خانه بوشهری، مأخذ نگارندگان

#### ۵-۷- تنظیم طبقات و ارتفاع

یک جنبه تنظیم ارتفاعی بافت در ارتباط با شکل و توپوگرافی زمین در قسمت مکانیابی اقلیمی مطرح شد. نگاه به ارتفاع ساختمان ها در بافت حکایت از آن دارد که در عین نزدیک بودن طبقات ساختمان ها یک اختلاف ارتفاع سراسری در بافت را می توان مشاهده کرد. این اختلاف ارتفاع را در مقیاس کوچکتر در واحدهای مسکونی نیز می توان مشاهده کرد. از دید تابش آفتاب، تاثیر اختلاف ارتفاع در سایه اندازی ساختمان ها بر روی یکدیگر کاملاً مبرهن است. در واحدهای مسکونی این امر با کشیدگی شرقی - غربی ساختمان ها جهت دریافت گرمای کمتر مطابقت دارد. این سایه اندازی ها در فضای باز علاوه بر ایجاد شرایط آسایش سایه، سبب قرار گرفتن بدنه های فضا در سایه و در نتیجه خنک شدن آنها در طول روز و به دنبال آن انتقال حرارت از بدن انسان به جداره ها و آسایش حرارتی بیشتر می شود. نگاه به ارتفاع ساختمانها در بافت یک مسأله دیگر را نیز آشکار می کند و آن قرارگیری ساختمانهای بلند - که عمدتاً خانه های اعیان می باشد- در میان ساختمان های کوتاه تر است. این مسأله را به طور ویژه در لبه فضاهای باز می توان مشاهده کرد. نقش ویژه این اختلاف ارتفاع را در آشفته کردن باد منطقه ای و حرکت باد می توان در سطوح پایین تر مشاهده کرد. به طور کلی حرکت باد در بافت قدیم بوشهر را در سه سطح می توان مشاهده کرد:

- سطح اول، ارتفاع ورزش باد منطقه ای است که در برخورد با ساختمانهای مرتفع به بافت وارد می شود.
  - سطح دوم، فضای حیاط ساختمان ها در طبقات بالاتر از طبقه همکف است.
  - سطح سوم، فضاهای باز در بافت و معابر است که بیشترین تاثیر بر انسان در فضا را دارد.
- این توزیع ارتفاعی ساختمان ها در بافت به طور واضح هوشمندانه بودن طراحی در بافت متناسب با ورزش باد را نمایان می سازد.

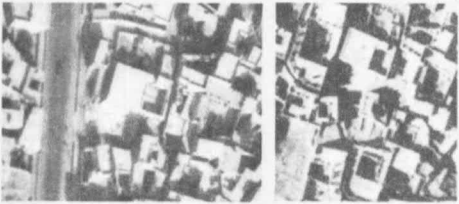
میزان سطح سایه در فضاهای باز بافت قدیم بوشهر



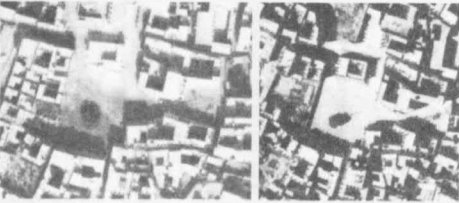
مرکز ملاح شادری



مرکز ملاح دهدشتی



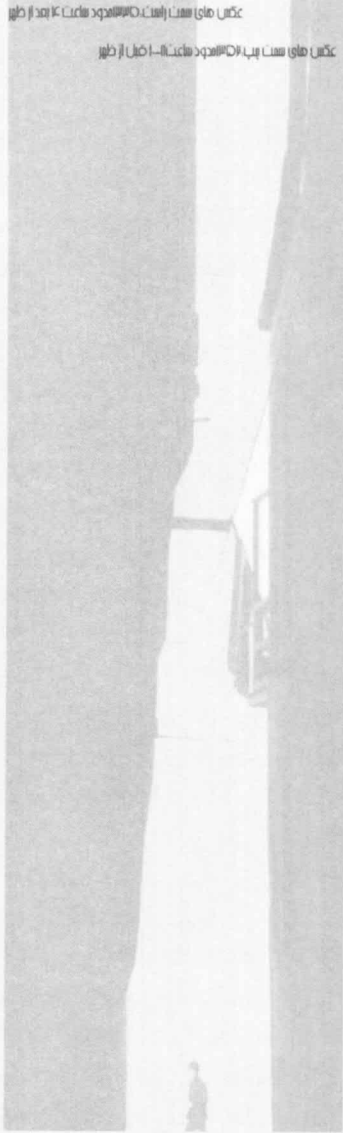
مرکز ملاح بیهالی



مرکز ملاح کهنی



مسیحیه کارزونی‌ها



عکس‌های سمت راست: ۳۰٪ مساحت سایه در کل شهر

عکس‌های سمت چپ: ۱۰٪ مساحت سایه در کل شهر

تصویر شماره ۱۷: میزان سطح سایه در فضاهای باز بافت قدیم بوشهر، مأخذ نگارندگان. مأخذ: همان

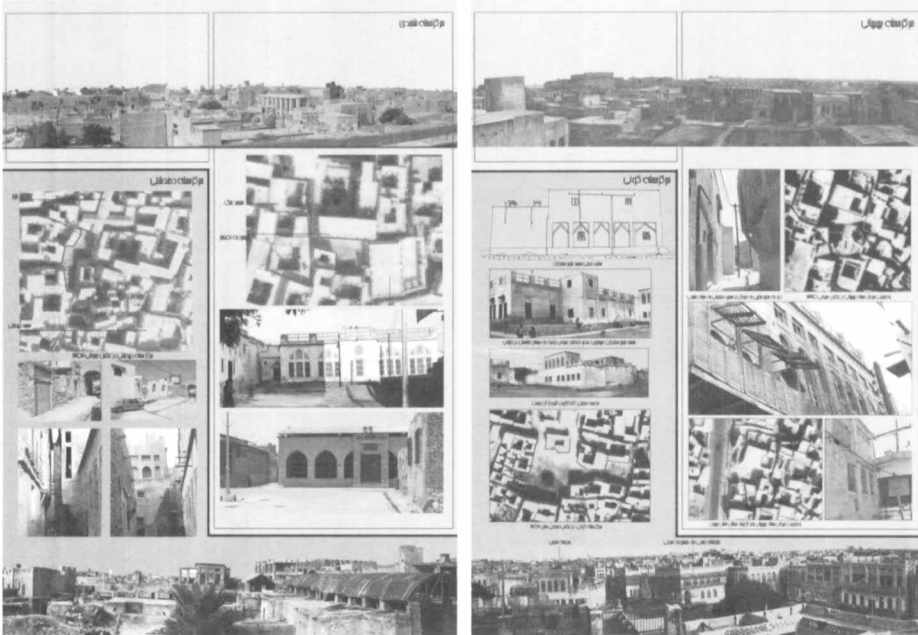
پیش آمدگی کوران را نیز شدید تر می کند. در این بافت کوچه بن بست به ندرت وجود دارد و بلوک ها توسط کوچه ها احاطه شده اند تا حد اکثر سطوح هوا خور را داشته باشند. کوران هوا علاوه بر پایین آوردن رطوبت معابر و ایجاد آسایش حرارتی، رطوبت دیوارهای دو طرف کوچه را نیز جذب می کند. با خشک شدن این دیوارها به دلیل استفاده از مصالح ساختمانی بومی یعنی سنگ های متخلخل دریایی، رطوبت فضای داخلی نیز جذب می شود. در واقع با ایجاد کوران در معابر قسمتی از رطوبت فضای داخلی از طریق دیوار به بیرون هدایت می گردد.

#### ۵-۶- انتظام فضایی در توده های ساختمانی

شیوه های ساخت، فرم ها و مصالح در معماری بافت قدیم بوشهر نمایی هماهنگ و یکپارچه را به تصویر کشیده و به گونه ای که ساختار کالبدی و فضایی این بافت در پاسخ به فرهنگ زیستی ساکنین، شرایط اقلیمی و محیطی منطقه شکل منحصر به فردی یافته است. سیمایی که با برونگرایی اقلیمی و درونگرایی زیستی همخوانی دارد.

بناها در دو یا سه طبقه با ارتفاع هماهنگ و حیاط مرکزی و اتاق هایی با بدنه پر بازشو پیرامون آن که از یک طرف به کوچه و از طرف دیگر به حیاط باز می شوند ساخته شده اند و رطوبت در طبقه همکف و جریان هوا در بالا، زندگی را به طبقات بالاتر آورده و طبقه همکف به انباری، آشپزخانه، حمام و فضایی از این دست اختصاص یافته است. در معماری بوشهر یکی از عناصر مهم بنا، حیاط مرکزی بوده که دارای خصوصیات ویژه ای است، اولاً؛ شکل حیاط کاملاً منتظم است، ثانياً؛ ابعاد این حیاط به منظور سایه اندازی خیلی وسیع نمی باشد، ثالثاً؛ دور تا دور حیاط مرکزی رواقی قرار دارد که واسطه بین حیاط و بنا می باشد، این رواق که در طبقه پایین، نقش سایبان را بازی می کند برای طبقه بالا، فضایی ایجاد می کند که حیاط مرکزی را برای آن قابل استفاده می نماید، بدین معنی که اتاق ها با حیاط، که تأمین کننده اصلی نور و ارتباط است در ارتباط متقابل هستند و در یک خانه معمولی با مقیاس متوسط، عناصر تشکیل دهنده حیاط؛ باغچه، چاه آب، حوض و آب انبار می باشد ضمناً حیاط مرکزی علاوه بر سازماندهی فضاهای مختلف و ایجاد ارتباط بین عملکرد آنها، نقش یک هواکش را برای جریان هوایی که از روزنه های مختلف وارد خانه می شود را بازی می کند. ایجاد کوران هوا مهم ترین امکان در تحمل گرما و اقلیم شرجی طاقت فرسای بندر است و کوچه های تنگ و مرتفع و پر سایه با بدنه هایی پر بازشو این امکان را فراهم کردند که نسیم روح بخش دریا تا عمق خانه های بندر جریان داشته باشد. برونگرایی و دارا بودن کمترین بدنه های مشترک در همسایگی ها با هدف بیشترین استفاده از جریان هوا، بافت بوشهر را به بلوک هایی مجزا که هر یک، از یک تا چند واحد مسکونی تشکیل شده اند تفکیک کرده است. بلوک هایی به هم تنیده با شبکه ای نامنظم از کوچه های متقاطع که از میادین کوچک بافت عبور کرده و در آخر به دریا می رسند. وجود بازشوها و شناسیرها هر چند علتی عمدتاً اقلیمی دارد، اما تأثیر از فرهنگ زیستی اهالی و به منظور حفظ حریمیت و پرهیز از اشراف، شکلی خاص یافته اند که نمود هوشمندی معماران بوشهری در انطباق فرهنگ زیستی با شرایط محیطی است. نظام استقرار عملکرد های متفاوت در کنار هم، با وجود وسعت کم شهر و حفظ ویژگی های معماری معمول، غنای بافت را دو چندان کرده است. مساجد و مراکز محله ها، بازار و تجارت خانه ها، عمارت امیریه و کنسولگری ها در کنار هم، تنوعی از گونه های مسکن عناصر با ارزش این بافت تاریخی را تشکیل می دهند. (مهندسین مشاور جبارنیا و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۴۸)

بازشوها به فضای عمومی در ملاحظات دفاعی را نادیده گرفت. گذشته از مسائل مطرح شده در ملاحظات اقلیمی، چگونگی شکل‌گیری بافت به صورت ارگانیک و همچنین قرارگیری فضاها و معابر در بافت حس‌انگشاف فضای بیشتر شده و در بافت قدیم بوشهر صحنه‌های بدیع در ارتباط با این موضوع شکل می‌گیرد. این وضعیت هم در معابر اطراف فضاهای عمومی و هم در معابری که یک مرتبه به دریا باز می‌شوند مشاهده می‌شود.



تصویر شماره ۱۶: تحلیل سازمان فضایی مراکز محله بهبهانی، کوتی، دهدستی و شنیدی مأخذ: نگارندگان

#### ۵-۶- نقش شاخصه‌های اقلیمی در شکل‌گیری معابر

مهمترین عامل در شکل‌گیری شبکه معابر شرایط اقلیمی شهر که شامل دما، رطوبت و جهت وزش باد می‌باشد است، تناسب عرض و ارتفاع معابر به گونه‌ای است که در اغلب ساعت‌های روز معابر در سایه قرار دارند. عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ و ۱۳۵۲ به وضوح این مطلب را نشان می‌دهد. حداقل تناسب معابر نسبت عرض به ارتفاع ۱ به ۲ است که این تناسب گاه به ۱ به ۶ هم می‌رسد. (تصویر شماره ۱۷) تقاطع‌های بیشمار معابر در این بافت، همراه با فضاهای باز امکان توزیع باد در معابر را فراهم می‌آورد. معابر اصلی جهت دریافت حداکثر باد، به سمت دریا جهت گرفته‌اند و امکان حضور هر چه بیشتر نسیم دریا در بافت را فراهم می‌آورند. باریک بودن معابر علاوه بر فراهم آوردن سایه امکان کوران بیشتر را ایجاد می‌کنند. نحوه قرارگیری ساختمانها در لبه معابر نیز به گونه‌ای است که از امتداد معبر تبعیت نمی‌کند. این مسأله به ایجاد زمینه هر چه بیشتر برخورد باد با ساختمان و ورود باد به فضای داخلی است. این امر را در پیش‌آمدگی ساختمانها در طبقه اول به وضوح می‌توان مشاهده کرد. این

ساعت های ۴-۵ بعد از ظهر و عکس هوایی ۱۳۵۲ در حوالی ساعت های ۱۱-۱۰ صبح تهیه شده است. بررسی موقعیت فضاهای عمومی در این دو عکس حکایت از آن دارد که در عمده این فضاها بیش از ۵۰ درصد فضا در سایه قرار می گرفته است. (تصویر شماره ۱۷)



تصویر شماره ۱۴: محله شیخ سعدون،  
 ماخذ: مهندسين مشاور جبارنيا و همكاران



تصویر شماره ۱۵: مسجد جمعه،  
 ماخذ: مهندسين مشاور جبارنيا و همكاران



تصویر شماره ۱۳: محله بهمهانی ها،  
 ماخذ: سازمان ميراث فرهنگي بوشهر

این میزان سایه به طور ویژه تحت اثر دو عامل ایجاد شده است: یکی تفاوت ارتفاعی ساختمانهای اطراف فضا است که در عمده موارد یک ساختمان مرتفع تر از بقیه ساختمانها ایجاد می شده است و دیگری چگونگی فرم فضای عمومی است. از یک سو تناسب عرض و ارتفاع فضا سبب ایجاد سایه شده و از سوی دیگر فرم ارگانیک و نامنظم فضا و همچنین بیرون زدگی های ساختمان ها در فضا زمینه های سایه هر چه بیشتر را فراهم می آورده اند. در همین جا باید اشاره کرد که حضور ساختمان مرتفع در لبه این فضا نقش آشفته کردن باد غالب و حرکت جریان به سطح زمین در فضا را ایفا می کند. نکته مهم دیگر در طراحی این فضاها، همزمان با ملاحظات اقلیمی، توجه به حضور مردم در فضا و فراهم آوردن مبلمان نشستن به عنوان جزئی از بدنه فضاست. دو عکس باقیمانده از مرکز محله های دهدشتی و کوتی این موضوع را به طور بارز نمایش می دهد. (تصویر شماره ۱۴ و ۱۵) باید توجه داشت که در بافت قدیم بوشهر قرار گرفتن بازوهای ساختمان ها به فضاهای عمومی سبب شکل گیری هویت خاص این فضاها در مقابل طراحی درونگرای مناطق گرم و خشک و برونگرای نواحی شمالی شده است. این گشایش بازشوها به درون فضای عمومی از چند جهت زمینه عمومیت هر چه بیشتر فضا و دیدارهای متقابل را نیز فراهم می آورد. هر چند که با توجه به تاریخ بافت قدیم و موقعیت استراتژیک بوشهر نباید نقش این گشایش

#### ۴-۵- ساختار فضایی متأثر از اقلیم و سنت های اجتماعی

کلیت فضایی بافت قدیم بوشهر در ترکیبی از توده های ساختمانی و فضاهای باز بین ساختمانها شکل می گیرد. این فضای باز بین ساختمان ها، معابر و فضاهای باز محله ای را که در پاره ای مواقع به مرکز محله تبدیل می شوند را شامل می شود. فضای حیاط ساختمانها در ترکیب با این فضاهای باز، ترکیب متعادلی از توده و فضا را در این بافت ایجاد می کند. معابر نقش هدایت جریان باد به درون بافت و فضاهای باز نقش توزیع کننده جریان در معابر دور از دریا را دارند. شکل گیری بلوک های ساختمانی به گونه ای است که به صورت بلوک های کوچک تک خانه ای یا چند خانه ای با معابر متقاطع در اطراف آنها است تا حداکثر جریان در اطراف توده ها ایجاد شود. همانگونه که اشاره شد هدف عمده در اقلیم گرم و مرطوب فراهم نمودن زمینه جریان هوا در اطراف بلوک های ساختمانی است که این امر به وضوح در بافت قدیم بوشهر مشاهده می شود. با این زمینه از شکل گیری معابر، فضاهای باز و توده های ساختمانی، ۴ محله اصلی در بوشهر شکل می گیرد: محله کوتی، محله بهبهانی، محله شنبیدی و محله دهدشتی. هر کدام از این محلات دارای یک مرکز محله بوده اند که در کنار مسجد محله شکل می گرفته اند. مرکز محله کوتی در کنار مسجد شیخ سعدون (سعدان)، و مرکز محله های بهبهانی، شنبیدی و دهدشتی در کنار مساجدی به همین نام شکل گرفته اند. غیر از محله کوتی که قسمت عمده آن باقیمانده، مرکز محلات دیگر دچار تغییرات ساختاری عمیق شده اند. البته باید ذکر کرد که فضاهای بازی در کنار مسجد جمعه، حسینیه کازرونی ها، حسینیه حاج مریم و... نیز شکل گرفته است. به طور کلی در کنار هر مسجد بافت قدیم بوشهر به نسبت اهمیت محله و مسجد یک فضای باز را می توان مشاهده کرد که این موضوع ترکیب آداب و سنن اجتماعی با مسأله اقلیم در شکل گیری فضای عمومی را می رساند. در همین قسمت باید اشاره کرد که مهمترین سنت و مراسم عمومی در بافت قدیم بوشهر آیین های مربوط به حادثه عاشورا است که به صورت ریشه دار با محلات شکل گرفته و بخش عمده اهمیت مرکز محلات در بافت قدیم بوشهر به عنوان فضاهای عمومی شهر، مربوط به این سنت است. مراسم مختلفی با عنوان ذکر، پامنبری، برحیدری، شمع زنی و... در این راستا در بافت قدیم بوشهر برگزار می شود. این سنت به میزانی در بوشهر ریشه دار است که علاوه بر برگزاری خاص آن با موسیقی، فراگرفتن کتابهای مربوط به این مراسم در گذشته به عنوان یک تکلیف نوجوانان بافت قدیم مطرح بوده است.

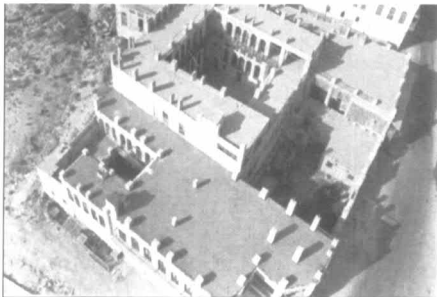
#### ۵-۵- فضاهای باز عمومی

همانگونه که اشاره شد فضاهای باز عمومی در بافت قدیم بوشهر علاوه بر کارکردهای اجتماعی، نقش توزیع جریان باد در معابر را نیز بر عهده داشته اند. این فضاها در بافت قدیم بوشهر به دو دسته تقسیم می شده اند: دسته اول فضاهای بازی که در محل تقاطع معابر ایجاد می شده اند و دسته دوم فضاهایی که در کنار عناصر عمومی نظیر مسجد جهت کارکردهای اجتماعی ایجاد می شده اند. مهمترین این فضاها همانگونه که اشاره شد، مراکز محلات چهارگانه بوده اند. با توجه به اهمیت این فضاها ایجاد حداکثر شرایط آسایش اقلیمی جهت حضور مردم در فضا به عنوان یکی از اصول اولیه طراحی مطرح بوده است. در یک مقایسه تطبیقی که بر اساس عکس های هوایی سال ۱۳۳۵ و ۱۳۵۲ در دو زمان مختلف در روز تهیه شده، میزان سایه در فضاهای عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. عکس هوایی ۱۳۳۵ حوالی

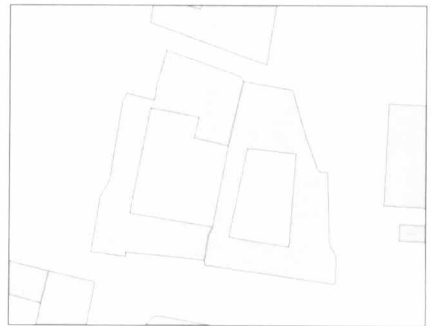
### ۳-۵- بهره‌گیری از باد های مطلوب

نیاز به ایجاد کوران و تهویه موثر و مداوم و به حداکثر رسانیدن جریان هوا در بناها و بافت قدیم شهر از چند طریق صورت گرفته است:

- گرایش بناها به ارتفاع زیاد برای برخورداری از کوران بیشتر (نسیم های دریایی) در فصول گرم
- مجاورت بدون واسطه فضای بسته با فضای باز (بدنه های بازشو و هواخور)
- ایجاد بیرون زدگی ها و پیچش های حجمی با انحنای مختلف در بدنه بیرونی ساختمان ها، موسوم به شلاق باد، که باد را به سمت پایین ساختمان هدایت می کنند.
- کوچک و خرد شدن بلوک های شهری، شاید به جرأت بتوان گفت در هیچ شهر تاریخی ایران در وسعتی مشابه، تا این اندازه تقسیمات و بلوک های شهری وجود ندارد. علت این گرایش به خرد شدن بلوک ها، چیزی جز یک عامل اقلیمی نیست و آن نیاز شدید به داشتن بدنه های هواخور که برای تنفس واحد و ایجاد شرایط زیست نسبی در فضاهای درونی، امری حیاتی است. پیامدهای این نحوه جوابگویی منطقی به عامل اقلیمی باد عبارتند از:
- ایجاد شبکه به هم تنیده از معابر شهری.
- بوجود آمدن تقاطع های بی شمار.
- تغییر ماهیت معابر به لحاظ درجه بندی اصلی و فرعی.
- مصرف زیاد زمین توسط معابر شهری که نقیصه قابل توجهی است.
- مورد دیگر باریک و تنگ گرفتن عرض معابر که در حقیقت تدبیری برای جبران نقیصه پی آمد چهارم است که خود از سه مزیت برخوردار است، اول: کاهش سطح معابر به لحاظ اشغال سطح زمین، دوم: ایجاد سایه بیشتر در معابر و سوم: ایجاد روزنه های شهری برای ورود نسیم های دریایی به قلب گرم شهر (مهندسین مشاور جبارنیا و همکاران، ۱۳۷۸: ۲۴۵)
- تمهید دیگر میدانی است که در سطح محلات به فراخور محیط جابجا و پراکنده اند و این صرف نظر از شرایط شکل گیری اتفاقی یا مدبرانه شان، خود ارزش های فضایی و روانی خاصی را داراست. انرژی پتانسیل باد که از تقارب و تقابل ابنیه مجاور معابر با نماهای متنوع در فضای تنگ کوچه ها ایجاد می شود و قدم به قدم برهم انباشته می گردد، گاه در فضای گشاده ای یعنی میدان، آزاد می شود که بسیار دلپذیر است. (جناب، ۱۳۷۳: ۵۸)



تصویر شماره ۱۲: افزایش ارتفاع بخشی از فضاهای



تصویر شماره ۱۱: استفاده از پلانهای کنشیده با مقاطع باریک،  
ماخذ: مهندسین مشاور جبارنیا و همکاران



تصویر شماره ۴: استفاده از درختان خزان دار،  
 ماخذ: نگارندگان (۱۳۸۷)



تصویر شماره ۳: استفاده از رنگهای روشن در سطح بام دیوارهای  
 مشرف به افتاب ماخذ: مهندسين مشاور جبارنيا و همكاران



تصویر شماره ۶: گسترش پلان ساختمان در جهت محور شرقی -  
 غربی ماخذ: همان



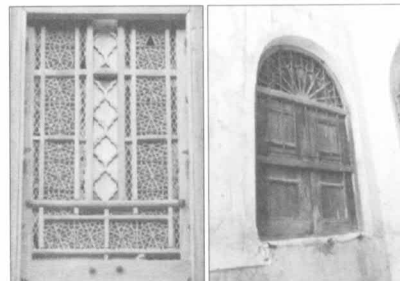
تصویر شماره ۵: استفاده از سایه بانهای مناسب برای سطوح  
 شیشه ای و بازشوها ماخذ: مهندسين مشاور جبارنيا و همكاران



تصویر شماره ۸: استفاده از سقف های بلند، ماخذ: همان



تصویر شماره ۷: عقب نشینتی بازشوها در بدنه ها ماخذ:  
 سازمان میراث فرهنگی بوشهر





## ۲-۵- محافظت در برابر تابش آفتاب و هوای گرم خارج

اگر چه نفوذ مستقیم آفتاب به فضاهای داخلی ساختمان در فصل سرد سال می تواند به گرمایش طبیعی این فضاها کمک کند ولی در ماه های گرم این عامل باعث بیش از حد گرم و شرجی شدن این فضاها شده و از این نظر عامل منفی محسوب می گردد. لذا با توجه به بررسی های به عمل آمده در ادبیات موضوعی و بافت قدیم بوشهر استفاده از روش های زیر توانسته است گرم شدن فضاهای داخلی و خارجی را به حداقل ممکن رساند:

- در طراحی شهری، پیوستگی و یکپارچگی ساختمان های سنتی، بافت به هم فشرده شهر همراه با کوچه های باریک و نامنظم با دیوارهای بلند طرفین آنها منجر به ایجاد حداکثر سایه و حداقل تابش اشعه آفتاب شده است. این فضاها و عناصر، خنکی و تهویه را در فضاهای شهری برای تأمین آسایش فراهم می کند. (مهندسین مشاور شهر و برنامه، ۱۳۸۲: ۱۶۸)

- نیمه مسقف کردن پیاده راه ها از طریق پیش آمدن توده ها در ارتفاع ماکزیمم سایه را در سطح زمین ایجاد می کند که می توان آن را در جای جای بافت شهری این مناطق ملاحظه نمود.

- معماران سنتی جزئیاتی را نیز در طراحی هایشان مانند فرورفتگی ها و برآمدگی ها در نماها لحاظ کرده اند که حداکثر سایه ممکن توسط آنها فراهم شود. از جزئیات دیگر لحاظ شده در طراحی این خانه ها، «جان پناه» سقف ها را می توان نام برد. از آنجا که سقف ابنیه بیشترین مقدار انرژی نور خورشید را در مقایسه با دیگر جوانب آن دریافت می کنند. گاهی اوقات در این مناطق، «جان پناه» بام ها به ۲ متر در ارتفاع می رسد که با ایجاد ماکزیمم سایه برای سقف، تابش حرارتی را به حداقل کاهش می دهد. اگر چه این جان پناه های بلند، مزایای دیگری نیز دارند، مانند ایجاد فضای خصوصی در بام ها و محافظت پشت بام ها از بادهای بیابانی که گرد و غبار زیادی همراه خود دارند.

- سقف های دوبوسته، روش دیگری از انطباق با آب و هوای گرم و مرطوب است. ظرفیت حرارتی هوا بسیار کم و هوای بین دو بوسته به مانند عایق حرارتی عمل می کند و بنابراین، گرما کمتر به داخل انتقال می یابد و در تابستان، پوسته درونی خنک تر از لایه خارجی خواهد بود.

- استقرار ساختمان در جهت حداقل تابش خورشیدی. (Givoni, ۲۰۰۳: ۸۸).

- انتخاب مصالح ساختمانی مناسب به منظور به حداقل رساندن کسب حرارت.

- استفاده از درختان خزان دار به منظور ایجاد سایه بر روی ساختمان.

- گشودن فضاهای اصلی به حیاط های داخلی یا فضای باز واقع در سایه.

- استفاده از دیوارهای مشترک در مجموعه های ساختمانی و ایجاد بافت فشرده.

- استفاده از رنگهای روشن و سطوح صاف در سطح بام و دیوارهای خارجی مشرف به آفتاب در تابستان.

- استفاده از جلو آمدگی بام، ایوان سر پوشیده یا بالکن جهت ایجاد سایه کامل بر سطح خارجی پنجره

های شیشه ای، بازشوها و دیوارهای رو به آفتاب و استفاده از سایه بانهای مناسب خارج.

- استفاده از فضای خارجی مناسب به منظور استفاده در مواقعی که هوا نامناسب است.

- پوشاندن دیوارهای خارجی با مصالح مناسب و پیش بینی ساختمانهای فشرده و متراکم.

(Givoni, ۱۹۹۸: ۲۲۵)

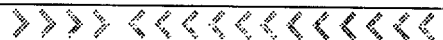
#### ۶-۴-۴- جلوگیری از افزایش رطوبت هوا:

- اجتناب از پیش بینی آب نما یا پوشش گیاهای در قسمتهایی از محوطه که احتمال می رود وزش باد، رطوبت حاصل از آنها را به فضاهای داخلی هدایت نماید.
- کنترل رطوبت حاصل از گیاهان یا آب نماها با ایجاد جریان هوا در فواصل بین محدودهای متراکم گیاهی و ساختمان.
- استفاده از مصالح نفوذپذیر در کف سازی محوطه ساختمان و جلوگیری از باقی ماندن آب در محوطه های مشرف به آفتاب.

#### ۷- جمع بندی

توسعه گسترده شهری با سیاست ایجاد شهرهای جدید در کشور تأثیرات عمده ای بر محیط زیست و شرایط زیستی انسان ها، حیوانات و گیاهان گذاشته است. بسیاری از این تغییرات در زمینه های پزشکی، کشاورزی و زمینه های مهندسی تا کنون مورد بررسی کارشناسی قرار گرفته است. اما تأثیرات عمده شرایط اقلیمی بر شهرهای جدید و نقاط مسکونی و طرح های توسعه شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این مقاله همانطور که بارها بیان گردید کاهش اثرات منفی و شرایط حاکم بر محیط شهر جدید عالی شهر از طریق استخراج الگوهای اقلیمی<sup>۷</sup> بافت کهن شهر بوشهر به منظور کنترل تشعشع خورشیدی، سرمایهش و ایجاد کوران طبیعی، در طراحی شهر و مجموعه های سکونتی و نیز واحدهای مسکونی آن شهر جدید بوده است و هدف نهایی ایجاد چتر سایه<sup>۸</sup> و یا منطقه ای عاری از تابش تشعشعات خورشیدی است که مناسب زندگی در نواحی گرم و مرطوب است. همانطور که اشاره شد بررسی اثرات اقلیم در نوع و شکل توسعه، جهت رسیدن به راهبردهای طراحی در فضاهای شهری و معماری ضروری است تا پیاده روی، تحرک و فعالیت مردم در فضاهای شهری، در شرایطی راحت و مناسب انجام گیرد و در درون بناها، زندگی در شرایط عادی و با اتکای کمتر به وسایل تهویه مکانیکی امکان پذیر باشد. راه حل های سنتی در پاسخ به اقلیم در طراحی شهرها و بناهای آن به دست فراموشی سپرده شده است. در مناطق شهری با توجه به افزایش جمعیت در این مناطق و تغییرات در شیوه زندگی و منابع حیاتی چون آب مدیریت شهری در شهرهای جدید نیاز به تفکری دوباره در استفاده از الگوهای اقلیمی بافت های کهن جهت بهبود طراحی شهرها و بناها خود احساس می کند. هرچند روش های ایجاد آسایش با استفاده از عوامل اقلیمی مانند باد و سایه تا حدی در طراحی ساختمان ها شناخته شده است ولی استفاده مطلوب از خرده اقلیم<sup>۹</sup> در فضاهای شهری به دلیل ماهیت و پیچیدگی آن قدری مشکل است. این موضوع از آنجا ناشی می شود که زمان استفاده از فضاهای شهری در طول سال در مناطق گرم و مرطوبی چون بوشهر و غالب شهر بسیار زیاد است و عدم حضور استفاده کننده از فضاهایی شهری موجبات رخت بر بستن سرزندگی، پویایی و نشاط شهری در این مناطق را فراهم می نماید. بنابراین ایجاد تعادل و تا حدی نزدیکی به حد آسایش در فضاهای شهری جهت دست یافتن به این مهم همانند داخل بناها توسط مدیران شهری در شهرهای جدید ضرورت می یابد و بهره گیری از الگوهای اقلیمی موجود در منطقه بسیار حائز اهمیت می باشد.

۷. Climatological Patterns  
۸. Shadow Umbrella  
۹. Microclimate



### منابع و مأخذ:

- ۱- باقری بهشتی، شیدا، «عرصه‌های عمومی، عرصه‌های فراموش شده در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، کتاب دوم (هویت شهرهای جدید)، ۱۳۸۵، ۶۸-۶۱
- ۲- رجائی، محمدعلی و زحمتکش، مرضیه «نقش عوامل جغرافیایی و زیست محیطی در مکان‌یابی شهرهای جدید»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، کتاب دوم (هویت شهرهای جدید)، ۱۳۸۵، ۲۳۴-۲۱۹
- ۳- رنجبر، احسان «بررسی معیارهای پایداری اقلیمی در طراحی فضاهای عمومی شهری شهرهای جدید حاشیه خلیج فارس، مورد مطالعه: بوشهر-عالیشهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۶
- ۴- زنجانی، حبیب‌الله و امکچی، حمیده و عظیمی، ناصر، «نگرشی نو در نیازسنجی و مکانیابی شهرک‌ها و شهرهای جدید»، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۸۸، ۹-۶
- ۵- عابدی، مهدیه و صفدری، داود، «شهرهای جدید- تطابق حس مکان با نیازهای انسان»، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۸۸، ۷۷-۷۲
- ۶- عقیقی، احمدرضا، «نگاهی به سیر تطور قانونی شهرهای جدید»، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۸۸، ۲۹-۲۶
- ۷- گاندر، ژ.و.آ. گیوا/تاثیر باد در شکل‌گیری فضاهای شهری/ مترجم فیروز جناب/مهندسين مشاور نوي/ تهران/۱۳۷۳
- ۸- مهندسان مشاور آسمان نقشینه، مطالعات طرح تفصیلی اراضی ۵۰۰ هکتاری شهر جدید عالیشهر، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران/۱۳۸۱
- ۹- مهندسان مشاور جبارنیا و همکاران، پروژه طرح بهسازی و نوسازی بافت قدیم بوشهر، اداره کل مسکن و شهرسازی استان بوشهر، بوشهر، ۱۳۷۸
- ۱۰- مهندسان مشاور شهروبرنامه، مطالعات طرح جامع شهر جدید عالیشهر، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، ۱۳۷۲
- ۱۱- مهندسان مشاور شهروبرنامه، مطالعات طرح جامع بوشهر، اداره کل مسکن و شهرسازی استان بوشهر، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران/۱۳۸۲
- 12- Baruch, Givoni/ Climate Considerations in Building and Urban design/ Van Nostrand Reinhold. New York/1998
- 13- Baruch, Givoni/ Urban Design and Climate/ Time-Saver Standard for Urban Design/ Mc Grawhill/New York/2003
- 14- Baruch, Givoni/ Urban Design for Hot Humid Regions/ Renewable Energy/1994

## ارائه الگویی جهت مکانیابی اثربخش مراکز مدیریت بحران شهری با رویکرد توسعه پایدار مطالعه موردی منطقه ۶ شهرداری اصفهان

دکتر علی خاکساری رفسنجانی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)  
محمد خسروی

کارشناس مهندسی صنایع و کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

سیدمحمدجواد موسوی

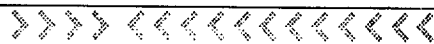
کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

### چکیده

یکی از روندهای کنونی در شهرهای بزرگ تمرکز بیش از پیش جمعیت می باشد که خود تنگناها و فرصت های بیشماری را ایجاد کرده است. آسیب پذیری سکونتگاه های انسانی نسبت به بلایای طبیعی در نتیجه تمرکز جمعیت و فعالیت های اقتصادی در نواحی وسیع و متراکم و وضعیت نابسامان و بی قاعده سکونتگاه های ساکنان کم درآمد نواحی شهری و روستایی به طور مداوم افزایش یافته است. در این میان وجود مراکز مدیریت بحران شهری یکی از راهکارهای اثربخش پیشگیری و مقابله با آسیب های احتمالی است. اما تنها با ایجاد و یا افزایش تعداد مراکز نمی توان به اهداف مدیریت بحران شهری دست یافت. حال یکی از راه های اصلی دستیابی به این امر توجه به نحوه مکانیابی این مراکز در سطح شهر است. در این مقاله تلاش شده است با توجه به مفاهیم و شاخص های اثربخشی مدیریت بحران، مکانیابی بهینه، توسعه پایدار و ترکیب آنها الگویی جهت مکان یابی بهینه ستادهای مدیریت بحران شهری ارائه شود.

### واژگان کلیدی

مکانیابی<sup>۱</sup> - مدیریت بحران<sup>۲</sup> - اثربخشی<sup>۳</sup> - توسعه پایدار<sup>۴</sup>



## ۱. مقدمه

امروزه بحران‌های مختلف، جوامع بشری را فراگرفته است و دولت‌ها هر ساله مبالغ هنگفتی را صرف پیشگیری از بحران و کاهش اثرات ناشی از آن می‌نمایند. ایران نیز در میان کشورهای حادثه‌خیز دنیا قرار دارد طوری که از ۴۱ مورد بلایای طبیعی ۳۱ مورد آن در کشورمان به وقوع می‌پیوندد. از این جهت ضرورت توجه به بحران و مدیریت آن اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و بدین منظور مراکز مدیریت بحران در بعضی از شهرهای کشور تاسیس شده است. اما در شهر اصفهان که یکی از کلان‌شهرهای مهم کشور می‌باشد و از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از موقعیت قابل توجهی برخوردار است تاکنون مرکز مدیریت بحران تاسیس نشده است. لذا انگیزه اصلی این نوشتار عدم وجود مرکز مدیریت بحران در شهر اصفهان و ضرورت تاسیس آن می‌باشد. در امر تاسیس مرکز مدیریت بحران، مکانیابی اثربخش آنها از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که اگر این مراکز در مکان مناسبی مستقر نشوند - علی‌رغم وجود تمام عوامل - نمی‌توانند آنچه‌ای که باید در مواقع بحرانی ایفای نقش نمایند. در این ارتباط مسأله تحقیق ارائه الگوی مکانیابی اثربخش مراکز مدیریت بحران با رویکرد توسعه پایدار است و توجه به این رویکرد از نوآوری‌های برجسته مقاله می‌باشد چرا که در هیچ یک از مقالات مرتبط به این امر توجه نشده است.

نوشتار حاضر در سه بخش کلی ارائه شده است. در بخش اول طرح مسأله و ضرورت موضوع، روش‌شناسی تحقیق، روش گردآوری اطلاعات و الگوی نظری تحقیق آمده است. در بخش دوم ادبیات موضوع بررسی می‌گردد بدین ترتیب که ابتدا مفاهیم و دیدگاه‌های مختلف مدیریت بحران و چرخه مدیریت بحران مطرح می‌گردد و سپس رویکردهای مختلف مکانیابی ارائه می‌شود. در بخش سوم تلاش شده است تا با رویکرد توسعه پایدار کارکردهای مختلف مراکز مدیریت بحران در طول زمان احصا شود و سپس با توجه به این کارکردها، معیارهای مکانیابی مراکز مدیریت بحران تعیین گردد. پس از تعیین معیارهای مکانیابی، الگوی به دست آمده در منطقه ۶ شهر اصفهان مورد آزمون قرار گرفت و با توجه به نقشه‌های مختلف بافت‌های فرسوده، گسل‌ها، دسترسی‌ها، کاربری‌ها و ... نقاطی به عنوان نقاط منتخب به ترتیب اولویت جهت استقرار مراکز مدیریت بحران مشخص گردید.

## ۲. طرح مسأله و ضرورت موضوع

یکی از روندهای کنونی در شهرهای بزرگ تمرکز بیش از پیش جمعیت می‌باشد که خود تنگناها و فرصت‌های بیشماری را ایجاد کرده است. آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی نسبت به بلایای طبیعی در نتیجه تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در نواحی وسیع و متراکم و وضعیت نابسامان و بی‌قاعده سکونتگاه‌های ساکنان کم‌درآمد نواحی شهری و روستایی به طور مداوم افزایش یافته است و بشريت با بحران‌های بسیاری مواجه است که بعضی از آنها از خشم طبیعت ناشی می‌شود و بعضی دیگر نیز ساخته دست خود انسان است. در تعریف بحران آمده است که حادثه‌ای است که به طور طبیعی و یا توسط بشر به طور ناگهانی و یا به صورت فزاینده به وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌نماید که جهت برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده باشد. [۱]

ضرورت توجه و اولویت موضوع بحران تا به حدی است که دولت‌ها هر ساله مبالغ بسیاری را صرف پیشگیری از بروز بحران می‌نمایند. از طرف دیگر امروزه به مسأله بحران به عنوان یکی از شاخه‌های

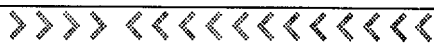
علمی نگریسته می شود و تحت عنوان مدیریت بحران از آن یاد می شود. در نوشتارهای مختلف تعاریف متفاوتی از مدیریت بحران شده است از آن جمله: مدیریت بحران فرایند عملکرد و برنامه ریزی مقامات دولتی و دستگاه های اجرایی است که با مشاهده و تجزیه و تحلیل بحران ها به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای موجود تلاش می کنند تا از بحران ها پیشگیری نمایند یا در صورت بروز آنها در جهت کاهش آثار، آمادگی لازم، امداد رسانی سریع و بهبود اوضاع ایفای نقش نمایند. [۲] در تعریف دیگر آمده است مدیریت بحران از یکسو آمادگی برای مقابله و تلاش برای پیشگیری از بحران ها است و از سوی دیگر، به پاسخگویی و به حداقل رساندن پیامدهای جانی و مالی بحران ها و برقراری وضعیت عادی می پردازد. [۳] نقطه مشترکی که در تمام تعاریف مدیریت بحران وجود دارد اینکه مدیریت بحران فرایندی است که قبل از بروز بحران آغاز می شود و تا پایان و حتی پس از آن ادامه می یابد و از چهار مرحله: پیشگیری، آمادگی، واکنش و بازسازی تشکیل می شود.

ضرورت پرداختن به مسئله مدیریت بحران وجود مراکز مدیریت بحران را اجتناب ناپذیر می نماید. شاید مهمترین اصل در مدیریت بحران اصل هماهنگی باشد و همین امر باعث شده است که مرکز مدیریت بحران این نقش را به عهده بگیرد. این مراکز به گونه ای سازماندهی می شوند که کلیه مراحل فرایند مدیریت بحران را پوشش داده، هماهنگ سازند. لازم به ذکر است که در جوامع مختلف کارکردهای مورد انتظار از مراکز مدیریت بحران متفاوت است و بسته به نوع بحران های احتمالی آن جامعه، انتظارات متفاوتی از این مراکز می رود.

بسته به نوع کارکردهای مراکز مدیریت بحران مکانیابی این مراکز نیز متفاوت است. امروزه یافتن مکان یا مکان های مناسب برای ایجاد یک فعالیت در حوزه جغرافیایی معین، جزء مراحل مهم پروژه های اجرایی - بویژه در سطح کلان و ملی - به شمار می رود. مکان های نهایی باید حتی الامکان همه شرایط و قیود مورد نیاز را برآورده نمایند و عدم بررسی این شرایط و قیود قبل از اجرا چنین پروژه هایی، نتایج نامطلوب فراوانی به دنبال خواهد داشت. [۴] مکانیابی مراکز مدیریت بحران نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه ضرورت توجه به آن از مسائلی است که عدم توجه به آن مشکلات ناگواری را در آینده موجب خواهد شد.

در رابطه با مکانیابی مراکز مدیریت بحران در ایران تاکنون تحقیقاتی صورت گرفته است. اما نکته قابل توجه آن است که این تحقیقات بدون در نظر گرفتن شاخص های اثربخشی و بدون نگاه به مؤلفه های توسعه پایدار بوده است. در واقع این تحقیقات غالباً به مکانیابی مراکز امداد و اسکان توجه نموده و از اثربخشی این مراکز در طول زمان غافل مانده است. لذا مسئله این تحقیق آن است که با در نظر گرفتن شاخص های فوق الذکر، الگویی برای مکانیابی اثربخش مراکز مدیریت بحران ارائه گردد.

از آنجا که اصفهان یکی از کلان شهرهای مرکزی ایران می باشد که از پتانسیل های بالایی در امر توسعه کشور برخوردار است و در نتیجه بروز بحرانی طبیعی یا غیر طبیعی در این کلان شهر؛ در صورتی که به درستی مدیریت نگردد؛ می تواند کل کشور را تحت تاثیر قرار دهد، لزوم توجه به مدیریت اثربخش بحران در این شهر را روشن می سازد. از طرف دیگر تاکنون هیچ گونه مرکز مدیریت بحران شهری به صورتی شناخته شده در این شهر تاسیس نشده است. این مسئله موجب شده که به موضوع مکانیابی مراکز مدیریت بحران در این شهر پرداخته شود تا قبل از تاسیس این مرکز کارکردهایی که از آن انتظار می رود احصاء گردد و در تعیین مکان این مراکز مورد استفاده قرار گیرد.



### ۳. روش شناسی تحقیق

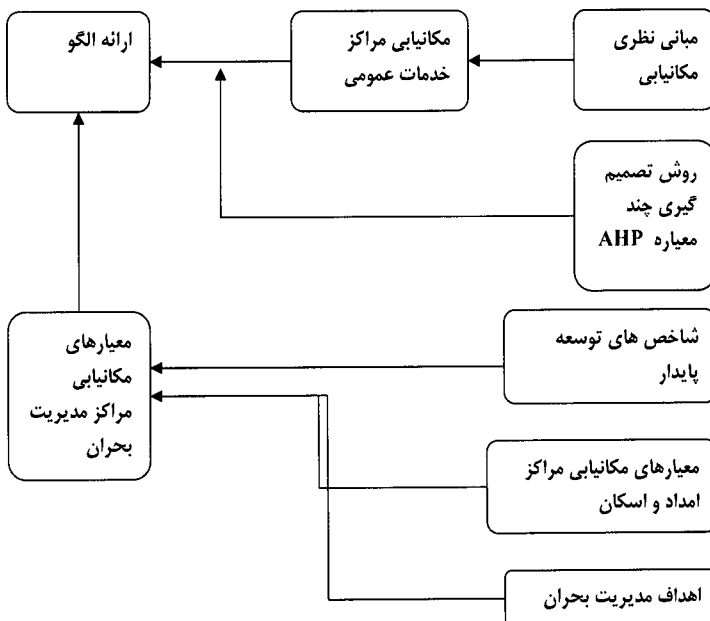
در پاسخ به این سؤال که « الگوی مناسب برای مکانیابی مراکز مدیریت بحران در منطقه ۶ شهرداری اصفهان به گونه ای که به اثربخشی مکانیابی مراکز مدیریت بحران کمک کند و متناسب با معیارهای توسعه پایدار باشد چیست؟ » ابتدا ادبیات موضوع مورد بررسی قرار گرفت. در این خصوص مبانی نظری مربوط به مکانیابی خدمات عمومی و روش های تصمیم گیری چند معیاره مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از آن ها الگوی کلی مکانیابی مراکز مدیریت بحران در دو شکل گسسته و پیوسته تدوین شد. سپس با بررسی معیارهای مکانیابی مراکز امداد و اسکان، توسعه پایدار، مدیریت بحران و مکانیابی اثربخش، معیارهای لازم برای استفاده در الگو تعیین گردید. در نهایت با استفاده از اطلاعات مربوط به منطقه ۶ شهرداری اصفهان الگو بر روی این منطقه اجرا و نتایج بررسی شد.

### ۴. روش گردآوری اطلاعات

در این تحقیق به منظور بررسی ادبیات و ارائه الگوی نظری از مطالعه کتابخانه ای (مطالعه کتب، پایان نامه ها، مقالات و جست و جو در اینترنت) استفاده شده است. همچنین جهت آزمون الگو از اطلاعات موجود در برخی معاونت های شهرداری اصفهان، جست و جو در اینترنت و بررسی میدانی استفاده گردیده است.

### ۵. ارائه الگوی نظری

الگوی نظری تحقیق به صورت نمودار بدین صورت نشان داده می شود:



نمودار ۱: الگوی نظری





و عوامل مدیریت بحران، استفاده از تمامی امکانات ملی، استانی و نیروهای مردمی، هدایت کلیه کمک‌های دولتی و غیر دولتی داخلی و خارجی به منظور پیشگیری و کاهش آثار بلایا، آرایه حداکثر خدمات امداد و نجات سازمان یافته، تقلیل تلفات انسانی و اقتصادی، جبران و ... می‌باشد.

## ۶.۲ مکان‌یابی

بطور کلی مکانیابی جزء مسائلی است که دارای ساختار ضعیف و ناقص است زیرا برخی از فاکتورهای آن به سختی قابل اندازه‌گیری یا پیش‌بینی هستند. به همین علت تعریف و اندازه‌گیری دقیق مقادیر هر یک از جواب‌ها به ازای هر پارامتر غیر ممکن است. [۷]

## ۶.۲.۱. انواع مسائل مکانیابی و روش‌های حل آن

### الف) انواع مسائل مکانیابی

۱. از نظر مکان استقرار:

۱. به صورت مسطح

۲. به صورت نقطه

مسائل پوشش روی سطح به حالتی می‌پردازد که هدف برآوردن تقاضای موجود در سطح یک منطقه باشد. در این حالت مکان‌های استقرار بصورت پیوسته در نظر گرفته می‌شود. اگر مکان‌های استقرار را بصورت نقطه و در فضای گسسته در نظر گرفته شود. مسئله از نوع مکانیابی خواهد بود.

۲. از در نظر گرفتن بعد زمان

۱. ایستا

۲. پویا

پویا بودن مسئله مکانیابی به معنی دخالت دادن پارامتر زمان در این مسئله می‌باشد. از طرفی چنان‌چه حداقل یک پارامتر مسئله مکانیابی بصورت احتمالی باشد، مدل جابجایی، یک مدل احتمالی است در غیر این صورت قطعی است. [۸]

۳. از نظر فضای جواب

۱. گسسته:

مسائل مکانیابی گسسته امکان به کارگیری فواصل اختیاری را در بین گروه‌ها بوجود می‌آورند. این نوع مدل‌ها معمولاً در قالب برنامه‌ریزی عدد صحیح مختلط مورد توجه قرار می‌گیرند [۹]

۲. پیوسته:

در مسائل مکانیابی روی سطح با مدل‌های پیوسته تقاضاها می‌توانند در هر نقطه‌ای از سطح واقع شوند. در این مدل‌ها اغلب تقاضاها را با استفاده از یک تابع توزیع احتمال فضایی که در آن احتمال بروز تقاضاها در هر نقطه  $(X, Y)$  داده شده است نمایش می‌دهند [۱۰]

۴. از نظر قطعیت

۱. قطعی

۲. احتمالی

در یک مسئله مکانیابی علاوه بر این که ورودی ها می توانند ماهیتی ایستا یا پویا داشته باشند ممکن است که این ورودی ها بصورت قطعی و یا احتمالی نیز ظاهر شوند. در مواجهه با مسائل مکانیابی همواره این امکان وجود دارد که تعداد زیادی از ورودی ها بصورت احتمالی باشند. [۱۰]

۵. از نظر تعداد تسهیلات مورد مکانیابی

۱. تک تسهیلاتی

۲. چند تسهیلاتی (مرکب)

در صورتی که بخواهیم بدون در نظر گرفتن موقعیت سایر تسهیلات در یک ناحیه معین به تعیین موقعیت تسهیلی جدید در آن ناحیه بپردازیم در این صورت حل یک مسئله تک تسهیلاته مورد نظر است. در بسیاری از موارد هدف تحقیق برنامه ریزی برای مکانیابی مجموعه ای نظام مند و سیستماتیک از چند تسهیل است. در این نوع مسائل ضمن توجه به جایگاه و نواحی پوشش داده شده توسط سایر تسهیلات، جایگاه هر تسهیل و منطقه تحت پوشش آن مشخص می شود این دسته از مسائل در مورد بسیاری از تسهیلات عمومی یا برنامه ریزی برای سیستم های زیربنایی مانند آموزش، بهداشت و ... مطرح است. [۹]

۶. از نظر تابع هدف

۳. کمی: که شامل دو دسته توابع هدف کمی پارامتری و غیر پارامتری می شود

۴. کیفی: که شامل دودسته توابع هدف یک معیاره و چند معیاره می شود.

۷. از نظر هدف

۵. عمومی: وقتی هدف مکانیابی تسهیلات خدمات عمومی و غیر انتفاعی برای حداکثر کردن منافع عمومی باشد.

۶. خصوصی: وقتی هدف مکانیابی تسهیلات حداکثر کردن سود یا حداقل کردن هزینه باشد. عموماً هدف مسئله مکانیابی تسهیلات یا حداقل کردن هزینه هاست یا حداکثر کردن سود. در مورد تسهیلات برای خدمات اورژانس (و مواردی مانند مراکز مدیریت بحران) اغلب، هدف حداقل کردن خسارت های وارده به عموم است [۱۱]

(ب) روش های حل

۱. مدل های ریاضی (تحقیق در عملیات)

این مدل ها شامل مدل های گسسته، پیوسته و برنامه ریزی حمل و نقل تقسیم می شوند.

۲. مدل های تصمیم گیری

از جمله روش های تصمیم گیری که در مکانیابی مورد استفاده قرار می گیرد، مدل های تصمیم گیری چند معیاره (MCDM) است. در این گونه مدل های تصمیم گیری به جای استفاده از یک معیار سنجش، اتخاذ تصمیم بهینه با توجه به چندین معیار سنجش مختلف صورت می گیرد.

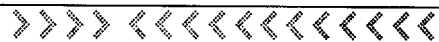
مدل های تصمیم گیری چند معیاره به دو گروه عمده تقسیم می شوند:

۱- مدل های چند شاخصه (MADM)<sup>۵</sup>

۲- مدل های چند هدفی (MODM)<sup>۶</sup>

۵. Multi Attribute Decision Making

۶. Multi Objective Decision Making



### ۶,۳ روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) یکی از روش‌های MADM است که بمنظور تصمیم‌گیری و انتخاب یک گزینه از گزینه‌های متعدد تصمیم، با توجه به شاخص‌هایی که توسط تصمیم‌گیرنده تعیین می‌گردد به کار گرفته می‌شود. این روش پس از ایجاد یک ساختار رده‌ای برای مسئله، به ایجاد ترجیحات از طریق مقایسات زوجی پرداخته و در نهایت یک سازگاری منطقی از اندازه‌گیری‌ها برقرار می‌سازد. این روش برای تصمیم‌گیری بصورت گروهی نیز قابل استفاده است (AHP گروهی). در این روش تصمیم‌گیرنده باید کاملاً محتاط باشد تا سطوح مختلف تصمیم بر روی یکدیگر بازخورد متقابل نداشته باشد. [۱۰]

### ۶,۴ فرایند مکانیابی خدمات عمومی

#### ۱- تعریف مسئله

۷. مشخص کردن عوامل اصلی، تصمیم‌گیران و هدایتگران مرتبط

۸. شناسایی اهداف

#### ۲- تحلیل

۹. تعیین اهداف میانی، معضلات، گزینه‌ها و روند تحلیل

۱۰. فرموله کردن مدل

۱۱. جمع آمار و اطلاعات لازم و ارزش‌گذاری آن‌ها

#### ۳- ارتباطات و تصمیم‌گیری

۱۲. ارائه روش مطالعه، راه‌حل‌ها و توصیه‌ها

۱۳. تصمیم‌گیری

#### ۴- اجرا

۱۴. اجرای عملیات منتخب و سیاست‌های اجرایی

۱۵. نظارت بر روش اجرا و نتایج [۱۰]

### ۶,۵ مکانیابی مراکز مدیریت بحران

#### ۶,۵,۱. رویکردهای مکانیابی مراکز مدیریت بحران

با توجه به شرایط بحرانی و لزوم استفاده حداکثر از امکانات موجود، مکان‌یابی مراکز مدیریت بحران می‌تواند با گرایش به رویکرد‌های زیر صورت پذیرد:

۱. استفاده از اراضی بزرگ و دارای پتانسیل

در این رویکرد بدون در نظر گرفتن شاخص‌های مؤثر بر امر مکان‌یابی صرفاً از اراضی بزرگ موجود در محدوده بحران و مناطق پیرامون آن برای طراحی و ساخت مراکز امداد و اسکان موقت استفاده می‌شود. این امر با توجه به ملاحظات یاد شده ضمن در پی داشتن عواقبی با توجه به موارد زیر امکان اجرای سریع طرح مورد نظر را به دنبال خواهد داشت:

- ماهیت کالبدی مراکز مورد نظر (راضی بزرگ و سطح اشغال کم) برای ایجاد اردوگاه.

- مالکیت زمین‌های بزرگ (که عموماً در اختیار بخش عمومی دولتی یا نظامی می‌باشد).

- امکانات و تجهیزات موجود در این گونه زمین ها بواسطه کارکرد - فعالیت های مستقر در آن ها.
۲. ایجاد مراکز امداد به صورت پراکنده در محل بحران و استفاده از امکانات موجود.
- با توجه به امکان وجود قطعات درشت دانه و با سطح اشغال کم در محدوده بحران همچنین وجود اماکن قابل استفاده برای استقرار جمعیت در شرایط بحران مانند مدارس، مساجد، پارک ها، مراکز آموزش عالی و ورزشگاه ها امکان توزیع مراکز مورد نظر در سطح محدوده بحران و استفاده از امکانات موجود فراهم می گردد .
۳. مکانیابی با توجه به شاخص های تعیین کننده:
- از آن جا که اغلب مراکز محلی با توجه به کاربری شان در شرایط عادی امکان ذخیره و انبارسازی امکانات مورد نیاز برای اسکان را ندارند؛ همچنین با توجه به امکان تخریب و آسیب دیدن تعدادی از آن ها می بایست مراکز پبش بینی شوند که علاوه بر ذخیره امکانات مورد نیاز در زمان بحران امکان اسکان آسیب دیدگان را نیز فراهم آورند.
۴. ترکیبی از رویکردهای فوق. [۱۲]

## ۷. الگوی کلی مکانیابی مراکز مدیریت بحران

۷،۱ مدل گسسته

### ۱- تعیین نقاط بالقوه پیشنهادی :

در این روش ابتدا تعدادی نقاط کاندید برای احداث مراکز مدیریت بحران انتخاب می شوند. این نقاط می توانند مکان هایی مانند پارک ها و محوطه های باز با عرصه های نسبتاً وسیع و مانند آن که قابل تصرف هستند، باشد.

### ۲- تعیین معیارها و دامنه ارزش هر معیار

در این مرحله بایستی معیارها و شاخص های مکان یابی و ارزیابی آن ها مانند نزدیک بودن به پهنه های آسیب پذیرتر یا دور بودن از پهنه های خطر مشخص می شود . سپس برای هر معیار دامنه ارزشی تعریف گردد تا بتوان از طریق آن امتیاز دهی نمود. بعنوان مثال اگر فاصله از مناطق پرتراکم جمعیت یک معیار باشد دامنه ارزش این معیار می تواند بدین صورت تعریف گردد:

- فاصله کم از مناطق پرتراکم : ۲ امتیاز

- فاصله متوسط از مناطق پرتراکم : ۱ امتیاز

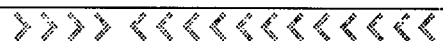
- فاصله زیاد از مناطق پرتراکم : ۰ امتیاز

### ۳- وزن دهی به معیارها:

در این مرحله ارزش وزنی هر معیار مشخص می شود . بدین معنی که میزان اهمیت هر معیار در مکانیابی مشخص می شود . بدین صورت که به معیارهای با اهمیت بیشتر وزن بیشتر و معیارهای با اهمیت کمتر وزن کمتری اختصاص داده می شود . مثلاً به معیار فاصله از مناطق پرتراکم وزن ۳ و به معیار نزدیک بودن به مراکز انتظامی وزن ۱ اختصاص داده شود .

### ۴- امتیاز دهی به هر مکان:

در این مرحله به مکان های کاندید امتیازدهی می شود . یعنی امتیاز هر مکان برای هر معیار محاسبه می شود.



## ۵- انتخاب مکان یا مکان های بهینه :

امتیاز هر مکان از مجموع حاصل ضرب های امتیاز هر مکان در هر معیار ضرب در ضریب وزنی آن معیار به دست می آید . و سپس امتیازات مکان ها با هم مقایسه می شود . مکان یا مکان هایی که بیشترین امتیاز را کسب کرده باشند مکان های منتخب هستند .

## ۷,۲ مدل پیوسته:

## ۱- تعیین معیارهای مکانیابی.

ابتدا معیارهای مکانیابی مشخص می شود.

## ۲- تهیه « نقشه های مکان مناسب », « لایه های اطلاعاتی »:

« نقشه های مکان مناسب » نقشه ای است که بر حسب یک موضوع مشخص ( بعنوان مثال گسل ) مناسب ترین و نامناسب ترین نقاط را برای استقرار نسبت به موضوع مشخص شده در پهنه مطالعه نشان می دهد [۱۲]

## ۳- تعیین ضریب وزنی معیارها (لایه ها):

این کار به دو روش انجام می پذیرد :

الف) تقسیم بندی ساده: این روش مانند روشی است که در مدل گسسته توضیح داده شد با این تفاوت که در این روش تنها ضرایب وزنی محاسبه می شود . و امتیازدهی توسط نرم افزار انجام می شود .

## ب) AHP

این روش شامل مراحل زیر می باشد:

## ۱- ایجاد ساختار سلسله مراتبی معیارها.

## ۲- محاسبه بردارهای اولویت گزینه ها.

## ۳- بررسی میزان سازگاری قضاوت ها.

در صورتی که نرخ نهایی ناسازگاری ماتریس ها از حد آستانه کمتر باشد، نیازی به تجدید نظر در قضاوت ها نبوده اوزان محاسباتی بر روی ورودی ها یعنی نقشه های کلاسه بندی شده اعمال می شود. [۴]

## ۴- تلفیق لایه ها و مکانیابی اولیه :

نقشه مکانیابی مراکز مورد نظر از تلفیق نقشه مکان مناسب های تهیه شده به دست می آید. این امر در نرم افزار Arc GIS به کمک ابزار Raster Calculator انجام می شود . با توجه به متفاوت بودن تاثیر لایه های مختلف بر مکانیابی می بایست ضریب وزنی به هر کدام اختصاص داد [۱۲] که از یکی از دوروش فوق الذکر ضرایب وزنی به دست می آید . در این مرحله نرم افزار با توجه به ضرایب وزنی داده شده مناسب ترین مکان ها را مشخص می کند .

## ۵- مکانیابی ثانویه ( نهایی ):

از آن جا که ممکن است به دلایلی نتوان بعضی از معیارها را در قالب لایه های اطلاعاتی برای نرم افزار معرفی کرد لازم است بر روی نقشه به دست آمده از نرم افزار بررسی نهایی صورت بگیرد یعنی با بررسی میدانی و استفاده از نظر کارشناسان و مسئولان بهترین مکان ها از میان مکان های ارائه شده توسط نرم افزار انتخاب شوند. بعنوان مثال شاید بتوان معیاری مانند امکان تصرف را برای نرم افزار تعریف کرد .

#### ۸. معیارهای مکانیابی مراکز مدیریت بحران:

در این قسمت ابتدا معیارهای کلی به دست می آید، سپس با استفاده از معیارهای کلی، شاخص‌ها (معیارهای جزئی) مکانیابی مراکز مدیریت بحران استخراج می‌گردد.

#### ۸.۱ معیارهای مکانیابی مراکز امداد و اسکان:

معیارهای کلی مکانیابی مراکز امداد و اسکان عبارتند از: ایمنی کارایی کارایی اثربخشی و مجهز بودن [۱۲].

##### ۱- ایمنی:

منظور از ایمنی، امن بودن محل در مقابل خطرات ناشی از شرایط بحران است که می‌تواند در خود محل اسکان حادث شود و یا در اثر وقوع آن‌ها در اطراف محل اسکان را متاثر سازد. این خطرات می‌تواند یک یا ترکیبی از این موارد باشد: آتش‌سوزی، انفجار، برق‌گرفتگی، نشت گاز، آب‌گرفتگی، ریزش آوار، رانش زمین و...

برای تأمین ایمنی لازم مکان مراکز مدیریت بحران، می‌بایست دور و در فاصله‌ای مناسب از کانون‌ها و پهنه‌های خطرآفرین قرار گرفته باشد. این کانون‌ها و پهنه‌ها شامل گسل‌ها، شیب‌ها و اراضی ناپایدار تاسیسات شهری خطرناک (تاسیسات برق فشار قوی، گازرسانی و منابع آب) و کارکرد - فعالیت‌های خطر ساز می‌باشد.

##### ۲- مجهز بودن:

بمنظور تأمین نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان، مراکز مدیریت بحران، می‌بایست مجهز باشند. نیازهای آسیب‌دیدگان را می‌توان در دو گروه اصلی به شرح زیر برشمرد:

- نیازهای درمانی شامل: درمان جسمی و فیزیکی، درمان روحی - روانی، دارو و تجهیزات پزشکی.  
- نیازهای اسکان شامل: آب، غذا، سرپناه، پوشاک، حمام، و سرویس بهداشتی. تجهیزات گرمایش و سرمایش.

بر این اساس مراکز مدیریت بحران می‌بایست:

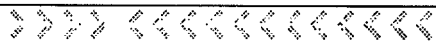
- به مراکز درمانی نزدیک باشند تا بتوانند از خدمات درمانی آن‌ها بهره‌مند شوند  
- به انبار تجهیزات (مشمول بر مواد غذایی خشک و فاسد نشدنی، آب، چادر، پتو، پوشاک، چراغ روشنایی و حرارتی تجهیزات خنک‌کننده و تجهیزات امداد رسانی و آوار برداری) نزدیک باشند.

##### ۳- کارایی:

منظور از کارایی، مناسب بودن پهنه در نظر گرفته شده برای اسکان است. برای این منظور پهنه‌های پیش‌بینی شده می‌بایست از ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

- دسترسی آسان بمنظور: اسکان سریع آسیب‌دیدگان و تخلیه سریع و انتقال آسیب‌دیدگان در صورت گسترش بحران

- مناسب بودن زمین بمنظور اسکان تعداد بیشتری از آسیب‌دیدگان و فراهم کردن زمینه لازم برای امداد رسانی بهتر. برای این منظور زمین مورد نظر می‌بایست درشت‌دانه، (اندازه آن بزرگ) سطح اشغال آن کم، سطح پوشش گیاهی انبوه (درخت و درختچه) در آن کم، تا جای ممکن از بناهای سرپوشیده بزرگ مانند سالن‌های ورزشی برخوردار باشند. شیب آن مناسب باشد امکان فرود هلیکوپتر در آن و یا نزدیک آن فراهم باشد.



#### ۴- اثربخشی

منظور از اثربخشی مراکز امداد و اسکان آن است که در این مراکز بتوانند با توجه به شرایط ایجاد شده بر اثر سانحه، بیشترین امداد رسانی را به محیط پیرامون خود ارائه دهند. برای این منظور اراضی در نظر گرفته شده می‌بایست به پهنه‌هایی که بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند نزدیک باشند تا بتوانند امکان امداد رسانی و اسکان تعداد جمعیت آسیب دیده بیشتری را فراهم کنند. این امر می‌بایست با توجه به موارد زیر صورت پذیرد:

۵. بر آورد تلفات احتمالی و تعداد بازماندگان حادثه.

۶. بر آورد تعداد بناهای مسکونی تخریب شده و تعداد بنای مسکونی سالم.

۷. بر آورد تعداد اماکن و بناهای قابل اسکان [۱۲].

#### ۸,۲ معیارهای اثربخشی مکانیابی مراکز مدیریت بحران

##### ۸,۲,۱ اهداف مدیریت بحران

به طور کلی در مورد مدیریت بحران دو دیدگاه اصلی وجود دارد. دیدگاه سنتی و دیدگاه نوین. امروزه تمام صاحب‌نظران به دیدگاه نوین اعتقاد دارند و دیدگاه سنتی را فاقد کارایی لازم می‌دانند. دیدگاه سنتی، مدیریت بحران را عمدتاً به مسأله امداد و کمک رسانی محدود می‌نماید و معتقد است که مدیریت بحران پس از بروز بحران آغاز می‌گردد. اما دیدگاه نوین، مدیریت مصائب جمعی، مسأله کمک رسانی و امداد و نجات را تنها مرحله‌ای از مراحل چرخه مصائب جمعی می‌داند و تأکید می‌کند که تمامی مراحل چرخه مدیریت بحران در حیطه مدیریت مصائب جمعی قرار می‌گیرد. [۱۳] در دیدگاه نوین، مرحله پیشگیری از بحران، مهمترین مرحله است اما دیدگاه سنتی مرحله امداد و نجات را مهمترین مرحله می‌داند.

مرحله پیشگیری از آن روی مهم تلقی می‌شود که از چهار مفهوم مهم و غیرقابل جایگزین، یعنی: شناخت، برنامه ریزی، پیش‌گیری و آمادگی تشکیل شده است. [۱۳] کلیه سازمان‌های درگیر در امر مدیریت بحران می‌بایست در این مرحله با یکدیگر هماهنگ باشند و در جهت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده تلاش کنند. تنها با شناخت درست بحران و آثار ناشی از آن است که می‌توانیم نسبت به برنامه ریزی درست جهت مقابله با بحران و کاهش اثرات آن امیدوار باشیم.

هدف اصلی اصول مدیریت و برنامه ریزی بحران اطمینان یافتن از این امر است که بحران‌ها کمترین اثرات جانی و مالی و زیست محیطی را به وجود آورند. این کار می‌تواند با پیشگیری، آمادگی، مقابله کارا و بازسازی اندیشیده و برنامه ریزی شده صورت پذیرد. [۱۴] در مرحله پیشگیری مهمترین کار، برنامه ریزی است. هدف از مدیریت بحران که کاهش اثرات جانی و مالی می‌باشد تنها با برنامه ریزی پیش از وقوع میسر است. کوارنتیلی و همکاری‌های اصول زیر را به عنوان اصول برنامه ریزی بحران بیان می‌نمایند:

- برنامه ریزی بحران فرایندی پیوسته است.

- برنامه ریزی بحران باید به دنبال کاهش «ناشناخته‌های» وضعیت‌های بحرانی باشد.

- برنامه ریزی به دنبال فراخواندن اقدامات مناسب است.

- برنامه ریزی بحران باید مبتنی بر آن چیزی باشد که احتمال بروز آن وجود دارد.

- برنامه ریزی بحران باید بر اساس دانش و اطلاعات قابل قبول باشد.
- برنامه ریزی بحران باید روی اصول کلی تمرکز کند.
- برنامه ریزی بحران فعالیتی آموزشی است.
- برنامه ریزی بحران باید بر موانع غلبه کند. [۱۴]

### ۸,۲,۲ مکانیابی اثربخش مراکز مدیریت بحران

همانطور که می دانیم مراکز مدیریت بحران اهداف خاصی را دنبال می نمایند و تمام پتانسیل ها و امکانات را در این راستا به کار می گیرند. حتی قبل از تاسیس مراکز مدیریت بحران نیز این اهداف مشخص و تعیین شده است و توجه به این اهداف در تمام طول فرایند قبل از تاسیس، تاسیس و بهره برداری از مراکز مدیریت بحران جزء لاینفک فرایند مدیریت بحران است چرا که اگر غیر از این باشد نتوانسته ایم فرایند مدیریت بحران را به خوبی درک نماییم. مکانیابی اثربخش مراکز مدیریت بحران نیز در این فرایند نقشی اساسی ایفاء می نماید. هنگامی می توانیم ادعا کنیم که مکانیابی ما اثربخش بوده است که مکان تعیین شده بتواند نیل به اهداف مرکز مدیریت بحران را تسهیل نماید. در واقع اثربخشی منوط به دستیابی به هدف است. همانطور که پیشتر ذکر شد در مناطق مختلف اهداف متفاوتی را برای مراکز مدیریت بحران در نظر می گیرند و بسته به این اهداف معیارهای مکانیابی آنها نیز متفاوت است. اثربخشی مکانیابی نیز وابسته به این اهداف است.

### ۸,۳ توسعه ی پایدار و مدیریت بحران

امروزه یکی از اهداف بنیادینی که مدیریت شهری در پی دستیابی به آن می باشد توسعه پایدار است. در واقع تمام تلاشهای متخصصان شهری به نوعی در راستای رسیدن به توسعه پایدار می باشد. در متون مختلف سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی برای توسعه پایدار بیان می شود و این اعتقاد وجود دارد که جوامع برای رسیدن به توسعه پایدار باید در هر سه بعد ذیل ظرفیت سازی نمایند. امروزه بعد چهارمی نیز به توسعه پایدار اضافه شده است به نام بعد معنا. بعد معنا بیان می دارد که معنای توسعه در هر منطقه با سایر مناطق متفاوت است و مردم هر منطقه معنای متفاوتی از توسعه را در ذهن خود دارند. در این خصوص وظیفه مدیران شهری شناخت درست معنای توسعه در هر منطقه و تلاش برای نیل به آن می باشد. [۱۵]

در مورد توسعه پایدار تعاریف متعددی ارائه شده است. توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی، بدون آسیب به توانایی نسلهای آتی برای برآوردن نیازهایشان می باشد. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه که برای اولین بار این اصطلاح را ارائه داد، توسعه پایدار را به عنوان توسعه ای تعریف کرد که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسلهای آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می کند. [۱۶] pugh معتقد است که مدیریت توسعه پایدار شهری در دامنه ای از الگوهای رشد و تغییرات محیطی، اقتصادی و اجتماعی انجام می شود. [۱۷] همچنین اصل ۱ اعلامیه ریو حاکی از آن است که : انسان محور توجه توسعه پایدار است و انسانها سزاوار و مستحق یک زندگی سالم و مولد در ارتباط با طبیعت می باشند. [۱۶]



همانطور که می‌دانیم امروزه نیل به توسعه پایدار در تمام جنبه‌های مدیریت شهری بروز و ظهور یافته است. مدیریت بحران نیز از این قاعده مستثنی نیست. مدیران بحران معتقدند که نه تنها پس از بحران باید به توسعه مناطق بحران زده توجه داشت بلکه قبل از بحران نیز باید به مدیریت بحران با رویکرد توسعه پایدار نگرست. همین امر موجب شده است که کارکردهایی برای مراکز مدیریت بحران متصور شود. از آنجا که کل فرایند مدیریت بحران به چهار بخش پیشگیری، آمادگی، واکنش و بازسازی تقسیم می‌شود. کارکردهایی برای هر کدام از این مراحل فرض می‌شود که بسته به مناطق مختلف و اهداف متفاوت مراکز مدیریت بحران می‌توان مواردی را برای آن مرکز در نظر گرفت.

در زمانی که مراکز مدیریت بحران تاسیس می‌شوند کارکردهایی برای آنها در نظر گرفته می‌شود. این مراکز وظیفه دارند ظرفیت‌های انجام این کارکردها را در طول زمان بهبود بخشند. در واقع مراکز مدیریت بحران زمانی در راستای توسعه پایدار به پیش می‌روند که نه تنها ظرفیت‌های خود را در طول زمان حفظ کنند بلکه آنها را نیز بهبود بخشند. به طور کلی کارکردهای ذیل برای مراکز مدیریت بحران با توجه به چرخه مدیریت بحران تصور می‌شود که هر کدام از آنها به گونه‌ای؛ هر چند جزئی؛ تسهیل‌کننده دستیابی به بعد یا ابعادی از توسعه پایدار می‌باشند. به بیان دیگر تنها زمانی می‌توانیم ادعا نماییم که به سمت توسعه پایدار گام بر می‌داریم که مراکز مدیریت بحران توانسته باشند ظرفیت‌های خود را در ابعاد مختلف بهبود بخشند.

- مراحل پیشگیری و آمادگی
- مانورهای مدیریت بحران.
- فعالیت‌های آموزشی (آموزش‌های آتش‌نشانی، امداد و نجات و ...).
- فعالیت‌های فرهنگی از جمله بازدید از امکان مرتبط با مدیریت بحران، نمایش فیلم و ...
- فعالیت‌های ورزشی به منظور تعمیق پیوند میان مرکز مدیریت بحران و جوانان.
- فرهنگ‌سازی در خصوص نحوه مقابله با سوانح مختلف طبیعی در مراحل مختلف فرایند مدیریت بحران.
- ذخیره‌سازی مواد و تجهیزات موردنیاز گروه‌های مختلف.
- لزوم وجود تجهیزات مناسب، کافی و روزآمد در فرایند مدیریت بحران.
- فعالیت‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی (ارتباط روابط عمومی مراکز مدیریت بحران با صدا و سیما و رادیو به منظور آموزش پیشگیری از بحران و مواجهه با بحران، اعلام خطر و تخلیه‌سازی محیط و ...).
- انجام فعالیت‌های اقتصادی سودآور که تقلیل‌دهنده هزینه‌های مرکز باشد.
- مرکز ارتباطات و فناوری اطلاعات، (ارتباط دائمی اطلاعاتی میان سازمان‌های فعال در فرایند مدیریت بحران).
- بازدید از موزه‌های زلزله و حضور دائمی دانش‌آموزان و بزرگسالان در این موزه‌ها و توجه ویژه اقشار اجتماعی به امور زلزله و مقاوم‌سازی ساختمانها.
- تشکیل گروه‌های آتش‌نشان داوطلب جهت امداد در ۲۴ ساعت اول پس از زلزله.
- مدیریت تمامی انواع بحران‌های ناشی از پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساز از جمله: سیل، فرونشست زمین، خشکسالی، انتشار مواد شیمیایی خطرناک، آتش‌سوزیهای بزرگ و گسترده، همه‌گیری بیماریها و ...
- مراحل واکنش و بازسازی
- اسکان اضطراری.

- استقرار ستاد مدیریت بحران نواحی.
  - سازماندهی کلیه سازمان های درگیر در فرایند مدیریت بحران.
  - تأمین و توزیع امکانات و منابع.
  - ارائه خدمات درمانی، بهداشتی و ...
  - ارتباطات و فناوری اطلاعات.
  - هماهنگی لجستیک (تأمین و توزیع وسایل حمل و نقل، ماشین آلات و ادوات لازم برای امر امداد رسانی).
  - اسکان موقت.
- در این خصوص اصولی نیز به عنوان اصول پیشگیری و کاهش اثرات بحران ها با توجه به مبانی توسعه پایدار ارائه شده است. دنیس میلیتی مجموعه ای از اصول را برای پیشگیری و کاهش اثرات بحران ها بیان می کند. این اصول که با توجه خاص به مبانی توسعه پایدار تنظیم شده اند و بسیار مورد استقبال مجامع علمی و سازمان های اجرایی از جمله سازمان ملل قرار گرفته اند عبارتند از:
- حفاظت و در صورت امکان تقویت کیفیت محیطی.
  - حفاظت و در صورت امکان تقویت کیفیت زندگی مردم.
  - تقویت استقامت و توان محلی و مسئولیت پذیری در برابر بحران ها.
  - اقتصاد پایدار و با نشاط محلی از ملزومات پایداری و کاهش و پیشگیری اثرات بحران ها است.
  - شناسایی و اطمینان از تحقق عدالت درون و بین نسلی.
  - استفاده از روش های جلب توافق همگانی از سطوح محلی [۱۴]
- علاوه بر موارد فوق الزامات دیگری نیز برای مراکز مدیریت بحران وجود دارد که تسهیل کننده عملکرد آن می باشد. از جمله این شرایط می توان به موارد ذیل اشاره نمود:
- برخورداری از ساختار اداری تخت و دارای مدیران میانی اندک.
  - وجود هماهنگی میان سازمان های درگیر در فرایند مدیریت بحران.
  - گسترش قوانین ایمنی ساخت و ساز.
  - امکانات مراکز مدیریت بحران با توجه به نوع و دامنه دخالت در سوانح طبیعی، اعم از پیش بینی، آموزش، کمک رسانی و مانند آن.
  - حمایت از تحقیقات علمی، آموزشی و دانشگاهی.
  - بانک های اطلاعاتی سخت افزاری و نرم افزاری مراکز مدیریت بحران.
- با بررسی موارد فوق بدین نتیجه می رسیم که مکانیابی مراکز مدیریت بحران نیز بدون توجه به کارکردهای آن که معطوف به رویکرد توسعه پایدار است امکانپذیر نمی باشد. هدف از مکانیابی مراکز مدیریت بحران با رویکرد توسعه پایدار بدین صورت است که مکان مراکز مدیریت بحران به گونه ای باشد که تسهیل کننده نقش های مختلفی باشد که این مراکز در فرایند مدیریت بحران ایفا می نمایند. در این رابطه لازم است که مکان مراکز مدیریت بحران طوری طراحی شوند که هیچگاه نه تنها کارکردهای خود را در طول زمان از دست ندهند بلکه آنها را بهبود بخشند. اگر این مراکز پس از مدتی نتوانند نقش های مورد انتظار را ایفا نمایند عملاً هیچ گامی در راستای توسعه پایدار برداشته نشده است. در نتیجه، هدف، تعیین مراکزی است که در طول زمان نه تنها بتواند ظرفیت های جدیدی را ببیند بلکه ظرفیت های مورد انتظار را بیش از پیش اثربخش تر و با کارایی بالاتر ایفا نماید. از این جهت معیارهای مکانیابی مراکز مدیریت بحران ارتباط مستقیمی با توسعه پایدار پیدا می کند.

#### ۹. شاخص‌های مکانیابی مراکز مدیریت بحران

با بررسی کارکردهای مختلف مراکز مدیریت بحران در چرخه مدیریت بحران و در نظر گرفتن معیارهای توسعه پایدار می‌توانیم معیارهایی را برای مکانیابی اثربخش این مراکز احصا نمود. این معیارها عبارتند از:

- ۱- ساختار زمین: دوری از گسل، شیب‌های ناپایدار، مسیله‌ها، اندازه و شیب مناسب زمین.
- ۲- شبکه معابر: نزدیک بودن به معابر اصلی.
- ۳- دوری از کانون‌های خطر انسان‌ساز: تأسیسات برق فشار قوی، تأسیسات گاز، منابع آب، انبار مواد شیمیایی و قابل اشتعال، مراکز نگهداری و فروش سوخت.
- ۴- نزدیکی به مراکز درمانی، ایستگاه‌های آتش‌نشانی، مراکز نظامی و انتظامی.
- ۵- نزدیکی به مراکز تراکم جمعیت.
- ۶- نزدیک بودن به پهنه‌های آسیب‌پذیر مانند بافت فرسوده.
- ۷- نزدیکی به مراکز اقتصادی.
- ۸- وجود فضای لازم جهت احداث ساختمان‌های آموزشی.
- ۹- وجود فضای لازم جهت انجام مانورهای مدیریت بحران.
- ۱۰- وجود فضای لازم جهت احداث سالن‌های ورزشی.
- ۱۱- وجود فضای لازم جهت احداث انبار و سوله‌های ذخیره مواد.
- ۱۲- وجود فضای لازم برای اسکان آسیب‌دیدگان.
- ۱۳- وجود تأسیسات زیربنایی مخابراتی در منطقه اطراف، جهت امکان برقرای ارتباطات مخابراتی.

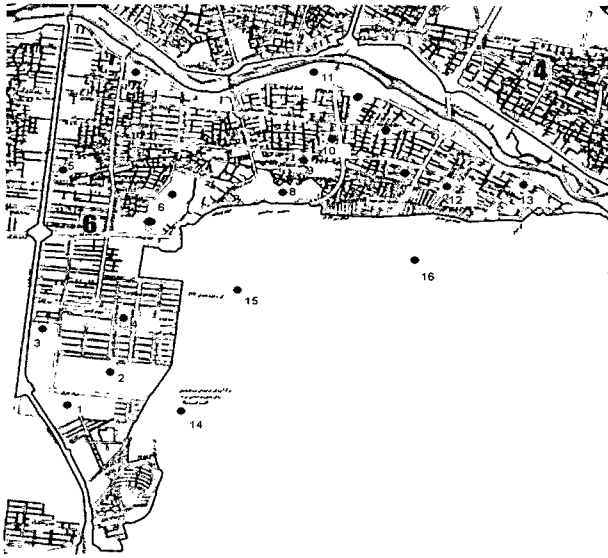
#### ۱۰. آزمون الگو

بمنظور آزمون الگو از میان مناطق ۱۴ گانه شهرداری اصفهان منطقه ۶ انتخاب شد. انتخاب این منطقه بدین جهت بود که این منطقه از ویژگی‌های منحصر به فردی مثل: مجاورت با رودخانه زاینده رود، عبور گسل از انتهای جنوبی، برخورداری از نقاط مرتفع و پست، دارا بودن بافت فرسوده و بافت نوساز، مجاورت با مناطق نظامی و ... برخوردار است. در این آزمون از روش گسسته جهت مکانیابی مراکز مدیریت بحران استفاده شده است.

#### ۱۰.۱ معرفی منطقه

منطقه ۶ شهرداری اصفهان، دارای جمعیت ۱۱۶۴۶۲ نفر و به مساحت ۱۱۵۳۰۰۰۰ متر مربع و با ۳۱۰۴۳ خانوار در جنوب شهر اصفهان واقع شده است. از شمال به رودخانه زاینده رود (سی و سه پل)، از جنوب به پادگان نظامی، از شرق به منطقه مسکونی و از غرب به خیابان‌های چهارباغ بالا و هزار جریب متصل می‌شود. این منطقه به لحاظ توپولوژیک در قسمت جنوبی به نقاط مرتفع و پرشیب و در قسمت شمالی به نقاط مسطح و کم‌شیب می‌رسد. از نظر زلزله‌خیزی با وجود این که شهر اصفهان در اکثر نقشه‌های پهنه‌بندی خطر زلزله‌خیزی در منطقه نسبتاً کم‌خطری قرار دارد ولی با بررسی‌های انجام شده بر روی ارتفاعات جنوب و غرب شهر اصفهان چند گسل با طول بیش از یک صد کیلو متر که برخی از آن‌ها شواهدی از فعال بودن را نشان می‌دهند شناسایی گردیده‌اند که از محدوده شهر

اصفهان و حومه آن (و انتهای قسمت جنوبی منطقه مورد مطالعه) عبور می کنند. [۱۸] این منطقه در قسمت مرکزی و جنوبی دارای بافت فرسوده می باشد، منبع [۱۹] مراکز درمانی و بیمارستان های منطقه در شکل ۱ با نقاط آبی رنگ نشان داده شده اند. [۲۰]



شکل ۱: معابر، مراکز درمانی و نقاط بالقوه پیشنهادی

ردیف	معیار	۳ امتیاز	۲ امتیاز	صفر امتیاز
۱	فاصله از غسل	بیشتر از ۷۰۰ متر	۳۰۰ تا ۷۰۰ متر	کمتر از ۳۰۰ متر
۲	فاصله از رودخانه	بیشتر از ۵۰۰ متر	۲۰۰ تا ۵۰۰ متر	کمتر از ۲۰۰ متر
۳	فاصله از بافت فرسوده	کمتر از ۵۰۰ متر از مرکز	۱۰۰۰ تا ۵۰۰ متر از مرکز	بیش از ۱ کیلو متر
۴	امکان برقراری ارتباطات مخابراتی	آنتن دهی موبایل و امکان برقراری ارتباطات رادیویی	آنتن دهی موبایل	عدم پوشش شبکه های مخابراتی و رادیویی
۵	معیار مجاور	شربانی	جمع و پخش کننده	دسترسی
۶	فضای باز	بیش از ۲۰۰۰ متر	۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر	کمتر از ۱۰۰۰ متر
۷	فاصله از مراکز درمانی	کمتر از ۵۰۰ متر	۱۰۰۰ تا ۵۰۰ متر	بیشتر از ۱ کیلومتر
۸	فاصله از مراکز تجاری و اقتصادی	واقع در مراکز تجاری و اقتصادی	کمتر از ۱۰۰۰ متر فاصله از مراکز تجاری و اقتصادی	بیش از ۱۰۰۰ متر فاصله
۹	وجود ساختمان قابل استفاده	دارای ساختمان های قابل استفاده	عدم وجود ساختمان ولی امکان احداث	عدم وجود و عدم امکان

جدول ۱: معیارها و دامنه ارزش آن ها

### ۱۰,۲ تعیین نقاط بالقوه پیشنهادی :

تعداد ۱۶ نقطه از مکان‌های با عرصه باز وسیع و یا دارای مکان‌های سرپوشیده بزرگ قابل استفاده در مواقع بحران که غالباً مالکیت دولتی و یا عمومی دارند در منطقه انتخاب گردید. این مکان‌ها در شکل ۳ با نقاط قرمز رنگ مشخص شده‌اند. نقاط منتخب به ترتیبی که در شکل مشخص شده‌اند عبارتند از :

- ۱- محوطه و سالن‌های سازمان فنی و حرفه‌ای.
- ۲- محوطه و ساختمان‌های شرکت آب و فاضلاب.
- ۳- محوطه و ساختمان‌های وزارت نفت.
- ۴- بوستان شهید سید محمد سعید حسینی.
- ۵- مجموعه ورزشی کارگران.
- ۶- مصلاي بزرگ اصفهان.
- ۷- زمین خالی متعلق به شهرداری.
- ۸- گلستان شهدا.
- ۹- مسجد جامع کوله پارچه.
- ۱۰- مجموعه آموزشی دخترانه.
- ۱۱- پارک ایثارگران.
- ۱۲- پارک همت آباد.
- ۱۳- هنرستان رازی
- ۱۴- مرکز آموزشی هوانیروز (حریم شهر).
- ۱۵- یادگان هوانیروز قسمت مرکزی (حریم شهر).
- ۱۶- یادگان هوانیروز قسمت شمالی (حریم شهر).

### ۱۰,۳ تعیین معیارها و دامنه ارزش هر معیار<sup>۷</sup> :

معیارهای مکانیابی و دامنه ارزش آن‌ها با توجه به معیارهای به دست آمده در قسمت «معیارهای مکانیابی مراکز مدیریت بحران» در جدول ۱ نشان داده شده‌اند. لازم به ذکر است که از بعضی از معیارها بدلیل برابر بودن شرایط کلیه نقاط کاندید (مانند فاصله از مراکز فروش و نگهداری سوخت که همه نقاط در فاصله ایمن قرار دارند) و یا عدم دسترسی به اطلاعات (مانند تراکم جمعیت محله‌ها) صرف نظر شده است.

### ۱۰,۴ وزن دهی به معیارها

معیارهای با اهمیت زیاد (ضریب ۳) :

فاصله از غسل

فاصله از رودخانه

فاصله از بافت فرسوده

امکان برقراری ارتباطات

<sup>۷</sup> ارزش وزنی معیارها بر اساس نظر کارشناسی نگارنده صورت گرفته است

معیارهای با اهمیت متوسط ( ضریب ۲ ) :

معبر مجاور

فضای باز

فاصله از مراکز درمانی

معیارهای با اهمیت کم ( ضریب ۱ ) :

فاصله از مراکز تجاری و اقتصادی

وجود ساختمان

۱۰,۵ امتیاز دهی به هر مکان:

امتیاز هر مکان از مجموع حاصلضرب های امتیاز مکان در هر معیار در ارزش وزنی معیار به دست آمده است. در جدول ۲ رتبه هر مکان با توجه به امتیاز آن نشان داده شده است. مکانی که مجموع حاصلضرب بیشتری به دست آورده باشد رتبه بالاتری نیز کسب کرده است.

رتبه	شماره مکان	نام مکان
۱	۶	مصلاى بزرگ اصفهان
۲	۱۲	پارک همت آباد
۳	۱۰	مجموعه آموزشی دخترانه
۴	۵	مجموعه ورزشی کارگران
۴	۹	مسجد جامع کوله پارچه
۵	۸	گلستان شهدا
۶	۱۳	هنرستان رازی
۷	۱۱	پارک ایثارگران
۸	۷	زمین خالی متعلق به شهرداری
۹	۱	محوطه و سالن های سازمان فنی و حرفه ای
۹	۳	محوطه و ساختمان های وزارت نفت
۱۰	۴	بوستان شهید سید محمد سعید حسینی
۱۱	۲	محوطه و ساختمان های شرکت آب و فاضلاب
۱۱	۱۴	مرکز آموزشی هوانیروز ( حریم شهر)
۱۱	۱۵	پادگان هوانیروز قسمت مرکزی ( حریم شهر)
۱۱	۱۶	پادگان هوانیروز قسمت شمالی ( حریم شهر)

جدول ۳ : مکان های پیشنهادی به ترتیب امتیاز اکتسابی

### ۱۰.۶ انتخاب مکان یا مکان‌های بهینه:

مکان‌هایی که امتیاز بیشتری دارند از اولویت بیشتری برای انتخاب برخوردارند. مکان‌های واقع در قسمت جنوبی بدلیل نزدیک بودن به گسل و دور بودن از مراکز درمانی در رده‌های آخر قرار گرفته‌اند. مکان‌های انتخابی، نقاطی هستند که برای احداث مراکز مدیریت بحران در آن‌ها و استفاده از عرصه‌های باز آن‌ها جهت مدیریت بحران پیشنهاد می‌گردند. انتخاب تعداد این مراکز با توجه به جمعیت منطقه انجام می‌پذیرد.

### ۱۱. نتیجه‌گیری

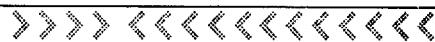
پژوهش حاضر به منظور مکانیابی مراکز مدیریت بحران، الگویی ارائه داده است که در آن از مفاهیم و اهداف مدیریت بحران، مکانیابی اثربخش و توسعه پایدار استفاده گردیده است. الگوی تدوین شده در دو شکل گسسته و پیوسته ارائه شده و برای یافتن نقاط انتخابی مراکز مدیریت بحران، بر روی منطقه ۶ شهرداری اصفهان مورد آزمون قرار گرفته است. در این آزمون از روش گسسته استفاده شده است. مزیت این روش سهولت استفاده و قطعیت در قابل استفاده بودن نقاط انتخابی می‌باشد در حالی که مزیت روش پیوسته، دقت بالا؛ به دلیل استفاده از نرم افزار است، لکن ممکن است نقاط انتخاب شده قابلیت استفاده جهت احداث مراکز مدیریت بحران نداشته باشند. پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آینده از روش پیوسته نیز جهت مکانیابی مراکز مدیریت بحران استفاده گردد تا نتایج هر دو روش به بوجه آزمایش گذارده شود.

الگوی ارائه شده این امکان را به دست می‌دهد که با توجه به اهدافی که برای مرکز مدیریت بحران تعیین می‌کنیم به مکانیابی آن بپردازیم. لذا از این الگو می‌توان جهت مکانیابی سایر مراکز خدمات عمومی نیز با تغییر معیارها استفاده نمود.

یقیناً این پژوهش خالی از اشکال نیست لکن امید است گامی هر چند کوچک در راستای ارتقای توسعه پایدار کشور عزیزمان و شروعی جهت تحقیقات بعدی در این زمینه با چنین رویکردی بوده باشد. در پایان لازم است از معاونت‌های شهرسازی و عمران شهری شهرداری اصفهان و ستاد حوادث غیر مترقبه استانداری اصفهان به دلیل همکاری در ارائه اطلاعات مورد نیاز تقدیر و تشکر گردد.

## منابع و مأخذ

۱. نقدی، کریم، و همکاران، بهینه سازی اسکان موقت در مدیریت بحران، سومین همایش سیستم های اطلاعات مکانی، ۱۳۸۵.
۲. سیرتی، مسعود و همکاران، مروری بر مفاهیم فرایند مدیریت بحران، دومین کنگره بین المللی بهداشت، درمان و مدیریت بحران در حوادث غیر مترقبه، ۱۳۸۳.
۳. سعیدی، عباس، دانش نامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، ۱۳۸۷، ص ۷۰۰.
۴. مهدی پور، فاطمه، محمد سعدی مسگری، الگویی برای مکانیابی بر اساس متدهای تصمیم گیری چند معیاره در GIS، همایش ژئوماتیک ۸۵، ۱۳۸۵.
۵. دادخواه حقیقی، سید مرتضی و همکاران، تشکیل کمیته مدیریت بحران در مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی، دومین کنگره بین المللی بهداشت، درمان و مدیریت بحران در حوادث غیر مترقبه، ۱۳۸۳.
۶. عبدالهی، مجید، مدیریت بحران در نواحی شهری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، ۱۳۸۲، ص ۶۰.
7. M. F. Godchild, K. K. Kemp: «Application issues in GIS», National Center for Geographic Information and Analysis, 1992.
۸. امین تولایی، مکانیابی جهت احداث کارخانه تراکتور سازی با استفاده از روشهای تصمیم گیری چند معیاره، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷، ص ۱۷.
9. Daskin, 1995, network and discrete location : models . algorithms and applications , wiley –intersciebce series in discrete mathematics and optimization, john wiley & sons :chi chester , new York , Brisbane , Toronto, P10, p 13.
۱۰. صفری، مهدی، ارائه الگویی جهت مکانیابی پارکینگ های عمومی ( مطالعه موردی ناحیه ۶ از منطقه ۲ شهرداری تهران )، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶.
11. Ahmad Rodzi MAHMUD, Vini INDRIASARI, Universiti Putra Malaysia, Selangor, Malaysia: FACILITY LOCATION MODELS DEVELOPMENTTO MAXIMIZE TOTAL SERVICE AREA, Theoretical and Empirical Researches in Urban Management, April 2009.
۱۲. اسلامی، علیرضا، مکانیابی مراکز امداد و اسکان ( نمونه موردی منطقه یک شهرداری تهران )، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیر مترقبه طبیعی، ۱۳۸۵.
۱۳. پیران، پرویز، جامعه شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۸۲.
۱۴. عسگری، علی، در جستجوی اصول مدیریت و برنامه ریزی بحران، دومین کنفرانس مدیریت جامع بحران در حوادث غیر مترقبه طبیعی، ۱۳۸۵.
۱۵. کاظمیان، غلامرضا، جزوه آموزشی درس برنامه ریزی منطقه ای برای مدیران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۸.
۱۶. زاهدی، شمس السادات، نجفی، غلامعلی «بسط مفهومی توسعه پایدار»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵، ص ۴۹-۵۰.





17.- Siu-Wai Wong- Bo-sin Tang- Basil van Horen; Strategic urban management in China: A case study of Guangzhou Development District; Habitat International 30 (2006) 645-667

۱۸. صفایی، همایون، شناسایی گسل های فعال جنوب و جنوب غرب اصفهان ، چهارمین کنفرانس بین المللی زلزله، ۱۳۸۲.

۱۹. نقشه بافت فرسوده شهر اصفهان، وزارت مسکن، ۱۳۸۵.

۲۰. نقشه راهنمای مناطق شهرداری اصفهان، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی، ۱۳۸۸.

## بررسی راهکارهای ایجاد مدیریت یکپارچه شهری در کشور

دکتر احمد پوراحمد

استاد دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران

بهزاد عمران زاده

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران

### چکیده

گسترده‌گی روزافزون زندگی شهری و پیچیدگی‌های مربوط به آن به همراه مسائل و مشکلات مختلفی چون ترافیک، بیکاری، آلودگی‌های مختلف و مشکل مسکن که گریبانگیر جوامع شهری می‌باشند، مدیریت امور شهرها را به وظیفه‌ای خطیر بدل کرده است.

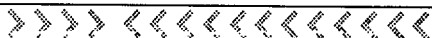
نظام مدیریت شهری در کشور که باید به رفع مسائل و مشکلات مختلف شهری بپردازد، به دلیل تعدد مراجع تصمیم‌گیری از جمله مراجع دولتی در آن، خود درگیر نارسائی‌های عدیده‌ای است که باعث ناکارآمدی آن در حوزه عمل می‌شود. فقدان مدیریت یکپارچه شهری که امروزه اکثر شهرهای کشورهای پیشرفته دنیا بر اساس اصول آن اداره می‌شوند، علاوه بر لاینحل گذاشتن مسائل مختلف شهری، خود به موضوعی مسأله‌ساز بدل گردیده است.

بر همین اساس طرح موضوع مدیریت یکپارچه شهری و تحلیل سیستم مدیریت شهری موجود در کشور می‌تواند در جهت رفع کاستی‌ها، حائز اهمیت فراوان باشد.

تحقیق حاضر که بر اساس تکنیک تحلیل محتوا صورت گرفته است با بررسی موارد فوق در نهایت یکسری راهکارهایی را برای رفع موانع موجود و شکل‌گیری مدیریت یکپارچه شهری در کشور ارائه می‌دهد که از جمله آنها می‌توان به تبدیل شهرداری‌ها به یک نهاد فرابخشی در شهرها، بازنگری در جایگاه دولت و تحول ساختاری آن در ارتباط با مدیریت شهری و تقویت و توسعه شوراهای در سطوح مختلف آن اشاره کرد.

### واژگان کلیدی

شهر، مدیریت شهری، مدیریت یکپارچه شهری، راهکار



## مقدمه

با وجود سابقه زیاد نظام اداره شهرها در جهان و بخصوص کشور ایران، مدیریت شهری به عنوان یک دانش جامع و با نگرشی سیستماتیک مفهوم نوینی است که همچنان فرایند تحول و تکامل خود را طی می‌کند.

بر اساس آمار ارائه شده توسط سازمان ملل در آغاز قرن بیست و یکم بیش از ۵۰ درصد مردم در شهرها زندگی می‌کنند، از آنجا که نرخ رشد جمعیت شهری ۴ برابر جمعیت روستایی است، پیش بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵ تعداد شهرنشینان دو برابر شده و به حدود ۵ میلیارد نفر برسد (Uwe Deichmand . ۲۰۰۸ . p۱). بر همین اساس گسترده‌گی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روزافزون شهرها، مدیریت امور شهرها را به امری دشوار تبدیل نموده است. علاوه بر موضوعاتی همچون محیط زیست، حمل و نقل، ایمنی و برنامه ریزی شهری، یکی از عوامل مهمی که تاثیر فزاینده و تعیین کننده ای بر عوامل سازنده شهری دارد، مدیریت شهری است. اگر شهر همچون سازمانی در نظر گرفته شود لازم است که در رأس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد، این عنصر را می‌توان مدیریت شهری نامید (صرافی، ۱۳۸۷، ۱۲۱). دانش مدیریت شهری به تبع درگیری آن با پدیده پیچیده و متغیر شهر همواره در حال دگرگونی و تحول می‌باشد، ولی مسئله ای که در این میان دارای اهمیت فراوان می‌باشد، اینست که این تحول و دگرگونی در چه سطح و عمقی صورت می‌گیرد؛ و اگر این تحولات در مسیر مطلوب می‌باشد، راهکارهای نهادینه کردن و بسط آن چیست؟

مسئله ای که امروزه بیشتر در حوزه مدیریت شهری به چشم می‌خورد، وجود تعدد مراجع و نهادهای مختلف مسئول در آن می‌باشد که هیچگونه تناسبی از لحاظ جایگاه و عملکرد با یکدیگر ندارند، به همین دلیل هرکدام از مراجع فوق با ساختار و چارچوب کاری که بدون توجه به سایر نهادها برای خود تعریف می‌کنند، ضمن ایجاد ناهماهنگی در سیستم مدیریت شهری، مشکلات مختلفی را ایجاد می‌کنند که با تشدید مسائل موجود در شهر در نهایت باعث نارضایتی عمومی می‌گردد.

یکی از ایده های قابل قبول در مدیریت جامع و برخورد هماهنگ با مسائل و مشکلات مختلف در سیستم پیچیده شهری در کشور، مدیریت واحد یا یکپارچه می‌باشد که به نظر می‌رسد مدل مطلوبی برای سامان دادن به پراکندگی مدیریتی در حوزه شهر باشد. حال در این بین علل و عوامل چندی مانع از تحقق نظام فوق می‌شوند که مقاله حاضر در نظر دارد ضمن بررسی و طبقه بندی آنها و همچنین ریشه یابی مسئله مورد نظر، در نهایت راهکارهایی را برای از میان برداشتن آنها و پایگیری نظام مدیریت شهری یکپارچه ارائه دهد.

## مبانی نظری مدیریت شهری

مدیریت؛ روش دستیابی به اهدافی است که برای یک سازمان در نظر گرفته شده و وظایفی است که بر عهده مدیر گذارده می‌شود. مدیریت به معنای: برنامه ریزی، ساماندهی، نظارت و ایجاد انگیزش است. چنانچه شهر مانند یک سازمان در نظر گرفته شود، لازم است که در رأس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده شود که مدیریت شهری نامیده می‌شود. مدیریت شهری باید برای شهر برنامه ریزی هایی را به انجام برساند، فعالیت های شهری را سازمان دهد و بر فعالیت های انجام

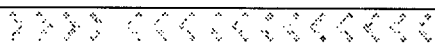
شده نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور انگیزش ایجاد نماید (سعید نیا ، ۱۳۷۹ ، ۲۰-۲۱). برای تحقق وظایف کلی فوق که برعهده ی نظام مدیریت شهری است، علاوه بر رعایت اصول کلی فن مدیریت ، این اصول باید متناسب با پدیده مورد نظر یعنی شهر و در چارچوب نظام خاصی تعریف شوند تا توانایی پاسخگویی به اکثر نیازها و تحقق اهداف مورد نظر را داشته باشد. امروزه مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است، در واقع شهرها برای آن مدیریت می شوند که بتوانند رفاه و آسایش ساکنان خود را تامین نمایند. مدیریت شهری امروز جهان دارای تشکیلات وسیعی است و مهمترین نقش را در موفقیت انواع برنامه ها و طرح های توسعه شهری و همچنین رفع نیاز جمعیت، جریان عبور و مرور در شهر ، رفاه عمومی ، مسکن ، کاربری زمین ، تفریح ، فرهنگ ، اقتصاد ، تأسیسات زیر بنایی و امثال آنها را بر عهده دارد (شیعہ ، ۱۳۸۲ ، ۱۱). شکل گیری مدیریت شهری حاصل پاره-ای نیازهاست، اساساً، شهر براساس عملکردهای انسانی و در راستای برطرف کردن نیازهای مردم ساخته می شوند. بنابراین سکونتگاه های شهری که در چارچوب ساختارهای خاص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... شکل می گیرند، عموماً در خدمت رفع نیازهای مردمی هستند. حال اگر مدیریت شهری در مسیر مطلوب حرکت نکند و یا چندگانگی مدیریتی باعث عدم بر آورده شدن نیازهای فوق شود، نه تنها به اهداف خود نمی رسد بلکه به نارضایتی عمومی نیز دامن خواهد زد.

### مدیریت یکپارچه شهری

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل گیری مقیاس های جدیدی از رشد شهری در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل، جامع نگری و توجه به ابعاد و جنبه های مختلف مسئله را به منظور حل پایدار آنها، اجتناب ناپذیر کرده است (Friedman ، ۱۹۹۳). مدیریت یکپارچه شهری<sup>۱</sup> مفهومی است که در برابر چندگانگی مراجع و عناصر مداخله گر در حوزه مدیریت شهری شکل گرفته است و با تداعی مفهوم دیگری چون حکومت محلی در پی ساماندهی حوزه مدیریت شهری در چارچوب سیستمی مشخص و جامع و با عناصری به هم پیوسته و یکپارچه می باشد.

بحث مدیریت یکپارچه شهری حاصل ورود رویکرد سیستمی در مباحث مدیریت شهری می باشد، بر این اساس از آنجا که شهر بصورت سیستمی متشکل از عناصر و روابط مختلف به هم پیوسته می باشد ، در مدیریت این عناصر و روابط نیز باید یک رویه و رویکرد یکپارچه و هماهنگ حکم فرما باشد. « مدیریت یکپارچه شهری» علی الاصول «مدیریت افقی» است، نه « مدیریت عمودی» . یعنی اینکه تمام سازمان ها و نهادهای درگیر در مدیریت شهری به صورت افقی و هماهنگ در کنار یکدیگر قرار دارند (حبیبی ، ۱۳۸۶ ، ۳۱).

در موضوع شناسی مسائل و مشکلات شهری جهت برنامه ریزی مناسب ، تعدد موضوعات و سازمان های دخیل در امر برنامه ریزی به دلیل پیچیدگی ذاتی شهرها ، برنامه ریزان و سیاستگذاران شهری را ناگزیر به اتخاذ رویه برنامه ریزی واحد و یکپارچه جهت ایجاد هماهنگی بین اولویت ها و نیازهای مختلف این



مداخله کنندگان می‌نماید. امروزه بیش از گذشته این نکته مورد تاکید قرار گرفته است که برای برنامه ریزی شهری کارآمد و موثر، یکپارچه در بین موسسات، نهادها و سازمان‌های مسئول ضروری است. برقراری ارتباط موثر و کارا میان مداخله کنندگان گوناگون به کاهش مدت زمان لازم برای واکنش در مقابل اختلالات در سیستم و نظام شهری کمک خواهد کرد. برای ایجاد ساختاری جامع و یکپارچه باید ابعاد مختلف توسعه اقتصادی، حفاظت محیط زیست و ساختارهای اجتماعی به وسیله همه مداخله کنندگان و یا به عبارتی افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع در شهر به درستی درک شود (قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵، ۱۷۱). در واقع مدیریت یکپارچه شهری با توجه به مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در قالب یک الگوی مشخص، ضمن هدایت عناصر مختلف دخیل در حوزه مدیریت شهری، به ایجاد هماهنگی در بین آنها می‌پردازد و از دوباره کاری‌ها و طولانی شدن فرایند توسعه پایدار شهری و گرفتاری آن در پیچ و خم نظام بروکراسی حاکم جلوگیری می‌کند.

معمولاً شهرهای بزرگ یک سازمان در مقیاس کلان با مولفه‌ها یا زیرسازمان‌های عدیده و ارتباطات بسیار زیاد هستند و مدیریت شهری در جایگاه مدیریت یک سازمان بزرگ عمل می‌کند. مدیریت شهری را می‌توان از نوع مدیریت سازمان‌های بزرگ غیرانتفاعی دانست که تلاش می‌کند تراز اقتصادی شهر را مثبت کند و در عین حال مجموعه‌ای از خدمات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امثالهم را برای شهروندان فراهم کند. به عبارت دیگر شهر باید همانند یک شرکت غیرانتفاعی اداره شود، حال برای چنین اداره‌ای مدیریت باید مدیریتی یکپارچه باشد (سازمان اجرایی شهرداری‌ها، ۱۳۸۱، ۵۱).

به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار شهری ایجاد ساختار مدیریتی هماهنگ و یکپارچه در قالب مدیریت شهری پایدار<sup>۲</sup> باشد. «توسعه پایدار که طی دهه اخیر به تدریج به الگوواره (پارادایم) نوینی در برابر دیدگاه‌های علمی و سیاست‌های عملی مسلط در دنیا بدل شده، واکنشی در برابر فرایندی از توسعه است که چه در یک مقطع زمانی برای تمامی ساکنین زمین و چه در طول زمان حتی برای اقلیت توسعه یافته کنونی نیز قابل استمرار و پایدار نیست» (صرافی، ۱۳۸۰، ۲). به عقیده پیتر هال جغرافیدان شهری معروف بنیادهای شهر پایدار عبارتند از: «اقتصاد شهری پایدار، جامعه شهری پایدار، سرپناه شهری پایدار، محیط زیست شهری پایدار، دسترسی شهری پایدار، زندگی شهری پایدار، مردم سالاری شهری پایدار» (Hall, 2000, p18). برای دستیابی به پایداری در تمامی ابعاد فوق و برای ایجاد الگوی توسعه شهری پایدار نیاز به نگرش یکپارچه‌ای به پدیده شهر می‌باشد، به کارگیری این نگرش نیز، خود در گرو ایجاد ساختار نهادی یکپارچه و واحدی برای حکمرانی شهری است که بر اساس اراده شهروندان شکل گرفته باشد.

با توجه به گسترش شهرنشینی، پیچیده شدن چگونگی اداره امور شهری و تخصصی شدن امور، این ضرورت پیش آمده است که مدیریت شهری در هر منطقه مستقل باشد. امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، کلیه امور مربوط به شهر، به جز مسائل نظامی و دیپلماتیک برعهده مدیریت شهری منتخب مردم است که استقلال و اختیارات کامل و کافی دارند (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ۵۹)، به همین دلیل و با توجه به مشکلات عدیده‌ای که شهرها خصوصاً در کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند و از آنجا که مدیریت شهری خود حاصل یکسری نیازهای عمومی است، عدم برآورده شدن این نیازها و تشدید مشکلات مذکور در اثر فقدان مدیریت یکپارچه شهری، باعث اخلاف در زندگی شهری و نارضایتی عمومی و اتلاف منابع می‌شود.

مدیریت واحد شهری یعنی تقویت نقش شهرداران به عنوان مدیر و هماهنگ کننده عمران شهر و مرجع اصلی هماهنگ کننده اداره امور شهر (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ۴۱). در واقع مدیریت یکپارچه شهری به عنوان مرجع عمده برای اداره شهرهاست. به عبارت دیگر نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی شهر به هم مرتبط هستند و از یکپارچگی و هماهنگی مرکزی برخوردارند و شهرداری به عنوان مرکزیت یکپارچگی شهر به حساب می آید (سازمان اجرایی شهرداریها، ۱۳۸۱، ۴۶).

در تمام جهان هر جا که شهر و شهرنشینی هست، مهمترین و اصلی ترین سازمانی که مسئولیت مدیریت شهر را مستقیماً بر عهده دارد، شهرداری است. شهرداری به عنوان یکی از بارزترین نمونه های نهاد محلی، سازمانی است که در محدوده شهر برای رفع نیازهای مردم همان محل تشکیل می شود (رضویان، ۱۳۸۱، ۷۳).

امروزه در اکثر کشور های توسعه یافته جهان، مفاهیمی چون شهرداری، حکومت محلی و مدیریت یکپارچه و واحد شهری در کنار یکدیگر معنا پیدا می کنند. بدین صورت که شهرداری به عنوان نهاد برخاسته از اراده عمومی، در قالب حکومت محلی مرجع اصلی مدیریت یکپارچه شهری می باشد و تمام واحدها و سازمان های دیگر مداخله گر در امور شهری در چارچوب مدیریتی آن قرار می گیرند.

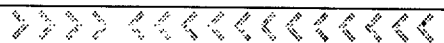
#### مدیریت شهری در ایران و فاصله زیاد آن با مدیریت یکپارچه

تاریخ ایران نشان می دهد که تا پیش از انقلاب مشروطه، عموم مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالتی نداشته و ساختار سیاسی کشور به شدت متمرکز بوده است. روشن است که در مدیریت شهر نیز جایی برای مشارکت مردمی وجود نداشته و مدیران شهرها کلانتر ها بودند که اکثر آنها از سوی حاکم و یا حداقل با نظر مساعد آنان انتخاب می شدند. نخستین بار در دوره اول مجلس شورای ملی به سال ۱۲۸۶ خورشیدی از مدیریت شهری به شکل نو سخن به میان آمد و قانون تشکیل بلدیة مشتمل بر ۱۰۸ ماده به تصویب رسید. نکته قابل توجه این قانون آن بود که انتخاب شهردار بر عهده انجمن بلدیة (انجمن شهر) گذاشته شد. در دوره پهلوی انتخاب شهردار بر عهده ی دولت بود و اعضای شهرداری کارمند دولت محسوب می شدند (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ۶۰ و ۱۳۱).

با وجود گذشت بیش از یک قرن از شکل گیری ساختارهای سازمانی نوین در حوزه مدیریت شهری در ایران در کنار سابقه تاریخی کهن آن در کشور، بر اساس جایگاه حقوقی تعریف شده برای شهرداری در ایران، «مدیریت شهری، مدیریتی واحد نیست و اداره کنندگان شهر مشتمل بر نمایندگان دولت و مردم هستند. این نوع مدیریت متفرق سبب دوباره کاری، انجام کارهای موازی و بعضاً از بین رفتن سرمایه های عمومی، ایجاد تشکیلات عریض و طویل دیوانی، ایجاد اصطکاک و برخورد ادارات، ناهماهنگی در انجام وظایف و عدم مسئولیت پذیری می گردد» (کامیار، ۱۳۸۵، ۷۴).

در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، مدیریت شهری، مساوی شهرداری است ولی در ایران مدیریت شهری صرفاً مساوی با شهرداری نیست و نهادها و سازمان های دولتی نیز در این حوزه حضور دارند که به همراه شهرداری به اعمال مدیریت شهری در سطح محلی می پردازند و مانع از شکل یابی سیستم مدیریت واحد شهری در چارچوب سازمانی شهرداری می شوند.

دولت ها باید نقش پشتیبانی، ارشادی و هدایتی شهرداری ها را داشته باشند ولی در ایران برنامه های دولت بدون توجه به منافع و مضراتی که برای شهر دارد، بر امور شهرها سایه افکننده است. این موارد به



مسائل ساختاری و تشکیلات موجود شهرداری‌ها باز می‌گردد. به عنوان نمونه در برنامه‌های مسکن سازی توسط بخش دولتی یا تصمیم‌گیری در ایفای یک نقش اقتصادی برای شهرها، شهرداری‌ها کمترین نقش را دارند. در حالی که بر اساس فنون پیشرفته مدیریت شهری، این شهرداری‌ها و شوراهای شهری هستند که باید بر سرنوشت شهرها دخالت داشته و با اجرای این برنامه‌ها و بر اساس ضوابط و مقرراتی که منافع شهرها را به دنبال داشته باشد، موافقت نمایند (شعبه، ۱۳۸۲، ۵۲).

نظام متمرکز امور در ایران، تاکنون در عمل، امکان استقلال و خودکفایی نظام مدیریت شهری را فراهم نساخته (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۳۶) و عملاً با ایجاد ساختارهای نظیر و مشابه در سطوح محلی و شهری در کنار نهادهای عمومی چون شهرداری و شورای شهر با ایجاد تعدد مراجع مدیریتی در حوزه شهر مانع از پاگیری مدیریت واحد شهری شده است.

از دهه ۱۸۵۰ میلادی به بعد نقش دولت‌ها و میزان دخالت آنها در برنامه‌ریزی به طور دائم در حال تحول و دگرگونی بوده است به طوری که در دیدگاه‌های اخیر به مفهوم برنامه‌ریزی و مدیریت، دولت نقش هدایت، حمایت، مشورت و تشویق نهاد‌های محلی را بر عهده دارد و هیچگونه تصمیم و سیاستی را از بالا اعمال نمی‌کند (حاجی پور، ۱۳۸۵، ۴۱). در واقع از آنجا که دولت به ساماندهی امور در سطوح ملی بیشتر گرایش دارد؛ ورود آن به حوزه‌های محلی و قرارگیری آن در مجاورت نهادهای مذکور باعث ناکارآمدی آن در هر دو سطح می‌شود. به همین علت و به عبارت دیگر «دولت باید کمتر اجرا و بیشتر رهبری و هدایت کند» (Osborne & Gaebler، ۱۹۹۳).

سازمان‌های محلی در ایران همچون شهرداری‌ها و در دهه‌های اخیر شوراهای اسلامی شهر، در وضعیت کنونی برای تحقق وظایفی که قانون بر عهده‌ی آنها گذاشته است، اختیارات لازم و کافی ندارند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها تمام امور شهرها از آموزش و پرورش گرفته تا تأسیس و نگهداری کتابخانه‌ها، ایجاد تسهیلات و تجهیزات شهری، امنیت و نظارت و زیبایی شهر بر عهده شهرداری هاست و تنها اموری مستثنی است که به امنیت ملی و مصالح کشور مربوط می‌شود، که در چنین مواردی شهرداری‌ها و شوراهای نباید خود را خود مختار ببینند و امور شهرها را باید با هماهنگی بین خود و بر اساس برنامه‌های ملی به انجام برسانند (مقیم، ۱۳۸۲، ۹۸-۹۹).

در ایران، فقدان ارتباط میان بخشی نهاد‌ها با یکدیگر و عدم ارتباط منسجم با شهرداری‌ها نتایج نسبتاً نامطلوبی را برای شهرها بخصوص در حوزه فعالیت‌های عمران و توسعه شهری و تأسیسات و تجهیزات شهری باعث گردیده است.

در کل می‌توان گفت که عدم تحول ساختاری نهاد شهرداری از حالت سازمان محلی به حکومت محلی و به دنبال آن عدم شکل‌گیری مدیریت واحد و یکپارچه شهری در کشور معلول علل و عوامل چندی است که برای دستیابی به آنها باید مطالعات جامعی بر روی سیر تاریخی تحولات سیستم مدیریت شهری در کشور، قوانین مربوطه در حوزه شهری و انواع سیستم‌های حکومتی صورت گیرد. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، در زیر به برخی از عوامل موثر که مانع از تبدیل شهرداری (نهاد عمومی و محلی منبعث از آرای مردم محل) به حکومت محلی و در نهایت عدم شکل‌گیری مدیریت یکپارچه شهری در کشور شده‌اند؛ اشاره می‌گردد:

### عدم شکل گیری صحیح پایه های قانونی مدیریت شهری واحد در کشور:

شهرهای ما از آغاز نوگرایی در دوره قاجار و گسترش آن از دوران پهلوی، با تدوین قوانین و مقرراتی که اغلب آنها در عرصه های کالبدی شهرها به صورتی ناقص تدوین شده و فقط برای زمان و فناوری زمان خود مناسب بوده است. از نظر ساختار و تشکیلات شهرداری به نحوی محدود عمل کرده است. هنوز هم هنگامی که نام شهرداری به میان می آید در ذهن بسیاری: مجوز ساخت، پایان کار، عوارض و تخلفات، آبدهی درختان، جمع آوری زباله، دفن اموات و آسفالت خیابان ها و ... تداعی می شود. حال آنکه وظایف شهرداری ها بسیار فراتر از چیزهایی است که به بعضی از آنها اشاره شد (شیعه، ۱۳۸۲، ۵۸). بنابراین، ساختار قانونی و حقوقی که قانونگذار حدود نیم قرن گذشته برای نظام مدیریت شهری کشور پایه گذاری کرده است، امروزه دیگر با شرایط شهرها و اصول مدیریت یکپارچه شهری تناسب و سنخیت چندانی ندارد.

### جایگاه حقوقی مبهم و غیر مستقل شهرداری در مقابل دولت:

معمولا در کشورهایی که مدیریت شهری در آنها به صورت یکپارچه می باشد شهرداری در قالب حکومت محلی نهاد اصلی این سیستم می باشد ولی در ایران بررسی قوانین و مقررات موجود در زمینه حقوق شهری از جمله قانون شهرداری (مصوب ۱۳۴۶) و قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران (مصوب ۱۳۷۵) و سایر قوانین مربوطه موجود، نشاندهنده وابستگی کلی شهرداری ها به دولت هستند. در مقابل مواد قانونی مربوط به عملکرد اجرایی شهرداری که نشاندهنده استقلال شهرداری از دولت می باشد، مواد قانونی موجود در زمینه قانونگذاری و امور قضایی مربوط به شهرداری که روح اصلی قانون شهرداری را تشکیل می دهند، شهرداری را در جایگاه یک نهاد کاملا دولتی قرار می دهند. جدول شماره ۱ زمینه های موضوعی جایگاه حقوقی غیر مستقل و وابسته نهاد شهرداری و شورا را در مقابل دولت می دهد.

جدول ۱: زمینه های موضوعی جایگاه حقوقی غیر مستقل نهاد شهرداری و شورا در مقابل دولت در قوانین موضوعی کشور

ردیف	زمینه موضوعی جایگاه حقوقی غیر مستقل نهاد شهرداری و شورا	قانون شهرداری	قانون تشکیلات	آئین نامه های شهرداری
۱	حق انحلال شهرداری ( نهاد مردمی ) توسط وزارت کشور ( نهاد دولتی )	تبصره ۱ ماده ۱	-	-
۲	قابلیت اجرای یک فعالیت در حوزه شهری توسط شهرداری با تصویب وزارت کشور	ماده ۲ و ماده ۵۴	-	-
۳	جانمایی وزارت کشور بجای شورای شهر	ماده ۴۲	-	-
۴	صدور حکم انتصاب شهردار توسط وزارت کشور	ماده ۵۲	تبصره ۳ ماده ۷۱	-
۵	استخدام کارکنان شهرداری بر اساس آئین نامه وزارت کشور	ماده ۵۸	-	-
۶	ارائه گزارش شهرداری درباره هزینه ها و اقدامات شهرداری به وزارت کشور	ماده ۷۷	-	-
۷	موافقت وزارت کشور با ایجاد موسسات شهرداری	ماده ۸۴	بند ۱۵ ماده ۷۱	-
۸	انجام معاملات بدون مناقصه، با تأیید وزارت کشور و عمل به آئین نامه وزارت مذکور	ماده ۴ و ماده ۱۰۴	-	-
۹	کمکهای اهدایی دولت و سازمانهای دولتی بعنوان منبع درآمد شهرداری	-	-	ماده ۲۹
۱۰	تنظیم تعرفه ها و تشخیص عوارض بر اساس آئین نامه وزارت کشور	-	-	ماده ۳۰
۱۱	رسیدگی بر تخلفات شهرداران در هیأت رسیدگی به تخلفات کارکنان وزارت کشور	-	تبصره ۲ ماده ۸۲	-
۱۲	شرایط احراز تصدی سمت شهردار با آئین نامه وزارت کشور	-	ماده ۷۲	-
۱۳	تصویب آئین نامه پیشنهادی شهرداری توسط شورا با رعایت دستورالعمل وزارت کشور	-	بند ۶ ماده ۷۱	-

منبع: (قرخلو و عمران زاده، ۱۳۸۷، ۵۴).



اولین و مهمترین مسئله‌ای که در اثر جایگاه مبهم و نیمه مستقل شهرداری در برابر دولت و سازمان‌های دولتی در سطح محلی بروز می‌کند، عدم شکل‌گیری مدیریت واحد شهری است که خود در مرحله بعد تبدیل به علت مشکلات عدیده‌ای می‌شود که در سیستم شهری کشور وجود دارد.

### **تعدد مراکز تصمیم‌گیر شهری و اختیارات محدود شهرداری‌ها در مقابل گستردگی دولت:**

در ایران شهرداری‌ها تنها در زمینه‌های مشخص و محدود دارای اختیار هستند؛ زیرا هر یک از وزارتخانه‌های دولتی با تأسیس ادارات محلی، امور مربوط به خود را سازماندهی و هدایت می‌کنند و در این زمینه کاری هم به شهرداری ندارند؛ این وضعیت مشکلات بسیاری بوجود آورده که از نمونه‌های آن ناهماهنگی میان ادارات شهر و شهرداری است. از این رو در شهرهای ایران شهرداری‌ها به تنهایی مدیریت شهر را بر عهده ندارند، بلکه همه‌ی نهادها به نوعی در اداره شهر اثر گذارند (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ۲۸). بر طبق تقسیم‌بندی انجام شده شهرداری دارای ۵۳ وظیفه بوده است که اکنون کمتر از نیمی (۳۹،۶ درصد) از این وظایف توسط خود شهرداری انجام می‌پذیرد (ایراندوست، ۱۳۸۱، ۷). بدین سبب در میان تعدد مراجع مدیریتی فوق مدیریت واحد شهری در طی زمان و به تدریج تبدیل به مفهومی مغفول و دور از دسترس شده است.

وظایف شهرداری‌ها در جهان روز به روز گسترده‌تر می‌شود و شهرداری‌ها به عنوان نهاد محلی نشأت گرفته از خواست عمومی وظایف بیشتری را بر عهده می‌گیرند. از مجموعه وظایف دارای سنخ محلی تنها وظایفی چون ارائه خدمات شهری، خدمات فرهنگی و تفریحی، نظارت و کنترل ساختمانی و تأمین بخشی از زیرساخت‌های شهری توسط شهرداریهای ایران عرضه می‌شوند. دوایر محلی و استانی دولت مرکزی اغلب وظایف دارای سنخ محلی را راساً عهده دار هستند. به عنوان مثال، در حوزه تأمین زیرساخت‌های شهری، ساخت تأسیسات آب، برق، گاز و فاضلاب خارج از حیطه وظایف شهرداریها است. خدمات پلیس، خدمات ثبتی، خدمات رفاه و تأمین اجتماعی و بهزیستی، خدمات بهداشتی، آموزش و تأمین مسکن توسط وزارت خانه‌های دولت مرکزی تصدی می‌شود. حضور دهها سازمان دولتی عمل‌کننده در سطح شهرها در کنار شهرداری، وضعیت آشفته‌ای را از جهت هماهنگی در انجام وظایف و ارائه خدمات بوجود آورده است و هزینه‌های مضاعفی را به شهروندان تحمیل می‌کنند. چنین سازمان‌هایی نظارت شورای شهر را نیز بر نمی‌تابند (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۵۴). از آنجا که شورای شهر خود از عناصر شکل‌دهی به مدیریت یکپارچه شهری می‌باشند، سازمان‌های دولتی با اقدام خود عملاً مانع از شکل‌گیری ساختار مدیریتی فوق می‌شوند. بر همین اساس محدودیت دایره‌ی فعالیت‌های شهرداری از زمان تأسیس تا به امروز، نشان‌دهنده اینست که مدیریت شهری در ایران نه تنها به طرف الگوی مدیریتی یکپارچه و واحد حرکت نکرده است بلکه این سیر در جهت عکس، باعث قدرت‌گیری سازمان‌های دولتی شده است.

### **سیاست مرکزگرایی موجود در کشور:**

از آنجا که مدیریت و توسعه شهرها در کشورهای در حال توسعه توسط دولت‌های مرکزی پی‌ریزی و مهندسی شده است، مقامات مرکزی توسعه شهری را از طریق وزارت خانه‌های مربوطه اداره می‌کنند و اطمینانی به عمل مستقل حکومت‌های محلی ندارند. نتیجه‌ی این عملکرد سازمانی چیزی جز سازمان

های محلی ضعیف با ساختار تشکیلاتی نامنسجم، اختیارات محدود، منابع مالی ناکافی و... نخواهد بود (رضویان، ۱۳۸۱، ۴۶). در مجموع می توان گفت که در پی «عدم اعتماد به رشد اجتماعی مردم برای تفویض امور محلی» (نوروزی فر، ۱۳۸۰، پیشگفتار)، فقدان ذهنیت مناسب برای رواج مدیریت یکپارچه شهری و حکومت محلی و غلبه اندیشه تمرکزگرایی، بسیاری از امور شهرداری ها و اختیارات محلی به بخش ها و دستگاه های دولتی واگذار شده است.

### راهکارهای شکل گیری مدیریت یکپارچه شهری در کشور

فقدان مدیریت یکپارچه شهری ضایعه ای برای شهرها بخصوص شهرهای بزرگ و کلان شهرهای امروز می باشد. زیرا در نبود مدیریت یکپارچه شهری، نابسامانی، ناهماهنگی، اتلاف منابع اعم از انسانی و مادی و بالاخره نارضایتی فزاینده شهروندان گریز ناپذیر خواهد بود. به همین دلیل و برای مقابله با مسائل فوق راهکارهایی جهت شکل گیری مدیریت یکپارچه شهری در کشور ارائه می گردد که عبارتند از:

### بازنگری در جایگاه دولت و تحول ساختاری آن در ارتباط با مدیریت شهری:

یکی از راهکارهای مؤثر در بسط و گسترش ایده مدیریت واحد و یکپارچه شهری در کشور، می تواند کاهش تصدی گری های دولت و سازمان های متبوع آن و محدود کردن حوزه فعالیت مدیریتی آن در سطوح محلی چون شهرها باشد.

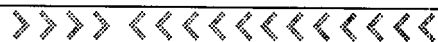
سازمان ملل متحد برای ارتقاء کیفیت مدیریت شهری و ارتقای مردم سالاری به پاره ای از موضوعات و اولویت ها تأکید ویژه دارد که بازنگری در جایگاه و کارکردهای دولت یکی از مهمترین موارد آنها می باشد (سازمان اجرایی شهرداری ها، ۱۳۸۱، ۳۹). امروزه جایگاه جدید دولت ایجاد می کند که به زمینه سازی و چارچوب آفرینی پردازد و حداقل امکان از دخالت مستقیم در امور، بویژه امور محلی بپرهیزد.

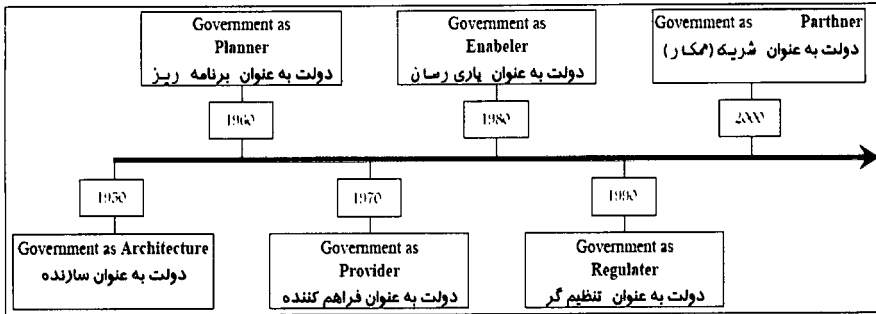
در واقع با شکل گیری یک ساختار دولتی غیرمتمرکز است که حکومت های محلی می توانند مسئولیت ها و اختیارات وسیع تری را بدست آورند. در همین راستا، با توجه به ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی تمرکززدایی، کوچک کردن دولت و محدودیت تصدی گری های آن امری امکان پذیر به نظر می رسد. ضمن اینکه رابطه ی حکومت مرکزی با حکومت های محلی نیز باید از حالت قیمومیت خارج شده و رابطه ی مبتنی بر تعامل و همبستگی جایگزین آن گردد.

همانطور که در دیگرام شماره ۱ نیز مشخص است، بازتعریف جایگاه دولت دگرگونی در مفهوم و نقش دولت را در عرصه های عمومی در پی داشته است، بطوری که امروزه در بیشتر کشور های توسعه یافته دیگر دولت به عنوان برنامه ریز و کارفرما در حوزه های مدیریتی سکونتگاه های شهری و توسعه آنها وارد نمی شود. تنها در چنین شرایطی است که نهادهای عمومی و مردمی همچون شهرداری ها فضا و فرصت مناسب برای ابراز وجود پیدا خواهند کرد و در فقدان مراجع متعدد دولتی، در کنار شوراهای اسلامی شهر توانایی اعمال سیستم مدیریتی یکپارچه و واحدی را خواهند داشت.

دیگرام شماره ۱: دگرگونی در مفهوم و نقش دولت طی سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰

برگرفته از (<http://www.urbantimeline.org/timeline.asp>)





### ایجاد زیر ساخت های قانونی مدیریت واحد شهری و تحول در قوانین و مقررات شهری:

از آنجا که قوانین و مقررات تعیین کننده ی چگونگی روابط، تعاملات و سطوح عملکردی و جایگاه هر بخش و نهادی می باشند، به نظر می رسد برای تغییر در ساختارهای موجود و ارائه بازساختی جدید و قابل قبول اولین اقدامی که باید صورت گیرد، تحول در قوانین و مقررات مربوطه باشد. در سیستم پیچیده شهری نیز حقوق شهری که شامل قوانین و مقررات تعریف کننده نحوه روابط شهروندان با ادارات شهری و تعیین کننده تعاملات نهادی مدیریت شهری است، دارای عملکرد فوق می باشد.

بررسی مجموعه قوانین و مقررات موجود در قالب حقوق شهری در کشور نشان می دهد که بخش عظیمی از حوزه مدیریت شهری در کشور در اختیار سازمانها و نهادهای دولتی می باشد و خود نهاد شهرداری که باید مرجع اصلی مدیریت یکپارچه شهری در شهرها باشد نه تنها در مقابل دولت و ساختارهای آن از استقلال کافی برخوردار نمی باشد، بلکه در بسیاری موارد قوانین موجود آن را در کسوت یک نهاد دولتی به تصویر می کشند (قرخلو و عمران زاده، ۱۳۸۷، ۵۲-۵۷). در واقع از جمله ویژگی های مهم یک حکومت محلی، داشتن استقلال قابل ملاحظه است که حکومت های محلی در کشور ما در این زمینه با مشکلاتی مواجه هستند (مقیم، ۱۳۸۲، ۱۰۱).

با توجه به اینکه نظام حقوق شهری تنظیم کننده و جهت دهنده سازوکار برنامه ریزی مدیریت شهری است (نوروزی، ۱۳۸۰، پیشگفتار) و با نظر به اینکه شهرها و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی آنها مدام در طی زمان در حال دگرگونی و تحول هستند و از آنجا که بسیاری از مواد قانونی مربوط به مدیریت شهری و جایگاه نهادهای موضوعه آن مربوط به دهه های گذشته می باشند، به نظر می رسد همگام با بوجود آمدن ایده های جدید و جامع در حوزه مدیریت شهری اولین اقداماتی که در زمینه استقرار مدیریت یکپارچه شهری باید صورت گیرد، ایجاد زیرساخت های قانونی مسئله فوق، به روز کردن قوانین مربوطه و بازتعریف جایگاه حقوقی مستقل برای شهرداری ها، شوراهای شهر و شوراهای محلات باشد، زیرا سازمان های محلی برای انجام وظایف خود باید دارای اختیارات و حقوق کافی باشند که منشا اختیارات و حقوق نیز قانون می باشد.

### گسترش دایره فعالیت های شهرداری در حیطه مسائل مختلف شهری:

از زمان تصویب قانون شهرداری در سال ۱۳۳۴ تا به امروز وظایف و اختیارات شهرداری ها روز به روز کمتر و محدودتر شده است. به طوری که امروزه کمتر از نیمی از وظایف اولیه شهرداری توسط

آن صورت می گیرد. این فرایند در نهایت باعث افزایش تصدی گریهای دولت و غلبه هرچه بیشتر نهاد فرادستی دولت بر نهاد عمومی شهرداری شده است.

این در حالی است که «در کشور های پیشرفته ای چون انگلستان، فرانسه و آلمان شهرداری ها در کنار خدمات بهداشتی و عمرانی و نظارت بر ساختمان ها و خدمات زیربنایی و عمومی شهر بر مسائل اجتماعی شهرها نیز نظارت دارند. و برای انواع خدمات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تفریحی، زیباسازی، عمرانی، رفاهی و خدمات عمومی دارای تشکیلات وسیعی گردیده اند که با همکاری شوراهای شهر در سطح محل، شوراهای ایالتی و منطقه ای و کشوری در رده های بالاتر و شوراهای محله ای و ناحیه ای در رده های پایین تر بصورت یکپارچه به اداره شهر می پردازند» (شیعه، ۱۳۸۲، ۴۷).

در سال های اخیر پیچیدگی های شهرنشینی امروز و طرح مباحثی چون توسعه پایدار شهری که لازمه آن مدیریت یکپارچه شهری می باشد (Asia urbs. ۲۰۰۸. p1) و تاکید بر توسعه انسانی و تقویت اقتصاد شهر و عدالت اجتماعی، حفظ محیط زیست و در نتیجه نیاز به رویکردی تازه در مدیریت شهری از سوی و راهبرد دولت حداقل و لزوم تحول در ساختار اداری و مدیریتی کشور از سوی دیگر لزوم توجه به شهرداری ها و واگذاری وظایف جدید را توجیه کرده است (ایراندوست، ۱۳۸۱، ۵).

امروزه بسیاری از مسائل و نارسایی هایی که در سطح شهرها با آنها مواجه هستیم اغلب ناشی از عدم ورود شهرداری ها در آن زمینه ها در قالب مدیریت واحد شهری به دلیل منع قانونی می باشد. به عنوان مثال در بیشتر شهرهای جهان پرداختن به اشتغال شهروندان از وظایف شهرداری است. زیرا اگر بخش در خور توجهی از شهروندان بیکار باشند درآمد شهر دچار مخاطره شده و شهرداری نمی تواند هزینه خدمات شهری را از شهروندان دریافت کند. پرداختن به امور اقتصادی شهر نیز از موضوع های عمده مدیریت واحد شهری است. معمولاً تصور می شود که امور اقتصادی مربوط به وزارت اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی و امثالهم است. حال آنکه دستگاه های مذکور عمدتاً به ارائه رهنمودهای کلان و اجرایی برای کل کشور می پردازند. وضعیت اجتماعی شهر نیز از موارد دیگر می باشد. بعنوان مثال وضعیت اجتماعی در کلانشهر تهران در کشاکش مجموعه ای از سازمان های مرتبط به امور اجتماعی است که غیر از وزارت بهداشت و درمان در ایران ۲۸ سازمان و موسسه به امور تامین اجتماعی به مفهوم عام کلمه می پردازند (سازمان اجرایی شهرداری ها، ۱۳۸۱، ۵۱).

با توجه به اینکه مدیریت واحد شهری به معنی تقویت نقش شهرداران به عنوان مدیر و هماهنگ کننده عمران شهر و مرجع اصلی هماهنگ کننده امور شهر می باشد، واگذاری تصدی ها باید همراه با واگذاری حاکمیت در سطح محلی باشد، یعنی مسئولیت باید همراه با اختیارات مربوط به شهرداری واگذار شود. مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد واگذاری وظایف از سایر وزارت خانه ها به شهرداری باید به همراه اعتبارات آنها صورت گیرد (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ۴۱)، تا در مراحل بعدی بدلیل مشکلات مالی، شهرداری ها به سمت درآمدهای ناپایدار و گاهی غیر قانونی همچون فروش تراکم کشیده نشوند.

### تبدیل شهرداری ها به یک نهاد فرابخشی در شهر

بر اساس تجارب فراهم آمده از شهرها و شرکت های بزرگ رابطه مدیریت یکپارچه شهری با دستگاه های تصمیم و اجرای ملی به صورت سطح مند و نیز ماتریسی می باشد. بدین معنی که مدیریت شهرداری ها در شهرها نقش یک دستگاه فرابخشی یا میان بخشی را ایفا می کند. بنابراین مدیریت

شهرداری در جایگاه ارتباطی با مجموعه ای از دستگاه های تصمیم و اجرای بخشی قرار دارد. از این رو مدیریت یکپارچه شهری در جایگاه هماهنگ کننده بخش های مرتبط به یک موضوع معین شهری عمل می کند. برای نمونه در ساماندهی بی خانمان های شهری، کودکان خیابانی و آسیب دیدگان شهری در تهران، ۲۸ سازمان تأمین و خدمات اجتماعی دخیل اند. این سازمانها جدا از مجموعه بزرگی از مؤسسه های خیریه است. علاوه بر این لازم است نیروی انتظامی و موسسات اجرایی غیر خدمات اجتماعی نیز به کار گرفته شوند. در این صورت لازم است که یک نهاد معین به عنوان مرجع به تمشیت امور و مدیریت بخش های مختلف بپردازد. این مرجع معین همان مدیریت یکپارچه شهری است (سازمان اجرایی شهرداری ها، ۱۳۸۱، ۵۳).

ارتقاء شهرداری به جایگاه یک نهاد فرا بخشی به عنوان مرجع هماهنگی سایر بخش ها هم با ماهیت سیستم شهر که از نظام های مختلف شهری تشکیل شده است همخوانی دارد و هم اینکه باعث نزدیکی و ارتقاء شهرداری از یک سازمان محلی به حکومت محلی می شود. در این زمینه می توان از کمک ها و تجربیات سازمانهای بین المللی مرتبط همچون سازمان شهرها و حکومت های محلی متحد (UCLG) که خود را متعهد به حمایت از حکومت های محلی دموکراتیک و مستقل می داند، بهره برد.

### تقویت شوراهای در سطوح مختلف شهری از سطح محله ای تا سطح مناطق شهرداری:

در حال حاضر شوراهای شهری بر اساس وظیفه ای که مطابق قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵) بر عهده آنها گذاشته شده است، در کنار یکسری مسئولیت های کلی که عینیت بیرونی و اجرایی نمی یابند، صرفاً مسئول نظارت بر فعالیت ها و اقدامات شهرداری ها هستند و هیچ وظیفه تعریف شده و مشخصی در قبال نظارت بر اقدامات سازمان ها و ارگانهای دولتی که بخش عمده ای از حوزه مدیریت شهری در اختیار آنهاست، ندارند.

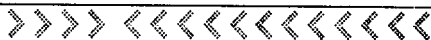
توسعه اختیارات شورای اسلامی شهر در ارتباط با سازمان های محلی در کنار واگذاری اختیارات بیشتر به شهرداری ها می تواند راهکار اصلی نیل به مدیریت واحد شهری باشد (کامیار، ۱۳۸۵، ۷۴). در ادامه روند فوق، شکل دهی به شوراهای محله ای و ناحیه ای و ایجاد شبکه ای به هم پیوسته از نیروهای مردمی به عنوان حلقه واسط و مکمل شوراهای شهر نیز می تواند باعث تحقق هدف مذکور گردد.

### نتیجه گیری

مدیریت یکپارچه یا واحد شهری حلقه مفقوده ی نظام مدیریت شهری در کشور می باشد که فقدان آن در شهرها باعث بروز انواع مشکلات و ناکارآمدی های بسیاری در حوزه های مختلف مدیریت شهری شده است. از جمله مشکلات فوق می توان به نابسامانی، ناهماهنگی، اتلاف منابع اعم از: انسانی و مادی، دوباره کاری ها، سردرگمی مردم و بالاخره نارضایتی فزاینده شهروندان، اشاره کرد. با توجه به سیر تاریخی تحول نظام مدیریت شهری در کشور، عواملی که مانع از دگردیسی و تحول شهرداری ها از حالت سازمان محلی به حکومت محلی و در نهایت باعث عدم شکل گیری مدیریت یکپارچه شهری در کشور شده اند را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

### جایگاه حقوقی مبهم و غیر مستقل شهرداری در مقابل دولت.

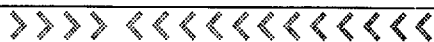
- تعدد مراکز تصمیم گیر شهری و اختیارات محدود شهرداریها.
- سیاست مرکز گرایی موجود در کشور.
- عدم شکل گیری صحیح پایه های قانونی مدیریت شهری واحد در کشور.
- طبق بررسی های صورت گرفته به منظور شکل گیری مدیریت یکپارچه شهری در کشور و رفع مسائل و مشکلات و ناکارآمدی های ناشی از فقدان آن، راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد:
- بازنگری در جایگاه دولت و تحول ساختاری آن در ارتباط با مدیریت شهری.
- تبدیل شهرداری ها به یک نهاد فرابخشی در شهرها.
- تقویت و توسعه شوراهای در سطوح مختلف شهری از سطح محله ای تا سطح مناطق شهرداری.
- ایجاد زیرساخت های قانونی مدیریت واحد شهری و تحول در قوانین و مقررات شهری.
- گسترش دایره فعالیت شهرداری در حیطه ی مسائل مختلف شهری.



### منابع و مأخذ

- آخوندی، عباس، اسدی، ایرج، بصیرت، میثم و حبیب ... طاهرخانی (۱۳۸۷)؛ آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار، صص ۱۴۵-۱۵۶.
- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۱)؛ ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم، چرا و چگونه، ماهنامه شهرداری ها، شماره ۳۸، صص ۵-۱۰.
- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵)؛ برنامه ریزی محله مینا، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۶، تابستان، صص ۳۷-۴۶.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۶)؛ گام‌های پیوسته شهر در بازه ی یک سده شهرداری (گفتگو)، مجله شهرداریها، شماره ۸۶، ص ۲۸.
- رضویان، محمد تقی (۱۳۸۱)؛ مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو، تهران.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲)؛ کتاب سبز شهرداری: جلد مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، تهران.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲)؛ لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۰)؛ بنیادهای توسعه پایدار کلانشهر تهران، همایش موازین توسعه و ضد توسعه فرهنگی - اجتماعی شهر تهران، تیر.
- صرافی، مظفر و مجید عبدالهی (۱۳۸۷)؛ تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین و مقررات مدیریت شهری کشور، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- قرخلو، مهدی و بهزاد عمران زاده (۱۳۸۷)؛ وضعیت حقوقی تعاملات دولت و شهرداری در ایران، مجله جغرافیا، شماره ۶ و ۷، صص ۴۸-۶۸.
- قرخلو، مهدی و سید هادی حسینی (۱۳۸۵)؛ شاخص های توسعه پایدار شهری، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۸، بهار و تابستان، صص ۱۵۷-۱۷۷.
- کامیار، غلامرضا (۱۳۸۵)؛ حقوق شهری و شهرسازی، انتشارات مجد، تهران.
- مقیمی، سید محمد (۱۳۸۲)؛ اداره امور حکومت های محلی: مدیریت شوراها و شهرداریها، انتشارات سمت، تهران.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۶)؛ قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، نشر دیدار، تهران.
- نوروزیفر، عبدالرحیم (۱۳۸۰)؛ مدیریت سازمان های محلی و شهرداریها، انتشارات بازتاب، تهران.
- نوروزی، کامبیز (۱۳۸۰)؛ بررسی قانون شهرداری (جلد اول)، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- (۱۳۸۱)؛ مطالعات راهبردی - تطبیقی شهرهای جهان و تهران، سازمان اجرایی شهرداریها، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

- Asia urbs(2008),Urban Management, Training on Urban Sustainability Mmanagement for Municipalities, Indian Ecocities, pp.1-2.
- Fridman.John(1993) , Toward a Non-Euclid Mode of Planning, APA Journal, Autumn, p.482.
- Hall, P&U.Pfeiffer(2000) , Urban Future 21.F&FN Spon, London, p.18.
- Osborne. D&Gaebler.Ted(1993) , Reinventing Government-How the Entrepreneurial Spirit is Transforming the Public Sector, Plume, Penguin Book, USA.
- Uwe. Deichman, Somik V. Lall, Ajay. Suri, Prgys.R(2003) , Improved Urban Management, World Bank Policy Research Working Paper3002, Washington.DC.
- .....(2008) , Concept and Role of Government in Planning .(<http://www.urbantimeline.org/timeline.asp>).





## نقش محدوده های پیاده در توسعه پایدار شهرها

### خشایار کاشانی جو

دکترای شهرسازی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد- واحد شهر قدس

#### چکیده

امروزه، حمل و نقل به یکی از مهمترین چالش های شهرنشینی در سراسر جهان بدل گردیده است. از سویی نیز، به شدت بر توسعه پایدار در ابعاد مختلف زندگی انسانها تاکید دارد. تشویق به حرکت پیاده و ایجاد تسهیلات مرتبط از همین منظر از چندین دهه پیش مورد توجه جوامع پیشرو قرار گرفته درحالیکه پیاده روی در کشور ما حتی به عنوان روشی از حمل و نقل ناشناخته مانده است. نگارش این مقاله مبتنی بر شیوه پژوهش اسنادی و معتبرترین منابع انجام گرفته و نتایج این مطالعه نشان می دهد که پیاده روی از جنبه های گوناگون سبب توسعه پایدار شهرها گردیده و محدوده های پیاده تاثیر بسزایی در اصلاح و تحریک فضاهای پیرامونی خویش ایفا می نماید.

#### واژگان کلیدی

حرکت پیاده، محدوده پیاده، توسعه پایدار شهری، محدوده پیاده پایدار

## ۱- مقدمه

امروزه، آنچه بیش از هر چیزی در شهرهای کشور ما ملموس است، حضور اتومبیل ها و سیطره حرکت وسایل نقلیه موتوری بر کالبد شهرهاست. در عین حال به نظر می رسد که رویکرد تسهیل حرکت سواره بی توجه به حقوق عابران پیاده بر مدیران شهری نیز غالب گردیده است. آنچنانکه هر روزه در شهرها شاهد تعریض مسیرهای سواره حتی به بهای از بین بردن درختان و فضاهای سبز شهری، محدودتر کردن فضاهای پیاده روها و حتی گاهی حذف آنها و... هستیم.

این درحالیست که براساس مطالعات علمی انجام گرفته در کشورهای گوناگون، توسعه مسیرهای سواره چاره حل مشکل ترافیک نبوده و جز تخریب عرصه های عمومی زندگی شهری و تقلیل «کیفیت» زندگی در شهرها، حاصلی در بر نخواهد داشت. از همین رو، امروزه و بویژه در آستانه هزاره سوم بیش از پیش بر گسترش حرکت آزاد عابران پیاده و توسعه محدوده های پیاده در سطح شهرها بویژه از منظر توسعه پایدار تاکید گردیده و شهرهای بزرگ کشورهای پیشرو در جهان در رقابتی گسترده هر روزه در حال افزایش این پهنه های چندمنظوره می باشند. این نوشتار، کوششی در جهت تبیین اهمیت حرکت پیاده و پیاده راه ها در شهرهای امروزین و نقش این عرصه ها در توسعه پایدار شهری می باشد.

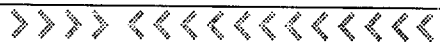
## ۲- معرفی محدوده های پیاده و تاریخچه ایجاد آنها در شهرها

خیابان های مخصوص پیاده که در کشورهای مختلف واژگان گوناگونی همچون پهنه پیاده<sup>۱</sup>، پهنه بدون ماشین<sup>۲</sup>، محدوده بدون آمد و شد سواره<sup>۳</sup>، پهنه بسته بر ترافیک موتوری<sup>۴</sup>، محدوده پیاده<sup>۵</sup>، تفرجگاه پیاده<sup>۶</sup> و پیاده راه<sup>۷</sup> نیز برای تعریف آنها به کار برده می شود متکامل ترین شکل خیابان ها هستند که اولویت اصلی حرکت در آنها به صورت پیاده بوده و به عنوان فضاهای شهری پیاده مدار شناخته می شوند. برای محدوده های پیاده تعاریف گوناگونی ذکر گردیده که در ذیل برخی از این مفاهیم تبیین گردیده اند:

- پیاده راه ها، معابری بالاترین حد نقش اجتماعی هستند که در آنها تسلط کامل با عابر پیاده بوده و از وسایل نقلیه موتوری تنها به منظور سرویس دهی به زندگی جاری در معبر استفاده می شود. پیاده راهها، ابزاری برای فعالیت جمعی بخصوص در ارتباط با اقتصاد شهری، کیفیت محیطی و سلامت اجتماعی اند. [۱]
- پیاده راه ها (محورهای پیاده شهری)، محل حضور همه شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعیشان است؛ این فضاها در مقیاس همه شهر عمل کرده و پذیرای گروههای مختلفی از شهروندان هستند. پیاده راه ها علاوه بر نقش ارتباطی و دسترسی، مکانی امن و راحت برای تماس اجتماعی، گردش و تماشا و... فراهم می آورد. [۲]

- محدوده پیاده عبارتست از یک خیابان یا بیشتر یا بخشهایی از چند خیابان که آمد و شد سواره در آنجا محدود می شود یا باید در تمام یا بخشی از آن محدود گردد و منحصر یا در ابتدا برای حرکت عابران پیاده استفاده می گردد یا باید مورد استفاده قرار گیرد. [۳]

۱. Pedestrian Zone  
۲. Car- Free Zone  
۳. Traffic- Free Zone  
۴. Auto- Restricted Zone  
۵. Pedestrian Area  
۶. Pedestrian Mall  
۷. Walkable Street



• منطقه مخصوص پیاده، منطقه ای است که به منظور برتری دادن به محیط، ورود اتومبیل های سواری را به آن ممنوع می کنند و ورود سایر وسایل نقلیه موتوری به آن تنظیم می شود. [۴]

بنابراین، آنچه‌نکانه از تعاریف ذکر گردیده مشخص است، محدوده های پیاده قسمتی از فضاهای شهری هستند که به دلایل ویژه عمدتاً به خاطر دارا بودن برخی پتانسیل های خاص و در تمام یا بخشی از ساعات شبانه روز کاملاً بر روی حرکت سواره بسته شده و بطور کامل به حرکت عابران پیاده اختصاص می یابند. و براساس آنچه ارائه شد، تقریباً تمامی صاحب‌نظران و حرفه مندان بطور مشترک بر این نکته اتفاق نظر دارند که جنبه اجتماعی ایجاد و توسعه پیاده راهها بسیار مهم بوده آنچه‌نکانه می توان اصل فلسفه وجودی این فضاهای شهری را نه صرفاً عملکردهای فیزیکی و ارتباطی، تثبیت و تقویت برخی کاربریها و مسائل اقتصادی بلکه گسترش ارتباطات و تعاملات اجتماعی- فرهنگی و ایجاد مقیاس انسانی در عرصه عمومی دانست.

از زمان پیدایش اولین شهرها تا هنگام انقلاب صنعتی و حضور خودرو، انسان، معیار اصلی برای طراحی فضاهای شهری و تمامی جزئیات مرتبط با آن بوده است. گرچه در این دوران، محدودیت هایی برای آمد و شد گاری های سنگین در مراکز شهرهایی پرجمعیت مانند رم در برخی ساعات روز و یا تفکیک افقی پیاده ها و آمده وشد کالسکه ها به وجود آمد اما بطور کلی تا حدود دهه های میانی نیمه دوم قرن نوزدهم که وسایل نقلیه حمل بار و انسان غیرموتوری بوده-اند تمامی فضاهای شهری را می توان پیاده مدار دانست.

از این رو، ایجاد محدوده های پیاده به مفهوم امروزی آن را تنها پس از این زمان می توان قابل بررسی دانست. «نخستین اقدام در زمینه تفکیک حرکت سواره از پیاده در دنیا، در سال ۱۸۵۸ توسط شهرساز و معمار آمریکایی به نام فردریک اولمستد صورت گرفت. طی این اقدام اولمستد<sup>۵</sup> در طراحی پارک مرکزی نیویورک، برای عبور پیادگان پلی از سنگ روی جاده وسایل نقلیه بنا نهاد.» [۵] در عین حال گرچه در قرن بیستم و تا پیش از جنگ جهانی دوم تجربیاتی محدود در زمینه بستن خیابان ها بر روی آمد و شد سواره به ویژه در شهرهای اروپایی و از جمله برای نخستین بار در یکی از خیابان های خرید مرکز شهر اسن آلمان انجام گرفت اما فعالیت های فراگیر و اساسی در این زمینه پس از جنگ جهانی دوم آغاز گردید:

«در خلال دهه ۱۹۳۰ برنامه ریزیهایی برای اولین شبکه های گذرهای پیاده مستقل در داخل محدوده های شهری جدید انجام گرفت: بیش از همه، تبدیل شبکه گذرهای پیاده به یک واحد مستقل به منظور تضمین نمودن عبور آزاد برای آمد وشد سواره صورت پذیرفت. سرانجام، در دهه ۴۰ و ۵۰ (در جریان بازسازی خرابیهای جنگ و نوسازی مراکز تاریخی شهرها)، ایده خیابانهای خرید مرکز شهری با آمد وشد آزاد مطرح گردید.» [۶]

«نخستین تجربه های آزمایشی در ایجاد منطقه بی ترافیک در شهرهای روتردام هلند و استکهلم سوئد بوجود آمد. در اواخر دهه ۱۹۵۰ خودروهای شخصی از نواحی مرکزی و تاریخی شهرها به دلیل تهدید مراکز شهرهای اروپایی بوسیله ترافیک و تخریب بافت های ارزشمند شهری، به بیرون رانده شدند. بطوریکه تا سال ۱۹۷۵ تقریباً تمامی شهرهای مهم و تاریخی اروپا ورود خودرو را به بخش بزرگی از ناحیه تاریخی و مرکزی خود محدود کرده و پیاده راههای تاریخی- تجاری در آنها بوجود آوردند.» [۵]

گرچه در اروپا در نیمه دوم قرن بیستم توسعه محدوده های پیاده به یک هنجار پذیرفته شده تبدیل گردیده بود اما تنها در اوایل دهه ۱۹۶۰ بود که در آمریکای شمالی ایده ایجاد فضاهای شهری پیاده مدار در مرکز شهرها گسترش یافت. این نوع خیابان های پیاده در ابتدا بیشتر با هدف تجاری شکل گرفتند و در اصل تفرجگاههایی پیاده جهت خرید و گردش در شهرها بودند. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ و به ویژه در کشورهایی همچون آلمان و هلند فعالیتهای گستردهای در زمینه ایجاد فضاهای شهری پیاده مدار آغاز گردید و خیابانهای زیادی در بسیاری از شهرهای آنها تبدیل به پیاده راه گردید. در دهه ۸۰ قرن بیستم، نوع دیگری از این مداخله و برخورد در اروپا عنوان شد و آن کنترل حرکت سواره، بدون ممانعت از حضور آن، در همزیستی مسالمت آمیز با حرکت پیاده بود. این نحوه تفکر، حذف کامل اتومبیل را که جز ضروریات و عنصر عجین شده با زندگی انسان از سوی طرفدارانش به شمار می آمد، غیرقابل قبول دانسته و حداقل کردن فضای موردنیاز سواره را در جهت اختصاص حداکثر امکان به حضور پیاده مطرح کرد. بدین ترتیب طرح خیابان های با ترافیک آرام به عنوان نوع دیگری از مداخلات در جهت اعتبار بخشیدن به انسان پیاده و حضور او در فضاهای شهری، در شهرهای اروپایی به اجرا درآمد. «یکی از اهداف در اجرای این نوع مداخلات، برآوردن نیازهای گردشگری در بافت های کهن شهرهای اروپایی بود که به عنوان یکی از محورهای مورد توجه در طرح مدنظر واقع می شد. همچنین، این اقدامات با تکیه بر کاربری تجاری پیرامون صورت می گیرد.»<sup>۱۵</sup>

امروزه و در آستانه هزاره سوم و برخلاف دهه های اولیه قرن بیستم، وجود محدوده ها و شبکه های کامل پیاده شهری و آزادی حرکت و مصونیت عابران پیاده و راکبان دوچرخه به یکی از مهمترین سنجه های کیفیت زندگی در شهرها بدل شده است و تقریباً در تمامی مطالعات مربوط به بازسازی و تجدید حیات مراکز شهری، معابری با اولویت تخصیص به عابران پیاده با کاربری تجاری مدنظر قرار می گیرند. در حال حاضر، توجه و تاکید بر ایجاد پیاده راهها چنان است که بسیاری از شهرها و مسوولان آنها به تدوین برنامه ها و چشم اندازهای توسعه شبکه های پیاده و طرح جامع عابر پیاده<sup>۹</sup> در مقیاسهای زمانی متفاوت و بویژه با چشم انداز دهه های ابتدایی قرن ۲۱ همت گماشته اند. در این زمینه می توان به برنامه تبدیل لندن به یکی از بزرگترین شهرهای پیاده تا سال ۲۰۱۵ و یا برنامه و قانون اجرایی سال ۲۰۰۳ اسکاتلند تحت عنوان قانون اصلاح زمین برای ترویج پیاده روی در این کشور یا پروژه تحقیقاتی دلفی<sup>۱۰</sup> جهت پیش بینی آینده پیاده روی در اروپا در سال ۲۰۱۰ اشاره نمود.

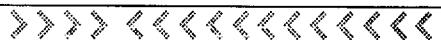
### ۳- مفهوم کلی و اهداف اصلی توسعه پایدار

سابقه توجه به مفهوم پایداری در جهان به معنای امروزی آن به حدود سه دهه قبل و اواخر دهه ۱۹۷۰ باز می گردد. «ولین استناد به واژه پایداری در سال ۱۹۷۲ به طور خاص در کتاب محدودیتهای رشد صورت گرفته است. با گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه تحت عنوان آینده مشترک ما در سال ۱۹۸۷ دامنه ادبیات این واژه گسترده شد.»<sup>۱۱</sup> [سرانجام در کنفرانس منشور زمین<sup>۱۱</sup> سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ در ریودو ژانیرو برزیل، موضوع توسعه پایدار در سراسر دنیا فراگیر گردید. از آن زمان به بعد، روز به روز بر اهمیت این موضوع افزوده گردیده و بر لزوم هماهنگی هرگونه برنامه توسعه با آن بیش از پیش تاکید می گردد.

۹. Pedestrian Master Plan

۱۰. Delphi

۱۱. Earth Summit



برای اصطلاح توسعه پایدار تعاریف متعددی ارائه شده است. یکی از کامل‌ترین و قابل‌استنادترین آنها توسط سازمان ملل متحد و در سال ۱۹۸۷ این چنین بیان گردیده است: «به توسعه‌هایی که نیازهای کنونی را تامین کند بدون آنکه مخاطره‌ای برای توانایی نسل‌های آینده جهت تامین نیازهایشان ایجاد کند، توسعه پایدار گویند.» [۸] علاوه بر این، برخی دیگر از مهمترین تعاریف مرتبط عبارتند از:

• توسعه پایدار شامل پیگیری همزمان شکوفایی اقتصادی، کیفیت محیطی و عدالت اجتماعی است. جوامع جویای پایداری نیاز به پیگیری دائم تغییرات ارزشهای انسانی و اجتماعی در طول زمان اند. مفاهیم نوینی چون مصرف-گرایی مسوولانه، حقوق محیطی و عدالت بین نسلی نیاز به پیگیری دارند. [۹]

• توسعه پایدار تغییری مثبت است و سامانه‌های محیطی و اجتماعی که انسان به آن وابسته است را تضعیف نمی‌کند. این تغییر نیازمند روشی هماهنگ در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است که شامل مشارکت عمومی می‌باشد. موفقیت آن بستگی به درک فراگیر بین مردم و محیطشان و انگیزه برای تغییر است. [۱۰]

• پایداری را می‌توان به عنوان مسوولیت انسان برای ادامه زندگی باکیفیت و ماندگار برای نسل‌های حال و آینده تعریف نمود. به کلامی دیگر، مردم با آسایش در دنیا و محیطی پاک و سالم و دوست‌داشتنی زندگی کنند. [۱۱]

با توجه به توضیحات فوق مشخص می‌گردد که مفهوم «توسعه پایدار» نه یک بعدی بلکه جامع و چندبعدی بوده و به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز همانند جنبه‌های محیطی و کالبدی توجه ویژه دارد. از همین رو، اجرای کامل الگوهای توسعه پایدار مستلزم تغییرات اساسی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی می‌باشد. بطور کلی، «توسعه پایدار» را بصورت ساده می‌توان توسعه‌ای دانست که محیط زیست و سرمایه طبیعی موجود را از بین نبرده و کیفیت زندگی انسان‌ها را در آینده کاهش ندهد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که هر کوششی در تعریف توسعه پایدار باید انعطاف پذیر بوده و موارد سه‌گانه؛ «مفهوم رابطه میان جامعه، اقتصاد و محیط، عدالت در بهره‌وری از منابع و فرصتها و زندگی با محدودیتهای موجود زمین» [۱۷] را در نظر بگیرد.

همچنین، دستورکار ۱۲۱ که به عنوان سندی مهم در توسعه پایدار به شمار می‌رود در سال ۱۹۹۲ در اجلاس عمومی سازمان ملل مورد تصویب قرار گرفت. «دستور کار ۲۱، یک طرح اجرایی توسعه پایدار برای قرن ۲۱ و نتیجه کنفرانس بین‌المللی درباره محیط زیست و توسعه در ریودو ژانیرو می‌باشد. این بیانیه از تمامی حکومت‌های محلی درخواست نمود که اصول توسعه پایدار را در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بکار گرفته و یک فرآیند تهیه دستور کار ۲۱ محلی<sup>۱۲</sup> را معرفی نمایند.» [۱۲] همچنین، در این کنفرانس چندین کنوانسیون از جمله کنوانسیون تغییر آب و هوا، کنوانسیون تنوع زیستی و اصول مربوط به جنگل‌ها نیز تدوین گردید. «در دستورکار ۲۱ با عنایت به این مهم که طبیعت جامع و یکپارچه زمین خانه ما است، مفاهیمی همچون آینده‌نگری، مشارکت عمومی و عدالت مطرح گردید. این بیانیه در ابتدا دارای ۲۷ اصل بود که در کنفرانسهای بعدی این اصول به ۴۰ اصل ازدیاد یافت.» [۱۳]

۱۲. Agenda ۲۱

۱۳. Local Agenda ۲۱ (LA۲۱)

علاوه بر این، گرچه برای توسعه پایدار اهداف مختلفی را متناسب با جنبه های گوناگون می توان برشمرد اما از مواردی چون «تامین نیازهای اساسی انسان هم امروز هم فردا، ارتقاء سطح زندگی و بهبود آن برای همه، حفظ و اداره سامانه های زیستی (اکوسیستم ها) برای داشتن آینده ای امن تر، توجه به زیستگاههای موجودات و تامین ابزار و امکانات فکری و فناوری» [۷] به عنوان اهداف اصلی آن نام برده می شود.

با توجه به مطالب مطرح شده در این بخش در رابطه با مفهوم و اهداف توسعه پایدار و نیز نظری بر تاکیدات روزافزون جهانی مبنی بر لزوم محوریت این موضوع در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، شهری، سیاسی، زیست محیطی و... به نظر می رسد که ماهیت و محتوای اصلی این مبحث چیزی جز بازگشت به کیفیت زندگی اصیل انسانی و محیط طبیعی که بویژه پیش از انقلاب صنعتی و سیطره ماشین بر فضاهای کالبدی شهرها جاری بود، نیست. امری که البته به معنای عدم استفاده از فناوریها و پیشرفتهای مادی بشری نیز نمی باشد بلکه درصدد است تا بین این دو پدیده یعنی «کیفیت زندگی با رویکردی انسانی و طبیعی» و نیز «دستاوردهای عصر اطلاعات و ارتباطات» تعامل و تعادل برقرار سازد تا نسلهای آینده نیز منتفع گردند.

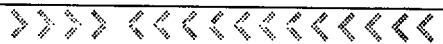
#### ۴- توسعه پایدار شهری و ابعاد گوناگون آن

گرچه اصول و اهداف توسعه پایدار تثبیت شده می باشند اما روش های دستیابی به مقیاس های گوناگون آنها با یکدیگر متفاوت بوده و در عین حال باید دارای ارتباط معناداری با یکدیگر باشند. از سویی دیگر، بدیهی است که هرچه گستردگی کالبدی یک حوزه بیشتر باشد میزان اثرگذاری آن بر جامعه انسانی، منابع و عناصر جغرافیایی پیرامونی به همان میزان افزون تر خواهد بود. به همین دلیل، طراحی و سازماندهی شهرها به عنوان بزرگترین و پیچیده ترین پدیده های مصنوع بشری در راستای اصول پایداری از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و می تواند بر دیگر سطوح پایین دست نیز تاثیرگذار باشد.

به دنبال سلسله اقدامات سازمان ملل در جهت نهادینه سازی و ترویج موضوع پایداری در سطح جهان، این سازمان در سال ۲۰۰۲ و در آستانه هزاره سوم، کنفرانسی را در حد سران در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی برگزار کرد تا ضمن تجدید تعهدات سیاسی کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار، عملکرد ده ساله آنها در رابطه با اجرای مفاد دستور کار ۲۱ و نیز راههای اجرایی تر کردن این بیانیه را بررسی نماید. در همین ارتباط، گزارشات گوناگونی درباره محورهای مختلف منتشر گردید که برخی از مهمترین مصوبات و دستاوردهای این اجلاس و آثار آن در عرصه شهری که حداقل در یک دوره ده ساله و تا سال ۲۰۱۲ کشورهای جهان ملزم به برنامه ریزی جهت اجرای آنها گردیده اند عبارتند از:

«طرح موضوع حاکمیت خوب و نقش آن در توسعه پایدار، فقرزدایی، تغییر الگوهای ناپایدار مصرف، استفاده از انرژیهای پاک و حمل و نقل پایدار، جلوگیری از تولید مواد زائد شیمیایی، کاهش آلودگی هوا، حفاظت و مدیریت منابع طبیعی بعنوان اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی بویژه توجه به منابع آب، بیابان زدایی، کوهها، گردشگری، تنوع زیستی، جنگل ها و کشاورزی.» [۱۴]

برای هر یک از سطوح گوناگون؛ شهر، همسایگی (ناحیه)، محله و ساختمان راهبردهایی جهت دستیابی به توسعه پایدار ارائه گردیده است. در این میان، اجرایی نمودن کامل اصول پایداری در شهرها که دارای زیرمجموعه ها و روابط بسیار گسترده کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... می باشند

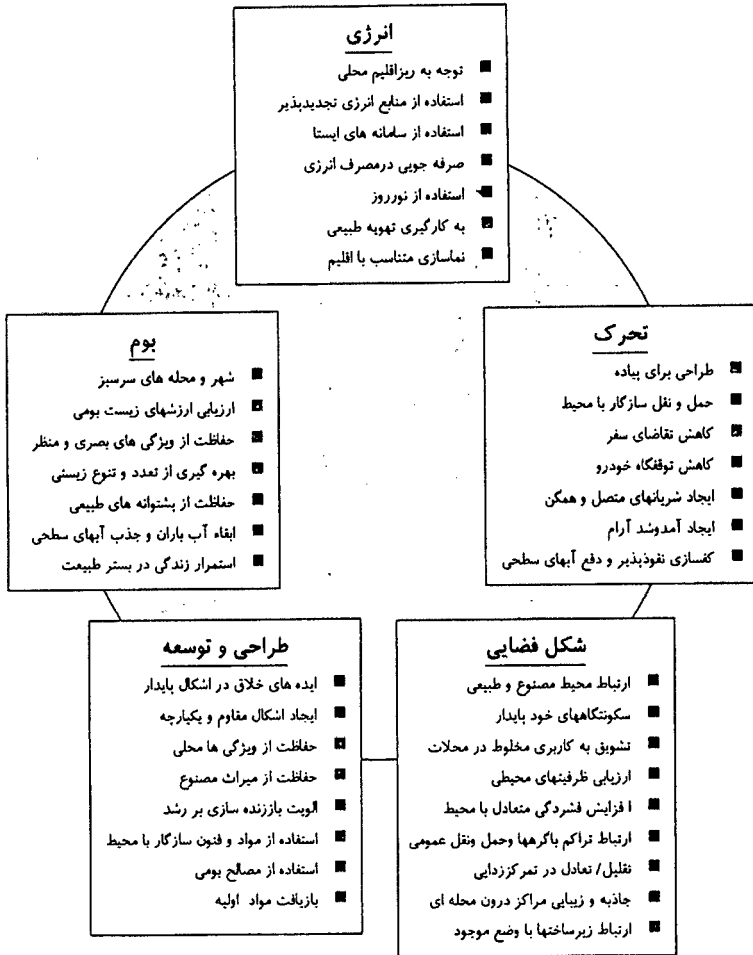


بسیار دشوار بوده و به این منظور، برهم کنش و هماهنگی عوامل متعددی ضروری می‌نماید. در هر حال، از مواردی چون «بافت فشرده، کاهش ترافیک در شریانها، تقلیل استفاده از خودروی شخصی، ایجاد تراکم متعادل در مناطق حومه ای، تمرکز شهرنشینی در مناطق با تسهیلات کافی، کاربری مخلوط در مقیاس محله ای، تشویق به چهارطبقه سازی و ساخت و سازهای جذاب و خوانا» [۷] به عنوان مهمترین راهکارهای قابل توجه در جهت طراحی پایدار در مقیاس شهر نام برده می‌شود.

طراحی های شهری انجام گرفته تاکنون غالباً تحولاتی خطی و توسعه هایی غیرپایدار را به دنبال داشته‌اند. از همین رو، نظریه پردازان بر این باورند که تنها راه واقعی طراحی شهرها با هدف پایداری، عملی کردن طراحی در سطوح خرد و کلان شهر بطور همزمان است. ابعاد کلیدی طراحی پایدار در شهرها در پنج زمینه کلی دسته بندی شده اند که عبارتند از: «انرژی، تحرک، بوم، شکل فضایی، طراحی و توسعه» [۱۵] که در نگاره شماره ۱ نمایش داده شده است. در عین حال که در یک دسته بندی کلان تر شاید بتوان سه عنصر کلیدی را در این زمینه موثر دانست: «هر شهری که به طور اخص در راستای پایداری محیط مصنوع و زیستی طراحی گردد، می باید توجه به سه عامل؛ جامعه، منابع و مهارت را به طور همزمان بنیان و مبنای راهبرد خود قرار دهد.» [۷]

اگرچه توجه به موارد برشمرد شده در طراحی شهری پایدار بسیار موثرند اما رعایت این نکات و ملاحظات هیچگاه به تنهایی و بدون برنامه ریزی فرادست، سبب ایجاد شهری پایدار نخواهند گردید: «فقط ترکیبی جامع از سیاست ها شامل محدودیت های مالی و قانونمند بر خودرو سواری و برنامه ریزی قوی تر منطقه ای، منجر به شهرهای پایدار خواهد شد.» [۱۶] همچنین، یکی از مهمترین اجزا و واحدهای تشکیل دهنده ساختار یک شهر محله می باشد که بویژه امروزه بر ایجاد محلات پایدار به عنوان کاربردی ترین مقیاسی که می تواند به پایداری شهرها بینجامد، به شدت تاکید می گردد. یک محله پایدار دارای ویژگی ها و عناصری می باشد که در عین حال باید از ارتباطاتی پیوسته و تنگاتنگ با یکدیگر نیز برخوردار باشند. این شاخصه های چهارگانه عبارتند از: [۱۷]

- سلسله مراتب فضاهای باز: مرکز و میدان محله، پارک محلی، فضای سبز بچه های نوپا و آبراه
  - ترکیب مختلط کاربریها: بخشهای کاری مختلط، بخشهای مسکونی پرتراکم و کار، بخش مسکونی
  - سامانه حمل و نقل: مسیر تراموا و اتوبوس و خیابان، مسیرهای منفک و ترکیبی پیاده و دوچرخه
  - وجود تسهیلات مناسب محلی: مغازه ها، دبستان، مکانهای عبادت، خدمات عمومی مثل قهوه خانه
- علاوه بر این، نظریه پردازان مختلف در رابطه با اصول توسعه پایدار شهری نظرات گوناگونی را ابراز نموده اند. براساس بررسی این دیدگاهها و علی رغم وجود برخی تفاوت ها به طور کلی می توان از عوامل مشترکی چون؛ نظارت، کارایی منابع، تنوع و انتخاب، نیازهای انسانی، تغییرپذیری، کاهش آلودگی، تمرکز، تمایز، پشتیبانی زیستی و خودکفایی به عنوان شاخصه های کلیدی در این زمینه نام برد. در نهایت اینکه، به طور خلاصه هر عاملی که با ماهیت طبیعت و نیز جوهره وجودی بشر هماهنگی بیشتری داشته و به افزایش کیفیت زندگی انسانها در شهرها در عین عدم کاهش کارایی بهره وری نسلهای آتی از منابع موجود بینجامد در راستای پایداری شهری خواهد بود.



نگاره شماره ۱- ابعاد کلیدی پنجگانه در طراحی شهری پایدار و جزئیات آن [۱۵]

۵- بررسی تاثیر محدوده های پیاده بر ابعاد گوناگون توسعه پایدار شهری  
 پس از بررسی اصول و اهداف توسعه پایدار شهری، در این بخش نقش حرکت پیاده به عنوان پاک ترین و طبیعی ترین گونه ترابری همچنین محدوده های پیاده که مناسب ترین بستر پیاده روی در شهرها هستند، از ابعاد مختلف تاثیرگذار مستقیم و غیرمستقیم همچون سلامت جسمی و روحی، حمل و نقل، زیست محیطی، مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در ایجاد توسعه پایدار شهری مورد بررسی قرار گرفته است:

۵-۱- نقش پیاده روی در سلامت جسمی و روحی  
 پیاده روی منافع فراوانی را در جهت سلامتی فیزیکی انسان هم به دلیل تحرک و ورزش کردن و هم برخوردار از کیفیت بهتر هوا سبب می گردد. همچنین، پیاده روی نسبت به رانندگی تنش و اضطراب و استرس کمتری را برای فرد به همراه دارد. به علاوه، محدوده محصور گردیده با درختان یا فضاهای



پارکینگ خودرو، ایمنی عابران پیاده را افزایش می‌دهد. در همین زمینه، کنفرانس Walk۲۱ خاطرنشان می‌سازد که:

«مردمی که در محلات با قابلیت پیاده روی کمتر زندگی می‌کنند، یک ساعت در هفته بیشتر از کسانی که در محلات با قابلیت پیاده روی کمتر زندگی می‌کنند، بصورت پیاده راه می‌روند و با انجام این کار ۴۰٪ از هدف فعالیت فیزیکی خود را تامین و خطر اضافه وزنشان را نصف می‌کنند. بی‌فعالیتی، بزرگترین قاتل در جوامع غربی است. هرکس که پیاده روی را ترویج کند، از این رو، یک متخصص سلامت با یک پیام حیاتی است.» [۱۸]

همچنین، پیاده روی به دلیل آنکه به فرد فرصت کشف فضاهای جدید و تحریک حس کنجکاوی را می‌دهد، می‌تواند تأثیری بسزا در ایجاد آرامش و سلامت روانی انسان ایفا نماید. در این میان، تأکید می‌گردد که انواع دیگر حمل و نقل حتی دوچرخه سواری، گرچه انسان را به مقاصد ویژه رهنمون می‌گردند اما تنها قدم زدن است که ارتباطی تنگاتنگ و کاملاً زنده را با فضاهای عمومی برقرار نموده و با ایجاد حس مکان<sup>۱۴</sup> سبب شناخت واقعی از مکان‌های شهری می‌گردد.

#### ۵-۲- حرکت پیاده عامل حمل و نقل پایدار

جابجایی در شهرها خود به تنهایی یک هدف نیست. مردم در جهت دسترسی به دیگر مردم یا چیزها حرکت می‌کنند. اما در شهرهای ماشین مدار، فعالیتها تمایل به گسترش دارند. این امر مردم را به سفرهای بیشتر و بیشتر برای همان سطح از دسترسی پیشین مجبور می‌نماید.

«پایدارترین و سالم‌ترین روش حمل و نقل، به شکل پیاده می‌باشد. حتی رانندگان وسایل نقلیه برای تکمیل سفر خود به عابران پیاده بدل می‌گردند. حمل و نقل همگانی موثر به اینکه مردم به راحتی به ایستگاهها و پایانه‌ها دسترسی پیاده داشته باشند، وابسته است. انسانها ذاتاً پویا (مایل به جابجایی) هستند.» [۱۹]

یکی از نکات اساسی در حمل و نقل پایدار تمرکز بر دسترسی درعوض جابجایی می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه امکان رسیدن به مقصد با تعداد سفرها و جابجایی کمتر فراهم گردد نوع ترابری پایدارتر خواهد بود. در شهرهای پیاده مدار در تضاد با شهرهای اتومبیل مدار که هدف تسهیل حرکت خودرو حتی به بهای جابجایی بیشتر می‌باشد، تأکید اصلی بر رسیدن انسانها به مقصد بوده و در نتیجه فعالیتها بجای گسترش تمایل به فشردگی دارند.

یکی از بزرگترین اشتباهات مدیران شهری بویژه در کشورهای در حال توسعه این تصور است که با تعریض خیابانها و اختصاص آنها به مسیر حرکت سواره مشکل ترافیک حل خواهد شد. درحالیکه فعالیت‌های انجام گرفته بخصوص در کشورهای توسعه یافته مبین این حقیقت است که با گسترش مسیرهای پیاده نه تنها کیفیت زندگی شهری و رضایت شهروندان افزایش می‌یابد بلکه معضل ترافیک نیز برطرف می‌گردد: «اگر ما شهرها را برای خودرو و رفت و آمد آنها طراحی کنیم، با افزایش تعداد خودرو و ترافیک مواجه خواهیم شد. اولین قدم در طراحی خیابان‌ها، رسیدن به این مهم است که خودروها نباید بر خیابان‌ها حاکم باشند.» [۲۰] علاوه بر این، براساس مطالعات انجام گرفته در آلمان و دیگر کشورها و برخلاف تصور رایج، ایجاد محدوده‌های پیاده نه تنها سبب افزایش تراکم اتومبیل‌ها در خیابانهای همجوار نمی‌گردد بلکه کاهش ترافیک را نیز به دنبال خواهد داشت. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱۴. Sense of Place

«شواهدی از بسیاری از خیابانهای بسته شده نشان می دهد که ۱۰٪ ترافیک به خیابانهای همجوار نمی رود. در کپنهاگ فقط ۷۲٪ از وسایل نقلیه ای که پیش از این از خیابانی که اکنون تبدیل به تفرجگاهی پیاده شده عبور می کردند، دوباره در خیابانهای موازی دیده شدند. در طول ساعات اوج ترافیک درصد ماشین هایی که به خیابانهای موازی نقل مکان کردند، به ۲۸٪ کاهش یافت. مثال دیگر نورویچ می باشد جاییکه فقط ۴۰٪ از ترافیک از خیابان لندن در محدوده اطراف بعد از بستن آن مشاهده گردید.» [۲۱]

در سال ۱۹۹۷، دولت کانادا در گزارشی که به کمیسیون سازمان ملل ارائه نمود اصول نه گانه ای را بعنوان «اصول حمل و نقل پایدار» مطرح نمود که عبارت بودند از: دسترسی، برابری، مسوولیتهای فردی و اجتماعی، سلامتی و ایمنی، آموزش و مشارکت عمومی، برنامه ریزی یکپارچه، کاربری زمین و منابع، جلوگیری از آلودگی و سلامت اقتصاد. [۲۲]

بررسی این اصول نشان می دهند که پیاده روی بصورت مستقیم یا غیرمستقیم در دستیابی به تمامی آنها به نوعی دخیل است: حرکت پیاده سبب دسترسی مستقیم و بی واسطه به مقصد می گردد، بهترین نوع جابجایی به لحاظ ایجاد برابری و عدالت اجتماعی بین همه افراد جامعه است، موجب سلامتی بوده و ایمن ترین و پاک ترین شیوه حمل و نقل می باشد، با تحریک حس کنجکاوی و درگیری تمام حواس بصری سبب مشارکت و آموزش عمومی می گردد و با برنامه ریزی یکپارچه و اتصال کامل شبکه های پیاده شهری می توان نسبت به احیاء برخی کاربریها و جلوگیری از نابودی منابع طبیعی اقدام نمود.

امروزه و بویژه در آستانه هزاره سوم، دزدگی مردم از زندگی ماشینی و تبعاتی که دنیا از قبل آن متحمل شد، نیاز به حمل و نقل پیاده و فضاهای عاری از وسایل نقلیه را بسیار پراهمیت و برجسته کرده است. از جمله در شهر بارسلون اسپانیا بلوارهایی با حق تقدم عابران بر خودروها بوجود آمده اند. در پاریس هم برای مناطقی که همواره در مسیر تردد خودروها قرار داشته و فرسوده شده اند طرح بهبود این مناطق به اجرا درآمده است. به همین ترتیب؛ «پیش بینی می شود تا اواخر قرن ۲۱ با محدود شدن منابع انرژی، طرح ایجاد شهرهای پیاده به موضوعی جهانشمول تبدیل شود و شهرها را به سمت ایجاد محله های پیاده سوق دهد.» [۲۰]

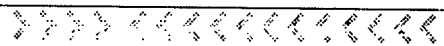
### ۳-۵- پیاده روی حافظ محیط زیست

اگر مردمان بیشتری در شهر پیاده روی را به رانندگی ترجیح دهند، مصرف سوختهای فسیلی کاهش و در مقابل کیفیت هوا افزایش می یابد و حتی ممکن است که این امر از تعریض و گسترش جاده ها و مسیرهای سواره موجود جلوگیری به عمل آورد: «در سراسر جهان، حمل و نقل موتور در بیش از ۲۰٪ از انتشار آلاینده های ناشی از فعالیتهای انسانی که به تغییر اقلیم منجر گردیده اند، سهم است.» [۲۲]

علاوه بر این، بلوارها و مسیرهای پیاده روی درختکاری شده عاملی در جهت ایجاد زیبایی طبیعت، تبدیل گاز CO<sub>2</sub> به اکسیژن و ایجاد زیستگاههایی برای پرندگان و سایر حیوانات (یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار) می باشند.

### ۴-۵- حرکت پیاده موجد توسعه پایدار اجتماعی

در اصطلاح عامیانه جامعه، پیاده روی برخوردهای مکرر غیررسمی بیشتر بین شهروندان را سبب می گردد. مسیرهای پیاده مورد علاقه عابران پیاده، تحرک بیشتری را به آن گروه از شهروندانی که رانندگی نمی



کنند یا اتومبیل ندارند، اعطا می نمایند و مشارکت و ارتباطات اجتماعی بیشتری را همچنانکه زمینه مساوات و برابری و عدالت اجتماعی گسترده تری را بوجود می آورد، فراهم می کنند. همچنین، یک عابر پیاده در مقایسه با یک اتومبیل علاوه بر آنکه بیست برابر کمتر فضا اشغال می کند قادر است که همزمان با حرکت با دیگران ارتباط برقرار کرده و تعامل داشته باشد. از همین روست که جین جیکیز متفکر فقید برجسته، هرگونه تلاش جهت توسعه فضاهای پیاده در شهرها را عاملی در جهت ایجاد سرزندگی اجتماعی در آنها می داند: «قراردادهای ایجاد و ساخت پیاده روها هرچند حقیر، غیرعامدانه و تصادفی تغییرات کوچکی هستند که از آن طریق سرزندگی حیات عمومی شهرها ممکن است رشد کند.» [۲۱] فرد کنت، مدیر برنامه ریزی شهری نیویورک در حوزه محیطی نیز مسوولیت طراحان و برنامه ریزان شهر را مهم عنوان می کند و معتقد است با سیاست گذاری در جهت تسهیل حرکت پیاده، شاهد حضور هر چه بیشتر شهروندان در خیابان های شهر و در نهایت رونق عرصه های عمومی و افزایش تعاملات اجتماعی خواهیم بود: «چنانچه آنها بیشتر فضای شهر را به عرصه های عمومی و حضور شهروندان اختصاص دهند، این عرصه ها فعال تر خواهند شد.» [۲۰] علاوه بر این، ارتباطات اجتماعی بیشتر ناشی از ایجاد محدوده های پیاده، سبب کاهش جرایم و نابهنجاریهای اجتماعی می گردد و بعلاوه همبستگی و اتحاد اجتماعی را در برابر عوامل بیرونی تهدید کننده جامعه افزایش می دهد. از همین منظر است که امروزه پیاده روی دیگر نه بصورت یک تفریح یا تفنن بلکه بعنوان یک فعالیت اجتماعی و یک حق بشری پذیرفته شده است: «مردمانی که از شهر استفاده می کنند غالباً در فرآیند برنامه ریزی نادیده گرفته می شوند. ما نیاز داریم که پیاده روی را به عنوان یک حق بشری بپذیریم، بعنوان فعالیتی که احترام و منزلت دارد.» [۱۸]

#### ۵-۵- پیاده روی عامل توسعه پایدار اقتصادی

در اثر گسترش و رونق محدوده ها و شبکه های پیاده شهری، صاحبان مغازه ها و فروشگاههای ارائه دهنده خدمات خودبخود و مشتاقانه تمام یا قسمتی از هزینه های ارتقای کیفیت کالبدی و محیطی این فضاهای عمومی شهر را برعهده می گیرند. حتی گاهی در این زمینه با یکدیگر به رقابت نیز برمی خیزند. این امر سبب کاهش صرف هزینه های عمومی و دولتی برای ایجاد زیر ساختها و امکانات و تسهیلات در این محدوده ها می گردد.

بررسی ها نشان داده است که حتی در روزهای بارانی نیز پیاده راه ها پر از افرادی بوده است که جهت قدم زدن تفریحی به این محدوده ها می آیند و به عبارت دیگر دلیل اصلی عدم استقبال مردم از یک خیابان نه بستن آن بر روی اتومبیل ها یا آب و هوای نامساعد بلکه وجود ترافیک سواره می باشد. همچنین، تجارب گوناگون مبین آن است که مکانهایی که تبدیل به محدوده صرف پیاده شده اند، در ابتدا با مقاومت شدید مغازه داران و صاحبان زمین آن منطقه همراه بوده اند اما بلافاصله پس از اجرایی شدن این پروژه، قیمت زمین و نرخ اجاره به شدت افزایش یافته و حتی به چندین برابر نیز رسیده است:

«شهرهای زیادی در آلمان از جمله اسن، کلن، هامبورگ و مونیخ همگی افزایش ۵۰٪ بازدیدکنندگان را پس از ایجاد محدوده های پیاده گزارش کرده اند. از این رو، یک پدیده جالب مشاهده شد: مردم درون ماشین ها مغازه ها را نمی بینند، اما پیاده ها می بینند. باید توجه گردد که مغازه های با مبلمان ویژه یا وسایل بزرگ در طول این خیابانها یافت نشدند یا فروش آنها کاهش یافته بود. درحالیکه مغازه های دیگر رونق پیدا کرده بودند.» [۲۱]

از سویی دیگر، محدوده های پیاده نه تنها سبب تشویق خوداشتغالی و توسعه اقتصاد خرد می گردند بلکه کاملاً همسو با اقتصاد اطلاعاتی هزاره سوم عمل می کنند: «مهم است که از یک مواجهه اشتباه بین محیط زیست و اقتصاد اجتناب گردد. اقتصاد اطلاعاتی جدید به تراکم انسانی، گردهمایی آنان و برخوردهای رو در رو بستگی دارد.» [۲۳]

#### ۵-۶- حرکت پیاده ایجاد کننده توسعه پایدار فرهنگی

در توسعه پایدار فرهنگی و بخصوص در هزاره جدید تاکید بر این است که هر فرد خود یک رسانه است و افزایش ارتباطات و توزیع اطلاعات بین افراد یک جامعه بعنوان یک شاخص مهم توسعه محسوب می گردد. و از آنجا که پیاده روی سبب افزایش برخوردهای اتفاقی و در نتیجه امکان تعامل اجتماعی بیشتر میان افراد می گردد امکان بروز اعتقادات، آداب و سنن فردی و نیز تبدلات فرهنگی را افزایش می دهد. علاوه بر این، محدوده های پیاده مکانی مناسب برای اجرای تاتر، موسیقی و نمایشگاههای هنری خیابانی هستند. از این رو نقشی بنیادین در تشویق و معرفی هنرمندان گمنام و احیای هنرهای سنتی (مانند تعزیه و مراسم مذهبی) و گسترش اطلاعات ایفا می نمایند. محدوده های پیاده از این منظر تبدیل به یک رسانه آموزشی با قابلیت پوشش طیفی وسیع از افراد جامعه گردیده که در پرورش نسل آینده و انتقال فرهنگ بومی و شفاهی و افزایش ارتباطات رو در رو تاثیرگذار خواهند بود.

#### ۵-۷- پیاده روی موجد توسعه پایدار سیاسی

امروزه، حضور آرام و مسالمت آمیز اما موثر و همیشگی مردم در صحنه تعیین سرنوشت خویش و تصمیم سازیها و تصمیم گیریهای کشور بعنوان عامل اصلی و شاخص توسعه پایدار سیاسی محسوب می گردد. در عصر حاضر و با پندآموزی از تجارب گذشته، ثابت شده است که حرکتهای خشونت آمیز و رادیکالی و انقلابی نه تنها به دموکراسی منجر نخواهند گردید بلکه مخالف اصل توسعه سیاسی پایدار نیز به شمار می روند. بنابراین تعریف، در آستانه هزاره سوم، انجام راهپیمایی به عنوان مناسب ترین شکل تایید یا اعتراض متمدنانه و پایدار سیاسی در سراسر جهان شناخته می شود. در این زمینه، می توان به راهپیمایی های گوناگون در روزهای منتهی به انقلاب در کشورمان که با پیاده روی و تجمع آرام مردمی سبب ساز تغییر با حداقل خشونت حکومت گردیدند، اشاره نمود.

#### ۶- موارد پیشنهادی جهت ایجاد یک محدوده پیاده پایدار

همانطور که درباره نقش حرکت پیاده در ابعاد گوناگون توسعه پایدار شهری بحث گردید، خود پیاده روی به عنوان یک گونه جابجایی از جنبه های مختلف فردی، حمل و نقلی، زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی باعث ایجاد توسعه پایدار خواهد گردید. بنابراین، محدوده های پیاده که مکانهای اصلی تمرکز حرکت پیاده در شهرها هستند در واقع یکی از مهمترین ابزارهای مدیریت شهری نیز به شمار می روند که با حداقل هزینه می توانند حداکثر فایده یعنی توسعه پایدار شهری را سبب گردند.

از سویی دیگر، براساس آنچه پیشتر اشاره شد، ابعاد کلیدی طراحی پایدار در شهرها در پنج زمینه کلی؛ شکل فضایی، طراحی و توسعه، تحرک، انرژی و بوم قابل بررسی هستند. براساس جزییات ارائه شده

برای هریک از این گروه‌های اصلی، به نظر می‌رسد که ایجاد پیاده راه‌ها در شهرها به ویژه از دو جنبه تحرک و شکل فضایی کاملاً همسو با ابعاد کلیدی طراحی پایدار شهری هستند. علاوه بر اینکه می‌تواند با زیست بوم و طراحی و توسعه نیز در ارتباط باشد.

در بعد تحرک، یک مورد بصورت مستقیم (در اولویت قرار دادن عامل پیاده در طراحی) و حداقل دو عامل بطور غیرمستقیم (کاهش فضای پارکینگ اتومبیل‌ها و ایجاد جریانهای ترافیکی آرام محلی) مرتبط با ایجاد محدوده‌های پیاده مدار هستند؛ توسعه پیاده راه‌ها در شهرها و برخلاف تصور عمومی رایج نه تنها سبب افزایش ترافیک در معابر همجوار نمی‌گردد بلکه براساس مطالعات گوناگون انجام گرفته در روندی کاملاً معکوس باعث کاهش استفاده از اتومبیل شخصی جهت مراجعه به محدوده نیز می‌گردد. امری که به نوبه خود کاهش فضای پارکینگ اتومبیل‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت. همچنین، ایجاد جریانهای ترافیکی آرام محلی ارتباطی تنگاتنگ با تحدید حرکت سواره به نفع عابران پیاده دارد. آنچنانکه در برخی از کشورها همچون هلند و آلمان، محدوده‌های پیاده اصولاً به شکل فضاهای طراحی شده دارای جریانهای ترافیکی آرام محلی، شناخته می‌شوند.

در ارتباط با شکل فضایی نیز به نظر می‌رسد که مواردی چون؛ تشویق به ایجاد محلات با کاربریهای مختلف و متنوع، توجه به حمل و نقل عمومی و ایجاد جاذبه در مراکز درون محله ای بصورت غیرمستقیم با ایجاد فضاهای شهری پیاده دارای پیوند می‌باشند؛ ایجاد و تقویت پیاده راه‌ها در شهرها سبب گسترش کاربریهای گوناگون و متنوع درون محلات در مقیاسهای مختلف و به ویژه خرده فروشی گردیده و به دلیل تحدید حرکت سواره و جلوگیری از عبور و مرور خودروهای شخصی هم مردم را به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی تشویق نموده و هم مسوولان مدیریت شهری را جهت سرمایه گذاری در این امر ملزم می‌نماید. علاوه بر اینکه به دلیل ماهیت محدوده‌های پیاده که با ساختار مراکز محلات پیوسته و در رابطه تنگاتنگ هستند، جاذبه این فضاها را نیز به شدت افزایش می‌دهد.

همچنین، محدوده‌های پیاده به واسطه توسعه فضای سبز که می‌تواند در حفظ و گسترش زیستگاههای پرندگان و دیگر جانوران و در نتیجه به حداکثر رساندن تنوع زیستی موثر باشد و نیز از طریق تاکید بر دورمنظرهای انتهایی با جنبه زیست بوم طراحی شهری پایدار مرتبط هستند. علاوه بر اینکه یکی از مهمترین دلایل ایجاد پیاده راه‌ها به ویژه در بافت‌های مرکزی شهری حفظ بناهای باارزش تاریخی می‌باشد که با جنبه زیست بوم طراحی شهری پایدار در ارتباط است.

با توجه به موارد فوق، مشخص می‌گردد که ایجاد و گسترش فضاهای شهری پیاده مدار خود عاملی مهم در پایداری شهرها به شمار می‌رود. در عین حال با رعایت ملاحظات و ایجاد تمهیدات و پیش بینی‌های خاصی می‌توان جذابیت‌های این گونه عرصه‌های عمومی را افزایش داده و در نتیجه بر میزان حضور عابران پیاده و در نهایت پایداری این مکان‌ها افزود. در جدول شماره ۱، بطور خلاصه پیشنهادهای جهت ساماندهی یک محدوده پیاده براساس ابعاد پنجگانه کلیدی طراحی شهری پایدار (ر.ک. نگاره ۱) ارائه گردیده است.

جدول ۱- موارد پیشنهادی جهت ایجاد یک محدوده پیاده پایدار براساس ابعاد پنجگانه طراحی شهری پایدار

ابعاد کلیدی طراحی شهری پایدار	پیشنهادات جهت ایجاد یک محدوده پیاده پایدار
انرژی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• استفاده از مواد و مصالح بومی و همساز با اقلیم در جزییات مصنوع پیاده راه</li> <li>• طراحی مبلمان و دیگر اجزا جهت استفاده بهینه از نور روز و طبیعی با توجه به نوع اقلیم</li> <li>• طراحی بدنه های پیاده راه با حداکثر هماهنگی با خط آسمان محدوده و تغییرات اقلیمی</li> </ul>
تحرك	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ایجاد پارکینگهای طبقاتی در اطراف پیاده راه جهت اجتناب از اختلال در حرکت سواره</li> <li>• استفاده از گونه ها و وسایل نقلیه همساز با حرکت پیاده جهت حمل و نقل داخلی در پیاده راه</li> <li>• ایجاد امکان دسترسی برای وسایل نقلیه اضطراری در داخل پیاده راه</li> <li>• احداث شریان های عمود بر محور اصلی پیاده راه درجهت به حداکثر رساندن دسترسی محلی</li> </ul>
بوم	<ul style="list-style-type: none"> <li>• حداکثر استفاده از گیاهان، آب و مصالح طبیعی در بهسازی محدوده و مبلمان پیشنهادی</li> <li>• توجه به چشم اندازهای طبیعی و مصنوعی و بویژه دورمنظر انتهایی</li> <li>• توجه به زیرساختهای شهری و یکپارچه نمودن آنها جهت حفاظت از چشم اندازهای بصری</li> </ul>
شکل فضایی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مکانیابی پیاده راه براساس حداکثر ارتباط با بافت محله ای و جاذبه های بالقوه و بالفعل در آن</li> <li>• به حداکثر رساندن تنوع کاربریها در داخل محدوده پیاده</li> <li>• رعایت اصل سازگاری کاربریها با یکدیگر و با محیط و بافت شهری پیرامونی</li> </ul>
طراحی و توسعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>• توجه به مقیاس انسانی در کلیه مراحل مکانیابی و طراحی</li> <li>• توجه به ابعاد انسانی در تمامی جزییات موجود و پیشنهادی</li> <li>• حفاظت از بناهای باارزش تاریخی و یا توسعه محدوده های پیاده حول این ابنیه</li> <li>• ایجاد و توسعه پیاده راه ها در بافت ها و محلات شکل گرفته شهری تا مناطق نوساز</li> <li>• توجه به الگوها و روشهای رایج و بومی ساخت در بافت موجود و پیرامونی پیاده راه</li> <li>• احترام به نظرات اکثریت کاربران محدوده از طریق نظرسنجی و مشارکت آنان در تصمیم سازی</li> </ul>

#### ۷- جمع بندی و نتیجه گیری

توسعه پایدار که به معنای تامین نیازهای کنونی بشر با در نظر گرفتن احتیاجات نسل های آتی بوده و از مفهومی چندبعدی و مشتمل بر جنبه های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی برخوردار می باشد امروزه به گفتمان غالب در کلیه فعالیت ها و سطوح علمی بدل گردیده است. در این میان، توسعه پایدار در شهرها در سطوح گوناگون؛ شهر، ناحیه، محله و ساختمان مطرح بوده و از انرژی، تحرک، بوم، شکل فضایی، طراحی و توسعه به عنوان ابعاد پنجگانه کلیدی و مفاهیمی چون نظارت، کارایی منابع، تنوع و انتخاب، نیازهای انسانی، تغییرپذیری، کاهش آلودگی، تمرکز، تمایز، پشتیبانی زیستی و خودکفایی به عنوان شاخصه های اساسی طراحی شهری پایدار نام برده می شود.

بررسی های دیگر نشان می دهند که حرکت پیاده به عنوان نوعی از فعالیت انسان مدار که از دیرباز تا کنون شکل اولیه خود را حفظ کرده است، از ابعاد مختلف سلامت جسمی و روانی، حمل و نقلی، زیست محیطی، مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی کاملا همسو و هماهنگ با اهداف توسعه پایدار شهری بوده و گسترش پیاده راهها که اصلی ترین فضاهای شهری پیاده مدار هستند می تواند به عنوان یکی از کم هزینه ترین و در عین حال کاراترین راهکارهای ایجاد پایداری شهری مد نظر قرار گیرد.

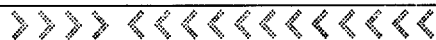
ایجاد و توسعه پیاده راه ها در مقیاس های گوناگون شهری، ناحیه ای، محله ای و تک بنا کاملا همسو و هماهنگ با اصول طراحی شهری پایدار بوده و می تواند بعنوان اقدامی کم هزینه ولی پرمفعت و در یک مدت زمانی کوتاه سبب ارتقاء کیفیت محیطی و ایجاد توسعه پایدار در تمامی ابعاد زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گردد. محدوده های پیاده در سطح شهرها همانند «کانون های رشد» عمل کرده و می توانند نواحی و فضاهای اطراف خود را تحریک نموده و سبب ارتقاء و اصلاح آنها گردند. به عبارت دیگر، دامنه اثرگذاری یک پهنه پیاده تنها محدود به قلمروی فیزیکی موجود آن نگردیده و گستره ای از فضاها و فعالیتهای شهری را دربر می گیرد.

به منظور ساماندهی محدوده های پیاده در شهرهای کشورمان بیش از هر چیز ایجاد آگاهی عمومی در سطح جامعه و مسوولان کشوری و مدیران امور شهری ضروری بوده و در مراحل بعدی تدوین یک برنامه مدون برای گسترش پیاده روی و محدوده های پیاده، تعیین یک مرجع و مدیریت واحد برای اقدامات اجرایی، ایجاد شبکه های کامل پیاده در شهرهای کشور و محدود (و نه تعریض) کردن مسیرهای حرکت سواره همزمان با توسعه حمل و نقل عمومی قابل توجه می باشد.

در نهایت اینکه، اگرچه ایجاد محدوده های پیاده به خودی خود عاملی در جهت توسعه پایدار شهری محسوب می گردد اما با رعایت مواردی چند همچون توجه به مکانیابی این فضاها در نقاط دارای پتانسیل بالقوه و دارای بافت مسکونی پیرامونی، ایجاد کاربریهای مختلط، فراهم نمودن تجهیزات و تسهیلاتی مانند حمل و نقل عمومی و زیرساخت ها، استفاده از مصالح بوم آورد در ابنیه همجوار و مبلمان موجود، توجه به مقیاس انسانی و چشم اندازهای بصری انتهایی، مشارکت دادن ساکنان و استفاده کنندگان در فرآیند طراحی، اجرا و نگهداری و... می توان بر جذابیت این فضاهای شهری و نقش آنها در پایداری حوزه های بلافصل آنها افزود.

## ۸- فهرست مراجع و ماخذ

- ۱- پاکزاد، جهانشاه، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، شرکت طرح و نشر پیام سیما، ۱۳۸۴.
- ۲- بزاز، جعفر، پیاده راه ها باید چگونه باشند، روزنامه همشهری، شماره ۳۸۳۷، ۱۳۸۴، ص ۱۶.
- 3- <http://www.code-co.com/utah/code/utcode.htm>, 24/12/2005, 16:56
- ۴- وزارت مسکن و شهرسازی، آیین نامه طراحی راههای شهری (بخش ۱۰)؛ مسیرهای پیاده، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۵.
- 5- <http://www.uan.ir/news>, 12/07/2006, 21:50
- 6- Uhlig, Klaus, Pedestrian Areas; From Malls to Complete Networks, Architecture Book Publishing Co., Inc., 1979.
- ۷- مفیدی، سید مجید، مبانی مقدماتی توسعه و طراحی شهر پایدار، طرح پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.
- 8- World Commission on Environment and Development, Our Common Future, Oxford University Press, 1987.
- 9- <http://www.wbcscd.ch/> (World Business Council on Sustainable Development), 16/01/2005, 12:55
- 10- <http://www.hamilton-went.on.ca/vis2020/thevis.pdf>, 02/03/2005, 22:48
- 11- <http://avenue.org/Gov/TJPDC/sustain.html>, 06/11/2004, 08:21
- 12- Devuyt, Dimitri, Hens, Luc, Introducing & Measuring sustainable development initiatives by local authorities in Canada & Flanders, Kluwer Academic Publishers, 2000.
- ۱۳- ماهنامه آموزش هماهنگ، آینده و کیفیت، بیانیه ریودوژانیرو؛ محیط زیست و توسعه، شماره ۱۱۳، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، ۱۳۷۹، صص ۷-۸.
- ۱۴- صالحی، اسماعیل، گزارشی از اجلاس جهانی توسعه پایدار، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۲، ۱۳۸۱، صص ۷۰-۷۵.
- 15- Mofidi, S.Majid, Climatic Urban Design, PH.D Thesis, Sheffield university, 1997.
- ۱۶- وگتر، میشل، حمل و نقل و توسعه شهر؛ تاثیرات متقابل توسعه و دسترسی، ترجمه حمید فتوحی، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۱، ۱۳۸۱، صص ۸۶-۸۸.
- 17- Rogerf, D, Toward an Urban Renaissance, 1999.
- 18- Tolley, Rodney, walk21 IV: Health, Equity & Environment: Conference Conclusions, Portland Oregon, 2003.
- 19- <http://www.gdrc.org/uem/sustran/key-issues.html>, 11/10/2007, 9:40
- 20- <http://www.uan.ir/news>, 30/07/2005, 08:09
- 21- <http://www.culturechange.org>, 15/11/2005, 20:26
- 22- <http://www.sdinfo.gc.ca/reports/en/monograph2/splash.cfm>, 06/04/2006, 11:34
- 23- <http://www.walk21.com/international.htm>, , 06/04/2006, 07:25





نقش داده های سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی  
در کاهش آلودگی های زیست محیطی و حفظ اکولوژی شهری  
مطالعه موردی کلانشهر تبریز

حسین نظم فر

دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

چکیده

توسعه روزافزون مناطق شهری، گسترش بی رویه جمعیت، افزایش مصرف مواد دارای پسماند تجزیه ناپذیر و بسیاری دیگر از دست آوردهای زندگی ماشینی باعث گشته اند که یکی از دغدغه های اساسی در مدیریت محیط زیست و حفظ اکولوژی شهری چگونگی دفع و معدوم سازی پس ماند باشد. آلودگیهای هوا، آب و خاک ناشی از عدم مدیریت صحیح و عدم انتخاب جایگاه مناسب جهت دفن پسماند، در نهایت مشکلاتی را برای محیط زیست شهروندان ایجاد می کند. امروزه سیستم های اطلاعات جغرافیایی، به طور گسترده قابلیت بکارگیری در برنامه ریزی های زیست محیطی و مسائل مهندسی را دارا میباشند. در این تحقیق ضمن استفاده از تصاویر ماهواره ای لندست از لایه های متعدد اطلاعاتی نظیر نقشه شیب منطقه، نقشه کاربری اراضی، و ... برای مکانیابی محل دفن پسماند شهر تبریز استفاده شده است که پس از استخراج لایه های اطلاعاتی مختلف، این نقشه ها به صورت لایه های قابل استفاده در محیط GIS با استفاده از دو روش بولین و فازی در جهت عملیات مکانیابی بکار گرفته شد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که شرائط اعمال شده در روش بولین، از عدم اطمینان کمتری برخوردار میباشند و با توجه به محدودیتهای قطعی که در آن اعمال میشود، مناطق مکانیابی شده نسبت به روشهای مبتنی بر منطق فازی، دارای تعداد پارامتر کمتری میباشند.

واژگان کلیدی

پسماند، تبریز، GIS، بولین، فازی

## مقدمه

توسعه روزافزون مناطق شهری، گسترش بی رویه جمعیت، افزایش مصرف مواد دارای پس ماند تجزیه ناپذیر و بسیاری دیگر از دست آوردهای زندگی ماشینی باعث گشته اند که یکی از دغدغه های اساسی در مدیریت محیط زیست شهری چگونگی دفع و معدوم سازی پس ماند باشد. هر یک از روش های مختلف دفع پسماند، به عوامل و شاخصهای زیادی بستگی دارند. اما شاید ساده ترین راه دفع پسماندهای شهری، تخلیه این مواد بر روی زمین و یا در داخل گودالها باشد. اگرچه مسائل بهداشتی و خطرات ناشی از انباشت پسماند اخیراً شناخته شده، ولی تلبار کردن پسماند در اطراف مناطق مسکونی همواره مورد اعتراض مردم بوده و به همین علت زمینهایی در فواصل دور از شهر برای دفع پسماند در نظر گرفته می شده است. حمل مواد به نقاط دور علاوه بر اینکه بر مخارج شهر می افزود، مشکلاتی را هم دربر داشت، لذا جستجو برای یافتن زمینهای مناسب در نزدیکی شهرها آغاز گردید. بدین منظور روشهای متنوعی برای دفع پسماندهای شهری، از جمله سوزاندن پسماند، تبدیل به کمپوست و... پیشنهاد شده است، اما به نظر میرسد که هنوز هم در بسیاری از مناطق شهری، بهترین روش، دفن بهداشتی است. دفن بهداشتی، خصوصاً برای شهرهای کوچک و مناطق خشک و نیمه خشک بهترین و شاید تنهاترین راه دفع پسماند باشد. هدف از طراحی و اجرای سیستم مدیریت پسماندهای شهری رفع مشکل شهر و در نهایت کمک به سلامت و بهداشت و آسایش شهروندان است. آلودگیهای هوا، آب و خاک ناشی از عدم مدیریت صحیح و عدم انتخاب جایگاه مناسب جهت دفن پس ماند، در نهایت مشکلاتی را برای محیط زیست شهروندان ایجاد میکند. لذا لازم است که مطالعات وسیعی برای برنامه ریزی، طراحی و اجرای جایگاه انجام شده و فاکتورهای مؤثر در این برنامه ریزی و طراحی را در جهت حفظ سلامت و بهداشت شهروندان و منافع آنها و حفظ محیط زیست، مورد توجه قرار داد. دفن بهداشتی پسماندهای شهری مثل هر پروژه مهندسی دیگر، به اطلاعات پایه و برنامه ریزی دقیق نیازمند است. انتخاب فاکتورهای متعدد سبب تعدد لایه های اطلاعاتی شده و کوششها برای یافتن راه حلی مناسب برای تحلیل بر روی تعداد زیاد لایه های اطلاعاتی و اخذ نتیجه صحیح، تصمیم گیران را به طور ناخودآگاه به سمت و سوی استفاده از سیستمی سوق میدهد که علاوه بر دقت بالا از نظر سرعت عمل و سهولت انجام عملیات در حد بالایی قرار داشته باشد. یکی از بهترین راه حل ها برای حل مسئله مذکور، استفاده از سیستم های اطلاعات جغرافیایی (Geographical Information Systems) می باشد. سیستم های اطلاعات جغرافیایی، که از این پس از آن تحت عنوان GIS یاد می کنیم، به طور گسترده ای قابلیت بکارگیری در برنامه ریزی های زیست محیطی و مسائل مهندسی را دارا میباشد.

## اهداف و روش تحقیق

بدون شک بر اساس آنچه که توضیح داده شد، قابلیت های GIS و توانایی های وسیع آن در فعالیت های تصمیم گیری بسیار بالا و گسترده می باشد و بدون استفاده از یک سیستم رایانه ای و توانا همچون GIS امکان بررسی و تحلیل بر روی لایه های اطلاعاتی متعدد و نقشه های مؤثر در امر مکانیابی غیر ممکن می نماید. زیرا در صورت انجام چنین عملیاتی به صورت دستی علاوه بر صرف هزینه و زمان بسیار بالا، دقت مورد نظر نیز به دست نخواهد آمد. جابجایی و تغییر لایه های اطلاعاتی جهت

اخذ تصمیم‌های متنوع در روشهای دستی بسیار مشکل و حتی گاهی غیر ممکن خواهد بود. همچنین توانایی GIS در استفاده از داده‌های ماهواره‌ای باعث افزایش توانایی این سیستم گشته و با توجه به اینکه داده‌های ماهواره‌ای از نظر به روز بودن دارای اهمیت میباشند، استفاده از این داده‌ها تصمیم‌گیر را به اخذ تصمیم‌های واقعی‌تر و به روزتر رهنمون می‌نماید.

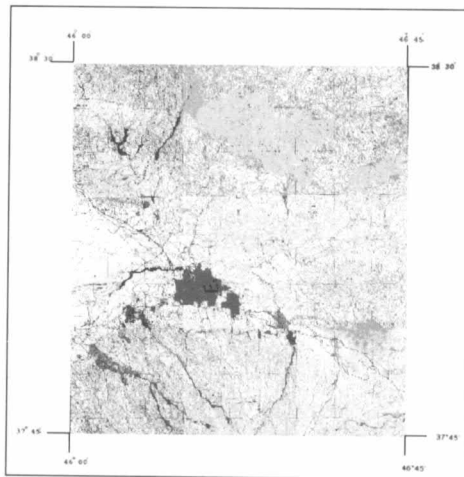
در این مطالعه با بررسی عوامل مؤثر در مکانیابی دفن پسماند، از نقشه‌های توپوگرافی منطقه لایه‌های اطلاعاتی رقومی ایجاد و وارد GIS می‌گردند و سپس این لایه‌ها با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای به روز می‌گردند و با اتخاذ روشهای مناسب، علاوه بر روش مبتنی بر منطق بولین با به کارگیری روشهای غیر قطعی (Fuzzy) در نرم افزارهای توانا در اخذ تصمیمات چند معیاره و همچنین ایجاد تغییرات مورد نظر بر روی لایه‌های اطلاعاتی، به نتیجه مورد نظر که مکانیابی محل‌های مناسب دفن پسماند میباشند، دست خواهیم یافت. شایان ذکر است که هر یک از مراحل ذکر شده دارای تأثیر مهمی در نتیجه نهایی میباشند. در این مطالعه روش کلی بر این اساس استوار است که ابتدا مناطق نامناسب غربال شده، سپس تصمیمات اساسی‌تر بر روی مناطق باقیمانده اخذ میشود و نتیجه نهایی یعنی محل مناسب برای دفن پسماند مکانیابی خواهد شد.

#### تعدادی از پیش فرضهای لازم برای انتخاب محل دفن:

- جهت مکان یابی در سیستم های GIS میبایست عوامل مؤثر، معیارها و محدودیت ها بصورت لایه های نقشه تهیه شده و مورد پردازش و تحلیل قرار گیرند. بعبارت دیگر در اجرای پروژه انتخاب مکان مناسب جهت دفن بهداشتی پسماند در هر منطقه ای باید جنبه های مختلف اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی مسئله توجه کرد و با در نظر گرفتن این جنبه ها به انتخاب محل مناسب مبادرت کرد:
- مواد زائد بایستی در منطقه ای دفن گردند که زمین آنجا از نظر اقتصادی دارای ارزش زیادی نباشد. (بدو، ۱۳۷۹)
  - محل دفن نباید در زمینی باشد که از لحاظ زمین لغزش فعال بوده و یا اینکه احتمال فعال بودن آن در آینده می رود. (عبدلی، ۱۳۷۹)
  - محل دفن نباید دارای شیب بیشتر از ۲۰ درجه باشد. (مجلسی، ۱۳۷۱)
  - محل دفن نباید در منطقه ای باشد که از نظر زیست محیطی و چشم انداز طبیعی دارای ارزش اکولوژیکی بالایی باشد مثل مناطق جنگلی (Stout, ۱۹۹۷).
  - محل دفن بایستی از مرکز شهر و همچنین مناطق مهم مثل فرودگاه فاصله مناسب داشته باشد (Sharifi, ۱۹۹۷).
  - زمین محل دفن بایستی دارای خاک کاملاً رسی با ضخامت بیشتر و با نفوذ پذیری کم باشد. (شریعتمداری، ۱۳۷۹)
  - سطح ایستایی آبهای زیرزمینی در مناطق دفن نباید بالا باشد. همچنین این مناطق باید فاصله کافی از آبهای سطحی داشته باشد. و..

### انتخاب نقشه های مورد نیاز

نقشه های مورد استفاده در این مطالعه شامل: نقشه های توپوگرافی با مقیاس ۱:۵۰۰۰۰، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نقشه های زمین شناسی با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ و ۱:۲۵۰۰۰۰، سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور بود. در این مرحله نقشه های مورد نیاز برای منطقه مورد مطالعه که در محدوده طول و عرض جغرافیایی محدوده نشان داده شده در شکل ۴-۱ می باشند، اسکن شده و با پسوند tif وارد نرم افزار R2V شده سپس هر کدام از لایه های مورد نظر رقومی گردیده و با وارد کردن مختصات زمینی به عنوان نقاط کنترل به این لایه ها مختصات واقعی داده و آنها را با پسوند SHP از نرم افزار export نموده و پس از ساخت توپولوژی برای لایه های مختلف اقدام به ویرایش خطاهای حاصل از مرحله رقومی نمودن کرده و در مورد عوارض غیر خطی برای آنها توپولوژی پلیگون ساخته می شود.



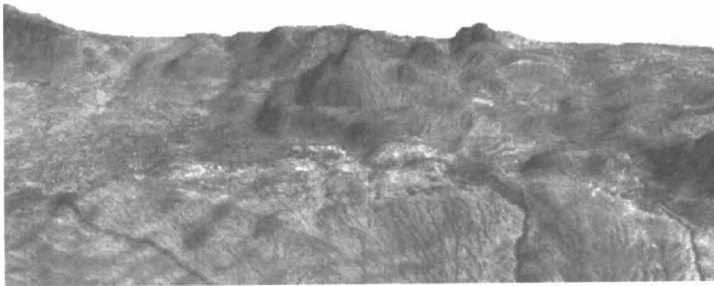
نقشه شماره ۱- محدوده جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

### نقشه شماره ۱- محدوده جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

پس از به روز کردن لایه های مختلف، مجدداً برای آنها توپولوژی ساخته و ویرایش نهایی بر روی آنها انجام شده و لایه های اطلاعاتی آماده برای ورود به GIS گردیدند. از میان این لایه ها ۱۹ لایه برای مکان یابی محل دفن انتخاب و از سایر لایه های موجود تفکیک و استخراج گردید. این لایه ها عبارتند از: ۱- محدوده شهر تبریز ۲- راه های ارتباطی (خیابان ها و راه آهن) ۳- محدوده فرودگاه تبریز ۴- محدوده مناطق مسکونی ۵- محدوده مناطق غیر مسکونی ۶- محدوده زمینهای زراعی ۷- محدوده باغات و جنگلها ۸- خطوط ارتفاعی ۹- نقاط ارتفاعی ۱۰- شبکه آب راهها ۱۱- عمق آب زیر زمینی ۱۲- چشمه ها، چاههای آب و قنوات ۱۳- آبگیرها و آبهای سطحی ۱۴- زمین شناسی ۱۵- خطوط گسل ۱۶- طاقدیسها و ناودیسها ۱۷- معادن ۱۸- چشم انداز (Viewshed) ۱۹- کاربری اراضی.

## آماده‌سازی لایه‌ها جهت محیط GIS

پس از استخراج لایه‌های اطلاعاتی مختلف، می‌بایست این نقشه‌ها را به صورت لایه‌های قابل استفاده در محیط‌های مختلف GIS در آورده و در نرم افزار مناسب جهت عملیات مکان‌یابی اقدام نماییم. (بونهام، ۱۳۷۹)



نقشه شماره ۳- نمای سه بعدی منطقه مورد مطالعه از دو موقعیت مختلف (تلفیقی از تصویر ماهواره‌ای و مدل رقومی ارتفاع)

## استاندارد سازی نقشه‌های بولین:

بر اساس آنچه که در فصل سوم اشاره شد، منطق بولین به صورت قطعی در مورد یک معیار اعمال می‌شود و بر مبنای اعداد ۰ و ۱ می‌باشد. بدین معنی که نقشه‌های استاندارد شده فقط دو مقدار صفر و یک خواهند داشت. عدد یک نشان دهنده وضعیت قابل قبول محل مورد نظر، و عدد صفر نشان دهنده نامطلوب بودن قطعی آن محدوده می‌باشد. با توجه به معیارهای بیان شده در فصل دوم نقشه‌های تهیه شده با استفاده از ترتیب بندی جدول ۱ استاندارد گردیدند:

جدول شماره ۱: حدود معیار، جهت استاندارد سازی نقشه‌ها (منطق بولین).

ارزش	حد قابل پذیرش برای مکانیابی	لایه نقشه
۱	$> 15\%$	شیب
۱	بین ۳۰-۵ کیلومتر	فاصله از شهر تبریز
۱	$< 20$ متر	عمق آب زیرزمینی
۱	$< 300$ متر	فاصله از آب‌های سطحی
۱	بین ۲۰۰۰-۳۰۰ متر	فاصله از جاده‌های دسترسی (راه آهن و خیابان‌ها)
۱	$< 200$ متر	فاصله از مراکز جمعیتی
۱	$< 200$ متر	فاصله از اراضی زراعی
۱	$< 200$ متر	فاصله از جنگل و باغات
۱	$< 3$ کیلومتر	فاصله از فرودگاه شهر تبریز
۱	$< 300$ متر	فاصله از چشمه‌ها و چاه‌ها

### استاندارد سازی نقشه های فازی

در منطق فازی، هر منطقه با توجه به مقداری که معیار مورد نظر را رعایت می کند، مقدار عضویتی می گیرد که بیان کننده میزان مطلوبیت آن ناحیه می باشد. بدین معنی که هر ناحیه با مقدار عضویت بالاتر از مطلوبیت بالاتری برخوردار است. در منطق فازی مسئله قطعیت موجود در منطق بولین وجود ندارد و هر لایه در مقیاسی بین صفر و یک درجه بندی می شود و از آن جهت که در سیستم های کامپیوتری نمی توان بیش از ۲۵۶ حالت رنگی را نشان داد می توان به جای مقیاس صفر و یک مقیاس صفر تا ۲۵۵ را مورد استفاده قرار داد. در این مقیاس ها اعداد بزرگتر مطلوبیت بیشتری خواهند داشت یعنی عدد ۲۵۵ از بالاترین مطلوبیت و عدد صفر فاقد مطلوبیت می باشد و طیفی از رنگها بین این دو عدد قرار می گیرند که هرچه به ۲۵۵ نزدیکتر می شود، مطلوبیت افزایش می یابد. علاوه بر مسئله انتخاب مقیاس جهت تهیه نقشه های فازی می بایست نوع تابع فازی را نیز مورد بررسی قرار داده و تابع مناسبتر را برای معیار مورد نظر انتخاب نمود. از جمله توابع فازی مشهور می توان از توابع Sigmoidal، Linear و J-Shape نام برد. جدول ۴-۲ مقادیر آستانه و نوع تابع فازی، جهت استاندارد سازی نقشه های معیار در منطق فازی را نشان می دهد.

جدول شماره ۲: حد آستانه و نوع تابع فازی جهت استاندارد سازی نقشه های معیار در منطق فازی.

نام تابع فازی	نوع تابع فازی	حد آستانه		لایه نقشه
		a یا c	b یا d	
Sigmoidal	کاهشی	۳	۴۰	شیب (%)
J-Shape	کاهشی	۵	۴۰	فاصله از شهر تبریز (کیلومتر)
Sigmoidal	افزایشی	۶	۳۰	عمق آب زیرزمینی (متر)
Sigmoidal	افزایشی	۱۵۰	۶۰۰	فاصله از آبهای سطحی (متر)
J-Shape	کاهشی	۱۰۰	۹۰۰	فاصله از جاده های دسترسی (متر)
Sigmoidal	افزایشی	۲۵۰	۱۰۰۰	فاصله از مراکز جمعیتی (متر)
Sigmoidal	افزایشی	۰	۲۵۰	فاصله از اراضی زراعی (متر)
Sigmoidal	افزایشی	۰	۲۵۰	فاصله از جنگل و باغات (متر)
J-Shape	افزایشی	۱	۷	فاصله از فرودگاه شهر تبریز (کیلومتر)

### اختصاص وزنه های معیار

با توجه به آنچه بدان اشاره شد، جهت انجام روش مقایسه دوتایی ابتدا تک تک معیارهای مورد بررسی را مقایسه نموده و میزان اهمیت نسبی هر جفت نسبت را با توجه به امتیازبندی جدول ۳-۳-۳ بین یک تا ۹ اختصاص داده و آن را در یک ماتریس وارد می نماییم. پس از آن وزنها و همچنین نسبت توافق (C R) را محاسبه نموده، چنانچه  $CR < 0.1$  باشد، مقایسه های انجام شده را پذیرفته و وزنه های محاسبه گشته را استخراج می نماییم.

جدول شماره ۳: وزن دهی به معیارها با استفاده از روش مقایسه دوتایی (ف.ا. مخفف فاصله از... می باشد).

وزن معیار	ف.ا. چشمه هاوچاه ها	ف.ا. اراضی زراعی	ف.ا. مراکز جمعیتی	ف.ا. جاده ها	ف.ا. آبهای سطحی	عمق آب زیرزمینی	ف.ا. شهر تبریز	ف.ا. فرودگاه	ف.ا. باغات	شیب	معیار
0.0237										1	شیب
0.0309									1	1/5	ف.ا. باغات
0.1008								1	1	5	ف.ا. فرودگاه
0.0587							1	1/2	3	5	ف.ا. شهر تبریز
0.249						1	5	5	5	7	عمق آب زیرزمینی
0.1768					1	1	3	2	5	5	ف.ا. آبهای سطحی
0.0378				1	1/4	1/6	1/4	1/3	1/4	5	ف.ا. جاده ها
0.0991			1	5	1/2	1/3	4	1/2	4	6	ف.ا. مراکز جمعیتی
0.1237		1	2	4	1/3	1/2	5	1	5	5	ف.ا. اراضی زراعی
0.0994	1	3	3	4	1/2	1/5	3	1/2	3	4	ف.ا. چشمه هاوچاه ها

### وزنهای درجه ای

وزنهای درجه ای برای استفاده در روش OWA بوده و بیان کننده اهمیت معیار دارای بیشترین مقدار می باشد. جهت استخراج وزنهای درجه ای معیارهای ارزیابی از جدول زیر که حاصل تحقیق و پرسش از کارشناسان مختلف تنظیم گردیده است، استفاده می شود.

جدول شماره ۴: ترتیب تقدم گروهی، جهت تمایز بین مکانها.

تقدم گروهی	درصد اهمیت	پدیده های مورد ارزیابی
۱- مسائل اقتصادی	۱۳.۵٪	هزینه به ریال
۲- بهداشت عمومی	۴۶.۴٪	آبهای زیرزمینی، آبهای سطحی، خدمات بهره برداری
۳- مسائل زیست محیطی	۲۴.۱٪	زراعی، بیوفیزیکی
۴- مسائل اجتماعی	۱۳.۳٪	بو، گرد و غبار، آلودگی صوتی، هماهنگی کاربری و ...
۵- مسائل فرهنگی	۱۲.۷٪	مراکز تاریخی و باستانی

در نهایت با توجه به روش AHP و با توجه به نبودن لایه اطلاعاتی مربوط به آثار باستانی و حذف آن و همچنین استاندارد نمودن وزنهای اقدام به محاسبه وزنهای درجه ای نهایی گردید.

جدول شماره ۵: وزنهای درجه ای معیارهای ارزیابی مورد استفاده در مکانیابی محل دفن.

درصد اهمیت	پدیده مورد ارزیابی	درصد اهمیت	تقدم گروهی
۲۱٪	عمق آب زیرزمینی	۴۲٪	بهداشت عمومی
۱۴٪	فاصله تا آبهای سطحی		
۷٪	فاصله از چاه و چشمه		
۱۶٪	فاصله از مناطق زراعی	۲۵٪	مسائل زیست محیطی
۹٪	فاصله از باغات و جنگلها		
۹٪	فاصله از شهر تبریز	۱۷٪	مسائل اجتماعی
۴٪	فاصله از مناطق مسکونی		
۴٪	فاصله از فرودگاه		
۵٪	فاصله تا شبکه جاده ها	۱۶٪	مسائل اقتصادی
۳٪	درصد شیب		

### تلفیق لایه ها به کمک قوانین MADM

جهت انجام عملیات مکانیابی و رسیدن به مناطق مناسب جهت دفن پس ماند، نقشه های استاندارد حاصل از مرحله قبل را می بایست جهت تلفیق نمودن آنها آماده نمود. جهت تلفیق لایه های استاندارد شده، از سه روش: (۱) منطق بولین (۲، روش WLC (SAW و ۳) روش OWA استفاده گردید، که در قسمتهای زیر مراحل هر کدام از این روشها توضیح داده شده است.

### تلفیق با منطق بولین

با استفاده از لایه های حاصل از استاندارد نمودن نقشه ها (به کمک معیارهای محدودیت) و کاربرد AND منطقی، به آسانی می توان لایه های مختلف را روی هم انداخت و مکان های مناسب برای دفن پس ماند را انتخاب نمود. جهت انجام این عملیات با کمک منو Analysis و گزینه Map Query لایه های مختلف را با استفاده از معیارهای مورد نظر استاندارد نموده، سپس به کمک گزینه MapQuery و استفاده از تابع Overlay که بصورت علامت ضرب (x) می باشد، این لایه ها روی هم اندازی گردیدند، سپس نتیجه نهایی که محللهای مناسب برای دفن پس ماند می باشد را جهت آنالیز نهایی، تبدیل به فرمت Shp نموده و با استفاده از منو Convert Polyline to Polygon پلیگونهای مورد نظر را ایجاد نموده، سپس برای تعیین مساحت پلیگونها جهت مورد پرسش قراردادن آنها و مشخص شدن مناطق با مساحت بیش از ۱۵۴ هکتار، با استفاده از Update Area & Length مساحت هر کدام را محاسبه کرده و در جدول اطلاعات توصیفی مربوطه ذخیره می نماید. جهت استخراج مناطق مناسب با مساحت بیش از ۱۵۴ هکتار از منو Query استفاده کرده و با تشکیل تابع Layer: Area > ۱۵۴۰۰۰۰، مناطق مناسب را استخراج کرده و نمایش می دهیم. نتیجه حاصل از مکانیابی با مدل منطقی بولین در قسمت ضمائم (شکل ۴) به تصویر درآمده است.



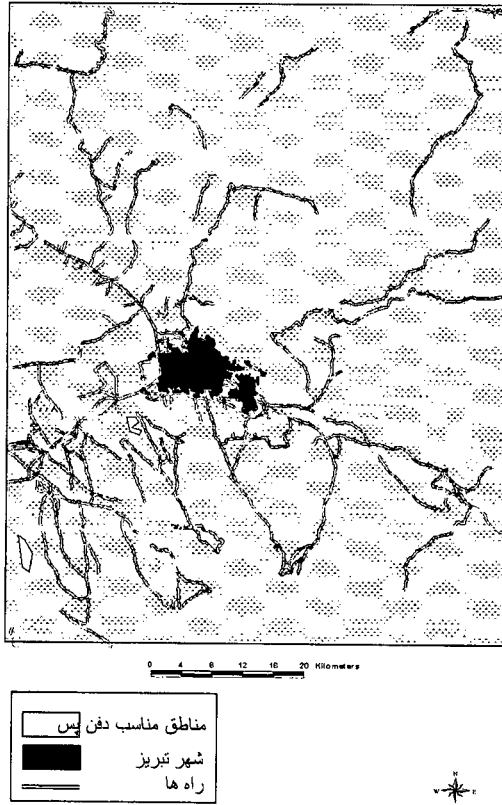
### تلفیق با منطق فازی WLC

جهت انجام عملیات تلفیق فازی و عملیات مکانیابی محل های دفن به روش WLC، با توجه به قابلیت های گسترده نرم افزار IDRISI در مسائل آنالیز تصمیم گیری چندمعیاره، از این نرم افزار استفاده گردید. در این مرحله با استفاده از منو MCE و گزینه WLC، نقشه های محدودیت و نقشه های معیار (۱۰ عدد) با اعمال نمودن اوزان متناظر (که در جدول ۳ محاسبه شده است) به عنوان وزنه های معیار تلفیق می گردند.

نتیجه حاصل از این تلفیق به صورت نقشه ای است که در مقیاس ۰-۲۵۵ استاندارد می گردد و مناطق دارای ارزش صفر نامطلوبترین می باشند، و گستره ای از رنگها که از صفر تا ۲۵۵ مرتب شده اند، جهت تصمیم گیری نهایی استفاده می شود. جهت انجام تصمیم گیری دقیق تر با بررسی تعداد (فرکانس) هر ارزش در نقشه، مناطق مورد مطالعه به چهار دسته مختلف، کلاسه بندی گردید. که کلاس اول مناطقی با ارزش ۲۳۵-۲۵۵، کلاس دوم مناطقی با ارزش ۲۱۰-۲۳۵، کلاس سوم مناطقی با ارزش ۱۵۳-۲۱۰ و کلاس چهارم مناطقی با ارزش ۰-۱۵۳ می باشد. کلاس ۲۳۵-۲۵۵ به عنوان مطلوبترین کلاس می باشد و می توان با استفاده از منو RECLASS این کلاس را از سایر کلاسه ها جدا نمود. در نهایت برای محاسبه مساحت این منطقه، با استفاده از منو AREA، مساحت آن را محاسبه کرده و می توان مناطق با مساحت بالاتر از ۱۵۴ هکتار را گزینش نمود. زمینهای این کلاس مرغوبترین زمینها جهت دفن پس ماند می باشند. نتیجه حاصل از مکانیابی به روش WLC در قسمت ضوابط (شکل شماره ۵) نشان داده شده است.

### تلفیق با منطق فازی OWA

در روش OWA با استفاده از منو MCE و گزینه OWA عملیات مکانیابی را انجام خواهیم داد. در روش OWA علاوه بر وزنه های معیار که در روش WLC استفاده گردیدند، از وزنه های درجه ای به دست آمده از جدول ۴-۵ که برابر ۰,۲۱، ۰,۱۴، ۰,۰۷، ۰,۱۶، ۰,۰۹، ۰,۰۴، ۰,۰۵، ۰,۰۴، ۰,۰۳ می باشند، استفاده شد. نتیجه حاصل همانند روش OWA نقشه ای است که از صفر تا ۲۵۵ طیف بندی شده است. همانند روش WLC این نقشه به چهار کلاس ۲۳۰-۲۵۵، ۱۵۰-۲۳۰، ۱۵۰-۱۵۰ و ۰-۱۰۰ تقسیم بندی گردیده و سپس با عملیات RECLASS نمودن هر کدام از این چهار کلاس از سایر کلاسه ها جدا گردیدند. نهایتاً با استفاده از منو GROUP کلیه مناطق بدست آمده از هم جدا و سپس با کمک منو AREA مساحت هر کدام از این مناطق محاسبه شد. در پایان مناطق با مساحت بیش از ۱۵۴ هکتار به عنوان زمینهای مورد قبول از سایر قطعات جدا گشته و نقشه نهایی تهیه گردید، که در قسمت ضوابط (شکل شماره ۷) نشان داده شده است.



شکل ۴-۳: نقشه مناسبترین مکان های دفن پس ماند در شهر تهریز، به روش Boolean.

شکل شماره ۳: نقشه مناسبترین مکان های دفن پس ماند در شهر تهریز، به روش Boolean

#### نتایج مهم حاصل از روشهای مورد استفاده:

- ۱- در روش مبتنی بر منطق بولین، با توجه به محدودیتهای قطعی که در آن اعمال می شود، مناطق مکانیایی شده نسبت به روشهای مبتنی بر منطق فازی، دارای تعداد کمتری می باشند
- ۲- اما از لحاظ اطمینان در نتایج به دست آمده، با توجه به بهترین شرایط اعمال شده در روش بولین، نتایج حاصله از عدم اطمینان کمتری برخوردار می باشند
- ۳- منطق بولین در مناطقی که دارای محدودیت زمین می باشیم مناسب نمی باشد زیرا قدرت تصمیم گیری تنها با توجه به محدوده مقدار معیارها تحت تأثیر قرار گرفته و قدرت مانور در تصمیم گیری تنها با تغییر این محدوده ها قابل افزایش می باشد
- ۴- ررسی دو روش فازی اعمال شده در این تحقیق که شامل روش WLC و OWA می باشد، مشخص می گردد که روش WLC علیرغم سادگی آن، دارای معایبی میباشد، از جمله اینکه در این روش مناطق زیادی مکان یابی میگردند که ممکن است مناسب نباشند.

۵- الگوریتم OWA با استفاده از وزنهای درجه ای این قدرت را به تصمیم گیر میدهد که عوامل مهمتری را که از نظر او مسئله مکان یابی را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهند با همان اهمیت در مسئله قرار دهد و در اثر این برتری، نتیجه حاصل از مکانیابی به روش OWA دارای قدرت تفکیک بهتری بین طیفهای موجود در آن می باشد.

#### پیشنهادهای:

- مطالعه دقیق سطح آبهای زیرزمینی در منطقه مکان یابی شده و اطمینان از قابل نفوذ نبودن محل دفن نسبت به شیرابه پسماند.
- مطالعه خاکشناسی و زمین شناسی دقیق منطقه مکانیابی شده از لحاظ بررسی جنس سنگ بستر و مطالعه منطقه از نقطه نظر نفوذپذیری، دانه بندی و سایر پارامترهای مربوطه.
- مطالعات هیدرولوژیکی در منطقه گزینش شده، از نقطه نظر میزان بارش، جریان روان آبهای سطحی و... مطالعات اقتصادی و اجتماعی در منطقه مکانیابی شده از لحاظ بررسی ارزش زمین و نوع مالکیت در منطقه مطالعه شده، همچنین بررسی مقبولیت مردمی در اطراف منطقه مکانیابی شده و آگاهی رسانی به ساکنین اطراف منطقه موردنظر.

### منابع:

۱. بدو، کاظم، " مکان یابی و انتخاب محل دفن زباله " مجموعه مقالات همایش دفن مهندسی - بهداشتی مواد زائد شهری، جهاد دانشگاهی دانشکده فنی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۲. بونهام، گریم - کارتر، " سیستمهای اطلاعات جغرافیایی برای دانش پژوهان علوم زمین "، ترجمه: سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی، سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳. شریعتمداری، نادر، " مراحل طراحی و اجرای مدفن بهداشتی مواد زائد "، مجموعه مقالات همایش دفن مهندسی - بهداشتی مواد زائد جامد شهری، جهاد دانشگاهی دانشکده فنی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۴. عبدلی، محمد علی، " مدیریت دفع و بازیافت مواد زائد جامد شهری در ایران " مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری - وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداریها، ۱۳۷۹.
۵. مجلسی، منیره، نوری، جعفر، " مکان یابی و مدیریت محل دفن بهداشتی "، سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران، ۱۳۷۱.

6. Sharifi, M, A ; vanwesten, C, j : " siteselection for wasted is posal through Spatial Multiple Criteria Decision Making", ITC, 1997.
7. Stout, D; " siting a regional landfill in south west Missori", Missori university environmental research, 1997.
8. Stout, D; " siting a regional landfill in south west Missori", Missori university environmental research, 1998.

مدیریت ارتباط با مشتری / شهروند در بستر مدیریت شهری عامل موثر بر توسعه پایدار شهری  
مدل: مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷

شکراله عنایتی

استاد دانشگاه و رئیس مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ شهرداری تهران

محمدباقر فرهنگ

پژوهشگر باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج و  
مشاور پژوهشی مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف

چکیده

امروزه با افزایش رقابت در میان تولیدکنندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات، مشتریان هر سازمان مهمترین سرمایه آن بوده و بقای سازمان منوط به وفاداری آنان می باشد. در واقع اولین دلیل برای تعیین رضایت مشتریان، حفظ بقای آنها است.

پژوهش حاضر در صدد بود میزان رضایت مشتریان منطقه ۲ شهرداری تهران را از کیفیت، عملکرد و بطور کلی از کارکرد مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ بسنجد تا بتواند با نمونه برداری از یکی از بزرگترین مناطق تهران قدم در راه اثبات میان ارتباط موثر میان شهروندان و مدیریت شهری بگذارد. به همین منظور جامعه آماری شامل کلیه ساکنین و شاغلین یکسال گذشته منطقه ۲ بود که در طی این یکسال حداقل یکبار با مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ تماس گرفته و داوطلب شرکت در این تحقیق بوده اند.

بدین منظور پژوهشگر از طریق فرمول تعداد حجم نمونه که باید ۲۰ الی ۲۵ برابر سوالات پیش بین باشد، تعداد ۱۶۰ نفر را به عنوان تعداد حجم نمونه انتخاب نمود.

به منظور جمع آوری نظرات مشتریان در این خصوص، پرسشنامه محقق ساخته ای با ۱۶ سوال که در آن گویه های مختلفی با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه ای مطرح شده بود در بهار ۱۳۸۸ بین افراد نمونه توزیع شد.

این پرسش ها از نظر محتوایی روا و از روش ضریب آلفای گرونباخ ۰/۸۹۹ معتبر بود. نتایج پرسش نامه ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و محاسبه جداول فراوانی، درصد و ... مورد تجزیه و تحلیل و بحث و تفسیر قرار گرفت و مهمترین پارامترهای رضایت یا نا رضایتی مشتریان از این مرکز استخراج شد.

نتایج پژوهش تا حدودی هم راستا با پژوهش های پیشین انجام شده در مورد شهرها و مناطق دیگر بود. بطور کلی با توجه به نتایج بدست آمده از گویه های پرسشنامه بیشترین توفیق مرکز ۱۳۷ در برقراری ارتباط موفق و مناسب شهرداری با مشتریان و همچنین نحوه برخورد مناسب اپراتورهای ۱۳۷ بوده است. از طرفی کمترین میزان رضایت به میزان سرعت ارائه خدمات شهرداری از طریق مرکز سامانه ۱۳۷ و وجود فرآیند مناسب برای ردیابی علایق و سلیق مشتریان اختصاص داشته است.

پژوهشگر پس از انجام این پژوهش و با توجه به نتایج برآمده از دل تحقیق، به ارائه برخی پیشنهادها و توصیه های کاربردی پرداخته است.

واژگان کلیدی

رضایت شهرداری مرکز سامانه مدیریت شهری (۱۳۷) شهروند مداری توسعه پایدار

## ۱- مقدمه

تمدن امروز دنیا، تمدن شهری است. چون طی نیم قرن شاهد گسترش شهرنشینی بی سابقه ای بوده ایم به همین دلیل، بسیاری از کشورهای جهان دچار بحران شده اند. در حال حاضر روند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر شده و به نوبه خود مسائل و مشکلات بی شماری را برای ساکنین شهرها و مخصوصاً برای کسانی که بخشی از مدیران شهری تلقی می شوند پدید آورده است. به اعتقاد هانتینگتون، امروزه حل مسایل شهری، جز با شناختن نیازها، خواسته ها و طرز تلقی شهروندان امکان پذیر نیست و شناخت مسایل جز با پژوهش های اجتماعی در این زمینه ممکن نیست. این پژوهش ها در کشورهای پیشرفته صنعتی شگفت انگیز است. از جمله آن در سیاستهای برنامه ریزی شهری می باشد.

بر همین اساس، ایجاد مرکز سامانه مدیریت شهری (۱۳۷) در شهرداری تهران برای پاسخگویی سریعتر و بهتر به شهروندان با فلسفه هدایت و کنترل مشکلات شهروندان، ساماندهی آنها، شناخت مشکلات مردم و ایجاد پل ارتباطی میان شهردار و مشتریان شهرداری (شهروندان) در سال ۸۴ راه اندازی شد. لذا این مرکز با هدف ارائه سریعتر خدمات شهری و رفع معضلات شهری مربوط به شهر تهران شکل گرفت.

با توجه به اهمیت این موضوع، نیاز به ارزیابی عملکرد این مرکز بیش از پیش احساس گردید. این که این مرکز به عنوان بخشی از سیستم مشتری مدار (ارتباط با مشتری) تا چه حد توانسته است پاسخگوی نیاز مشتریان در ارتباط با برطرف کردن معضلات شهری بوده و رضایت آنان را در دستیابی به خدمات مناسب شهری برآورده نماید موضوع پژوهش حاضر می باشد.

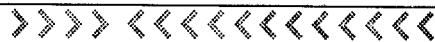
## ۲- تعاریف

۲-۱ مدیریت شهری: بنا به تعریف مدیریت شهری عبارتست از «اداره امور شهر به منظور ارتقای مدیریت پایدار و همچنین یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیر رسمی موثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره و کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهری

۲-۲ برنامه ریزی شهری: برنامه ریزی تا کنون با جملات گوناگونی تعریف شده است، اما بطور خلاصه می توان گفت که برنامه ریزی شهری یعنی سامان دهی کالبدی فضای شهر. این گونه از برنامه ریزی در واقع همان شهرداری است که می توان آن را چنین تعریف کرد: «ساماندهی کاربری زمین برای یک محیط کالبدی شایسته زندگی مدنی سالم».

۲-۳ مشتری: همان کسی است که نیازش را خود تعریف می کند، کالاها و خدمات تولیدی شرکت را مصرف می کند و حاضر است بابت آن هزینه مناسبی بپردازد.

۲-۴ رضایت: مقدار احساسی است که در اثر رفع انتظارات مشتری و یا افزودن به انتظاراتش به وی دست می دهد.



### مدیریت شهری در یک تعریف جامع

سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است. با توجه به اینکه شهرداری نظام باز است، مدیریت شهری بیش از حیثه کالبدی شهر را در بر می‌گیرد. با وجود تنوع مفهومی مدیریت شهری که ناشی از تنوع نگرش‌های موجود است.

### اصول مدیریت شهری

- گسترش و پیچیدگی مفهوم مدیریت شهری آن‌چنان است که به هیچ‌گونه نمی‌توان شهرداری را معادل مدیریت شهری دانست، مدیریت شهری مترادف است با همه بازیگران عرصه شهر و نقش شهرداری، به عنوان هسته مرکزی مدیریت شهر، نظارت، راهبردی و جلب مشارکت سایر بازیگران است. مدیریت شهری، جامع‌نگر است، تمام عرصه‌های عملکردی - کالبدی شهر را در بر می‌گیرد.
- اهداف توسعه شهر مهمترین مسایل و فرصت‌هایی مورد توجه مدیریت شهری است این اهداف برای ارزیابی و کارآیی و اثر بخشی مدیریت نیز کاربرد دارد و از سوی دیگر تعیین کننده و ظایف مدیریت شهری است. به عنوان مثال، اگر توسعه اقتصادی - اجتماعی در اولویت باشد، اقدامات اصلی که باید برای بهبود شرایط زندگی شهروندان بر مبنای این هدف انجام شود، نسبت به هنگامی که توسعه کالبدی در اولویت است، قضاوت و خواهد بود.
- مدیریت شهری، تنها در پی دستیابی به اهداف نیست، بلکه مستلزم انجام اقدامات لازم برای تداوم و استمرار دستیابی به اهداف نیز هست.
- مدیریت شهری می‌تواند موجب اجرای اقداماتی معین از سوی دیگران باشد و در اینجا اجبار یا کنترل دیگران مورد نظر نیست، بلکه انگیزه دادن، راهنمایی و هدایت و تجلی مشارکت ابزارهای مدیریت شهری برای تحقق اهداف هستند.

### وظایف مدیریت شهری = تمرکز زدایی

۱. مدیریت زمین شهری
۲. مدیریت خدمات و زیر ساختمان‌های شهری
۳. مدیریت محیط زیست شهری
۴. ارتقاء رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم (کاهش فقر شهری)
۵. برنامه‌ریزی استراتژیک

### نظریات مدیریت شهری

۱. نظریه مدیریت مداری شهری
۲. نظریه نیازسنجی شهری
۳. نظریه مشارکت شهری
۴. نظریه توسعه پایدار شهری
۵. نظریه مدیریت شهری به مثابه یک نظام سیستمی
۶. نظریه مدیریت شهری به عنوان سیستمی پیچیده، رویکردی نو به پایداری
۷. نظریه مدیریت واحد شهری

با توجه به محور موضوع در حوزه مدیریت شهری و مدل مورد مطالعه مرکز سامانه ۱۳۷، به نظریه مدیریت واحد شهری پرداخته می‌شود. البته آنچه در مورد مدل مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ قابل توجه است تبعیت و بهره‌گیری از کلیه نظرات فوق است که نمایشگر پیشتازی این سامانه مدیریت در شهر تهران است.

### نظریه سیستم واحد مدیریت شهری

• نیازهای وسیع شهروندان در همه زمینه‌ها از سویی و سیاست‌های متعدد و فراوان مدیران و برنامه‌ریزان برای پاسخگویی به این نیازها از سوی دیگر همگی تنها فضایی را فراهم آورده است که بدلیل عدم هماهنگی دستگاهها و سیکل معیوب اداره شهر، اثر گذاری سیاست‌ها، جای خود را به تحلیل نیروی انسانی و منابع مالی موجود داده و هر دستگاه، دیگری را مسئول ضعف‌ها و نقایص می‌داند: مدیریت شهری نوعی نظام اداری است که شامل افراد و یا تشکیلهایی است به اشکال مختلف دولتی یا غیر دولتی در شهر ایجاد شده‌اند و با یکدیگر در ارتباط هستند.

• مدیریت شهری از نوع سیستم‌های باز و بسیار پیچیده و انسانی است با توجه به جدیدترین مبانی نظری وظایفی چون مدیریت زمین شهری، مدیریت خدمات و زیرساختهای شهری، مدیریت محیط زیست شهری، ارتقاء رشد اقتصادی در بهبود شرایط زندگی مردم (کاهش فقر شهری) و برنامه‌ریزی استراتژیک و مدیریت آن آفرین تصمیم‌گیرنده و هسته اصلی در مدیریت شهری خواهند بود، را بر عهده دارند.

• مدیریت شهری، ساماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر که به عنوان الگویی برای مدیریت و توسعه سکونت‌گاههای شهری اعم از کوچک، بزرگ و مادرشهر مطرح می‌شود.

• واژه «مدیریت شهری» در برابر «تفرق سطوح شهری» است. و تفرقی که ناشی از ایفای نقش ناهمگون بازیگران متعدد شهری است. در حالیکه شهر سیستمی یکپارچه در مدیریت و برنامه‌ریزی هماهنگ را طلب می‌کند.

### تعریف سیستم مدیریت شهری

یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزاء رسمی و غیر رسمی موثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی شهری با هدف اداره، هدایت و کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه. در دیگر تعاریف:

الف) مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر با سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها و عملیاتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با دسترسی به زیر ساختهای اساسی مسکن و اشتغال هستند. کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی و رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت و انگیزه‌های سیاستمداران و اشخاص استفاده کننده از این سیاست‌ها دارد. تحت این شرایط، چارچوب و ویژگی های سازمانی حکومت و مدیریت شهری و به ویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تاثیر بسیار تعیین کننده‌ای در موفقیت آن ایفا می‌کند.

ب) مدیریت شهری و نه هیچ یک از اصطلاحات دیگری از قبیل شهرداری و مدیریت حکومتی محلی نمی‌تواند به عنوان زیر مجموعه‌ای از حکومت محلی تعریف شود و با عنوان شهرداری مورد اشاره قرار



گیرد. مشخصات شهرداری از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اما می‌توان حوزه شهرداری را بطور کلی با خصوصیات زیر تعریف کرد. ناحیه‌ای که بوسیله مرزهای اداری معین مشخص شده است، ویژگی مسلط شهرداری دارد، معمولاً توسط یک مجموعه از مأمورین برگزیده محلی اداره می‌شود و در محدوده یک واحد حکومتی بالاتر مثل فرمانداری قرار دارد.

### مولفه‌های اصلی سیستم مدیریت شهری

الف) مدیریت شهری واجد صفات لازم برای یک سیستم، از نوع سیستم‌های باز و بسیار پیچیده انسانی و اجتماعی است که با عناصر و روابط بسیار متعدد و متنوعی مواجه است. لذا ضروری است تا تمام این عناصر در چارچوب همین روابط سیستماتیک قرار گرفته و جایگاه، نقش و وظایف آنها در هماهنگی با ملاحظات و نیازهای همین چارچوب تعریف و تبیین شوند

ب) داده‌های سیستم مدیریت شهری خواسته‌های دولت و شهروندان هستند و ستاده‌های آن در طی فرآیندی از برنامه‌ریزی، طرح و اجرا بدست می‌آیند، توسعه کمیت و کیفیت زندگی شهری است.

ج) مدیریت شهری به عنوان یک سازمان نیز از پیچیدگی زیادی برخوردار است و از نوع سازمان‌هایی محسوب می‌شود که به علت گستردگی و تنوع درونی و محیطی زیاد با درجه بالایی از «نامعلومی‌ها»، «قیود» و «عدم قطعیت» مواجه بوده و سازمان غیر رسمی در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

د) هدف کلی سیستم مدیریت شهری تامین و ایجاد زمینه و محیط مناسب برای زندگی راحت، امن و کارآمد شهروندان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی است. بر این اساس مدیریت شهری دارای ابعاد مختلف مدیریت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است.

ه) محیط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تاثیر بسیار زیادی بر کارایی سیستم مدیریت شهری و چگونگی عملکرد آن دارد. از جمله مهمترین ویژگی‌ها می‌توان به میزان میل به مشارکت شهروندان، میزان مشارکت پذیری نظام سیاسی اداری، میزان ثبات سیاسی، میزان و چگونگی دخالت و ارتباط دولت مرکزی و بخش عمومی با مدیریت شهری، الگوی اداری و سازمانی حاکم بر کشور و شهر ویژگی‌های اقتصادی کشور، شهر و شهروندان اشاره کرد.

و) سیستم مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه‌ای از حکومت محلی، جزئی از نظام سیاسی و اداری کلان حاکم محسوب می‌شود. و از اصول و ملاحظات عمومی و اختصاصی آن تبعیت می‌کند در این مفهوم هر جامعه‌ای نیازمند الگویی مدیریت شهری متناسب و اختصاصی خود بوده و الگوی جهانشمول وجود ندارد.

ز) چارچوب سازمانی مدیریت شهری از عوامل بسیار موثر در کارایی آن به شمار می‌آید و می‌توان عامل زمینه‌ای موفقیت یا شکست آن باشد

ل) چارچوب سازمانی مدیریت شهری، تمام سیستم شهری را تحت پوشش قرار می‌دهد و از تمام پتانسیل رسمی و غیر رسمی اداری، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی شهر بطور هماهنگ استفاده می‌کند، اما در هر حال شهرداری هسته مرکزی و اصلی این چارچوب محسوب می‌گردد

## مدیریت شهری در آسیا

توسعه برنامه‌ها مدیریت شهری در گرو تلاش ممارست شهرها در جهت پیشرفت و رفاه منابع انسانی میسر می‌شود؛ این اقدامات عبارتند از جذب مشارکت‌های دولتی، بهره‌وری اقتصادی حفظ تساو و عدالت اجتماعی، کاهش فقر و بهبود شرایط زیست محیطی، این اقدامات در سایه استفاده بهینه و توزیع عادلانه منابع امکانپذیر خواهد بود.

مدیریت شهری طی سه مرحله از آغاز یعنی از سال ۱۹۸۶ میلادی تاکنون دستخوش یک سری تغییرات بنیانی شده است.

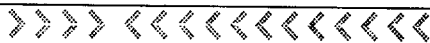
- مرحله اول برنامه مدیریت شهری (۱۹۹۱-۱۹۸۶): این برنامه‌ها بر روی تحقیقات کاربردی بر روی چهار موضوع: مدیریت اراضی، امور مالی و مدیریت شهری، زیرساخت‌ها و محیط زیست شهری و با هدف توسعه راهبردهای عملی و ابزارهای کاربردی مدیریت شهری در سطح جهانی متمرکز شده بود.
- مرحله دوم: اهداف این مرحله (۱۹۹۶-۱۹۹۲) حول محور چگونگی استفاده از این راهبردها و ابزارها در جهت ارتقای کارایی و سطح تولیدات، ابتدا به صورت منطقه‌ای و سپس بسط آن به تمام کشور می‌بوده است. در این مرحله یک مورد دیگر به چهار موضوعی که قبلاً در بالا ذکر شد، افزوده گردید. مورد پنجم کاهش فقر شهری بود. مکانیزم اساسی در این فاز اجرایی پرداختن به سطح کارایی و تولیدات از قبیل تشکل هیات کارشناسان منطقه و تاسیس کارگاه‌ها و همایش‌های مشاوره‌ای در سطح کشوری به منظور معرفی این خط‌مشی‌ها و ابزارهای کاربرد به کل کشور، معطوف می‌شد. ساختار این برنامه‌ها تمرکززدایی و واگذاری مسوولیت انجام این فعالیت‌ها به ادارات منطقه بوده است.
- مرحله سوم: (۲۰۰۱-۱۹۹۷) مرحله سوم مدیریت شهری به منظور ایجاد و تحکیم کارایی دولت، بانک‌ها و مراکز تامین اعتبار در جهت مرتفع ساختن معضلات شهری اختصاص یافت.
- مرحله چهارم: این مرحله (۲۰۰۴-۲۰۰۰) ادامه مرحله سوم بود و تنها بیشتر از قبل بر روی فعالیت‌ها و اقدامات دولتی که شرایط زندگی قشر مستمند و کم درآمد جامعه شهری رامتاث می‌ساخت، متمرکز شده بود.

هم اکنون محور برنامه‌های مدیریت شهری در آسیا به شرح زیر است:

- کاهش سطح فقر در شهر
  - مدیریت محیط زیست شهری
  - جذب مشارکت‌های دولتی
  - حل معضل آلودگی و اعتیاد در جامعه شهری
- برنامه‌هایی که در بالا بدان اشاره شد در ۱۱ ناحیه و ۲۱ شهر در آسیا اجرا شده است.

## مدیریت شهری در اروپا

در الگوی مدیریتی اروپا سه عامل مدیریتی لحاظ می‌گردد: برنامه‌ریزی، اجرای برنامه‌ها، نظارت و ارتقای برنامه‌ها، از این گذشته ویژگی‌های خاصی برای یک مدیریت مطلوب شهری نیاز است که این ویژگی‌ها شامل داشتن اطلاعات لازم در زمینه سیستم شهری، سازمان‌های مربوطه و روند فعالیت‌ها می‌باشد. همچنین باید توجه داشت که بخش خصوصی، گروه‌های فشار و عامه مردم می‌توانند در بهبود مدیریت شهری سهیم باشند و با استفاده از این‌ها می‌توان بودجه لازم جهت ارتقای وضعیت اقتصادی دستیابی



پیدا کرد. این عملکردها می‌توانند شهروندان، محیط زیست شهری و ظرفیت کارآیی و تولیدات شهر را تحت تاثیر قرار دهد. در اروپا تاکید بر این است که سیستم‌های شهر بطور کامل مورد ارزیابی قرار گیرد. نوع مدیریت شهری که در اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌بایست با چرخه زندگی شهرنشینی، که افزایش و کاهش رشد محیط زیست نشانگر آن است، سازگار باشد. شهرهایی که به لحاظ فیزیکی و اقتصادی توسعه یافته هستند. نیاز به شیوه مدیریت شهری متفاوت با شهرهای عقب مانده و دچار نقصان دارند.

از موارد دیگری که در مدیریت شهری اروپا مدنظر قرار می‌گیرد را می‌توان به وضعیت حمل و نقل شهری، مدیریت اراضی، اقتصاد شهری و منطقه‌ای، سازمان‌دهی کارآیی و حجم تولیدات در کلان شهرها اشاره کرد.

فقرزدایی:

۱. دستیابی قشر فقیر جامعه به اراضی و تامین امنیت شغلی آنها
  ۲. کمک‌های مالی هر چند جزئی به قشر کم درآمد
- خدمات تکنیکی:

۱. مدیریت بازیافت زباله
۲. مدیریت آب فاضلاب و آلودگی هوا
۳. جمع آوری عواید و مدیریت مالی

### نظریه مدیریت شهری سازمان ملل متحد برای کشورهای در حال توسعه (UMP)

اهمیت فزاینده پدیده‌های شهر و شهرنشینی و مسایل ناشی از آنها برای جوامع انسانی، به همراه لزوم حل مسایل بحرانی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود موجب شده است تا علاوه بر نیروهای و سازمان‌های ملی، تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی نیز وارد این عرصه شده و به ارائه استراتژی‌ها و سیاست‌های برای شهرنشینی بپردازند. در همین قالب، وقوف روز افزون سال‌های اخیر به نقش و اهمیت نهادهای مدیریت شهری در توسعه شهری موجب شده است تا سازمان‌های ملل متحد به عنوان فعال‌ترین عضو بین‌الملل در این زمینه، اقدام به انجام یک طرح مطالعاتی گسترده تحت عنوان «طرح مدیریت شهری» در چارچوب «طرح توسعه ملل متحد» نمایند. هدف این طرح ارائه یک رویکرد اساسی برای تقویت مشارکت شهرهای کشورهای در حال توسعه در دستیابی به رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و فقرزدایی است. در همین چارچوب طرح در جستجو بهبود و ترویج سیاست‌ها و ابزارهای لازم برای اداره امور مالی و تشکیلاتی شهرداری، مدیریت زمین، مدیریت زیر ساخت‌ها، مدیریت محیطی و فقرزدایی است.

این طرح از طریق طرح سوالات زیر می‌خواهد کار را به مرحله عملیاتی در کشورهای در حال توسعه نزدیک نماید:

- ۱- چگونگی تحریک و تجهیز منابع برای تامین مالی ارائه خدمات شهری
- ۲- چگونگی بهبود مدیریت مالی منابع مذکور
- ۳- چگونگی سازماندهی نهادهای شهری برای ایجاد کارآیی و مسئولیت پذیری بیشتر در ارائه خدمات شهری.

کل طرح مطالعاتی مذکور براساس همین اهداف و مسائل و موضوعات فرعی منشعب از آنها سازماندهی شده است که می‌توان آنها را موضوعات و زمینه‌های اصلی مرتبط با مدیریت شهری دانست.

### نظریه سیستمی مدیریت شهری و منطقه‌ای انگلستان

نظام قانونی مدیریت شهری در انگلستان در ارتباط مستقیم با نظام حکومتی و اداری این کشور قرار داد. نکته بسیار مهم در این زمینه این است که «سازمان حکومتی» و «مدیریت شهری» در انگلستان در طول چند دهه گذشته، بطور توأمان و در ارتباط متقابل با یکدیگر، بسیار تحول پیدا کرده‌اند. در واقع، نظام اداری - سیاسی انگلستان و مدیریت شهری آن، ضرورتاً، در جهت هماهنگی و همسویی با یکدیگر، گام برداشته‌اند. بطور کلی می‌توان گفت که در ۲، ۳ دهه اخیر، نقش دولت مرکزی به سمت وظایف راهبردی و نظارتی متمایل شده و برعکس به اختیارات دولت‌های محلی در عرصه مدیریت شهری (تصمیم‌گیری و اجرا) افزوده گردیده است. بنابراین نظام مدیریت شهری در انگلستان بصورت یک نظام دو سطحی عمل می‌کند. که منطبق با ساختار دو لایه حکومت (مرکزی و محلی) است

### نقش حکومت مرکزی در مدیریت شهری انگلستان

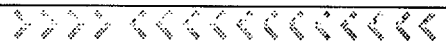
تا سال ۱۹۷۱ وظایف مدیریت شهری و روستایی در انگلستان به عهده وزارت مسکن بود، ولی در این سال با تشکیل «وزارت محیط زیست» (DDE) ابعاد و وظایف مدیریت شهری و روستایی گسترش پیدا کرد. طبق این قانون وظایف مربوط به مسکن و ساختمان، حمل و نقل، برنامه‌ریزی، دولت محلی و نیز بخشی از وظایف زیست محیطی، در وزارت محیط زیست متمرکز شده است. در واقع، به جز در اسکاتلند و ویلز، که نهادهای خاص خود را دارند، «وزارت محیط زیست» مسئول تمام وظایفی است که به محیط زندگی مردم مربوط می‌شود

### نقش دولت‌های محلی در مدیریت شهری انگلستان

نظام حکومت محلی در انگلستان در سی سال گذشته، با تغییرات اساسی روبرو شده است. از جمله می‌توان به اصلاح و تکمیل قانون قدیمی حکومت محلی (۱۹۲۶) در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶ و نیز تصویب «قانون حکومت محلی، برنامه ریزی و زمین» در سال ۱۹۸۰ اشاره کرد. نظام تشکیلات حکومت محلی به تدریج برای لندن (۱۹۶۳)، برای انگلیس و ویلز (۱۹۷۲) و برای اسکاتلند و ایرلند (۱۹۷۳) بطور رسمی و قانونی بوجود آمد. در سال ۱۹۸۶ «نظام یکپارچه حکومت محلی» در لندن و کلان‌شهرهای دیگر، جانشین نظام پیشین شد، و تغییرات بیشتری در این راستا در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ به وقوع پیوست. همراه با تجدید سازمان اداری دولت‌های محلی، تغییرات مهمی در وظایف و اختیارات آنها بوجود آمده، از جمله اختیارات آنها در زمینه تهیه، تصویب و اجرای طرح‌های توسعه و عمران افزایش یافته است.

### تشکیلات مدیریت شهری در انگلستان

بطور کلی، بریتانیا، دارای یک ساختار پیچیده حکومت محلی است که در چهار سرزمین اصلی خود، (انگلیس، ویلز، اسکاتلند و ایرلند شمالی) وظایف متنوعی به عهده دارند. این پیچیدگی در انگلیس بیشتر



است، چرا که حکومت محلی در برخی نواحی آن یکپارچه و در سایر نواحی دو لایه است. بخشی از اختیارات مدیریت شهری در بریتانیا (غیر از اختیارات حکومت مرکزی) طبق تقسیمات اداری حکومت محلی به عهده نهادهای محلی واگذار شده است. در سرزمین انگلیس، که بزرگترین و مهم‌ترین بخش بریتانیا محسوب می‌شود، تشکیلات مدیریت شهری محلی، به ۳ بخش اساسی تقسیم شده است: الف) نواحی غیر کلان‌شهری: شامل ۳۴ شهرستان، ۲۳۸ زیر ناحیه، ۱۰۲۰۰ بخش، ۴۶ مرکز یکپارچه است که هر کدام شورای خاص خود را دارند.

ب) مناطق کلان‌شهری: شامل ۵ حوزه کلانشهری (منچستر یونایتد، مرسی ساید، تین اندویر، میدلند غربی، یورکشایر غربی) که جمعاً از ۳۶ منطقه تشکیل شده و هر کدام دارای یک شورای منطقه است. ج) لندن بزرگ: شامل ۳۲ ناحیه که هر کدام از آنها دارای یک شورای ناحیه‌ای در چارچوب لندن بزرگ است

### نظریه سیستمی مدیریت شهری در آمریکا

معمولاً تصور می‌شود در کشور آمریکا، به دلیل وسعت و ثروت افسانه‌ای سرزمین و رواج آزادی اقتصادی، برنامه‌ریزی وجود ندارد، ولی این تصور تمام حقیقت نیست. بنا به دلایل بسیار، ایالت متحده آمریکا در دوران پس از جنگ جهانی دوم صاحب یک نظام پیچیده از موسسات مدیریت شهری و ضوابط برنامه‌ریزی (مثبت و منفی) شد که در دو سطح ملی - منطقه‌ای و منطقه‌ای - محلی عمل می‌کند. البته یکی از انتقادهایی که بطور مکرر از نظام مدیریت شهری ایالات متحده بعمل می‌آید این هست که هر چند مدیریت اقتصادی با مناطق بسیار بزرگ سروکار دارد، مدیریت کالبدی به مقیاس بیش از حد محلی و کوچک مشغول است، و در عمل سطح میانه مدیریت برای منطقه شهری، هر چند درباره آن بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند، زیاد منشاء اثر نیست. با وجود این مدیریت شهری در آمریکا، به علل مختلف، تاثیر چشمگیر (مثبت و منفی) در تحولات شهرسازی جهان داشته است. از جمله عوامل این تاثیر گذاری می‌توان به روابط سنتی عمیق آن با شهرسازی انگلستان، نفوذ سیاسی، اقتصادی در جهان، تعداد دانشکده‌های شهرسازی و جذب دانشجویان خارجی، تنوع تجارب و روش‌ها، و غیره اشاره کرد. برخی از دستاوردهای شهرسازی آمریکا که به سایر کشورهای جهان رسوخ یافته است عبارتند از: «ضوابط منطقه‌بندی» (Zoning)، مفهوم «واحد همسایگی»، «معماری منظر و طراحی شهری»، «استانداردهای سرانه کاربری زمین»، «مدل سازی در شهر سازی» و ...

با توجه به این ملاحظات می‌توان گفت که نظام مدیریت شهری و منطقه‌ای در ایالات متحده، اولاً، با تمام نظام‌های دیگر جهان متفاوت است.

ثانیاً بسیار پیچیده متنوع و پرتضاد است.

ثالثاً بسیار پر تحرک تغییر پذیر است.

و رابعاً علیرغم، همه مشکلات و پیچیدگی‌های خود، تاثیری بارز در شهرسازی جهان داشته است. بطور کلی می‌توان گفت که تا حدودی دهه ۱۹۶۰ برنامه‌ریزی ایالات متحده تحت تاثیر «برنامه ریزی جامع» و «طرح‌های جامع سنتی» بوده است، ولی از آن به بعد به تدریج به رویکرد راهبردی (استراتژیک) روی آورده است، اما در عین حال، هم از شکل‌گیری رویکرد برنامه‌ریزی جامعه در آمریکا و هم تحولات آن، به صورتی متفاوت از سایر کشورهای غربی بویژه اروپا، انجام گرفته است.

تحولات مدیریت شهری در آمریکا تابع عوامل زیر بوده است:

- وجود نظام فدرالیسم و عدم تمرکز
- تسلط نقش اقتصاد آزاد
- تسلط مالکیت خصوصی زمین
- تاثیر جنبش‌های سیاسی و اجتماعی

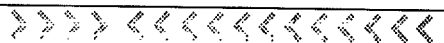
رویکرد سیستمی تقریباً به طور هم زمان در انگلستان و ایالات متحده به کار گرفته شده ولی هر یک از این دو کشور با شرایط و روش‌های ویژه خود به آن روی آوردند. در انگلستان، رویکرد سیستمی ابتدا از طرف نهادهای عمومی مسئول مدیریت مورد توجه قرار گرفت و به صورت «قانون مدیریت شهری و روستایی» در سال ۱۹۶۸ جنبه رسمی و قانونی پیدا کرد. اما در آمریکا، با توجه به ویژگی‌های نظام فدرال و نقش اقتصاد آزاد، نفوذ رویکرد سیستمی در برنامه‌ریزی به صورتی پیچیده‌تر، متنوع‌تر، پنهان‌تر و تدریجی‌تر انجام گرفت.

در واقع به دنبال توسعه نظر سایبرناتیک و سیستم‌ها در دهه ۱۹۵۰ و رواج کاربرد کامپیوتر در دهه ۱۹۶۰، جامعه سرمایه‌داری آمریکا تحت تأثیر توقعات عظیم اقتصادی، صنعتی و نظامی خود، در درجه اول به استفاده از این نظریه جدید در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی مثل فعالیت‌های صنعتی و تجاری، خدمات نظامی و دفاعی، مدیریت اقتصادی و غیره روی آورد. به همین دلیل در این کشور، انواع نظریه‌ها، روش‌ها و فنونی جدید برای افزایش بهره‌وری، افزایش سود، بهسازی مدیریت و نظارت، و تقویت قدرت پیش‌بینی و آینده‌نگری، بر اساس نظریه سیستمی و امکانات کامپیوتر، ابداع و به کار گرفته شد.

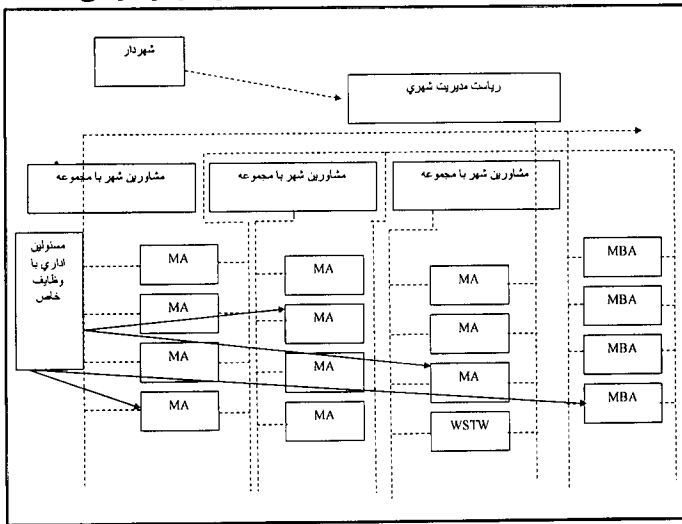
### ساختار سازمانی مدیریت شهری شهر وین

شهر وین در سال‌های اخیر به ویژه از زمان بازگشایی مرزهایش با کشورهای کمونیستی سابق در مرکز اروپا موقعیت خود را نه فقط از لحاظ جغرافیایی در مرکز اروپا بدست آورده است بلکه تعداد بیشمار بازدید کننده از غرب و شرق جهت تحسین کردن گنجینه‌های کهن این کلان شهر حکومتی به این شهر آمده و از رخدادهای فرهنگی وین لذت می‌برند. تعداد زیادی از سیاستمداران و کارمندان دولتی از شهرهای دیگر کشورها به ویژه از کشورهای همسایه اتریش به جهت دستیابی به جزئیاتی در خصوص سازمان مدیریت شهری (تقسیمات شهری) از مجموعه شهر وین بازدید می‌کنند. شهر وین ۴۱۱ کیلومتر مربع مساحت و ۱/۶ میلیون نفر جمعیت دارد. این شهر یکی از شهرهای فدرال به شمار می‌رود که پایتخت اتریش نیز هست. وین دارای یکی از بزرگترین شهرداری‌ها با تعداد زیادی سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. با نگاهی اجمالی و کافی به سازمان اجرایی شهر وین به نظر می‌رسد شهر وین از ساختار نظام‌مندی در کل کشور اتریش و همچنین عملکرد قانونی مهمی در برون مرزی برخوردار می‌باشد.

در مدیریت غیرمستقیم دولت مرکزی اتریش، سازمان مدیریت شهری (شهرداری‌ها) واحدهایی دارای صلاحیت‌های خاص و مستقل می‌باشند که توسط تشکیلات و قانون اساسی از آنها حمایت می‌شود و ممکن است دولت حکومت مرکزی و مناطق وظایف خود را به شهرداری‌ها انتقال دهد، که در این مورد البته شهرداری‌ها توسط دستوراتی که از مقامات بالاتر می‌رسد محدود می‌شوند. حجم وظایف اعمالی که توسط شهرداری‌ها انجام می‌گیرد ارتباطی با جمعیت و قالب شهرداری‌ها ندارد. شهرداری‌ها تنها در



خصوص مدیریت عمومی انجام وظیفه نمی نمایند، بلکه این وظایف در خصوص فعالیت‌ها عادی تجاری مانند شرکت‌های بازرگانی و صنعتی اعمال خواهد شد. طبق آیین نامه تنظیم شده در قانون اساسی اتریش، قدرت‌های مطلق وجود دارند که موظف به انجام وظایف شهرداری‌ها می‌باشند. به طور مثال هر شهرداری جهت انجام امور خود بدنه خاص خود را دارا می‌باشد.



### مزایای مدیریت شهری الکترونیکی

- ۱- افزایش کارایی، اثربخشی و صرفه‌جویی در مدیریت شهری
- ۲- آسایش و رفاه شهروندان در دسترسی به خدمات شهری و مشارکت بیشتر آنها در امور شهری
- ۳- انتشار سریع اطلاعات و هماهنگی بیشتر بین واحدهای اصلی و فرعی سازمان‌های شهری و کمک به اجرای وظایف شهرداری همانند توسعه زیرساختار شبکه، فرهنگ، امور آموزشی و اجتماعی
- ۴- فن آوری اطلاعات به تأمین اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری مدیران شهری سرعت و دقت می‌بخشد
- ۵- با تغییر تکنولوژی اطلاعات نیاز به مدیران میانی و واحدهای ستادی برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، گزارش‌دهی و تفسیر داده برای مدیران ارشد اجرایی کاهش می‌یابد همچنین به کارکنان سطوح پایین نیاز کمتری خواهد بود.
- ۶- تحقق حکمرانی شهری مطلوب: افزایش پاسخ‌گویی، شفافیت، مدیریت مشارکتی، عدالت اجتماعی و دیگر شاخص‌ها در مدیریت شهری
- ۷- بوروکراسی زدایی، تمرکززدایی، ساده‌سازی فرآیندها و رویه‌ها در سازمان مدیریت شهری
- ۸- کاهش ترافیک شهری و آلودگی هوا، صرفه‌جویی در وقت و انرژی (حفظ محیط زیست در راستای توسعه پایدار شهری)
- ۹- طراحی، بهینه‌سازی و مدیریت سیستم‌های ترافیک و شبکه حمل و نقل، مدیریت بحران و سوانح شهری و طراحی توسعه شهری
- ۱۰- کارکنان دانشی و کار دانشی، جایگزین وظایف ساده، تکراری و دفتری متداول در بوروکراسی کاغذ محور مدیریت شهری می‌شود

### مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷

مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ وابسته به شهرداری تهران، به عنوان مرکز هدایت و کنترل، ساماندهی فوریت های خدمات شهری، شناخت مسایل و مشکلات مبتلابه مردم و به عنوان پل ارتباطی بین شهرداری و شهروندان در راستای اصل شهروندمداری و محله گرایی و مشارکت مردمی، با هدف رفع مشکلات شهری شهروندان تهرانی با بهره گیری از آخرین متدولوژی های ناشی از انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی تاسیس شده است.

آیا به راستی با تمامی مشکلات ساختاری که در حوزه یکسان سازی سیستم های فرماندهی و کنترل در شهرها محوریت ماموریت های شهرداری تهران موجود می باشد، این امکان وجود دارد که مرکز ۱۳۷ بتواند به عنوان یک مرکز یکپارچه و هوشمند مدیریت شهری اقدام کرده و نسبت به ثبت، ابلاغ و پیگیری درخواست های شهروندان از طریق ایجاد سیستم واحد مدیریت شهری اقدام نماید؟

### رویکردهای شهرداری تهران در حوزه مدیریت شهری

رویکرد شهروندی مداری

رویکرد منطقه گرایی

رویکرد محله گرایی

رویکرد مشارکت گرایی

رویکرد نهادی - اجتماعی

رویکرد جهادی - علمی

رویکرد عدالت محوری

رویکرد تحقق شهر الکترونیکی

### اهداف تاسیس مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷

- تحقق سیستم واحد مدیریت شهری.

- ایفای نقش موثرتر در شهر الکترونیک.

- افزایش سطح مشارکت شهروندان در اداره امور شهر و بالا بردن احساس رضایت عمومی از شهرداری تهران به عنوان نهادی خدمت رسان.

- مکانیزه کردن نظام پاسخگویی به شهروندان تهرانی نسبت به معضلات و نیازمندی های اعلامی به شهرداری.

- هدفمند کردن ماموریت های شهرداری و جلوگیری از اتلاف وقت، هزینه و نیروی انسانی و تجهیزات شهری.

### ماموریت های مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷

- ایجاد پل ارتباطی بین شهردای و شهروندان

- هماهنگی و هدایت توان اجرایی برای رفع سریع و فوری مشکلات ملموس در سطح شهر با بهره گیری از کلیه تجهیزات و امکانات

- پیگیری عملیاتی و مدیانی، نظارت دقیق بر اراء و صحت عمل، بازرسی هوشمندانه جهت پاسخگویی صحیح و موثر به پیام های شهروندان

- ایجاد زمینه جلب مشارکت عمومی شهروندان و کارکنان مرکز سامانه با تبلیغات، اطلاع رسانی و آموزش همگانی برای اعتلا و ارتقاء ابعاد زندگی شهری در تهران

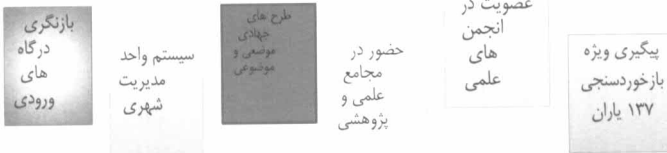


- دریافت درخواست‌های شهروندان و پاسخگویی و ارائه خدمات به صورت شبانه روزی و بدون وقفه  
- بهره‌گیری از درخواست‌های ثبت شده مردمی در سامانه ۱۳۷ و تحلیل داده‌های آماری به منظور برنامه‌ریزی دقیق در جهت رفع معضلات شهری و بهبود روش‌های موجود در مأموریت‌های محوله

حیطه عملکردی مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ با بهره‌گیری از فن آوری اطلاعات در مدیریت شهری

### حاکمیت شهری

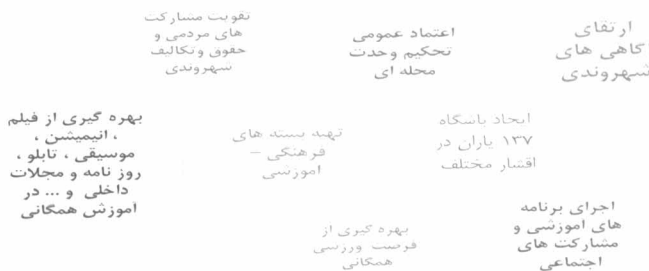
- شفافیت سازمانی و پاسخگو بودن در برابر شهروندان
- جلب مشارکت شهروندان و تعامل دو سویه با آنان
- عدالت محوری در برنامه‌های توسعه شهری
- قانون مداری و توجه به قانون در کلیه ابعاد مدیریت شهری



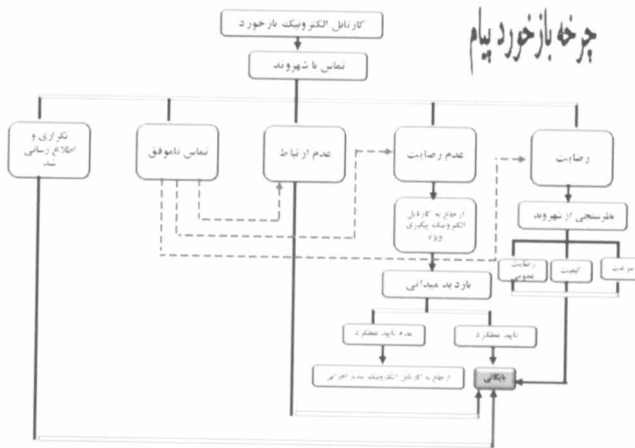
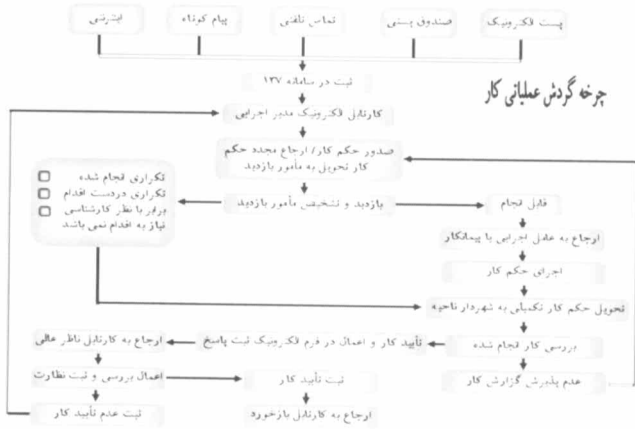
توسعه ظرفیت‌های سازمانی و مدیریت و راهبری کارآمد و هوشمند شهر



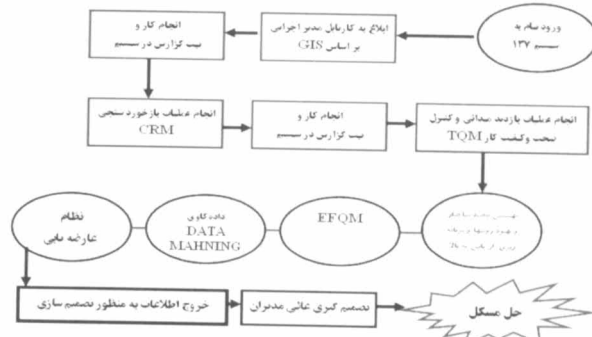
### مدیریت و مهندسی اجتماعی و فرهنگی



چارت عملیاتی گردش پیام / بازخوردسنجی / اطلاعات مدیریتی در سیستم مدیریت شهری ۱۳۷



سیستم اطلاعات مدیریتی مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷



### رویه ها و روش های انجام کار

۱. افزایش سطح آگاهی های مردمی نسبت به وظایف شهروندی خود در قبال شهر و شهرداری از طریق ارائه آموزش های شهروندی به شهروندان بپردازد ( آموزش بومی )
۲. بهبود وضعیت پاسخگویی و رسیدگی به درخواست های شهروندان از طریق ۱۳۷ با بهره گیری از توان عملیاتی رده های اجرایی
۳. شناسایی نقاط قوت و ضعف در سطح شهر از طریق پایه اطلاعات مردمی و بانک اطلاعات شهری ۱۳۷
۴. بهره گیری از متخصصان دانشگاهی و آشنا به وظایف شهرداری ها و کاربست نتایج کاربردی طرح های تحقیقاتی
۵. پیاده سازی نظام جذب وسازماندهی منابع
۶. برگزاری مستمر دوره ها و کلاس های آموزشی متناسب با جایگاه و وظایف نیروی انسانی
۷. به کارگیری نتایج حاصل از طرح استاندارد سازی زمان پاسخگویی به پیام های ۱۳۷
۸. بهبود وضعیت آموزش همگانی مردم در سطح شهر تهران از طریق روش های ارتباط با مشتری
۹. استقرار کامل سیستم اطلاعات جغرافیایی و موقعیت یاب
۱۰. انجام بازرسی ها و بازدید های میدانی تخصصی از درخواست های انجام شده توسط شهرداری با هدف ارتقای سطح کیفیت خدمات و افزایش رضایتمندی شهروندان

### برخی از نتایج تاسیس مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۳۷ که موجبات توسعه پایدار را فراهم می نماید:

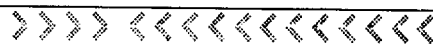
۱. ارتقای سطح تعامل میان شهروندان و شهرداری
۲. بهره گیری از ظرفیت های موجود شهروندی
۳. نظارت بر حسن انجام ماموریت های ۱۳۷ توسط شهروندان
۴. افزایش سطح اعتماد عمومی
۵. هدایت و پاسخگویی به شهروندان
۶. صرفه جویی در منابع و نیروی انسانی (اصلاح الگوی مصرف)
۷. تحقق سامانه الکترونیک مدیریت یکپارچه شهری
۸. شفاف سازی

### منابع فارسی (به ترتیب حروف الفبا):

- ۱- انصاری، محمد اسماعیل، ۱۳۷۸، مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات طرح ساماندهی فرهنگی وفاق اجتماعی و عمومی، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- پورمند، حامد، ۱۳۸۷، بررسی تحلیلی روند تغییر در کاربری اراضی شهری با تاکید بر نقش مدیریت شهری، کارشناسی ارشد مدیریت شهری، استاد راهنما محمدباقر قالیباف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۳- حسامی زند، حسام، محمدنیا، محمد، ۱۳۸۴، جایگاه استراتژیک مدیریت ارتباط با مشتریان در زنجیره تامین، فصلنامه تخصصی مدیریت، سال دوم، شماره ۵، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه.
- ۴- حافظ نیا، محمد، ۱۳۸۷، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، سمت، چاپ چهاردهم.
- ۵- حیدرعلی هومن، ۱۳۸۰، تحلیل داده های چند متغییری در پژوهش رفتاری، انتشارات رسا، چاپ اول.
- ۶- دواس، دی، ای، ۱۳۸۱، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائی، نشر نی، تهران، چاپ دوم.
- ۷- سایت شهرداری تهران / <http://www.tehran.ir> ۱۳۷/
- ۸- صرافی زاده، اصغر، ۱۳۸۳، فناوری اطلاعات در سازمان، انتشارات میر، چاپ اول.
- ۹- هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۵، سامان سیاسی در جوامع دستخوشدگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم.

### فهرست منابع لاتین

1. M Latu, Tavite – M. Everett, Andre -2000- Review of satisfaction research and measurement approach – science & resesch Internal report 183, Department of conservation .
2. Murphy, B, Kevin, J. (2002) “Us of balance scorecard to Execute CRM strategy” Gartner group.
3. Ngai, E.W.T., Xiu, L. and chau, D.C.K (2008), Application of data mining technology in customer relationship management: A literature review and classification, Expert systems with applications.
4. Pallant, Julie, , 2007, SPSS Survival manual, (Third Edition) Printed in Australia by Lingare Book .
5. Tabachnic, B.G & Fidell, L.S. ( 2007) usin multivariate statistics ( 5th edition) Boston, pearson Education



facilities, passive and active recreation nodes as well as having an ecological aspect such as a wetland that runs through it. An interconnected urban park is increasingly utilized as an effective approach for reducing air pollution.

### 9. Conclusion:

Considering the problems of ongoing development, especial preservation and exploration of environmental capacities are crucial. Stream corridors and interconnected urban parks require special attention especially during the process of development. It should be mentioned that greenspaces should be planned, designed and integrated. Some of the considerable factors in planning for development of green infrastructure include education and encouraging the people to participate in community.

### Recommendations

#### • Fill the knowledge gaps

Despite major advances in recent years about green infrastructure, there are significant gaps in knowledge and evidence about the costs, value and Appropriateness of it.

#### • Working with nature

More and more greenspace practitioners are coming to know that Working with nature or adopting an ecological approach to greenspace planning and management, not only benefits wildlife and ecosystems but is often popular with local residents and can provide a long-term sustainable development.

### References

- [1]: Morrish, W.r.(2006). Beautiful Infrastructure. Retrieved from: <http://www.sustainablecommunities.agsci.ubc.ca>
- [2]: Walmsley A. (2006). Greenways: multiplying and diversifying in the 21st century. *Landscape and Urban Planning* 76:252-290
- [3]: Shoaybi, A and Shabani, N.(2006). Conservation of stream Corridors as an urban infrastructure. Shahid Beheshti University. Tehran. Iran.
- [4]: Miller A. Patrick (2005). Greening urban infrastructures, Tehran, Iran.
- [5]: Kuchelmeister, Guido, (2005). Trees for the urban millennium: urban forestry update. Germany.
- [6]: Johnson, Bart, (1999). Humans in Nature -- Nature in the Urban Park. Lawrence Hall. retrived from: <http://www.uoregon.edu/~bartj/classes/LA389tug99.html>.

- **Implementation.** In fact, an educated, skilled and the level of education have a vital effect on sustainable development. Nations with high illiteracy rates and unskilled workers have fewer development options.
- **Decision making.** Good community-based decisions – which will affect social, economic, and environmental well-being – also depend on educated people. Development options, especially «greener» development options, emerge as education increases.. Citizens can also act to protect their communities by analyzing reports and information that address community problems and helping shape a community response.

## 6. Participation and sustainability

Involving users and those who live around greenspaces in the process of Planning, design, delivery and management is now widely accepted as a Fundamental part of promoting long-term sustainability. This is the best way to protect environment while educating people.  
In this way people will be encouraged to become more involved in their own green spaces. So they will be more responsible about protecting and respecting to it. [6]

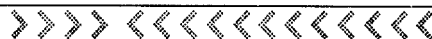
Active involvement of local residents in decision-making processes and Implementation on the ground brings considerable benefits for site management and individuals through the process of development.  
The contribution made by local residential groups to green space management is substantial. Real community ownership, especially through the engagement of new generation increases level of self-policing and can reduce levels of vandalism and anti-social behavior on site. There are several ways in which local people can be involved in the process of expansion of green infrastructure.

## 7. The green structure of stream corridors

Conservation and controlling of green areas is one of the important responsibilities of urban management.  
One of the most important natural infrastructures is stream corridor which can be conserved by planting trees and creating built environments during a time span in order to become a sustainable environment.  
The first and most basic process that structures green areas in the city is the meandering of rivers.  
River and surroundings are often offer nice walks with beautiful views on the water and on the estate parks that were planted along the river. Parks accompany the rivers in the outer parts of the city and in the inner city trees line up along the waterways and turn them into greenways. [3]  
River branches shape the urban green structure and link the inner city green areas to the surrounding countryside.

## 8. The green structure of public parks

Parks have different roles, depending on where they are situated. In the case of large regional parks, these can be multi-functional [5]. The park can accommodate sport



In their role as green infrastructure, parks and open spaces are a community necessity. Parks can also protect biological diversity and preserve essential ecological functions while serving as a place for recreation and civic engagement. They can even reduce opposition to development, especially when planned in concerns with other open spaces.

Three important features of green infrastructure are described below:

### **Ecological Services**

Greenspaces can deliver a range of important ecological services and these functions can be achieved by Carbon sink, Pollution control, Air conditioning, Microclimate control and Flood prevention.

When managed to maintain and restore natural ecological communities, greenspaces can help protect the biological diversity of local flora and fauna. When connected strategically with riparian areas, wetlands and so on, the ecological value can far exceed the value of any one park. This is because isolated natural areas can "leak" native plant and animal species and suffer from the disruption of natural ecological processes, while connected parks can thrive as a wildlife habitat system and help to restore and maintain vital ecological functions and services

- **Quality of Life**

Natural greenspaces can deliver a range of important social benefits, improving the quality of life for people who lived in a city and making populated areas more attractive and liveable.

- **Health and well-being** is one of these consequences. In this achievement people have more opportunities for recreation and exercise. greenspaces reduce stress and encourage relaxation, providing a sense of freedom and exhilaration.

- **Social cohesion** is another achievement. Being in Nature can create a focal point for life-long learning. Participation in these spaces is greater and people encouraged to contribute in their destiny.

- **Economic Value**

Natural greenspaces can increase property values, reduce management overheads, and reduce healthcare costs. In the below we show how greenspaces can affect on Economic Value.

- **Property values** will be increase by Street trees and other green structure. Shoppers are more interested to shop in tree-lined streets.

- **Management costs** can significantly reduce in ecologically self-sustaining landscapes. By planning and managing interconnected green space system, cities can reduce flood control and storm water management costs.

### **5. Education and Sustainability**

The relationship between education and sustainable development is complex. Generally, researches show that basic education is the key to a nation's ability to develop and achieve sustainability targets and enhance environmental protection.

Education directly affects sustainability plans and expansion of green Infrastructure in the following three areas:

Sustainable development is generally thought to have three components: environment, society, and economy. The well-being of these three areas is interdependent, not separated. For example, a healthy, prosperous society relies on a healthy environment to provide food and resources, safe drinking water, and clean air for its citizens. The sustainability paradigm rejects the contention that casualties in the environmental and social realms are inevitable and acceptable consequences of economic development. Thus, the authors consider sustainability to be a Paradigm for thinking about a future in which environmental, societal, and economic considerations are balanced in the pursuit of development and enhanced quality of life.

Priorities for development are human resources development and the improvement of physical infrastructure, telecommunication, energy, and transportation. These areas have been considered as vital elements for increasing the national productivity in agriculture; hydropower- generation, eco tourism, manufacturing, mining, and construction activities. It contributes to the growth of the national economy.

### **3. Definition of Green Infrastructure**

Green Infrastructure is the sub-regional network of protected sites, nature reserves, green spaces, and greenway linkages. The linkages include river corridors and flood plains, migration routes and features of the landscape, which are of importance as wildlife corridors.

Green Infrastructure should be invested, planned and designed according to, the same principles and approach that are used for built Infrastructure Of roads, sewers, and utilities. Green Infrastructure planning should be the first step in land use planning [1]. Most people associated Infrastructure with roads, sewers and utility lines (the gray Infrastructure) or hospital, schools and university and prison (the social Infrastructure)-collectively the built Infrastructure.

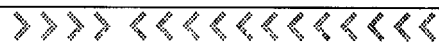
In recent decade, people especial professionals are talking about another kinds of Infrastructure which are important to «the continuance and growth of a community»- «Green Infrastructure» [2].

Just as growing communities need to upgrade and expand their built infrastructure of roads, sewers and utilities such as schools, they also need to upgrade and expand their green infrastructure, the interconnected system of green spaces that deserves natural ecosystem values and functions, filter pollutions in dirty air and water. A green infr - structure network is a community's natural life support system, the ecological framework needed for environmental and economic sustainability.

Green infrastructure should provide for multi-functional uses i.e., wildlife, recreational and cultural experience, as well as delivering ecological services, such as flood control and microclimate. It should also operate at all spatial scales from urban centers through to open countryside.

### **4. The importance of Green Infrastructure**

A green infrastructure network can create a framework for future growth while it can also ensure that significant natural and cultural resources will be preserved for future generation.







## Sustainable green infrastructure

Atefeh Ahmadi

Tehran University

### Abstract

Just as growing communities need to upgrade and expand their built infrastructure such as roads, sewers and utilities, they also need to upgrade and expand their green infrastructure, the interconnected system of green spaces that deserves natural ecosystem values and functions, sustain clear air and water and provide a wide array of benefits to people and wildlife.

By planning and managing an interconnected greenspace system, cities can reduce flood control and storm water management costs. Natural greenspaces can increase property values, reduce management overheads, and reduce healthcare costs.

Greenspace are key elements in the urban ecosystem, serving dual roles as core zones of urban nature and as multi-use recreational open space.

So it is important to plan and protect urban green infrastructure as city grows. Education is one of the most important factors to use green infrastructure in long-term.

This paper explores the most important role of green infrastructure in a city and the contribution of it. It can make towards a sustainable environment.

### Keywords

green infrastructure, sustainability, nature, greenspace

### 1. Introduction:

A new set of environmental problems is emerging around the world, as more and more people leave rural areas to seek economic opportunities and higher standard of living in cities. So ongoing urbanization and rapid suburbanization being placed more and more demands on most of the world's cities is increasing faster and faster. [4]

With more vehicles making more trips over longer distances, urban transport systems face saturation and potential collapse. This situation calls for an integrated package of solutions, including more effective management of existing infrastructure, accurate planning, and urban growth management.

In most cities infrastructure expansion and rehabilitation is also crucial.

In this context urban greening is increasingly acknowledged as a development tool which deserves ecological function and has a vital role in the sustainability of towns and cities.

### 2. Urban infrastructure:

Sustainable development is a difficult concept to define; it is also continually evolving, which makes it doubly difficult to define. One of the original descriptions of sustainable development is credited to the Brundtland Commission: «Sustainable development is development that meets the needs of the present without compromising the ability of future generations to meet their own needs» (World Commission on Environment and Development, 1987, p 43).

[www.sharifurban.ir](http://www.sharifurban.ir)



مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی



101110035320

برگزیده مقالات اولین کنفرانس بی

